

# رسالة عمليه معلولان

فتاوى آيت الله العظمى سيد على حسينى سيستانى حفظه الله



دفتري فرهنگت معلولين  
دائرة الثقافة للمعوقين  
Handicap Cultural Center



دفتر فرهنگ معلولين  
دارالثقافة للمعوقين  
Handicap Cultural Center

رساله عمليه معلولان: فتاواى آيت الله العظمى سيد على حسينى سيستانى حفظه الله

به كوشش: مريم قاسمى و اعظم قاسمى

زير نظر: محمد نورى

چاپ اول، تابستان ۱۳۹۵

ناشر: دفتر فرهنگ معلولين

آدرس: قم، بلوار محمد امين، خيابان گلستان، كوچه ۱۱، پلاك ۴

تلفن: ۰۲۵۳۲۹۱۳۴۵۲ فکس: ۰۲۵۳۲۹۱۳۵۵۲ همراه: ۰۹۱۲۵۵۲۰۷۶۵

www.HandicapCenter.com info@handicapcenter.com

## فهرست

۲۱.....	مقدمه
۲۳.....	احکام قرآن کریم، احادیث معصومین(ع) و دیگر مقدسات
۲۳.....	قرآن کریم
۲۳.....	بیرون آوردن و آب کشیدن
۲۴.....	حمل و همراه داشتن
۲۵.....	دادن به کافر
۲۶.....	زبان اشاره
۲۶.....	قرائت و کتابت
۲۸.....	لمس و مس
۳۸.....	نجس کردن
۳۹.....	احترام
۳۹.....	یادگیری
۴۰.....	احادیث معصومین(ع)
۴۱.....	اسم خداوند و دیگر مقدسات
۴۷.....	احکام تقلید و تکلیف
۴۷.....	اصول دین
۴۷.....	تقلید
۴۹.....	مقلدین معلول
۴۹.....	معلولین ذهنی
۴۹.....	معلولین حرکتی
۵۰.....	نابینایان
۵۰.....	ناشنوایان
۵۰.....	تکلیف
۵۰.....	شرایط
۵۱.....	نشانه‌های بلوغ

مرجعیت.....	۵۳
شرایط.....	۵۳
روش به دست آوردن فتوا.....	۵۴
گناه شناسی و وظایف عمومی.....	۵۵
<b>احکام طهارت.....</b>	<b>۵۹</b>
اقسام مطهرات.....	۵۹
آب.....	۵۹
اثبات پاکی.....	۵۹
تطهیر.....	۵۹
تخلی (دستشویی).....	۶۰
کیفیت آب کشیدن مخرج ادرار و مدفوع.....	۶۱
مستحبات و دیگر احکام.....	۶۱
استبراء.....	۶۱
وضو.....	۶۲
غایات.....	۶۲
لمس و مس قرآن.....	۶۳
شرایط صحت.....	۶۵
پاک بودن اعضاء.....	۶۶
انجام وضو توسط خود.....	۶۷
وقت کافی داشتن.....	۶۸
ضرر نداشتن استعمال آب.....	۶۹
فقدان مانع در اعضای وضو.....	۶۹
موالات.....	۷۰
شستن صورت و دست‌ها.....	۷۰
مسح سر و پاها.....	۷۳
بطلان وضو.....	۷۹
مسلوس و مبطون و سلیس الریح.....	۸۰
نایب گرفتن.....	۸۴
جمع وضو و تیمم.....	۹۲
مسائل متفرقه.....	۹۲

۹۹.....	وضوی جبیره.....
۱۰۰.....	شرایط.....
۱۰۰.....	وجود زخم، دمل، شکستگی یا مرهم.....
۱۰۱.....	ضرر داشتن آب یا مشکل بودن باز کردن جبیره.....
۱۰۴.....	ثابت بودن عضو جبیره دار.....
۱۰۴.....	خشک بودن جبیره.....
۱۰۴.....	پاک و غیر غصبی بودن.....
۱۰۵.....	اندازه متعارف.....
۱۰۵.....	ترتیب.....
۱۰۶.....	اجرای وضوی جبیره.....
۱۱۰.....	صورت‌های مختلف جبیره.....
۱۱۱.....	تیمم جبیره‌ای.....
۱۱۱.....	جمع وضو و تیمم.....
۱۱۲.....	دیگر احکام.....
۱۱۴.....	غسل.....
۱۱۵.....	روش اجرا.....
۱۱۶.....	نیت.....
۱۱۶.....	شرایط صحت.....
۱۱۷.....	غسل‌های واجب.....
۱۱۷.....	غسل جنابت.....
۱۱۸.....	موارد حرمت بر جنب.....
۱۱۸.....	شرط صحت.....
۱۱۹.....	غسل مس میت.....
۱۱۹.....	غسل و دفن میت.....
۱۲۱.....	محتضر.....
۱۲۱.....	نیش قبر.....
۱۲۱.....	غسل جبیره.....
۱۲۲.....	تیمم.....
۱۲۳.....	عدم دسترسی به آب.....
۱۲۳.....	ضرر داشتن استعمال آب.....

۱۲۶	.....	سختی تهیه یا استعمال آب
۱۲۷	.....	نیاز به آب برای رفع تشنگی
۱۲۷	.....	شرایط صحت
۱۲۷	.....	انجام تیمم توسط خود فرد
۱۲۹	.....	نایب گرفتن
۱۲۹	.....	چیزهایی صحیح برای تیمم
۱۳۰	.....	مبطلات
۱۳۰	.....	تیمم جبیره‌ای
۱۳۰	.....	تیمم بدل از وضو یا غسل
۱۳۰	.....	جمع وضو و تیمم
۱۳۱	.....	دیگر احکام
۱۳۴	.....	زمین
۱۳۶	.....	برطرف شدن عین نجاست
۱۳۷	.....	غایب شدن مسلمان
۱۳۹	.....	<b>احکام نجاست</b>
۱۳۹	.....	راه اثبات و تشخیص
۱۴۱	.....	بول و غائط
۱۴۴	.....	خون
۱۴۷	.....	سگ و خوک
۱۴۷	.....	شراب
۱۴۸	.....	خوردن و خوراندن نجس و منتجس
۱۴۹	.....	<b>احکام نماز</b>
۱۵۰	.....	مساجد و مشاهد مشرفه
۱۵۰	.....	مقدمات نماز
۱۵۰	.....	رعایت وقت
۱۵۱	.....	رعایت قبله
۱۵۲	.....	پاکی بدن و لباس نمازگزار
۱۵۲	.....	خون کمتر از درهم
۱۵۲	.....	خون زخم و دمل
۱۵۳	.....	حالت اضطرار و ناچاری

۱۵۴	رعایت شرایط لباس نمازگزار
۱۵۴	شرایط مشترک
۱۵۴	شرایط اختصاصی
۱۵۵	دیگر احکام لباس و بدن
۱۵۶	مکان نمازگزار
۱۵۷	وقت نماز
۱۵۸	قبله
۱۵۹	صحت نماز
۱۶۰	نیابت در نماز و سایر اعمال عبادی
۱۶۰	نمازهای واجب
۱۶۱	نمازهای روزانه
۱۶۱	نماز قضا
۱۶۳	شرایط واجب شدن نماز قضای پدر بر پسر بزرگ‌تر
۱۶۳	قضای نماز مسلوس و مبطون
۱۶۴	نیابت در نماز قضاء
۱۶۴	واجبات نماز
۱۶۵	تکبیرة الاحرام
۱۶۷	قیام (ایستادن)
۱۷۳	مستحبات قیام
۱۷۴	قرائت
۱۷۸	تسیحات
۱۸۰	مستحبات قرائت
۱۸۱	رکوع
۱۸۱	خم شدن
۱۸۴	ذکر رکوع
۱۸۵	استقرار و آرامش بدن
۱۸۶	سجود
۱۹۱	سجده‌های واجب قرآن
۱۹۲	ترتیب
۱۹۳	موالات

۱۹۳	.....	مبطلات
۲۰۱	.....	مستحبات
۲۰۱	.....	مکروهات
۲۰۲	.....	شکّیات
۲۰۲	.....	شک‌های غیر قابل اعتنا
۲۰۳	.....	شک‌های صحیح
۲۰۳	.....	نماز جماعت
۲۰۵	.....	نماز مسافر
۲۰۶	.....	نماز جمعه
۲۰۸	.....	وظایف
۲۰۸	.....	نمازهای مستحبی
۲۰۹	.....	دیگر احکام
۲۱۱	.....	<b>احکام روزه</b>
۲۱۱	.....	نیت
۲۱۲	.....	مبطلات
۲۱۲	.....	خوردن و آشامیدن
۲۱۶	.....	رساندن غبار غلیظ به حلق بنا بر احتیاط
۲۱۶	.....	اماله
۲۱۷	.....	قی (استفراغ)
۲۱۷	.....	مکروهات
۲۱۸	.....	شرایط روزه
۲۱۸	.....	بالغ و عاقل بودن
۲۱۸	.....	بیهوش نبودن
۲۱۹	.....	نداشتن ضرر یا سختی فوق‌العاده یا منع شرعی
۲۲۱	.....	عدم وجوب روزه
۲۲۲	.....	شرایط صحیح بودن
۲۲۲	.....	دیوانه یا مست یا بیهوش نبودن
۲۲۳	.....	ضرر نداشتن
۲۲۳	.....	روزه قضا
۲۲۴	.....	روزه‌خواری و مجازات آن



۲۲۵	کفّاره افطار عمدی در ماه مبارک رمضان.....
۲۲۶	فدیه سالانه.....
۲۲۷	فدیه روزانه.....
۲۲۷	روزه مسافر.....
۲۲۸	اقسام روزه.....
۲۳۱	<b>احکام خمس</b> .....
۲۳۱	منفعت کسب.....
۲۳۲	مال حلال مخلوط به حرام.....
۲۳۲	موارد استثناء از پرداخت خمس.....
۲۳۳	مصرف خمس.....
۲۳۳	شرایط استحقاق سهم سادات.....
۲۳۴	دیگر احکام.....
۲۴۱	<b>احکام زکات</b> .....
۲۴۱	شرایط زکات.....
۲۴۱	شرایط عمومی واجب شدن زکات.....
۲۴۱	شرایط اختصاصی تعلق زکات به غلّات چهارگانه.....
۲۴۲	شرایط اختصاصی تعلق زکات به طلا و نقره.....
۲۴۲	شرایط اختصاصی تعلق زکات به اُنعام سه گانه.....
۲۴۳	شرایط اختصاصی تعلق زکات به مال التجاره.....
۲۴۴	موارد استحباب پرداخت زکات.....
۲۴۴	مستحق زکات.....
۲۴۶	مصرف زکات.....
۲۴۸	نیت.....
۲۴۸	مسائل متفرقه.....
۲۵۰	زکات فطره.....
۲۵۱	مصرف زکات فطره.....
۲۵۳	مسائل متفرقه زکات فطره.....
۲۵۵	<b>احکام حج</b> .....
۲۵۵	شرایط وجوب.....
۲۵۵	استطاعت.....

۲۶۰	..... وصیت به حج
۲۶۱	..... نیابت در حج
۲۶۳	..... موارد وجوب نایب گرفتن
۲۶۷	..... میقات احرام
۲۶۷	..... کیفیت احرام
۲۶۸	..... عمره تمتع
۲۶۹	..... حج تمتع
۲۷۰	..... طواف
۲۷۱	..... شک در عدد شوطها
۲۷۲	..... سعی
۲۷۳	..... وقوف در عرفات
۲۷۴	..... وقوف در مزدلفه
۲۷۴	..... واجبات منی
۲۷۴	..... رمی جمره عقبه
۲۷۵	..... کشتن گاو یا گوسفند یا شتر
۲۷۶	..... تراشیدن موی یا کوتاه نمودن آن
۲۷۶	..... طواف حج و نماز آن و سعی
۲۷۷	..... طواف النساء
۲۷۸	..... میبت در منی
۲۷۹	..... رمی جمرات سه گانه
۲۸۰	..... مصدود
۲۸۱	..... محصور
۲۸۳	..... احکام امر به معروف و نهی از منکر
۲۸۳	..... مراتب امر به معروف و نهی از منکر
۲۸۵	..... احکام خرید و فروش
۲۸۵	..... شرایط فروشنده و خریدار
۲۸۶	..... دیگر احکام
۲۸۹	..... احکام شراکت
۲۹۱	..... احکام صلح
۲۹۳	..... احکام اجاره

۲۹۳	..... نیابت حج
۲۹۵	..... احکام مضاربه
۲۹۷	..... احکام جعاله
۲۹۹	..... احکام مزارعه
۳۰۱	..... احکام مسابقات و مغارسه
۳۰۳	..... احکام حجر
۳۰۳	..... تصرف در اموال
۳۰۵	..... احکام وکالت
۳۰۵	..... بطلان و فسخ
۳۰۷	..... احکام قرض
۳۱۱	..... احکام حواله
۳۱۳	..... احکام رهن
۳۱۵	..... احکام ضمانت
۳۱۷	..... احکام کفالت
۳۱۹	..... احکام ودیعه (امانت)
۳۲۱	..... احکام عاریه
۳۲۳	..... احکام نکاح (ازدواج)
۳۲۳	..... عقد
۳۲۴	..... فسخ عقد
۳۲۵	..... عیوب فسخ کننده
۳۲۵	..... شروط ضمن عقد
۳۲۵	..... وجوب اجازه ولی
۳۲۵	..... نفقه
۳۲۶	..... مهریه
۳۲۶	..... بارداری
۳۲۷	..... دیگر احکام
۳۲۹	..... احکام حجاب
۳۳۱	..... احکام غضب
۳۳۱	..... رضایت مالک آب وضو
۳۳۳	..... احکام مال پیدا شده

۳۳۷	احکام نذر و عهد
۳۳۹	احکام قسم
۳۴۱	احکام وقف
۳۴۲	احکام وصیت
۳۴۷	احکام بیمه
۳۴۹	احکام هنر
۳۴۹	نقاشی متون مقدس
۳۴۹	لمس سکه و تمبر
۳۴۹	لمس نمادها و سمبل‌ها
۳۵۰	موسیقی
۳۵۱	احکام صدقه
۳۵۱	انواع صدقه
۳۵۱	کمک‌های مردمی
۳۵۲	احکام کفاره
۳۵۲	انواع کفاره
۳۵۲	کفاره در روزه
۳۵۲	دیگر احکام
۳۵۵	احکام سقط جنین
۳۵۷	احکام رد مظالم
۳۵۹	احکام قضاوت
۳۵۹	شهادت
۳۶۱	احکام ارث
۳۶۳	احکام آشامیدنی‌ها و خوردنی‌ها
۳۶۵	احکام ولایت و حضانت
۳۶۶	احکام مجازات
۳۶۶	سقط جنین
۳۶۷	عقیم سازی
۳۶۷	جریمه اتانازی
۳۶۹	احکام اعتیاد
۳۷۱	احکام مددیاری

۳۷۱	..... وضو
۳۸۱	..... تیمم
۳۸۲	..... حج
۳۹۱	..... احکام اطاعت از والدین
۳۹۳	..... احکام حقوق زن
۳۹۵	..... احکام حقوق کودکان
۳۹۵	..... تکلیف
۳۹۵	..... نایب شدن
۳۹۵	..... حضانت و ولایت شرعی
۳۹۶	..... سقط جنین
۳۹۹	..... احکام نابینایان
۳۹۹	..... مس قرآن و حدیث
۴۰۰	..... خط بریل
۴۰۱	..... فراگیری احکام دینی
۴۰۱	..... وقت نماز
۴۰۲	..... قبله
۴۰۳	..... روزه
۴۰۳	..... حدّ ترخّص
۴۰۳	..... تشخیص طهارت و نجاست
۴۰۴	..... وضو
۴۰۴	..... شرایط
۴۰۴	..... مسح سر و پا
۴۰۵	..... مبطلات
۴۰۵	..... موارد ضروری
۴۰۵	..... نماز جمعه
۴۰۶	..... سگ راهنما
۴۰۷	..... احکام معلولین ذهنی
۴۰۷	..... سن بلوغ و تکلیف
۴۰۷	..... قرآن کریم
۴۰۸	..... تشخیص طهارت و نجاست

۴۰۸	تخلّی
۴۰۹	وضو
۴۰۹	بطلان وضو
۴۱۰	تیمم
۴۱۰	غسل
۴۱۱	نماز
۴۱۲	حدّ ترخّص
۴۱۲	وجوب نماز
۴۱۲	مکان نمازگزار
۴۱۳	رکوع
۴۱۴	سجده
۴۱۵	نماز قضاء
۴۱۵	مسجد
۴۱۵	روزه
۴۱۶	عدم وجوب
۴۱۷	حج
۴۱۷	وقوف در عرفات
۴۱۸	خمس
۴۱۸	زکات
۴۱۹	زکات فطره
۴۲۱	خوردن
۴۲۱	تصرف در اموال
۴۲۱	ارث
۴۲۱	ازدواج
۴۲۲	سقط جنین
۴۲۳	مددیاری
۴۲۳	آموزش و مهارت آموزی
۴۲۳	رؤیت عکس
۴۲۳	استفاده از موسیقی
۴۲۳	محتضر و میت

۴۲۴	تجهیز میت
۴۲۴	کفن میت
۴۲۵	نماز میت
۴۲۵	نیش قبر
۴۲۷	احکام معلولین حرکتی
۴۲۷	قرآن و حدیث
۴۲۷	طهارت
۴۲۸	مسجد
۴۲۸	ته عصا و پای مصنوعی
۴۲۸	بول و غائط
۴۲۸	وضو
۴۳۶	نایب گرفتن
۴۴۳	جیره
۴۴۳	مسح
۴۴۸	کمک در مسح
۴۴۸	تجدید
۴۴۸	تیمم
۴۴۹	نماز
۴۴۹	مکان نمازگزار
۴۵۱	قبله
۴۵۱	لباس نمازگزار
۴۵۲	تکبیرة الاحرام
۴۵۲	قیام
۴۵۶	رکوع
۴۵۷	خم شدن
۴۵۸	استقرار و آرامش بدن
۴۵۹	سجود
۴۵۹	واجبات سجده
۴۶۳	نماز قضاء
۴۶۳	نماز مستحبی

۴۶۴	کمک در اقامه نماز.....
۴۶۴	روزه.....
۴۶۵	عدم وجوب روزه.....
۴۶۵	حج.....
۴۶۵	شرایط وجوب.....
۴۶۶	استطاعت.....
۴۶۹	وصیت به حج.....
۴۶۹	میقات احرام.....
۴۷۰	طواف و نماز آن و سعی.....
۴۷۲	شک در عدد شوپها.....
۴۷۲	طواف النساء.....
۴۷۳	سعی.....
۴۷۴	وقوف در مشعر الحرام.....
۴۷۴	وقوف در عرفات.....
۴۷۵	مبیت در منی.....
۴۷۵	واجبات منی.....
۴۷۶	۱- رمی جمره عقبه.....
۴۷۶	۲- کشتن گاو یا گوسفند یا شتر.....
۴۷۷	۳- تراشیدن موی یا کوتاه نمودن آن.....
۴۷۷	رمی جمرات سه گانه.....
۴۷۸	عمره تمتع.....
۴۷۹	حج تمتع.....
۴۸۱	نیابت در حج.....
۴۸۵	مصدود.....
۴۸۶	محصور.....
۴۸۸	خمس.....
۴۸۸	زکات.....
۴۸۹	مسائل اجتماعی.....
۴۸۹	جلوگیری از فرزند دار شدن.....
۴۸۹	سقط جنین.....



۴۹۰	.....	حضانت
۴۹۰	.....	پوشش
۴۹۰	.....	مصرف دارو
۴۹۰	.....	وظیفه شاقّ
۴۹۱	.....	<b>احکام ناشنویان</b>
۴۹۱	.....	تکلیف
۴۹۱	.....	وضو
۴۹۱	.....	نماز
۴۹۱	.....	تکبیرة الاحرام
۴۹۲	.....	تکبیر و قرائت
۴۹۳	.....	اذکار نماز
۴۹۳	.....	سلام در نماز
۴۹۳	.....	واجبات نماز
۴۹۴	.....	نماز جماعت
۴۹۴	.....	زبان اشاره
۴۹۴	.....	حج
۴۹۴	.....	کیفیت احرام
۴۹۶	.....	<b>احکام پزشکی</b>
۴۹۶	.....	طهارت و نجاست
۴۹۶	.....	بول و غائط
۴۹۶	.....	قوه ماسکه
۴۹۷	.....	کنترل و حفظ بول
۴۹۸	.....	معالجه ریزش بول و غائط
۴۹۹	.....	ضرر آب
۴۹۹	.....	وضو و تیمم
۴۹۹	.....	وضوی جبیره
۵۰۴	.....	تیمم
۵۰۵	.....	ضرر داشتن استعمال آب
۵۰۵	.....	سختی استفاده از آب
۵۰۶	.....	اجرای تیمم توسط خود فرد

۵۰۷	فقدان مانع در اعضای تیمم
۵۰۷	مبطل وضو یا غسل
۵۰۸	خون
۵۰۸	خون کمتر از درهم
۵۰۹	خون زخم و دمل
۵۰۹	نماز
۵۱۰	پاک بودن بدن و لباس نمازگزار
۵۱۱	روزه
۵۱۲	کفّاره افطار عمدی در ماه مبارک رمضان
۵۱۳	فدیه سالانه
۵۱۵	بیماری‌ها
۵۱۵	حساسیت پوستی
۵۱۵	دائم الحدث
۵۱۷	زخم و دمل و شکستگی
۵۲۲	شستن زخم
۵۲۲	فلج پا
۵۲۲	قطع دست
۵۲۳	قطع نخاع
۵۲۵	جذام و ایدز
۵۲۵	آلزایمر
۵۲۶	بیماری چشم
۵۲۶	تشخیص خنثی
۵۲۶	دارو و درمان
۵۲۷	موسیقی
۵۲۷	کاندوم و سند
۵۲۸	کیسه ادرار
۵۲۸	داروی مسکن
۵۲۸	داروی روانی
۵۲۹	اتانازی
۵۲۹	الکل

---

۵۲۹	..... جراحی
۵۲۹	..... کاشت تخمک
۵۳۰	..... سقط جنین
۵۳۰	..... اعضاء و جوارح بدن
۵۳۰	..... دست و انگشت مصنوعی
۵۳۱	..... پای مصنوعی
۵۳۲	..... کفش طبی
۵۳۲	..... حرکات غیر ارادی
۵۳۲	..... عقیم سازی
۵۳۲	..... جلوگیری از فرزند دار شدن
۵۳۳	..... قطع یا فلج عضو
۵۳۳	..... پیوند اعضاء
۵۳۴	..... جنین ناقص
۵۳۷	..... احکام ژنتیک
۵۳۸	..... احکام هبه
۵۴۱	..... منابع و مآخذ



## مقدمه

یکی از نیازهای معلولان عزیز، دانستن احکام شرعی و داشتن رساله عملیه یا توضیح المسائل ویژه مسائل خودشان است. با توجه به اینکه افراد دارای معلولیت به دلیل شرایط خاص جسمی نیاز بیشتر به احکام دارند و بارها و مکرر نیازشان را به کتاب شامل احکام اعلام نموده‌اند؛ حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای سیدجواد شهرستانی زیدعزه، انتشار مجموعه فتاوا را به دفتر فرهنگ معلولین توصیه فرمودند. پس از دستور ایشان، دفتر چند اقدام را همزمان آغاز کرد:

۱- جمع‌آوری استفتائات معلولان یا مردم عادی ولی با محتوای معلولیتی؛ پس از آماده‌سازی به دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی زیدعزه ارسال می‌شد. آنگاه دریافت پاسخ‌ها هم پیگیری می‌شد. پس از دریافت پاسخ‌ها، تلاش می‌شده آنها را از طرق مختلف اطلاع‌رسانی نماییم.

۲- انتشار همه کتب احکام حضرت آیت الله العظمی سیستانی به خط بریل مثل رساله عملیه، مناسک حج.

۳- انتشار همه کتب احکام ایشان به صورت گویایی.

۴- انتشار رساله عملیه به زبان اشاره.

۵- انتشار مجموعه استفتائات معلولین با عنوان رساله عملیه معلولان.

۶- نشر فتاوا در مجله توان‌نامه.

به لطف الهی از شش پروژه کلان مزبور، چهار پروژه کاملاً اجرا و نهایی شده است. دو پروژه آن هم به زودی منتشر می‌شود.

مهم این است که این مرکز کار را به روش اساسی شروع کرد، نخست چند نفر با مطالعه در زمینه مسائل مبتلابه معلولین، پرسش‌هایی را در جلسات معلولین مطرح کرده و در صورت تأیید معلولین، این پرسش‌ها به صورت استفتاء به دفتر حضرت آیت الله العظمی سیدعلی سیستانی مدظله، قسمت پاسخ به سؤالات شرعی، ارسال و پس از دریافت پاسخ‌ها، نخست روی وب سایت دفتر فرهنگ معلولین، منتشر می‌کنیم، سپس در مجله توان‌نامه می‌آوریم و بالاخره به صورت گویایی و به خط بریل هم منتشر می‌کنیم. پس از همه این مراحل، اکنون درصدد انتشار اولین مجموعه احکام معلولین به صورت کتاب هستیم. کتاب حاضر، شامل احکامی است که در آخرین نسخه چاپی رساله عملیه حضرت آیت الله العظمی سیستانی زیدعزه درج شده، استفتائاتی که طی پنج سال گردآوری شده است؛ نیز آشنایی با تاریخ مرجعیت، تقلید و رساله عملیه برای معلولان ضروری است. برای آشناسازی همگانی با این مباحث، پروژه دیگری در دست کار داریم و کتاب مستقلی در این باره منتشر خواهیم کرد.

تدوین و تنظیم این مجموعه را خانم‌ها مریم و اعظم قاسمی بر عهده داشته‌اند. اعظم خانم از معلولان جسمی حرکتی پرکار و دلسوز و مدرس قرآن می‌باشد که از زحمات ایشان تشکر می‌شود.

یک نکته مهم درباره محتوای احکام مندرج در این مجموعه این است که همه آنها درباره موضوعات ویژه معلولان نیست. موضوعاتی مثل نابینایی و ناشنوایی، فقدان حرکت دست و پا، زبان اشاره، خط بریل، کتاب گویا کاشت حلزون، کاشت قرنیه مختص معلولان است و احکام درباره این موضوعات هم لاجرم ویژه معلولان است. اما همه احکام اینگونه نیست، بلکه احکام این مجموعه دو گونه است: یک دسته به موضوع ویژه معلولان ارتباط دارند؛ دسته دیگر احکامی است که به موضوعات مشترک بین معلولان و افراد عادی اختصاص دارد. مثل احکام نجاسات، بول و خون.

اما اینگونه احکام چون توسط افراد دارای معلولیت استفتاء شده، یا به دلیل اینکه مورد ابتلاء بسیاری از معلولان است. مثلاً معلولان ضایعه نخاعی یا تصادفی مدام از جاهای آسیب دیده بدنشان، خون می‌آید. به هر حال به دلیل کثرت ابتلاء و پرسش‌های زیاد در این موارد، مجبور شدیم آنها را بیاوریم. قابل توجه مردم و تشکل‌ها اینکه تا کنون دفتر فرهنگ معلولین رساله‌های عملیه به صورت چاپی، گویا، به خط بریل و الکترونیک منتشر کرده است. اما تاکنون رساله عملیه به زبان اشاره تولید نکرده‌ایم. با اینکه از سه سال قبل مطالعات آن را به سرانجام رسانده بودیم. یعنی تولیدات دفتر برای نابینایان و معلولین حرکتی سودمند بوده اما لازم است برای ناشنوایان هم چاره‌اندیشی شود و استفتانات آن‌ها به زبان اشاره منتشر گردد. یک دلیل تأخیر در انتشار «رساله عملیه ناشنوایان» این است که منتظر بودیم نخست کتابی آماده شود، سپس بر اساس آن کتاب، کار ناشنوایان سامان‌دهی گردد.

لازم به ذکر است تمامی فتاوی مندرج در این کتاب از منابع معتبر اخذ شده است و مأخذ هر فتاوی معرفی شده است. فتاوی بدون دخل و تصرف آورده شده است. فقط تنظیم و تبویب احکام و فتاوی جدید است و متناسب با اقتضائات و نیازهای جامعه معلولان تنظیم شده است.

این کتاب علاوه بر فتاوی ایشان، شامل دو پیوست هست که در دفتر فرهنگ معلولین تهیه شده است. آوردن این پیوست‌ها به دلیل ضرورت‌ها و پرسش‌های مکرر معلولان بود که به این دفتر واصل شده است.

از تمامی اصحاب فکر و قلم، پژوهشگران و عالمان دینی تقاضا می‌شود، با راهنمایی‌های خود ما را یاری رسانده و موجب ارتقاء و استحکام بیشتر شوند.

محمد نوری

شهریور ماه ۱۳۹۵

## احکام

### قرآن کریم، احادیث معصومین (ع) و دیگر مقدسات

#### قرآن کریم

##### بیرون آوردن و آب کشیدن

\* اگر خطوط بریل قرآنی (آیاتی که با بریل نوشته شده است) در محل‌های کثیف مثل چاه فاضلاب افتاده باشد، وظیفه مؤمنین چیست؟  
- باید آن را خارج سازند و اگر ممکن نبود تا از بین نرفته است استفاده نکنند.<sup>۱</sup>

\* برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده، یا برای بیرون آوردن آن از دستشویی و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند، ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو بی‌احترامی به قرآن باشد، باید بدون اینکه وضو بگیرد، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد.<sup>۲</sup>

\* نجس کردن خط و ورق قرآن - حتی بنا بر احتیاط واجب در صورتی که موجب هتک حرمت و توهین نباشد - حرام است و اگر نجس شود باید (حتی بنا بر احتیاط واجب در صورتی که هتک نباشد) فوراً تطهیر شود و اگر جلد قرآن نجس شود در صورتی که بی‌احترامی به قرآن باشد، باید آن را آب بکشند.<sup>۳</sup>

\* نوشتن قرآن با مرکب نجس هرچند یک حرف آن باشد، حکم نجس کردن آن را دارد یعنی در صورتی که مستلزم هتک و بی‌احترامی باشد، حرام است و اگر نوشته شود باید آن را به وسیله آب یا غیر آن محو کنند طوری که عین مرکب نجس از بین برود.<sup>۴</sup>

\* اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است مثل کاغذی که اسم خداوند متعال یا پیامبر (ص) یا یکی از معصومین علیهم‌السلام یا القاب و کنیه‌های آن بزرگواران بر آن نوشته شده در مستراح بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن هرچند خرج داشته باشد، واجب فوری است و اگر بیرون آوردن آن

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۶۷.

۲. توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۵۳.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۰؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۲۹ و ۱۳۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۳؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۳۲.

ممکن نباشد، باید به آن مستراح نروند تا یقین کند آن ورق پوسیده است ولی اعلام به دیگران واجب نیست و همچنین اگر تربت امام حسین (ع) در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید تا وقتی که یقین نکرده‌اند که به کلی از بین رفته، به آن مستراح نروند.<sup>۱</sup>

### حمل و همراه داشتن

\* مستحب است کسی که وضو دارد برای هر نماز دوباره وضو بگیرد، و بعضی از فقهاء فرموده‌اند: مستحب است انسان برای نماز میت، و زیارات اهل قبور، و رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم السلام، و برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن، و مس حاشیه قرآن، و برای خوابیدن وضو بگیرد. ولی مستحب بودن وضو در این موارد ثابت نیست. بلی اگر به احتمال مستحب بودنش وضو بگیرد وضویش صحیح است، و هر کاری که باید با وضو انجام داد می‌تواند بجا آورد، مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند.<sup>۲</sup>

\* خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن را به مابین خط‌های قرآن، و نیز خضاب کردن به حنا (حنا بستن) و مانند آن، برای حائض به گفته جمعی از فقهاء مکروه است.<sup>۳</sup>

\* همراه داشتن قرآن بر جنب مکروه است.<sup>۴</sup>

\* آیا برای معلول قطع نخاعی که قدرت ماسکه ندارد، حمل قرآن مجاز است؟  
- بدون لمس خط اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاعی که ادرار و مدفوع بی اختیار از او خارج می‌شود، و بسیاری از اوقات بدنش نجس است. آیا می‌تواند قرآن همراه خودش داشته باشد، یا حمل قرآن برای او مجاز نیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

\* افراد قطع نخاع که روی تختخواب قضای حاجت را در کیسه و ظرف مخصوص انجام می‌دهند تختخواب برای آن‌ها حکم مکان تخلی را دارد و بردن قرآن و نام خداوند در آن حرام است؟  
- حرام نیست.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۱۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۴.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۶۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۵۵؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۲۸.

۵. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



\* خواندن قرآن هر چند کمتر از هفت آیه باشد و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه قرآن و ما بین خط‌های قرآن و نیز خضاب کردن به حنا (حنا بستن) و مانند آن، برای حائض به گفته جمعی از فقهاء رضوان الله تعالی علیهم مکروه است ولی خواندن آیات سجده واجب قرآن، بر زن حائض حرام است و احتیاط مستحب آن است که سایر آیات چهار سوره سجده دار را هم نخواند.<sup>۱</sup>

\* خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن را به مابین خط‌های قرآن، و نیز خضاب کردن به حنا (حنا بستن) و مانند آن، برای حائض به گفته جمعی از فقهاء مکروه است.<sup>۲</sup>

\* مستحب است انسان برای این که با طهارت باشد وضو بگیرد و کسی که وضو دارد مستحب است برای هر نماز دوباره وضو بگیرد، خصوصاً برای نماز صبح و مغرب و بعضی از فقهاء رضوان الله تعالی علیهم فرموده‌اند: مستحب است انسان برای نماز میت و زیارات اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان (ع) و برای همراه داشتن قرآن کریم و خواندن و نوشتن آن و مسّ حاشیه قرآن و برای خوابیدن، وضو بگیرد ولی مستحب بودن وضو در بعضی از این موارد ثابت نیست؛ البته اگر به احتمال مستحب بودنش وضو بگیرد، وضویش صحیح است و می‌تواند با آن وضو هر کاری که باید با وضو انجام شود را به جا آورد، مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند. بنابراین کسی که برای خواندن قرآن یا لمس خط قرآن وضو گرفته و وضویش تا هنگام نماز باقی است می‌تواند با همان وضو نماز بخواند.<sup>۳</sup>

\* لمس غیر خط قرآن مثل بین سطرها، ورق و جلد و غلاف آن بدون وضو حرام نیست ولی کراهت دارد. همچنین آویزان نمودن قرآن به گردن یا لباس و حمل آن در صورتی که خطوط قرآن با بدن تماس مستقیم نداشته باشد، بدون وضو مکروه است.<sup>۴</sup>

### دادن به کافر

\* در صورتی که دادن قرآن به کافر مستلزم هتک باشد حرام، و گرفتن قرآن از او واجب است.<sup>۵</sup>

\* فروش قرآن به کافر، بنا بر احتیاط واجب، صحیح نیست و دادن قرآن به کافر چنانچه هتک و توهین به قرآن شمرده شود یا در معرض هتک باشد، حرام است اما اگر دادن قرآن به کافر مثلاً برای ارشاد و هدایت او باشد و هتک و توهینی هم به آن صورت نمی‌گیرد، اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۵۱۴.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۶۷.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۶.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۳.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۲.

### زبان اشاره

\* ناشنویان که با زبان اشاره (حرکات دست و سر) به تفهیم و تفهم مطالب قرآنی می‌پردازند آیا باید وضو و طهارت داشته باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۱</sup>

\* عکس ناشنوایی (یا به عبارت بهتر تصویرهای بیان کننده نام خداوند) را که با زبان اشاره یعنی حرکات دست و سر نام خداوند را بیان می‌کند، آیا می‌توان لمس کرد؟  
- اگر آیات قرآن باشد و همین کلمات نوشته شده باشد به هر خطی باشد نباید بدون وضو لمس شود مگر این که زیر شیشه باشد.<sup>۲</sup>

### قرائت و کتابت

\* خواندن هریک از آیات سجده واجب در قرآن، و سجده‌های واجب در سوره «سجده» آیه پانزدهم، و سوره «فصلت» آیه سی و هفتم، و سوره «النجم» آیه شصت و دوم، و سوره «علق» آیه نوزدهم می‌باشد.<sup>۳</sup>

\* خواندن بیشتر از هفت آیه از قرآن که سجده واجب ندارد بر جنب مکروه است.<sup>۴</sup>

\* مستحب است کسی که وضو دارد برای هر نماز دوباره وضو بگیرد، و بعضی از فقهاء فرموده‌اند: مستحب است انسان برای نماز میت، و زیارات اهل قبور، و رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم السلام، و برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن، و مس حاشیه قرآن، و برای خوابیدن وضو بگیرد. ولی مستحب بودن وضو در این موارد ثابت نیست. بلی اگر به احتمال مستحب بودنش وضو بگیرد وضویش صحیح است، و هر کاری که باید با وضو انجام داد می‌تواند بجا آورد، مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند.<sup>۵</sup>

\* خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن را به مابین خطهای قرآن، و نیز خضاب کردن به حنا (حنا بستن) و مانند آن، برای حائض به گفته جمعی از فقهاء مکروه است.<sup>۶</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۵۴.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۵۵؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۲۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۱.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۶۷.

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُند) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاعی از گردن به هنگام تلاوت قرآن و موقع ورق زدن، ناچار است از لب و دهان کمک بگیرد، و کمک گرفتن از دیگری برایش مشکل است، وضو گرفتن نیز برایش مشقت دارد. آیا می‌تواند بدون وضو این کار را انجام دهد؟  
- بدون وضو نمی‌تواند دست به خط قرآن بزند.<sup>۲</sup>

\* خواندن هر یک از آیاتی که دارای سجده واجب هستند بر جنب حرام است. آن در چهار سوره است:

۱. سوره سی و دوم قرآن، سجده (الم تنزیل) آیه پانزدهم. ۲. سوره چهل و یکم قرآن، فضلت (خم سجده) آیه سی و هفتم. ۳. سوره پنجاه و سوم قرآن، (والنجم) آیه آخر. ۴. سوره نود و ششم قرآن، علق (اقراً) آیه آخر.  
احتیاط مستحب آن است که جنب سایر آیات این چهار سوره سجده دار را هم نخواند.<sup>۳</sup>

\* خواندن قرآن هر چند کمتر از هفت آیه باشد و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه قرآن و ما بین خط‌های قرآن و نیز خضاب کردن به حنا (حنا بستن) و مانند آن، برای حائض به گفته جمعی از فقهاء رضوان الله تعالی علیهم مکروه است ولی خواندن آیات سجده واجب قرآن، بر زن حائض حرام است و احتیاط مستحب آن است که سایر آیات چهار سوره سجده دار را هم نخواند.<sup>۴</sup>

\* آنچه بر حائض واجب است بر نفساء هم واجب می‌باشد. و بنا بر احتیاط واجب توقف در مسجد و دخول آن بدون عبور، و عبور از مسجدین (مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله) و خواندن آیات سجده واجب، و تماس با خط قرآن و نام خدا، بر نفساء حرام است.<sup>۵</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۱.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۲۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۵۱۴.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵۰۲.

\* خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن را به مابین خط‌های قرآن، و نیز خضاب کردن به حنا (حنا بستن) و مانند آن، برای حائض به گفته جمعی از فقها مکروه است.<sup>۱</sup>

\* رساندن جایی از بدن به خط قرآن بر نفساء، حرام است و موارد زیر نیز بنا بر احتیاط واجب بر نفساء حرام می‌باشد:

۱. مسّ نام خداوند متعال و صفات مخصوص او.

۲. خواندن آیاتی که سجده واجب دارند.<sup>۲</sup>

\* وضو گرفتن به لحاظ غایات (اهداف) آن، گاه شرط صحت عمل است یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود، صحیح نیست؛ مثل نماز خواندن - چه واجب باشد و چه مستحب - و گاه شرط جواز عمل و حرام نبودن آن است یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد، حرام است مثل مسّ خط قرآن و گاه شرط کمال عمل است یعنی برای درک ثواب یا ثواب بیشتر مثل نماز میت، طواف مستحبی، تلاوت قرآن، قرائت دعا و طلب حاجت از خداوند متعال و اذان نماز و گاهی هم برطرف کننده کراهت عمل است مانند خوابیدن در حال جنابت که با وضو، کراهت آن رفع می‌شود.<sup>۳</sup>

\* مستحب است انسان برای این که با طهارت باشد وضو بگیرد و کسی که وضو دارد مستحب است برای هر نماز دوباره وضو بگیرد، خصوصاً برای نماز صبح و مغرب و بعضی از فقهاء رضوان الله تعالی علیهم فرموده‌اند: مستحب است انسان برای نماز میت و زیارات اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان (ع) و برای همراه داشتن قرآن کریم و خواندن و نوشتن آن و مسّ حاشیه قرآن و برای خوابیدن، وضو بگیرد ولی مستحب بودن وضو در بعضی از این موارد ثابت نیست؛ البته اگر به احتمال مستحب بودنش وضو بگیرد، وضویش صحیح است و می‌تواند با آن وضو هر کاری که باید با وضو انجام شود را به جا آورد، مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند. بنابراین کسی که برای خواندن قرآن یا لمس خط قرآن وضو گرفته و وضویش تا هنگام نماز باقی است می‌تواند با همان وضو نماز بخواند.<sup>۴</sup>

### لمس و مس

\* مس نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد حرام است. ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند، مس آن اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۶۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۵۹۳.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۲.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۶.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۶.

\* خط بریل که نشان‌دهنده ترجمه قرآن باشد (یعنی با شش نقطه و حالت‌های مختلف آنها، حروف و کلمات فارسی که ترجمه قرآن باشد) آیا نیاز به وضو دارد؟  
- لازم نیست.<sup>۱</sup>

\* آیا مسّ ترجمه قرآن مثل ترجمه فارسی قرآن یا ترجمه انگلیسی، وضو داشتن واجب است؟  
- لازم نیست مگر نام خداوند بنا بر احتیاط واجب.<sup>۲</sup>

\* برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده، یا برای بیرون آوردن آن از دستشویی و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند، وضو گرفتن واجب است. ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو بی‌احترامی به قرآن باشد، باید بدون اینکه وضو بگیرد، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد.<sup>۳</sup>

\* رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن یا به اسم خداوند به هر لغت که باشد، بر جنب حرام است و بهتر آن است که به اسماء پیغمبران، و امامان و حضرت زهراء علیهم السلام نیز نرساند.<sup>۴</sup>

\* رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خط‌های قرآن بر جنب مکروه است.<sup>۵</sup>

\* جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی‌احترامی به قرآن باشد باید از آنان جلوگیری کنند.<sup>۶</sup>

\* مستحب است کسی که وضو دارد برای هر نماز دوباره وضو بگیرد، و بعضی از فقهاء فرموده‌اند: مستحب است انسان برای نماز میت، و زیارات اهل قبور، و رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم السلام، و برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن، و مس حاشیه قرآن، و برای خوابیدن وضو بگیرد. ولی مستحب بودن وضو در این موارد ثابت نیست. بلی اگر به احتمال مستحب بودنش وضو بگیرد وضویش صحیح است، و هر کاری که باید با وضو انجام داد می‌تواند بجا آورد، مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند.<sup>۷</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۸.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۵۴.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۵۵؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۲۸.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۷.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۱.

\* خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن را به مابین خط‌های قرآن، و نیز خضاب کردن به حنا (حنا بستن) و مانند آن، برای حائض به گفته جمعی از فقها مکروه است.<sup>۱</sup>

\* کسی که وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است و وضوی جبیره گرفته، در صورتی که عذرش برطرف شد و بهبودی یافت، وضوی او باقی است و می‌تواند با آن وضو، کارهایی که نیاز به وضو دارد - مثل خواندن نماز یا لمس خط قرآن - را انجام دهد. شایان ذکر است در مواردی که وظیفه او هم وضوی جبیره و هم تیمم است، پس از برطرف شدن عذر و بهبودی، وضوی او کافی نیست و باید برای کارهایی که انجام آن نیاز به وضو دارد، وضو بگیرد و این مسأله در مورد غسل جبیره‌ای نیز جاری است.<sup>۲</sup>

\* کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر برای کاری تیمم کند، تا تیمم و عذر او باقی است، می‌تواند کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام شود، به جا آورد همچنین کسی که عذرش تنگی وقت بوده است و برای نماز تیمم نموده است در حال نماز حکم فرد طاهر را دارد بنابراین می‌تواند در همان حال قرآن را مس نماید ولی این تیمم، برای کارهایی که بعد از نماز پیش آمده‌اند و نیاز به وضو یا غسل دارند - مثل آنکه بعد از نماز بخواند قرآن را مس کند - کافی نیست و اگر فرد با داشتن آب برای نماز میّت یا خوابیدن، تیمم کرده، فقط کاری را که برای آن تیمم نموده می‌تواند انجام دهد.<sup>۳</sup>

\* مستحاضه قلیله یا متوسطه اگر بخواند غیر از نماز کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواند جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، چنانچه بعد از تمام شدن نماز باشد - بنا بر احتیاط واجب - باید وضو بگیرد، و وضویی که برای نماز گرفته کافی نیست.<sup>۴</sup>

\* آیا نابینایان که به نام روشندان (یا در عربی مکفوف و اعمی و ضریر) هم نامیده شده‌اند، در مس کتابت قرآن و اسماء خداوند و معصومین (ع) باید با طهارت و وضو باشند؟  
- اگر خط را لمس کنند حکم بینا را دارند.<sup>۵</sup>

\* نابینایان که از خط بریل (نقاط برجسته) استفاده می‌کنند و با حس لامسه، قرآن را از روی قرآن بریل تلاوت و قرائت می‌کنند، آیا هنگام لمس این نقاط باید با وضو باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۶۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۷۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۲۵.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

\* عکس ناشنوایی (یا به عبارت بهتر تصویرهای بیان کننده نام خداوند) را که با زبان اشاره یعنی حرکات دست و سر نام خداوند را بیان می‌کند، آیا می‌توان لمس کرد؟  
- اگر آیات قرآن باشد و همین کلمات نوشته شده باشد به هر خطی باشد نباید بدون وضو لمس شود مگر این که زیر شیشه باشد.<sup>۱</sup>

\* ناینبایی که با انگشت مصنوعی خط بریل (نگارش برجسته) مس و لمس کرده و از این طریق قرآن و احادیث را یاد می‌گیرد، آیا وضو گرفتن برایش قبل از لمس واجب است؟  
- واجب نیست.<sup>۲</sup>

\* خط بریل که نشان‌دهنده ترجمه قرآن باشد (یعنی با شش نقطه و حالت‌های مختلف آنها، حروف و کلمات فارسی که ترجمه قرآن باشد) آیا نیاز به وضو دارد؟  
- لازم نیست.<sup>۳</sup>

\* نایبنا به دلیل ندیدن بدون تعمد و بدون آگاهی در برخی مواقع، قرآن یا اسماء مقدس را لمس و مس می‌کند؛ اگر این لمس از روی خطا باشد آیا مرتکب گناه شده؟ و آیا باید کفاره یا ردّ ظلم یا تکلیف دیگری بر ذمه و عهده این شخص است؟  
- گناه نیست.<sup>۴</sup>

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۵</sup>

\* آیا بر نایبنايان لازم است قبل از دست گذاشتن بر نوشته‌ای مطمئن شوند اسامی مقدسه یا متن قرآن نیست؟ آیا لازم است تحقیق کنند؟  
- در مورد قرآن لازم است و در مورد نام خداوند احتیاطاً لازم است و در نام معصومین (ع) بهتر است و واجب نیست.<sup>۱</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۶۷.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۶۷-۶۸.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۶۸.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۱.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۱.

\* کسی که بول یا غائط پی‌درپی از او خارج می‌شود، بعد از وضو گرفتن جایز است که نوشته قرآن را مس نماید اگرچه در غیر حال نماز باشد.<sup>۲</sup>

\* جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی‌احترامی به قرآن باشد باید از آنان جلوگیری کنند.<sup>۳</sup>

\* آیا بر افراد نابینا نیز لازم است که هرگاه بر روی آیات قرآن دست می‌کشند وضو داشته باشند، یا نیازی نیست؟  
- لازم است.<sup>۴</sup>

\* فرد قطع نخاع از گردن که هنگام قرآن خواندن برای ورق زدن قرآن از لب و دهان کمک می‌گیرد در صورت مشقت برای وضو گرفتن و نبودن کمک دیگران بدون وضو می‌تواند این کار را انجام دهد؟  
- جایز نیست.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاعی که بول و غائط بی‌اختیار از او خارج می‌شود از کیسه ادرار استفاده می‌کند (سند و کاندوم) به همین جهت دائماً ادرار او جریان دارد، و داخل کیسه می‌ریزد. به چه شکلی می‌تواند قرآن بخواند، و دست به آیات قرآن بزند؟  
- وضوی او با ادرار باطل نمی‌شود.<sup>۶</sup>

\* فرد قطع نخاعی از گردن به هنگام تلاوت قرآن و موقع ورق زدن، ناچار است از لب و دهان کمک بگیرد، و کمک گرفتن از دیگری برایش مشکل است، وضو گرفتن نیز برایش مشقت دارد. آیا می‌تواند بدون وضو این کار را انجام دهد؟  
- بدون وضو نمی‌تواند دست به خط قرآن بزند.<sup>۷</sup>

\* مس قرآن توسط دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی که وضویشان کامل و صحیح نیست چه حکمی دارد؟  
وظیفه مربی آنها چیست؟

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۰.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۷.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



- جلوگیری بچه و دیوانه از مس قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد باید از آنان جلوگیری کنند.<sup>۱</sup>

\* آیا مسلوس و مبطون بعد از وضو گرفتن می‌توانند آیات قرآن را مس کنند؟  
- جایز است که نوشته قرآن را مس نمایند اگر چه در غیر حال نماز باشد.<sup>۲</sup>

\* آیا برای معلول قطع نخاعی که قدرت ماسکه ندارد، حمل قرآن مجاز است؟  
- بدون لمس خط اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

\* رساندن جایی از بدن جنب به خط قرآن حرام است.<sup>۴</sup>

\* اگر حائض سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه روزهایی که خون دیده حیض است ولی احتیاط لازم آن است که در روزهایی که در وسط پاک بوده - که آن را پاکی بین دو خون می‌نامند - کارهایی که بر غیر حائض واجب است را انجام دهد یعنی احتیاطاً غسل حیض کرده و عبادات خود را به جا آورد و آنچه بر حائض حرام است - مثل مس خط قرآن و توقف در مسجد - را ترک کند.<sup>۵</sup>

\* بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد - هر چند غسل نکرده باشد - شوهرش می‌تواند با او جماع کند ولی احتیاط لازم آن است که جماع پس از شستن فرج باشد هر چند جماع قبل از غسل مکروه می‌باشد و احتیاط مستحب آن است که قبل از غسل خصوصاً در جایی که شدت میل به جماع نباشد، از جماع خودداری نماید و اما کارهای دیگری که در هنگام حیض به دلیل طهارت نداشتن (وضو، غسل، تیمم، هر کدام وظیفه‌اش باشد) بر زن حرام است - مانند مس خط قرآن - تا غسل نکند، برای زن حلال نمی‌شود و کارهایی که در هنگام حیض حرام است، اما معلوم نیست (ثابت نشده) که حرام بودن آن‌ها بر حائض به دلیل طهارت نداشتن زن در ایام حیض باشد - مثل توقف در مسجد - بنا بر احتیاط واجب نباید قبل از غسل انجام شود.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۷۷-۷۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۷.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۹-۹۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، حاشیه م ۳۱۲. مسائل اختصاصی؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۰.

۳. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۱.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۲۷.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۸۴.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۹۷.

\* خواندن قرآن هر چند کمتر از هفت آیه باشد و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه قرآن و ما بین خط‌های قرآن و نیز خضاب کردن به حنا (حنا بستن) و مانند آن، برای حائض به گفته جمعی از فقهاء رضوان الله تعالی علیهم مکروه است ولی خواندن آیات سجده واجب قرآن، بر زن حائض حرام است و احتیاط مستحب آن است که سایر آیات چهار سوره سجده دار را هم نخواند.<sup>۱</sup>

\* آنچه بر حائض واجب است بر نفساء هم واجب می‌باشد. و بنا بر احتیاط واجب توقف در مسجد و دخول آن بدون عبور، و عبور از مسجدین (مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله) و خواندن آیات سجده واجب، و تماس با خط قرآن و نام خدا، بر نفساء حرام است.<sup>۲</sup>

\* بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد، اگر چه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است، و شوهرش هم می‌تواند با او جماع کند، ولی احتیاط لازم آن است که جماع پس از شستن فرج باشد، و احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل، از جماع با او خودداری نماید. اما کارهای دیگری که در وقت حیض از جهت اشتراط طهارت بر او حرام بوده - مانند مس خط قرآن - تا غسل نکند بر او حلال نمی‌شود. و همچنین است - بنا بر احتیاط واجب - کارهایی که ثابت نشده که حرمت آنها از جهت اشتراط به طهارت باشد مثل توقف در مسجد.<sup>۳</sup>

\* خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن را به مابین خط‌های قرآن، و نیز خضاب کردن به حنا (حنا بستن) و مانند آن، برای حائض به گفته جمعی از فقهاء مکروه است.<sup>۴</sup>

\* رساندن جایی از بدن به خط قرآن بر نفساء، حرام است و موارد زیر نیز بنا بر احتیاط واجب بر نفساء حرام می‌باشد:

۱. مس نام خداوند متعال و صفات مخصوص او.
۲. خواندن آیاتی که سجده واجب دارند.<sup>۵</sup>

\* اگر زن قبل از وقت نماز، مستحاضه متوسطه یا کثیره شود، در مواردی که لازم است بین غسل و نماز فاصله‌ای واقع نشود، واجب است غسل مربوط به نماز را بعد از فرا رسیدن وقت نماز انجام دهد؛ مگر آنکه غسل را برای خواندن همان نماز یا به جهت دیگری مثل مس خط قرآن، نزدیک وقت اذان انجام داده باشد و بلافاصله بعد از آن وقت شرعی نماز فرا رسد و نماز را بخواند به گونه‌ای که بین غسل و نماز فاصله نشده و پشت سر هم انجام گردد، اما اگر بین انجام غسل و نماز فاصله شود مثل اینکه

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۵۱۴.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵۰۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۵۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۶۷.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۵۹۳.

منتظر رسیدن وقت نماز شود، آن غسل برای خواندن نماز کافی نیست و باید برای نماز، دوباره غسل نماید.<sup>۱</sup>

\* مستحاضه قلیله یا متوسطه اگر بخواهد غیر از نماز، کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، چنانچه بعد از تمام شدن نماز باشد - بنا بر احتیاط واجب - باید وضو بگیرد، و وضویی که برای نماز گرفته کافی نیست.<sup>۲</sup>

\* مستحاضه کثیره اگر بخواهد غیر از نماز، کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است مثلاً قرآن را مس کند، چنانچه خون پی در پی از پنبه به دستمالی که معمولاً زنان برای جلوگیری از سرایت خون می‌بندند می‌رسد، غسلی که برای نماز انجام داده، برای آن کار (مثل مس قرآن) نیز کافی است و احتیاط مستحب آن است که دوباره غسل کند، البته در صورتی که باطل کننده وضو از او سر زده باشد (مثل اینکه ادرار کرده باشد)، باید وضو بگیرد، اما اگر رسیدن خون از پنبه به دستمال با مقداری فاصله زمانی باشد که زن بتواند در آن فاصله غسل نماید و آن کار (مثل مس قرآن) را انجام دهد، احتیاط واجب آن است که دوباره غسل کند.<sup>۳</sup>

\* هر وقت فرد وضو بگیرد، چه قبل از وقت نماز - نزدیک به آن یا با فاصله - و چه بعد از فرا رسیدن وقت، اگر به قصد یکی از مواردی که به سبب آن وضو گرفته می‌شود مثل نماز، لمس خط قرآن یا با طهارت بودن یا هر انگیزه دیگری که به قصد قربت باشد، صحیح است؛ بنابراین اگر کسی اول صبح برای نماز ظهر وضو بگیرد، اشکال ندارد. همچنین اگر برای نماز ظهر و عصر وضو بگیرد در صورتی که وضویش باطل نشود، می‌تواند نماز مغرب و عشاء را با آن بخواند.<sup>۴</sup>

\* کسی که ادرار یا مدفوع، پی در پی از او خارج می‌شود، بعد از وضو گرفتن جایز است نوشته قرآن را لمس نماید هر چند در غیر حال نماز باشد.<sup>۵</sup>

\* مس نمودن خط قرآن یعنی رساندن جایی از بدن مثل دست، پا، صورت، لب، سینه، زبان، دندان و... به خط قرآن، برای کسی که وضو ندارد، حرام است و فرقی در حرام بودن لمس قرآن بدون وضو بین آیه و کلمه و حرف نیست.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۰۷.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۲۵؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۰۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۱۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۴.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۳.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۴.

\* در الفاظ و کلمات مشترک بین قرآن و غیر قرآن، ملاک آن است که مجموع کلمات چیده شده در کنار هم، عرفاً قرآن محسوب شود و قصد نویسندگان در آن اثری ندارد. البته بعد از جدایی این کلمات یا حروف قرآنی از هم، لازم است احتیاط شود یعنی اگر قبلاً عبارت در نظر عرف، قرآنی بوده و الآن به سبب قطعه قطعه شدن و جدا شدن اجزای آن از یکدیگر، در عرف، قرآن محسوب نشود، احتیاط لازم است باز هم فرد بدون وضو، بدن را به آن نرساند.<sup>۱</sup>

\* وضو گرفتن به لحاظ غایات (اهداف) آن، گاه شرط صحت عمل است یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود، صحیح نیست؛ مثل نماز خواندن - چه واجب باشد و چه مستحب - و گاه شرط جواز عمل و حرام نبودن آن است یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد، حرام است مثل مس خط قرآن و گاه شرط کمال عمل است یعنی برای درک ثواب یا ثواب بیشتر مثل نماز میت، طواف مستحبی، تلاوت قرآن، قرائت دعا و طلب حاجت از خداوند متعال و اذان نماز و گاهی هم برطرف کننده کراهت عمل است مانند خوابیدن در حال جنابت که با وضو، کراهت آن رفع می شود.<sup>۲</sup>

\* مستحب است انسان برای این که با طهارت باشد وضو بگیرد و کسی که وضو دارد مستحب است برای هر نماز دوباره وضو بگیرد، خصوصاً برای نماز صبح و مغرب و بعضی از فقهاء رضوان الله تعالی علیهم فرموده اند: مستحب است انسان برای نماز میت و زیارات اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان (ع) و برای همراه داشتن قرآن کریم و خواندن و نوشتن آن و مس حاشیه قرآن و برای خوابیدن، وضو بگیرد ولی مستحب بودن وضو در بعضی از این موارد ثابت نیست؛ البته اگر به احتمال مستحب بودنش وضو بگیرد، وضویش صحیح است و می تواند با آن وضو هر کاری که باید با وضو انجام شود را به جا آورد، مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند. بنابراین کسی که برای خواندن قرآن یا لمس خط قرآن وضو گرفته و وضویش تا هنگام نماز باقی است می تواند با همان وضو نماز بخواند.<sup>۳</sup>

\* اگر روی قرآن، شیشه یا پلاستیک نازک یا زر ورق گذاشته باشند و خط قرآن از زیر آن نمایان باشد، مس آن بدون وضو اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* جنس چیزی که قرآن بر آن نوشته شده فرقی ندارد بنابراین کاغذ، لوح، پارچه، لباس، زمین، دیوار و ... حتی بنا بر احتیاط واجب درهم و دینارها و اسکناسها و پولهایی که بر آن قرآن نوشته شده، دست زدن به آن بدون وضو اشکال دارد و نیز انواع خطها حتی خطهایی که اکنون مرسوم نیست

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۶.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۶.

مثل خط کوفی و همچنین اقسام نوشتن مثل آنکه با قلم باشد یا چاپ، حکاکی، برش، نوشتن برجسته، گلدوزی و ... در این حکم فرقی ندارد.<sup>۱</sup>

\* حکم حرام بودن مس خط قرآن مخصوص افراد مکلف است. بنابراین جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن، واجب نیست ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی و هتک حرمت قرآن - مثل پاره کردن یا نشستن روی قرآن یا نجس کردن آن - باشد، باید از آن جلوگیری کنند و دادن قرآن به اطفال برای آموزش و مانند آن بی اشکال است؛ هر چند بدانند اطفال بدون وضو آن را مس می کنند بلکه سبب شدن در مس خط قرآن توسط اطفال، مثل اینکه دست طفل را گرفته و بر خط قرآن قرار دهد، در صورت عدم هتک، جایز است.<sup>۲</sup>

\* لمس غیر خط قرآن مثل بین سطرها، ورق و جلد و غلاف آن بدون وضو حرام نیست ولی کراهت دارد. همچنین آویزان نمودن قرآن به گردن یا لباس و حمل آن در صورتی که خطوط قرآن با بدن تماس مستقیم نداشته باشد، بدون وضو مکروه است.<sup>۳</sup>

\* کسی که وضو ندارد، بنا بر احتیاط لازم، جایز نیست اسم ذات خداوند متعال را به هر زبانی که نوشته شده باشد (الله، خدا، GOD) با بدنش لمس کند و همین طور است لمس صفات مخصوص الهی به هر زبانی که نوشته شده باشد؛ توضیح مطلب در مورد لمس صفات الهی، از این قرار است: صفاتی که برای خداوند متعال به کار می رود، دو نوع می باشد:

نوع اول: بعضی از صفات برای غیر خداوند متعال به کار برده نمی شود؛ مانند «الرحمن» و نیز برخی از صفات، دلالت بر خصوصیتی دارند که تنها خداوند سبحان، آن خصوصیت و ویژگی را دارد، مانند «مقلب القلوب»؛ لمس این موارد، بنا بر احتیاط واجب، بدون وضو جایز نیست.

نوع دوم: بعضی از صفات، معنایش به گونه ای است که غیر خداوند متعال هم می تواند آن ویژگی را داشته باشد و در مورد غیر خدای متعال هم به کار می رود؛ این صفات، خود، دو دسته است:

الف. صفاتی که غالباً برای خداوند متعال به کار می رود، طوری که اگر بدون توضیح یا نشانه ای ذکر شود، برداشت می شود که منظور از آن، خداوند متعال می باشد، مانند «رب» و «خالق»؛ این صفات اگر بدون نشانه، ذکر شود یا نشانه ای در کلام و عبارت باشد که مشخص کند منظور از آن خداوند متعال است، بنا بر احتیاط واجب، لمس آن، بدون وضو، جایز نیست؛ در غیر این دو صورت، لمس این گونه صفات، بدون وضو جایز است.

ب. صفاتی که برای خداوند متعال و غیر او به کار می رود؛ طوری که وقتی بدون توضیح و نشانه باشد، معلوم نیست منظور از آن، خداوند متعال است یا غیر او، مانند «رحیم» و «عظیم»؛ لمس این صفات چنانچه نشانه ای در آن نوشتار باشد که بفهماند منظور از آن، خداوند متعال است، بنا بر احتیاط

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۸.

واجب، جایز نیست؛ ولی اگر چنین نشانه‌ای نباشد، چه اینکه بدون نشانه باشد، یا اینکه نشانه‌ای باشد که بفهماند منظور، غیر خداوند متعال است، لمس آن اشکال ندارد. احتیاط مستحب است که اسم مبارک پیامبر (ص) و امامان علیهم السلام و حضرت زهرا (س) را هم بدون وضو لمس ننماید.<sup>۱</sup>

\* به همراه داشتن حرزها و آنچه اسم خداوند سبحان در آن است، اشکال ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، لازم است آن را روی لباس‌ها استفاده نماید تا اسم جلاله با بدن فرد بدون وضو تماس نداشته باشد، یا آنکه اسم جلاله داخل در جلد و غلافی (هرچند نازک) باشد، تا مانع از تماس مستقیم آن با بدن فرد بی وضو گردد.<sup>۲</sup>

\* اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگری ترجمه کنند لمس آن در غیر اسم ذات و صفات مخصوص خداوند متعال بدون وضو اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

\* لمس «...» که به جای اسم «الله» نوشته می‌شود و نیز لمس ضمیری که به «الله» برمی‌گردد، مثل «ه» در «بسمه تعالی» یا «هو» در «هو الباقی»، بدون وضو، جایز است.<sup>۴</sup>

\* مسّ لفظ جلاله بدون وضو، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست هر چند جزئی از یک اسم دو یا چند جزئی باشد مثل عبدالله و حبیب الله.<sup>۵</sup>

### نجس کردن

\* نجس کردن خط و ورق قرآن توسط فرد کم توان ذهنی چه حکمی دارد؟  
- نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.<sup>۶</sup>

\* نجس کردن خط و ورق قرآن - حتی بنا بر احتیاط واجب در صورتی که موجب هتک حرمت و توهین نباشد - حرام است و اگر نجس شود باید (حتی بنا بر احتیاط واجب در صورتی که هتک

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۹.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۳۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۱۲۹.

نباشد) فوراً تطهیر شود و اگر جلد قرآن نجس شود در صورتی که بی‌احترامی به قرآن باشد، باید آن را آب بکشند.<sup>۱</sup>

\* نوشتن قرآن با مرکب نجس هرچند یک حرف آن باشد، حکم نجس کردن آن را دارد یعنی در صورتی که مستلزم هتک و بی‌احترامی باشد، حرام است و اگر نوشته شود باید آن را به وسیله آب یا غیر آن محو کنند طوری که عین مرکب نجس از بین برود.<sup>۲</sup>

### احترام

\* جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی‌احترامی به قرآن باشد باید از آنان جلوگیری کنند.<sup>۳</sup>

\* مس قرآن توسط دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی که وضویشان کامل و صحیح نیست چه حکمی دارد؟  
وظیفه مربی آنها چیست؟  
- جلوگیری بچه و دیوانه از مس قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی‌احترامی به قرآن باشد باید از آنان جلوگیری کنند.<sup>۴</sup>

### یادگیری

\* نابینایان از دو طریق حس لامسه و حس شنوایی می‌توانند قرآن و احکام و مسائل دینی را یاد بگیرند، یا ناشنوایان از طریق زبان اشاره مسائل دینی را یاد می‌گیرند، آیا وظایف این دو گروه در فراگیری مسائل شرعی مثل افراد عادی و سالم است؟  
- به مقداری که متمکن‌اند تکلیف دارند.<sup>۵</sup>

\* نابینایی که با انگشت مصنوعی خط بریل (نگارش برجسته) مس و لمس کرده و از این طریق قرآن و احادیث را یاد می‌گیرد، آیا وضو گرفتن برایش قبل از لمس واجب است؟  
- واجب نیست.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۲۹ و ۱۳۰.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۷.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۷۷-۷۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۱۷.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷-۶۸.

\* نابینایان برای خواندن از خط برجسته‌ای به نام «بریل» که با لمس انگشتان خوانده می‌شود، استمداد می‌گیرند. می‌دانیم که این خط از نقاط شش‌گانه تشکیل شده است. با توجه به مطلب فوق، آیا بر نابینایان لازم است در موقع فراگیری قرائت قرآن، و در وقت لمس اسامی مقدسه که با خط برجسته نوشته شده، وضو داشته باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۱</sup>

\* اگر به صورت غیر عمد، قرآن از دست انسان به زمین بیفتد، کفاره ندارد ولی باید فوراً آن را بردارد و احترام کند.<sup>۲</sup>

\* به همراه داشتن حرزها و آنچه اسم خداوند سبحان در آن است، اشکال ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، لازم است آن را روی لباس‌ها استفاده نماید تا اسم جلاله با بدن فرد بدون وضو تماس نداشته باشد، یا آنکه اسم جلاله داخل در جلد و غلافی (هرچند نازک) باشد، تا مانع از تماس مستقیم آن با بدن فرد بی وضو گردد.<sup>۳</sup>

\* اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است مثل کاغذی که اسم خداوند متعال یا پیامبر (ص) یا یکی از معصومین علیهم‌السلام یا القاب و کنیه‌های آن بزرگواران بر آن نوشته شده در مستراح بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن هرچند خرج داشته باشد، واجب فوری است و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید به آن مستراح نروند تا یقین کند آن ورق پوسیده است ولی اعلام به دیگران واجب نیست و همچنین اگر تربت امام حسین (ع) در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید تا وقتی که یقین نکرده‌اند که به کلی از بین رفته، به آن مستراح نروند.<sup>۴</sup>

\* احترام اسامی متبرکه باید حفظ شود و انداختن آنها در مکان‌هایی که عرفاً هتک حرمت و اهانت به حساب می‌آید، جایز نیست، بنابراین بهترین راه این است که ظرف یا محلی برای نگهداری این‌گونه اسماء و کلمات در نظر گرفته شود و بعد از مدتی محتوای آن را در گوشه‌ای از بیابان یا در مکان پاک، دفن کنند یا اینکه در دریا یا آب روان بریزند. همچنین محو نوشته‌ها هرچند با بعضی از مواد شیمیایی پاک، جایز است ولی سوزاندن آیات قرآن یا قرآن‌های ورق شده یا اسامی متبرکه خداوند متعال یا معصومین علیهم‌السلام به طور کلی جایز نیست.<sup>۵</sup>

### احادیث معصومین (ع)

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۴.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۶.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۱۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۴.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۱۳.



\* ترجمه نهج البلاغه و صحیفه سجادیه که با خط بریل (نقطه‌های برجسته) باشد آیا وضو لازم است؟  
- همه آنها خط است و حکم نوشته‌های معمولی را دارد مگر با وجود حائل.<sup>۱</sup>

\* برای لمس و مسّ متن نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، وضو لازم است؟  
- [لمس] در غیر نام خداوند اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

### اسم خداوند و دیگر مقدسات

\* کسی که وضو ندارد - بنا بر احتیاط واجب - حرام است اسم خداوند متعال و صفات خاصه او را به هر زبانی نوشته شده باشد، مس نماید. و بهتراست که اسم مبارک پیغمبر و امامان و حضرت زهرا علیهم السلام را هم مس ننماید.<sup>۳</sup>

\* آیا با نام امام علی (ع) و دیگر معصومین (ع) یا آیات قرآنی می‌توان شکل پرنده یا شکل شیر رسم کرد؟ از قدیم نوعی نقاشی (سبک نقاشی طبیعت‌گرا) متداول بوده که مرغ حق یا شیر شجاع به عنوان نماد و سمبل حضرت علی (ع) را با آیات قرآنی یا احادیث ترسیم می‌کردند. حکم کشیدن نقاشی، خرید و فروش و نگهداری اینگونه سازه‌ها و تابلو چیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* آیا نابینایان که به نام روشندان (یا در عربی مکفوف و اعمی و ضریر) هم نامیده شده‌اند، در مس کتابت قرآن و اسماء خداوند و معصومین (ع) باید با طهارت و وضو باشند؟  
- اگر خط را لمس کنند حکم بینا را دارند.<sup>۵</sup>

\* وظیفه مردم در لمس سکه‌ها یا تمبرها یا پرچم‌ها منقوش به بسمله یا لا اله الا الله و دیگر کلمات و جملات مقدس چیست؟ آیا حتماً باید وضو داشته باشند؟  
- اگر قرآن است ولی در هم است و به صورت واضح نیست نباید بدون وضو لمس شود.<sup>۶</sup>

\* وظیفه مؤمنین در لمس نمادها و سمبل‌هایی که ظاهر آن کلمه مقدس یا عبارات قرآنی و مقدس نیست ولی با تأمل و دقت معلوم می‌شود کلام مقدس است، چیست؟ آیا باید وضو داشت؟

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۸.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۸.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

- لمس اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* عکس ناشنوایی (یا به عبارت بهتر تصویرهای بیان کننده نام خداوند) را که با زبان اشاره یعنی حرکات دست و سر نام خداوند را بیان می کند، آیا می توان لمس کرد؟  
- اگر آیات قرآن باشد و همین کلمات نوشته شده باشد به هر خطی باشد نباید بدون وضو لمس شود مگر این که زیر شیشه باشد.<sup>۲</sup>

\* ناپینا به دلیل ندیدن بدون تعمد و بدون آگاهی در برخی مواقع، قرآن یا اسماء مقدس را لمس و مس می کند؛ اگر این لمس از روی خطا باشد آیا مرتکب گناه شده؟ و آیا باید کفاره یا ردّ ظلم یا تکلیف دیگری بر ذمه و عهده این شخص است؟  
- گناه نیست.<sup>۳</sup>

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۴</sup>

\* آیا بر ناپینان لازم است قبل از دست گذاشتن بر نوشته ای مطمئن شوند اسامی مقدسه یا متن قرآن نیست؟ آیا لازم است تحقیق کنند؟  
- در مورد قرآن لازم است و در مورد نام خداوند احتیاطاً لازم است و در نام معصومین (ع) بهتر است و واجب نیست.<sup>۵</sup>

\* اگر ناپینان بدون توجه دست خود را روی اسم جلاله خداوند که در جایی نوشته شده بکشند، مرتکب گناهی شده اند؟  
- گناه نیست.<sup>۶</sup>

۱. توان نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۲. توان نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۳. توان نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۴. توان نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۵. توان نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* نابینایان برای خواندن از خط برجسته‌ای به نام «بریل» که با لمس انگشتان خوانده می‌شود، استمداد می‌گیرند. می‌دانیم که این خط از نقاط شش‌گانه تشکیل شده است. با توجه به مطلب فوق، آیا بر نابینایان لازم است در موقع فراگیری قرائت قرآن، و در وقت لمس اسامی مقدسه که با خط برجسته نوشته شده، وضو داشته باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۱</sup>

\* آیا مس ترجمه قرآن مثل ترجمه فارسی قرآن یا ترجمه انگلیسی، وضو داشتن واجب است؟  
- لازم نیست مگر نام خداوند بنا بر احتیاط واجب.<sup>۲</sup>

\* بنا بر احتیاط واجب رساندن جایی از بدن جنب به اسم مبارک ذات خداوند متعال حرام است، به هر زبانی که باشد و صفات مخصوص او و احتیاط مستحب است، انسان اسماء پیامبران و امامان و حضرت زهرا علیهم‌السلام را هم در حالت جنابت لمس ننماید.<sup>۳</sup>

\* کسی که وضو ندارد، بنا بر احتیاط لازم، جایز نیست اسم ذات خداوند متعال را به هر زبانی که نوشته شده باشد (الله، خدا، GOD) با بدنش لمس کند و همین‌طور است لمس صفات مخصوص الهی به هر زبانی که نوشته شده باشد؛ توضیح مطلب در مورد لمس صفات الهی، از این قرار است:  
صفاتی که برای خداوند متعال به کار می‌رود، دو نوع می‌باشد:  
نوع اول: بعضی از صفات برای غیر خداوند متعال به کار برده نمی‌شود؛ مانند «الرحمن» و نیز برخی از صفات، دلالت بر خصوصیتی دارند که تنها خداوند سبحان، آن خصوصیت و ویژگی را دارد، مانند «مقلب القلوب»؛ لمس این موارد، بنا بر احتیاط واجب، بدون وضو جایز نیست.  
نوع دوم: بعضی از صفات، معنایش به گونه‌ای است که غیر خداوند متعال هم می‌تواند آن ویژگی را داشته باشد و در مورد غیر خدای متعال هم به کار می‌رود؛ این صفات، خود، دو دسته است:  
الف. صفاتی که غالباً برای خداوند متعال به کار می‌رود، طوری که اگر بدون توضیح یا نشانه‌ای ذکر شود، برداشت می‌شود که منظور از آن، خداوند متعال می‌باشد، مانند «رب» و «خالق»؛ این صفات اگر بدون نشانه، ذکر شود یا نشانه‌ای در کلام و عبارت باشد که مشخص کند منظور از آن خداوند متعال است، بنا بر احتیاط واجب، لمس آن، بدون وضو، جایز نیست؛ در غیر این دو صورت، لمس این‌گونه صفات، بدون وضو جایز است.  
ب. صفاتی که برای خداوند متعال و غیر او به کار می‌رود؛ طوری که وقتی بدون توضیح و نشانه باشد، معلوم نیست منظور از آن، خداوند متعال است یا غیر او، مانند «رحیم» و «عظیم»؛ لمس این صفات چنانچه نشانه‌ای در آن نوشتار باشد که بفهماند منظور از آن، خداوند متعال است، بنا بر احتیاط

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۲۷.

واجب، جایز نیست؛ ولی اگر چنین نشانه‌ای نباشد، چه اینکه بدون نشانه باشد، یا اینکه نشانه‌ای باشد که بفهماند منظور، غیر خداوند متعال است، لمس آن اشکال ندارد. احتیاط مستحب است که اسم مبارک پیامبر (ص) و امامان علیهم السلام و حضرت زهرا (س) را هم بدون وضو لمس ننماید.<sup>۱</sup>

\* به همراه داشتن حرزها و آنچه اسم خداوند سبحان در آن است، اشکال ندارد؛ ولی بنا بر احتیاط واجب، لازم است آن را روی لباس‌ها استفاده نماید تا اسم جلاله با بدن فرد بدون وضو تماس نداشته باشد، یا آنکه اسم جلاله داخل در جلد و غلافی (هرچند نازک) باشد، تا مانع از تماس مستقیم آن با بدن فرد بی وضو گردد.<sup>۲</sup>

\* لمس «...» که به جای اسم «الله» نوشته می‌شود و نیز لمس ضمیری که به «الله» برمی‌گردد، مثل «ه» در «بسمه تعالی» یا «هو» در «هو الباقی»، بدون وضو، جایز است.<sup>۳</sup>

\* مس لفظ جلاله بدون وضو، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست هرچند جزئی از یک اسم دو یا چند جزئی باشد مثل عبدالله و حبیب‌الله.<sup>۴</sup>

\* اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است مثل کاغذی که اسم خداوند متعال یا پیامبر (ص) یا یکی از معصومین علیهم السلام یا القاب و کنیه‌های آن بزرگواران بر آن نوشته شده در مستراح بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن هرچند خرج داشته باشد، واجب فوری است و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید به آن مستراح نروند تا یقین کند آن ورق پوسیده است ولی اعلام به دیگران واجب نیست و همچنین اگر تربت امام حسین (ع) در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید تا وقتی که یقین نکرده‌اند که به کلی از بین رفته، به آن مستراح نروند.<sup>۵</sup>

\* برطرف کردن نجاست از تربت امام حسین علیه السلام که از قبر مبارک حضرت به قصد تبرک برداشته شده است، چنانچه در عرف، هتک و توهین محسوب شود، واجب است و تربت و خاک قبر پیامبر خدا (ص) و سایر ائمه اطهار علیهم السلام که از قبور منوره ایشان به قصد تبرک برداشته شده باشد، در نجس شدن و تطهیر، حکم تربت حضرت سید الشهداء أباعبدالله الحسین (ع) را دارد.

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۸.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۰۹.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۱۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۴.

همچنین در تربت حضرت سید الشهداء(ع) فرقی نیست که از قبر شریف آن مظلوم برداشته باشند یا آنکه از بیرون آورده و به قصد تبرک و استشفاء بر قبر مطهر گذاشته باشند.<sup>۱</sup>

\* بی احترامی و هتک حرمت نسبت به اسامی مکان‌های همنام اهل بیت(ع) است مثل خیابان امام رضا، میدان امام حسین، حسینیه حضرت زهرا و مسجد موسی بن جعفر و... - مثل آنکه آنها را زیر پا قرار دهد یا در زباله‌دانی بیندازد - جایز نیست.<sup>۲</sup>

\* احترام اسامی متبرکه باید حفظ شود و انداختن آنها در مکان‌هایی که عرفاً هتک حرمت و اهانت به حساب می‌آید، جایز نیست، بنابراین بهترین راه این است که ظرف یا محلی برای نگهداری این‌گونه اسماء و کلمات در نظر گرفته شود و بعد از مدتی محتوای آن را در گوشه‌ای از بیابان یا در مکان پاک، دفن کنند یا اینکه در دریا یا آب روان بریزند. همچنین محو نوشته‌ها هر چند با بعضی از مواد شیمیایی پاک، جایز است ولی سوزاندن آیات قرآن یا قرآن‌های ورق شده یا اسامی متبرکه خداوند متعال یا معصومین علیهم‌السلام به طور کلی جایز نیست.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۱۱.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۱۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۱۳.



## احکام تقلید و تکلیف

### اصول دین

\* شخص مسلمان باید عقیده اش به اصول دین از روی بصیرت باشد، و نمی تواند در اصول دین تقلید نماید، یعنی گفته کسی را که علم به آنها دارد به صرف اینکه او گفته است قبول کند. ولی چنانچه شخص به عقاید حقه اسلام یقین داشته باشد، و آنها را اظهار نماید - هر چند از روی بصیرت نباشد - آن شخص مسلمان و مؤمن است، و همه احکام اسلام و ایمان بر او جاری می شود. اما در احکام دین - در غیر ضروریات و قطعیات - باید شخص یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است.

مثلاً: اگر گروهی از مجتهدین عملی را حرام می دانند، و گروه دیگر می گویند حرام نیست، آن عمل را انجام ندهد.

و اگر عملی را بعضی واجب، و بعضی مستحب می دانند، آن را بجا آورد.

پس کسانی که مجتهد نیستند، و نمی توانند به احتیاط عمل کنند، واجب است از مجتهد تقلید نمایند.<sup>۱</sup>

\* آیا اصول دین تقلیدی است و اگر انسان از گفته غیر به یقین برسد کافی است؟

- شخص مسلمان باید عقیده اش به اصول دین از روی بصیرت باشد، و نمی تواند در اصول دین تقلید نماید، یعنی گفته کسی را که علم به آنها دارد به صرف اینکه او گفته است قبول کند، ولی چنانچه شخص به عقاید حقه اسلام یقین داشته باشد و آنها را اظهار نماید هر چند از روی بصیرت نباشد آن شخص مسلمان و مؤمن است و همه احکام اسلام و ایمان بر او جاری می شود.<sup>۲</sup>

### تقلید

\* تقلید در احکام، عمل کردن به دستور مجتهد است. و از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد، بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، حلال زاده، زنده و عادل باشد.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی،

و عادل کسی است که کارهایی را که بر او واجب است بجا آورد، و کارهایی را که بر او حرام است ترک کند.

و نشانه عدالت این است که در ظاهر شخص خوبی باشد، که اگر از اهل محل یا همسایگان، یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را بپرسند، خوبی او را تصدیق نمایند.

و در صورتی که اختلاف فتوا بین مجتهدین در مسائل محل ابتلاء - و لو اجمالاً - معلوم باشد، لازم است مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند اَلم باشد، یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدین زمان خود تواناتر باشد.<sup>۱</sup>

\* تقلید یعنی چه؟

- تقلید در احکام، عمل کردن به دستور مجتهد است.<sup>۲</sup>

\* اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند از دنیا برود، حکم بعد از فوت او حکم زنده بودنش است، بنابراین اگر او اَلم از مجتهد زنده باشد باید - با علم به اختلاف در مسائل محل ابتلاء و لو اجمالاً - بر تقلید او باقی بماند.

و چنانچه مجتهد زنده اَلم از او باشد باید به مجتهد زنده رجوع کند. و اگر اَلمیتی در میان آنها معلوم نشود یا مساوی باشند، پس اگر اورعیت یکی از آنها ثابت شود به این معنا که در فتوا دادن بیشتر احتیاط کند باید از او تقلید کند و اگر ثابت نشود مخیر است عمل خود را با فتوای هر کدام تطبیق نماید، مگر در موارد علم اجمالی، یا قیام حجت اجمالی بر تکلیف - مانند موارد اختلاف در قصر و تمام - که بنا بر احتیاط واجب باید رعایت هر دو فتوا را بنماید. و مراد از تقلید در صدر این مسأله صرف التزام به متابعت از فتوای مجتهد معین است، نه عمل کردن به دستور او.<sup>۳</sup>

\* اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، اگر اعمال او مطابق با واقع، یا فتوای مجتهدی باشد که اکنون می‌تواند مرجع او باشد صحیح است، و در غیر این صورت اگر جاهل قاصر بوده، و نقص عمل از جهت ارکان و مانند آن نبوده است، عمل صحیح است. و همچنین است اگر جاهل مقصر بوده است، و نقص عمل از جهتی بوده است که در صورت جهل صحیح است مانند جهر به جای اخفات یا به عکس. و همچنین اگر کیفیت اعمال گذشته را نداند که محکوم به صحت است، بجز در بعضی موارد که در «منهاج» ذکر شده است.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۲.



## مقلدین معلول

## معلولین ذهنی

\* آیا خواندن نماز بر فرد کم‌توان ذهنی که به بلوغ شرعی رسیده واجب است؟  
- بلی واجب است مگر کند ذهنی او به حدی برسد که نفهمد نماز چیست.<sup>۱</sup>

\* تا چه حد از بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی باعث ساقط‌شدن تکلیف نماز و روزه می‌شود؟  
تشخیص آن به عهده چه کسی است؟  
- اگر بیماری به حدی باشد که هوشیاری و یا عقل او زایل شود، تکلیف به نماز و روزه ساقط است. البته روزه در صورتی که ترس ضرر نیز باشد ساقط می‌شود.<sup>۲</sup>

\* افراد عقب مانده ذهنی علی‌رغم سن‌های بالا از نظر درک و عقل، گاه در حد، کودکان ۱۲ ساله و یا پایین‌تر می‌باشند آیا تکلیف شرعی از گردن آنها ساقط می‌شود یا خیر؟  
- اگر دیوانه نباشند و درک داشته باشند مکلف‌اند.<sup>۳</sup>

\* دختری دارم ۱۱ ساله که مشکل ذهنی دارد او در اوایل آبان ماه تکلیف شده و دوران پریود او شروع گردید. سؤال من این است که پس از اتمام هر دوره پریود با توجه به اینکه او مشکل ذهنی دارد آیا من می‌توانم هنگام استحمام ایشان نیت غسل نمایم و ایشان را غسل بدهم یا خیر و یا اگر راه دیگری وجود دارد لطفاً بفرمائید؟  
- اگر مسائل را درک نمی‌کند تکلیفی بر او نیست و لازم نیست غسل کند و اگر متوجه می‌شود باید به او بگوید که باید غسل حیض کند و همین کافی است و نیت چیزی نیست که به زبان بیاورد و یا از قلب بگذراند.<sup>۴</sup>

## معلولین حرکتی

\* فردی که از کمر قطع نخاع شده، فقط بعضی از اعمال را شخصاً می‌تواند انجام دهد. آیا برای قسمتی از اعمال که انجام دادنش مشقت دارد، می‌تواند از کسی کمک بگیرد؟  
- می‌تواند.<sup>۵</sup>

\* معلولی که بر اثر جراحت وارده، دستانش هیچ‌گونه حس و حرکتی ندارد، تکلیف او برای وضو چه می‌باشد؟

۱. ترازنامه، ش ۴-ص ۲۲۰.

۲. ترازنامه، ش ۴-ص ۲۲۰-۲۲۱.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- از کسی کمک بخواهد.<sup>۱</sup>

### نابینایان

\* نابینایان از دو طریق حس لامسه و حس شنوایی می‌توانند قرآن و احکام و مسائل دینی را یاد بگیرند، یا ناشنوایان از طریق زبان اشاره مسائل دینی را یاد می‌گیرند، آیا وظایف این دو گروه در فراگیری مسائل شرعی مثل افراد عادی و سالم است؟  
- به مقداری که متمکن‌اند تکلیف دارند.<sup>۲</sup>

### ناشنوایان

\* کودکان ناشنوا به دلیل تأخیر در رشد اجتماعی (به واسطه کمبود گنجینه لغات) آیا دیرتر از افراد سالم به سن تکلیف می‌رسند یا خیر؟  
- اگر درک داشته باشند مکلف‌اند.<sup>۳</sup>

\* نابینایان از دو طریق حس لامسه و حس شنوایی می‌توانند قرآن و احکام و مسائل دینی را یاد بگیرند، یا ناشنوایان از طریق زبان اشاره مسائل دینی را یاد می‌گیرند، آیا وظایف این دو گروه در فراگیری مسائل شرعی مثل افراد عادی و سالم است؟  
- به مقداری که متمکن‌اند تکلیف دارند.<sup>۴</sup>

## تکلیف

### شرایط

\* انسان در صورتی که دارای شرایط خاصی باشد، باید احکام و مقررات الهی را رعایت نماید. این شرایط، شرایط تکلیف نام دارد و در صورتی که هر یک از آنها نباشد، انسان، مکلف نمی‌باشد از جمله آنها موارد زیر است:

الف. عقل: شرط اول تکلیف، عقل و توان فکری مکلف است و فردی که مجنون و دیوانه است و از نظر فکری دارای توان لازم نیست، از نظر اسلام تکلیفی ندارد و تا چراغ عقل در درون انسان روشن نشده و قدرت تشخیص ایمان و کفر، حق و باطل، واجب و حرام را ندارد، تکلیفی به عهده او نیست. عقل و توان فکری انسان مبنای تکلیف و معیار محاسبه و مؤاخذة الهی است.

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

و روایت شده که امام باقر می‌فرمایند: در روز قیامت خداوند به اندازه عقلی که در دنیا به بندگان داده است، در رسیدگی به حساب آنان دقت به خرج می‌دهد.

ب. قدرت: دومین شرط تکلیف، قدرت یعنی توانایی برای انجام کاری است که خداوند آن را از انسان خواسته است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کند و در حدیث نقل شده است که امام حسین (ع) درباره این شرط می‌فرمایند: خداوند طاقت کسی را نگرفت مگر آنکه طاعت خود را از او برداشت و قدرت کسی را سلب نکرد مگر اینکه تکلیف خود را از او برداشت.

ج. بلوغ: سومین شرط تکلیف بلوغ می‌باشد. بلوغ پدیده مبارکی است که انسان در سایه آن این شایستگی را پیدا می‌کند که مورد توجه خطاب الهی قرار گیرد و رعایت دستورات و فرمان‌های الهی بر او واجب شود و ارتکاب اموری که از آن نهی شده بر او حرام گردد و با انجام وظایف دینی به خداوند متعال تقرب جوید و در امتحان بندگی و تسلیم، سرافراز و سربلند گردد. دین مبین اسلام نشانه‌هایی را برای بلوغ بیان نموده است.<sup>۱</sup>

### نشانه‌های بلوغ

✽ نشانه بلوغ در دختر، تمام شدن نُه سال قمری است<sup>۲</sup> و نشانه بلوغ در پسر یکی از چهار مورد زیر است:

اول: روییدن موی درشت در زیر شکم، بالای عورت.

دوم: روییدن موی درشت در صورت و پشت لب.

سوم: بیرون آمدن منی، چه در خواب و چه در بیداری.

چهارم: تمام شدن پانزده سال قمری.

هر یک از علامت‌های بالا، نشان بالغ شدن انسان و رسیدن او به حد تکلیف است و از آن لحظه در صورتی که سایر شرایط تکلیف نیز فراهم باشد، انجام همه دستوره‌های الهی بر انسان واجب است، از

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث شرایط تکلیف، ص ۳۹.

۲. بنا بر آنچه گفته شده دختران یا پسرانی که تاریخ تولدشان به سال قمری مشخص نیست ولی تاریخ تولد آنان به سال شمسی معلوم است، برای تبدیل سال شمسی به قمری، کافی است ابتدا دختران روزی که نُه سال شمسی آنان و پسران روزی که پانزده سال شمسی‌شان کامل می‌گردد را مشخص نموده، سپس دختران ۹۷ روز و پسران ۱۶۲ روز از آن کم کنند به این ترتیب روز کامل شدن ۹ یا ۱۵ سال قمری آنان معین می‌شود. به عنوان مثال دختر خانمی که در تاریخ ۱۰ مرداد ماه ۱۳۸۴ به دنیا آمده است، در تاریخ ۱۰ مرداد ماه ۱۳۹۳، نه سال شمسی وی کامل می‌گردد. چنانچه ۹۷ روز از این تاریخ کم نماید، تاریخ ۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ به دست می‌آید که بیانگر تاریخ کامل شدن ۹ سال قمری او و رسیدن به سن تکلیف است. آقا پسری که در تاریخ ۱۰ مهر ماه ۱۳۷۸ به دنیا آمده است، در تاریخ ۱۰ مهر ماه ۱۳۹۳، پانزده سال شمسی وی کامل می‌گردد. چنانچه ۱۶۲ روز از این تاریخ کم نماید، تاریخ ۳ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳ به دست می‌آید که بیانگر تاریخ کامل شدن ۱۵ سال قمری او است.

شایان ذکر است به علت وجود موقعیت‌های جغرافیایی مختلف و یکسان نبودن تعداد روزهای ماه‌های سال، گاه این محاسبه، یک یا دو روز خطا دارد بنابراین تا حد دو روز، احتیاط در مورد این محاسبه رعایت گردد و برای آنکه محاسبه دقیق‌تر از این باشد، باید هر موردی جداگانه حساب شود.

آنجا که دختر چند سال زودتر از پسر به تکلیف می‌رسد، تقدّم زن در تشرّف به تکلیف، نشانه آمادگی سریع‌تر او برای ارتباط با خدا و حرکت به سوی کمال است.<sup>۱</sup>

\* آیا معیار در سن بلوغ پسران و دختران سال شمسی است یا قمری؟  
- معیار، سال قمری است.<sup>۲</sup>

\* نشانه‌های بلوغ شرعی در پسران کدام است؟  
- نشانه‌های بلوغ پسران یکی از سه چیز است.  
۱- روئیدن موی درشت در زیر شکم بالای عورت  
۲- بیرون آمدن منی  
۳- تمام شدن ۱۵ سال قمری<sup>۳</sup>

\* نشانه‌های بلوغ دختران چیست؟  
- نشانه بلوغ در دختر، تمام شدن ۹ سال قمری است.<sup>۴</sup>

\* آیا روئیدن موی درشت در صورت و پشت لب می‌تواند نشانه بلوغ پسر باشد؟  
- بعید نیست که روئیدن موی درشت در صورت و پشت لب علامت بلوغ باشد.<sup>۵</sup>

\* دیدن خون توسط دختری که نمی‌داند ۹ سال او تمام شده، می‌تواند نشانه بلوغ باشد؟  
- اگر نشانه‌های حیض را نداشته باشد حیض نیست و نشانه بلوغ او محسوب نمی‌شود و اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد و اطمینان به حیض بودن آن پیدا کند حیض است و معلوم می‌شود ۹ سال او تمام شده است (نشانه بلوغ او حساب می‌شود).<sup>۶</sup>

\* اگر دختر کم توان ذهنی دارای رشد سریع جسمی، و به تعبیر دیگر بلوغ جسمی زودرس باشد.  
قبل از رسیدن به سن ۹ سالگی به سن بلوغ شرعی می‌رسد یا خیر؟  
- سن بلوغ شرعی دختر تمام شدن ۹ سال قمری است.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۱.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۵۲؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۲۷۰.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۵۲؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۲۷۰.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۲-۲۳؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۲۷۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۵۳.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۳.

## مرجعیت

## شرایط

\* شرایطی که یک مرجع تقلید باید داشته باشد تا بتوان از او تقلید کرد کدامند؟

- از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد، بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، حلال زاده، زنده و عادل باشد و از مجتهدین دیگر اعلم باشد یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدین زمان خود استادتر باشد.<sup>۲</sup>

\* عادل کیست؟

- عادل کسی است که کارهایی را که بر او واجب است به جا آورد و کارهایی را که بر او حرام است ترک کند، و نشانه عدالت این است که در ظاهر شخص خوبی باشد، که اگر از اهل محل یا همسایگان، یا کسانی که با او معاشرت دارند، حال او را بپرسند، خوبی او را تصدیق نمایند.<sup>۳</sup>

\* مراد از اعلم در شخص مجتهد چیست؟

- اعلم یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدین زمان خود توانا تر باشد.<sup>۴</sup>

\* مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت:

اول: آنکه خود انسان یقین کند، مثل آنکه از اهل علم باشد، و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد. دوم: آنکه دو نفر عالم و عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آنکه دو نفر عالم و عادل دیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند. بلکه اجتهاد یا علمیت کسی به گفته یک نفر از اهل خبره و اطلاع که مورد وثوق انسان باشد نیز ثابت می شود.

سوم: آنکه انسان از راه های عقلانی به اجتهاد یا علمیت فردی اطمینان پیدا کند، مثل آنکه عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.<sup>۵</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۲۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۵۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۷۰.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۲۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۲۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۳۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳.

### روش به دست آوردن فتوا

\* به دست آوردن فتوا، یعنی دستور مجتهد چهار راه دارد:  
 اول: شنیدن از خود مجتهد.

دوم: شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند.  
 سوم: شنیدن از کسی که انسان به گفته او اطمینان دارد.

چهارم: دیدن در رساله مجتهد در صورتی که انسان به درستی آن رساله اطمینان داشته باشد.<sup>۱</sup>

\* تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است، می تواند به آنچه در رساله او نوشته شده عمل نماید، و اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده جستجو لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* اگر مجتهد أعلم در مسأله ای فتوا دهد، مقلد نمی تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند.

ولی اگر فتوا ندهد، و بفرماید احتیاط آن است که فلان طور عمل شود - مثلاً بفرماید احتیاط آن است که در رکعت اول و دوم نماز بعد از سوره حمد یک سوره تمام بخواند - مقلد باید یا به این احتیاط که احتیاط واجب یا لازم نامیده می شود عمل کند، و یا به فتوای مجتهد دیگری - با رعایت الأعلّم فالأعلّم - عمل نماید، پس اگر او فقط سوره حمد را کافی بداند، می تواند سوره را ترک کند. و همچنین است اگر مجتهد أعلم بفرماید مسأله محل تأمل، یا محل اشکال است.<sup>۳</sup>

\* اگر مجتهد أعلم بعد از آنکه در مسأله ای فتوا داده، یا پیش از آن احتیاط کند - مثلاً بفرماید ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می شود اگر چه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند - مقلد او می تواند عمل به احتیاط را ترک نماید، و این را احتیاط مستحب می نامند.<sup>۴</sup>

\* بر مکلف لازم است مسائلی را که احتمال می دهد به واسطه یاد نگرفتن آنها در معصیت - یعنی ترک واجب یا فعل حرام - واقع می شود یاد بگیرد.<sup>۵</sup>

\* اگر برای انسان مسأله ای پیش آید که حکم آن را نمی داند، لازم است احتیاط کند، یا اینکه با شرایطی که ذکر شد تقلید نماید.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹.

ولی چنانچه دسترسی به فتوای أعلم در آن مسأله نداشته باشد، جایز است از غیر أعلم تقلید نماید، با رعایت الأعلّم فالأعلّم.<sup>۱</sup>

\* اگر کسی فتوای مجتهدی را به شخص دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود، لازم نیست به او خبر دهد که فتوای آن مجتهد عوض شده است. ولی اگر بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده، و گفته او موجب آن می‌شود که آن شخص برخلاف وظیفه شرعی اش عمل کند، باید - بنا بر احتیاط لازم - اشتباه را در صورت امکان برطرف کند.<sup>۲</sup>

### گناه شناسی و وظایف عمومی

\* بعضی از گناهان و محرّمات در شریعت اسلام عبارت‌اند از:

۱. شرک و کفر به خداوند متعال.
۲. ناامیدی از رحمت خداوند متعال.
۳. امن از مکر خداوند متعال یعنی فرد گناهکار خویش را از عذاب الهی و مجازات او در امان بداند.
۴. انکار آنچه خداوند متعال نازل فرموده است.
۵. حکم کردن به غیر آنچه خداوند متعال نازل فرموده است.
۶. جنگ با اولیای خداوند متعال و فساد کردن در زمین.
۷. مانع شدن از ذکر خداوند متعال در مساجد و سعی در خراب کردن آنها.
۸. فرار از جنگ مسلمین با کفار.
۹. گمراه کردن مردم از راه خداوند متعال.
۱۰. خودکشی یا وارد کردن ضرر کلی به بدن مثل نقص عضو.
۱۱. کشتن مسلمان و کسی که خون او محترم است و همچنین تجاوز با او به زدن، مجروح کردن و مانند آن.
۱۲. سقط جنین.
۱۳. دروغ.
۱۴. قسم دروغ به خداوند متعال.
۱۵. گفتار بدون علم و دلیل معتبر.
۱۶. شهادت دادن به ناحق.
۱۷. کتمان شهادت در جایی که اظهار آن لازم است.
۱۸. ترک عمدی نماز و روزه و حج و سایر واجبات الهی.
۱۹. پرداخت نکردن زکات و خمس واجب.
۲۰. ریا در طاعات و عبادات.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱.

۲۱. عقود والدین (اذیت و بدرفتاری با پدر و مادر و ترک احسان لازم به آنان).
۲۲. قطع رحم.
۲۳. مشغول شدن به لهو حرام مانند غنا و موسیقی لَهوی.
۲۴. قمار بازی.
۲۵. تعاون و همکاری با ظالمین و قبول پُست از ناحیه آنان؛ مگر آنکه اصل عمل شرعی باشد و پذیرش آن پست به مصلحت مسلمین باشد.
۲۶. شکستن عهد و نذر و قسم شرعی.
۲۷. خیانت و پیمان شکنی حَتّی با غیرمسلمانان.
۲۸. تَبذیر (بیهوده خرج کردن مال و صرف آن در آنچه شایسته نیست).
۲۹. اسراف (صرف مال زیادتَر از آنچه شایسته است).
۳۰. شرب خمر و آب جو (فَقَاع) و سایر مست کننده‌ها.
۳۱. سحر.
۳۲. لواط.
۳۳. زنا.
۳۴. نسبت دادن زنا به کسی بدون بیّنه شرعی.
۳۵. قِطادَت (جمع کردن بین مرد و زن به زنا، یا دو مرد به لواط).
۳۶. استمناء و خودارضایی و سایر استمناعات جنسی در غیر زن و شوهر.
۳۷. ربا در قرض یا معامله و دریافت دیرکرد در ازای تأخیر در پرداخت دین، همچنین اجراء یا ثبت یا گواهی بر عقود، معاملات و وام‌های ربوی.
۳۸. خوردن سُخْت (خوردن و ارتزاق از مال حرام) مانند بهای خمر و مسکرات و اجرت زن زناکار، اجرت فرد آوازخوان که آواز غنایی می‌خواند.
۳۹. رشوه‌ای که قاضی برای صدور حکم می‌گیرد.
۴۰. دزدی.
۴۱. تصرّف در مال یتیم به ظلم و ناحق.
۴۲. غصب و تصرّف در مال دیگری بدون رضایت او.
۴۳. غش در معاملات.
۴۴. کم‌فروشی.
۴۵. خوردن گوشت خوک و حیوانات حرام گوشت و مردار.
۴۶. شایع کردن فحشاء و گناه بین مؤمنین.
۴۷. نَمّامی و سخن چینی کردن که موجب تفرقه بین مؤمنین گردد.
۴۸. قهر کردن با مسلمان بیش از سه روز، بنا بر احتیاط واجب.
۴۹. خلف وعده، بنا بر احتیاط واجب.
۵۰. حسد همراه اظهار اثر آن با گفتار یا عمل و بدون اظهار اثر، حرام نیست؛ هر چند از رذایل اخلاقی و صفات ناپسند محسوب می‌شود.
۵۱. فحش و ناسزا گفتن به مؤمن و لعن وی.



۵۲. اهانت به مؤمن و ذلیل کردن او.

۵۳. افشای اسرار مؤمن.

۵۴. تجسس برای اطلاع از گناهان غیرعلنی و پنهان مؤمن.

۵۵. ضرر وارد کردن به جان یا مال یا عِرض مسلمان.

۵۶. تهمت زدن به مؤمن.

۵۷. غیبت.

۵۸. تَعَرُّب پس از هجرت و منظور از آن در این زمان آن است که انسان سرزمین اسلامی یا کشور یا شهری که می‌توانست معارف دینی و احکام شرعی را در آن بیاموزد و واجبات الهی را انجام دهد و از حرام‌های الهی اجتناب نماید را ترک کرده و به سرزمین یا کشور یا شهری منتقل شود و در آن اقامت گزیند که دین و ایمانش کاستی پذیرد به گونه‌ای که ایمان و اعتقادش به عقاید حق، سست و ضعیف و کم رنگ گردد یا نتواند همه یا بعضی از واجباتی را که در شریعت اسلام به آنها امر شده انجام دهد و گناهی را که نهی شده ترک نماید؛ بنابراین مسلمانی که به کشور غیر اسلامی رفته است اگر بداند که ماندن او در آن کشور به کاستی دین و ایمان او و خانواده یا فرزندانش، کشیده می‌شود باید به میهن خود برگردد؛ مگر آنکه برگشتن به میهن اسلامی، وی را در خطر مرگ یا حرج و زحمت فوق‌العاده‌ای که قابل تحمل نیست بیاندازد یا ضرورتی پیش آید که باعث رفع تکلیف شود همانند ضرورتی که موجب جایز شدن خوردن مردار برای حفظ جان از خطر مرگ حتمی و امثال آن می‌شود و در این فرض هم باید به حد لازم و ضرورت اکتفاء کند و بیشتر از آن جایز نیست.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۲۲۴.



# احکام طهارت

## اقسام مطهرات<sup>۱</sup>

\* دوازده چیز نجاست را پاک می کند و آنها را مطهرات گویند:

اول: آب.

دوم: زمین.

سوم: آفتاب.

چهارم: استحاله.

پنجم: انقلاب.

ششم: انتقال.

هفتم: اسلام.

هشتم: تبعیت.

نهم: برطرف شدن عین نجاست.

دهم: استبراء حیوان نجاست خوار.

یازدهم: غایب شدن مسلمان.

دوازدهم: خارج شدن خون از حیوان ذبح شده.<sup>۲</sup>

## آب

### اثبات پاکی

\* بچه ممیزی که خوب و بد را می فهمد اگر بگوید چیزی را آب کشیدم آیا می توان پذیرفت؟

- بچه ای که ممیز است و پاکی و نجسی را به خوبی درک می کند اگر بگوید چیزی را آب کشیدم، در صورتی که آن چیز در تصرف او باشد یا گفته اش مورد اطمینان باشد قبول می شود، و همچنین اگر بگوید چیزی نجس است.<sup>۳</sup>

### تطهیر<sup>۱</sup>

۱. مطهر (با کسر ه) یعنی پاک کننده و با فتح ه یعنی پاک شده و دوازده پاک کننده، مطهر (به کسر ه) می باشند.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۵۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۴۲.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۴۵-۴۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۴۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۱۴۱.

\* کسی که بول او قطره قطره می‌ریزد، باید برای نماز به‌وسیله کیسه‌ای که در آن پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند خود را حفظ نماید، و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد. و نیز کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری نماید. و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد.<sup>۲</sup>

\* من معلولی هستم که هر دو سه ماه یکبار حمام می‌کنم. باتوجه به شرایطم آیا با این وجود نماز قبول است، همچنین دستشویی را چیکار کنم؟  
- نماز خواندن با بدن نجس در مفروض سؤال اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

\* آیا کار کردن با انسان‌هایی که معلول هستند هم از لحاظ فیزیولوژی و روحی اشکالی دارد؟ البته اگر از جنس مخالف باشد؟ مثلاً حمام دادنشان، لباس به تن دادنشان، توالیت بردنشان؟ آیا فرقی هم بین پیر و جوان بودنشان دارد؟  
- نگاه کردن و یا لمس عورت شخص دیگر حرام است.<sup>۴</sup>

\* نجس کردن خط و ورق قرآن توسط فرد کم‌توان ذهنی چه حکمی دارد؟  
- نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.<sup>۵</sup>

### تخلی<sup>۶</sup> (دستشویی)

\* واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلف‌اند، اگرچه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند، و همچنین از دیوانه و بچه اگر ممیز باشند یعنی خوب و بد را می‌فهمند، بیوشانند، ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بیوشانند.<sup>۷</sup>

۱. تطهیر یعنی آب کشیدن و شامل شستشو و آب کشیدن و استحمام می‌گردد.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۱.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۳۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۲۹.

۶. تخلیه فضولات از روده بزرگ با رفتن به مستراح را تخلی گویند. مردم عرفاً به آن دستشویی می‌گویند.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵۳.

\* اگر مکلف قبله را نمی‌داند بنا بر احتیاط واجب، برای او تخلی جایز نیست مگر بعد از آنکه از شناخت قبله ناامید شود و منتظر ماندن امکان نداشته باشد یا انتظار کشیدن، سختی فوق‌العاده داشته یا ضرری باشد و در هواپیماها و قطارها و کشتی‌ها نیز باید همین معنا را مراعات کرد.<sup>۱</sup>

### کیفیت آب کشیدن مخرج ادرار و مدفوع

\* مخرج ادرار تنها با آب پاک می‌شود و یک بار شستن با آب کر یا آب لوله‌کشی شهری یا آب قلیل کافی است، هرچند احتیاط مستحب این است که با آب قلیل دو بار شسته شود و بهتر آن است که سه بار شسته شود.<sup>۲</sup>

\* آیا در شستن و تطهیر مخرج غائط (مدفوع) تعدد لازم است؟

- خیر، در شستن مخرج غائط باید آنقدر بشویند تا چیزی از غائط نماند ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد، و اگر در دفعه اول طوری شسته شود که ذره‌ای از غائط در آن نماند، دوباره شستن لازم نیست.<sup>۳</sup>

### مستحبات و دیگر احکام

\* خودداری کردن از ادرار و مدفوع، مکروه است و اگر برای بدن ضرر کلی داشته باشد، حرام است.<sup>۴</sup>

### استبراء

\* چنانچه فرد کم‌توان ذهنی پسر قدرت بر استبراء داشته باشد ولی استبراء نکند رطوبتی از او خارج شود پاک است یا نجس؟  
- نجس است.<sup>۵</sup>

\* اگر از دختر کم‌توان ذهنی بعد از ادرار کردن، رطوبتی خارج شود چه حکمی دارد و اگر وضو داشته، آیا باطل می‌شود یا خیر؟  
- برای زن استبراء از ادرار نیست و اگر رطوبتی ببیند و شک کند که بول است یا نه پاک می‌باشد، وضو و غسل او را هم باطل نمی‌کند.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۷۳.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۷۵.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۷؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۶۳.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۳.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۴؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۷۱.

## وضو

\* در وضو واجب است انسان صورت و دست‌ها را بشوید و جلوی سر و روی پاها را مسح کند.<sup>۲</sup>

غایات<sup>۳</sup>

\* وضو گرفتن به لحاظ غایات (اهداف) آن، گاه شرط صحت عمل است یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود، صحیح نیست؛ مثل نماز خواندن - چه واجب باشد و چه مستحب - و گاه شرط جواز عمل و حرام نبودن آن است یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد، حرام است مثل مس خط قرآن و گاه شرط کمال عمل است یعنی برای درک ثواب یا ثواب بیشتر مثل نماز میت، طواف مستحبی، تلاوت قرآن، قرائت دعا و طلب حاجت از خداوند متعال و اذان نماز و گاهی هم برطرف کننده کراهت عمل است مانند خوابیدن در حال جنابت که با وضو، کراهت آن رفع می‌شود.<sup>۴</sup>

\* هر وقت فرد وضو بگیرد، چه قبل از وقت نماز - نزدیک به آن یا با فاصله - و چه بعد از فرا رسیدن وقت، اگر به قصد یکی از مواردی که به سبب آن وضو گرفته می‌شود مثل نماز، لمس خط قرآن یا با طهارت بودن یا هر انگیزه دیگری که به قصد قربت باشد، صحیح است؛ بنابراین اگر کسی اول صبح برای نماز ظهر وضو بگیرد، اشکال ندارد. همچنین اگر برای نماز ظهر و عصر وضو بگیرد در صورتی که وضویش باطل نشود، می‌تواند نماز مغرب و عشاء را با آن بخواند.<sup>۵</sup>

\* مستحب است انسان برای این که با طهارت باشد وضو بگیرد و کسی که وضو دارد مستحب است برای هر نماز دوباره وضو بگیرد، خصوصاً برای نماز صبح و مغرب و بعضی از فقهاء رضوان الله تعالی علیهم فرموده‌اند: مستحب است انسان برای نماز میت و زیارات اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان (ع) و برای همراه داشتن قرآن کریم و خواندن و نوشتن آن و مس حاشیه قرآن و برای خوابیدن، وضو بگیرد ولی مستحب بودن وضو در بعضی از این موارد ثابت نیست؛ البته اگر به احتمال مستحب بودنش وضو بگیرد، وضویش صحیح است و می‌تواند با آن وضو هر کاری که باید با وضو انجام شود را به جا آورد، مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند. بنابراین کسی که برای خواندن قرآن یا لمس خط قرآن وضو گرفته و وضویش تا هنگام نماز باقی است می‌تواند با همان وضو نماز بخواند.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۷۴.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۷.

۳. یعنی مواردی که برای آنها یا به سبب آنها وضو گرفته می‌شود.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۲.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۴.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۶.

\* برای چه مواردی باید وضو گرفت؟

- برای شش چیز وضو گرفتن واجب است:

- ۱- برای نمازهای واجب غیر از نماز میت، و در نمازهای مستحب وضو شرط صحت است.
- ۲- برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز حدیثی از او سر زده، مثلاً بول کرده باشد، ولی برای سجده سهو واجب نیست وضو بگیرد.
- ۳- برای طواف واجب خانه کعبه که جزء حج یا عمره باشد.
- ۴- اگر نذر یا عهد کرده، یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد.
- ۵- اگر نذر کرده باشد که قرآن را مثلاً بیوسد.
- ۶- برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده، یا برای بیرون آوردن آن از دستشویی و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند. ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضوبی احترامی به قرآن باشد، باید بدون اینکه وضو بگیرد، قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد.<sup>۱</sup>

### لمس و مس قرآن

\* یکی از شرایط وضو آن است که مکلف وقت کافی برای گرفتن وضو و خواندن نماز داشته باشد. حال اگر فردی نابینا باشد، و نداند که وقت کافی برای کارهای مذکور دارد یا نه، تکلیف او چیست؟ - چنین شرطی وجود ندارد.<sup>۲</sup>

\* نابینایی که با انگشت مصنوعی خط بریل (نگارش برجسته) مس و لمس کرده و از این طریق قرآن و احادیث را یاد می‌گیرد، آیا وضو گرفتن برایش قبل از لمس واجب است؟ - واجب نیست.<sup>۳</sup>

\* ترجمه نهج البلاغه و صحیفه سجادیه که با خط بریل (نقطه‌های برجسته) باشد آیا وضو لازم است؟ - همه آنها خط است و حکم نوشته‌های معمولی را دارد مگر با وجود حائل.<sup>۴</sup>

\* آیا نابینایان که به نام روشندان (یا در عربی مکفوف و اعمی و ضریر) هم نامیده شده‌اند، در مس کتابت قرآن و اسماء خداوند و معصومین (ع) باید با طهارت و وضو باشند؟ - اگر خط را لمس کنند حکم بینا را دارند.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۶۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۵.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷-۶۸.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۸.

\* نابینایان که از خط بریل (نقاط برجسته) استفاده می‌کنند و با حس لامسه، قرآن را از روی قرآن بریل تلاوت و قرائت می‌کنند، آیا هنگام لمس این نقاط باید با وضو باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* وظیفه مردم در لمس سکه‌ها یا تمبرها یا پرچم‌ها منقوش به بسمله یا لا اله الا الله و دیگر کلمات و جملات مقدس چیست؟ آیا حتماً باید وضو داشته باشند؟  
- اگر قرآن است ولی در هم است و به صورت واضح نیست نباید بدون وضو لمس شود.<sup>۳</sup>

\* وظیفه مؤمنین در لمس نمادها و سمبل‌هایی که ظاهر آن کلمه مقدس یا عبارات قرآنی و مقدس نیست ولی با تأمل و دقت معلوم می‌شود کلام مقدس است، چیست؟ آیا باید وضو داشت؟  
- لمس اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* اگر خطوط بریل قرآنی (آیاتی که با بریل نوشته شده است) در محل‌های کثیف مثل چاه فاضلاب افتاده باشد، وظیفه مؤمنین چیست؟  
- باید آن را خارج سازند و اگر ممکن نبود تا از بین نرفته است استفاده نکنند.<sup>۵</sup>

\* نابینایی که با انگشت مصنوعی خط بریل (نگارش برجسته) مس و لمس کرده و از این طریق قرآن و احادیث را یاد می‌گیرد، آیا وضو گرفتن برایش قبل از لمس واجب است؟  
- واجب نیست.<sup>۶</sup>

\* ترجمه نهج البلاغه و صحیفه سجادیه که با خط بریل (نقطه‌های برجسته) باشد آیا وضو لازم است؟  
- همه آنها خط است و حکم نوشته‌های معمولی را دارد مگر با وجود حائل.<sup>۷</sup>

\* خط بریل که نشان‌دهنده ترجمه قرآن باشد (یعنی با شش نقطه و حالت‌های مختلف آنها، حروف و کلمات فارسی که ترجمه قرآن باشد) آیا نیاز به وضو دارد؟  
- لازم نیست.<sup>۱</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷-۶۸.

۷. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۸.



\* کسانی که از گردن به پایین قطع نخاع هستند و قدرت انجام وضو و تیمم و گرفتن نایب را ندارند، تکالیفشان برای نماز چیست؟  
- نماز ساقط است و به احتیاط واجب در وقت تمکن قضا کنند.<sup>۲</sup>

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۳</sup>

\* ناشنوایان که با زبان اشاره (حرکات دست و سر) به تفهیم و تفهم مطالب قرآنی می‌پردازند آیا باید وضو و طهارت داشته باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۴</sup>

\* عکس ناشنوایی (یا به عبارت بهتر تصویرهای بیان کننده نام خداوند) را که با زبان اشاره یعنی حرکات دست و سر نام خداوند را بیان می‌کند، آیا می‌توان لمس کرد؟  
- اگر آیات قرآن باشد و همین کلمات نوشته شده باشد به هر خطی باشد نباید بدون وضو لمس شود مگر این که زیر شیشه باشد.<sup>۵</sup>

\* آیا مسّ ترجمه قرآن مثل ترجمه فارسی قرآن یا ترجمه انگلیسی، وضو داشتن واجب است؟  
- لازم نیست مگر نام خداوند بنا بر احتیاط واجب.<sup>۶</sup>

\* برای لمس و مسّ متن نهج البلاغه و صحیفه سجادیه، وضو لازم است؟  
- [لمس] در غیر نام خداوند اشکال ندارد.<sup>۷</sup>

### شرایط صحت

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۸.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۷. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

\* شرایط صحیح بودن وضو چند چیز است:

شرط اول: آنکه آب وضو پاک باشد، و بنا بر احتیاط واجب نباید آلوده باشد به آنچه انسان از آن متنفر است، مانند بول حیوانات حلال گوشت، و مردار پاک، و چرک زخم هر چند شرعاً پاک باشد.  
شرط دوم: آنکه مطلق باشد.

شرط سوم: آنکه آب وضو مباح باشد.

شرط چهارم: آنکه اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد، هر چند در حال وضو آن را قبل از شستن یا مسح کردن تطهیر کند، و اگر وضو گرفتن با آب کر و مانند آن باشد تطهیر قبل از شستن لازم نیست.

شرط پنجم: آنکه وقت برای وضو و نماز کافی باشد.

شرط ششم: آنکه به قصد قربت وضو بگیرد، و کافی است به قصد امتثال امر خداوند باشد، و اگر برای خنک شدن، یا به قصد دیگری وضو بگیرد، باطل است.

شرط هفتم: آنکه وضو را به ترتیبی که گفته شد بجا آورد، یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید، و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید، و احتیاط مستحب آن است که هر دو پا را با هم مسح نکند، بلکه پای چپ را بعد از پای راست مسح کند.

شرط هشتم: آنکه کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد.

شرط نهم: کارهای وضو را در صورت امکان، خود فرد انجام دهد.<sup>۱</sup> آنکه شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد، و اگر دیگری او را وضو دهد، یا در رساندن آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید، وضو باطل است.

شرط دهم: آنکه استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

شرط یازدهم: آنکه در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.<sup>۲</sup>

\* وضو گرفتن از نهرهای کوچک یا بزرگ که بنای عقلاء بر جواز تصرف و استفاده از آنهاست، بدون اجازه مالک، هر چند انسان نداند که صاحب آنها راضی است، اشکال ندارد بلکه اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند یا اینکه انسان بداند که مالک راضی نیست یا اینکه مالک، صغیر یا دیوانه باشد، باز هم تصرف جایز است.<sup>۳</sup>

### پاک بودن اعضاء

\* اگر در صورت یا دستها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید بعد از شستن اجزای سالم آن عضو، با رعایت ترتیب، به نیت وضو، موضع زخم یا بریدگی را در آب کر یا جاری فرو برد یا زیر شیر آب کر بگیرد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید و انگشت خود را روی

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، شرایط صحت وضو، ص ۱۰۸-۱۱۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، شرایط صحت وضو، ص ۵۰-۵۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۹۵.

زخم یا بریدگی در زیر آب از بالا به پایین بکشد تا آب بر آن جاری شود و سپس قسمت‌های پایین‌تر از آن را بشوید و با انجام این روش وضو صحیح صورت گرفته است.<sup>۱</sup>

\* آیا برای هر وضو باید سند و کاندوم را به علت نجس بودن از مجرای ادرار جدا کرد و سپس وضو گرفت، با توجه به اینکه تعویض و تهیه آن برای فرد قطع نخاع مشقت دارد؟  
- در صورت مشقت لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* آیا فرد قطع نخاع در هنگام وضو علاوه بر اعضای وضو که می‌باید پاک باشد دیگر قسمت‌ها مانند اطراف مخرج بول یا غائط نیز باید عاری از نجاست باشد این در حالی است که دفع ادرار و مدفوع در اختیار ایشان نمی‌باشد و خود به خود بدن نجس می‌شود؟  
- طهارت سایر مواضع شرط صحت وضو نیست.<sup>۳</sup>

\* نجس بودن کاندوم و کیسه ادرار آیا برای وضو گرفتن اشکال دارد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* اگر مخرج را از ادرار یا غائط تطهیر نکرده باشد و وضو بگیرد، وضوی او چه حکمی دارد؟  
- صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که اول آن را تطهیر کند بعد وضو بگیرد.<sup>۵</sup>

\* اگر در جای وضو زخمی باشد که خون بند نمی‌آید ولی آب برای آن ضرر ندارد، برای وضو چه باید کرد؟

- باید بعد از شستن اجزاء صحیح آن عضو با رعایت ترتیب، موضع زخم یا بریدگی را در آب کر یا جاری فرو برد، و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، و انگشت خود را روی زخم یا بریدگی در زیر آب از بالا به پائین بکشد تا آب بر آن جاری شود و سپس مواضع پائین‌تر از آن را بشوید وضو صحیح است.<sup>۶</sup>

### انجام وضو توسط خود

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۰۴.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۷۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۶.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۷۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۸.

\* انسان تا می‌تواند، در کارهای وضو نباید از دیگری کمک بگیرد مثلاً اگر کسی عذری دارد و دست راست او شکسته و نمی‌تواند آن را حرکت دهد برای شستن صورت از دست چپ کمک بگیرد یا صورت را به نیت وضو زیر شیر آب یا داخل حوض به کیفیتی که قبلاً بیان شد، بشوید و بعد از وضو دادن دست راست، دست چپ را به نیت وضو با مراعات ترتیب، زیر شیر آب یا داخل حوض بشوید، سپس مسح سر و پاها را با دست چپ می‌کشد.<sup>۱</sup>

\* کسی که نمی‌تواند به تنهایی وضو بگیرد، باید از دیگری کمک بگیرد و در صورت امکان، مسح کشیدن با مشارکت هر دو باشد ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید و اگر مشارکت خود شخص ممکن نباشد، باید از شخص دیگر بخواهد که او را وضو بدهد و در این صورت، احتیاط واجب آن است که هر دو نیت وضو نمایند و اگر ممکن باشد باید نایبش دست او را بگیرد و به محل مسح وی بکشد و چنانچه این کار هم ممکن نباشد، باید نایب از دست او رطوبت و تری بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند و اگر نایب مزد بخواهد در صورتی که بتواند و از نظر مالی به حالش ضرر نداشته باشد، باید بپردازد.<sup>۲</sup>

\* هر کدام از کارهای وضو را که فرد می‌تواند انجام دهد نباید در آن از دیگری کمک بگیرد.<sup>۳</sup>

\* کمک گرفتن برای انجام مقدمات وضو مثل آب آوردن، گرم کردن آب و ریختن آب در کف دست وضو گیرنده، اشکال ندارد هر چند مورد آخر، مکروه است.<sup>۴</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن که همیشه نایب برای آنها وضو می‌گیرد اگر نایب از منزل بیرون برود تا پایان وقت برنگردد تکلیف چیست؟ آیا وضو از من ساقط می‌شود؟  
- اگر کسی دیگر نیست و نمی‌توانید تیمم کنید نماز ساقط است و بنا بر احتیاط قضا لازم است.<sup>۵</sup>

### وقت کافی داشتن

\* آیا بر افراد نابینا نیز لازم است که هرگاه بر روی آیات قرآن دست می‌کشند وضو داشته باشند، یا نیازی نیست؟  
- لازم است.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۱۴.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۱۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۱۶.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۱۷.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* یکی از شرایط وضو آن است که مکلف وقت کافی برای گرفتن وضو و نماز خواندن داشته باشد حال اگر فردی نابینا باشد و نداند که وقت کافی برای گرفتن وضو و نماز دارد یا آنکه باید تیمم کند تکلیف او در این حالت چیست؟  
- وضو بگیرد.<sup>۱</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن که همیشه نایب برای آنها وضو می‌گیرد اگر نایب از منزل بیرون برود تا پایان وقت برنگردد تکلیف چیست؟ آیا وضو از من ساقط می‌شود؟  
- اگر کسی دیگر نیست و نمی‌توانید تیمم کنید نماز ساقط است و بنا بر احتیاط قضا لازم است.<sup>۲</sup>

### ضرر نداشتن استعمال آب

\* کسی که می‌ترسد اگر وضو بگیرد بیمار می‌شود یا اینکه بیماری اش طول می‌کشد یا موجب تشدید بیماری شده یا بیماری اش به سختی معالجه می‌شود، نباید وضو بگیرد و باید تیمم کند ولی اگر به شیوه‌ای می‌تواند جلوی ضرر را بگیرد مثلاً با آب گرم وضو بگیرد باید این کار را بکند.<sup>۳</sup>

\* اگر رساندن آب به صورت و دست‌ها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است، ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد.<sup>۴</sup>

\* اگر مکلف با اعتقاد به اینکه آب برای وضو گرفتن ضرر ندارد، وضو بگیرد و بعد از وضو بفهمد که آب برای او ضرر داشته وضوی او باطل است و چنانچه با اعتقاد به اینکه آب برای او ضرر دارد، وضو بگیرد و بعد متوجه شود که آب ضرر نداشته، وضوی او صحیح است به شرط آنکه قصد قربت از او حاصل شده باشد.<sup>۵</sup>

\* کسی که می‌ترسد که اگر وضو بگیرد مریض شود، یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، وظیفه ندارد که وضو بگیرد. و اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد، اگر واقعاً ضرر داشته وضوی او باطل است.<sup>۶</sup>

### فقدان مانع در اعضای وضو

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۱۸.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۱۹.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۲۰.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۷.

\* تاول‌هایی که مثلاً بر اثر سوختگی بر پوست ظاهر شده، شستن و مسح روی آن کافی است و چنانچه سوراخ شود، رساندن آب به زیر آن لازم نمی‌باشد و اگر قسمتی از آن کنده شده، شستن همان مقدار از پوست که ظاهر شده کافی بوده و لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند و پوستی که کنده شده و هنوز متصل به عضو است و گاه به بدن می‌چسبد و گاه نمی‌چسبد، باید آن پوست را بشوید مگر مقداری که عرفاً تابع بدن به حساب نمی‌آید که شستن آن لازم نیست و نیز لازم است آب را به زیر آن هم - چنانچه از ظاهر به حساب می‌آید - برساند، شایان ذکر است این حکم در صورتی است که آب برای آن قسمت ضرر نداشته باشد و اگر آب ضرر دارد احکام مربوط به آن در وضوی جبیره خواهد آمد.<sup>۱</sup>

\* اگر بدانیم چیزی به اعضای وضو چسبیده ولی شک داشته باشیم که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند، می‌توانیم وضو بگیریم؟  
- خیر، باید آن را برطرف کنید یا آب را به زیر آن برسانید.<sup>۲</sup>

\* چنانچه به یکی از اعضاء وضو جوهر خودکار باشد آیا برای وضو اشکال دارد؟  
- اگر احتمال حاجب بودن باشد باید برطرف شود.<sup>۳</sup>

### موالات

\* افراد معلول و قطع نخاع آیا جایز هستند که در هنگام وضو بعضی از اعضاء را وضو بدهند و برای بعضی دیگر مثلاً مسح پا یا سر مسافتی را طی بکنند و آنگاه ادامه وضو را بجا آورند؟  
- اگر به مقداری نباشد که موالات فوت شود اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

### شستن صورت و دست‌ها

\* صورت را از جهت طول باید از بالای پیشانی، جایی که موی سر می‌روید، تا آخر چانه شُست و از جهت عرض، به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد، باید شسته شود و اگر فرد مختصری از این مقدار را نشوید، وضویش باطل است و در صورتی که انسان یقین یا اطمینان نکند این مقدار کاملاً شسته شده، باید برای اینکه یقین یا اطمینان به شستن مقدار لازم پیدا کند، کمی از اطراف آن را هم بشوید. همچنین شستن صورت، بنا بر احتیاط واجب، باید با رعایت ترتیب از طرف بالا به پایین باشد و همین که در عرف گفته شود از بالا به پایین شسته شده، کافی است بنابراین اگر آب را بر ابتدای پیشانی - محل رویدن مو - بریزد سپس آن را بر هر دو طرف صورت به طور معمول به

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۲۳.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۹۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۹.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۹؛ مسائل جدید، ج ۴، ص ۱۲۹-۱۳۰.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

صورت خط منحنی جاری نماید، شستن از بالا به پایین صورت گرفته است و اگر فرد آب وضو را بر ابتدای پیشانی نریزد بلکه بر قسمتی پایین تر از آن مثل پایین پیشانی و محل ابروها بریزد سپس بلافاصله قسمت بالای پیشانی را که خشک مانده دست بکشد تا تر شود و بعد بر محل ریختن آب و پایین تر از آن دست بکشد و به این شستن هم اکتفاء نماید، بنا بر احتیاط واجب چنین وضویی صحیح نیست.<sup>۱</sup>

\* اگر صورت کسی در ناحیه چانه، بلندتر از مردم معمولی باشد، لازم است تمام صورت خود را بشوید و چنانچه در پیشانی او مو رویده یا جلوی سرش مو ندارد باید در نظر بگیرد مردم معمولی از هر جا صورت خود را می‌شویند، او هم از همانجا به اندازه معمول، پیشانی را بشوید. اما شخصی که به دلیل بزرگی صورت یا کوچکی آن در جهت عرض یا به سبب بلندی انگشتان یا کوتاهی آنها، خلقت متناسب و معمولی ندارد باید انگشتانی را که متناسب با چهره او است در نظر گرفته و مقدار بین انگشت وسط و شست چنین دستی را بشوید.<sup>۲</sup>

\* فردی که دو دست او از میچ قطع شده، برای وضو هنگام شستن پهنای صورت گفته شده است که باید مقداری که بین انگشت وسط و شصت قرار می‌گیرد شسته شود حکم او چیست و چه مقداری از صورت را باید بشوید؟  
- مقدار آن با ملاحظه بقیه افراد مشخص است.<sup>۳</sup>

\* معلولی است که به دلیل قطع دو دست هنگام وضو مجبور است برای شستن صورت آن را زیر شیر آب بگیرد و سپس تمامی صورت را دست می‌کشد تا آب به آن برسد آیا این مقدار کفایت می‌کند؟  
- دست کشیدن لازم نیست.<sup>۴</sup>

\* در هنگام وضو به علت قطع دو دست گاهی اوقات به ناچار صورت از پایین به بالا شسته می‌شود آیا خللی بر وضو وارد می‌شود؟ و در این صورت تکلیف نمازهای قبلی که خوانده شده است چیست؟  
- مقداری به عکس شود با اینکه قصد شستن در آن حال ندارد وان جا را قبلاً یا بعداً از بالا شسته یا می‌شوید اشکالی ندارد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۸؛ بنابراین اگر کسی این مسأله را رعایت نکرده از آنجا که حکم بنا بر احتیاط واجب است، مانند سایر موارد احتیاط واجب، می‌تواند به مجتهد دیگری که از سایر مجتهدین اعلم است، رجوع کند و اگر وی رعایت این نکته را لازم نمی‌داند، در این مسأله از او تقلید نماید تا وضوهای که گرفته و می‌گیرد بدون اشکال باشد.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۹.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* برادر معلولی که دستانش از آرنج قطع شده و نمی‌تواند با باقیمانده دست‌ها هر دو طرف صورت را بشوید آیا مجاز است، طرف چپ صورت را با بازوی دست چپ و طرف راست صورت را با بازوی دست راست بشویم؟  
- اساساً دست مالیدن لازم نیست کافی است که آب برسد.<sup>۱</sup>

\* کسی که دست‌هایش قطع شده و به هنگام وضو گرفتن ناخودآگاه چندین بار دستش خیس می‌شود آیا این وضو صحیح است؟  
- باید اجتناب کند.<sup>۲</sup>

\* آیا معلولی که دو دستش از آرنج قطع شده است برای او شستن صورت در هنگام وضو لازم است؟  
- لازم است.<sup>۳</sup>

\* آیا شستن دست‌ها برای معلولی که دو دستش از آرنج قطع شده در وقت وضو گرفتن لازم است؟  
- اگر از استخوان آرنج چیزی باقی مانده باید شسته شود وگرنه لازم نیست.<sup>۴</sup>

\* معلولی که بر اثر انفجار دو دستش از کتف قطع شده، تکلیف او به هنگام وضو چیست؟  
- صورت را بشوید و کسی از آب صورت برای او مسح کند.<sup>۵</sup>

\* نحوه وضو گرفتن در صورت نداشتن دست چپ به چه صورت است؟  
- دست راست را زیر شیر آب بشوید و با همان سر و پاها را مسح کند.<sup>۶</sup>

\* آیا برای معلولی که دو دستش از آرنج قطع شده، شستن صورت لازم است؟  
- زیر شیر آب از بالا به پایین بشوید.<sup>۷</sup>

\* آیا شستن باقیمانده دست‌ها برای جانبازی که دو دستش از آرنج قطع شده در وقت وضو لازم است؟  
- لازم نیست.<sup>۸</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۸. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



\* دو دست فردی در جنگ تحمیلی از مچ قطع شده است. هنگام شستن پهنای صورت، که باید مقدار بین انگشت وسط و شصت شسته شود، وظیفه او چیست؟ چه مقداری از صورت را باید بشوید؟ - معیار حدودی است که با دست معمولی و بر صورت‌های معمولی محدود می‌شود.<sup>۱</sup>

\* در هنگام وضو به علت قطع دو دست، گاه از پایین به بالا شسته می‌شود. آیا خللی بر وضو وارد می‌شود؟ تکلیف نمازهای قبلی چیست؟ - با فرض اینکه قصد او در وضو شستنی است که از بالا است اشکالی ندارد.<sup>۲</sup>

\* معلولی که دستانش از آرنج قطع شده، و نمی‌تواند با باقیمانده دست‌ها هر دو طرف صورت را بشوید. آیا مجاز است طرف چپ صورت را با بازوی دست چپ، و طرف راست صورت را با بازوی دست راست بشوید؟ - مجاز است و دست کشیدن اصلاً لازم نیست.<sup>۳</sup>

### مسح سر و پاها

\* مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است ولی اگر انسان به علت سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند این‌ها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، احتیاط واجب آن است که مسح بر جوراب و کفش نموده و تیمم نیز بنماید و اگر تقیه خوفیه در بین باشد مسح بر جوراب و کفش کافی است.<sup>۴</sup>

\* معلولی که دو دست او از بازو قطع شده، برای مسح سر و پا نیاز به نایب دارد یا مسح از او ساقط است؟

- در صورت امکان باید از کسی برای مسح کمک بگیرد و اگر ممکن نشد احتیاطاً هم صورت را بشوید هم تیمم کند به این نحو - که پیشانی و دو طرف آن را بر خاک از بالا به پایین بکشد.<sup>۵</sup>

\* کسی که دو دستش قطع شده آیا مسح سر لازم می‌باشد؟ و این در صورتی است که به هیچ وجه نمی‌تواند مسح بکشد. - مانند مورد قبل است.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۸۰.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فردی که دو دستش قطع شده آیا می‌تواند با باقی‌مانده دست روی باریکی از پا مسح بکشد؟  
- جواب آن گذشت.<sup>۱</sup>

\* کسی که دو دستش قطع شده، به هنگام مسح، ناخودآگاه بقیه دستش به قسمت‌های بالاتری پا که هنوز مسح نشده است برخورد کرده و آن را خیس می‌کند آیا وضوی او در این حالت صحیح است؟  
- قسمت‌هایی که خیس نشده است را مسح کند هر چند کم باشد.<sup>۲</sup>

\* به دلیل اینکه دست‌هایم قطع است در آوردن و سپس پا کردن جوراب برایم سخت است آیا می‌توانم از روی جوراب مسح بکشم؟  
- از کسی کمک بخواهید مسح بر جوراب کافی نیست.<sup>۳</sup>

\* اگر دست راست کسی از کتف قطع شده باشد آیا مسح پای راست از او ساقط می‌گردد؟  
- با دست چپ مسح کند.<sup>۴</sup>

\* فردی که در جنگ پایش قطع شده است برای کشیدن مسح پا چه باید بکند؟  
- پایی که قطع شده است مسح ندارد.<sup>۵</sup>

\* کسی که دست راست او از بالای مرفق قطع شده، آیا مسح پای راست از او ساقط است؟  
- با دست دیگر مسح کند.<sup>۶</sup>

\* فردی که قطع نخاع می‌باشد و انگشتان دستش بسته است و تنها یک انگشت آن تحرک دارد آیا با نوک همان یک انگشت می‌تواند مسح سر و پا را انجام دهد؟  
- با هر جای دست مسح صحیح است.<sup>۷</sup>

\* افرادی که قطع نخاع می‌باشند و در هنگام خم شدن برای کشیدن مسح پا، دستشان به نوک انگشتان پا نمی‌رسد چگونه مسح را انجام دهند؟  
- از کسی کمک بگیرند.<sup>۱</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاع که انگشتان دستش بسته شده و باز نمی‌شود برای مسح سر و پا آیا از انگشتان که جمع شده یا قسمتی از کف دست می‌تواند مسح بکشد؟  
- مسح حتی در حال اختیار با هر جای دست کافی است.<sup>۲</sup>

\* فرد قطع نخاع که در هنگام وضو آب روی پاهایش می‌چکد آیا برای مسح پا باید نایب بگیرد تا روی پا را خشک کند؟ اگر نایب وجود نداشته باشد چطور؟ این در حالی است که خشک کردن روی پا برای خود مشقت دارد.  
- بر موضعی که آب نرسیده است مسح کند به مقدار عرض یک انگشت بلکه کمتر نیز کافی است.<sup>۳</sup>

\* فرد قطع نخاع که با دست‌هایش به سختی می‌تواند مسح بکشد اما هنگام مسح کشیدن آب شره می‌کند و از روی سرش به صورت می‌رسد آیا وضوی او صحیح است؟ در غیر این صورت تکلیفش چیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* آیا فردی که دستش از مچ قطع شده، می‌تواند با دست مصنوعی مسح کند؟  
- نمی‌شود.<sup>۵</sup>

\* آیا فردی که دست راستش قطع از مچ یا آرنج است می‌تواند مسح سر را با رطوبت دست چپ (همانند دست راست) انجام داد؟ و آیا مسح سر از پایین به بالا جایز است؟  
- اختیاراً هم می‌شود با دست چپ مسح کرد و به هر سو می‌توان مسح کرد.<sup>۶</sup>

\* معلول قطع نخاعی که دست‌هایش بی‌اراده تکان می‌خورد. هنگام مسح سر، یا پا، قبل از آن که بخواهد مسح کند دستش بی‌اختیار به سر، یا پاییم کشیده می‌شود؛ آیا می‌توانم روی همان خیسی سر یا پا مسح نمایم، یا باید محل مسح را خشک کنم؟  
- موضع دیگر را مسح کند.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* معلولی که دو دستش قطع شده، و با باقیمانده دست‌هایش سر و پایش را مسح می‌کند، ولی به دلیل کوتاهی دست، آب وضویی که بر روی دست‌ها مانده به قدری نیست که بتوان مسح سر و پا را کاملاً انجام داد، تکلیف چیست؟

- مسح به عرض یک انگشت بلکه کمتر هم کافی است و در مسح سر کافی است تکان بدهد و به هر حال اگر آب بر دست نماند می‌تواند از محاسن و اگر نبود از سایر مواضع صورت بگیرد.<sup>۱</sup>

\* آیا برای کسی که دو دستش قطع شده، و به هیچ وجه نمی‌تواند مسح بکشد، مسح سر لازم است؟ مسح پا چطور؟

- از کسی کمک بخواهد و او از محاسن و اگر نبود از صورت آب بگیرد.<sup>۲</sup>

\* پاهای فردی به گونه‌ای دچار آسیب شده که دائماً باید کفش‌های طبی به پا داشته باشد، و بیرون آوردن کفش‌ها برای مسح پا، بالخصوص خارج از منزل، بسیار مشقت دارد. وظیفه این شخص چیست؟ - اگر با کمک کسی بتواند بدون حرج و مشقت زیاد بر خود پا مسح کند لازم است و اگر میسر نبود مسح پا ساقط است.<sup>۳</sup>

\* معلولی که پاهایش قطع شده، و لذا از پای مصنوعی استفاده می‌کند. آیا به هنگام مسح پا لازم است روی پای مصنوعی را مسح بکشد، یا نیازی نیست؟ - نیازی نیست.<sup>۴</sup>

\* فردی که انگشت شصت پا، و چند انگشت دیگرش قطع شده است. برای کشیدن مسح پا چه باید بکند؟ - بر آن چه باقی مانده مسح کند و از نظر عرض بر یک انگشت کافی است.<sup>۵</sup>

\* فردی که در دوران دفاع مقدس پایش قطع شده است، چگونه باید مسح بکشد؟ - مسح پا ساقط است.<sup>۶</sup>

\* پای فردی که از مچ به پایین قطع شده، و فقط بخش کوچکی از روی پا باقی مانده است. آیا برای مسح پا لازم است روی این قسمت را مسح کند، یا نیازی نیست؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- اگر پایین‌تر از مچ پا است لازم است.<sup>۱</sup>

\* فردی که پای راستش قطع شده است. آیا در هنگام وضو، برای کشیدن مسح، فقط مسح پای چپ کافی است. یا کار دیگری باید انجام بدهد؟  
- فقط پای چپ را مسح کند.<sup>۲</sup>

\* آیا برای فردی که دو دستش قطع شده، جایز است که با باقیمانده دست، روی قسمت باریکی از پا مسح بکشد؟  
- کافی است.<sup>۳</sup>

\* گاه به هنگام مسح پا، به دلیل این که دو دستم قطع شده، ناخودآگاه بقیه دستم به قسمت‌های بالاتر از پا که هنوز مسح نشده برخورد کرده، و آن را خیس می‌کند. آیا وضوی بنده در این حالت صحیح است؟  
- اگر قسمتی که خیس نشده است نیز مسح می‌شود هر چند مختصر باشد کفایت می‌کند.<sup>۴</sup>

\* معلولی که دستانش قطع است، از آنجا که در آوردن و سپس پوشیدن جوراب برایش سخت است. آیا می‌تواند بر روی جوراب مسح بکشد؟  
- باید از کسی کمک بگیرد و اگر نبود و کندن آن ممکن نبود باید تیمم کند.<sup>۵</sup>

\* اگر دست راست کسی از کتف قطع شده باشد، آیا مسح پای راست، از او ساقط می‌گردد؟  
- هر دو پا را با یک دست می‌توان مسح نمود حتی در حال اختیار.<sup>۶</sup>

\* کسی که قادر بر وضو نیست، نایب گرفته، و خودش نیت وضو نموده، و با دست خود مسح می‌کند، و اگر قادر بر مسح نباشد نایب دست وی را گرفته و با آن مسح می‌کند، و اگر از آن هم ناتوان باشد نایب با گرفتن رطوبت از دست او عمل مسح را انجام می‌دهد. اگر این شخص دست نداشته باشد، چه حکمی دارد؟  
- نایب از محاسن او و اگر نباشد از صورت او رطوبت می‌گیرد و مسح می‌کند.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاعی که در هنگام وضو گرفتن آب روی پاهایش می‌چکد، آیا برای مسح پا باید نایب بگیرد تا روی پا را خشک کند؟ اگر نایب وجود نداشته باشد تکلیف چیست؟ این در حالی است که خشک کردن روی پا برایش مشقت دارد.  
- مسح بر مقدار باریکی به عرض یک انگشت بلکه کمتر هم کافی است و اگر همه روی پا خیس بود و نتوانست از کسی کمک بخواهد به همان حالت مسح کند.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاعی که برای مسح پا تنها می‌تواند با پشت انگشتان دست مسح بکشد، آیا این کار صحیح است؟  
- اختیاراً هم کافی است.<sup>۲</sup>

\* فرد قطع نخاعی که اگر بخواهد خودش مسح می‌کند، از بالا به پایین و به طرف نوک انگشتان مسح کشیده می‌شود، آیا کافی است، یا باید نایب بگیرد؟  
- اختیاراً نیز کافی است.<sup>۳</sup>

\* معلولی که خودش می‌تواند وضو بگیرد، اما برای کشیدن مسح پا در آوردن کفش یا جوراب برایش مشقت دارد، و کمک گرفتن از دیگران برایش سخت است، آیا می‌تواند از روی کفش مسح بکشد؟ از روی جوراب چطور؟  
- باید از کسی کمک بگیرد و اگر نبود و کندن آن ممکن نبود باید تیمم کند.<sup>۴</sup>

\* نابینایان به هنگام وضو بدون اینکه اراده کنند دستشان زیر شیر آب می‌رود، مثلاً بعد از شستن دست‌ها و صورت و قبل از مسح کشیدن، چون شیر را نمی‌بینند دستشان زیر شیر آب می‌رود، تکلیف چیست؟  
- با سایر مواضع دست تا آرنج و همچنین با دست دیگر سر و پاها را می‌توانند مسح کنند.<sup>۵</sup>

\* معلولی که دو دستش قطع شده و با باقی مانده دست‌هایش هنگام وضو مسح سر و پا می‌کند ولی به دلیل کوتاهی دست آب وضویی که بر روی دست‌ها مانده به قدری نمی‌باشد که مسح سر و پا را با آن بتوان کاملاً انجام داد تکلیف چیست؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- برای هرکدام به مقدار عرض یک انگشت کافی است و برای مسح سر کافی است که آن را بر جای مسح تکانی بدهد.<sup>۱</sup>

\* فردی قطع نخاع که با دست‌هایش به سختی می‌تواند مسح بکشد، اما هنگام مسح کشیدن آب شره می‌کند، و از روی موها به صورتش می‌ریزد. آیا وضوی این شخص صحیح است؟ اگر صحیح نیست، تکلیف چیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

### بطلان وضو

\* هشت چیز، وضو را باطل می‌کند:

اول: ادرار و همچنین رطوبت مشکوکی که از انسان بعد از ادرار کردن و قبل از استبراء نمودن خارج می‌شود و در حکم ادرار است.

دوم: مدفوع.

سوم: باد معده و روده که از مخرج مدفوع خارج شود.

چهارم: خوابی که به سبب آن چشم نبیند و گوش نشنود ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود، وضو باطل نمی‌شود.

پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می‌برد مانند دیوانگی، مستی و بیهوشی.

ششم: استحاضه زنان خواه استحاضه قلیله باشد یا استحاضه متوسطه یا کثیره باشد و تفصیل آن در فصل احکام استحاضه بیان می‌شود.

هفتم: جنابت.

هشتم: حیض.<sup>۳</sup>

\* افراد قطع نخاع که بول و غائط از آن‌ها خارج می‌شود و در هنگامی که وضو می‌گیرند باید سریعاً نماز بخوانند تا وضویشان باطل نشود آیا اگر احتمال بدهند که با طولانی شدن نماز وضویشان باطل می‌شود جایز است که مستحبات مانند اذان و اقامه را بگویند؟  
- نباید بگویند.<sup>۴</sup>

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۰.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۱</sup>

\* اگر نابینایان پس از وضو متوجه شوند که در قسمتی از بدنشان، غیر از اعضای وضو، خون یا نجاستی وجود دارد، که به هنگام وضو متوجه آن نبوده‌اند. وضو و نمازهایی که با آن خوانده‌اند چه حکمی دارد؟  
- وضو باطل نیست.<sup>۲</sup>

\* اینجانب از باد شکم رنج می‌برم و به همین خاطر نمازهایم تحت تأثیر قرار می‌گیرد چه کنم؟  
- شما حکم کسی را دارید که دچار سلس بول شده است می‌توانید بعد از گرفتن وضو نماز بخوانید در اثنا به آنچه مبتلا هستید از شما بیرون بیاید.<sup>۳</sup>

### مسئله و مبطلون و سلیس الريح<sup>۴</sup>

\* اگر انسان مرضی دارد که ادرار او قطره قطره می‌ریزد که به وی مسلوس گفته می‌شود یا نمی‌تواند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کند که به وی مبطلون گفته می‌شود یا مرضی دارد که نمی‌تواند از خارج شدن باد، جلوگیری کند، باید به احکام دائم الحدث عمل نماید و به طور اجمال این فرد نسبت به اینکه از اول وقت نماز تا آخر وقت به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و خواندن نماز مهلت پیدا می‌کند یا نه، چهار حالت دارد:  
الف. یقین یا اطمینان به مهلت پیدا کردن برای کل نماز دارد.  
ب. یقین یا اطمینان به مهلت پیدا کردن برای قسمتی از نماز دارد.  
ج. احتمال مهلت پیدا کردن برای همه یا قسمتی از نماز می‌دهد.  
د. و یا یقین یا اطمینان دارد حتی برای قسمتی از نماز مهلت پیدا نمی‌کند.  
حکم هر کدام از موارد در مسائل بعد ذکر می‌شود.<sup>۵</sup>

\* دائم الحدث چنانچه یقین یا اطمینان دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و خواندن تمام نماز مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در آن مهلت بخواند، چه آن مهلت، اول وقت باشد یا وسط وقت یا آخر وقت و اگر مهلت او به مقدار کارهای

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. مبطلون به کسی گفته می‌شود که غایب از پشت او دائماً خارج شود و کنترل نداشته باشد؛ مسلوس به کسی می‌گویند که به دلیل بیماری، توانایی کنترل و حفظ ادرار خود را ندارند؛ سلیس الريح به کسی می‌گویند که قوه ماسک‌هاش ضعیف شده و توانایی کنترل خود را ندارد.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۷.



واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را به جا آورد و کارهای مستحب مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.<sup>۱</sup>

\* اگر یقین یا اطمینان دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و خواندن قسمتی از نماز مهلت پیدا می‌کند و پس از آن در بین نماز یک دفعه یا چند دفعه، ادرار یا مدفوع یا باد از او خارج می‌شود، احتیاط لازم آن است که در مهلتی که دارد وضو یا غسل یا تیمم را بجا آورده و نماز بخواند ولی در میان نماز یا بعد از نماز لازم نیست به سبب ادرار یا مدفوع یا باد خارج شده، دوباره وضو یا غسل یا تیمم را انجام دهد؛ بلکه حتی یک وضو برای چندین نمازش کافی است، خواه، نماز مستحبی باشد خواه واجب؛ مگر آنکه باطل کننده‌ای غیر از آنچه مبتلا به آن است از او سرزند مثل آنکه بخوابد یا همان باطل کننده‌ای که به آن مبتلا است در حالی که مربوط به آن مریضی نیست از او سرزند مثل اینکه ادرار یا مدفوع به طور طبیعی از او خارج شود که در این دو صورت باید وضو یا غسل یا تیمم را دوباره انجام دهد.<sup>۲</sup>

\* دائم الحدث، چنانچه احتمال می‌دهد از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و خواندن تمام نماز یا قسمتی از آن مهلت پیدا می‌کند، احتیاط مستحب آن است که صبر نماید هر چند می‌تواند در اول وقت نماز را بخواند. اما اگر بعد از نماز مهلتی پیش آید که حدث از او سر نمی‌زند و آن مهلت به اندازه انجام طهارت و خواندن تمام یا قسمتی از نماز است، بنا بر احتیاط واجب، لازم است نماز را دوباره بخواند و همین حکم در مورد کسی که به اعتقاد آنکه مهلت پیدا نمی‌کند نماز را در اول وقت خوانده جاری است.<sup>۳</sup>

\* کسی که ادرار یا مدفوع یا باد به گونه‌ای پی در پی از او خارج می‌شود که به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و قسمتی از نماز مهلت پیدا نمی‌کند، وضو یا غسل یا تیمم (هر کدام وظیفه اوست) را انجام دهد و نماز بخواند و به ادرار یا مدفوع یا باد خارج شده قبل از نماز یا میان نماز یا بعد از نماز اعتناء نکند و لازم نیست وضو، غسل یا تیمم را دوباره انجام دهد؛ بلکه حتی یک وضو برای چندین نمازش کافی است، خواه، نماز مستحبی باشد خواه، واجب و احتیاط مستحب آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد ولی برای سجده و تشهد قضا شده و نماز احتیاط، وضوی دیگری لازم نیست و این فرد بر وضو یا غسل یا تیمم خود باقی است مگر آنکه باطل کننده‌ای غیر از آنچه مبتلا به آن است، از او سر بزند مثل آنکه بخوابد یا همان باطل کننده‌ای که به آن مبتلا است در حالی که مربوط به آن مریضی نیست، از او سرزند مثل اینکه ادرار یا مدفوع یا باد به طور طبیعی از او خارج شود که در این دو صورت، باید دوباره وضو یا غسل یا تیمم را انجام دهد.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۸.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۱.

\* کسی که ادرار یا مدفوع یا باد، پی در پی از او خارج می‌شود، لازم نیست بعد از وضو فوراً نماز بخواند، هر چند احتیاط مستحب است که چنین کند.<sup>۱</sup>

\* کسی که ادرار یا مدفوع، پی در پی از او خارج می‌شود، بعد از وضو گرفتن جایز است نوشته قرآن را لمس نماید هر چند در غیر حال نماز باشد.<sup>۲</sup>

\* کسی که ادرار یا مدفوع یا باد پی در پی از او بیرون می‌آید باید در صورت امکان از رسیدن نجاست به جاهای دیگر جلوگیری نماید (مثل آنکه با کیسه‌ای که در آن پنبه یا چیز دیگری وجود دارد از رسیدن ادرار به جاهای دیگر جلوگیری کند و یا در مورد مدفوع به صورتی از سرایت نجاست جلوگیری کند) و احتیاط واجب آن است که اگر سختی فوق العاده ندارد قبل از هر نماز مخرج را تطهیر نماید.<sup>۳</sup>

\* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع یا باد خودداری کند، اگر مرض او به آسانی معالجه شود احتیاط مستحب آن است که خود را معالجه نماید.<sup>۴</sup>

\* دائم الحدث، بعد از آنکه مرض او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض طبق وظیفه‌اش خوانده، قضا نماید ولی اگر در بین وقت نماز مریضی‌اش خوب شود، بنا بر احتیاط لازم، نمازی را که در آن وقت خوانده، دوباره بخواند.<sup>۵</sup>

\* اگر کسی مسلوس یا مبطلون یا سلس الریح باشد و یقین داشته باشد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند وظیفه‌اش چیست؟  
- باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را به جا آورد و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.<sup>۶</sup>

\* افراد قطع نخاع که قدرت حفظ و کنترل وضو ندارند و متوجه باطل نشدن وضو نمی‌شوند آیا برای هر نماز باید وضوی جداگانه بگیرند و یا مثلاً برای نماز ظهر و عصر یک وضو کفایت می‌کند؟  
- تا یقین به بطلان ندارند تجدید وضو لازم نیست.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۲.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۳.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۴.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۵.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۶.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۰۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۰۶.

- \* آیا بر مسلوس و مبطون لازم است بعد از وضو فوراً نماز بخواند؟  
- خیر، لازم نیست اگر چه بهتر این است که به نماز مبادرت نماید.<sup>۲</sup>
- \* آیا مسلوس و مبطون بعد از وضو گرفتن می‌توانند آیات قرآن را مس کنند؟  
- جایز است که نوشته قرآن را مس نمایند اگر چه در غیر حال نماز باشد.<sup>۳</sup>
- \* برای نماز کسی که ادرارش قطره قطره به صورت مستمر می‌ریزد و اصلاً قطع نمی‌شود برای نمازهای واجب وظیفه‌اش چیست؟  
- باید به وسیله کیسه‌ای که در آن پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر بدن جلوگیری می‌کند خود را حفظ نماید.<sup>۴</sup>
- \* از کسی که به صورت مستمر مدفوع بیرون می‌آید و نمی‌تواند از خارج شدن آن خودداری کند، برای نمازهای واجب وظیفه‌اش چیست؟  
- به مقداری که ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر بدن جلوگیری نماید. و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد.<sup>۵</sup>
- \* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند آیا واجب است که به مقدار نماز از خروج ادرار و غائط جلوگیری کند؟  
- بهتر آن است که جلوگیری نماید.<sup>۶</sup>
- \* مسلوس و مبطون و سلس الریح اگر مطابق وظیفه‌اش نماز بخواند چنانچه مرض او در وقت نماز برطرف شود آیا واجب است نمازها را دوباره بخواند؟  
- احتیاط واجب آن است که دوباره بخواند.<sup>۱</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنائی، ص ۸۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، حاشیه م ۳۱۲، مسائل اختصاصی؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۹.  
۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنائی، ص ۸۹-۹۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، حاشیه م ۳۱۲، مسائل اختصاصی؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۰.  
۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنائی، ص ۹۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۱.  
۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنائی، ص ۹۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۱.  
۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنائی، ص ۹۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۲.

\* اگر بعد از وقت نماز مرض برطرف شود در این صورت آیا قضای نمازها واجب است؟  
- واجب نیست.<sup>۲</sup>

\* شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلاً کیسه‌ای بسته است که ادرار او قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد، لیکن نه از مجرای ادرار بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار داده‌اند آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟  
- حکم مسلوس را دارد.<sup>۳</sup>

\* افرادی از کیسه ادرار استفاده می‌کنند و دائماً ادرار داخل کیسه جریان دارد. چطور می‌توانند قرآن بخوانند و دست به آیات قرآن بزنند؟  
- وضوی آنها با این ادرار باطل نمی‌شود.<sup>۴</sup>

### نایب گرفتن

\* کسی که نمی‌تواند خود وضو بگیرد، باید از دیگری کمک بگیرد، هر چند شستن و مسح کشیدن با مشارکت هر دو باشد. - و چنانچه مزد هم بخواهد در صورتی که بتواند و مضر به حالش نباش باید بدهد. ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر مشارکت خود شخص ممکن نباشد، باید از شخص دیگر بخواهد که او را وضو بدهد، و در این صورت احتیاط واجب آن است که هر دو نیت وضو نمایند، و اگر ممکن باشد باید نائیش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نائب از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند.<sup>۵</sup>

\* معلولی هستم که بر اثر جراحت وارده هر دو دستانش هیچ‌گونه حس و حرکتی ندارد تکلیف او در وضو چیست؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۶</sup>

\* معلولی که دو دستش قطع شده آیا جایز است فرد دیگری آب بریزد و او وضو بگیرد؟

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۹۲-۹۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۳.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۹۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۳.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۹۶-۹۷.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- جایز است.<sup>۱</sup>

\* کسی که قادر بر وضو گرفتن نیست کس دیگر را نایب گرفته و خودش نیت وضو را نموده با دست خودش مسح می‌کند و اگر قادر به مسح نباشد نایب دست وی را گرفته و با آن مسح می‌کند و اگر از آن هم ناتوان باشد نایب با گرفتن رطوبت از دست او عمل مسح را انجام می‌دهد اگر این شخص دست نداشته باشد چه حکمی دارد؟  
- هر مقدار از دست او باقی باشد از رطوبت آن بگیرد و اگر از آرنج قطع باشد به احتیاط واجب از محاسن او و اگر ممکن نباشد از صورت او بگیرد.<sup>۲</sup>

\* فرد قطع نخاع که اگر نایب بخواهد آن را وضو دهد احتمال می‌رود که طول بکشد و اعضاء وضو خشک شود آیا در این صورت خللی به وضو وارد می‌شود؟  
- اشکالی ندارد.<sup>۳</sup>

\* فردی که از کمر قطع نخاع شده باشد در وضو گرفتن بعضی از اعمال را شخصاً می‌تواند انجام دهد آیا برای قسمتی از اعمال که انجام دادنش مشقت دارد می‌تواند از کسی کمک بگیرد؟  
- می‌تواند.<sup>۴</sup>

\* بعضی از افراد قطع نخاع لازم است برای وضو گرفتن نایب بگیرند آیا نایب می‌تواند غیربالغ باشد؟  
بچه غیرممیز چطور؟ در هر دو صورت نیت وضو کردن به عهده کیست؟  
- اگر با دست معلول است اشکال ندارد و نیت با خود او است.<sup>۵</sup>

\* فردی هستم قطع نخاع از گردن که برای وضو گرفتن نایب می‌گیرم نایب مرد در دسترس نیست و زن نامحرم حاضر است تکلیف چیست؟  
- اگر مستلزم دست زدن بدون دستکش باشد جایز نیست.<sup>۶</sup>

\* آیا لازم است که در هنگام وضو نایب (وضو دهنده) را راضی کرد و این در حالی است که او حقوق خود را جهت پرستاری از این معلول دریافت می‌کند و لیکن برای وضو دادن هنوز اکراه دارد دستمزد بیشتری می‌خواهد؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- در این فرض لازم نیست راضی باشد.<sup>۱</sup>

\* معلول قطع نخاع از گردن خودش نمی‌تواند وضو بگیرد و باید نایب داشته باشد آیا می‌تواند برای راضی کردن نایب به او دستمزد بدهد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* نایب هنگام وضو دادن فرد قطع نخاع که دست‌هایش بی‌حس است و حرکت نمی‌کند از دست‌های خودش کمک می‌گیرد آیا برای شستن صورت فرد قطع نخاع کافی است که نایب به اندازه فاصله انگشت شصت و انگشت وسطی دست خودش صورت آن فرد را وضو دهد؟ یا مقدار بیشتری از صورت او را باید بشوید؟  
- اگر دست او و صورت معلول معمولی باشد کافی است.<sup>۳</sup>

\* فردی که دست‌هایش دچار لرزه و رعشه مداوم است، و بی‌اختیار تکان می‌خورد، تکلیف او به هنگام وضو چیست؟  
- اگر نمی‌تواند با دست خود وضو بگیرد از کسی کمک بخواهد.<sup>۴</sup>

\* شخصی که هر دو دست او فاقد حس و حرکت است، به طوری که نمی‌تواند هنگام وضو دست‌ها و صورت را آب بکشد، و قادر بر مسح سر و پاها نیز نمی‌باشد، برای وضو چگونه باید عمل کند؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۵</sup>

\* معلولی که بر اثر جراحت وارده، دستانش هیچ‌گونه حس و حرکتی ندارد، تکلیف او برای وضو چه می‌باشد؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۶</sup>

\* وضو گرفتن برای افرادی که از کمر قطع نخاع می‌باشند، ولی دست‌هایشان را می‌توانند حرکت دهند، چگونه است؟  
- آن چه می‌توانند باید خود انجام دهند.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاع از گردن که به پشت بر تخت خوابیده توسط شخص دیگر وضو داده می‌شود، آیا لازم است هنگام وضو دادن سر شخص را کمی بلند کند تا جریان آب از بالا به پایین که در وضو شرط است بر او صدق کند؟  
- لازم نیست.<sup>۱</sup>

\* در فرد قطع نخاع از گردن که بر پشت خوابیده و توسط شخص دیگر وضو داده می‌شود مسح پا چگونه باید کشیده شود و این در حالی است که از پشت خوابیده و دست او به پایین نمی‌رسد آیا خود وضو دهنده می‌تواند از آب دست این فرد بگیرد و مسح پاها را بگیرد؟  
- همین کار را باید انجام دهد.<sup>۲</sup>

\* فردی که از گردن قطع نخاع شده باشد و خود قادر به انجام اعمال وضو نباشد چگونه باید وضو بگیرد؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۳</sup>

\* فردی هستم قطع نخاع از گردن که برای وضو نایب می‌گیرد و نایب کمک می‌کند تا با دست‌های خود صورتش را بشوید اما قسمتی از صورتش را با دست‌هایش نمی‌تواند بشوید تکلیف چیست؟  
- نایب با دست خود بشوید.<sup>۴</sup>

\* فردی که قطع نخاع از گردن می‌باشد و در هنگام وضو نایب می‌گیرد که برای شستن صورت یک طرف صورتش را با یک دست و طرف دیگر صورت با دست دیگرش شسته می‌شود و امکان ندارد که همه صورتش را با یک دست بشوید آیا صحیح است؟  
- اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* فردی که قطع نخاع می‌باشد و باز و بسته کردن شیر و ریختن آب روی صورت برایش مشکل است آیا می‌تواند در آب ریختن از دیگری کمک بگیرد یعنی یک نفر آب روی صورتش بریزد و او با دست آن را بشوید؟  
- می‌تواند.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاع از گردن که برای وضو ساختن نایب می‌گیرد در هنگام شستن صورت که نایب با دست‌های خودش این کار را برای او انجام می‌دهد، چه مقدار از صورت باید شسته شود؟  
- همان مقدار که دیگران می‌شویند.<sup>۱</sup>

\* آیا لازم است نایب برای وضو دادن حتماً از دست‌های خود فرد قطع نخاع برای شستن اعضاء کمک بگیرد در غیر این صورت آیا جایز است که نایب با دست‌های خود دست و صورت فرد قطع نخاع را بشوید و او را مسح سر و پا کند؟  
- اگر معلول نمی‌تواند حتی با کمک دیگری خود مباشرت شستن کند لازم نیست نایب با دستان معلول صورت و دستان او را بشوید بلکه می‌تواند با دست‌های خود بشوید ولی در مسح سر و پا باید در صورت امکان از دست او استفاده کند.<sup>۲</sup>

\* کسی که قطع نخاع می‌باشد و در وضو گرفتن نایب دارد و خودش دست‌ها و صورتش را می‌شوید اما مسح را نمی‌تواند و نایب برایش انجام می‌دهد آیا نایب برای مسح کشیدن باید از رطوبت دست و صورت او استفاده کند و یا رطوبتی که از وضو دادن او در دست‌هایش باقی مانده برای این کار کافی است؟  
- فقط از رطوبت دست باید استفاده شود.<sup>۳</sup>

\* آیا به همان ترتیبی که وضو گیرنده باید وضو بگیرد وضو دهنده هم باید آن را رعایت بکند مثلاً با دست راست دست چپ را بشوید نایب نیز باید همین کار را بکند یا همه کارها با یک دست می‌تواند انجام دهد؟  
- اساساً لازم نیست دست راست با دست چپ شسته شود و بر عکس بلکه می‌تواند فقط زیرآب بگیرد و نایب هم می‌تواند این کار را بکند یا به هر وسیله بشوید.<sup>۴</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن برای وضو گرفتن نایب می‌گیرند آیا هر دو آنها باید نیت قصد قربت داشته باشند یا فقط فرد قطع نخاع؟ و یا فقط نایب؟ کدامیک؟  
- اگر معلول خود می‌شوید ولی از نایب کمک می‌گیرد خودش نیت می‌کند و اگر نایب دست و صورت او را می‌شوید و با دستان او یا خودش مسح می‌کند به احتیاط واجب باید هر دو نیت کنند.<sup>۵</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



\* در وضو گرفتن افراد قطع نخاع از گردن حصول یقین در شسته شدن دست‌ها، صورت و مسح سر و پاها به طور کامل و به مقدار واجب بر عهده کیست؟ وضو دهنده و یا فرد وضو داده شده؟  
- فرد معلول باید یقین کند هر چند از جهت اطمینان به دقت نایب.<sup>۱</sup>

\* اگر بین نایب و فرد قطع نخاعی که وضو داده شده اختلاف نظر باشد یکی بگوید وضو دارم و دیگری بگوید وضو نداری حرف کدام مقدم است و چه باید کرد؟  
- معیار اطمینان شخص معلول است.<sup>۲</sup>

\* اگر بین نایب و فرد قطع نخاعی که وضو داده شده شک در صحت وضو ایجاد شود و یکی می‌گوید وضو صحیح بود و دیگری می‌گوید صحیح نبود، حرف کدام مقبول است و تکلیف چیست؟  
- مانند مورد قبل است.<sup>۳</sup>

\* اگر فرد قطع نخاعی که نایب او را وضو می‌دهد در اعضاء وضو پس از وضو نجاست ببیند و یا مانع رسیدن آن به عضو وضو داده شده را ملاحظه کند تکلیف چیست اگر نایب بگوید در هنگام وضو نجاست و یا مانع نبوده آیا حرف او را بپذیرد؟  
- احتمال کافی است حتی اگر نایب نگوید.<sup>۴</sup>

\* فرد قطع نخاع که برای وضو گرفتن اگر نایب بگیرد وضو به شکل صحیح گرفته می‌شود و اما اگر خودش بخواهد وضو بگیرد در بعضی از اعضاء به جای آنکه آب از بالا به پایین ریخته و عضو شسته شود از پایین به بالا عضو شسته می‌شود حال اگر نایب بگیرد بهتر است یا خود انجام دهد؟  
- باید نایب بگیرد.<sup>۵</sup>

\* معلولی که به هنگام وضو گرفتن به طور سهوی دستش طوری قرار می‌گیرد که آب وضو به طرف بالا سرازیر می‌شود آیا اشکال در وضو ایجاد می‌شود یا خیر؟  
- اشکال ندارد کافی است که قصد شستن وقتی باشد که از بالا به پایین آب می‌رسد.<sup>۶</sup>

\* در افرادی که معلولیت جسمی دارند در هنگام وضو ساختن یا مسح کشیدن آیا حرکات غیرارادی اعضاء وضو را دچار اشکال می‌کند؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* آیا فرد قطع نخاع از گردن که خود قادر به گرفتن وضو نیست ولی می‌تواند نایب بگیرد جایز است بدون وضو نماز بخواند؟  
- صحیح نیست.<sup>۲</sup>

\* فرد قطع نخاع که اگر در منزل بماند با وسایلی که دارد و یا با کمک نایب به راحتی می‌تواند وضو بگیرد اما برای کار و یا تحصیل مجبور است از خانه بیرون برود و در هنگام نماز نمی‌تواند در خارج از منزل وضو بگیرد و یا وضویی که می‌گیرد ناقص است آیا لازم است دائم در خانه بماند و کار و تحصیل را رها نماید؟  
- باید برای نماز به خانه یا هر جایی که نایب می‌تواند بیاید بازگردد.<sup>۳</sup>

\* فرد قطع نخاعی که به تنهایی نمی‌تواند تیمم کند و به دلیل در دسترس نبودن نایب محرم می‌تواند از نامحرم استفاده بکند؟  
- نمی‌تواند.<sup>۴</sup>

\* بعضی از افراد قطع نخاع باید برای وضو گرفتن کمک بگیرند. آیا نایب می‌تواند غیربالغ باشد؟ بچه غیرممیز چگونه؟ در هر دو صورت نیت وضو بر عهده کیست؟  
- اگر شستن و مسح با دست معلول باشد نیت را او می‌کند و در این صورت کمک ممکن است از کودک غیر ممیز هم باشد و اگر با دست کمک کار است باید احتیاطاً هر دو نیت کنند و باید کمک کار بالغ باشد و غیر بالغ کافی نیست حتی اگر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاعی که اگر برای وضو نایب بگیرد، وضو به شکل صحیح انجام می‌شود؛ اما اگر خودش وضو بگیرد، در بعضی از اعضا به جای آنکه آب از بالا به پایین ریخته شود، عضو از پایین به بالا شسته می‌شود. نایب بگیرد بهتر است، یا خودش انجام دهد؟  
- در شستن دست‌ها باید نایب بگیرد و در شستن صورت باید دو بار بشوید به دو نحو.<sup>۶</sup>

\* کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد وظیفه‌اش چیست؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- باید از دیگری کمک بگیرد هر چند شستن و مسح کشیدن با مشارکت هر دو باشد.<sup>۱</sup>

\* کسی نمی‌تواند وضو بگیرد و باید نایب بگیرد که او را وضو دهد چنانچه نایب مزد بخواید، وظیفه‌اش چیست؟  
- در صورتی که بتواند و مضر به حالش نباشد باید بدهد.<sup>۲</sup>

\* کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد و اگر بخواید نایب بگیرد که او را وضو دهد چگونه باید او را وضو دهد؟

- باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر مشارکت خود شخص ممکن نباشد، باید از شخص دیگر بخواید که او را وضو بدهد، و در این صورت احتیاط واجب آن است که هر دو نیت وضو نمایند، و اگر ممکن باشد باید نائیش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نایب از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند.<sup>۳</sup>

\* در صورتی که نتواند وضو بگیرد و وظیفه‌اش نایب گرفتن است، چه کسی باید نیت کند؟  
- احتیاط واجب آن است که خود او و نایب هر دو نیت وضو کنند.<sup>۴</sup>

\* آیا می‌تواند در کارهای وضو کمک بگیرد؟

- هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد نباید در آن کمک بگیرد.<sup>۵</sup>

\* در صورتی که نتواند وضو بگیرد و نایبی که او را وضو می‌دهد نتواند با دست معلول مسح کند باید از کدام یک از اعضا وضوی او رطوبت بگیرد و او را مسح دهد؟  
- از دست رطوبت بگیرد و سر و پای او را مسح کند.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۷؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۶.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

## جمع وضو و تیمم

\* معلولی که یک دست آن قطع شده و به خاطر حساسیت مقداری از دست خود را باندپیچی کرده باشد، چگونه باید وضو بگیرد؟  
- اگر نتواند باز کند تیمم کند و وضوی جبیره نیز بگیرد.<sup>۱</sup>

\* دو دست یک جانباز بر اثر انفجار از میچ قطع شده، و باقیمانده دست‌ها دائماً دچار حساسیت پوستی می‌شود، تا آنجا که مجبور است بسیاری از اوقات دست‌ها را به وسیله پماد یا کرم چرب نماید. و مصلحت نیست که برای وضو چربی را پاک کند. تکلیف ایشان برای ادای فریضه وضو چیست؟  
- اگر فقط چربی باشد مانع نیست ولی اگر عینی باشد که مانع رسیدن آب است و ازاله آن موجب حرج مشقت است باید احتیاطاً هم تیمم کند هم وضو بگیرد.<sup>۲</sup>

\* کسی که نمی‌داند وظیفه اش تیمم است یا وضوی جبیره‌ای چه کند؟  
- بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد.<sup>۳</sup>

## مسائل متفرقه

\* مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، ولی اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، احتیاط واجب آن است که مسح بر جوراب و کفش نموده و تیمم نیز نماید، و اگر تقیه در بین باشد مسح بر جوراب و کفش کفایت می‌کند.<sup>۴</sup>

\* اگر در صورت یا دست‌ها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید بعد از شستن اجزاء صحیحه آن عضو با رعایت ترتیب، موضع زخم یا بریدگی را در آب کر یا جاری فرو برد، و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، و انگشت خود را روی زخم یا بریدگی در زیر آب از بالا به پائین بکشد تا آب بر آن جاری شود و سپس مواضع پائین تر از آن را بشوید وضو صحیح است.<sup>۵</sup>

\* اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می‌ریزد یا نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه یقین دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می‌کند بخواند، و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۴۲.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۸.

است، باید در وقتی که مهلت دارد، فقط کارهای واجب نماز را بجا آورد و کارهای مستحب مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.<sup>۱</sup>

\* اگر به مقدار وضو و قسمتی از نماز مهلت پیدا می‌کند و در بین نماز یک دفعه یا چند دفعه بول یا غائط از او خارج می‌شود، احتیاط لازم آن است که در مهلتی که دارد وضو گرفته و نماز بخواند، ولی در میان نماز لازم نیست به سبب بول یا غائط خارج شده وضو را تجدید کند.<sup>۲</sup>

\* کسی که بول یا غائط طوری پی‌درپی از او خارج می‌شود که به مقدار وضو و قسمتی از نماز مهلت پیدا نمی‌کند، یک وضو برای چندین نمازش کافی است، مگر اینکه چیز دیگری که وضو را باطل می‌کند، مانند خواب از او سر بزند، و یا بول و غائط به طور طبیعی از او خارج شود، و بهتر آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد، ولی برای سجده و تشهد قضا شده و نماز احتیاط وضوی دیگری لازم نیست.<sup>۳</sup>

\* کسی که بول یا غائط پی‌درپی از او خارج می‌شود، لازم نیست بعد از وضو فوراً نماز بخواند، اگر چه بهتر این است که به نماز مبادرت نماید.<sup>۴</sup>

\* کسی که بول یا غائط پی‌درپی از او خارج می‌شود، بعد از وضو گرفتن جایز است که نوشته قرآن را مس نماید اگر چه در غیر حال نماز باشد.<sup>۵</sup>

\* کسی که بول او قطره قطره می‌ریزد، باید برای نماز به وسیله کیسه‌ای که در آن پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند خود را حفظ نماید، و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد. و نیز کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری نماید. و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۸.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۹.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۰.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۱.

\* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول یا غائط خودداری کند، در صورتی که ممکن باشد به مقدار نماز از خارج شدن بول یا غائط جلوگیری نماید، و بهتر آن است که جلوگیری نماید، اگرچه خرج داشته باشد. بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، بهتر آن است که خود را معالجه نماید.<sup>۱</sup>

\* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول یا غائط خودداری کند، بعد از آنکه مرض او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض مطابق وظیفه‌اش خوانده قضا نماید. ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود، باید بنا بر احتیاط لازم نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند.<sup>۲</sup>

\* اگر کسی مرضی دارد که نمی‌تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی‌توانند از بیرون آمدن بول یا غائط خودداری کنند عمل نماید.<sup>۳</sup>

\* کسی که وضو ندارد - بنا بر احتیاط واجب - حرام است اسم خداوند متعال و صفات خاصه او را به هر زبانی نوشته شده باشد، مس نماید. و بهتر است که اسم مبارک پیغمبر و امامان و حضرت زهرا علیهم السلام را هم مس ننماید.<sup>۴</sup>

\* مستحب است کسی که وضو دارد برای هر نماز دوباره وضو بگیرد، و بعضی از فقهاء فرموده‌اند: مستحب است انسان برای نماز میت، و زیارات اهل قبور، و رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم السلام، و برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن، و مس حاشیه قرآن، و برای خوابیدن وضو بگیرد. ولی مستحب بودن وضو در این موارد ثابت نیست. بلی اگر به احتمال مستحب بودنش وضو بگیرد وضویش صحیح است، و هر کاری که باید با وضو انجام داد می‌تواند بجا آورد، مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند.<sup>۵</sup>

\* مستحاضه قلیله یا متوسطه اگر بخواهد غیر از نماز کاری انجام دهد که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، چنانچه بعد از تمام شدن نماز باشد - بنا بر احتیاط واجب - باید وضو بگیرد، و وضویی که برای نماز گرفته کافی نیست.<sup>۶</sup>

\* فردی که دو دستش قطع شده و دست مصنوعی به جای آن می‌بندد و برای وضو در آوردن دست‌های مصنوعی برایش مشکل است چه تکلیفی دارد؟

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۳.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۴.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۱.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۴۲۵.

- اگر حرج غیر قابل تحملی است و با کمک دیگران هم میسر نیست تیمم کند.<sup>۱</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن معمولاً همراه خود کیسه‌های ادرار دارند و اکثر مواقع بول آنها در حال ریزش است و داریم که در هنگام وضو محل بول و غائط باید پاک باشد و حدث باعث بطلان وضو می‌شود، تکلیف این گونه افراد در وضو چیست؟  
- جواب روشن شد.<sup>۲</sup>

\* افراد قطع نخاع که ادرار از آنها به طور دائم خارج می‌شود برای وضو و انجام فریضه نماز چه باید بکنند؟

- با یک وضو هر مقدار نماز بخواند می‌تواند بخواند و فقط با مبطلات دیگر وضوی او باطل می‌شود.<sup>۳</sup>

\* وضو گرفتن با کیسه ادرار که درون آن ادرار است چه حکمی دارد؟  
- صحیح است.<sup>۴</sup>

\* انگشتان دست بعضی از افراد قطع نخاع در موقع وضو باز نمی‌شود و به قسمتی از انگشتان ایشان آب وضو نمی‌رسد در این حالت وضو چه حکمی دارد؟ وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر با کمک دیگران هم نتواند آب برساند باید تیمم کند و اگر تیمم هم به طور کامل ممکن نیست باید به همین نحو که ممکن است هم تیمم کند هم وضو بگیرد.<sup>۵</sup>

\* افرادی که بر اثر مجروحیت دائماً آمپول می‌زنند و چسبی که روی محل سوزن زده می‌شود را نمی‌توانند جدا نمایند و وضو بگیرد تکلیف آن‌ها چیست؟ حکم اثر باقیمانده چسب زخم روی دست چیست؟  
- باید برطرف شود.<sup>۶</sup>

\* وضو گرفتن در افرادی که قطع نخاع از کمر می‌باشند ولی دست‌هایشان می‌تواند حرکت کند چگونه است؟  
- وضوی معمولی باید بگیرند.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* افراد قطع نخاع که دائم الوضو هستند آیا می‌توانند به جای وضو گرفتن از تیمم استفاده کنند؟ در این صورت آیا ثواب وضوی مستحبی را دارند و با این تیمم می‌توان نماز خواند؟  
- به احتیاط واجب تیمم به جای وضو در این صورت صحیح نیست ولی به قصد رجا اشکال ندارد اما نماز با آن محل اشکال است.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاع از گردن که هنگام قرآن خواندن برای ورق زدن قرآن از لب و دهان کمک می‌گیرد در صورت مشقت برای وضو گرفتن و نبودن کمک دیگران بدون وضو می‌تواند این کار را انجام دهد؟  
- جایز نیست.<sup>۲</sup>

\* معلولین و افرادی که قطع نخاع شده‌اند و قدرت بر نگهداری بول را ندارند آیا برای ایشان جایز است شرکت در نماز جمعه و استماع خطبه و ادای نماز جمعه و عصر یا وضوی کسی که نمی‌تواند بولش را نگهدارد؟  
- جایز است.<sup>۳</sup>

\* معلولینی که قطع نخاع دارند و قادر به جلوگیری بول نیستند آیا برای آنها جایز است که بین وضو و نمازشان فاصله واقع شود تا بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند؟  
- جایز است.<sup>۴</sup>

\* معلولی که به دلیل قطع دو دست، مجبور است برای شستن صورت آن را زیر شیر آب بگیرد، و سپس صورت را دست می‌کشد تا آب به آن برسد، آیا این مقدار کفایت می‌کند؟  
- کفایت می‌کند و اگر دست نکشد هم کافی است.<sup>۵</sup>

\* معلولی که دو دستش قطع است، زمان زیادی طول می‌کشد تا تک تک اعضا را وضو بدهد. آیا وضویش باطل است؟  
- باطل نیست.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



\* آیا حرکات غیر ارادی اعضای وضو در افرادی که معلولیت جسمی دارند، به هنگام وضو یا مسح کشیدن، وضو را دچار اشکال می‌کند؟  
- اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* اگر نایب بخواهد فرد وضو گیرنده را وضو دهد، احتمال آن می‌رود که طول بکشد و اعضای وضو خشک شود، آیا در این صورت خللی به وضو وارد می‌شود؟  
- همین که فاصله نباشد کافی است.<sup>۲</sup>

\* آیا جایز است که معلولی در هنگام وضو بعضی از اعضا را وضو دهد، و برای بعضی دیگر (مثلاً مسح پا یا سر) مسافتی را طی نموده، آنگاه وضو را ادامه دهد؟  
- اگر فاصله زمانی به حدی باشد که وحدت عمل از بین برود جایز نیست.<sup>۳</sup>

\* آیا فردی که از گردن قطع نخاع است، و خود قادر بر انجام وضو نیست، ولی می‌تواند نایب بگیرد، جایز است بدون وضو نماز بخواند؟  
- جایز نیست.<sup>۴</sup>

\* کسی که بول یا غائط پی‌درپی از او خارج می‌شود، اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، آیا می‌تواند چند نماز را با یک وضو بخواند؟  
- می‌تواند.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاعی که بول و غائط بی‌اختیار از او خارج می‌شود از کیسه ادرار استفاده می‌کند (سند و کاندوم) به همین جهت دائماً ادرار او جریان دارد، و داخل کیسه می‌ریزد. به چه شکلی می‌تواند قرآن بخواند، و دست به آیات قرآن بزند؟  
- وضوی او با ادرار باطل نمی‌شود.<sup>۶</sup>

\* فرد قطع نخاعی از گردن به هنگام تلاوت قرآن و موقع ورق زدن، ناچار است از لب و دهان کمک بگیرد، و کمک گرفتن از دیگری برایش مشکل است، وضو گرفتن نیز برایش مشقت دارد. آیا می‌تواند بدون وضو این کار را انجام دهد؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- بدون وضو نمی‌تواند دست به خط قرآن بزند.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاعی که عادت کرده دائماً با وضو باشد، گاهی از اوقات کسالت جسمی، اجازه وضوی مستحبی به او نمی‌دهد، آیا می‌تواند تیمم کند؟ در این صورت، آیا ثواب وضوی مستحبی را می‌برد؟ آیا با این تیمم می‌تواند نماز مستحبی بخواند؟  
- در این فرض تیمم مشروعیت ندارد و می‌تواند به قصد رجا انجام دهد ولی با آن نمی‌تواند کاری که متوقف بر طهارت است انجام دهد.<sup>۲</sup>

\* وضو با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است چه حکمی دارد؟  
- حرام و باطل است.<sup>۳</sup>

\* اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود وضو چه حکمی دارد؟  
- وضو صحیح است.<sup>۴</sup>

\* اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد وضو چه حکمی دارد؟  
- وضو صحیح است.<sup>۵</sup>

\* اگر زیر ناخن چرک باشد وضو صحیح است؟  
- وضو اشکال ندارد ولی اگر ناخن بلند باشد باید چرک زیر آن مقدار از ناخن را که بلندتر از معمول است و جزء ظاهر شمرده می‌شود برطرف نماید.<sup>۶</sup>

\* اگر یکی از اعضا وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که قبل از وضو آن را آب کشیده، وضوی او چه حکمی دارد؟  
- وضو صحیح است، ولی جایی را که نجس بوده باید آب بکشد.<sup>۱</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۶-۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۶۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۶۶.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۷۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۵.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۷۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۶.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۹۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۹۰.

\* راه رفتن در بین وضو چه حکمی دارد؟  
- صحیح است.<sup>۲</sup>

\* نیت در وضو چگونه است؟ آیا باید به زبان بگوید یا از قلب بگذرانند در این صورت افراد کم توان ذهنی یا افرادی که مشکل گفتاری دارند چگونه نیت کنند؟  
- لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب بگذرانند، بلکه اگر تمام افعال وضو به داعی امر خداوند بجا آورده شود کفایت می‌کند.<sup>۳</sup>

\* اگر یکی از افراد کم توان ذهنی یا معلولان جسمی - حرکتی، کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد، ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شود، وضو چه حکمی دارد؟  
- وضوی او صحیح است.<sup>۴</sup>

\* اگر انسان نتواند وضو بگیرد و تیمم هم امکان نداشته باشد چه وظیفه‌ای دارد؟  
- لازم است نماز خود را در خارج وقت قضا نماید.<sup>۵</sup>

## وضوی جبیره<sup>۶</sup>

\* شیئی که با آن زخم یا دمل یا شکستگی را می‌بندند مثل باند، گچ، پارچه، آتل، دوا و مرهمی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند، جبیره نامیده می‌شود.<sup>۷</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۷۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۷.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۴.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۷۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۱.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۷۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۳.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۷۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۸۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۷۷.

۶. جبیره در لغت به باند یا تخته یا مقوا بستن بر زخم یا عضو شکسته گفته می‌شود. اما در اصطلاح فقهی به بستن زخم عضو وضو یا غسل به دلیل ضرر آب برای جراحی آن گویند. روی زخم را با پارچه پوشانده و روی آن پارچه دستور وضو یا غسل را اجرا می‌کنند. البته بر اساس دستورات داده شده، باید عمل شود (لغت‌نامه دهخدا).

۷. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۷.

## شرایط

- \* در وضوی جبیره رعایت شرایطی لازم است که در مسائل بعد به ذکر آن پرداخته می‌شود:
- شرط اول: در اعضای وضو، زخم یا دمل یا شکستگی یا مرهم وجود داشته باشد.
- شرط دوم: آب برای موضع آسیب دیده ضرر داشته یا باز کردن جبیره، ضرری یا فوق العاده سخت باشد.
- شرط سوم و چهارم: روی جبیره مسح شود و هنگام مسح، عضو جبیره دار ثابت باشد.
- شرط پنجم: جبیره در اعضای مسحی خشک باشد.
- شرط ششم و هفتم: جبیره پاک و غیر غصبی باشد.
- شرط هشتم: جبیره به مقدار معمول باشد.
- شرط نهم: ترتیب رعایت گردد.<sup>۱</sup>

## وجود زخم، دمل، شکستگی یا مرهم

- \* وضوی جبیره‌ای وقتی انجام می‌شود که در اعضای وضو، زخم یا جراحت یا دمل یا شکستگی یا مرهم وجود داشته باشد.<sup>۲</sup>

\* سوختگی که موجب پیدایش زخم و آبله و تاول در سطح پوست شده در احکام جبیره مانند زخم و جراحت است. همچنین دوا و مرهمی که برای معالجه به علت درد یا ورم یا رگ به رگ شدن و مانند آن روی عضو قرار می‌دهند، احکام جبیره را دارد هر چند آن عضو زخم یا دمل یا شکستگی نداشته باشد. اما اینکه از بند در رفتگی حکم شکستگی را داشته باشد محل اشکال است پس بنا بر احتیاط واجب باید طوری عمل شود که مقتضای احتیاط رعایت گردد؛ مگر آنکه در محل از بند رفتگی به جهت بهبودی و درمان، مرهم و دوا قرار داده باشند که در این صورت، حکم جبیره را دارد.<sup>۳</sup>

- \* اگر در اعضای وضو، زخم یا جراحت یا شکستگی و دوا و مرهم وجود ندارد ولی به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، مثل بعضی از بیماری‌های پوستی یا ورم اعضای وضو و مانند آن باید تیمم کند.<sup>۴</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در مکان دیگری غیر از قسمت‌های مربوط به وضو باشد اما طوری است که استعمال آب در مواضع وضو برای موضع صدمه دیده که خارج از اعضای وضو است ضرر دارد، در این صورت باید تیمم نماید و همین‌طور اگر زخم یا دمل یا شکستگی در قسمتی از مواضع وضو باشد ولی طوری است که شستن جزء دیگر برای قسمت صدمه دیده اتفاقاً ضرر دارد - نه اینکه

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث وضوی جبیره، ص ۱۲۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۹.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۰.

معمولاً این‌طور باشد - مثل اینکه زخم در انگشت دست باشد ولی با شستن قسمت بالای ساعد به زخم انگشت آسیب برسد، در مثل این مورد فقط تیمم کافی است.<sup>۱</sup>

\* هرگاه در اعضای وضو، چیزی چسبیده باشد مانند رنگ، قیر، چسب و... که برداشتن آن ممکن نیست یا سختی فوق‌العاده دارد، وظیفه مکلف تیمم است مگر آنکه آن چیز در مواضع تیمم باشد که در این صورت، باید هم وضو بگیرد و هم تیمم نماید و در هنگام وضو در صورت امکان، بنا بر احتیاط واجب مانند وضوی جبیره، بر مانع مسح نماید ولی اگر مانع تنها در قسمتی از کف دست یا باطن انگشتان باشد و در پشت دست‌ها و پیشانی مانع نباشد طوری که با قسمت باقیمانده بدون مانع بتواند مسح را انجام دهد، تیمم کافی است. همچنین آنژیوکت<sup>۲</sup> که به علت ضرورت به بدن بیمار متصل می‌شود در حالی که در محل، زخم یا دمل یا شکستگی نیست، حکم مانع را دارد.<sup>۳</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته شده پاک است و رسانیدن آب به زخم هم ممکن است و ضرر و مشقت ندارد، وظیفه اش چیست؟ - باید آب را به روی زخم برساند و وضویش صحیح است.<sup>۴</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد ولی زخم یا چیزی که روی آن گذاشته شده نجس است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و مشقت ندارد، وظیفه اش چیست؟ - اگر آب کشیدن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد باید آب را به روی زخم برساند و وضویش صحیح است.<sup>۵</sup>

\* اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست یا به قدری مشقت دارد که نمی‌شود تحمل کرد وظیفه چیست؟ - وظیفه اش تیمم است مگر آن که آن چیز در مواضع تیمم باشد که در این صورت لازم است بین وضو و تیمم جمع کند و اگر آن چیزی که چسبیده دوا باشد حکم جبیره را دارد.<sup>۶</sup>

### ضرر داشتن آب یا مشکل بودن باز کردن جبیره

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۱.

۲. آنژیوکت، قطعه‌ای پلاستیکی است که به بدن بیمار متصل می‌گردد تا وصل سرم یا تزریق آمپول به بدن از طریق آن صورت گیرد.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۲.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۲-۱۱۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۸؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۳۷.

\* وضوی جبیره در مواردی انجام می‌شود که آب برای قسمت آسیب دیده ضرر داشته یا باز کردن جبیره‌ای که بر قسمت صدمه دیده گذاشته شده، مضر بوده یا همراه با سختی فوق‌العاده باشد، هرچند آب برای محلّ، ضرر نداشته باشد مثل شکستگی که روی آن گچ گرفته شده و آب برای آن ضرر ندارد ولی رساندن آب به زیر آن بدون برداشتن گچ ممکن نیست و از طرفی باز کردن گچ برای قسمت آسیب دیده مضر بوده یا برداشتن آن با سختی زیادی همراه است که معمولاً قابل تحمّل نیست.<sup>۱</sup>

\* در مورد ضرری که سبب وضوی جبیره‌ای می‌شود فرقی بین این نیست که آب به مقدار شستن وضویی، برای آن ضرر داشته باشد یا اینکه ضرر، به علت تطهیر نجاست قسمت صدمه دیده باشد مثل وقتی که در اعضای وضو زخم یا دمل یا شکستگی است که آب به مقدار شستن وضویی برای آن ضرر ندارد ولی موضع آسیب دیده نجس و آلوده به خون است و برای برطرف کردن خون از آن، نیاز به ریختن آب فراوان است و ریختن آب زیاد برای موضع صدمه دیده ضرر دارد.<sup>۲</sup>

\* تا وقتی که ترس ضرر باقی است، حکم جبیره جاری می‌شود هرچند فرد احتمال بهبودی موضع صدمه دیده را بدهد و اگر ترس ضرر برطرف شود، در صورت امکان، برداشتن جبیره برای وضو لازم است.<sup>۳</sup>

\* هرگاه در یکی از اعضای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی قسمت آسیب دیده، باز بوده و آب برای آن، ضرر نداشته باشد یا روی آن، بسته باشد ولی باز کردن آن، بدون سختی فوق‌العاده امکان‌پذیر بوده و آب هم برای آن، بی‌ضرر باشد، باید به طور معمول وضو بگیرد. همین‌طور اگر بتواند زیر جبیره را با فرو بردن جبیره در آب، به صورت ارتماسی بشوید، همین کار را انجام می‌دهد و در صورتی که این روش را انجام دهد، لازم نیست عضو را از بالا به پایین بشوید. بنابراین در هیچ یک از صورت‌های این مسأله وضوی جبیره‌ای انجام نمی‌شود.<sup>۴</sup>

\* اگر آب برای عضو، ضرر دارد ولی به وسیله گرم کردن آب یا کم آب ریختن (طوری که شستن بر آن صدق کند)، ضرر برطرف می‌شود باید این کار را انجام دهد و وضو بگیرد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۳.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۴.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۵.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۶.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۷.

\* اگر آب برای عضو ضرر ندارد، خواه عضو سالم باشد یا آنکه زخم یا شکستگی داشته باشد، اما نجس بوده و تطهیر آن ممکن نباشد، هر چند عدم امکان تطهیر، به علت تنگی وقت یا کمی آب باشد یا اینکه تطهیر آن ممکن است ولی سختی فوق العاده دارد، در تمام این موارد باید تیمم کند.<sup>۱</sup>

\* اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت.<sup>۲</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دست‌ها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، باید اطراف زخم یا دمل را - به طوری که در وضو گفته شد - از بالا به پائین بشوید، و بهتر آن است که چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد دست تر بر آن بکشد، و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه نیز بکشد. و اما در شکستگی لازم است تیمم بنماید.<sup>۳</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته شده پاک است و رسانیدن آب به زخم هم ممکن است و ضرر و مشقت ندارد، وظیفه‌اش چیست؟ - باید آب را به روی زخم برساند و وضویش صحیح است.<sup>۴</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد ولی زخم یا چیزی که روی آن گذاشته شده نجس است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و مشقت ندارد، وظیفه‌اش چیست؟ - اگر آب کشیدن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد باید آب را به روی زخم برساند و وضویش صحیح است.<sup>۵</sup>

\* اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست یا به قدری مشقت دارد که نمی‌شود تحمل کرد وظیفه چیست؟ - وظیفه‌اش تیمم است مگر آن که آن چیز در مواضع تیمم باشد که در این صورت لازم است بین وضو و تیمم جمع کند و اگر آن چیزی که چسبیده دوا باشد حکم جبیره را دارد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۸.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۳.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۴.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۲-۱۱۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۷.

**ثابت بودن عضو جبیره‌دار**

\* روی جبیره را فقط باید مسح کرد و شستن روی جبیره کافی نیست و نیز عضوی که جبیره دارد هنگام مسح کشیدن - حتی بنا بر احتیاط واجب اعضاء شستنی (صورت و دست‌ها) - باید ثابت باشد.<sup>۱</sup>

\* مسح کردن روی جبیره در اعضای شستنی (صورت و دست‌ها) لازم نیست با دست انجام شود و با هر چیزی کافی است و استفاده مکرر از آب برای مسح صورت و دست‌ها به نیت وضوی جبیره، مانعی ندارد و این حکم در غسل جبیره نیز جاری است.<sup>۲</sup>

\* اگر جبیره در اعضای مسحی (سر و پاها) باشد، باید با تری باقی‌مانده در دست، روی جبیره را مسح نمود و نمی‌توان از آب دیگری برای مسح استفاده نمود.<sup>۳</sup>

**خشک بودن جبیره**

\* جبیره در اعضای مسحی (روی سر و پاها) باید خشک باشد یا رطوبت آن به قدری ناچیز باشد که آب مسح بر آن غلبه کند و آن رطوبت عرفاً از بین رفته به حساب آید. اما جبیره‌ای که در اعضای شستنی (صورت و دست‌ها) است، خشک بودن روی آن هنگام مسح بر آن لازم نیست.<sup>۴</sup>

**پاک و غیر غصبی بودن**

\* جبیره باید پاک باشد و اگر نجس باشد باید آن را شسته یا عوض نمود یا اینکه چیز پاکي مانند پارچه یا پلاستیک روی جبیره نجس بست به گونه‌ای که کاملاً به جبیره چسبیده و عرفاً جزء آن حساب آید و اگر روی جبیره، پاک بوده و لایه‌های زیرین جبیره، نجس باشد، اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* جبیره نباید غصبی باشد و اگر انسان بر جبیره غصبی مسح نماید معصیت کرده و وضوی او، بنا بر احتیاط واجب، باطل است.<sup>۶</sup>

\* در جبیره شرط نیست از چیزهایی باشد که نماز در آن صحیح است، بنابراین اگر جبیره از جنس ابریشم یا طلا یا از اجزای پاک حیوان حرام گوشت باشد، به وضوی او ضرر نمی‌زند و از مواردی که به

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۹.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۰.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۱.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۲.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۳.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۴.



صحت وضوی جبیره ضرر وارد می‌نماید، نجاست ظاهر جبیره یا غصبی بودن آن است، که حکم آن، بیان شد.<sup>۱</sup>

### اندازه متعارف

\* جبیره باید به مقدار معمول باشد و اگر بیشتر از مقدار معمول بوده و برداشتن مقدار اضافه بدون سختی فوق العاده، ممکن باشد باید مقدار اضافی را بردارد و اگر برداشتن مقدار اضافی ممکن نبوده یا سختی فوق العاده دارد یا برای قسمت سالم، ضرر داشته باشد، چنانچه جبیره خارج از مواضع تیمم (پیشانی و دست‌ها) باشد، باید تیمم نماید و اگر جبیره در اعضای تیمم باشد، بنا بر احتیاط واجب، هم وضوی جبیره‌ای بگیرد و هم تیمم نماید ولی اگر برداشتن مقدار اضافی، ضرر برای خود قسمت آسیب دیده دارد، وضوی جبیره کافی است هر چند جبیره در موضع تیمم باشد.<sup>۲</sup>

\* اگر جبیره‌ای که روی جراحت قرار دارد، به صورت معمول باشد، سبک کردن آن لازم نیست، همان‌طور که گذاشتن شیء دیگری روی جبیره در صورت عدم نیاز، جایز نیست مگر اینکه بعد از گذاشتن، جزء جبیره به حساب آید.<sup>۳</sup>

\* اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن بدون مشقت ممکن نیست باید تیمم نماید، مگر اینکه جبیره در مواضع تیمم باشد که در این صورت لازم است بین وضو و تیمم جمع نماید. و در هر دو صورت اگر برداشتن جبیره بدون مشقت ممکن است باید جبیره را بردارد، پس اگر زخم در صورت و دست‌ها است اطراف آن را بشوید، و اگر در سر یا روی پاها است اطراف آن را مسح کند، و برای جای زخم به دستور جبیره عمل نماید.<sup>۴</sup>

\* اگر جبیره بیشتر از اعضای وضو را گرفته باشد وظیفه چیست؟  
- بنا بر احتیاط باید تیمم کند و وضوی جبیره‌ای بگیرد.<sup>۵</sup>

### ترتیب

\* همچنان که در وضوی معمولی، دست و همین‌طور بنا بر احتیاط واجب صورت از بالا به پایین شسته می‌شود، در وضوی جبیره‌ای هم باید روی جبیره‌ای که روی این اعضاء می‌باشد را از بالا به پایین با رعایت ترتیب مسح نمود، بنابراین کسی که مچ دست او جبیره دارد و قسمت بالا و پایین آن باز

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۴.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۲۹.

است ابتدا قسمت بالا را که باز است می‌شوید و بعد روی مچ را که جبیره دارد با مراعات ترتیب مسح می‌کند و سپس قسمت پایین مچ را که باز است، می‌شوید.<sup>۱</sup>

### اجرای وضوی جبیره

\* آیا دست مصنوعی در حکم و مثل دست طبیعی است و در جبیره به هنگام وضو باید دست مرطوب بر آن کشیده شود؟  
- خیر لازم نیست شسته شود.<sup>۲</sup>

\* اگر دست تا آرنج در گچ باشد جهت وضو حکم آن چیست؟ و اگر شخص غسل جنابت بر او واجب شود حکم آن چیست؟  
- وضو و غسل جبیره‌ای واجب است، یعنی با دست تر روی گچ بکشد.<sup>۳</sup>

\* آیا دست مصنوعی در حکم جبیره است و در هنگام وضو باید دست مرطوب را بر آن کشید؟  
- خیر.<sup>۴</sup>

\* کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است آیا می‌تواند سر و پاها را با همان رطوبت مسح کند یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد؟  
- سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.<sup>۵</sup>

\* اگر در یکی از اعضای وضو، زخم یا دمل یا شکستگی است و روی آن باز باشد و آب برای آن ضرر نداشته باشد چگونه باید وضو گرفت؟  
- باید به طور معمول وضو گرفت.<sup>۶</sup>

\* اگر در صورت یا دست‌ها زخم یا دمل یا شکستگی است که ریختن آب ضرر دارد ولی دست تر کشیدن روی آن ضرر ندارد وظیفه نسبت به وضو چیست؟  
- باید اطراف زخم یا دمل را از بالا به پایین بشوید، و در شکستگی لازم است تیمم نماید.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۸.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۳۱.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۲۳.

\* اگر آب ریختن یا دست تر کشیدن روی زخم یا دملی که باز است و در صورت یا دست‌ها ضرر دارد و یا امکان ندارد وظیفه چیست؟  
- باید اطراف آن را از بالا به پایین بشوید.<sup>۲</sup>

\* اگر روی زخم باز و نجس است و نمی‌توان آب کشید وظیفه چیست؟  
- باید اطراف زخم را از بالا به پایین بشوید و بنابر احتیاط مستحب پارچه پاکی روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد.<sup>۳</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در محل مسح یعنی در جلوی سر یا روی پاهاست و روی آن باز باشد چنانچه نتواند آن را مسح کند (به این معنی که زخم مثلاً تمام محل مسح را گرفته باشد و یا اینکه مسح جاهای سالم نیز امکان ندارد) تکلیف شرعی برای وضو گرفتن چیست؟  
- در این صورت باید تیمم کند و بنابر احتیاط وضو نیز بگیرد و پارچه پاکی روی آن گذاشته و با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند.<sup>۴</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پا باشد و روی آن باز ولی نتواند مسح کند و گذاشتن پارچه هم ممکن نباشد در این صورت وظیفه نسبت به وضو چیست؟  
- باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضوی بدون مسح هم بگیرد.<sup>۵</sup>

\* اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد و باز کردن آن ممکن باشد و آب هم برای زخم ضرر نداشته باشد، وظیفه برای وضو چیست؟  
- باید روی زخم را باز کند و وضو بگیرد.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۴.  
۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۴.  
۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۴.  
۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۵.  
۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۵.  
۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۶.

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست‌ها باشد که روی آن بسته است و بشود روی آن را باز کرد و شستن آن ضرر دارد ولی کشیدن دست تر ضرر ندارد وظیفه چیست؟  
- باز کردن لازم نیست و باید مقداری از اطراف زخم را که می‌تواند بشوید و بنابر احتیاط واجب روی جیره را مسح نماید.<sup>۱</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته شده پاک است و رسانیدن آب به زخم هم ممکن است و ضرر و مشقت ندارد، وظیفه‌اش چیست؟  
- باید آب را به روی زخم برساند و وضویش صحیح است.<sup>۲</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد ولی زخم یا چیزی که روی آن گذاشته شده نجس است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و مشقت ندارد، وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر آب کشیدن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد باید آب را به روی زخم برساند و وضویش صحیح است.<sup>۳</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد یا می‌شود آن را باز کرد ولی آب برای زخم ضرر دارد یا رساندن آب به روی زخم ممکن نیست یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید وظیفه برای وضو چیست؟  
- باید تیمم کند.<sup>۴</sup>

\* در صورت قبل اگر قرار دادن پارچه پاک روی زخم بسته ممکن نباشد یا نتواند دست تر روی آن بکشد وظیفه چیست؟  
- تیمم نماید.<sup>۵</sup>

\* اگر جیره تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها را فرا گرفته باشد تکلیف شرعی چیست؟  
- وضوی جیره‌ای کافی است.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۸؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۷.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

- \* اگر جبیره بیشتر از اعضای وضو را گرفته باشد وظیفه چیست؟  
- بنابر احتیاط باید تیمم کند و وضوی جبیره ای بگیرد.<sup>۲</sup>
- \* اگر جبیره از حریر یا اجزاء حیوانی که خوردن گوشت آن جایز نیست، باشد مسح بر آن جایز است؟  
- بله، مسح بر آن جایز است.<sup>۳</sup>
- \* کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است آیا می تواند سر و پاها را با همان رطوبت مسح کند یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد؟  
- سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.<sup>۴</sup>
- \* اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته باشد وظیفه چیست؟  
- اگر مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است باید جاهایی که باز است روی پا را، و جایی که جبیره است روی جبیره را مسح کند.<sup>۵</sup>
- \* اگر در صورت یا دستها چند جبیره باشد تکلیف چیست؟  
- باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آنها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل نماید.<sup>۶</sup>
- \* اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن بدون مشقت ممکن نیست چه باید کرد؟  
- باید تیمم کند مگر این که جبیره در مواضع تیمم باشد که در این صورت لازم است بین وضو و تیمم جمع نماید.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۰۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۰۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۰۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۰.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۰۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۱.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۰۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۲.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۰۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۳.

\* اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای همه دست و صورت ضرر دارد وظیفه شرعی چیست؟  
- باید تیمم کند.<sup>۲</sup>

\* اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد تکلیف چیست؟  
- اگر جبیره تمام بعضی از اعضای وضو را فرا گرفته باشد، وضوی جبیره‌ای کافی است، ولی اگر تمام اعضای وضو را یا بیشتر آن گرفته باشد بنا بر احتیاط باید تیمم نماید و وضوی جبیره نیز بگیرد.<sup>۳</sup>

### صورت‌های مختلف جبیره

هنگامی که زخم یا دمل یا شکستگی، شرایط ذکر شده در فصل قبل را دارا باشد، وضوی جبیره در صورت‌های مختلف به شیوه زیر انجام می‌شود:  
زخم یا دمل یا شکستگی در اعضاء شستنی (صورت یا دست‌ها) است:  
الف. روی آن بسته است: باید اطراف آن را شسته و روی جبیره را مسح نماید.  
ب. روی آن باز است:  
گر زخم یا دمل باشد، چه اینکه شکستگی هم داشته باشد یا نه: اطراف آن را بشوید و لازم نیست قسمت زخم یا دمل را وضو دهد هر چند احتیاط مستحب آن است که پارچه پاکی روی آن گذاشته و روی پارچه دست تر بکشد.  
و اگر شکستگی بدون زخم و جراحت باشد، باید تیمم نماید.  
زخم یا دمل یا شکستگی در اعضاء مسحی است:  
الف. روی آن بسته است: باید روی جبیره را برای وضو مسح کند.  
ب. روی آن باز است: باید تیمم کند و احتیاط مستحب است وضوی جبیره‌ای هم بگیرد به این صورت که پارچه پاکی روی آن گذاشته و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح نماید.<sup>۴</sup>

\* اگر جبیره تمام عرض روی پا را گرفته ولی مقداری از اطراف بالای پا و مقداری از اطراف انگشتان باز باشد، روی قسمت‌های باز و جبیره را مثل وضوی معمولی به ترتیب مسح نماید.<sup>۵</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۴.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۵.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۹.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث کیفیت وضوی جبیره‌ای در صورت‌های مختلف، ص ۱۳۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۰.

\* کسی که در دست و انگشت‌هایش جبیره دارد و در موقع وضو، دستِ تر روی آن کشیده است می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند هر چند احتیاط مستحب آن است که مسح را با قسمتی انجام دهد که جبیره ندارد.<sup>۱</sup>

\* اگر جبیره بعضی از اعضای وضو را فرا گرفته باشد - مثل تمام صورت یا تمام یک دست - وضوی جبیره‌ای کافی است ولی اگر جبیره تمام اعضای وضو یا نزدیک به تمام اعضای وضو را فرا گرفته باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید هم تیمم نماید و هم وضوی جبیره‌ای بگیرد.<sup>۲</sup>

\* اگر جایی از اعضای وضو را رگ زده یا حجامت نموده، در صورتی که آب برای آن ضرر دارد حکم آن، حکم زخم و جراحت است که در مسائل قبل ذکر شد ولی اگر آب برای آن ضرر ندارد اما نمی‌تواند آن را به دلیل نجاست عضو یا بند نیامدن خون، آب بکشد باید تیمم نماید.<sup>۳</sup>

\* کسی که به بیماری چشمی مبتلا شده و چشم او ورم کرده و ملتهب شده اگر استعمال آب به طور کلی برای صورت ضرر دارد، باید تیمم نماید ولی چنانچه شستن اطراف چشم ممکن است و ضرر برای چشم ندارد، در صورتی که روی چشم با دوا و مرهم پوشیده شده باشد وضوی جبیره کافی است و اگر روی چشم با دوا و مرهم پوشیده نشده باشد، احتیاط واجب آن است که هم وضوی جبیره بگیرد و هم تیمم نماید.<sup>۴</sup>

### تیمم جبیره‌ای

\* اگر وظیفه مکلف تیمم است و در اعضای تیمم وی هم جبیره وجود دارد مثل اینکه در پیشانی یا پشت دست‌هایش زخم یا دمل یا شکستگی وجود دارد، باید به همان دستور وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره‌ای نماید.<sup>۵</sup>

### جمع وضو و تیمم

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند به این معنی که زخم مثلاً تمام محل مسح را گرفته باشد، یا آنکه از مسح جاهای سالم نیز

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۱.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۳.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۴.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۳.

متمکن نباشد، در این صورت لازم است تیمم نماید، و بنا بر احتیاط مستحب وضو نیز گرفته و پارچه پاکی روی آن بگذارد، و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند.<sup>۱</sup>

\* اگر جبیره تمام بعضی از اعضای وضو را فرا گرفته باشد، وضوی جبیره ای کافی است، ولی اگر تمام اعضای وضو را یا بیشتر آن گرفته باشد بنا بر احتیاط باید تیمم نماید و وضوی جبیره نیز بگیرد.<sup>۲</sup>

\* فردی که دو دستش قطع شده، و بجای آن از دست مصنوعی استفاده می کند، و به هنگام وضو در آوردن دست‌های مصنوعی برایش مشکل است چه کند؟  
- از کسی کمک بخواهد و اگر ممکن نشد تیمم کند و وضوی جبیره نیز بگیرد.<sup>۳</sup>

\* اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد تکلیف چیست؟  
- اگر جبیره تمام بعضی از اعضای وضو را فرا گرفته باشد، وضوی جبیره ای کافی است، ولی اگر تمام اعضای وضو را یا بیشتر آن گرفته باشد بنا بر احتیاط باید تیمم نماید و وضوی جبیره نیز بگیرد.<sup>۴</sup>

### دیگر احکام

\* اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن بدون مشقت ممکن است و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دست‌ها باشد، یا جلوی سر و روی پاها باشد.<sup>۵</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی که بسته است در صورت یا دست‌ها باشد، چنانچه باز کردن و ریختن آب روی آن ضرر دارد، باید مقداری را که ممکن است از اطراف شسته - و بنا بر احتیاط واجب - روی جبیره را مسح نماید.<sup>۶</sup>

\* اگر نمی شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته شده پاک است، و رساندن آب به زخم ممکن است و ضرر هم ندارد، باید آب را به روی زخم از بالا به پائین برساند، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته شده نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم ممکن

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۹.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۰۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۲۹.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۶.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۷.



باشد باید آن را آب بکشد، و موقع وضو آب را به زخم برساند، و در صورتی که آب برای زخم ضرر ندارد ولی آب کشیدن آن ممکن نیست، یا باز کردن زخم موجب مشقت یا ضرر است باید تیمم نماید.<sup>۱</sup>

\* لازم نیست جبیره از جنس چیزهایی باشد که نماز در او جایز است، بلکه اگر از حریر یا از اجزاء حیوانی که خوردن گوشت آن جایز نیست بوده باشد، مسح بر آن جایز است.<sup>۲</sup>

\* کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد، و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است، سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.<sup>۳</sup>

\* اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را، و جایی که جبیره است روی جبیره را مسح کند.<sup>۴</sup>

\* اگر در صورت یا دست‌ها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید، و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند، و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل نماید.<sup>۵</sup>

\* اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، باید تیمم کند.<sup>۶</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست‌ها باشد که روی آن بسته است و بشود روی آن را باز کرد و شستن آن ضرر دارد ولی کشیدن دست تر ضرر ندارد وظیفه چیست؟  
- باز کردن لازم نیست و باید مقداری از اطراف زخم را که می‌تواند بشوید و بنابر احتیاط واجب روی جبیره را مسح نماید.<sup>۷</sup>

\* کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای است می‌تواند در اوّل وقت، نماز بخواند هر چند بداند که عذر او تا آخر وقت برطرف می‌شود ولی احتیاط مستحب آن است که اگر امید دارد تا آخر وقت عذرش

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۰.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۱.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۲.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۳.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۵.

۷. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

برطرف می‌شود صبر کند و چنانچه عذر او برطرف نشد باید نماز را تا آخر وقت با وضو یا غسل جبیره‌ای به جا آورد.<sup>۱</sup>

\* کسی که وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است و وضوی جبیره گرفته، در صورتی که عذرش برطرف شد و بهبودی یافت، وضوی او باقی است و می‌تواند با آن وضو، کارهایی که نیاز به وضو دارد - مثل خواندن نماز یا لمس خط قرآن - را انجام دهد. شایان ذکر است در مواردی که وظیفه او هم وضوی جبیره و هم تیمم است، پس از برطرف شدن عذر و بهبودی، وضوی او کافی نیست و باید برای کارهایی که انجام آن نیاز به وضو دارد، وضو بگیرد و این مسأله در مورد غسل جبیره‌ای نیز جاری است.<sup>۲</sup>

\* اگر به اعتقاد اینکه در اعضای وضوی او زخم یا دمل یا شکستگی است و آب برای آن ضرر دارد به دستور وضو یا غسل جبیره رفتار نماید، سپس آشکار شود که زخم یا دمل یا شکستگی در اعضای وضو وجود نداشته، وضو یا غسل او باطل است و نمازهایی را که با چنین وضو و غسلی خوانده باید در وقت، دوباره بخواند و در خارج وقت، قضاء نماید اما اگر در اعضای وضوی او واقعاً زخم یا دمل یا شکستگی وجود دارد و معتقد است آب برای آن ضرر دارد و فرد به دستور وضو یا غسل جبیره رفتار نماید، سپس معلوم شود که آب برای موضع آسیب دیده ضرر نداشته، وضو و غسل او صحیح است.<sup>۳</sup>

\* اگر مکلف با اعتقاد به اینکه آب برای وضو گرفتن یا غسل کردن ضرر ندارد، وضو بگیرد یا غسل نماید و بعد از وضو یا غسل بفهمد که آب برای او ضرر داشته و در واقع، وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای بوده است، بنا بر احتیاط واجب باید وضو یا غسل را دوباره انجام دهد.<sup>۴</sup>

\* اگر مکلف با اعتقاد به اینکه آب برای او ضرر دارد، وضو و غسل جبیره‌ای را ترک نماید و وضو و غسل معمولی بگیرد و بعد متوجه شود که آب ضرر نداشته و وظیفه او شستن پوست بوده است، بنا بر احتیاط واجب باید وضو یا غسل را دوباره انجام دهد.<sup>۵</sup>

\* کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمم، باید احتیاطاً هر دو را انجام دهد.<sup>۶</sup>

## غسل

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۹.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۰.

\* در لغت به معنای شستن است و در اصطلاح به مجموعه‌ای از اراده قلبی و اجرای عملی در خصوص شستن بدن گفته می‌شود. اما حضرت آیت الله سیستانی برای تعریف شرعی و فقهی غسل نخست آن را به دو نوع تقسیم کرده و سپس هر یک را تعریف می‌کند.<sup>۱</sup>

### روش اجرا

\* غسل جنابت و سایر غسل‌ها چه واجب و چه مستحب به جز غسل میت را به دو صورت می‌توان انجام داد: ترتیبی و ارتماسی. غسل ترتیبی در صورتی که ترتیب بین راست و چپ بدن در آن مراعات گردد، بهتر از غسل ارتماسی است. اما در مورد غسل میت، احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میت را غسل ارتماسی ندهند.<sup>۲</sup>

\* در غسل ترتیبی باید - بنا بر احتیاط لازم - اول تمام سر و گردن و سپس تمام بدن را به نیت غسل بشوید. و بهتر آن است که شستن طرف راست بدن را بر طرف چپ مقدم نماید. و چنانچه عمداً و یا از بابت کوتاهی در فراگیری احکام غسل شستن تمام سر و گردن را بر شستن بدن مقدم ننماید بنا بر احتیاط لازم غسلش باطل است. و نیز در انجام غسل - بنا بر احتیاط لازم - کافی نیست در حالی که سر و یا گردن و یا بدن در زیر آب است با حرکت دادن آن نیت غسل نماید بلکه باید عضوی را که می‌خواهد غسل بدهد چنانچه در زیر آب است او را بیرون آورده و سپس به نیت غسل بشوید.<sup>۳</sup>

\* غسل ترتیبی را می‌توان با فرو رفتن در آب هم انجام داد، بنابراین اگر فرد دو بار در آب فرو رود؛ یک بار به نیت سر و گردن، بار دوم به نیت بدن، غسل او صحیح است هر چند احتیاط مستحب است سه بار در آب فرو رود؛ یک بار به نیت سر و گردن، بار دوم به نیت طرف راست و بار سوم به نیت طرف چپ.<sup>۴</sup>

\* غسل ارتماسی به دو نحو انجام می‌گیرد: «دفعی» و «تدریجی».

در غسل ارتماسی دفعی باید در یک لحظه، آب تمام بدن را فرا بگیرد، ولی لازم نیست که قبل از شروع در غسل، تمام بدن بیرون آب باشد بلکه اگر مقداری از آن بیرون باشد و به نیت غسل در آب فرو رود، کافی است.<sup>۵</sup>

۱. ویکی پدیا؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، ابتدای مبحث غسل.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۲۹.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۶۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۳۱.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۳۳.

\* در غسل ارتماسی تدریجی باید بدن را به نیت غسل، تدریجاً در آب فرو برد طوری که فاصله بین فرو بردن اعضا زیاد نباشد و موالات در شستن اعضا رعایت گردد به گونه‌ای که بگویند مشغول انجام غسل ارتماسی است و در این صورت لازم است هر عضو، قبل از غسل دادن آن عضو، بیرون آب باشد. شایان ذکر است در این نوع غسل لازم نیست تمام بدن در یک لحظه زیر آب باشد. بنابراین فرد می‌تواند پس از فرو بردن بعضی از اعضا به نیت غسل در آب، آن قسمت را بیرون بیاورد و بعد قسمت دیگری را فرو برد.<sup>۱</sup>

### نیت

\* نیت در غسل چگونه است و آیا نیت وجوب یا استحباب واجب است؟  
- لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب می‌کند، بلکه اگر فقط به قصد قربت یعنی برای تذلل در پیشگاه خداوند عالم غسل کند کافی است.<sup>۲</sup>

\* دختری دارم ۱۱ ساله که مشکل ذهنی دارد او در اوایل آبان ماه تکلیف شده و دوران پریود او شروع گردید. سؤال من این است که پس از اتمام هر دوره پریود با توجه به اینکه او مشکل ذهنی دارد آیا من می‌توانم هنگام استحمام ایشان نیت غسل نمایم و ایشان را غسل بدهم یا خیر و یا اگر راه دیگری وجود دارد لطفاً بفرمائید؟  
- اگر مسائل را درک نمی‌کند تکلیفی بر او نیست و لازم نیست غسل کند و اگر متوجه می‌شود باید به او بگوید که باید غسل حیض کند و همین کافی است و نیت چیزی نیست که به زبان بیاورد و یا از قلب بگذراند.<sup>۳</sup>

### شرایط صحت

\* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع خودداری کند اگر فقط به اندازه‌ای که غسل کند و نماز بخواند، ادرار یا مدفوع از او بیرون نمی‌آید فوراً غسل کند و بعد از غسل هم باید فوراً نماز بخواند. همچنین زن مستحاضه قلیله بعد از وضو و مستحاضه متوسّطه بعد از غسل و وضو و مستحاضه کثیره بعد از غسل، باید فوراً مشغول نماز شوند، مگر در دو موردی که متن آنها ذیلاً می‌آید. همچنین در صورتی که وقت تنگ باشد و فرد تنها به مقدار غسل (و وضو در موارد نیاز) و خواندن نماز وقت دارد لازم است فوراً بدون فاصله غسل کند و (در مواردی که وضو لازم است وضو بگیرد) و بعد هم فوراً نماز بخواند.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۳۴.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۲۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۵۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۵۷.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۳۹.

دو مورد استثناء: در استحاضه کثیره، بنا بر احتیاط واجب، باید زن برای هر نماز پنبه و دستمال را عوض کند یا آب بکشد و لازم است یک غسل برای نماز صبح و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یک غسل برای نماز مغرب و عشا به جا آورد و بین نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا فاصله نیندازد و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر و عشا دوباره غسل کند. همه این موارد در صورتی است که خون پی در پی از پنبه به دستمال برسد اما چنانچه رسیدن خون از پنبه به دستمال با قدری فاصله باشد که زن بتواند در آن فاصله غسل نموده و یک نماز یا بیشتر بخواند، احتیاط لازم آن است که هرگاه خون از پنبه به دستمال برسد پنبه و دستمال را عوض کرده و یا آب بکشد و غسل نماید و نماز بخواند. بنابراین اگر زن غسل استحاضه کثیره کرد و نماز ظهر را مثلاً خواند ولی قبل از نماز عصر یا در بین آن، خون دوباره از پنبه به دستمال رسید، بنا بر احتیاط واجب، باید برای نماز عصر نیز غسل نماید ولی چنانچه فاصله به مقداری باشد که زن بتواند در آن میان دو نماز یا بیشتر بخواند، مثل اینکه بتواند نماز مغرب و عشا را نیز قبل از آنکه خون دوباره به دستمال برسد بخواند، برای آن نمازها لازم نیست غسل دیگری بکند و در هر صورت زنی که غسل استحاضه کثیره انجام داده، تا وقتی بعد از غسل مبطل وضو انجام نداده، لازم نیست وضو بگیرد. زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده خونی از او بیرون نیامده و در داخل فرج هم نیست، می‌تواند خواندن نماز را تا وقتی که می‌داند پاک می‌ماند به تأخیر بیندازد، همچنان که می‌تواند نمازهای بعدی را در این فاصله زمانی بدون اینکه دوباره غسل کند یا وضو بگیرد، بخواند.<sup>۱</sup>

### غسل‌های واجب

\* غسل‌های واجب هفت است:

اول: غسل جنابت.

دوم: غسل حیض.

سوم: غسل نفاس.

چهارم: غسل استحاضه.

پنجم: غسل مس میت.

ششم: غسل میت.

هفتم: غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می‌شود.

و اگر کسوف کلی، یا خسوف کلی شود، و مکلف عمداً نماز آیات را نخواند تا قضا شود - بنا بر احتیاط واجب - باید برای قضای آن غسل کند.<sup>۲</sup>

### غسل جنابت

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۰۲ و ۶۰۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، مبحث غسل‌های واجب، ص ۶۳.

### موارد حرمت بر جنب

\* هفت چیز بر جنب حرام است

اول: رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن.

دوم: بنا بر احتیاط واجب رساندن جایی از بدن خود به اسم مبارک ذات خداوند متعال، به هر زبانی که باشد و صفات مخصوص او<sup>۱</sup> و احتیاط مستحب است، انسان اسماء پیامبران و امامان و حضرت زهرا علیهم السلام را هم در حالت جنابت لمس ننماید.

سوم: وارد شدن به مسجد الحرام و مسجد پیامبر (ص) هر چند از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

چهارم: توقف در مساجد دیگر؛ ولی اگر از مسجد عبور کند مثل اینکه از یک در مسجد داخل و از در دیگر خارج شود، مانعی ندارد.

همچنین مشاهد مشرفه معصومین و حرم امامان، علیهم السلام بنا بر احتیاط لازم، در این رابطه، حکم مساجد را دارند و منظور از حرم، روضه منوره است یعنی قسمتی که ضریح مقدس و قبر مطهر در آن قرار دارد و رواقها و صحنهای متبرکه و نیز تمام حرم امام زادگان، حکم مشاهد مشرفه معصومین (ع) را ندارند؛ مگر جایی که مسجد بودنش ثابت باشد. شایان ذکر است نمازخانههای منازل، ادارات، کارخانجات، مدارس و مانند آن و همچنین حسینیهها، مزار شهدا، قبرستان مؤمنین و مانند آنکه مسجد نیستند، حکم مساجد را ندارند.

پنجم: وارد شدن به مسجد برای برداشتن چیزی.

ششم: بنا بر احتیاط لازم، گذاشتن چیزی در مسجد، هر چند در حال عبور از مسجد باشد یا خودش وارد مسجد نشده و از بیرون چیزی را در مسجد بگذارد.

هفتم: خواندن هر یک از آیاتی که دارای سجده واجب هستند و آن در چهار سوره است:

۱. سوره سی و دوم قرآن، سجده (الم تنزیل) آیه پانزدهم. ۲. سوره چهل و یکم قرآن، فصلت (خم سجده) آیه سی و هفتم. ۳. سوره پنجاه و سوم قرآن، (والنجم) آیه آخر. ۴. سوره نود و ششم قرآن، علق (اقرأ) آیه آخر.

احتیاط مستحب آن است که سایر آیات این چهار سوره سجده دار را هم نخواند.<sup>۲</sup>

### شرط صحت

\* به دلیل دشواری غسل برای معلولان، برخی از آنان که دچار احتلامهای شبانه می شوند و غسل بر آنها واجب می شود آن را مخفی کرده و از تیمم بدل از غسل استفاده می نمایند. حکم شرعی این مسئله چگونه است؟

- اگر نتواند از کسی کمک بگیرد، کافی است و گرنه نماز باطل است.<sup>۳</sup>

۱. منظور از صفات مخصوص، مواردی است که توضیح آن، در مسأله ۴۰۵ ذکر شد.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۲۷.

۳. توان نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

### غسل مس میت

\* اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده و غسلش نداده‌اند مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میت نماید، چه در خواب مس کند چه در بیداری، با اختیار مس کند یا بی اختیار، حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان میت برسد باید غسل کند، ولی اگر حیوان مرده‌ای را مس کند غسل بر او واجب نیست.<sup>۱</sup>

\* اگر دیوانه یا بچه نابالغی، میت را مس کند، بعد از آنکه آن دیوانه، عاقل یا بچه، بالغ شد باید غسل مس میت نماید و اگر بچه نابالغ، ممیز باشد و غسل مس میت انجام دهد، غسل او صحیح است.<sup>۲</sup>

\* برای کسی که بعد از مس میت، غسل نکرده است، توقّف در مسجد و نزدیکی با زن و خواندن آیه‌هایی که سجده واجب دارد، مانعی ندارد ولی برای نماز و مس آیات قرآن و مانند آن باید غسل کند.<sup>۳</sup>

\* معلولانی که دست یا پای آنان مصنوعی است هنگام غسل کردن چه تکلیفی دارند؟ آیا ترتیب شستشو باید حتماً مراعات گردد؟  
- لازم نیست شسته شود.<sup>۴</sup>

### غسل و دفن میت

\* ولی زن، شوهر اوست و در غیر این مورد، وارث، به ترتیبی که در طبقات ارث خواهد آمد ولی میت است و در هر طبقه، مردان بر زنان مقدم هستند. به این معنا که مثلاً اگر در طبق اول مادر و پسر (با وجود شرایطی که بعداً ذکر می‌شود) هستند، ولایت با پسر است اما اگر پسر دارای شرایط نداشته باشد، مادر، ولی میت است و نوبت به طبقه بعد نمی‌رسد و چنانچه میت هیچ‌کدام از فامیل و بستگانش موجود نباشند یا اگر کسی هم موجود است صلاحیت شرعی ولایت را دارا نباشد مثل اینکه دیوانه باشد و نوبت به حاکم شرع یا مؤمنین عادل برسد، ولایت شرعی برای حاکم شرع یا مؤمنین عادل در مورد تجهیز میت ثابت نیست و چنین میتی بدون ولی شرعی محسوب می‌شود.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵۱۰.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۵۰.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۵۵.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۶۸.

\* افرادی که در تجهیز میت ولایت ندارند عبارت‌اند از فرد نابالغ، فرد دیوانه و نیز فرد غایبی که نمی‌تواند شخصاً یا با مأمور کردن فرد دیگری امور تجهیز میت را به عهده بگیرد.<sup>۱</sup>

\* در موارد زیر اجازه ولی ساقط است و تجهیز میت بر بقیه مکلفین واجب کفایی می‌باشد:  
الف. ولی شرعی از انجام کارهای مربوط به تجهیز میت شخصاً یا با مأمور کردن فرد دیگر امتناع ورزد.  
ب. ولی، غایب گردد به گونه‌ای که دسترسی به او ممکن نباشد و در مراتب بعد هم ولی شرعی برای میت نباشد.  
ج. ولی، دیوانه شود و در مراتب بعد هم ولی شرعی برای میت نباشد.  
د. میت، ولی شرعی نداشته باشد.<sup>۲</sup>

\* غسل و کفن و حنوط و دفن بچه مسلمان، هر چند از زنا باشد، واجب است و کسی که از کودکی، دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده، چنانچه پدر یا مادر او مسلمان باشند، احکام مسلمانان را دارد و غسل و کفن و دفن او همانند سایر مسلمانان است.<sup>۳</sup>

\* بچه نابالغ و دیوانه ولایت انجام کارهای میت را ندارند، و همچنین غائبی که نمی‌تواند شخصاً یا با مأمور کردن کسی دیگر - متکفل انجام آن کارها شود ولایت ندارد.<sup>۴</sup>

\* کفن زن بر شوهر است، اگرچه زن از خود مال داشته باشد. و همچنین اگر زن را به شرحی که در احکام طلاق گفته می‌شود، طلاق رجعی بدهند پیش از تمام شدن عده بمیرد، شوهرش باید کفن او را بدهد. و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد، ولی شوهر باید از مال او کفن زن را بدهد.<sup>۵</sup>

\* نیش قبر مسلمان، یعنی شکافتن قبر او اگرچه طفل یا دیوانه باشد حرام است، ولی اگر بدنش از بین رفته و خاک شده باشد اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

\* کفن زن بر عهده شوهر است هر چند زن صغیره یا دیوانه باشد یا با او دخول نشده باشد یا غنی بوده و از خود مال داشته باشد و همچنین است اگر زن عقد موقت بوده یا ناشزه و نافرمان بوده و از شوهرش اطاعت نمی‌کرده است و اگر زن را به شرحی که در احکام طلاق گفته می‌شود، طلاق

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۷۰.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۷۱.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۸۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵۳۵.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵۶۳.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۳۰.



رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عدّه بمیرد، شوهرش باید کفن او را بدهد و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد ولی شوهر باید از مال او، کفن همسرش را بدهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که بر میت نماز می‌خواند باید عاقل باشد (دیوانه نباشد) و بنا بر مشهور شیعه دوازده امامی باشد. ولی اگر غیر دوازده امامی بر بدن میتی که غیر دوازده امامی است نماز خوانده باشد، لازم نیست شیعه دوازده امامی آن را دوباره بخواند مگر آنکه ولی میت باشد.<sup>۲</sup>

### مختصر

\* رو به قبله کردن شیعه دوازده امامی که مختصر است یعنی در حال جان دادن می‌باشد، مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، بر هر مسلمانی، بنا بر احتیاط واجب، لازم است یعنی در صورت امکان، بنا بر احتیاط، باید او را به پشت بخوابانند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد و چنانچه بدانند خود مختصر راضی است و مختصر، از کسانی که قاصر هستند مثل بچه نابالغ یا دیوانه نباشد، لازم نیست برای این کار، از ولی او اجازه بگیرند و در غیر این صورت، اجازه گرفتن از ولی او بنا بر احتیاط، لازم است.<sup>۳</sup>

### نیش قبر

\* نیش قبر مسلمان، یعنی شکافتن قبر او هر چند طفل یا دیوانه باشد حرام است، ولی اگر بدنش از بین رفته و تمام گوشت و استخوان‌هایش خاک شده باشد، نیش قبر او اشکال ندارد مگر آنکه نیش قبر موجب هتک حرمت میت یا تصرف در ملک دیگری بدون رضایت او یا عنوان حرام دیگری باشد که در این صورت جایز نیست.<sup>۴</sup>

### غسل جبیره

\* احکام و شرایط غسل که به صورت جبیره‌ای انجام می‌شود (به جز غسل میت)، همانند احکام و شرایط وضوی جبیره‌ای است ولی باید بنا بر احتیاط لازم، آن را ترتیبی به جا آورند و توضیح موارد آن چنین است:

۱. زخم، دمل یا شکستگی همراه با جراحت و زخم باشد و آب برای آن ضرر داشته باشد، چه روی آن باز و چه بسته باشد، مکلف مخیر بین غسل جبیره‌ای و تیمم است و اگر غسل را انتخاب کند: الف. روی قسمت صدمه دیده بسته است: باید روی آن را مسح کند.
- ب. روی قسمت صدمه دیده باز است: اطراف را شسته و بنا بر احتیاط مستحب پارچه پاک روی قسمت صدمه دیده گذاشته و روی پارچه را مسح نماید.

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۷۱۸.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۷۴۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۵۶.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۷۸۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۳۰.

۲. شکستگی بدون جراحت باشد و آب برای آن ضرر داشته باشد:  
الف. روی آن باز است: تیمم بدل از غسل کند.

ب. روی آن بسته است و مسح روی جبیره ممکن است: غسل کند و روی جبیره را مسح نماید.  
ج. روی آن بسته است و مسح روی جبیره ممکن نیست: اگر جبیره خارج از اعضاء تیمم است: تیمم کند و اگر در اعضاء تیمم است: بنا بر احتیاط واجب هم غسل (بدون مسح قسمت آسیب دیده) و هم تیمم نماید.<sup>۱</sup>

\* غسل جبیره چگونه است؟

- در غیر غسل میت از سایر اغسال، غسل جبیره ای مثل وضوی جبیره ای است.<sup>۲</sup>

\* آیا می توان غسل جبیره ای را به صورت ارتماسی انجام داد؟

- بنا بر احتیاط واجب باید ترتیبی به جا آورد.<sup>۳</sup>

\* کسی که باید با وضو یا غسل جبیره ای نماز بخواند، چنانچه بداند که تا آخر وقت عذر برطرف نمی شود، وظیفه اش نسبت به نماز چیست؟

- می تواند در اول وقت نماز بخواند ولی اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود بهتر آن است که صبر کند و چنانچه عذر او برطرف نشد در آخر وقت، نماز را با وضو یا غسل جبیره ای به جا آورد.<sup>۴</sup>

\* اگر دست تا آرنج در گچ باشد جهت وضو حکم آن چیست؟ و اگر شخص غسل جنابت بر او واجب شود حکم آن چیست؟

- وضو و غسل جبیره ای واجب است، یعنی با دست تر روی گچ بکشد.<sup>۵</sup>

## تیمم

\* در هفت مورد به جای وضو و غسل تیمم می شود:

مورد اول: نداشتن آب

مورد دوم: عدم دسترسی به آب

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۱.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۲۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۸.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۲۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۸.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۲۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۴۰.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

مورد سوم: ضرر داشتن استعمال آب  
 مورد چهارم: سختی فوق العاده داشتن تهیه یا استعمال آب  
 مورد پنجم: نیاز به آب برای رفع تشنگی  
 مورد ششم: مزاحمت وضو یا غسل با تکلیف مهم‌تر یا مساوی  
 مورد هفتم: کمبود وقت.<sup>۱</sup>

### عدم دسترسی به آب

\* اگر به واسطه پیری یا ناتوانی، یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها، یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند.<sup>۲</sup>

### ضرر داشتن استعمال آب

\* اگر استعمال آب موجب مرگ او باشد، یا از استعمال آن بیماری یا عیبی در او پدید آید، یا بیماری‌اش طول بکشد یا شدت پیدا کند، یا به سختی معالجه شود، باید تیمم نماید. ولی اگر بتواند ضرر آب را به طوری برطرف کند، مثل اینکه آب را گرم کند، باید این کار را بکند و وضو بگیرد و در مواردی که غسل لازم است، غسل کند.<sup>۳</sup>

\* لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا (عقلایی) باشد، باید تیمم کند.<sup>۴</sup>

\* اگر با یقین یا احتمال ضرر، تیمم کند و قبل از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از نماز بفهمد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند، مگر در صورتی که وضو یا غسل در حالت یقین یا احتمال ضرر موجب نگرانی روحی بوده که تحملش فوق العاده سخت باشد که این مورد داخل در مورد چهارم از موارد تیمم می‌شود که حکم آن خواهد آمد.<sup>۵</sup>

\* کسی که یقین داشته آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او باطل است و نماز واجبی را که با آن وضو یا غسل خوانده، باید در وقت دوباره و بعد از وقت قضاء نماید.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، تیمم، موارد انجام تیمم، ص ۲۵۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۵۳، توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۰۳.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۰۸.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۰۹.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۱۰.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۱۱.

\* اگر جایی از اعضای وضو را رگ زده است و نمی‌تواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد تکلیف چیست؟

- در صورتی که نمی‌تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند و اگر آب برای آن ضرر دارد باید به دستور جبیره عمل کند.<sup>۱</sup>

\* اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست موی چشم خود را بچسباند به طوری که آب به تمام ظاهر پوست و موها نرسد، وظیفه اش وضو و غسل جبیره‌ای است یا تیمم؟  
- باید تیمم نماید.<sup>۲</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد یا می‌شود آن را باز کرد ولی آب برای زخم ضرر دارد یا رساندن آب به روی زخم ممکن نیست یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید وظیفه برای وضو چیست؟  
- باید تیمم کند.<sup>۳</sup>

\* در صورت قبل اگر قرار دادن پارچه پاک روی زخم بسته ممکن نباشد یا نتواند دست تر روی آن بکشد وظیفه چیست؟  
- تیمم نماید.<sup>۴</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در محل مسح یعنی در جلوی سر یا روی پاهاست و روی آن باز باشد چنانچه نتواند آن را مسح کند (به این معنی که زخم مثلاً تمام محل مسح را گرفته باشد و یا اینکه مسح جاهای سالم نیز امکان ندارد) تکلیف شرعی برای وضو گرفتن چیست؟  
- در این صورت باید تیمم کند و بنابر احتیاط وضو نیز بگیرد و پارچه پاک روی آن گذاشته و با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند.<sup>۵</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۶.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۴۱.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۵.

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پا باشد و روی آن باز ولی نتواند مسح کند و گذاشتن پارچه هم ممکن نباشد در این صورت وظیفه نسبت به وضو چیست؟  
- باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضوی بدون مسح هم بگیرد.<sup>۱</sup>

\* اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد و باز کردن آن ممکن باشد و آب هم برای زخم ضرر نداشته باشد، وظیفه برای وضو چیست؟  
- باید روی زخم را باز کند و وضو بگیرد.<sup>۲</sup>

\* اگر پیشانی یا پشت دست‌ها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را بر آن بسته و نمی‌توان باز کرد وظیفه چیست؟  
- باید دست را روی آن بکشد، و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکشد، ولی اگر قسمتی از آن باز باشد زدن آن مقدار و مسح با آن کافی است.<sup>۳</sup>

\* کسی که وظیفه او تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چگونه تیمم کند؟  
- باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره‌ای نماید.<sup>۴</sup>

\* در ضرر داشتن آب برای بدن در وضو و غسل باید یقین به ضرر پیدا کند یا احتمال ضرر کافی است؟  
- لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد باید تیمم کند.<sup>۵</sup>

\* اگر استعمال آب برای وضو یا غسل موجب مرگ باشد یا احتمال آن باشد وظیفه چیست؟  
- اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد، باید تیمم کند.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۵.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۶.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۰۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۹۷.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۴۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۹.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۲۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۵۹.

\* اگر شخص آسیب دیده می‌داند که آب برای او ضرر ندارد و در عین حال وضو بگیرد و با غسل کند و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، حکم وضو یا غسلی که گرفته چیست؟  
- غسل و وضو باطل است.<sup>۲</sup>

\* اگر معلول می‌ترسد که به واسطه استعمال آب برای وضو یا غسل مریض شود، آیا می‌تواند تیمم کند؟  
- اگر بترسد که به واسطه استعمال آب مریض می‌شود باید تیمم کند.<sup>۳</sup>

### سختی تهیه یا استعمال آب

\* اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن برای او حرج و مشقتی داشته باشد که معمولاً تحمل نمی‌شود، می‌تواند تیمم کند. ولی اگر تحمل کند و وضو بگیرد و با غسل کند، وضو و غسل او صحیح است.<sup>۴</sup>

\* اگر برای شخص آسیب دیده جسمی - حرکتی تهیه آب یا استعمال آب جهت وضو یا غسل، حرج و مشقت شدید داشته باشد وظیفه اش چیست؟  
- باید تیمم کند.<sup>۵</sup>

\* آیا می‌توان برای افرادی که دچار معلولیت شدید هستند به جای غسل از تیمم به طور مکرر استفاده کرد؟  
- مادامی که غسل برای او سختی شدید دارد می‌تواند به تیمم اکتفا کند.<sup>۶</sup>

\* به دلیل دشواری غسل برای معلولان، برخی از آنان که دچار احتلام‌های شبانه می‌شوند و غسل بر آنها واجب می‌شود آن را مخفی کرده و از تیمم بدل از غسل استفاده می‌نمایند. حکم شرعی این مسئله چگونه است؟  
- اگر نتواند از کسی کمک بگیرد، کافی است و گرنه نماز باطل است.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۶۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۶۵۸.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۷۳؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۶۶۱.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۶۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۶۵۸.

۴. توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۶۶۲؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۱۲.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۲۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۲۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۶۵۸.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

### نیاز به آب برای رفع تشنگی

\* اگر برای رفع تشنگی به آب نیاز باشد، باید تیمم نماید و جایز بودن به این جهت در دو صورت است:

۱. آنکه اگر آب را در وضو یا غسل صرف نماید بترسد خودش فعلاً یا بعداً به تشنگی که باعث تلف یا بیماری اش می‌شود، یا تحملش سختی فوق‌العاده دارد مبتلا خواهد شد.
۲. آنکه بر غیر خود - از کسانی که به او وابسته‌اند - از تشنگی که باعث تلف یا بیماری می‌شود، یا تحملش سختی فوق‌العاده دارد بترسد هر چند آن غیر، از کسانی که جانشان محترم است، نباشد یا حیوانی باشد، به شرط آنکه امور زندگی او برایش اهمیت داشته باشد چه از جهت علاقه شدید باشد، یا از این جهت که تلف شدن او ضرر مالی برایش دارد، یا اینکه رعایت حال او عرفاً لازم باشد مانند دوست و همسایه به گونه‌ای که ترک آن در عرف موجب نگرانی قلبی و ناراحتی روحی فوق‌العاده‌ای بوده که معمولاً قابل تحمل نیست یا باعث آبروریزی شخص محسوب می‌شود. و اما اگر بر کسانی که به او وابسته نیستند و شؤون زندگی آنان برای او اهمیتی ندارد از تشنگی بترسد ممکن است باز هم مجوز تیمم باشد ولی نه از این جهت، بلکه از جهت وجوب حفظ جان مسلمان که داخل در مورد ششم از موارد تیمم می‌گردد، یا از این جهت که مرگ یا بی‌تابی او مطمئناً موجب سختی فوق‌العاده فرد خواهد شد که در این صورت جزء مورد چهارم از موارد تیمم می‌باشد و چنانچه داخل در هیچ یک از موارد تیمم نباشد واجب است آب را در وضو یا غسل مصرف نماید.<sup>۲</sup>

### شرایط صحت

\* صحیح بودن تیمم دارای شرایطی می‌باشد، که رعایت آنها هنگام تیمم لازم است و در مسائل بعد به توضیح آنها پرداخته می‌شود:

- شرط اول: نیت تیمم نماید و در آن قصد قربت و اخلاص داشته باشد.
- شرط دوم: ترتیب را رعایت نماید.
- شرط سوم: بنا بر احتیاط واجب، اعضای تیمم را از بالا به پایین مسح نماید.
- شرط چهارم: در هنگام مسح، عضو مسح شده ثابت باشد.
- شرط پنجم: موالات را رعایت نماید.
- شرط ششم: کارهای تیمم را در صورت امکان، خود فرد انجام دهد.
- شرط هفتم: در اعضای تیمم مانعی نباشد.
- شرط هشتم: نجاست سرایت کننده، در اعضای تیمم نباشد.<sup>۳</sup>

### انجام تیمم توسط خود فرد

۱. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۱۳.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، شرایط صحیح بودن تیمم، ص ۲۶۴.

\* لازم است فرد کارهای تیمم را در حال اختیار خودش انجام دهد و اگر بدون عذر، دیگری او را تیمم دهد یا در مسح اعضای تیمم به او کمک نماید، تیمم باطل است.<sup>۱</sup>

\* اگر وظیفه فرد تیمم است و نمی‌تواند به تنهایی، به طور معمول تیمم کند:

۱. باید از دیگری کمک بگیرد تا دست‌های او را بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و سپس آنها را بر پیشانی و دست‌های او بگذارد تا خود او در صورت امکان کف دو دست را بر پیشانی و بر پشت دست‌ها بکشد.
۲. اگر روش اول ممکن نباشد، باید نایب، او را با دست خود او (منوب عنه) تیمم دهد.
۳. اگر روش دوم نیز ممکن نباشد چنانچه خود فرد بتواند پیشانی یا پشت دست‌هایش را بر خاک بکشد واجب است همین‌گونه تیمم نماید و در این صورت نوبت به نایب گرفتن نمی‌رسد.
۴. اگر روش سوم هم ممکن نباشد باید نایب، دست خود را به چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌های او (منوب عنه) بکشد و در صورت دوم و چهارم، بنا بر احتیاط لازم هر دو نیت تیمم نمایند ولی در صورت اول و سوم، نیت خود مکلف کافی است.<sup>۲</sup>

\* فردی که می‌خواهد تیمم نماید هر کدام از کارهای تیمم را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن از دیگری کمک بگیرد به عنوان مثال:

الف. کسی که دست راست او شکسته و به هیچ صورت نمی‌تواند آن را به هیچ صورت حرکت دهد، مسح پیشانی را با کمک دست چپ انجام می‌دهد سپس با دست چپ پشت دست راست را مسح می‌کند و بعد از آن پشت دست چپش را بر خاک می‌کشد و در این صورت نوبت به اینکه نایب بگیرد و نایب مسح را انجام دهد نمی‌رسد.

ب. کسی که دست چپ او شکسته و به هیچ صورت نمی‌تواند آن را حرکت دهد، مسح پیشانی را با کمک دست راست انجام می‌دهد سپس پشت دست راستش را بر خاک می‌کشد و بعد از آن با دست راست پشت دست چپش را مسح می‌کند و در این صورت نوبت به نایب گرفتن نمی‌رسد.

ج. کسی که هر دو دست او شکسته و به هیچ صورت نمی‌تواند آنها را حرکت دهد ولی می‌تواند پیشانی خویش را بر خاک بکشد، همین کار را انجام می‌دهد و نوبت به نایب گرفتن برای مسح پیشانی نمی‌رسد سپس چون دست‌ها را به هیچ صورت نمی‌تواند حرکت داده و جا به جا کند، نایب پشت دست‌های او را تیمم می‌دهد به این‌گونه که نایب به نیت تیمم دادن منوب عنه دو دست خود را بر خاک زده، سپس پشت دو دست منوب عنه را مسح نماید و بنا بر احتیاط واجب مسح پشت دست راست را بر مسح پشت دست چپ مقدم نماید؛ همچنین بنا بر احتیاط واجب مسح را از بالا به پایین، از مچ دست به طرف سر انگشتان انجام دهد.

شایان ذکر است در مورد (ج) بنا بر احتیاط واجب در صورت امکان فرد باید پیشانی و دو طرف آن را به مقداری که مسح آن لازم است، در یک دفعه بر خاک بکشد هر چند به اینکه خاک را فرو رفته و گود

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۴

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۵



کرده سپس پیشانی و دو طرف آن را بر روی خاک گود شده قرار داده و آنها را بر خاک بکشد به گونه‌ای که پیشانی و دو طرف آن از محلّ رویدن مو به طرف ابروها، از بالا به طرف پایین بر خاک کشیده شود؛ همچنین احتیاط واجب آن است که در صورت امکان نایب مسح پشت دست راست منوب عنه را، با کمک دست چپ خویش (نایب) انجام دهد و همچنین مسح پشت دست چپ منوب عنه را با کمک دست راست خویش (نایب) انجام دهد.<sup>۱</sup>

### نایب گرفتن

\* اگر وظیفه او تیمم است و نمی‌تواند به تنهایی تیمم کند، باید از دیگری کمک بگیرد تا دست‌های او را بر چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند، و سپس آنها را بر پیشانی و دست‌های او بگذارد تا خود او در صورت امکان کف دو دست را بر پیشانی و بر پشت دست‌ها بکشد. و اگر این ممکن نبود باید نایب او را با دست خود او تیمم دهد. و اگر ممکن نباشد باید نایب، دست خود را به چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌های او بکشد، و در این دو صورت - بنا بر احتیاط لازم - باید هر دو نیت تیمم را نمایند، ولی در صورت اول نیت خود مکلف کافی است.<sup>۲</sup>

### چیزهایی صحیح برای تیمم

\* تیمم با خاک و ریگ، و کلوخ و سنگ صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر خاک ممکن باشد، با چیز دیگر تیمم نکند، و اگر خاک نباشد، با ماسه بسیار نرمی که خاک بر آن صدق کند. و اگر ممکن نباشد، با کلوخ، و اگر ممکن نباشد با ریگ، و چنانچه ریگ و کلوخ هم نباشد، با سنگ تیمم نماید.<sup>۳</sup>

\* تیمم با سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است، و همچنین تیمم با گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینها جمع می‌شود چنانچه به قدری باشد که در نظر عرف خاک نرم محسوب شود، صحیح است، اگرچه احتیاط مستحب آن است که در حال اختیار با آن تیمم ننمایند. و همچنین - بنا بر احتیاط مستحب - در حال اختیار با گچ و آهک پخته و آجر پخته و با سنگ معدن مثل سنگ عقیق تیمم ننمایند.<sup>۴</sup>

\* اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید با گل تیمم کند، و اگر گل هم پیدا نشد، باید بر روی فرش یا لباس و مانند اینها که گرد و غبار در لای آنها می‌باشد، یا آنکه بر روی آنها نشسته ولی به

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۰۰.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۷۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۷۴.

مقداری نیست که از نظر عرف خاک محسوب شود، تیمم کند. و اگر هیچ یک از اینها پیدا نشود، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند، ولی واجب است بعداً قضای آن را بجا آورد.<sup>۱</sup>

### مبطلات

\* چه چیزهایی تیمم را باطل می‌کند؟

- چیزهایی که وضو را باطل می‌کند تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌نماید و چیزهایی که غسل را باطل می‌کند تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.<sup>۲</sup>

### تیمم جبیره‌ای

\* اگر وظیفه مکلف تیمم است و در اعضای تیمم وی هم جبیره وجود دارد مثل اینکه در پیشانی یا پشت دست‌هایش زخم یا دمل یا شکستگی وجود دارد، باید به همان دستور وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره‌ای نماید.<sup>۳</sup>

### تیمم بدل از وضو یا غسل

\* در تیمم بدل از وضو یا غسل، سه چیز واجب است:

اول: زدن یا گذاشتن کف دو دست بر چیزی که تیمم با آن صحیح است، - و بنا بر احتیاط لازم - این کار در دو کف باید با هم انجام گیرد.

دوم: کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی، و همچنین دو طرف پیشانی - بنا بر احتیاط واجب، - و احتیاط مستحب آن است که دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود.

سوم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست، و کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ. و احتیاط واجب آن است که ترتیب بین دست راست و دست چپ رعایت شود. و لازم است تیمم با نیت و به قصد قربت انجام دهد همان گونه که در وضو گذشت.<sup>۴</sup>

### جمع وضو و تیمم

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۷۵.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۷-۱۳۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۲۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۰۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۸۹.

\* دو دست یک جانباز بر اثر انفجار از مچ قطع شده، و باقیمانده دست‌ها دائماً دچار حساسیت پوستی می‌شود، تا آنجا که مجبور است بسیاری از اوقات دست‌ها را به وسیله پماد یا کرم چرب نماید. و مصلحت نیست که برای وضو چربی را پاک کند. تکلیف ایشان برای ادای فریضه وضو چیست؟  
- اگر فقط چربی باشد مانع نیست ولی اگر عینی باشد که مانع رسیدن آب است و ازاله آن موجب حرج مشقت است باید احتیاطاً هم تیمم کند هم وضو بگیرد.<sup>۱</sup>

### دیگر احکام

\* اگر در پیشانی یا پشت دست‌ها مانعی باشد مثل اینکه آن محل زخم بوده و جبیره داشته باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و اگر جبیره یا مانع، در باطن کف دست باشد و نتواند آن را برطرف کند، در صورتی که تمام باطن کف را فرا نگرفته باشد مسح را با باقیمانده کف که مانعی ندارد و سالم است انجام دهد و چنانچه تمام باطن کف را فرا گرفته باشد مسح با آن کافی است.<sup>۲</sup>

\* کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل، تیمم نماید و کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو، تیمم نماید.<sup>۳</sup>

\* کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر برای کاری تیمم کند، تا تیمم و عذر او باقی است، می‌تواند کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام شود، به جا آورد همچنین کسی که عذرش تنگی وقت بوده است و برای نماز تیمم نموده است در حال نماز حکم فرد طاهر را دارد بنابراین می‌تواند در همان حال قرآن را مس نماید ولی این تیمم، برای کارهایی که بعد از نماز پیش آمده‌اند و نیاز به وضو یا غسل دارند - مثل آنکه بعد از نماز بخواهد قرآن را مس کند - کافی نیست و اگر فرد با داشتن آب برای نماز میّت یا خوابیدن، تیمم کرده، فقط کاری را که برای آن تیمم نموده می‌تواند انجام دهد.<sup>۴</sup>

\* احتیاط مستحب آن است که تیمم را چه بدل از وضو باشد چه بدل از غسل، به این ترتیب بجا آورد: یک مرتبه دست‌ها را به زمین بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکشد، و یک مرتبه دیگر به زمین بزند و پشت دست‌ها را مسح نماید.<sup>۵</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۶۴.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۶۹.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۷۰.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۹۰.

\* اگر کسی یک دست دارد و می‌خواهد تیمم کند با یک دست چگونه به پیشانی بکشد، عرضی یا طولی، چون با یک دست تمام پیشانی را نمی‌توان دست کشید و برای به پشت دست کشیدن چه باید بکند؟

- عرضی بکشد و دوبار و پشت دست را بر زمین بکشد ولی اگر دست دیگر از میچ قطع است بالاتر از آن را به جای کف دست قرار دهد.<sup>۱</sup>

\* کسانی که از گردن به پایین قطع نخاع هستند و قدرت انجام وضو و تیمم و گرفتن نایب را ندارند، تکالیفشان برای نماز چیست؟  
- نماز ساقط است و به احتیاط واجب در وقت تمکن قضا کنند.<sup>۲</sup>

\* کسی که وظیفه‌اش تیمم است آیا می‌تواند در اول وقت نماز، با تیمم نماز بخواند؟  
- اگر بداند تا آخر وقت عذر او باقی می‌ماند یا از برطرف شدن آن مأیوس باشد، در وسعت وقت می‌تواند با تیمم نماز بخواند.<sup>۳</sup>

\* کسی که وظیفه‌اش تیمم است اگر بداند که تا آخر وقت عذرش برطرف می‌شود در این صورت آیا می‌تواند نمازش را در اول وقت با تیمم بخواند؟  
- اگر از برطرف شدن عذر تا آخر وقت مأیوس نباشد نمی‌تواند تا وقتی که مأیوس نشده تیمم کند و نماز بخواند مگر آنکه احتمال دهد که اگر زودتر با تیمم نماز نخواند نتواند تا آخر وقت حتی با تیمم نماز بخواند.<sup>۴</sup>

\* اگر پیشانی و پشت دست‌ها مو داشته باشد تیمم چه حکمی دارد؟  
- اشکال ندارد ولی اگر موی سر، روی پیشانی آمده باشد باید آن را عقب بزند.<sup>۵</sup>

\* کسی که مثلاً برای نماز ظهرش (به خاطر عذر) تیمم کرده آیا می‌تواند برای نمازهای بعدی هم با همان تیمم نماز بخواند یا باید وضو بگیرد؟  
- تا زمانی که عذر باقی است و تیمم باطل نشده می‌تواند با همان تیمم نمازهای دیگر را بخواند.<sup>۱</sup>

۱. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۲. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۴-۱۳۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۱۵؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۷۰۴.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۱۵؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۷۰۴.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۰۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۶۹۸.

\* کسی که چند غسل بر او واجب است و نمی‌تواند غسل کند چه وظیفه‌ای دارد؟  
- جایز است یک تیمم بدل از آنها بنماید و احتیاط مستحب آن است که بدل هر یک از آنها یک تیمم نماید.<sup>۲</sup>

\* کسانی که از گردن به پایین قطع نخاع هستند و قدرت انجام وضو و تیمم و گرفتن نایب را ندارند، تکالیفشان برای نماز چیست؟  
- نماز ساقط است و به احتیاط واجب در وقت تمکن قضا کنند.<sup>۳</sup>

\* اگر یک دست قطع گردیده و به خاطر حساسیت مقداری از دست خود را باندپیچی کرده است باید چگونه وضو بگیرد؟  
- باید تیمم کند.<sup>۴</sup>

\* یکی از شرایط وضو پاک بودن محل وضو است حال اگر فرد قطع نخاع از گردن امکان نشستن و تطهیر آن را نداشته باشد وظیفه‌اش در گرفتن وضو چیست؟ و این در صورتی است که نایب هم در دسترس نیست؟  
- وظیفه تیمم است.<sup>۵</sup>

\* افراد قطع نخاع که انگشتان پایشان جمع شده و امکان ندارد که مسح پاها از نوک انگشتان بکشند تکلیف چیست؟  
- اگر فرض شود که مسح از سر انگشت بدون حرج و ضرر حتی با کمک دیگران میسر نیست باید تیمم کنند.<sup>۶</sup>

\* افراد قطع نخاع که خودشان می‌توانند وضو بگیرند ولی برای درآوردن کفش یا جوراب از پا مشقت دارند و از دیگران هم نمی‌توانند کمک بگیرند می‌توانند از روی کفش یا جوراب مسح بکشند؟  
- مجزی نیست و باید تیمم کنند.<sup>۷</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۱۴.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۲۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۱۰.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۵ ص ۲۲۱.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* افراد قطع نخاع که دائم الوضو هستند آیا می‌توانند به جای وضو گرفتن از تیمم استفاده کنند؟ در این صورت آیا ثواب وضوی مستحبی را دارند و با این تیمم می‌توان نماز خواند؟  
- به احتیاط واجب تیمم به جای وضو در این صورت صحیح نیست ولی به قصد رجا اشکال ندارد اما نماز با آن محل اشکال است.<sup>۱</sup>

\* معلولی به خاطر فلج شدن هر دو پا، به مساعدت کفش طَبّی و عصا راه می‌رود. از آن جا که بیرون آوردن کفش طبی در موقع وضو به هیچ وجه امکان ندارد، تکلیف شرعی او در ارتباط با مسح پاها چیست؟  
- باید تیمم کند و بهتر است وضو نیز بدون مسح پا انجام دهد.<sup>۲</sup>

\* فرد قطع نخاعی از گردن که همیشه نایب برای او وضو می‌گیرد. اگر نایب از منزل بیرون رود، و تا پایان وقت برنگردد، تکلیفش چیست؟ آیا وضو از او ساقط می‌شود؟  
- اگر نتواند بدون نایب تیمم کند نماز از او ساقط است و به احتیاط واجب قضا کند.<sup>۳</sup>

\* فرد قطع نخاعی که اگر در منزل بماند با وسایلی که دارد یا با کمک نایب می‌تواند به راحتی وضو بگیرد، اما مجبور است برای کار یا تحصیل از خانه خارج شده، و به هنگام نماز نمی‌تواند در خارج از منزل وضو بگیرد، یا وضویی که می‌گیرد ناقص است. آیا لازم است دائم در خانه بماند، و کار و تحصیل را رها سازد؟  
- لازم نیست و اگر نتوانست با کمک کسی وضو بگیرد و وقت تنگ بود تیمم کند.<sup>۴</sup>

## زمین

\* زمین با پنج شرط کف پا و ته کفش را پاک می‌کند:  
اول: آنکه زمین پاک باشد.  
دوم: آنکه زمین خشک باشد ولی وجود تری و رطوبتی که سرایت کننده نیست، در زمین اشکال ندارد.

سوم: آنکه بنا بر احتیاط لازم، نجاست از ناحیه زمین نجس به ته کفش یا کف پا سرایت کرده باشد.  
چهارم: آنکه اگر عین نجس مانند خون و ادرار، یا متنجس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود و چنانچه قبلاً عین نجاست برطرف شده

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

باشد - مثل ته کفشی که آلوده به ادرار شده و قبل از تماس با زمین، خشک شده - بنا بر احتیاط لازم با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین، پاک نمی‌شود. پنجم: زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و مانند اینها باشد بنابراین با راه رفتن روی فرش، حصیر و سبزه و مانند اینها، کف پا و ته کفش نجس، پاک نمی‌شود.<sup>۱</sup>

\* بنا بر احتیاط واجب کف پا و ته کفش نجس، با راه رفتن روی آسفالت و روی زمینی که با چوب فرش شده و همین‌طور با مالیدن و کشیدن به دیوار پاک نمی‌شود.<sup>۲</sup>

\* اگر بعد از راه رفتن، بویا رنگ یا ذره‌های کوچکی از نجاست که دیده نمی‌شود، در کف پا یا ته کفش بماند اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که به قدری راه برود که آنها هم برطرف شود.<sup>۳</sup>

\* پاک شدن کف پا و ته کفش نجس، به واسطه راه رفتن روی آسفالت و روی زمین که با چوب فرش شده محل اشکال است.<sup>۴</sup>

\* برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است مقدار پانزده ذراع (از آرنج تا سر نوک انگشت وسط دست را ذراع گویند، که گفته شده است در انسان‌های متوسط‌القامه چیزی برابر ۴۶ سانتیمتر می‌باشد) دست یا بیشتر راه بروند، اگر چه به کمتر از پانزده ذراع یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.<sup>۵</sup>

\* برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است مقدار پانزده ذراع<sup>۶</sup> یا بیشتر راه بروند، هر چند به کمتر از پانزده ذراع یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.<sup>۷</sup>

\* لازم نیست کف پا و ته کفش تر باشد، بلکه اگر خشک هم باشد به راه رفتن پاک می‌شود.<sup>۸</sup>

\* بعد از آنکه کف پا یا ته کفش نجس به راه رفتن پاک شد، مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می‌شود پاک می‌گردد.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۷۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۷۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۷۹.

۶. پانزده ذراع حدوداً برابر با هفت متر است.

۷. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۲.

۸. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۸۰؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۳.

\* کسی که با دست و زانو راه می‌رود، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود، بنا بر احتیاط واجب با راه رفتن پاک نمی‌شود و همچنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهار پایان و چرخ موتور، ماشین و مانند اینها.<sup>۲</sup>

\* اگر بعد از راه رفتن، بو یا رنگ یا دزه‌های کوچکی از نجاست که دیده نمی‌شوند، در کف پا یا ته کفش بمانند اشکال ندارد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که به قدری راه بروند که آنها هم برطرف شوند.<sup>۳</sup>

\* توی کفش به واسطه راه رفتن پاک نمی‌شود. و پاک شدن کف جوراب به واسطه راه رفتن محل اشکال است، مگر اینکه کف آن از چرم یا مانند آن باشد و راه رفتن با آن نیز متعارف باشد.<sup>۴</sup>

\* اگر ته عصا، پای مصنوعی و لاستیک چرخ ویلچر نجس باشند، آیا به وسیله زمین پاک می‌شوند؟ - به احتیاط واجب پاک نمی‌شود.<sup>۵</sup>

### برطرف شدن عین نجاست

\* اگر شیء پاک با شیء نجسی در باطن بدن برخورد کند، حکم نجس شدن یا نجس نشدن شیء پاک به این صورت است:

۱. اگر برخورد در باطن محض مثل معده یا روده باشد نجاست از شیء نجس به شیء پاک منتقل نمی‌شود و فرقی نمی‌کند که:

الف. شیء پاک و نجس هر دو از داخل بدن باشند مثل برخورد «ودی»<sup>۶</sup> که در باطن با ادرار برخورد کرده باشد.

ب. و یا هر دو از بیرون بدن باشند مثل هسته خرما یا بلعیده شده که با آب نجس آشامیده شده در باطن برخورد کرده باشد.

ج. و یا آنکه یکی از داخل و دیگری از بیرون باشد، مثل آمپولی که در رگ، با خون برخورد کرده یا اسباب آماله یا آب آن که در مخرج مدفوع، با مدفوع برخورد کرده باشد. پس در تمام این موارد، شیء

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۸۱؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۴.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۵؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۸۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۸۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۸۴.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۲-۵۳؛ مسائل جدید، ج ۵، ص ۸۵-۸۶.

۶. ودی یکی از ترشحات پاک بدن است که گاهی بعد از ادرار خارج می‌شود.



پاک، که با شیء نجس در باطن برخورد کرده، در صورتی که موقع بیرون آمدن آلوده به نجاست نباشد، پاک می‌باشد.

۲. اگر برخورد در باطن غیر محض مثل داخل دهان یا بینی باشد در صورتی که:

الف. هر دو از داخل بدن باشند مثل آب دهان یا بینی که با خونی از باطن بدن، برخورد کرده است، ب. و یا این که شیء پاک از بیرون و نجاست از داخل باشد، مثل دندان عاریه‌ای که در دهان با خونی که از بین دندان‌های دیگر آمده برخورد کند و یا مثل انگشتی که در دهان با خون مربوط به لثه برخورد کرده یا مثل غذای بین دندان‌ها که با خون مربوط به بین لثه‌ها برخورد کند:

در این دو صورت (الف و ب) نجاست از شیء نجس به شیء پاک سرایت نمی‌کند، البته به شرطی که موقع بیرون آمدن، شیء پاک آلوده با آن نجاست - مثلاً خون - نباشد.

ج. شیء پاک و نجس هر دو از بیرون باشند و در داخل بدن با هم برخورد کنند، مثل دندان عاریه‌ای که در دهان با غذایی که با نجاستی از بیرون نجس شده برخورد کرده، در این صورت نجاست از شیء نجس به شیء پاک سرایت کرده و آن را نجس می‌گرداند.<sup>۱</sup>

### غایب شدن مسلمان

\* اگر بدن یا لباس یا شیء دیگری مانند ظرف و فرش که در اختیار مسلمان بالغ - یا نابالغ ممیزی که طهارت و نجاست را تشخیص می‌دهد - است، نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، مثلاً بدنش نجس شده و از خانه بیرون رفته باشد، چنانچه انسان احتمال معقول دهد که او آن شیء را آب کشیده باشد، آن شیء پاک محسوب می‌شود؛ بنابراین اگر انسان بعداً با آن مسلمان یا چیزهایی که او با تری سرایت کننده بعد از غایب شدن با آن‌ها برخورد کرده است، سر و کار داشته باشد، وی و آن اشیاء پاک به حساب می‌آیند؛ بلکه این حکم در مورد بچه نابالغی که ممیز نیست هم جاری می‌شود زیرا رسیدگی به امور این طفل مربوط به متولی امر اوست. و در حکم غایب شدن تاریکی و کوری است. بنابراین اگر بدن یا لباس مسلمان، نجس شود و فرد تطهیر آن را به جهت کوری یا تاریکی نبیند، چنانچه احتمال عقلایی دهد که او آن چیز را آب کشیده است حکم به پاک‌ی آن شیء می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۳۹.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۲.



# احکام نجاست

\* نجاسات ده چیز است:

- اول: بول.
- دوم: غائط.
- سوم: منی.
- چهارم: مردار.
- پنجم: خون.
- ششم و هفتم: سگ و خوک.
- هشتم: کافر.
- نهم: شراب.
- دهم: عرق حیوان نجاست خوار.<sup>۱</sup>

## راه اثبات و تشخیص

\* نجاست هر چیزی از سه راه ثابت می شود:

اول: آنکه خود انسان یقین یا از راه عقلانی به آن اطمینان پیدا کند که آن چیز نجس است، و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است، لازم نیست از آن اجتناب نماید. بنابراین غذا خوردن در قهوه خانه ها و میهمان خانه هایی که مردمان لایالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی کنند در آنجا غذا می خورند، اگر انسان اطمینان نداشته باشد غذایی را که برای او آورده اند نجس است، اشکال ندارد.

دوم: آنکه کسی که چیزی در اختیار اوست بگوید آن چیز نجس است و متهم نباشد - مثلاً همسر یا نوکر یا کلفت انسان نسبت به ظرف یا چیز دیگری که در اختیار اوست بگوید - نجس می باشد. سوم: آنکه دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است، به شرط آنکه از سبب نجاست خبر دهند، مثلاً بگویند آن چیز با خون یا بول ملاقات کرده است. و اگر یک مرد عادل یا شخصی که مورد وثوق است خبر دهد و اطمینان از گفته او پیدا نشود احتیاط واجب آن است که از آن چیز اجتناب شود.<sup>۲</sup>

\* اگر به واسطه ندانستن مسأله، نجس بودن و پاک بودن چیزی را نداند، مثلاً نداند فضله موش پاک است یا نه، باید مسأله را بپرسد. ولی اگر با اینکه مسأله را می داند، در چیزی شک کند که پاک است یا

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۵.

نه، مثلاً شک کند آن چیز خون است یا نه، یا نداند که خون پشه است یا خون انسان، پاک می‌باشد، و واریسی کردن یا پرسیدن لازم نیست.<sup>۱</sup>

\* چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه، نجس است. و چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه، پاک است. و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد، لازم نیست واریسی کند.<sup>۲</sup>

\* اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هر دوی آنها استفاده می‌کند نجس شده و نداند کدام است، باید از هر دو اجتناب کند. ولی اگر مثلاً نمی‌داند لباس خودش نجس شده یا لباسی که از تصرف او خارج بوده و مال دیگری می‌باشد، لازم نیست از لباس خودش اجتناب نماید.<sup>۳</sup>

\* من معلولی هستم که هر دو سه ماه یکبار حمام می‌کنم. باتوجه به شرایطم آیا با این وجود نماز قبول است، همچنین دستشویی را چیکار کنم؟  
- نماز خواندن با بدن نجس در مفروض سؤال اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* بچه ممیزی که خوب و بد را می‌فهمد اگر بگوید چیزی را آب کشیدم آیا می‌توان پذیرفت؟  
- بچه‌ای که ممیز است و پاک‌ی و نجسی را به خوبی درک می‌کند اگر بگوید چیزی را آب کشیدم، در صورتی که آن چیز در تصرف او باشد یا گفته‌اش مورد اطمینان باشد قبول می‌شود، و همچنین اگر بگوید چیزی نجس است.<sup>۵</sup>

\* نابینایان به دلیل ندیدن، در بسیار مواقع، قدرت تشخیص نجاسات را ندارند، مثلاً دستشویی که می‌روند نمی‌دانند شیرآلات یا دمپایی و غیره پاک است یا نجس، تکلیف آن‌ها چیست؟  
- تا یقین به نجاست نباشد همه چیز محکوم به طهارت است.<sup>۶</sup>

\* داروهای خارجی مایع و مواد غذایی و غیر غذایی که از خارج کشور (کشورهای غیراسلامی) می‌آورند اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد چه حکمی دارد؟  
- پاک است.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۸.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۵-۴۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۴۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۴۱.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۹۱.

\* الكل صنعتی و طبی پاک است یا نجس؟

- الكل چه صنعتی، چه طبی به تمام اقسامش پاک است.<sup>۱</sup>

\* پوست‌های مختصر لب و جاهای دیگر که موقع افتادنشان رسیده، اگر آن‌ها را بکنند پاک است یا نجس؟

- اگر پوست‌های مختصر لب و جاهای دیگر بدن را بکنند، چنانچه روح نداشته باشد و به آسانی کنده شود، پاک است.<sup>۲</sup>

### بول و غائط

\* بول و غائط انسان و هر حیوان حرام‌گوشتی که خون جهنده دارد یعنی اگر رگ آن را ببرند، خون از آن جستن می‌کند، نجس است. و غائط حیوان حرام‌گوشتی که خون آن جستن نمی‌کند مثل ماهی حرام‌گوشت، و همچنین فضله حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارند پاک است، ولی از بول حیوان حرام‌گوشت که خون جهنده ندارد باید - بنا بر احتیاط لازم - اجتناب کرد.<sup>۳</sup>

\* بول و فضله پرندگان حرام‌گوشت پاک، و بهتر اجتناب از آنهاست.<sup>۴</sup>

\* بول و غائط حیوان نجاست‌خوار نجس است، و همچنین است بول و غائط بچه بزی که شیر خوک خورده - به تفصیلی که در احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها خواهد آمد - یا حیوانی که انسان با آن نزدیکی نموده است.<sup>۵</sup>

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۱۲؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۹.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۱؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۸۸.

۳. توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۸۱.

۴. توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۸۲.

۵. توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۸۳.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۱</sup>

\* اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می‌ریزد یا نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه یقین دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می‌کند بخواند، و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد، فقط کارهای واجب نماز را بجا آورد و کارهای مستحب مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.<sup>۲</sup>

\* کسی که بول یا غائط طوری پی‌درپی از او خارج می‌شود که به مقدار وضو و قسمتی از نماز مهلت پیدا نمی‌کند، یک وضو برای چندین نمازش کافی است، مگر اینکه چیز دیگری که وضو را باطل می‌کند، مانند خواب از او سر بزند، و یا بول و غائط به طور طبیعی از او خارج شود، و بهتر آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد، ولی برای سجده و تشهد قضا شده و نماز احتیاط وضوی دیگری لازم نیست.<sup>۳</sup>

\* کسی که بول یا غائط پی‌درپی از او خارج می‌شود، لازم نیست بعد از وضو فوراً نماز بخواند، اگرچه بهتر این است که به نماز مبادرت نماید.<sup>۴</sup>

\* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول یا غائط خودداری کند، در صورتی که ممکن باشد به مقدار نماز از خارج شدن بول یا غائط جلوگیری نماید، و بهتر آن است که جلوگیری نماید، اگرچه خرج داشته باشد. بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، بهتر آن است که خود را معالجه نماید.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاعی که ادرار و مدفوع بی اختیار از او خارج می‌شود، و بسیاری از اوقات بدنش نجس است. آیا می‌تواند قرآن همراه خودش داشته باشد، یا حمل قرآن برای او مجاز نیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۶.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۸.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۹.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۲.

\* افراد قطع نخاع که قدرت حفظ و کنترل وضو ندارند و متوجه باطل نشدن وضو نمی‌شوند آیا برای هر نماز باید وضوی جداگانه بگیرند و یا مثلاً برای نماز ظهر و عصر یک وضو کفایت می‌کند؟  
- تا یقین به بطلان ندارند تجدید وضو لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* معلولین و افرادی که قطع نخاع شده‌اند و قدرت بر نگهداری بول را ندارند آیا برای ایشان جایز است شرکت در نماز جمعه و استماع خطبه و ادای نماز جمعه و عصر یا وضوی کسی که نمی‌تواند بولش را نگهدارد؟  
- جایز است.<sup>۳</sup>

\* کسی که بول یا غائط پی‌درپی از او خارج می‌شود، اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، آیا می‌تواند چند نماز را با یک وضو بخواند؟  
- می‌تواند.<sup>۴</sup>

\* کسی که بول او پی‌در پی خارج می‌شود، اگر در وسط نماز اول بول خارج شود، ولی بین دو نماز بولی خارج نشود، آیا می‌تواند با یک وضو هر دو نماز را بخواند؟  
- با شرطی که گفته شد اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* کسانی که قطع نخاع شده، و قدرت بر نگهداری بول ندارند، می‌توانند با یک وضو در نماز جمعه شرکت کرده، و به استماع خطبه و ادای نماز جمعه و عصر بپردازند؟  
- می‌توانند.<sup>۶</sup>

\* فردی که قطع نخاع است، بدین جهت بول و غائط بی‌اختیار از او خارج می‌شود. آیا برای هر نماز باید وضو بگیرد؟ برای سجده سهو و نماز احتیاط چطور؟  
- اگر فرصتی در طول مدت وقت ادا دارد که بول یا غائط خارج نمی‌شود نماز را در آن وقت بخواند و اگر چنین فرصتی نیست با یک وضو هر مقدار بخواهد می‌تواند نماز بخواند و وضوی او فقط با موجبی دیگر مانند خواب باطل می‌شود.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاعی که بول و غائط بی اختیار از او خارج می شود. و هنگامی که وضو می گیرد باید سریعاً نماز بخواند تا وضویش باطل نشود، اگر احتمال بدهد که با طولانی شدن نماز وضویش باطل می شود، آیا جایز است مستحبات نماز، مانند اذان و اقامه را بجا آورد؟  
- جایز نیست.<sup>۱</sup>

\* آیا کسانی که قطع نخاع هستند، و قادر بر جلوگیری از خروج بول نمی باشند، جایز است که بین وضو و نمازشان فاصله بیندازند، تا بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند؟  
- اگر در تمام وقت نماز فرصتی نداشته باشند که تمام نماز را بدون خروج بول بخوانند تأخیر جایز است.<sup>۲</sup>

\* فضله پرندگان حرام گوشت، نجس است یا پاک؟  
- پاک و بهتر اجتناب از آنها است.<sup>۳</sup>

\* افراد قطع نخاع که روی تختخواب قضای حاجت را در کیسه و ظرف مخصوص انجام می دهند تختخواب برای آنها حکم مکان تخلی را دارد و بردن قرآن و نام خداوند در آن حرام است؟  
- حرام نیست.<sup>۴</sup>

## خون

\* خونی که از انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد - یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می کند - بیرون بیاید نجس است، پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد پاک می باشد.<sup>۵</sup>

\* اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار لازم بیرون آید، خونی که در بدنش می ماند پاک است. ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلند بوده خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۴۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۸۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۲

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۳.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴.



- \* احتیاط مستحب آن است که از زرده تخم مرغی که ذره‌ای خون در آن می‌باشد اجتناب شود.<sup>۱</sup>
- \* خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می‌شود نجس است، و شیر را نجس می‌کند.<sup>۲</sup>
- \* اگر خونی که از لای دندان‌ها می‌آید به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، اجتناب از آب دهان لازم نیست.<sup>۳</sup>
- \* خونی که به واسطه کوبیده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند پاک، و اگر به آن خون بگویند و ظاهر گردد نجس است. پس چنانچه ناخن یا پوست سوراخ شود به طوری که خون جزء ظاهر بدن حساب شود، اگر بیرون آوردن خون و تطهیر محل جهت وضو یا غسل مشقت زیاد دارد باید تیمم نماید.<sup>۴</sup>
- \* اگر انسان نداند که خون زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت در آمده، پاک است.<sup>۵</sup>
- \* اگر موقع جوشیدن غذا ذره‌ای خون در آن بیفتد، تمام غذا و ظرف آن - بنا بر احتیاط لازم - نجس می‌شود، و جوشیدن، و حرارت، و آتش، پاک‌کننده نیست.<sup>۶</sup>
- \* زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود چنانچه معلوم نباشد که با خون مخلوط است یا نه، پاک می‌باشد.<sup>۷</sup>
- \* پوست سرخ رنگی که بعد از شستن زخم یا هنگام بهبودی روی زخم پیدا می‌شود چنانچه معلوم نباشد که خون در آن است یا نه، پاک می‌باشد.<sup>۸</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۰.

۷. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱.

۸. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۸.

\* اگر بعد از آمپول زدن کمی خون بیاید و به وسیله پنبه خشک پاک شود ولی آب کشیدن آن جا را فراموش کند نماز با این حالت چه حکمی دارد؟  
- صحیح است.<sup>۱</sup>

\* آیا محل خون که کاملاً پاک شده و هیچ علامت و رنگ خون باقی نمانده، پاک است؟  
- نجس است.<sup>۲</sup>

\* بیماران پوستی که پوست دست یا پای آنها می‌ریزد آیا خود پوست جدا شده نجس است؟ موضعی که پوست از آنجا جدا شده چه حکمی دارد؟  
- پاک است.<sup>۳</sup>

\* فرو بردن خونی که از لای دندان‌ها آمده و به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین رفته، چه حکمی دارد؟  
- اجتناب از آب دهان لازم نیست.<sup>۴</sup>

\* خونی که به واسطه کوبیده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد چه حکمی دارد؟  
- اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند، پاک است و اگر به آن خون بگویند نجس است.<sup>۵</sup>

\* اگر انسان نداند که خون، زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت درآمده، پاک است یا نجس؟  
- پاک است.<sup>۶</sup>

\* زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود پاک است یا نجس؟  
- اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است پاک می‌باشد.<sup>۷</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۰؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۹۷.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۱؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۹۸.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۲؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۹۹.

۷. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۴؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱.

\* اخلاط بینی با گلو اگر همراه با خون باشد، چه حکمی دارد؟  
- اخلاط غلیظی که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد، جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است.<sup>۱</sup>

\* خوردن و آشامیدن عین نجس مانند شراب، خون و... چه حکمی دارد؟  
- حرام است.<sup>۲</sup>

\* اگر در جای وضو زخمی باشد که خون بند نمی‌آید ولی آب برای آن ضرر ندارد، برای وضو چه باید کرد؟  
- باید بعد از شستن اجزاء صحیحه آن عضو با رعایت ترتیب، موضع زخم یا بریدگی را در آب کر یا جاری فرو برد، و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، و انگشت خود را روی زخم یا بریدگی در زیر آب از بالا به پایین بکشد تا آب بر آن جاری شود و سپس مواضع پائین‌تر از آن را بشوید وضو صحیح است.<sup>۳</sup>

## سگ و خوک

\* سگ و خوک نجس‌اند، حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت‌های آنها.<sup>۴</sup>

## شراب

\* شراب نجس است، و غیر آن از چیزهایی که انسان را مست می‌کند نجس نیست.<sup>۵</sup>

\* الکل - چه صنعتی چه طبی - به تمام اقسامش پاک است.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۴-۴۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۳۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۲۶.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۴۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۵.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۷۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۸.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۸.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۹.

\* اگر آب انگور به خودی خود یا به واسطه پختن جوش بیاید پاک، ولی خوردن آن حرام است، و همچنین انگور جوشیده - بنا بر احتیاط واجب - حرام است ولی نجس نیست.<sup>۱</sup>

\* خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر چه جوش بیایند پاک، و خوردن آنها حلال است.<sup>۲</sup>

\* ففاح که غالباً از جو گرفته می‌شود و موجب درجه خفیفی از مستی است حرام است، و بنا بر احتیاط واجب نجس است. و اما آب جوی که موجب هیچ گونه مستی نیست پاک و حلال می‌باشد.<sup>۳</sup>

### خوردن و خوراندن نجس و متنجس

\* خوردن و آشامیدن چیز متنجس حرام است، و همچنین است خوراندن آن به دیگری، ولی خوراندن آن به طفل یا دیوانه، جایز است. و اگر خود طفل یا دیوانه غذای نجس را بخورد، یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد، لازم نیست از او جلوگیری کنند.<sup>۴</sup>

\* دادن نوشیدنی‌ها یا خوردنی‌هایی که نجس شده (متنجس) به اطفال، و افراد کم توان ذهنی چه حکمی دارد؟

- خوردن و آشامیدن چیز متنجس حرام است، و همچنین است خوراندن آن به دیگری، ولی خوراندن آن به طفل یا دیوانه، جایز است. و اگر خود طفل یا دیوانه غذای نجس را بخورد، یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد، لازم نیست از او جلوگیری کنند.<sup>۵</sup>

\* آیا خوردن و آشامیدن متنجس (نوشیدنی‌ها یا خوردنی‌هایی که نجس شده) جایز است؟  
- حرام است.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۵.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۵.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۴۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۱۳۵.

## احکام نماز

\* نماز بهترین اعمال دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود، و اگر پذیرفته نشود اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود. و همان‌طور که اگر انسان شبانه‌روزی پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند. و سزاوار است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند، و کسی که نماز را پست و سبک شمارد مانند کسی است که نماز نمی‌خواند، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک شمارد سزاوار عذاب آخرت است. روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند، مردی وارد و مشغول نماز شد، و رکوع و سجودش را خوب بجا نیاورد، حضرت فرمودند: اگر این مرد در حالی که نمازش این‌طور است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است. پس انسان باید مواظب باشد که به عجله و شتاب‌زدگی نماز نخواند، و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد، و متوجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید، و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز ببیند، و اگر انسان در موقع نماز کاملاً به این مطلب توجه کند، از خود بی‌خبر می‌شود، چنانکه در حال نماز تیر را از پای مبارک امیرالمؤمنین علی علیه السلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند. و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناهانی را که مانع قبول شدن نماز است، مانند حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات، ندادن خمس و زکات، و بلکه هر معصیتی را ترک کند. و همچنین سزاوار است کارهایی را که ثواب نماز را کم می‌کند بجا نیاورد، مثلاً در حال خواب‌آلودگی، و خودداری از بول به نماز نایستند، و در موقع نماز به آسمان نگاه نکنند، و کارهایی را که ثواب نماز را زیاد می‌کند بجا آورد، مثلاً انگشتر عقیق به دست کند، و لباس پاکیزه بپوشد، و شانه و مسواک کند، و خود را خوشبو نماید.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، ابتدای مبحث احکام نماز، ص ۱۳۷.

### مساجد و مشاهد مشرفه

\* اگر فرد نتواند مسجد را تطهیر نماید، تطهیر مسجد بر او واجب نیست ولی اگر باقی گذاشتن نجاست موجب هتک حرمت باشد، چنانچه بداند یا بنا بر احتیاط واجب احتمال معقول بدهد که اگر به دیگری اطلاع دهد این کار انجام می‌گیرد باید به او اطلاع دهد.<sup>۱</sup>

\* بردن عین نجس و متنجس به مسجد، اگر بی‌احترامی به مسجد باشد، حرام است بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی‌احترامی هم نباشد، عین نجس را به مسجد نبرند مگر آنچه که از توابع انسانی که وارد می‌شود، شمرده شود مانند خون زخم یا جراحی که در بدن یا لباس او است.<sup>۲</sup>

\* راه دادن دیوانه به مسجد مکروه است و همچنین است راه دادن بچه نابالغی که مراعات حرمت مسجد را نمی‌کند و موجب مزاحمت برای نمازگزاران می‌شود یا اینکه احتمال می‌رود مسجد را نجس کند و در غیر این حالات، راه دادن بچه به مسجد مانعی ندارد؛ بلکه گاهی، اولویت داشته و کار پسندیده‌ای است مثل موردی که آمدن بچه‌ها به مسجد باعث علاقه‌مندی آنان به نماز و مسجد می‌گردد و کسی که پیاز و سیر و مانند اینها خورده که بوی دهانش مردم را اذیت می‌کند، مکروه است به مسجد برود.<sup>۳</sup>

### مقدمات نماز

\* مقدمات نماز شش مورد است:

مقدمه اول: رعایت وقت

مقدمه دوم: رعایت قبله

مقدمه سوم: طهارت از حدّث

مقدمه چهارم: پاک بودن بدن و لباس نمازگزار

مقدمه پنجم: رعایت شرایط لباس نمازگزار

مقدمه ششم: رعایت شرایط مکان نمازگزار

بنابراین کسی که می‌خواهد نماز بخواند چنانچه هر کدام از این مقدمات را دارا نباشد باید آنها را قبل از خواندن نماز فراهم سازد.<sup>۴</sup>

### رعایت وقت

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۶۸.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۷۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۸۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۰۱.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۸۳.

\* اگر به علت مانع شخصی مانند نابینایی یا در زندان بودن نتواند در اول وقت نماز به فرا رسیدن وقت یقین کند، باید نماز را به تأخیر بیندازد تا یقین یا اطمینان کند که وقت فرا رسیده است و همچنین است بنا بر احتیاط لازم، اگر مانع از یقین به فرارسیدن وقت از موانع عمومی از قبیل ابر و غبار و مانند اینها باشد.<sup>۱</sup>

\* هر گاه انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اول وقت نماز بخواند، ناچار است آن را با تیمم به جا آورد، چنانچه مایوس از برطرف شدن آن عذر باشد یا احتمال دهد با تأخیر انداختن نماز، از تیمم هم ناتوان شود می‌تواند در اول وقت، تیمم کند و نماز بخواند، ولی اگر مایوس نباشد باید صبر کند تا عذرش برطرف شود یا مایوس شود و چنانچه عذر او برطرف نشد، در آخر وقت، نماز بخواند و لازم نیست به قدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد، بلکه برای مستحبات نماز نیز مانند اذان و اقامه و قنوت، اگر وقت دارد می‌تواند تیمم کند و نماز را با آن مستحبات به جا آورد و در عذرهای دیگر غیر از موارد تیمم، هر چند مایوس نباشد و احتمال دهد که عذر او تا انتهای وقت برطرف شود، جایز است اول وقت نماز بخواند ولی چنانچه در بین وقت، عذرش برطرف گردد در بعضی موارد لازم است نماز را دوباره بخواند.<sup>۲</sup>

### رعایت قبله

\* کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلو طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و تا وقتی که ممکن است به پهلو راست بخوابد، بنا بر احتیاط لازم، نباید به پهلو چپ بخوابد و اگر این دو ممکن نباشد، باید به پشت بخوابد طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.<sup>۳</sup>

\* کسی که می‌خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید تا یقین پیدا کند که قبله کدام طرف است یا چیزی که در حکم یقین است، برایش حاصل گردد مثل شهادت دو عادل که شهادتشان مستند به حس و آنچه در حکم آن است باشد و بر آن اساس جهت قبله را تشخیص دهد. همچنین اطمینان حاصل از منشأ عقلایی - مثل خبر دادن فرد مورد اعتماد - کافی است؛ بلکه گفتار فرد مورد اعتمادی که از اهل خبره در تعیین جهت قبله می‌باشد حجت است هر چند مفید گمان یا اطمینان نباشد و اگر از این راه‌ها نتواند جهت قبله را معین نماید باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان، یا قبرهای مؤمنین، یا از راه‌های عقلایی دیگر پیدا می‌شود عمل نماید، حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که با قواعد علمی قبله را می‌شناسد، گمان به قبله پیدا کند در این صورت کافی است.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۹۵: توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۳۰.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۰۳.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۲۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۲۲.

### پاکی بدن و لباس نمازگزار

\* اگر یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح است مثلاً یقین کند خون زخم و دمل است، چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، نمازش صحیح می‌باشد.<sup>۱</sup>

\* در پنج صورت، اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است که شرح موارد آن در مسائل بعد ذکر می‌شود:

۱. خون کمتر از درهم
۲. خون زخم و دمل
۳. لباس‌های کوچک نمازگزار
۴. محمول نجس (لباس یا شیء دیگر همراه)
۵. حالت اضطرار و ناچاری.<sup>۲</sup>

### خون کمتر از درهم

\* اگر بدن یا لباس نمازگزار به مقدار کمتر از درهم به خون آلوده باشد، فرد می‌تواند با شرایط زیر نماز بخواند:

- الف. بنا بر احتیاط واجب، درهم به اندازه بند سر انگشت شست حساب شود نه بیشتر.
  - ب. خالص باشد، بنابراین اگر خون کمتر از درهم باشد ولی با چرک یا زردابه یا آب و مانند آن مخلوط شده باشد، نماز با آن صحیح نیست.
  - ج. از خون‌های ممنوع مثل خون حیض نباشد (توضیح مطلب در مسائل بعد ذکر می‌شود).
- شایان ذکر است خون کمتر از درهم که شرایط سه‌گانه فوق را دارا می‌باشد، چنانچه عین آن برطرف شود، باز هم حکمش باقی است و نماز با آن صحیح می‌باشد. همچنین این نکته قابل توجه است که خون کمتر از درهم، نجس است و صحیح بودن نماز با آن به معنای پاک بودن آن نیست.<sup>۳</sup>

### خون زخم و دمل

\* اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم و جراحت یا دمل باشد، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده می‌تواند با شرایط زیر نماز بخواند هر چند آن خون بیشتر از درهم باشد:

الف. زخم و جراحت قابل توجه بوده و ثبات و استقرار داشته باشد و عرفاً از زخم‌های جزئی به حساب نیاید.

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۴۰.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۴۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۴۶.



ب. خون از زخم یا دمل و اطراف آن - که عرفاً تابع زخم یا دمل به حساب می‌آید - به جای دیگر سرایت نکرده باشد.

برخی از فقها رضوان الله تعالی علیهم این شرط را هم ذکر کرده‌اند که تطهیر بدن یا عوض کردن لباس آلوده به خون به گونه‌ای باشد که در نظر عرف سختی فوق‌العاده داشته باشد، اما این شرط، ثابت نیست و رعایت آن، لازم نمی‌باشد هر چند مطابق با احتیاط مستحب است و نیز لازم نیست چنین خونی، خالص باشد بلکه اگر با چرک یا زردابه یا عرق یا دوا و مرهمی که روی آن گذاشته‌اند یا مواد ضد عفونی کننده مخلوط شده، باز هم می‌توان با آن نماز خواند.<sup>۱</sup>

\* اگر از بواسیر یا زخمی که داخل دهان و بینی و مانند اینها است، خونی به بدن یا لباس برسد، با تحقق شرایط که در مسأله قبل ذکر شد، می‌تواند با آن نماز بخواند و فرقی نیست که دانه بواسیر بیرون باشد یا اندرون باشد.<sup>۲</sup>

\* اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است (جراحی‌های جزئی)، در بدن یا لباس نمازگزار باشد و به اندازه درهم یا بیشتر باشد، نماز او باطل است.<sup>۳</sup>

\* کسی که بدنش زخم است، اگر در بدن یا لباس خود خونی که به اندازه درهم یا بیشتر از درهم است ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.<sup>۴</sup>

\* اگر چند زخم در بدن باشد و طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده‌اند نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم حساب شود، هر کدام که خوب شد، فرد باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد مگر آنکه کمتر از درهم باشد و شرایط خون کمتر از درهم را نیز دارا باشد که آب کشیدن آن لازم نیست.<sup>۵</sup>

### حالت اضطرار و ناچاری

\* نماز خواندن با بدن یا لباس نجس در حال اضطرار اشکال ندارد. بنابراین اگر فرد نسبت به تطهیر بدن یا لباس یا تهیه لباس پاک، توانایی نداشته باشد، هر چند از این جهت که این کار بر او سختی فوق‌العاده دارد که قابل تحمّل نیست (حرج)، می‌تواند با همان حال نماز بخواند هر چند در وسعت وقت باشد البته نماز خواندن در این حال در وسعت وقت در غیر مورد تقیه، مشروط به آن است که فرد اطمینان نداشته باشد تا انتهای وقت نماز، می‌تواند بدن یا لباسش را تطهیر نموده یا می‌تواند لباس

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۵۶.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۵۹؛ این شرایط در مسأله ۹۵۶ جلد اول کتاب توضیح المسائل جامع آمده است.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۵۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۶۱.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۶۲.

پاک برای نماز تهیه نماید وگرنه باید صبر کند. شایان ذکر است اگر فرد در مواردی که شرعاً مجاز است با لباس یا بدن نجس نماز خواند، در اول وقت نماز بخواند سپس عذرش تا قبل از سپری شدن وقت برطرف شود، لازم نیست نمازی را که خوانده دوباره بخواند.<sup>۱</sup>

### رعایت شرایط لباس نمازگزار

\* لباس نمازگزار هفت شرط دارد که پنج شرط آن مشترک بین مردان و زنان است و دو شرط آن مخصوص مردان می‌باشد.<sup>۲</sup>

#### شرایط مشترک

۱. لباس یا پوشش، بدن را به مقدار واجب در نماز بپوشاند.
۲. پاک باشد.
۳. بنا بر احتیاط واجب، مباح باشد.
۴. از اجزای مردار نباشد.
۵. از حیوان درنده، بلکه بنا بر احتیاط واجب، از سایر حیوانات حرام گوشت نیز نباشد.<sup>۳</sup>

\* کاپشن چرمی و مانند آنکه چرمش از حیوان حلال گوشتی که خون جهنده دارد مثل گاو تهیه شده است، در صورتی که احتمال معقول داده شود مربوط به حیوانی است که ذبح شرعی شده، پاک می‌باشد و نماز خواندن با آن جایز است هرچند نشانه‌های ذبح شرعی را دارا نباشد و ساخت کشورهای غیر اسلامی باشد و مسلمان وارد کننده آن هم در زمینه ذبح شرعی و عدم ذبح شرعی آن تحقیق نکرده باشد؛ اما چنانچه یقین یا اطمینان دارد که از حیوانی است که ذبح شرعی نشده، نجس و مردار محسوب می‌شود.<sup>۴</sup>

\* نماز خواندن با چرم‌های مصنوعی که از مواد پلاستیکی و مانند آن ساخته می‌شود اشکال ندارد همچنین هر گاه انسان شک کند که چیزی چرم مصنوعی است یا چرم طبیعی که از مردار تهیه شده، نماز خواندن با آن اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

#### شرایط اختصاصی

۱. اگر نمازگزار مرد است، لباس او طلا باف نباشد.
۲. اگر نمازگزار مرد است، لباس او ابریشم خالص نباشد.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۶۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۶۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۶۶.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۹۳.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۹۴.

## دیگر احکام لباس و بدن

- \* کسی که باید خوابیده نماز بخواند، لازم نیست ملافه یا لحافی که بر خود می‌کشد دارای شرایط لباس نمازگزار باشد، مگر طوری باشد که بر آن پوشیدن صدق کند، مثل آنکه آن را بر خود بپیچد.<sup>۲</sup>
- \* اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است می‌تواند با آن خون نماز بخواند. و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده، یا دوائی که روی زخم گذاشته‌اند و نجس شده در بدن یا لباس او باشد.<sup>۳</sup>
- \* اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است، در بدن یا لباس نمازگزار باشد و به اندازه درهم یا بیشتر باشد، نماز او باطل است.<sup>۴</sup>
- \* اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد، و به رطوبت زخم نجس شود، جایز نیست با آن نماز بخواند. ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که اطراف زخم است به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.<sup>۵</sup>
- \* اگر از بواسیر یا زخمی که توی دهان و بینی و مانند اینهاست، خونی به بدن یا لباس برسد، می‌تواند با آن نماز بخواند، و فرقی نیست که دانه بواسیر بیرون باشد یا اندرون.<sup>۶</sup>
- \* کسی که بدنش زخم است، اگر در بدن یا لباس خود خونی که بیشتر از درهم است ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.<sup>۷</sup>
- \* اگر چند زخم در بدن باشد و به طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده‌اند نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هرکدام یک زخم حساب شود، هرکدام که خوب شد باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.<sup>۸</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۶۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۳۳، توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۱۹.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۳۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۳۶.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۳۷.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۳۸.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۳۹.

۸. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۴۰.

\* حکم نماز آسیب‌دیدگان جسمی - حرکتی که همواره می‌بایست از کفش‌های طبی استفاده کنند چیست؟  
- با همان کفش نماز بخوانند.<sup>۱</sup>

### مکان نمازگزار

\* مکان نمازگزار هفت شرط دارد:

۱. بنا بر احتیاط واجب، غصبی نباشد.
۲. استقرار داشته باشد.
۳. در جایی نماز بخواند که احتمال بدهد نماز را تمام می‌کند.
۴. توانایی انجام واجبات را در آن محل داشته باشد.
۵. اگر مکان نمازگزار نجس است، موجب نجاست لباس و بدن او نشود.
۶. زن جلوتر یا مساوی مرد نماز نخواند (بنا بر احتیاط واجب).
۷. مکان نمازگزار مسطح باشد.<sup>۲</sup>

\* اگر بعضی از ورثه میت صغیر یا دیوانه یا غائب باشند، تصرف در ملک او بدون اجازه ولی آنها حرام است و نماز در آن جایز نیست، ولی تصرفات معمولی که مقدمه تجهیز میت است اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

\* نماز خواندن در زمین‌های بسیار وسیع جایز است هر چند که مالک آنها صغیر و یا مجنون باشد و یا آنکه راضی به نماز خواندن در آنها نباشد، و همچنین در باغ‌ها و زمین‌هایی که در و دیوار ندارند بی‌اجازه مالک می‌شود نماز خواند ولی در این صورت اگر بداند مالک راضی نیست نباید تصرف کند. و اگر مالک صغیر و یا مجنون باشد و یا آنکه گمان به راضی نبودن او داشته باشند، احتیاط لازم آن است که در آنها تصرف نکنند و نماز خوانده نشود.<sup>۴</sup>

\* اگر راننده اتوبوس به مسافر فرصت کافی برای خواندن خارج از اتوبوس ندهد، آیا مسافر جایز است که نماز واجبش را در حالی که در اتوبوس بر جای خود نشسته است به جای آورد؟  
- آری، لیکن خواندن نماز در حالت ایستاده بر آن مقدم است. در هر دو صورت اگر ممکن گردد باید در همه حالات نماز رو به قبله باشد و الا در صورت تمکن در حالت تکبیرة الاحرام رو به قبله باشد و گرنه شرط رو به قبله بودن ساقط می‌شود. همچنین اگر بتواند رکوع و سجود اختیاری به جای آورد - مانند آن که از راهرو میان اتوبوس استفاده کند - واجب است که چنین کند و اگر نتوانست آنها را به جای آورد، در صورتی که می‌تواند به مقداری که عنوان رکوع و سجود صدق کند خم شود، باید چنین کند.

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۱۹.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۲۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۶۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۶۵.

در سجود نیز گذاشتن پیشانی بر سجده گاه را رعایت کند، گرچه با بالا آوردن سجده گاه باشد و اگر به این مقدار نیز نتوانست خم شود، بدل از آنها اشاره کند.<sup>۱</sup>

### وقت نماز

\* اگر به واسطه مانع شخصی مانند نایبایی یا در زندان بودن نتواند در اول وقت نماز به داخل شدن وقت یقین کند، باید نماز را به تأخیر بیندازد تا یقین یا اطمینان کند که وقت داخل شده است. و همچنین است - بنا بر احتیاط لازم - اگر مانع از یقین به داخل شدن وقت از موانع عمومی از قبیل ابر و غبار و مانند اینها باشد.<sup>۲</sup>

\* اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می‌ریزد یا نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه یقین دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می‌کند بخواند، و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد، فقط کارهای واجب نماز را بجا آورد و کارهای مستحب مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.<sup>۳</sup>

\* یکی از شرایط وضو آن است که مکلف وقت کافی برای گرفتن وضو و نماز خواندن داشته باشد حال اگر فردی نابینا باشد و نداند که وقت کافی برای گرفتن وضو و نماز دارد یا آنکه باید تیمم کند تکلیف او در این حالت چیست؟  
- وضو بگیرد.<sup>۴</sup>

\* کسی که وظیفه او تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چگونه تیمم کند؟  
- باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره‌ای نماید.<sup>۵</sup>

\* آیا فحص و سؤال از اوقات نماز بر شخص نابینا واجب است یا می‌تواند به حدس و گمان خود در رابطه با دخول وقت نماز عمل کند؟  
- باید نماز را به تأخیر بیندازد تا یقین یا اطمینان کند که وقت داخل شده است.<sup>۶</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۳۰.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۶.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۴۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۹.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۴۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۴۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۳۰.

### قبله

\* جای خانه کعبه که در مکه معظمه می‌باشد قبله است، و باید روبروی آن نماز خواند، ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند کافی است. و همچنین است کارهای دیگری - مانند سر بریدن حیوانات - که باید رو به قبله انجام گیرد.<sup>۱</sup>

\* کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، باید سینه و شکم او رو به قبله باشد، بلکه صورت او نیز نباید زیاد از قبله منحرف باشد، و احتیاط مستحب آن است که انگشتان پای او هم رو به قبله باشد.<sup>۲</sup>

\* کسی که باید نشسته نماز بخواند، باید در موقع نماز سینه و شکم او رو به قبله باشد، بلکه صورت او هم نباید زیاد از قبله منحرف باشد.<sup>۳</sup>

\* کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلو طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد، و تا وقتی که ممکن است به پهلو راست بخوابد نباید - بنا بر احتیاط لازم - به پهلو چپ بخوابد، و اگر این دو ممکن نباشد باید به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.<sup>۴</sup>

\* بیماری که به گونه‌ای روی تخت بستری شده که امکان روکردن به سمت قبله را ندارد، آیا می‌تواند نمازش را در همان حال یعنی در خلاف جهت قبله بخواند؟  
- می‌تواند.<sup>۵</sup>

\* آیا بر افراد نابینا که برای تشخیص قبله نیاز به دید دارند فحص و سؤال و یقین به قبله لازم است یا به هر طرفی که ظن و گمان دارند می‌توانند نماز بخوانند؟

- کسی که می‌خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید تا یقین، یا چیزی که در حکم یقین است - مثل شهادت دو عادل اگر مستند به حس و مانند آن باشد - پیدا کند که قبله کدام طرف است، و اگر نتواند باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان، یا قبرهای مؤمنین، یا از

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۶۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۶۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۶۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۶۶.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

راه‌های دیگر پیدا می‌شود عمل نماید، حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می‌شناسد گمان به قبله پیدا کند کافی است.<sup>۱</sup>

\* فرد نابینایی که در حین نماز ناخواسته مقداری از قبله برگشته، اگر در حین نماز یا بعد از آن متوجه شده وظیفه‌اش چیست؟

- اگر برگشتن از قبله به جهت عذر باشد مثل فراموشی، یا به سبب امر قهری - مانند باد شدید که او را از قبله برگرداند - چنانچه به طرف راست یا چپ نرسد، نماز او صحیح است، ولی لازم است که بعد از برطرف شدن عذر فوراً به طرف قبله برگردد. و اما اگر به طرف راست و یا چپ برسد یا پشت به قبله شود، اگر فراموش کرده باشد، یا غافل باشد، یا در تشخیص قبله اشتباه کرده باشد، و وقتی متذکر یا متوجه شود که اگر نماز را قطع کند می‌تواند دوباره آن را رو به قبله بخواند - هر چند یک رکعت از آن در وقت واقع شود - باید نماز را از سر بگیرد و گرنه به همان نماز اکتفا می‌کند، و قضا بر او لازم نیست. و همچنین است اگر برگشت او از قبله به واسطه امر قهری باشد، پس چنانچه بتواند که بدون برگشتن از قبله نماز را دوباره در وقت بخواند - هر چند یک رکعت از آن در وقت واقع شود - باید نماز را از سر بگیرد، و گرنه باید همان نماز را تمام کند و اعاده و قضا بر او لازم نیست.<sup>۲</sup>

### صحت نماز

\* آیا نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره‌ای خوانده صحیح است یا نیاز به قضا دارد؟  
- صحیح است.<sup>۳</sup>

\* برای نماز کسی که ادرارش قطره قطره به صورت مستمر می‌ریزد و اصلاً قطع نمی‌شود برای نمازهای واجب وظیفه‌اش چیست؟  
- باید به وسیله کیسه‌ای که در آن پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر بدن جلوگیری می‌کند خود را حفظ نماید.<sup>۴</sup>

\* از کسی که به صورت مستمر مدفوع بیرون می‌آید و نمی‌تواند از خارج شدن آن خودداری کند، برای نمازهای واجب وظیفه‌اش چیست؟

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۴۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۸۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۶۹.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۵۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۸۵؛ مبطلات نماز؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، ص ۲۱۳، قسمت پنجم از مبطلات نماز.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۴۳.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۹۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۱.

- به مقداری که ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر بدن جلوگیری نماید. و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد.<sup>۱</sup>

\* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند آیا واجب است که به مقدار نماز از خروج ادرار و غائط جلوگیری کند؟  
- بهتر آن است که جلوگیری نماید.<sup>۲</sup>

\* مسلوس و مبطون و سلس الریح اگر مطابق وظیفه‌اش نماز بخواند چنانچه مرض او در وقت نماز برطرف شود آیا واجب است نمازها را دوباره بخواند؟  
- احتیاط واجب آن است که دوباره بخواند.<sup>۳</sup>

### نیابت در نماز و سایر اعمال عبادی

\* نیابت از اموات در واجبات و مستحبات جایز است و اما نیابت از افراد زنده در واجبات جایز نیست؛ هرچند فرد مورد نیابت، عاجز از انجام عمل باشد؛ مگر در حج، به تفصیلی که در فصل حج، احکام مربوط به حج نیابتی خواهد آمد.

نیابت از افراد زنده در بعضی از مستحبات عبادی، مثل حج و عمره و طواف از طرف کسی که در شهر مکه حضور ندارد و زیارت قبر پیامبر اکرم (ص) و قبور امامان (ع) و نماز زیارتی که بعد از آن خوانده می‌شود جایز است؛ بلکه نیابت از افراد زنده در همه مستحبات - رجاء و بدون قصد ورود - جایز می‌باشد.

در مواردی که نیابت از طرف افراد زنده جایز است، فرقی نیست که نیابت، تبرعی و به طور مجانی باشد یا با اجاره یا جعاله یا مانند آن باشد؛ بنابراین انسان می‌تواند برای انجام بعضی از کارهای مستحبی مثل حج و عمره و زیارت از طرف زندگان در مقابل دریافت اجرت، اجیر شود.<sup>۴</sup>

### نمازهای واجب

\* نمازهای واجب نشش است:

اول: نمازهای روزانه.

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۹۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۱۱.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۹۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۱۲.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۹۲-۹۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۱۳.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۸۸۸.



دوم: نماز آیات.  
 سوم: نماز میت.  
 چهارم: نماز طواف واجب خانه کعبه.  
 پنجم: نماز قضای پدر که بر پسر بزرگ‌تر - بنا بر احتیاط واجب - است.  
 ششم: نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می‌شود، و نماز جمعه از نمازهای روزانه است.<sup>۱</sup>

### نمازهای روزانه

\* نمازهای واجب روزانه پنج است: ظهر و عصر، هر کدام چهار رکعت. مغرب، سه رکعت. عشا، چهار رکعت. صبح، دو رکعت.<sup>۲</sup>

\* در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرایطی که گفته می‌شود دو رکعت خواند.<sup>۳</sup>

### نماز قضا

\* کسی که نماز یومیّه خود را در وقت آن نخوانده یا آن را خوانده ولی شرعاً باطل بوده است، باید قضای آن را در خارج وقت به جا آورد؛ مگر نماز جمعه که اگر وقت آن بگذرد،<sup>۴</sup> مکلف باید نماز ظهر بخواند و چنانچه نماز ظهر را در وقتش نخواند، قضای آن را به جا آورد و همین‌طور قضای هر نماز واجب دیگری که مکلف آن را در وقتش نخواند - حتی بنا بر احتیاط واجب نمازی که در وقت معینی به نذر بر او واجب شده است - را باید بخواند. البته نماز عید فطر و قربان قضاء ندارند و احکام قضای نماز آیات بعداً خواهد آمد و در این حکم فرقی بین عمد و فراموشی و غفلت و ندانستن نیست. از این حکم افرادی استثناء می‌شوند، از جمله: کسی که در تمام وقت نماز نابالغ یا دیوانه بوده یا به سبب عامل غیر اختیاری بیهوش<sup>۵</sup> بوده است و نیز زنی که در تمام وقت نماز در حال حیض یا نفاس بوده است. اما فردی که در تمام وقت نماز، خواب مانده یا به دلیل مستی نماز نخوانده باشد، واجب است قضای آن را انجام دهد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، مبحث نمازهای واجب، ص ۱۳۸.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، مبحث نمازهای واجب روزانه، ص ۱۳۸.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۱۶.

۴. وقت نماز جمعه اول عرفی ظهر روز جمعه می‌باشد.

۵. اگر بیهوشی به اختیار خود شخص باشد مثل اینکه برای عمل جراحی خود را در اختیار پزشک قرار داده، چنانچه بیهوشی در تمام وقت نماز بوده است، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن نماز را بجا آورد و اگر در قسمتی از وقت بیهوش بوده طوری که می‌توانسته نمازش

را در وقت به طور صحیح، هر چند با اکتفاء به واجبات بخواند و نخوانده باید قضای آن را انجام دهد.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۶۴۹.

\* اگر از روزهای گذشته نمازهای قضا دارد و یک نماز یا بیشتر هم از همان روز از او قضا شده، چنانچه برای قضای تمام آنها وقت ندارد، یا نمی‌خواهد همه را در آن روز بخواند، مستحب است نماز قضای آن روز را پیش از نماز ادا بخواند.<sup>۱</sup>

\* تا انسان زنده است اگرچه از قضای نمازهای خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید.<sup>۲</sup>

\* مریضی که سخته کرده و مدتی بستری بوده و فاقد حس و حرکت و شعور است آیا نماز از او ساقط است یا خیر؟ و بعد از او ورثه باید نمازهای او را قضا کنند یا ضرورتی ندارد؟  
- ساقط است و قضا ندارد.<sup>۳</sup>

\* احتراماً پدری دارم که حدود چهار سال است که در اثر سخته مغزی یک سمت ایشان فلج شده و بر روی صندلی چرخدار نشسته است و همچنین نمی‌تواند نماز بخواند، وضعیت نماز ایشان چگونه است؟ تکلیف چیست؟  
- نماز را به همان صورتی که تمکن دارد بجا آورد.<sup>۴</sup>

\* کسانی که از گردن به پایین قطع نخاع هستند و قدرت انجام وضو و تیمم و گرفتن نایب را ندارند، تکالیفشان برای نماز چیست؟  
- نماز ساقط است و به احتیاط واجب در وقت تمکن قضا کنند.<sup>۵</sup>

\* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول یا غائط خودداری کند، بعد از آنکه مرض او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض مطابق وظیفه‌اش خوانده قضا نماید. ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود، باید بنا بر احتیاط لازم نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند.<sup>۶</sup>

\* اگر انسان نتواند وضو بگیرد و تیمم هم امکان نداشته باشد چه وظیفه‌ای دارد؟  
- لازم است نماز خود را در خارج وقت قضا نماید.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۶۵۹.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۶۷.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۳.

۷. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۷۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۸۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۶۷۷.

**شرایط واجب شدن نماز قضای پدر بر پسر بزرگتر**

- \* شرط اول: پدر نماز را از روی عذر ترک کرده باشد.
  - شرط دوم: پدر در زمان حیات توانایی انجام قضای نماز را داشته باشد.
  - شرط سوم: پدر وصیت نکرده باشد که برای او اجیر بگیرند.
  - شرط چهارم: پسر بزرگتر هنگام وفات پدر، مجنون یا نابالغ نباشد.
  - شرط پنجم: پسر بزرگتر شرعاً از ارث بردن ممنوع نباشد.
  - شرط ششم: پسر بزرگتر معلوم باشد.<sup>۱</sup>
- \* اگر پدر نمی‌توانسته قضای نماز را - هرچند با عمل به وظیفه نماز اضطراری مثل نماز نشسته یا خوابیده برای کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند - انجام دهد و در همان حال ناتوانی فوت شده است، قضای آن بر پسر بزرگتر واجب نیست.<sup>۲</sup>

\* اگر پسر بزرگتر موقع مرگ پدر، نابالغ یا دیوانه باشد، وقتی که بالغ شد یا عاقل گردید، بر او واجب نیست نماز پدر را قضاء نماید.<sup>۳</sup>

\* اگر پسر بزرگتر به علت یکی از اسباب محروم شدن از ارث مثل قتل پدر، شرعاً ارث نبرد، خواندن نمازهای قضای پدر بر او واجب نیست.<sup>۴</sup>

\* نماز قضای پدر و مادر بر پسر بزرگتر واجب است حال اگر آنها تارک الصلاة باشند وظیفه پسر بزرگتر چیست؟

- قضای نمازهای مادر بر فرزند واجب نیست و نمازهایی که از پدر به جهت عذر فوت می‌شود و پدر با تمکن از قضای آن، آنها اقضا نمی‌کند، در این صورت - بنا بر احتیاط - بر پسر بزرگ قضای آن واجب است و این احتیاط در موردی است که پسر بزرگ در هنگام فوت پدر صغیر یا مجنون نباشد و همچنین از ارث هم ممنوع نباشد والا قضای آن واجب نیست. ولی نمازهایی که عمداً پدر نخوانده است بر پسر بزرگ نیست، هر چند این کار مستحب است.<sup>۵</sup>

**قضای نماز مسلوس و مبطون**

\* اگر بعد از وقت نماز مرض برطرف شود در این صورت آیا قضای نمازها واجب است؟

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث نماز قضای پدر ص ۴۷۶.

۲. مثل اینکه نماز صبح خواب مانده و بعد از طلوع آفتاب در همان حالت خواب از دنیا رفته است؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۶۶۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۶۶۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۷۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۶۶۸.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

- واجب نیست.<sup>۱</sup>

### نیابت در نماز قضاء

\* شرط اول، دوم و سوم: نایب عاقل، شیعه دوازده امامی و بنا بر احتیاط واجب بالغ باشد. شرط چهارم: نایب در عمل قصد نیابت داشته باشد. شرط پنجم: نایب هنگام انجام عمل، منوب عنه را - هر چند اجمالاً - معین نماید. شرط ششم: نایب گیرنده اطمینان به انجام اصل عمل توسط نایب داشته باشد. شرط هفتم: نایب عمل را به طور صحیح انجام دهد. شرط هشتم: نایب، بنا بر احتیاط واجب، از انجام بعضی از شرایط و کارهای اختیاری نماز ناتوان نباشد.<sup>۲</sup>

\* نیابت فرد نابالغ ممیز، تنها در بعضی از موارد وصیت و آن هم با شرایط خاصی صحیح می‌باشد.<sup>۳</sup>

\* اگر فردی که از انجام بعضی از شرایط و کارهای اختیاری نماز ناتوان است، حتی به صورت مجانی و بدون اجرت، به نیابت از دیگری عمل را به جا آورد، باز هم بنا بر احتیاط واجب نمی‌توان به عمل او اکتفاء کرد؛ بنابراین به طور مثال نیابت کسی که به علت عذری، با تیمم یا نشسته یا با بدن یا لباس نجس نماز می‌خواند یا توانایی اصلاح حمد و سوره‌اش را ندارد، بنا بر احتیاط واجب کافی نیست؛ ولی نیابت و اجیر گرفتن کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای است و با چنین وضو یا غسلی نماز می‌خواند، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

### واجبات نماز

\* واجبات نماز یازده مورد است:

۱. نیت. ۲. قیام (ایستادن). ۳. تکبیر الاحرام (گفتن الله اکبر در اول نماز). ۴. قرائت. ۵. ذکر. ۶. رکوع. ۷. سجود. ۸. تشهد. ۹. سلام. ۱۰. ترتیب. ۱۱. موالات (پی در پی بودن اجزای نماز). واجبات به دو دسته رکن و غیر رکن تقسیم می‌شود.<sup>۵</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۹۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۳.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث شرایط اکتفاء به نیابت در نماز قضاء، ص ۵۲۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۸۹۱.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۰۱.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۲۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، اول بخش واجبات نماز؛ شایان ذکر است واجباتی مانند استقرار در حال ذکرهای واجب یا نشستن بین دو سجده و... به عنوان واجباتی در ضمن واجبات شمرده شده در متن لحاظ شده‌اند و در این تقسیم در کنار بقیه ذکر نشده‌اند و توضیح هر یک در فصل مربوط به خود ذکر می‌شود.

\* بعضی از واجبات نماز رکن است، یعنی اگر انسان آنها را به جا نیاورد، عمداً باشد یا سهواً و اشتهاهاً، نماز باطل می‌شود و بعضی دیگر رکن نیست یعنی اگر سهواً و اشتهاهاً کم گردد، نماز باطل نمی‌شود و ارکان نماز پنج مورد است:

۱. نیت. ۲. تکبیرة الاحرام. ۳. قیام متصل به رکوع، یعنی از حالت ایستاده به رکوع رفتن و قیام هنگام گفتن تکبیرة الاحرام. ۴. رکوع. ۵. دو سجده از یک رکعت.

همچنین موالات به معنای اینکه بین کارهای نماز آنقدر فاصله نیاندازد که صورت و عنوان نماز از بین برود، ملحق به ارکان نماز می‌باشد؛ بنابراین اگر سهواً بین افعال نماز به مقداری فاصله بیاندازد که به مجموع آنها عنوان نماز صدق نکند، نماز باطل است. و نیز رعایت ترتیب بین دو رکن نماز، ملحق به ارکان حساب می‌شود؛ بنابراین اگر مثلاً نمازگزار بعد از نماز متوجه شود که از روی فراموشی در رکعت اول نماز، دو سجده آن را قبل از رکوع همان رکعت انجام داده، نمازش باطل است؛ بلکه اگر هنوز در رکعت اول باشد و متوجه شود که ابتدا دو سجده را انجام داده و بعد رکوع نموده، بنا بر احتیاط واجب نمازش باطل است و بنا بر احتیاط واجب دوباره انجام دادن دو سجده بعد از رکوع کافی نیست.<sup>۱</sup>

### تکبیرة الاحرام

\* موقع گفتن تکبیرة الاحرام در نماز واجب باید بدن استقرار داشته و آرام باشد و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد، تکبیرة الاحرام را بگوید، نماز باطل است.<sup>۲</sup>

\* نمازگزار باید تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را طوری بخواند که خودش حداقل همه‌همه خود را بشنود بنابراین لبخوانی آنها بدون رعایت این شرط صحیح نیست و اگر به علت سنگینی یا کری گوش یا سر و صدای زیاد نمی‌شنود، باید طوری بگوید که چنانچه مانعی نباشد بشنود.<sup>۳</sup>

\* کسی که به علت پیشامدی لال شده، یا زبان او مرضی پیدا کرده که نمی‌تواند «الله اکبر» را بگوید، باید هر طوری که می‌تواند بگوید و اگر اصلاً نمی‌تواند بگوید باید تکبیر را در قلب خود بگذراند و برای آن طوری که مناسب گفتن الله اکبر باشد با انگشتش اشاره کند و اگر می‌تواند، زبان و لبش را هم حرکت دهد و اما کسی که لال مادرزاد است باید زبان و لبش را به طوری که شبیه کسی است که تکبیر را می‌گوید، حرکت دهد و در آن حال با انگشتش نیز اشاره نماید و این حکم در مورد قرائت نماز و سایر ذکرهای آن نیز جاری می‌باشد.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۲۴.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۳۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۳۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۳۸.

\* گفتن «الله اکبر» در اول هر نماز، واجب و رکن است، و باید حروف «الله» و حروف «اکبر» و دو کلمه «الله» و «اکبر» را پشت سر هم بگوید، و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود، و اگر به عربی غلط بگوید، یا مثلاً ترجمه آن را به فارسی بگوید صحیح نیست.<sup>۱</sup>

\* احتیاط مستحب آن است که تکبیر الاحرام نماز را به چیزی که پیش از آن می خواند، مثلاً به اقامه یا به دعایی که پیش از تکبیر می خواند نچسباند.<sup>۲</sup>

\* اگر انسان بخواهد «الله اکبر» را به چیزی که بعد از آن می خواند، مثلاً به «بسم الله الرحمن الرحیم» بچسباند، بهتر آن است که «راء» اکبر را پیش بدهد، ولی احتیاط مستحب آن است که در نماز واجب نچسباند.<sup>۳</sup>

\* موقع گفتن تکبیر الاحرام در نماز واجب باید بدن آرام باشد، و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد، تکبیر الاحرام را بگوید باطل است.<sup>۴</sup>

\* تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش لااقل همه خود را بشنود، و اگر به واسطه سنگینی یا کری گوش، یا سر و صدای زیاد نمی شنود، باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود.<sup>۵</sup>

\* کسی که به واسطه عارضه‌ای لال شده، یا زبان او مرضی پیدا کرده که نمی تواند «الله اکبر» را بگوید، باید به هر طوری که می تواند بگوید، و اگر هیچ نمی تواند بگوید باید تکبیر را در قلب خود بگذراند، و برای او به طوری که مناسب حکایت لفظش باشد با انگشتش اشاره کند، و زبان و لبش را هم اگر می تواند حرکت دهد. و اما کسی که لال مادرزاد است باید زبان و لبش را به طوری که شبیه کسی است که تلفظ به تکبیر می کند حرکت دهد، و در آن حال با انگشتش نیز اشاره نماید.<sup>۶</sup>

\* خوب است قبل از تکبیر الاحرام به قصد رجاء بگوید: «یا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ، وَقَدْ أَمَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ، أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيءُ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَجَاوَزَ عَنِ قَبِيحِ مَا تَعَلَّمَ مِنِّي» یعنی: ای خدایی که به بندگان احسان می کنی، بنده گناهکار به در خانه تو آمده، و تو امر کرده‌ای که نیکوکار از گناهکار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناهکار،

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۳۴.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۳۵.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۳۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۳۷.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۳۸.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۳۹.

بحق محمد و آل محمد، رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرست، و از بدی‌هایی که می‌دانی از من سر زده بگذر.<sup>۱</sup>

\* مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دست‌ها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد.<sup>۲</sup>

\* اگر شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی از قرائت شده، به شک خود اعتنا نکند، و اگر چیزی نخوانده باید تکبیر را بگوید.<sup>۳</sup>

\* اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شک کند که آن را صحیح گفته یا نه، چه مشغول خواندن چیزی شده باشد یا نه، به شک خود اعتنا نکند.<sup>۴</sup>

\* کسی که لال است یا زبان او مرضی دارد که نمی‌تواند تکبیره الاحرام (الله اکبر) را صحیح بگوید وظیفه‌اش چیست؟

- باید به هر طوری که می‌تواند بگوید، و اگر هیچ نمی‌تواند بگوید باید تکبیر را در قلب خود بگذراند، و برای او به طوری که مناسب حکایت لفظش باشد با انگشتش اشاره کند، و زبان و لبش را هم اگر می‌تواند حرکت دهد. و اما کسی که لال مادرزاد است باید زبان و لبش را به طوری که شبیه کسی است که تلفظ به تکبیر می‌کند حرکت دهد، و در آن حال با انگشتش نیز اشاره نماید.<sup>۵</sup>

### قیام (ایستادن)

\* ایستادن و قیام در چهار قسمت نماز در صورت امکان واجب است:

۱. قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام
۲. قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می‌گویند.
۳. قیام در موقع قرائت (خواندن حمد و سوره و تسبیحات اربعه)
۴. قیام بعد از رکوع.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۲.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۳.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۵۳؛ توضیح المسائل آیت الله

العظمی سیستانی، م ۹۳۹.

قیام در مورد اول و دوم علاوه بر اینکه واجب است رکن نماز نیز می‌باشد و اما قیام در مورد سوم و چهارم هر چند واجب است اما رکن نماز نمی‌باشد و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است.<sup>۱</sup>

\* موقعی که برای قیام واجب ایستاده (همه چهار نوع قیام) باید راه نرود و جابجا نشود و نیز صاف بایستند و به طرفی خم نشود و همین‌طور بنا بر احتیاط واجب به جایی تکیه نکند. همچنین بنا بر احتیاط واجب آرامش خود را حفظ نماید. ولی اگر این موارد از روی ناچاری و اضطرار باشد، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* نمازگزار باید بنا بر احتیاط واجب در هنگام قیام هر دو پا را روی زمین بگذارد؛ مثلاً در حال خواندن حمد بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند پای خود را از زمین - هر چند برای لحظه‌ای - بردارد ولی در حالی که مشغول قرائت نیست و ساکت می‌باشد از این جهت مانعی ندارد. همچنین لازم نیست سنگینی بدن نمازگزار روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد، اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

\* تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند، مثلاً کسی که در موقع ایستادن، بدنش حرکت می‌کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد یا بدنش را کمی کج کند یا پاهایش را بیشتر از معمول باز بگذارد، به گونه‌ای که در این موارد ایستادن صدق می‌کند، باید هر طور که می‌تواند ایستاده نماز بخواند ولی اگر به هیچ صورت نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند. بنابراین نماز خواندن ایستاده با قیام اضطراری (مثل موارد ذکر شده)، مقدم بر نماز خواندن نشسته است.<sup>۴</sup>

\* تا انسان می‌تواند بنشیند، نباید خوابیده نماز بخواند و اگر نتواند راست بنشیند باید هر طور که می‌تواند، بنشیند و اگر به هیچ صورت نمی‌تواند بنشیند، باید به گونه‌ای که در احکام قبله گفته شد به پهلو بخوابد طوری که جلوی بدنش رو به قبله باشد و تا وقتی که ممکن است به پهلو راست بخوابد بنا بر احتیاط لازم، نباید به پهلو چپ بخوابد و اگر این دو ممکن نباشد، باید به پشت بخوابد طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۴۴.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۴۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۴۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۷.



\* کسی که می‌تواند بایستد، اگر بترسد که به علت ایستادن - هرچند با تکیه دادن به دیوار یا عصا و مانند آن باشد - مریض شود یا ضرری قابل توجهی به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند و چنانچه از نشستن هم بترسد، می‌تواند خوابیده نماز بخواند.<sup>۱</sup>

\* اگر نمازگزار در بین نماز از ایستادن ناتوان شود، در صورتی که از برطرف شدن ناتوانی خویش تا آخر وقت نماز ناامید باشد، باید بنشیند و ادامه نماز را نشسته بخواند و اگر نمازگزار از نشستن هم ناتوان شود، باید بخوابد و ادامه نماز را خوابیده با رعایت جهت قبله به جا آورد ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از ذکرهای واجب را نگوید. اما چنانچه فرد می‌داند یا اطمینان دارد که ناتوانیش تا آخر وقت نماز باقی نمی‌ماند و قبل از سپری شدن وقت می‌تواند نماز را مثلاً در حال ایستاده بخواند، در این صورت نماز را قطع کرده و بعداً باید نماز را در حال توانایی در داخل وقت ایستاده بخواند. همچنین اگر ناامید نبوده و احتمال معقول بدهد که ناتوانیش تا آخر وقت نماز برطرف می‌شود، می‌تواند رجاء آن را به کیفیتی که بیان شد به پایان برساند و چنانچه عذرش تا آخر وقت باقی ماند نمازی که خوانده کافی است و اگر عذرش برطرف شد باید آن را دوباره بخواند.<sup>۲</sup>

\* کسی که طبق وظیفه‌اش نشسته نماز می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده به جا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود و اگر نتواند باید رکوع را هم نشسته به جا آورد.<sup>۳</sup>

\* کسی که طبق وظیفه‌اش نشسته نماز می‌خواند اگر در بین نماز بتواند بایستد، باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند ولی تا بدنش آرام نگرفته، باید چیزی از ذکرهای واجب را نخواند اما اگر بداند مقدار کمی می‌تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد.<sup>۴</sup>

\* کسی که طبق وظیفه‌اش خوابیده نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند باید مقداری را که می‌تواند، نشسته بخواند و نیز اگر می‌تواند بایستد باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از اذکار واجب را نخواند اما اگر بداند مقدار کمی می‌تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد.<sup>۵</sup>

\* اگر انسان ناامید نباشد که در آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند، چنانچه اول وقت، نماز را بخواند و در آخر وقت قدرت و توانایی بر ایستادن پیدا کند، باید نماز را دوباره به جا آورد ولی اگر ناامید از آن

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۲.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۳.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۴.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۵.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۶.

باشد که بتواند نماز را ایستاده بخواند و در اول وقت، نماز را بخواند و سپس قدرت بر ایستادن پیدا کند، لازم نیست نماز را دوباره بخواند.<sup>۱</sup>

\* قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام، و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می‌گویند، رکن است، ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع، رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است.<sup>۲</sup>

\* واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که تکبیر را در حال ایستادن گفته است.<sup>۳</sup>

\* اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود، و اگر بدون اینکه بایستد به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را بجا نیاورده، کفایت نمی‌کند.<sup>۴</sup>

\* موقعی که برای تکبیرة الاحرام یا قرائت ایستاده است باید راه نرود و به طرفی خم نشود - و بنا بر احتیاط لازم - بدن را حرکت ندهد، و در حال اختیار به جایی تکیه نکند، ولی اگر از روی ناچاری باشد اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* اگر موقعی که ایستاده، از روی فراموشی قدری راه برود، یا به طرفی خم شود، یا به جایی تکیه کند، اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

\* کسی که می‌تواند درست بایستد، اگر پاها را خیلی گشاد بگذارد که ایستادن بر او صدق نکند، نمازش باطل است. بلکه - بنا بر احتیاط لازم - نباید پاها را خیلی گشاد بگذارد هر چند ایستادن صدق کند.<sup>۷</sup>

\* موقعی که انسان در نماز مشغول خواندن چیزی از اذکار واجب است، باید بدنش آرام باشد و همچنین - بنا بر احتیاط لازم - وقتی که مشغول چیزی از اذکار مستحب می‌باشد. و در موقعی که

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۶.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۷.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۸.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۰.

می‌خواهد کمی جلو یا عقب رود، یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید.<sup>۱</sup>

\* اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود، باید بنشیند، و اگر از نشستن هم عاجز شود، باید بخوابد، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از ذکرهای واجب را نگوید.<sup>۲</sup>

\* تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند، مثلاً کسی که در موقع ایستادن، بدنش حرکت می‌کند، یا مجبور است به چیزی تکیه دهد، یا بدنش را مختصری کج کند، باید به هر طور که می‌تواند ایستاده نماز بخواند، ولی اگر به هیچ قسم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.<sup>۳</sup>

\* کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده بجا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود، و اگر نتواند باید رکوع را هم نشسته بجا آورد.<sup>۴</sup>

\* کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند باید مقداری را که می‌تواند، نشسته بخواند. و نیز اگر می‌تواند بایستد باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از اذکار واجب را نخواند. اما اگر بداند مقدار کمی می‌تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد.<sup>۵</sup>

\* کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر در بین نماز بتواند بایستد، باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته، باید چیزی از ذکرهای واجب را نخواند. اما اگر بداند مقدار کمی می‌تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد.<sup>۶</sup>

\* کسی که می‌تواند بایستد، اگر بترسد که به واسطه ایستادن، مریض شود یا ضرری به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند، و اگر از نشستن هم بترسد، می‌تواند خوابیده نماز بخواند.<sup>۷</sup>

\* شخص مریض یا آسیب دیده‌ای که نشسته نماز می‌خواند قیام متصل به رکوع او چگونه است؟

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۵.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۹.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۰.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۱.

- اگر بر زمین نشسته است کافی است به قدری خم شود که پیشانی موازی زانوها شود.<sup>۱</sup>

\* فردی که در نماز به سختی می ایستد در صورتی که به زمین بیافتد و دو مرتبه برخیزد آیا نمازش اشکال دارد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* اگر معلولی به کمک فرد دیگری بتواند بایستد آیا نماز را ایستاده بخواند یا اینکه از کمک دیگری استفاده نکند و نماز را نشسته بخواند؟

- تا انسان می تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند، مثلاً کسی که در موقع ایستادن، بدنش حرکت می کند، یا مجبور است به چیزی تکیه دهد، یا بدنش را مختصری کج کند، باید به هر طور که می تواند ایستاده نماز بخواند، ولی اگر به هیچ قسم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.<sup>۳</sup>

\* کسی که پای مصنوعی دارد و به وسیله آن می تواند نماز را ایستاده بخواند گاهی به علت خستگی پا یا احتمال زخم شدن آن پای مصنوعی را در آورده و نشسته نماز می خواند آیا واجب است همیشه با پای مصنوعی به طور ایستاده نماز بخواند یا می تواند نشسته هم بخواند؟  
- تا انسان می تواند ایستاده نماز بخواند نباید بنشیند ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.<sup>۴</sup>

\* اگر فردی بخواهد تمام نماز را با پای مصنوعی و به صورت ایستاده بخواند موجب ضرر یا عسر و حرج می شود آیا می تواند بعضی رکعات نماز را نشسته بخواند؟  
- اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود باید بنشیند.<sup>۵</sup>

\* آیا ایستادن بر یک پا در حالی که پای دیگر حالت استراحت دارد در حال نماز صحیح است؟  
- لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

۱. توان نامه، ش ۴-۶ ص ۲۱۸.

۲. توان نامه، ش ۴-۶ ص ۲۱۸.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۵۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۶.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۵۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۶.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۶۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی العظمی سیستانی، م ۹۵۵.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۶۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۶۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۹.

\* کسی که قادر به ایستادن در حال نماز نباشد یا برایش مشقت داشته باشد می‌تواند نمازش را نشسته بخواند؟

- اگر به هیچ قسم نتواند بایستد باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.<sup>۱</sup>

\* فرد معلولی که می‌تواند نشسته همراه با تکیه دادن نماز بخواند آیا می‌تواند خوابیده نماز بخواند؟  
- خیر<sup>۲</sup>

\* معلولی که خوابیده نماز می‌خواند اگر در بین نماز بتواند بنشیند وظیفه‌اش چیست؟  
- باید مقداری را که می‌تواند، نشسته بخواند.<sup>۳</sup>

### مستحبات قیام

\* اگر در حال حرکت بدن ذکر مستحبی بگوید، مثلاً موقع رفتن به رکوع یا رفتن به سجده تکبیر بگوید، چنانچه آن را به قصد ذکر می‌کند در نماز دستور داده‌اند بگوید، آن ذکر صحیح نیست ولی نمازش صحیح است و «بَحُولِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقْوَمٌ وَأَقْعَدُ» را باید در حال برخاستن بگوید.<sup>۴</sup>

\* حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد.<sup>۵</sup>

\* اگر موقع خواندن حمد و سوره، یا خواندن تسبیحات، بی‌اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود، احتیاط مستحب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.<sup>۶</sup>

\* مستحب است در حال ایستادن، بدن را راست نگهدارد، و شانه‌ها را پایین بیندازد، و دست‌ها را روی ران‌ها بگذارد، و انگشت‌ها را به هم بچسباند، و به جای سجده نگاه کند، و سنگینی بدن را به طور

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۶.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۶۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۷.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۶۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۹.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۲.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۳.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۴.

مساوی روی دو پا بیندازد، و با خضوع و خشوع باشد، و پاها را پس و پیش نگذارد، و اگر مرد است پاها را از سه انگشت باز تا یک وجب فاصله دهد، و اگر زن است پاها را به هم بچسباند.<sup>۱</sup>

### قرائت

\* در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه، انسان باید اول حمد و بعد از آن سوره و - بنا بر احتیاط واجب - یک سوره تمام بخواند. و سوره «الضحی» و «الم نشرح» و همچنین سوره «فیل» و «لایلاف» در نماز - بنا بر احتیاط واجب - یک سوره حساب می‌شود.<sup>۲</sup>

\* اگر وقت نماز تنگ باشد، یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند، مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند، دزد یا درنده یا چیز دیگری به او صدمه بزند، یا آنکه کار ضروری داشته باشد، می‌تواند سوره را نخواند، بلکه در صورت تنگی وقت و در بعضی موارد ترس نباید سوره را بخواند.<sup>۳</sup>

\* اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند، نمازش باطل است و اگر اشتبهاً سوره را پیش از حمد بخواند و در بین آن یادش بیاید، باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد، سوره را از اول بخواند.<sup>۴</sup>

\* اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.<sup>۵</sup>

\* انسان باید قرائت نماز را صحیح بخواند و کسی که به هیچ صورت نمی‌تواند همه سوره حمد را صحیح بخواند، باید به همان صورت که می‌تواند، بخواند به شرط آنکه مقداری را که صحیح می‌خواند قابل توجه باشد ولی اگر آن مقدار ناچیز باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید مقداری از بقیه قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند به آن ضمیمه کند و اگر نمی‌تواند باید تسبیح (سُبْحَانَ اللَّهِ) را به آن ضمیمه کند و اما کسی که نمی‌تواند به کلی سوره بعد از حمد را صحیح بخواند، لازم نیست چیزی به جای آن بخواند و در هر صورت، احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.<sup>۶</sup>

\* اگر پیش از آنکه برای رکوع خم شود، بفهمد که حمد و سوره را نخوانده باید بخواند. و اگر بفهمد سوره را نخوانده، باید فقط سوره را بخواند. ولی اگر بفهمد حمد تنها را نخوانده، باید اول حمد و بعد از

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۶.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۷.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۷۹.

آن دوباره سوره را بخواند. و نیز اگر خم شود و پیش از آنکه به رکوع برسد بفهمد حمد و سوره، یا سوره تنها، یا حمد تنها را نخوانده، باید بایستد و به همین دستور عمل نماید.<sup>۱</sup>

\* اگر در نماز فریضه یکی از چهار سوره‌ای را که آیه سجده دارد عمداً بخواند، واجب است که پس از خواندن آیه سجده، سجده نماید، ولی اگر سجده را بجا آورد نمازش - بنا بر احتیاط - باطل می‌شود و لازم است که آن را دوباره بخواند مگر اینکه سهواً سجده کند، و اگر سجده را بجا نیاورد می‌تواند نماز را ادامه دهد اگرچه در ترک سجده گناه کرده است.<sup>۲</sup>

\* اگر مشغول خواندن سوره‌ای شود که سجده واجب دارد - چه عمداً خوانده باشد چه سهواً - چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، می‌تواند سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند، و اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد، باید آن طوری که در مسأله پیش گفته شد عمل کند.<sup>۳</sup>

\* اگر در نماز آیه سجده را گوش دهد، نمازش صحیح است، و اگر در نماز واجب باشد - بنا بر احتیاط واجب - به سجده اشاره نماید، و بعد از نماز سجده آن را بجا آورد.<sup>۴</sup>

\* در نماز مستحبی خواندن سوره لازم نیست اگرچه آن نماز به واسطه نذر کردن واجب شده باشد، ولی در بعضی از نمازهای مستحبی مثل نماز وحشت که سوره مخصوصی دارد، اگر بخواهد به دستور آن نماز رفتار کرده باشد، باید همان سوره را بخواند.<sup>۵</sup>

\* اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره «قل هو الله احد» یا سوره «قل یا ایها الکافرون» شود، نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند، ولی در نماز جمعه و نمازهای روز جمعه، اگر از روی فراموشی بجای سوره جمعه و منافقون، یکی از آن دو سوره را بخواند، می‌تواند آن را رها کند و سوره جمعه و منافقون را بخواند، و احتیاط واجب آن است که بعد از رسیدن به نصف، رها ننماید.<sup>۶</sup>

\* اگر در نماز جمعه یا نمازهای روز جمعه عمداً سوره «قل هو الله احد» یا سوره «قل یا ایها الکافرون» بخواند، اگرچه به نصف نرسیده باشد - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌تواند رها کند و سوره جمعه و منافقون را بخواند.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۸.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۹.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۱.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۲.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۴.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۵.

\* اگر در نماز، غیر سوره «قل هو الله احد» و «قل یا ایها الکافرون» سوره دیگری بخواند، تا به نصف نرسیده می‌تواند رها کند و سوره دیگر بخواند، و پس از رسیدن به نصف - بنا بر احتیاط - مطلقاً رها کردن آن و عدول به سوره دیگر جایز نیست.<sup>۱</sup>

\* اگر مقداری از سوره را فراموش کند، یا از روی ناچاری مثلاً به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر نشود آن را تمام نماید، می‌تواند آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند اگر چه به نصف هم رسیده باشد، یا سوره‌ای که می‌خوانده «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» باشد، و در صورت فراموشی می‌تواند به همان مقدار که خوانده است اکتفا نماید.<sup>۲</sup>

\* بر مرد - بنا بر احتیاط - واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند، و بر مرد و زن - بنا بر احتیاط - واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.<sup>۳</sup>

\* مرد - بنا بر احتیاط - باید در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند.<sup>۴</sup>

\* زن می‌تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود و موردی باشد که شنوندن صدا به نامحرم حرام است، باید آهسته بخواند، و اگر عمداً بلند بخواند - بنا بر احتیاط واجب - نمازش باطل است.<sup>۵</sup>

\* اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند عمداً بلند بخواند - بنا بر احتیاط واجب - نمازش باطل است. ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است. و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند.<sup>۶</sup>

\* اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند، مثل آنکه آنها را با فریاد بخواند، نمازش باطل است.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۸.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۹.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۰.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۱.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۲.



\* کسی که حمد را به خوبی نمی‌داند باید سعی کند وظیفه خود را انجام دهد، چه با یاد گرفتن یا تلقین باشد، و چه با اقتدا در جماعت، یا تکرار نماز در مورد شک باشد، و اگر وقت تنگ شده است، چنانچه نماز را به طوری که در مسأله پیش گفته شد بخواند، نمازش صحیح است. ولی در صورتی که در یاد گرفتن کوتاهی کرده باشد اگر ممکن باشد، برای فرار از عقوبت، نمازش را به جماعت بخواند.<sup>۱</sup>

\* اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را عمداً یا از روی جهل تقصیری نگوید، یا به جای حرفی دیگر بگوید، مثلاً بجای «ض» «ذ» یا «ز» بگوید، یا زیر و زبر حروف را رعایت نکند به گونه‌ای که غلط شمرده شود، یا تشدید را نگوید، نماز او باطل است.<sup>۲</sup>

\* اگر انسان کلمه‌ای را که یاد گرفته صحیح بداند و در نماز همان‌طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده، لازم نیست دوباره نماز را بخواند.<sup>۳</sup>

\* اگر زیر و زبر کلمه‌ای را نداند، یا نداند مثلاً کلمه‌ای به «ه» است یا به «ح»، باید وظیفه خود را به نحوی انجام دهد، مثلاً یاد بگیرد یا به جماعت بخواند، یا آن را دو جور یا بیشتر بخواند که یقین کند صحیح آن را خوانده است، ولی در این صورت نماز او بر فرضی صحیح است که آن جمله غلط باز هم قرآن یا ذکر به حساب بیاید.<sup>۴</sup>

\* علمای تجوید گفته‌اند اگر در کلمه‌ای واو باشد و حرف قبل از واو در آن کلمه پیش داشته باشد و حرف بعد از واو در آن کلمه همزه باشد، مثل کلمه «سوء» باید آن واو را مدّ بدهد یعنی آن را بکشد. و همچنین اگر در کلمه‌ای «الف» باشد و حرف قبل از الف در آن کلمه زیر داشته باشد، و حرف بعد از الف در آن کلمه همزه باشد، مثل «جاء» باید الف آن را بکشد. و نیز اگر در کلمه‌ای «ی» باشد، و حرف پیش از «ی» در آن کلمه زیر داشته باشد، و حرف بعد از «ی» در آن کلمه همزه باشد، مثل «جیء» باید «ی» را با مدّ بخواند. و اگر بعد از این حروف «واو و الف و یا» بجای همزه حرفی باشد که ساکن است، یعنی زیر و زبر و پیش ندارد، باز هم باید این سه حرف را با مدّ بخواند، ولی ظاهراً صحت قرائت در این چنین موارد توقف بر مدّ ندارد، پس چنانچه به دستوری که گفته شد رفتار نکند، باز هم نماز صحیح است، ولی در مثل «وَلَا الضَّالِّينَ» که تحفّظ بر تشدید، و الف توقف بر مقداری مدّ دارد، باید به همان مقدار الف را مدّ دهد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۴.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۶.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۹.

\* اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال اینکه در دو رکعت اول است حمد بخواند، یا در دو رکعت اول نماز با اینکه گمان می‌کرده در دو رکعت آخر است حمد بخواند، چه پیش از رکوع بفهمد چه بعد از آن، نمازش صحیح است.<sup>۱</sup>

\* اگر در رکوع رکعت سوّم یا چهارم، یا در حال رفتن به رکوع شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.<sup>۲</sup>

\* هرگاه شک کند که آیه یا کلمه‌ای را درست گفته یا نه، مثلاً شک کند که «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را درست گفته یا نه، می‌تواند به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر احتیاطاً آن آیه یا کلمه را دوباره به طور صحیح بگوید اشکال ندارد، و اگر چند مرتبه هم شک کند، می‌تواند چند بار بگوید. اما اگر به وسواس برسد بهتر است تکرار نکند.<sup>۳</sup>

\* مکروه است انسان در هیچ یک از نمازهای یک شبانه‌روز سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را نخواند.<sup>۴</sup>

\* خواندن سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» به یک نفس مکروه است.<sup>۵</sup>

\* سوره‌ای را که در رکعت اول خوانده مکروه است در رکعت دوم بخواند، ولی اگر سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را در هر دو رکعت بخواند مکروه نیست.<sup>۶</sup>

### تسبیحات

\* احتیاط مستحب آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید، و معنای وقف به حرکت آن است، که زیر یا زیر یا پیش آخر کلمه‌ای را بگوید، و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد، مثلاً بگوید: «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرحیم» را زیر بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید: «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ». و معنای وصل به سکون آن است که زیر یا زیر یا پیش کلمه‌ای را نگویید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسبانید، مثل آنکه بگوید: «الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» و میم «الرحیم» را زیر ندهد و فوراً «مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را بگوید.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۷.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۰۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۰۲.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۰۵.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۰۶.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۰۷.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۰.

\* در رکعت سوّم و چهارم نماز می‌تواند فقط یک حمد بخواند، یا یک مرتبه تسبیحات اربعه بگوید، یعنی یک مرتبه بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»، و بهتر آن است که سه مرتبه بگوید. و می‌تواند در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید. و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند.<sup>۱</sup>

\* در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید، و اگر به مقدار آن هم وقت ندارد، کافی است یک مرتبه «سبحان الله» بگوید.<sup>۲</sup>

\* بر مرد و زن - بنا بر احتیاط - واجب است که در رکعت سوّم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند.<sup>۳</sup>

\* اگر در رکعت سوّم و چهارم حمد بخواند، واجب نیست «بسم الله» آن را هم آهسته بگوید مگر آنکه مأموم باشد که در این صورت احتیاط واجب آن است، که «بسم الله» را هم آهسته بگوید.<sup>۴</sup>

\* کسی که نمی‌تواند تسبیحات را یاد بگیرد یا درست بخواند، باید در رکعت سوّم و چهارم حمد بخواند.<sup>۵</sup>

\* اگر در دو رکعت اول نماز به خیال اینکه دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید، چنانچه پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند، و اگر در رکوع یا بعد از رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.<sup>۶</sup>

\* اگر در رکعت سوّم یا چهارم می‌خواست حمد بخواند تسبیحات به زبانش آمد، یا می‌خواست تسبیحات بخواند حمد به زبانش آمد، چنانچه به کلی خالی از قصد نماز بوده - حتی در ضمیر ناخود آگاه - باید آن را رها کند و دوباره حمد، یا تسبیحات را بخواند، ولی اگر خالی از قصد نبوده مثل آنکه عادتش خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده، می‌تواند همان را تمام کند، و نمازش صحیح است.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۴.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۵.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۶.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۸.

\* کسی که عادت دارد در رکعت سوّم و چهارم تسبیحات بخواند، اگر از عادت خود غفلت نماید و به قصد اداء وظیفه مشغول خواندن حمد شود، کفایت می‌کند، و لازم نیست دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند.<sup>۱</sup>

\* در رکعت سوّم و چهارم مستحب است بعد از تسبیحات، استغفار کند، مثلاً بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» یا بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي»، و اگر نمازگزار پیش از استغفار و خم شدن برای رکوع، شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید حمد یا تسبیحات را بخواند. و اگر در حال گفتن استغفار یا بعد از آن شک کند، باز هم - بنا بر احتیاط واجب - باید حمد یا تسبیحات را بخواند.<sup>۲</sup>

### مستحبات قرائت

\* در نماز جمعه و در نماز صبح و ظهر و عصر روز جمعه، و عشای شب جمعه، مستحب است در رکعت اوّل بعد از حمد سوره جمعه، و در رکعت دوّم بعد از حمد سوره منافقون را بخواند، و اگر مشغول یکی از اینها در نمازهای روز جمعه شود - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند.<sup>۳</sup>

\* انسان باید قرائت نماز را صحیح بخواند، و کسی که به هیچ قسم نمی‌تواند همه سوره حمد را صحیح بخواند، باید به همان نحو که می‌تواند بخواند، اگر مقداری را که صحیح می‌خواند معتنا به باشد، ولی اگر آن مقدار ناچیز باشد، باید - بنا بر احتیاط واجب - مقداری از بقیه قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند و به آن ضمیمه کند، و اگر نمی‌تواند باید تسبیح را به آن ضمیمه کند. و اما کسی که نمی‌تواند به کلی سوره را صحیح بخواند، لازم نیست چیزی عوض آن بخواند. و در هر صورت احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت بجا آورد.<sup>۴</sup>

\* مزد گرفتن برای یاد دادن واجبات نماز - بنا بر احتیاط - حرام است، ولی مزد گرفتن برای یاد دادن مستحبات آن جایز است.<sup>۵</sup>

\* مستحب است در رکعت اوّل، پیش از خواندن حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». و در رکعت اوّل و دوّم نماز ظهر و عصر «بِسْمِ اللَّهِ» را بلند بگوید، و حمد و سوره را شمرده بخواند، و در آخر هر آیه وقف کند، یعنی آن را به آیه بعد نچسباند، و در حال خواندن حمد و سوره به معنای آیه توجه داشته باشد، و اگر نماز را به جماعت می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد امام، و اگر فردای می‌خواند، بعد از آنکه حمد خودش تمام شد، بگوید «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، و بعد از خواندن سوره «قل هو الله

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۹۹.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۰۰.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۷۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۳.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۸۵.

احد»، یک یا دو یا سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا» بگوید، و بعد از خواندن سوره کمی صبر کند، بعد تکبیر پیش از رکوع را بگوید، یا قنوت را بخواند.<sup>۱</sup>

\* مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول، سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»، و در رکعت دوم، سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند.<sup>۲</sup>

## رکوع

\* نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت باید رکوع کند؛ یعنی طوری که در ادامه ذکر می‌شود، خم شود.<sup>۳</sup>

\* واجبات رکوع عبارت است از:

۱. خم شدن
۲. قیام قبل از رکوع (متصل به رکوع)
۳. ذکر رکوع
۴. استقرار و آرامش بدن
۵. قیام بعد از رکوع.<sup>۴</sup>

## خم شدن

\* کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد؛ مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می‌رسد، یا زانوی او پایین‌تر از مردم دیگر است که باید زیاد خم شود تا دستش به زانو برسد، باید به اندازه معمول خم شود.<sup>۵</sup>

\* کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و احتیاط مستحب است به قدری خم شود که صورت مقابل جای سجده برسد.<sup>۶</sup>

\* خم شدن باید به قصد رکوع باشد، پس اگر به قصد کار دیگر مثلاً برای کشتن جانوری خم شود، نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه باید بایستد و دوباره برای رکوع خم شود، و به واسطه این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۰۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۰۴.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۱۱.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث رکوع، ص ۳۵۶.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۱۶.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۱۷.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۱.

\* کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد، و بهتر است به قدری خم شود که صورت مقابل جای سجده برسد.<sup>۱</sup>

\* هرگاه نتواند به اندازه رکوع خم شود، باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند، و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به اندازه‌ای که عرفاً به آن رکوع گفته شود خم شود، و اگر به این مقدار نیز نتواند خم شود، باید برای رکوع با سر اشاره نماید.<sup>۲</sup>

\* کسی که برای رکوع باید با سر اشاره کند اگر نتواند با سر اشاره کند، باید به نیت رکوع چشم‌ها را بر هم بگذارد و ذکر آن را بگوید، و به نیت برخاستن از رکوع چشم‌ها را باز کند، و اگر از این هم عاجز است باید در قلب خود نیت رکوع کند - و بنا بر احتیاط واجب - با دست خود برای رکوع اشاره کند و ذکر آن را بگوید و در این صورت اگر ممکن است - بنا بر احتیاط واجب - جمع کند بین این عمل و اشاره به رکوع در حال نشستن.<sup>۳</sup>

\* کسی که نمی‌تواند ایستاده رکوع کند ولی برای رکوع می‌تواند در حالی که نشسته است خم شود، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید، و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند، و موقع رکوع آن بنشیند و برای رکوع خم شود.<sup>۴</sup>

\* اگر عمداً بعد از رسیدن به حد رکوع سر بردارد، و دو مرتبه به اندازه رکوع خم شود، نمازش باطل است.<sup>۵</sup>

\* کسی که بر اثر کهولت سن یا بیماری و آسیب دیدگی نتواند به اندازه رکوع خم شود چه باید بکند؟ - به هر مقدار که عرفاً صدق رکوع کند خم شود و اگر ممکن نشد با سر اشاره به رکوع کند و اگر ممکن نبود با چشم اشاره کند.<sup>۶</sup>

\* شخصی که نشسته نماز می‌خواند برای رکوع باید چه اندازه خم شود؟

- اگر بر زمین نشسته است کافی است به قدری خم شود که پیشانی موازی زانوها شود.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۴.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۵.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۸.

۷. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۸.

\* کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد، مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می‌رسد، یا زانوی او پایین‌تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد، باید به اندازه معمول خم شود.<sup>۱</sup>

\* شخص آسیب دیده یا مریضی که نشسته رکوع می‌کند کیفیت رکوع او در این حال چگونه است؟ - باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورت مقابل جای سجده برسد.<sup>۲</sup>

\* چنانچه آسیب دیده جسمی - حرکتی یا کم توان ذهنی که نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، نتواند به اندازه رکوع خم شود تکلیف او در رابطه با رکوع چیست؟ - باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند، و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به اندازه‌ای که عرفاً به آن رکوع گفته شود خم شود، و اگر به این مقدار نیز نتواند خم شود، باید برای رکوع با سر اشاره نماید.<sup>۳</sup>

\* اگر شخص آسیب دیده جسمی - حرکتی اصلاً ولو با تکیه دادن نتواند خم شود تکلیف او درباره رکوع نمازش چیست؟ - باید برای رکوع با سر اشاره کند.<sup>۴</sup>

\* کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خمی شود به زانو می‌رسد یا زانوی او پایین‌تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد وظیفه‌اش در رابطه با رکوع چیست؟ - باید به اندازه معمول خم شود.<sup>۵</sup>

\* هر گاه نتواند به اندازه رکوع خم شود، باید به چیزی تکیه دهد و از حال ایستاده رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به اندازه‌ای که عرفاً به آن رکوع گفته

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۲.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۲۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۳.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۲.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۲.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۲.

می‌شود، خم شود و اگر به این مقدار نیز نتواند خم شود، باید برای رکوع در حال ایستاده با سر اشاره نماید و اگر به طور کلی از ایستادن در نماز عاجز باشد، باید رکوع را نشسته انجام دهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که نمی‌تواند ایستاده رکوع کند ولی برای رکوع می‌تواند در حالی که نشسته است خم شود، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و برای رکوع خم شود.<sup>۲</sup>

\* کسی که برای رکوع باید با سر اشاره کند، اگر نتواند با سر اشاره کند، باید به نیت رکوع چشم‌ها را بر هم بگذارد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع، چشم‌ها را باز کند و اگر از این هم ناتوان است، باید در قلب خود نیت رکوع کند و بنا بر احتیاط واجب، با دست خود یا مانند آن برای رکوع اشاره کند و ذکر آن را بگوید و در این صورت آخر، اگر نمازگزار می‌تواند در حال نشسته رکوع را با اشاره با سر انجام دهد، باید بنا بر احتیاط واجب، نماز را هم ایستاده (که رکوع آن با نیت در قلب و همراه با اشاره دست و امثال آن باشد) بخواند و هم نشسته (که رکوع آن با اشاره به سر انجام شود) بجا آورد.<sup>۳</sup>

\* اگر شخصی بتواند قیام و رکوع نمازش را ایستاده به جا آورد ولی نتواند در حالت ایستاده به سجده برود وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر مشکل نشست و برخاست باشد می‌تواند با خم کردن سر در حال ایستادن سجود کند.<sup>۴</sup>

\* آیا با داشتن مرض و عذر موجه می‌توانیم در خواندن نماز به حالت نیمه خیز نماز خواند؟ حکم نماز خواندن بر روی میز چیست؟  
- می‌توانید و اگر از نماز خواندن در حال نشستن با رکوع و سجود عاجز باشید می‌توانید روی میز با ایما برای رکوع و سجود نماز بخوانید.<sup>۵</sup>

### ذکر رکوع

\* اگر شخص آسیب دیده بتواند به رکوع برود ولی به مقدار ذکر نمی‌تواند در رکوع بماند وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر نتواند به مقدار ذکر ولو یک «سبحان الله» در حال رکوع بماند هر چند بدون آرامش واجب نیست بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که ذکر را بگوید هر چند بقیه آن را در حال برخاستن و قصد قربت مطلقه بگوید یا قبل از آن شروع کند.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۲۸.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۲۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۳۰.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.



\* اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است. و اگر سهواً سر بردارد اعاده ذکر لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* بعد از تمام شدن ذکر رکوع باید راست بایستد - و بنا بر احتیاط واجب - بعد از آنکه بدن آرام گرفت به سجده رود، و اگر عمداً پیش از ایستادن به سجده رود، نمازش باطل است. و همچنین - بنا بر احتیاط واجب - اگر عمداً پیش از آرامش گرفتن بدن به سجده رود.<sup>۳</sup>

\* اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید، باید بایستد بعد به رکوع رود، و کفایت نمی‌کند به حالت خمیدگی به رکوع برگردد.<sup>۴</sup>

\* اگر بعد از آنکه پیشانی به زمین رسید، یادش بیاید که رکوع نکرده لازم است برگردد و رکوع را بعد از ایستادن بجا آورد، و در صورتی که در سجده دوم یادش بیاید، نمازش - بنا بر احتیاط لازم - باطل است.<sup>۵</sup>

### استقرار و آرامش بدن

\* اگر به سبب بیماری و مانند آن، نتواند در رکوع آرام بگیرد، نمازش صحیح است؛ ولی باید پیش از آنکه از حد رکوع خارج شود، ذکر واجب را بگوید و چنانچه نتواند به مقدار ذکر واجب - هر چند یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» و هر چند بدون آرامش - در حد رکوع بماند، واجب نیست ذکر را بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که ذکر را بگوید، هر چند بقیه آن را در حال برخاستن به قصد قربت مطلقه بگوید (یعنی خصوص ذکر واجب نماز را نیت نکند بلکه به این قصد که این ذکر به طور کلی مطلوب و دارای ثواب است بگوید) و یا اینکه قبل از رسیدن به حد رکوع به قصد قربت مطلقه شروع کند.<sup>۶</sup>

\* اگر به واسطه مرض و مانند آن در رکوع آرام نگیرد نمازش صحیح است ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب را به نحوی که گذشت بگوید.<sup>۷</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۹.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۷.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۸.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۲۶.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۱.

\* اگر فرد آسیب دیده ذهنی یا معلول جسمی - حرکتی یا مریض در رکوع آرام نمی‌گیرد نمازش چه حکمی دارد؟

- نمازش صحیح است ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود ذکر واجب یعنی «سبحان الله ربی العظیم و بحمده» یا سه مرتبه «سبحان الله» را بگوید.<sup>۱</sup>

\* اگر شخص معلول یا مریضی که نماز را نشسته می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره نتواند رکوع را ایستاده به جا آورد، وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر نتواند، باید رکوع را هم نشسته به جا آورد.<sup>۲</sup>

### سجود

\* واجبات سجده عبارت‌اند از:

۱. قرار دادن قسمت‌های هفت‌گانه بر زمین

۲. ذکر سجده

۳ و ۴. نشستن بین دو سجده و بنا بر احتیاط واجب نشستن بعد از سجده دوم

۵. استقرار و آرامش بدن

۶. هم‌سطح بودن پیشانی نسبت به انگشتان شست و دوزانو

۷. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.<sup>۳</sup>

\* در سجده باید دو کف دست (که شامل انگشتان هم می‌شود) را بر زمین بگذارد و بنا بر احتیاط واجب، در صورت امکان همه کف دست را بر زمین بگذارد ولی در حال ناچاری و اضطرار پشت دست هم مانعی ندارد و اگر پشت دست هم ممکن نباشد، بنا بر احتیاط واجب، باید میچ دست را بر زمین بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند، تا آرنج هر جا را که می‌تواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست، گذاشتن بازو کافی است.<sup>۴</sup>

\* در سجده باید دو کف دست را بر زمین بگذارد - و بنا بر احتیاط واجب - در صورت امکان همه کف دست را بگذارد، ولی در حال ناچاری پشت دست هم مانعی ندارد، و اگر پشت دست هم ممکن نباشد

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۱.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث سجده، ص ۳۶۱.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۳۷.

- بنا بر احتیاط واجب - باید مچ دست را بر زمین بگذارد، و چنانچه آن را هم نتواند، تا آرنج هر جا را که می‌تواند بر زمین بگذارد، و اگر آن هم ممکن نیست گذاشتن بازو کافی است.<sup>۱</sup>

\* در سجده باید دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد، ولی لازم نیست که سر دو انگشت را بر زمین بگذارد بلکه گذاشتن پشت یا روی آنها نیز کفایت می‌کند. و اگر انگشت بزرگ را نگذارد و انگشت‌های دیگر پا یا روی پا را بر زمین بگذارد، یا به واسطه بلند بودن ناخن، شست به زمین نرسد نماز باطل است، و کسی که از روی تقصیر و ندانستن مسأله نمازهای خود را این‌طور خوانده، باید دوباره بخواند.<sup>۲</sup>

\* کسی که مقداری از شست پایش بریده، باید بقیه آن را بر زمین بگذارد، و اگر چیزی از آن نمانده، یا اگر مانده خیلی کوتاه است که نمی‌توان آن را به هیچ وجه بر زمین یا چیز دیگری گذاشت، بنا بر احتیاط واجب - باید بقیه انگشتان را بگذارد؛ و اگر هیچ انگشت ندارد، هر مقداری که از پا باقی مانده بر زمین بگذارد.<sup>۳</sup>

\* کسی که مقداری از انگشت شست پایش قطع شده است، باید بقیه آن را بر زمین بگذارد و اگر چیزی از آن نمانده، یا اگر مانده خیلی کوتاه است که نمی‌توان آن را به هیچ وجه بر زمین یا چیز دیگری گذاشت، بنا بر احتیاط واجب، باید بقیه انگشتان را بگذارد و اگر هیچ انگشتی در پاهایش وجود ندارد، هر مقداری که از پا باقی مانده بر زمین بگذارد، کافی است.<sup>۴</sup>

\* بدن نمازگزار در حال سجود باید آرام باشد و نباید بدن خود را، به اختیار طوری حرکت دهد که از حال آرام بودن خارج شود؛ حتی بنا بر احتیاط واجب زمانی که مشغول ذکر واجب نیست.<sup>۵</sup>

\* اگر در پیشانی دمل یا زخم و مانند آن باشد که نتواند آن را، هر چند بدون فشار، بر زمین بگذارد، چنانچه آن دمل مثلاً همه پیشانی را فرا نگرفته باشد، باید با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر برای سجده کردن با جای سالم پیشانی لازم باشد زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد بر زمین بگذارد، باید این کار را انجام دهد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۴۷.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۴۸.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۴۹.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۴۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۴۸.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۸۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۲.

\* اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را فراگرفته باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید بقیه پیشانی (دو طرف باقیمانده از پیشانی یا یکی از دو طرف آن) را هر طور که می‌تواند بر زمین بگذارد و اگر نتواند قسمت باقیمانده پیشانی را بر زمین بگذارد، احتیاط لازم آن است که در صورت امکان، به چانه سجده کند و اگر نمی‌تواند به چانه سجده کند، به یکی از دو طرف پیشانی که آن را جبین یا شقیقه می‌نامند، سجده نماید و اگر این کار را هم نتواند انجام دهد، به یک قسمت از اجزای دیگر صورت سجده کند و اگر سجده کردن با صورت، به هیچ وجه - هر چند با معالجه - ممکن نباشد، باید برای سجده با سر یا چشمش اشاره کند.<sup>۱</sup>

\* کسی که می‌تواند بنشیند ولی نمی‌تواند پیشانی را بر زمین برساند، اگر بتواند به قدری خم شود که عرفاً سجده بر آن صدق کند، باید به آن مقدار خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است، روی مکان بلندی گذاشته و پیشانی را بر آن بگذارد؛ ولی باید کف دست‌ها و زانو‌ها و انگشتان پا را در صورت امکان به طور معمول بر زمین بگذارد و اگر در این صورت، مکان بلندی نباشد که مهر یا شیء دیگری که سجده بر آن صحیح است را روی آن قرار دهد و کسی هم نباشد که مثلاً مهر را بلند کند و بگیرد تا آن شخص بر آن سجده نماید، باید مهر یا شیء دیگر را با دست بلند کرده و بر آن سجده نماید.<sup>۲</sup>

\* کسی که به هیچ وجه نمی‌تواند سجده نماید، یا آنکه می‌تواند مقداری خم شود، ولی بر آن مقدار، عرفاً سجده صدق نکند، باید برای سجده با سر اشاره کند و اگر نتواند، باید با چشم‌ها اشاره نماید و اگر با چشم‌ها هم نمی‌تواند اشاره کند، باید در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط لازم، با دست و مانند آن برای سجده اشاره کند و ذکر واجب را بگوید.<sup>۳</sup>

\* اگر پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد، و این یک سجده حساب می‌شود - چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه - و اگر نتواند سر را نگهدارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد، همان یک سجده حساب می‌شود، ولی اگر ذکر نگفته باشد احتیاط واجب آن است که آن را بگوید، ولی باید به قصد قربت مطلقه باشد و قصد جزئیت نکند.<sup>۴</sup>

\* اگر روی تشک پر و مانند آن سجده کند، در صورتی که بدن روی آن آرام نگیرد، باطل است.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۸۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۳؛ توضیح اشاره با سر یا چشم به جای سجده در دو مسأله بعد یعنی مسأله ۱۲۸۶ از جلد اول کتاب توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی آمده است.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۸۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۴ و ۱۰۵۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۷.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۹.

\* عدم تماس هفت موضع هنگام سجده برای معلولین چه حکمی دارد؟  
- ضرورت ندارد.<sup>۱</sup>

\* کسی که یکی از انگشتان دستش کج می‌باشد و مثل بقیه انگشتان به راحتی روی زمین قرار نمی‌گیرد وظیفه‌اش چیست؟  
- لازم نیست بر زمین بگذارد.<sup>۲</sup>

\* افرادی که کف دستشان عادی نیست چگونه باید کف دست را به زمین بگذارند آیا لازم است جای متناسب با کف دست درست کنند؟  
- اگر ممکن است طوری دست را بر زمین بگذارند که همه کف دست تقریباً به زمین برسد و اگر ممکن نشد به همان نحو که ممکن است اکتفا کند.<sup>۳</sup>

\* کسی که یکی از انگشتان شصت پایش کج است و مثل بقیه انگشت‌ها به راحتی روی زمین قرار نمی‌گیرد وظیفه‌اش چیست؟  
- هر قسمتی از انگشت شصت بر زمین باشد کافی است و اگر ممکن نیست ساقط است.<sup>۴</sup>

\* معلولینی که دست و پای آن مصنوعی است هنگام سجده و قرار گرفتن مواضع سجده بر زمین چه تکلیفی دارند؟  
- واجب نیست دست یا پای مصنوعی را بر زمین بگذارند.<sup>۵</sup>

\* کسی که مقداری از شصت پایش بریده است برای سجده وظیفه‌اش چیست؟  
- باید بقیه آن را به زمین بگذارد.<sup>۶</sup>

\* اگر شخصی که شصت پایش بریده است چیزی از آن باقی نمانده یا اگر باقی مانده خیلی کوتاه است یا نمی‌تواند به زمین بگذارد برای سجده چه کند؟  
- بنا بر احتیاط واجب باید بقیه انگشتان را بگذارد.<sup>۱</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۳؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی

سیستانی، م ۱۰۴۹.

\* اگر شخصی اصلاً انگشت پا ندارد چگونه باید سجده کند؟  
- باید هر مقداری که از پا باقی مانده به زمین بگذارد.<sup>۲</sup>

\* کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند برای سجده وظیفه‌اش چیست؟  
- کسی که می‌تواند بنشیند ولی نمی‌تواند پیشانی را بر زمین برساند، اگر بتواند به قدری خم شود که عرفاً سجده بر آن صدق کند باید به آن مقدار خم شود، و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است، روی چیز بلندی گذاشته و پیشانی را بر آن بگذارد، ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را در صورت امکان به طور معمول بر زمین بگذارد.<sup>۳</sup>

\* اگر چیز بلندی نباشد که مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است بر آن بگذارد چگونه باید سجده کند؟  
- اگر چیز بلندی نباشد که مهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است بگذارد، و کسی هم نباشد که مثلاً مهر را بلند کند و بگیرد تا آن شخص بر آن سجده کند، باید مهر یا چیز دیگر را با دست بلند کرده و بر آن سجده نماید.<sup>۴</sup>

\* آسیب دیده جسمی - حرکتی که اصلاً نمی‌تواند برای سجده خم شود، وظیفه‌اش در رابطه با سجده نماز چیست؟  
- باید برای سجده با سر اشاره کند، و اگر نتواند باید با چشم‌ها اشاره نماید، و اگر با چشم‌ها هم نمی‌تواند اشاره کند باید در قلب نیت سجده کند - و بنا بر احتیاط لازم - با دست و مانند آن برای سجده اشاره کند، و ذکر واجب را بگوید.<sup>۵</sup>

\* اگر شخصی بتواند قیام و رکوع نمازش را ایستاده به جا آورد ولی نتواند در حالت ایستاده به سجده برود وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر مشکل نشست و برخاست باشد می‌تواند با خم کردن سر در حال ایستادن سجود کند.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۰-۱۸۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۴۹.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۴۹.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۴.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۵.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۶.

### سجده‌های واجب قرآن

\* در هر یک از چهار سوره «سجده» و «فصلت» و «النجم» و «علق» یک آیه سجده است که اگر انسان بخواند یا گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند، و اگر فراموش کرد هر وقت یادش آمد باید سجده نماید. و در شنیدن بدون اختیار سجده واجب نیست، اگرچه بهتر سجده نمودن است.<sup>۲</sup>

\* اگر انسان موقعی که آیه سجده را گوش دهد، خودش نیز بخواند، باید دو سجده نماید.<sup>۳</sup>

\* در غیر نماز اگر در حال سجده، آیه سجده را بخواند یا گوش کند، باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.<sup>۴</sup>

\* اگر انسان شخصی خواب یا دیوانه یا بچه‌ای که قرآن را تشخیص نمی‌دهد، آیه سجده‌دار را بخواند و فرد آن را گوش دهد، سجده واجب است؛ ولی اگر از ضبط صوت یا لوح‌های فشرده (CD یا DVD) و مانند آن، آیه سجده‌دار را گوش کند، سجده واجب نیست و در پخش رادیویی یا تلویزیونی نیز اگر صدای قرآن قبلاً ضبط شده و پخش می‌شود، همین حکم را دارد؛ ولی اگر شخصی در ایستگاه رادیو یا تلویزیون آیه سجده‌دار را بخواند و به طور مستقیم پخش شود و فرد آن را گوش دهد، سجده، واجب است.<sup>۵</sup>

\* در سجده واجب قرآن - بنا بر احتیاط واجب - باید جای انسان غصبی نباشد، - و بنا بر احتیاط مستحب - جای پیشانی او از جای زانوها و سر انگشتانش بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست‌تر نباشد، ولی لازم نیست با وضو یا غسل و رو به قبله باشد، و عورت خود را بپوشاند، و بدن و جای پیشانی او پاک باشد. و نیز چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط می‌باشد در لباس او شرط نیست.<sup>۶</sup>

\* احتیاط واجب آن است که در سجده واجب قرآن، پیشانی را بر مهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است گذاشته، - و بنا بر احتیاط مستحب - جاهای دیگر بدن را به دستوری که در سجده نماز گفته شد بر زمین بگذارد.<sup>۷</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۷۹.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۸۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۸۱.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۸۲؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۹۵.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۸۳.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۸۴.

\* هرگاه در سجده واجب قرآن پیشانی را به قصد سجده بر زمین بگذارد اگر چه ذکر نگوید کافی است. و گفتن ذکر مستحب است، و بهتر این است که بگوید: «لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إيمَانًا وَ تَصَدِيقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا، سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا، لَا مُسْتَنْكَفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا، بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».<sup>۱</sup>

### ترتیب

\* اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند، یا سجود را پیش از رکوع بجا آورد، نمازش باطل می شود.<sup>۲</sup>

\* اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد، مثلاً پیش از آنکه رکوع کند دو سجده نماید، نمازش - بنا بر احتیاط واجب - باطل است.<sup>۳</sup>

\* اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد، مثلاً پیش از آنکه دو سجده کند، تشهد بخواند، باید رکن را بجا آورد و آنچه اشتبهاً پیش از آن خوانده دوباره بخواند.<sup>۴</sup>

\* اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد، مثلاً حمد را فراموش کند مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.<sup>۵</sup>

\* اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند، و چیزی را که بعد از آن است و آن هم رکن نیست بجا آورد، مثلاً حمد را فراموش کند و سوره را بخواند، باید آنچه را فراموش کرده بجا آورد، و بعد از آن چیزی را که اشتبهاً جلوتر خوانده دوباره بخواند.<sup>۶</sup>

\* اگر سجده اول را به خیال اینکه سجده دوم است، یا سجده دوم را به خیال اینکه سجده اول است بجا آورد، نمازش صحیح است، و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب می شود.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۸۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۹۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۹۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۹۶.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۹۷.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۹۸.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۹۹.



## موالات

\* انسان باید نماز را با موالات بخواند، یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پی‌درپی و پشت سر هم بجا آورد، و چیزهایی را که در نماز می‌خواند به طوری که معمول است پشت سر هم بخواند، و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.<sup>۱</sup>

\* اگر در نماز سهواً بین حرف‌ها یا کلمات فاصله بیندازد، و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود، چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد، باید آن حرف‌ها یا کلمات را به طور معمول بخواند، و در صورتی که چیزی بعد از آن خوانده شده لازم است تکرار نماید، و اگر مشغول رکن بعد شده باشد، نمازش صحیح است.<sup>۲</sup>

\* طول دادن رکوع و سجود، و خواندن سوره‌های بزرگ، موالات را به هم نمی‌زند.<sup>۳</sup>

## مبطلات

\* دوازده چیز نماز را باطل می‌کند، و آنها را «مبطلات» می‌گویند:

اول: آنکه در بین نماز یکی از شرط‌های آن از بین برود، مثلاً در بین نماز بفهمد لباسش نجس است.<sup>۴</sup>  
دوم: آنکه در بین نماز عمداً یا سهواً، یا از روی ناچاری، چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلاً بول از او بیرون آید، هرچند بنا بر احتیاط واجب - پیش آمدن آن پس از تمام شدن سجده آخر نماز، از روی سهو یا ناچاری باشد. ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود، چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد رفتار نماید، نمازش باطل نمی‌شود. و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است.<sup>۵</sup>

\* آیا نجس بودن دست یا پای مصنوعی باعث بطلان نماز می‌شود؟

- باعث بطلان نیست.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۰۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۰۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۰۲.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

\* کسی که بی اختیار خوابش برده، اگر نداند که در بین نماز خوابش برده یا بعد از آن، لازم نیست نمازش را دوباره بخواند، به شرط آنکه بداند آنچه از نماز بجا آورده به اندازه‌ای که عرفاً آن را نماز بگویند بوده است.<sup>۱</sup>

\* اگر بداند به اختیار خودش خوابیده، و شک کند که بعد از نماز بوده یا در بین نماز یادش رفته که مشغول نماز است و خوابیده، نمازش با شرطی که در مسأله پیش گفته شد، صحیح است.<sup>۲</sup>

\* اگر در حال سجده از خواب بیدار شود، و شک کند که در سجده آخر نماز است یا در سجده شکر، چه بداند به اختیار خوابیده یا بی اختیار خوابش برده است، حکم به صحت آن می‌شود و اعاده لازم نیست.<sup>۳</sup>

\* اگر به مقدار وضو و قسمتی از نماز مهلت پیدا می‌کند و در بین نماز یک دفعه یا چند دفعه بول یا غائط از او خارج می‌شود، احتیاط لازم آن است که در مهلتی که دارد وضو گرفته و نماز بخواند، ولی در میان نماز لازم نیست به سبب بول یا غائط خارج شده وضو را تجدید کند.<sup>۴</sup>

\* اگر در بین نماز عمداً یا سهواً، یا از روی ناچاری، عملی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلاً ادرار از او بیرون آید یا باد از او خارج شود یا بخوابد، نمازش باطل می‌شود؛ هر چند بتواند در بین نماز بدون از بین رفتن موالات یا به هم خوردن صورت نماز، مثلاً وضو بگیرد و همه واجبات نماز را با طهارت به جا آورد.

البته این حکم در یک صورت بنا بر احتیاط واجب است و آن صورتی است که باطل شدن وضو یا غسل، پس از تمام شدن سجده آخر نماز از روی سهو یا ناچاری باشد. و کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، اگر در بین نماز ادرار یا مدفوع از او خارج شود، چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد رفتار نماید، نمازش باطل نمی‌شود و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است.<sup>۵</sup>

\* به دلیل دشواری غسل برای معلولان، برخی از آنان که دچار احتلام‌های شبانه می‌شوند و غسل بر آنها واجب می‌شود آن را مخفی کرده و از تیمم بدل از غسل استفاده می‌نمایند. حکم شرعی این مسئله چگونه است؟

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۷.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۳۴۴.

- اگر نتواند از کسی کمک بگیرد، کافی است و گرنه نماز باطل است.<sup>۱</sup>

سوم: از مبطلات نماز آن است که دست‌ها را به قصد خضوع و ادب روی هم بگذارد، ولی باطل شدن نماز به این کار بنا بر احتیاط است هر چند در حرام بودنش اگر به قصد مشروعیت آورده شود، شکی نیست.<sup>۲</sup>

\* هرگاه از روی فراموشی یا ناچاری یا تقیه، یا برای کار دیگر مثل خاراندن دست و مانند آن، دست‌ها را روی هم بگذارد، اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

چهارم: از مبطلات نماز آن است که بعد از خواندن حمد، «آمین» بگوید، و باطل شدن نماز به گفتن «آمین» در غیر مأموم بنا بر احتیاط است هر چند در حرام بودنش چنانچه به قصد مشروعیت آورده شود، شکی نیست، و در هر حال اگر «آمین» را اشتبهاً، یا از روی تقیه بگوید، نمازش اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

پنجم: از مبطلات نماز برگشتن از قبله بدون عذر است، و اما اگر با عذر باشد مثل فراموشی، یا به سبب امر قهری - مانند باد شدیدی که او را از قبله برگرداند - چنانچه به طرف راست یا چپ نرسد، نماز او صحیح است، ولی لازم است که بعد از برطرف شدن عذر فوراً به طرف قبله برگردد. و اما اگر به طرف راست و یا چپ برسد یا پشت به قبله شود، اگر فراموش کرده باشد، یا غافل باشد، یا در تشخیص قبله اشتباه کرده باشد، و وقتی متذکر یا متوجه شود که اگر نماز را قطع کند می‌تواند دوباره آن را رو به قبله بخواند - هر چند یک رکعت از آن در وقت واقع شود - باید نماز را از سر بگیرد و گرنه به همان نماز اکتفا می‌کند، و قضا بر او لازم نیست، و همچنین است اگر برگشت او از قبله به واسطه امر قهری باشد، پس چنانچه بتواند که بدون برگشتن از قبله نماز را دوباره در وقت بخواند - هر چند یک رکعت از آن در وقت واقع شود - باید نماز را از سر بگیرد، و گرنه باید همان نماز را تمام کند و اعاده و قضا بر او لازم نیست.<sup>۵</sup>

\* اگر صورت خود را فقط از قبله برگرداند، ولی بدنش به طرف قبله باشد، چنانچه به حدی گردن را کج کند که بتواند مقداری از پشت سرش را ببیند، حکم او همان حکم برگشتن از قبله است که قبلاً ذکر شده، و اگر انحراف او به این حد نباشد ولی عرفاً زیاد باشد - بنا بر احتیاط واجب - باید اعاده کند. و اما اگر مقدار کمی گردنش را کج کند، نمازش باطل نمی‌شود، هر چند این کار مکروه است.<sup>۶</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۷.

\* اگر بدن نمازگزار از قبله برگردد، ولی این انحراف از قبله با عذر باشد، مثل آنکه، به علت فراموشی، یا به سبب چیزی که او را بی‌اختیار از قبله منحرف کند، مانند باد شدید، از قبله برگردد، دو صورت دارد:

الف. چنانچه انحراف نمازگزار از قبله به طرف راست یا چپ نرسد، نماز او صحیح می‌باشد؛ ولی لازم است در صورتی که عذرش در بین نماز برطرف شده، فوراً به طرف قبله برگردد.

ب. اگر انحراف نمازگزار از قبله به طرف راست یا چپ برسد یا نمازگزار پشت به قبله شود، چنانچه عذر وی در وقت نماز برطرف شود به گونه‌ای که بتواند نمازش - هر چند یک رکعت از آن - را در وقت دوباره بخواند، باید این کار را انجام دهد؛ مثل وقتی که در تشخیص قبله اشتباه کرده و با انحراف (۹۰)، یا بیش از (۹۰) درجه نماز خوانده و دقایقی قبل از پایان وقت که می‌تواند حداقل یک رکعت را در وقت بخواند متوجه اشتباه خودش شده است.

و اگر به این مقدار وقت ندارد یا بعد از وقت عذرش برطرف گردد، نمازی که با آن حال خوانده صحیح است.<sup>۱</sup>

ششم: از مبطلات نماز آن است که عمداً تکلم کند، هر چند به کلمه‌ای که بیش از یک حرف نداشته باشد اگر آن حرف در معنای خودش باشد مثل «ق» که در زبان عربی به معنای این است که «نگهداری کن»، یا به معنای دیگری باشد مثل «ب» در جواب کسی که از حرف دوم الفبا سؤال کند، و چنانچه هیچ معنایی نباشد اگر مرکب از دو حرف یا بیشتر باشد، باز هم - بنا بر احتیاط - مبطل نماز است.<sup>۲</sup>

\* اگر سهواً کلمه‌ای بگوید که یک حرف یا بیشتر دارد، اگرچه آن کلمه معنی داشته باشد، نمازش باطل نمی‌شود. ولی - بنا بر احتیاط، - لازم است بعد از نماز سجده سهو بجا آورد چنانکه خواهد آمد.<sup>۳</sup>

\* سرفه کردن و آروغ زدن در نماز اشکال ندارد، و احتیاط لازم آن است که در نماز اختیاراً «آه» نکشد و ناله نکند. و اما گفتن «آخ» و «آه» و مانند اینها، اگر عمدی باشد، نماز را باطل می‌کند.<sup>۴</sup>

\* اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید، مثلاً به قصد ذکر بگوید «الله اکبر» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند، اشکال ندارد. و همچنین اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید هر چند بداند که این کار سبب می‌شود که کسی متوجه مطلبی شود، اشکال ندارد. ولی اگر اصلاً قصد ذکر نکند، یا قصد هر دو امر را بکند به نحوی که لفظ را هر دو معنی به کار برده باشد، نمازش

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۳۵۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۸.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۹.

باطل می‌شود. و اما اگر قصد ذکر کند و انگیزه‌اش در گفتن ذکر متوجه کردن غیر باشد، نمازش صحیح است.<sup>۱</sup>

\* خواندن قرآن در نماز غیر از چهار آیه‌ای که سجده واجب دارد، و دعا کردن در نماز اشکال ندارد. ولی احتیاط مستحب آن است که به غیر عربی دعا نکند.<sup>۲</sup>

\* اگر چیزی از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمداً، یا احتیاطاً چند مرتبه بگوید، اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

\* در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند، و اگر دیگری به او سلام کند، باید جواب دهد، ولی جواب باید مثل سلام باشد، یعنی نباید بر اصل سلام اضافه داشته باشد، مثلاً نباید در جواب بگوید: «سلام علیکم و رحمة الله و برکاته»، بلکه بنا بر احتیاط لازم - نباید لفظ «علیکم» یا «علیک» بر لفظ سلام در جواب مقدم بدارد، اگر آن کسی که سلام کرده این چنین نکرده باشد، بلکه احتیاط مستحب آن است که جواب کاملاً همان طور که او سلام کرده باشد، مثلاً اگر گفته «سلام علیکم» در جواب بگوید: «سلام علیکم»، و اگر گفته «السلام علیکم» بگوید: «السلام علیکم»؛ و اگر گفته «سلام علیک» بگوید: «سلام علیک». ولی در جواب «علیکم السلام» می‌تواند «علیکم السلام» یا «السلام علیکم» یا «سلام علیکم» بگوید.<sup>۴</sup>

\* انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید، و اگر عمداً یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد که اگر جواب بگوید، جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد، نباید جواب بدهد، و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست.<sup>۵</sup>

\* فرد باید جواب سلام را چه در نماز و چه در غیر نماز، طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده ناشنوا باشد یا سلام کننده سلام داده و سریع رد شود، چنانچه ممکن باشد که جواب سلام را با اشاره یا مانند آن به او بفهماند، جواب دادن لازم است و اگر فهماندن جواب سلام به سلام کننده ممکن نباشد، جواب دادن در نماز جایز نیست و در غیر نماز نیز لازم نمی‌باشد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۱؛ حکم چهار آیه‌ای که سجده واجب دارد در احکام قرائت مسأله ۹۶۹ از کتاب توضیح المسائل آیت الله سیستانی آمده است.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۲.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۳.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۴.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۳۶۶.

\* باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده کر باشد، یا سلام داده و تند رد شود، چنانچه ممکن باشد که جواب سلام را با اشاره یا مانند آن به او بفهماند جواب دادن لازم است، و در غیر این صورت جواب دادن در غیر نماز لازم نیست، و در نماز نیز جایز نیست.<sup>۱</sup>

\* واجب است نمازگزار جواب سلام را به قصد تحیت بگوید، و مانعی ندارد که قصد دعا هم بکند، یعنی از خداوند عالم برای کسی که سلام کرده سلامتی بخواهد.<sup>۲</sup>

\* اگر زن یا مرد نامحرم، یا بچه ممیز - یعنی: بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد - به نمازگزار سلام کند، نمازگزار باید جواب او را بدهد، و اگر زن به لفظ «سلام علیک» سلام کند می‌تواند در جواب بگوید «سلام علیک» یعنی کاف را زیر دهد.<sup>۳</sup>

\* اگر نمازگزار جواب سلام را ندهد، اگرچه معصیت کرده ولی نمازش صحیح است.<sup>۴</sup>

\* اگر کسی به نمازگزار غلط سلام کند، بنا بر احتیاط واجب - باید صحیح جواب بگوید.<sup>۵</sup>

\* جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می‌کند، و جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان در صورتی که ذمی نباشند، واجب نیست، و اگر ذمی باشند - بنا بر احتیاط واجب - به کلمه «علیک» اکتفا شود.<sup>۶</sup>

\* اگر کسی به عده‌ای سلام کند، جواب سلام او بر همه آنان واجب است، ولی اگر یکی از آنان جواب دهد کافی است.<sup>۷</sup>

\* اگر کسی به عده‌ای سلام کند، و کسی که سلام کننده قصد سلام دادن به او را نداشته باشد جواب دهد، باز هم جواب سلام او بر آن عده واجب است.<sup>۸</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۶.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۲۹.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۰.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۱.

۸. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۲.

\* اگر به عده ای سلام کند و کسی که بین آنها مشغول نماز است شک کند که سلام کننده قصد سلام کردن به او را هم داشته یا نه، نباید جواب بدهد، و همچنین است - بنا بر احتیاط واجب - اگر بداند قصد او را هم داشته ولی دیگری جواب سلام را بدهد، اما اگر بداند قصد او را هم داشته و دیگری جواب ندهد، یا شک کند که جوابش را داده اند یا نه، باید جواب او را بگوید.<sup>۱</sup>

\* سلام کردن مستحب است. و در روایت است که سواره به پیاده، و ایستاده به نشسته، و کوچک تر به بزرگ تر، سلام کند.<sup>۲</sup>

\* اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند، - بنا بر احتیاط واجب - باید هر یک جواب سلام دیگری را بدهد.<sup>۳</sup>

\* در غیر نماز، مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید، مثلاً اگر کسی گفت «سلام علیکم» در جواب بگوید «سلام علیکم ورحمة الله».<sup>۴</sup>

هفتم: از مبطلات نماز، خنده با صدا و عمدی است، هر چند بدون اختیار باشد اگر مقدماتش اختیاری باشد، بلکه - بنا بر احتیاط واجب - هر چند هم مقدماتش اختیاری نباشد در صورتی که وقت برای اعاده باشد باید آن را اعاده کند، ولی اگر عمداً بی صدا، یا سهواً با صدا بخندد، نمازش اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند، مثلاً رنگش سرخ شود، - احتیاط واجب - آن است که نمازش را دوباره بخواند.<sup>۶</sup>

هشتم: از مبطلات نماز - بنا بر احتیاط واجب - آن است که برای کار دنیا عمداً با صدا یا بی صدا گریه کند، ولی اگر از ترس خدا یا از روی شوق به سوی او یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند، اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است. بلکه اگر برای خواستن حاجت دنیوی از خدا از روی تذلل در پیشگاه او گریه کند، اشکال ندارد.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۶.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۷.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

نهم: از مبطلات نماز، کاری است که صورت نماز را به هم بزند، مثل به هوا پریدن و مانند آن، عمداً باشد یا از روی فراموشی؛ ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند، مثل اشاره کردن با دست اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.<sup>۲</sup>

\* اگر در بین نماز کاری انجام دهد، یا مدتی ساکت شود و شک کند که نماز به هم خورده یا نه، باید نماز را اعاده نماید، ولی بهتر این است که آن را تمام کرده و سپس اعاده نماید.<sup>۳</sup>

دهم: از مبطلات نماز، خوردن و آشامیدن است، که اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می‌خواند - عمداً باشد یا از روی فراموشی - نمازش باطل می‌شود. ولی کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، اگر پیش از اذان صبح، نماز مستحبی بخواند و تشنه باشد، چنانچه بترسد که اگر نماز را تمام کند صبح شود، در صورتی که آب روبروی او در دو سه قدمی باشد می‌تواند در بین نماز آب بیاشامد، اما باید کاری که نماز را باطل می‌کند، مثل رو گرداندن از قبله انجام ندهد.<sup>۴</sup>

\* اگر خوردن یا آشامیدن عمدی صورت نماز را گرچه به هم نزند - بنا بر احتیاط واجب - نماز را دوباره بخواند، خواه موالات نماز به هم بخورد - یعنی: طوری شود که نگویند نماز را پشت سر هم می‌خواند - یا نه.<sup>۵</sup>

\* اگر در بین نماز، غذائی را که در دهان یا لای دندان‌ها مانده فرو ببرد، نمازش باطل نمی‌شود، و نیز اگر کمی قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم آب شود و فرو رود، اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

یازدهم: از مبطلات نماز شک در رکعت‌های نماز دو رکعتی، یا سه رکعتی، یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است، در صورتی که نمازگزار در حال شک باقی باشد.<sup>۷</sup>

دوازدهم: از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم کند، یا چیزی از اجزاء نماز را عمداً زیاد کند، و همچنین اگر رکنی را مثل رکوع، یا دو سجده

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۸.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۳۹.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۴۰.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۴۱.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.



از یک رکعت سهواً زیاد کند، نمازش - بنا بر احتیاط واجب - باطل می‌شود. و اما زیاد کردن تکبیره الاحرام سهواً، مبطل نماز نیست.<sup>۱</sup>

\* اگر بعد از نماز شک کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.<sup>۲</sup>

### مستحبات

\* فرد قطع نخاعی که بول و غائط بی‌اختیار از او خارج می‌شود. و هنگامی که وضو می‌گیرد باید سریعاً نماز بخواند تا وضویش باطل نشود، اگر احتمال بدهد که با طولانی شدن نماز وضویش باطل می‌شود، آیا جایز است مستحبات نماز، مانند اذان و اقامه را بجا آورد؟  
- جایز نیست.<sup>۳</sup>

\* افراد قطع نخاع که بول و غائط از آن‌ها خارج می‌شود و در هنگامی که وضو می‌گیرند باید سریعاً نماز بخوانند تا وضویشان باطل نشود آیا اگر احتمال بدهند که با طولانی شدن نماز وضویشان باطل می‌شود جایز است که مستحبات مانند اذان و اقامه را بگویند؟  
- نباید بگویند.<sup>۴</sup>

### مکروهات

\* مکروه است در نماز صورت را کمی به طرف راست یا چپ بگرداند به طوری که نتواند مقداری از پشت سرش را ببیند، و اگر بتواند ببیند، نمازش باطل است چنانکه گذشت. و نیز مکروه است در نماز چشم‌ها را بر هم بگذارد، یا به طرف راست و چپ بگرداند، و با ریش و دست خود بازی کند، و انگشت‌ها را داخل هم نماید، و آب دهان بیندازد، و به خط قرآن یا کتاب یا خط انگشتی نگاه کند. و نیز مکروه است موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر، برای شنیدن حرف کسی ساکت شود، بلکه هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد، مکروه می‌باشد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۱۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۴۲.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۴۳.

\* موقعی که انسان خوابش می‌آید، و نیز موقع خودداری کردن از بول و غائط، مکروه است نماز بخواند، و همچنین پوشیدن جوراب تنگ که پا را فشار دهد در نماز مکروه می‌باشد. و غیر از اینها مکروهات دیگری هم در کتاب‌های مفصل گفته شده است.<sup>۱</sup>

## شکّیات

\* قبل از بیان احکام شک‌های نماز، تعریف شک و گمان به عنوان مقدمه ذکر می‌شود: شک، عبارت است از اینکه فرد بین دو یا چند طرف قضیه، به طور مساوی و برابر تردید داشته باشد؛ مثل اینکه تردید داشته باشد که در رکعت دوم است یا سوم و هر دو طرف برای او مساوی باشد و نتواند یک طرف را بر دیگری ترجیح دهد. گمان، عبارت است از اینکه فرد بین دو یا چند طرف قضیه تردید داشته باشد؛ ولی احتمال یک طرف نسبت به موارد دیگر، بیشتر باشد؛ مثل اینکه (۳۰) درصد احتمال بدهد که در رکعت سوم است و (۷۰) درصد احتمال بدهد که در رکعت چهارم است که احتمال قوی‌تر (۷۰ درصد) در اینجا گمان یا ظنّ نامیده می‌شود.<sup>۲</sup>

\* شک‌های نماز چند نوع است:

۱. شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند (هشت مورد).
۲. شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد (شش مورد).
۳. شک‌های صحیح که اگر نمازگزار بر طبق احکامی که ذکر خواهد شد، عمل نماید، نمازش صحیح خواهد بود (یازده مورد) بنابر این، مجموع شک‌های نماز «بیست و پنج» مورد می‌باشد. شایان ذکر است شک‌های باطل کننده و شک‌های صحیح همگی در مورد رکعت‌های نماز است و شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد، شامل شک در رکعت‌ها و غیر رکعت‌ها می‌باشد.<sup>۳</sup>

## شک‌های غیر قابل اعتنا

\* شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است:

اول: شک در چیزی که محل بجا آوردن آن گذشته است، مثل آنکه در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه.

دوم: شک بعد از سلام نماز.

سوم: شک بعد از گذشتن وقت نماز.

چهارم: شک کثیر الشک، یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۴۴.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، شکّیات نماز، ص ۴۰۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، شکّیات نماز، ص ۴۰۹.

پنجم: شک امام در شماره رکعت‌های نماز در صورتی که مأموم شماره آنها را بداند و همچنین شک مأموم در صورتی که امام شماره رکعت‌های نماز را بداند.  
ششم: شک در نمازهای مستحبی و نماز احتیاط.<sup>۱</sup>

\* کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند، اگر موقعی که حمد یا تسبیحات می‌خواند شک کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از آنکه مشغول حمد یا تسبیحات شود شک کند که سجده، یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید به جا آورد.<sup>۲</sup>

### شک‌های صحیح

\* کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته بخواند، باید یک رکعت نشسته به جا آورد و اگر شکی کند که باید برای آن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، باید دو رکعت نشسته به جا آورد.<sup>۳</sup>

\* کسی که وظیفه‌اش خواندن نماز نشسته است، اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد، باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می‌خواند، عمل کند.<sup>۴</sup>

\* کسی که ایستاده نماز می‌خواند، اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن ناتوان شود، باید مثل کسی که نماز را نشسته می‌خواند نماز احتیاط را به جا آورد.<sup>۵</sup>

\* کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد، باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می‌خواند عمل کند.<sup>۶</sup>

### نماز جماعت

\* امام جماعت باید دارای شرایط زیر باشد:

شرط اول، دوم، سوم و چهارم: بالغ، عاقل، حلال‌زاده و شیعه دوازده امامی باشد.  
شرط پنجم: عادل باشد.  
شرط ششم: قرائتش صحیح باشد.

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۴۲۶.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۴۳۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۴۷۴؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۱۹۸.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۴۷۵.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۴۷۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۱۹۹.

۶. توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۲۰۰.

شرط هفتم: در صورتی که مأموم مرد است، امام جماعت مرد باشد.  
 شرط هشتم: بنا بر احتیاط واجب حدّ شرعی بر او جاری نشده باشد.  
 شرط نهم: اگر مأموم نمازش ایستاده است، امام نیز نمازش ایستاده باشد.  
 شرط دهم: قبله او و مأموم یکی باشد.  
 شرط یازدهم: نمازش در نظر مأموم صحیح باشد.<sup>۱</sup>

\* کسی که ایستاده نماز می‌خواند، نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند، اقتدا کند و نیز کسی که نشسته نماز می‌خواند، نمی‌تواند به کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اقتدا نماید؛ ولی اقتدای مأمومی که وظیفه او نماز نشسته است به امام جماعتی که ایستاده یا نشسته نماز می‌خواند اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* کسی که خوابیده نماز می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب اقتدای او صحیح نیست؛ چه امام ایستاده باشد، چه نشسته و چه خوابیده باشد.<sup>۳</sup>

\* کسی که نشسته نماز می‌خواند، می‌تواند به کسی که نشسته نماز می‌خواند اقتدا کند، ولی اقتدا کسی که خوابیده نماز می‌خواند مطلقاً محل اشکال است. چه امام ایستاده باشد، چه نشسته، چه خوابیده.<sup>۴</sup>

\* اگر امام بیماری دارد که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، می‌توان به او اقتدا کرد و نیز زنی که مستحاضه نیست، می‌تواند به زن مستحاضه‌ای که مطابق وظایف استحاضه رفتار کرده، اقتدا نماید.<sup>۵</sup>

\* بهتر است کسی که مرض خوره یا پیسی دارد، امام جماعت نشود.<sup>۶</sup>

\* تفصیل و جزئیات این شرط در کتاب‌های مفصل ذکر شده است که با توجه به آن در بعضی از موارد، اقتدا صحیح و در بعضی از موارد صحیح نمی‌باشد. در این قسمت به ذکر چند مثال اکتفاء می‌شود:

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث شرایط امام جماعت، ص ۴۹۶.  
 ۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۷۶۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۴۳۵.  
 ۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۷۶۸.  
 ۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۴۳۶.  
 ۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۷۷۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۴۳۸.  
 ۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۷۷۴.

الف. اگر در کف دست امام مانعی است که به هیچ وجه رفع نمی‌شود و امام به علت مجتهد بودن خودش یا به خاطر نظر مرجع تقلیدش معتقد است وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای یا غسل جبیره‌ای است، ولی مأموم از روی اجتهاد یا تقلید معتقد است وظیفه امام، تیمم است، در این صورت، مأموم نمی‌تواند به امامی که با وضو یا غسل جبیره نماز می‌خواند اقتدا نماید.

ب. اگر مأموم می‌داند آبی که امام با آن وضو گرفته، نجس است، ولی امام اعتقاد به پاکی آب دارد، در این صورت اقتدای به او جایز نیست زیرا وضو گرفتن با آب نجس، حتی در صورت جهل به آن هم موجب باطل شدن وضو و نماز می‌شود.

ج. اگر مأموم بداند امام وضو ندارد هر چند خود امام متوجه نباشد، نمی‌تواند به او اقتدا کند.

د. اگر مأموم متوجه شود لباس امام نجس است، ولی امام از نجاست لباسش اطلاع نداشته باشد، در این حال، اقتدا به او اشکال ندارد و بر مأموم هم لازم نیست به امام جماعت خبر دهد.<sup>۱</sup>

\* معلولینی که قطع نخاع دارند و قادر به جلوگیری بول نیستند آیا برای آنها جایز است که بین وضو و نمازشان فاصله واقع شود تا بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند؟  
- جایز است.<sup>۲</sup>

\* آیا با وضوی جبیره‌ای (مسح پا جبیره‌ای) می‌توان به عنوان امام جماعت اقامه نماز جماعت کرد؟  
- بلی می‌شود و اشکالی ندارد.<sup>۳</sup>

## نماز مسافر

\* مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با نُه شرط، شکسته بجا آورد، یعنی دو رکعت بخواند:

شرط اول: سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد.

شرط دوم: از اول سفر قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد.

شرط سوم: در بین راه از قصد خود برنگردد.

شرط چهارم: قبل از رسیدن به هشت فرسخ، قطع کننده سفر پیش نیاید.

شرط پنجم: برای کار حرام سفر نکند.

شرط ششم: سفر برای صید لهُوی نباشد.

شرط هفتم: از کسانی که خانه آنها همراهشان است، نباشد.

شرط هشتم: شغلش سفر نبوده و نیز کثیر السفر در حد مسافت شرعی نباشد.

شرط نهم: اگر از وطن حرکت می‌کند به حد ترخص برسد.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۷۷۰.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث شرایط شکسته شدن نماز مسافر، ص ۴۴۱.

\* اگر فرد برای کار حرامی مثل تجارت ربوی یا دزدی سفر کند باید نماز را تمام بخواند و همچنین است اگر خود سفر حرام باشد، مثل آنکه برای او ضرری - که موجب مرگ یا نقص عضو است - داشته باشد، یا زن بدون اجازه شوهر سفری برود که بر او واجب نباشد، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخواند.<sup>۱</sup>

\* «کسی که شغله سفر است» یا «کثیر السفر» در حد مسافت شرعی است، باید نمازش را تمام بخواند و این امر در سه مورد محقق می‌شود:

۱. کسی که سفر در حد مسافت شرعی شغل اوست مانند راننده، خلبان، کشتیبان.
۲. کسی که سفر در حد مسافت شرعی مقدمه شغل اوست مانند معلم، پزشک، تاجر یا کارگری که بین وطن و محل کارش در رفت و آمد است.
۳. کسی که برای غیر شغل مثل زیارت، معالجه بیماری، تفریح، زیاد به مسافرت در حد مسافت شرعی می‌رود.

گروه دوم و سوم - اگر عنوان «کثیر السفر» عرفاً بر آنان صدق کند - باید نمازهایشان را در سفر، کامل بخوانند؛ اما در گروه اول، لازم نیست به او کثیر السفر بگویند؛ بلکه اگر در عرف «کسی که شغله سفر است» به او گفته می‌شود، یعنی کسی که کار او سفر کردن در حد مسافت شرعی باشد، مثل راننده‌ای که شغله حمل مسافر یا کالا است - هر چند این کار شغل موقت او باشد - با صدق عرفی این عنوان، نمازش تمام است.<sup>۲</sup>

\* اگر بینایی فرد، غیر معمولی باشد، در محلی باید نماز را شکسته بخواند که افراد معمولی، اهل آخر شهر را نبینند و ملاک دیدن با چشم است نه با دوربین و ابزار.<sup>۳</sup>

## نماز جمعه

\* نماز جمعه مانند نماز صبح دو رکعت است، با این تفاوت که در نماز جمعه دو خطبه قبل از نماز لازم است. و نماز جمعه واجب تخییری است، به این معنی که مکلف در روز جمعه مخیر است که نماز جمعه را بخواند - در صورتی که شرایطش موجود باشد - یا نماز ظهر بجا آورد، و اگر نماز جمعه را بجا آورد، کفایت از ظهر می‌کند.<sup>۴</sup>

\* واجب شدن نماز جمعه چند شرط دارد:

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۵۶۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۵۸۱.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۵۹۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۱۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۱۹.

اول: داخل شدن وقت، و آن عبارت از زوال آفتاب، یعنی ظهر است، و وقتش اول عرفی زوال است، پس هرگاه از این وقت نماز جمعه را تأخیر انداخت، وقتش تمام شده و نماز ظهر را باید بجا آورد.

دوم: شماره افراد، و آن پنج نفر است با امام، و هرگاه پنج نفر از مسلمانان جمع نشوند نماز جمعه واجب نمی‌شود.

سوم: بودن امام جامع شرایط امامت، از عدالت و غیر آن از چیزهایی که در امام جماعت معتبر است، همچنان که در بحث نماز جماعت خواهد آمد، و بدون او نماز جمعه واجب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

\* صحیح بودن نماز جمعه چند شرط دارد:

اول: جماعت بودن، پس فرادی صحیح نیست، و هرگاه مأموم قبل از رکوع رکعت دوم نماز جمعه به امام برسد اقتدا می‌کند و یک رکعت دیگر را فرادی می‌خواند و نماز جمعه‌اش صحیح است. و اگر در رکوع رکعت دوم امام را درک کند - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌تواند به این نماز جمعه اکتفا کند و باید نماز ظهر را بجا آورد.

دوم: خواندن امام دو خطبه پیش از نماز، که در خطبه اول حمد و ثنای الهی را گفته و توصیه به تقوا و پرهیزگاری شود و یک سوره کوتاه از قرآن بخواند، و در خطبه دوم باز هم حمد و ثنای الهی را بجا آورده و بر پیغمبر اکرم و ائمه مسلمین صلوات فرستاده و احتیاط مستحب آن است که برای مؤمنین و مؤمنات استغفار (طلب آمرزش) کند. و لازم است خطبه پیش از نماز باشد، پس اگر نماز را پیش از دو خطبه شروع کرد صحیح نخواهد بود، و خواندن خطبه پیش از ظهر اشکال دارد. و لازم است کسی که خطبه را می‌خواند هنگام خطبه ایستاده باشد، پس هرگاه خطبه را نشسته بخواند صحیح نخواهد بود. و نیز لازم است بین دو خطبه قدری بنشیند، و لازم است نشستن مختصر و خفیف باشد. و لازم است امام جماعت خودش خطبه را بخواند، و حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیغمبر اکرم و ائمه مسلمین - بنا بر احتیاط - باید به عربی باشد، و در مازاد بر آن عربیت معتبر نیست، بلکه اگر بیشتر حاضرین زبان عربی را ندانند احتیاط لازم آن است که توصیه به تقوا به زبان حاضرین باشد.

سوم: آنکه مسافت بین دو نماز جمعه کمتر از یک فرسخ نباشد، بنابراین اگر نماز جمعه دیگری در مسافت کمتر از یک فرسخ برپا شود چنانچه با هم شروع شوند هر دو باطل می‌شوند، و اگر یکی زودتر از دیگری شروع شود هر چند به تکبیرة الاحرام باشد صحیح، و دومی باطل خواهد بود. ولی هرگاه پس از برگزاری نماز جمعه معلوم شود که نماز جمعه دیگری همزمان یا مقدم بر آن در مسافت کمتر از یک فرسخ برپا شده بوده، بجا آوردن نماز ظهر واجب نخواهد بود. و برپا نمودن نماز جمعه در صورتی مانع از نماز جمعه دیگر در مسافت مزبور می‌شود که خود صحیح و جامع شرایط باشد و در غیر این صورت مانع نخواهد بود.<sup>۲</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۱۹.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۱۹.

\* هرگاه نماز جمعه‌ای که دارای شرایط است برپا شود اگر برپاکننده اش امام علیه السلام یا نماینده خاص او باشد، حضورش واجب است، و در غیر این صورت واجب نیست. و در صورت اول نیز بر چند گروه واجب نیست:

اول: زنان

دوم: بردگان

سوم: مسافران، هرچند مسافری که وظیفه اش تمام باشد، مثل مسافری که قصد اقامت نموده باشد. چهارم: بیماران، نابینایان، و افراد پیر. پنجم: افرادی که فاصله آنان تا محل نماز جمعه بیش از دو فرسخ شرعی باشد. ششم: افرادی که حضور آنان در نماز جمعه به علت باران یا سرمای شدید و مانند آن سخت و دشوار باشد.<sup>۱</sup>

\* کسی که حضور نماز جمعه بر او واجب است اگر بجای آن نماز ظهر بخواند، نمازش صحیح است.<sup>۲</sup>

\* معلولین و افرادی که قطع نخاع شده‌اند و قدرت بر نگهداری بول را ندارند آیا برای ایشان جایز است شرکت در نماز جمعه و استماع خطبه و ادای نماز جمعه و عصر یا وضوی کسی که نمی‌تواند بولش را نگهدارد؟  
- جایز است.<sup>۳</sup>

### وظایف

\* ۱- بنا بر آنچه گذشت که نماز جمعه در زمان غیبت واجب تعیینی نیست، جایز است در اول وقت مبادرت به نماز ظهر شود.  
۲- صحبت کردن هنگامی که امام مشغول خطبه خواندن است مکروه است، مگر آنکه مانع از گوش دادن به خطبه باشد که در این صورت - بنا بر احتیاط - جایز نیست.  
۳- گوش دادن به دو خطبه - بنا بر احتیاط - واجب است، ولی کسانی که معنای خطبه را نمی‌فهمند گوش دادن بر آنها واجب نیست.  
۴- حضور در وقت خطبه امام، واجب نیست.<sup>۴</sup>

### نمازهای مستحبی

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۲۰: توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۷۹۷.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۲۱.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، احکامی چند درباره نماز جمعه، ص ۱۴۱.



\* نمازهای مستحبی را در حال اضطرار و عدم توانایی، می‌توان خوابیده به پهلو راست یا چپ یا خوابیده به پشت (طبق وظیفه فرد) به جا آورد و در این حال رکوع و سجده با اشاره سرانجام می‌شود و اما در حال اختیار، جواز آن محل اشکال است؛ ولی انجامش به عنوان رجاء اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبی را با تیمم (طبق وظیفه‌اش) بخواند.<sup>۲</sup>

### دیگر احکام

\* کسی را که عذری دارد مثلاً با تیمم یا نشسته نماز می‌خواند، مطلقاً بنا بر احتیاط - نمی‌شود برای نمازهای میت اجیر کرد، اگر چه نماز میت هم همان‌طور قضا شده باشد. ولی اجیر گرفتن کسی که با وضو یا غسل جبیره‌ای نماز می‌خواند اشکال ندارد. و همچنین اجیر گرفتن کسی که دست یا پای او قطع شده است، و لکن در کفایت کردن عمل او از منوب‌عنه، محل اشکال است.<sup>۳</sup>

\* کسی که نمی‌تواند خود وضو بگیرد، باید از دیگری کمک بگیرد، هر چند شستن و مسح کشیدن با مشارکت هر دو باشد. - و چنانچه مزد هم بخواهد در صورتی که بتواند و مضر به حالش نباشد باید بدهد. ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر مشارکت خود شخص ممکن نباشد، باید از شخص دیگر بخواهد که او را وضو بدهد، و در این صورت احتیاط واجب آن است که هر دو نیت وضو نمایند، و اگر ممکن باشد باید نائیش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نائب از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند.<sup>۴</sup>

\* آیا کسانی که قطع نخاع هستند، و قادر بر جلوگیری از خروج بول نمی‌باشند، جایز است که بین وضو و نمازشان فاصله بیندازند، تا بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند؟  
- اگر در تمام وقت نماز فرصتی نداشته باشند که تمام نماز را بدون خروج بول بخوانند تأخیر جایز است.<sup>۵</sup>

\* کسی که بول او پی در پی خارج می‌شود، اگر در وسط نماز اول بول خارج شود، ولی بین دو نماز بولی خارج نشود، آیا می‌تواند با یک وضو هر دو نماز را بخواند؟  
- با شرطی که گفته شد اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۸۴۹.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۸۵۵.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۲۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* کسی که مثلاً برای نماز ظهرش (به خاطر عذر) تیمم کرده آیا می‌تواند برای نمازهای بعدی هم با همان تیمم نماز بخواند یا باید وضو بگیرد؟  
- تا زمانی که عذر باقی است و تیمم باطل نشده می‌تواند با همان تیمم نمازهای دیگر را بخواند.<sup>۲</sup>

---

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۱۴.

# احکام

## روزه

\* روزه آن است که انسان برای تذلل و اظهار بندگی در پیشگاه خداوند متعال، از اذان صبح تا مغرب، از نه موردی که بعداً گفته می‌شود، خودداری نماید و در مورد تشخیص مغرب (برای پایان روزه) همان توضیحی که در وقت مغرب در مورد نماز مغرب ذکر شد، جاری می‌باشد.<sup>۱</sup>

### نیت

\* لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذارند، یا مثلاً بگویند فردا را روزه می‌گیرم، بلکه همین قدر که بنا داشته باشد برای تذلل در پیشگاه خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد کافی است، و برای آنکه یقین کند تمام این مدت را روزه بوده، باید مقداری پیش از اذان صبح، و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید.<sup>۲</sup>

\* اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بیهوش شود و در بین روز به هوش آید، - بنا بر احتیاط واجب - باید روزه آن روز را تمام نماید، و اگر تمام نکرد قضای آن را بجا آورد.<sup>۳</sup>

\* اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر ملتفت شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، روزه او باطل می‌باشد. ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد، و بعد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید. و اگر بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است - بنا بر احتیاط واجب - نیت روزه کند رجاء و بعد از رمضان هم آن را قضا کند. و اما اگر پیش از ظهر ملتفت شود و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد باید نیت روزه کند و روزه اش صحیح است.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۰۸.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۲۹.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۳۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۴۰.

\* اگر در وسط روز ماه رمضان پیش از ظهر مریض خوب شود و تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد - بنا بر احتیاط واجب - باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد. و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست، و باید آن را قضا کند.<sup>۱</sup>

\* روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد، نمی‌تواند نیت روزه رمضان کند، ولی اگر نیت کند که اگر رمضان است روزه رمضان، و اگر رمضان نیست، روزه قضا یا مانند آن باشد، صحت روزه اش بعید نیست، ولی بهتر آن است که نیت روزه قضا و مانند آن بنماید، و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می‌شود. و اگر قصد مطلق روزه را کند و بعد معلوم شود رمضان بوده نیز کافی است.<sup>۲</sup>

### مبطلات

\* چند چیز روزه را باطل می‌کند:

اول: خوردن و آشامیدن.

دوم: جماع.

سوم: استمناء، یعنی اینکه مرد با خود یا به وسیله دیگری بدون جماع، کاری کند که منی از او بیرون آید و محقق شدن این امر در مورد زنان، توضیح داده شده است.<sup>۳</sup>

چهارم: بنا بر احتیاط واجب، دروغ بستن به خداوند متعال و پیامبر اکرم و جانشینان پیامبر.

پنجم: رساندن غبار غلیظ به حلق بنا بر احتیاط واجب.

ششم: باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح.

هفتم: باقی ماندن زن بر حیض و نفاس تا اذان صبح.

هشتم: اماله کردن با اشیاء روان.

نهم: عمداً قی کردن.<sup>۴</sup>

### خوردن و آشامیدن

\* آمپول و سرم روزه را باطل نمی‌کند، هر چند آمپول تقویتی یا سرم قندی نمکی باشد، و همچنین اسپری که برای تنگی نفس استعمال می‌شود اگر دارو را فقط وارد ریه کند روزه را باطل نمی‌کند، و همچنین دارو در چشم و گوش ریختن، روزه را باطل نمی‌کند، اگر چه مزه آن به گلو برسد. و اگر در بینی بریزد اگر به حلق نیز نرسد روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۴۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۴۷.

۳. این توضیح در مسأله ۴۱۷ در کتاب توضیح المسائل جامع، جلد اول آمده است.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۵۰.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۵۵؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۵۸.

\* ریختن دارو در چشم و گوش، روزه را باطل نمی‌کند، هر چند مزه آن به گلو برسد و اما اگر دارو را در بینی بریزد، چنانچه نداند به حلق می‌رسد یا نه و قصد رساندن آن به حلق را هم نداشته باشد، روزه را باطل نمی‌کند، ولی اگر فرد آب یا چیز دیگر را از طریق بینی وارد حلق و مری نماید، آشامیدن صدق نموده و روزه را باطل می‌کند.<sup>۱</sup>

\* احساس تشنگی یا ضعف داشتن، به تنهایی، عذر شرعی برای افطار روزه نیست، ولی اگر تشنگی یا ضعف فرد به قدری زیاد است که در اثر آن به سختی زیادی بیفتد که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد؛ اما در ماه مبارک رمضان بنا بر احتیاط واجب باید به مقدار ضرورت و از بین رفتن آن ضعف یا تشنگی فوق‌العاده - با توضیحاتی که ذکر شد - اکتفاء نموده و در بقیه روز از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند، پرهیز نماید، هر چند در هر صورت، روزه، با خوردن یا آشامیدن وی باطل می‌شود. اما کسی که مریض است و مثلاً مبتلا به بیماری سنگ کلیه می‌باشد و روزه برای وی ضرر قابل توجه دارد و لازم است جهت درمان یا پیشگیری از شدت مرض، در بین روز زیاد آب بیاشامد، روزه بر وی واجب نیست و آشامیدن آب برایش جایز می‌باشد و واجب نیست در بقیه روز از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند، خودداری نماید. شایان ذکر است تمام احکام ذکر شده در این مسأله برای غذا خوردن نیز وجود دارد.<sup>۲</sup>

\* اگر روزه‌دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد، یا به او ضرری برسد، یا آنکه به سختی بیفتد که نمی‌تواند آن را تحمل کند، می‌تواند به اندازه‌ای که ترس از این امور برطرف شود آب بیاشامد، بلکه در فرض ترس از مرگ و مانند آن واجب است ولی روزه او باطل می‌شود. و اگر ماه رمضان باشد، باید بنا بر احتیاط لازم - بیشتر از آن بیاشامد، و در بقیه روز از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید.<sup>۳</sup>

\* اگر روزه‌دار با التفات به اینکه روزه دارد عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می‌شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب، چه معمول نباشد، مثل خاک و شیره درخت، و چه کم باشد، چه زیاد، حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد و دوباره به دهان ببرد و رطوبت آن را فرو برد، روزه باطل می‌شود، مگر آنکه رطوبت مسواک در آب دهان به طوری از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۵۹.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۶۰.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۶۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۵۲.

\* اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون آورد، و چنانچه عمداً فرو ببرد روزه اش باطل است، و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد کفاره هم بر او واجب می‌شود.<sup>۱</sup>

\* اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی‌شود.<sup>۲</sup>

\* اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه اش باطل می‌شود.<sup>۳</sup>

\* کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، لازم نیست پیش از اذان دندان‌هایش را خلال کند، ولی اگر بدانند غذائی که لای دندان مانده در روز فرو می‌رود، باید خلال کند.<sup>۴</sup>

\* فرو بردن آب دهان، اگرچه به واسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۵</sup>

\* فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد، ولی اگر داخل فضای دهان شود، احتیاط مستحب آن است که آن را فرو نبرند.<sup>۶</sup>

\* جویدن غذا برای بچه یا پرنده، و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً به حلق نمی‌رسد، اگرچه اتفاقاً به حلق برسد روزه را باطل نمی‌کند. ولی اگر انسان از اول بدانند که به حلق می‌رسد، روزه اش باطل می‌شود، و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب است.<sup>۷</sup>

\* انسان نمی‌تواند برای ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.<sup>۸</sup>

\* اگر مگس در گلوی روزه‌دار برود، چنانچه به مقداری فرو رفته باشد که به پائین دادن آن خوردن گفته نشود، لازم نیست آن را بیرون آورد، و روزه اش صحیح است. و اما اگر به این مقدار فرو نرفته باشد

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۵۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۵۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۵۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۵۷.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۵۸.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۵۹.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۶۱.

۸. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۵۶۲.

باید آن را بیرون آورد هر چند که این کار متوقف بر قی کردن باشد - مگر در صورتی که قی کردن برای او ضرر، یا مشقت زیادی داشته باشد - و چنانچه آن را قی نکند و فرو برد، روزه اش باطل می شود، و اگر آن را با قی کردن خارج کند نیز روزه اش باطل می شود.<sup>۱</sup>

\* اگر سهواً چیزی را فرو ببرد و پیش از رسیدن به معده یادش بیاید که روزه است، چنانچه به قدری پائین رفته باشد که اگر آن را داخل معده کند به آن خوردن نگویند، لازم نیست آن را بیرون آورد و روزه او صحیح است.<sup>۲</sup>

\* اگر یقین داشته باشد که به واسطه آروغ زدن، چیزی از گلو بیرون می آید، چنانچه طوری باشد که بر آن قی کردن صدق کند، نباید عمداً آروغ بزند. ولی اگر یقین نداشته باشد اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

\* اگر آروغ بزند و چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد، و اگر بی اختیار فرو رود، روزه اش صحیح است.<sup>۴</sup>

\* روزه داری که به دلیل نوعی معلولیت، دهانش دائماً باز است و توانایی بستن آن را ندارد و امکان دخول گرد و غبار یا چیزهایی دیگر به دهانش هست، از طرف دیگر بعضی از آنان توانایی کنترل بلعیدن را ندارند و هر چه به فضای دهان وارد شود غورت داده می شود. بفرمایید وظیفه این افراد در روزه چیست؟  
- روزه اش صحیح است.<sup>۵</sup>

\* آیا چرک و خلط سر و سینه، روزه را باطل می کند؟  
- فرو بردن اخلاط سر و سینه تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد ولی اگر داخل فضای دهان شود احتیاط مستحب آن است که آن را فرو نبرند.<sup>۶</sup>

\* سرم و یا آمپول خوراکی که از رگ تزریق می شود روزه را باطل می کند؟ اعم از این که مریض ناچار باشد و یا نباشد؟  
- در هر دو صورت روزه را باطل نمی کند.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۱۹.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۲۰.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۲۱.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۲۲.

۵. توازن نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۲۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۵۸۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۱۵۵۹.

### رساندن غبار غلیظ به حلق بنا بر احتیاط

\* اسپری آسم که برای تنگی نفس استعمال می‌شود اگر دارو را فقط وارد ریه و شش‌ها می‌کند و دارو وارد مری نمی‌شود، روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۲</sup>

\* استفاده از اسپری در حال روزه برای کسانی که تنگی نفس دارند چه حکمی دارد؟ آیا موجب ابطال روزه می‌شود؟  
- اگر محتوی گاز است که به ریه وارد می‌شود مبطل نیست.<sup>۳</sup>

\* من یک جانباز شیمیایی هستم آیا استفاده از اسپری مخصوص برای رفع تنگی نفس در طول مدت روزه داشتن روزه را باطل می‌کند یا نه (گاهی اوقات در طول روز مجبور به استفاده از اسپری می‌شوم)؟  
- چنانچه رطوبتی وارد مجرای طعام نشود مانعی ندارد.<sup>۴</sup>

\* حکم استفاده از اسپری آسم برای فرد روزه‌دار چیست؟ (استفاده طبق دستور پزشک است)  
- اگر گازی باشد که وارد ریه می‌شود مبطل نیست و اگر موادی از آن وارد معده می‌شود مبطل روزه است.<sup>۵</sup>

\* آیا تنفس مصنوعی روزه را باطل می‌کند؟  
- وارد شدن فقط هوا روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۶</sup>

\* حکم استفاده کردن از اسپری برای تنگی نفس در ماه رمضان چیست؟  
- اسپری که برای تنگی نفس استعمال می‌شود اگر دارو را فقط وارد ریه کند روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۷</sup>

### اماله<sup>۸</sup>

\* اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه را باطل می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۸۹.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۶. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۷. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۸. داخل کردن آب یا هر مایع دیگر به داخل روده بزرگ از طریق مقعد.



## قی (استفراغ)

\* هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند اگرچه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد، روزه‌اش باطل می‌شود. ولی اگر سهواً یا بی‌اختیار قی کند، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* اگر در شب چیزی بخورد که می‌داند به واسطه خوردن آن، در روز بی‌اختیار قی می‌کند، روزه‌اش صحیح است.<sup>۳</sup>

\* اگر روزه‌دار بتواند از قی کردن خودداری کند، اگر به طبع خود حادث شده است، لازم نیست از آن جلوگیری کند.<sup>۴</sup>

\* اگر مگس در گلوی روزه‌دار برود، چنانچه به مقداری فرو رفته باشد که به پائین دادن آن خوردن گفته نشود، لازم نیست آن را بیرون آورد، و روزه‌اش صحیح است. و اما اگر به این مقدار فرو نرفته باشد باید آن را بیرون آورد هر چند که این کار متوقف بر قی کردن باشد - مگر در صورتی که قی کردن برای او ضرر، یا مشقت زیادی داشته باشد - و چنانچه آن را قی نکند و فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود، و اگر آن را با قی کردن خارج کند نیز روزه‌اش باطل می‌شود.<sup>۵</sup>

\* آیا کسی که مرتب غش می‌کند و تشنج دارد روزه بر او واجب است؟  
- اگر روزه برای او ضرر ندارد باید روزه بگیرد و با غش کردن در روز باطل نمی‌شود.<sup>۶</sup>

\* تکلیف روزه‌داری که همیشه از لثه‌اش خون می‌آید چیست؟  
- خون مختصری که در آب دهان مستهلک می‌شود مبطل نیست.<sup>۷</sup>

## مکروهات

\* چند چیز برای روزه‌دار مکروه است و از آن جمله است:  
۱- دوا ریختن به چشم و سرمه کشیدن، در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۱۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۱۶.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۱۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۱۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۱۹.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۷. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

- ۲- انجام دادن هر کاری مانند خون گرفتن، و حمام رفتن که باعث ضعف می‌شود.
  - ۳- دارو در بینی ریختن، اگر نداند که به حلق می‌رسد، و اگر بداند به حلق می‌رسد جایز نیست.
  - ۴- بو کردن گیاه‌های معطر.
  - ۵- نشستن زن در آب.
  - ۶- استعمال شیاف.
  - ۷- تر کردن لباسی که در بدن است.
  - ۸- کشیدن دندان، و هر کاری که به واسطه آن از دهان خون بیاید.
  - ۹- مسواک کردن با چوب تر.
  - ۱۰- بی‌جهت آب یا چیزی روان در دهان کردن.
- و نیز مکروه است انسان بدون قصد بیرون آمدن منی زن خود را ببوسد، یا کاری کند که شهوت خود را به حرکت آورد.<sup>۱</sup>

### شرایط روزه

- \* بر هر انسانی واجب است در صورتی که شرایط زیر وجود داشته باشد ماه مبارک رمضان را روزه بگیرد.
- شرط اوّل و دوم: بالغ و عاقل باشد.
- شرط سوم: بیهوش نباشد.
- شرط چهارم: چنانچه روزه‌دار زن است، از حیض و نفاس پاک باشد.
- شرط پنجم و ششم و هفتم: روزه گرفتن، ضرر یا سختی فوق العاده یا منع شرعی دیگری نداشته باشد.
- شرط هشتم: مسافر نباشد.<sup>۲</sup>

### بالغ و عاقل بودن

- \* روزه بر فردی واجب است که بالغ و عاقل باشد و اگر بچه نابالغ قبل از اذان صبح ماه رمضان، بالغ شود، باید روزه بگیرد و اگر بعد از اذان صبح بالغ شود، روزه آن روز بر او واجب نیست؛ ولی اگر قصد روزه ماه رمضان کرده باشد، احتیاط مستحب این است که آن را تمام کند.<sup>۳</sup>

### بیهوش نبودن

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۲۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۰۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۰.

\* اگر فرد بیهوش شود و به این دلیل نتواند نیت معتبر در روزه را داشته باشد، روزه بر او واجب نیست. به عنوان مثال فردی که قبل از اذان صبح نیت روزه نداشته، سپس بیهوش شده و بعد از اذان مغرب به هوش آمده است، روزه آن روز بر وی واجب نبوده و بعداً نیز لازم نیست قضای آن را انجام دهد.<sup>۱</sup>

\* اگر فرد پیش از اذان صبح نیت روزه کند، سپس بدون اختیار بیهوش شود و در بین روز به هوش آید، بنا بر احتیاط لازم، باید روزه آن روز را تمام نماید و اگر تمام نکرد، قضای آن را به جا آورد؛ اما در مورد بیهوشی که مقدمات آن اختیاری بوده (مثل فردی که برای عمل جراحی، خود را در اختیار دکتر بیهوشی قرار می‌دهد) احتیاط واجب آن است که روزه را تمام نموده و قضای آن را هم بجا آورد.<sup>۲</sup>

### نداشتن ضرر یا سختی فوق العاده یا منع شرعی

\* افرادی که این شرطها شامل آنها می‌شود، چند دسته هستند:

- الف. فردی که روزه برای خودش ضرر، یا سختی فوق العاده‌ای دارد که معمولاً قابل تحمل نیست.
- ب. پیرمرد و پیرزنی که روزه گرفتن به علت پیری، برای آنان ممکن نیست یا سختی فوق العاده دارد.
- ج. کسی که به بیماری عطش مبتلا است یعنی زیاد تشنه می‌شود و نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند یا برای او سختی فوق العاده دارد.
- د. زن حامله‌ای که به خاطر حمل، روزه گرفتن برای خودش یا بچه‌اش ضرر دارد.
- ه. زن شیردهی که به علت شیر دادن، روزه گرفتن برای خودش یا نوزاد شیرخوار ضرر دارد.
- و. فردی که روزه گرفتن او باعث از بین رفتن واجب دیگری می‌شود.<sup>۳</sup>

\* اگر انسان یقین یا اطمینان داشته باشد که روزه برایش ضرر قابل توجهی دارد (ضرری که معمولاً تحمل نمی‌شود) یا اینکه چنین ضرری را احتمال بدهد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود، چنانچه احتمال او در نظر افراد عاقل بجا باشد، واجب نیست روزه بگیرد؛ بلکه اگر آن ضرر موجب هلاکت و مرگ یا جنایت بر نفس - مثل نقص عضو - شود، روزه گرفتن برای او حرام است و در واجب نبودن روزه فرقی نیست که روزه موجب پیدایش بیماری و ضرر قابل توجه گردد یا موجب شدیدتر شدن آن یا طولانی شدن دوره درمان آن گردد. شایان ذکر است دخترانی که تازه به سن بلوغ رسیده‌اند و نیز افراد دیگر، چنانچه روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان برای آنان ضرر قابل توجه دارد و موجب مریض شدن آنان می‌شود یا می‌ترسند مریض شوند، احکام مریض در مورد آنان جاری می‌شود؛ اما اگر روزه گرفتن برای آنان ضرر ندارد، ولی مثلاً به علت طولانی بودن روز یا شدت گرما، تمام کردن روزه برای آنان سختی فوق العاده‌ای دارد که معمولاً چنین سختی قابل تحمل نیست، باید به قصد قربت مطلقه<sup>۴</sup> روزه بگیرند و هنگامی که به علت ضعف شدید یا احساس تشنگی زیاد، ادامه

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۱.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، ص ۵۴۰.

۴. یعنی خصوص روزه واجب را نیت نکند؛ بلکه از مبطلات روزه بیهیز کند و قصدش از این کار به طور کلی قربت الی الله باشد.

روزه ماه مبارک رمضان بر آنان فوق العاده سخت شد، می‌توانند آب بیاشامند یا غذا بخورند؛ ولی بنا بر احتیاط واجب در خوردن و آشامیدن، تنها به مقدار ضرورت اکتفاء نمایند و در بقیه روز از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند پرهیز نمایند؛ هر چند در هر صورت، با خوردن یا آشامیدن، روزه آنان، باطل می‌شود. و اگر آنان می‌توانند با استفاده از راه‌های معمول برای تقویت، مثل سحری مُقَوّی خوردن یا کاهش فعالیت بدنی در طی روز یا استراحت بیشتر بدون داشتن ضرر و سختی فوق العاده روزه ماه مبارک رمضان را بگیرند، این کار لازم است.<sup>۱</sup>

\* کسی که می‌داند یا اطمینان دارد روزه برای او ضرر قابل توجهی ندارد، هر چند پزشک بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد و کسی که یقین یا گمان دارد یا احتمال معقول می‌دهد که روزه برایش ضرر قابل توجهی دارد، هر چند پزشک بگوید ضرر ندارد، واجب نیست روزه بگیرد و جایز است افطار نماید؛ بلکه اگر ضرر مورد احتمال یا مورد اطمینان در حدّ حرام باشد، واجب است روزه نگرفته و افطار نماید و در غیر صورت ضرر حرام، فرد می‌تواند رجاء روزه بگیرد و چنانچه بعد معلوم شود که روزه برای او ضرر قابل توجه نداشته، روزه اش صحیح است.<sup>۲</sup>

\* اگر فرد بیمار در بین روز ماه رمضان قبل از اذان ظهر، خوب شود و تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از اذان ظهر، خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست و باید آن را قضاء کند.<sup>۳</sup>

\* ضررهای خفیف و مختصر، باعث نمی‌شود افطار روزه جایز شود و با وجود این‌گونه ضررها روزه بر فرد واجب است؛ بنابراین اگر روزه باعث می‌شود مختصری تغییر در مزاج فرد ایجاد شود یا اندکی دمای بدنش افزایش یابد یا احساس ضعف و سستی در بدنش نماید یا باعث کاهش نور چشم به مقدار معمول گردد، به گونه‌ای که یکی دو ساعت بعد از افطار این موارد به کلی برطرف گردد و نیز سایر ضررهای خفیف مانند این‌ها، که افراد عاقل از آن پرهیز نمی‌کنند و عرف مردم معمولاً آن را تحمّل می‌نمایند، چنین مواردی عذر شرعی محسوب نشده و روزه بر این افراد واجب است.<sup>۴</sup>

\* اگر روزه، بر جان فردی که می‌خواهد روزه بگیرد ضرری ندارد، اما وی می‌ترسد ضرر قابل توجهی به آبرو یا مالش برسد و برای پیشگیری از آن، راه معقولی جز ترک روزه و افطار آن نداشته باشد، روزه بر او واجب نیست.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث روزه، ص ۵۳۹.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۶.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۷.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۸.

\* جوانی هشتم ۱۷ ساله که درجه چشمانم روی هم بالای ۱۱ است. آیا روزه گرفتن بر من واجب است؟  
- اگر ترس ضرر یا شدت مرض باشد واجب نیست.<sup>۱</sup>

\* کسی در ماه رمضان توانایی روزه ندارد و ضعف بر او غالب می‌شود آیا می‌تواند روزه نگیرد؟  
- ضعف به تنهایی مجوز روزه خواری نیست هر چند شدید باشد، مگر این که موجب مشقت (سختی زیاد که عادتاً قابل تحمل نیست) باشد که در این صورت خوردن یا آشامیدن (فقط) به مقدار ضرورت جایز است ولی به احتیاط واجب بقیه روز را امساک نماید و باید بعد از ماه مبارک رمضان قضا نماید و کفاره بر او واجب نیست.<sup>۲</sup>

\* بیماری که مبتلا به مرض چشم است روزه‌اش چه حکمی دارد؟ آیا مریض می‌تواند روزه بگیرد؟  
- روزه بیمار هر چند بیماری چشم باشد در صورتی که ضرر داشته باشد صحیح نیست، چه به این دلیل که بیماری را زیاد کند یا علاج را طولانی کند یا درد را تشدید نماید. البته در همه آنها باید ضرر به مقدار معتدله‌ای باشد که معمولاً تحمل نمی‌شود. و فرقی نیست بین اینکه یقین به ضرر داشته باشد یا گمان بلکه حتی اگر احتمال بدهد ولی به نحوی باشد که موجب خوف بشود و این خوف مستند به موجبات عقلایی باشد. و همچنین صحیح نیست روزه از انسان سالمی که خوف بروز بیماری از آن داشته باشد چه رسد به اینکه بیماری قطعی باشد. و اما بیماری که روزه برای او ضرر ندارد باید روزه بگیرد و روزه اش صحیح است. و اگر بیماری تا رمضان سال بعد ادامه داشت قضا از او ساقط است و باید برای هر روز ۷۵۰ گرم گندم یا نان و امثال آن به یک فقیر فدیبه بدهد.<sup>۳</sup>

### عدم وجوب روزه

\* کسی که به واسطه پیری نمی‌تواند روزه بگیرد یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست، ولی در صورت دوّم باید برای هر روز یک مُد طعام - گندم یا جو، یا نان و مانند اینها - به فقیر بدهد.<sup>۴</sup>

\* کسی که به واسطه پیری روزه نگرفته، اگر بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، احتیاط مستحب آن است که قضای روزه‌هایی را که نگرفته است بجا آورد.<sup>۵</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۹۴.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۹۵.

\* اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست، ولی در صورت دوّم باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد، و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد، واجب نیست قضا نماید.<sup>۱</sup>

\* آیا گرفتن روزه برای افراد هموفیلی و انسولینی واجب است؟  
- معیار، توانایی و نبودن ضرر و حرج است.<sup>۲</sup>

\* معلولینی که از لحاظ جسمی ضعیف هستند و از نظر اقتصادی و تغذیه مشکل دارند حکم روزه برای آنان چگونه است؟  
- اگر نمی‌توانند یا برای آنها حرج و مشقت شدید دارد یا خوف ضرر است واجب نیست.<sup>۳</sup>

\* اگر دکتر، مریض یا آسیب دیده ذهنی یا دیگر آسیب دیدگان را از گرفتن روزه منع کند ولی خود شخص می‌داند که روزه ضرر ندارد، چه باید بکند؟  
- باید روزه بگیرد.<sup>۴</sup>

### شرایط صحیح بودن

\* شرط اول: مسلمان باشد.

شرط دوّم و سوّم و چهارم: دیوانه یا مست یا بیهوش نباشد.

شرط پنجم: چنانچه روزه‌دار زن است، از حیض و نفاس پاک باشد.

شرط ششم: روزه گرفتن ضرر نداشته باشد.

شرط هفتم: مسافر نباشد.

شرط هشتم: نیت صحیح داشته باشد.<sup>۵</sup>

### دیوانه یا مست یا بیهوش نبودن

\* روزه از فرد دیوانه یا مست یا بیهوش در صورتی که این امور باعث شود نیت معتبر در روزه به درستی از وی انجام نگیرد، صحیح نمی‌باشد؛ ولی اگر فرد، پیش از اذان صحیح نیت روزه کند سپس مست

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۹۶.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ مسائل جدید، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۴۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، شرایط صحیح بودن روزه، ص ۵۴۱.

شود و در بین روز به هوش آید، احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را تمام کند و قضای آن را هم به جا آورد.<sup>۱</sup>

### ضرر نداشتن

\* روزه از فرد مریض یا سالم که روزه برایش ضرر قابل توجهی دارد که معمولاً قابل تحمل نیست و عقلاء از آن پرهیز می‌نمایند، صحیح نمی‌باشد؛ هر چند به حدّ ضرر حرام مثل مرگ یا نقص عضو نرسد و همان‌طور که قبلاً ذکر شد، در مورد ضررهای غیر حرام، اگر فرد رجاء روزه بگیرد و بعد معلوم شود روزه برای وی ضرر قابل توجهی نداشته، روزه اش صحیح است.<sup>۲</sup>

### روزه قضا

\* در موارد زیر لازم نیست مکلف قضای روزه را انجام دهد:

۱. اگر دیوانه عاقل شود، واجب نیست روزه‌های وقتی را که دیوانه بوده قضاء نماید.<sup>۳</sup>
۲. هنگامی که فرد بالغ گردید، واجب نیست قضای روزه‌هایی را که در ایام قبل از بلوغ نگرفته است به جا آورد.
۳. اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست روزه‌های وقتی را که کافر بوده قضاء نماید.
۴. اگر فرد بیهوش یا شخصی که در کُما است هوشیار گردد و از حالت بیهوشی یا کُما بیرون آید روزه‌های روزهایی را که بیهوش بوده یا در کُما به سر می‌برده و نیت روزه نداشته، لازم نیست قضا نماید.
۵. روزه‌هایی را که فرد مخالف، مطابق با مذهب خویش انجام داده است، یا مطابق مذهب تشیع - در صورتی که قصد قربت از او حاصل شده - به جا آورده است، بعد از آنکه شیعه دوازده امامی گردید، لازم نیست قضا نماید.
۶. اگر فرد به دلیل بیماری یا حیض یا نفاس، روزه ماه رمضان را نگیرد و قبل از گذشت زمانی که بتواند آن روزه‌هایی را که نگرفته قضاء کند، بمیرد، آن روزه‌ها قضاء ندارند. به عنوان مثال پدری که در ماه مبارک رمضان به علت بیماری روزه نگرفته و در روز عید فطر همان سال از دنیا رفته است، بر پسر بزرگ‌تر لازم نیست قضای روزه‌های او را بگیرد.<sup>۴</sup>

\* اگر به واسطه مرضی، روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست، و باید برای هر روز یک مُد (۷۵۰ گرم تقریباً) طعام یعنی گندم یا جو یا نان و مانند اینها به فقیر بدهد، ولی اگر به واسطه عذر دیگری مثلاً برای مسافرت روزه

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۲۲.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۱۹۲۵.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۶۳.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۲۰۳۳.

نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا کند، و احتیاط واجب آن است که برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.<sup>۱</sup>

\* اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و بعد از رمضان مرض او برطرف شود، ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضای روزه را بگیرد، باید روزه‌هایی را که نگرفته قضا نماید، و بنا بر احتیاط واجب - برای هر روز یک مُد طعام نیز به فقیر بدهد. و همچنین است اگر در ماه رمضان غیر از مرض عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان آن عذر برطرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد.<sup>۲</sup>

\* اگر مرض انسان چند سال طول بکشد، بعد از آنکه خوب شد باید قضای رمضان آخر را بگیرد، و برای هر روز از سال‌های پیش یک مُد طعام به فقیر بدهد.<sup>۳</sup>

\* آیا لازم است بعد از فوت افراد معلول روزه‌های قضا شده آنان به جا آورده شود؟  
- اگر وصیت کند لازم است، وگرنه لازم نیست.<sup>۴</sup>

\* هر کسی که مریض باشد و چند سال پی در پی نتواند روزه را بگیرد در صورتی که خوب شود چه حکمی دارد؟  
- اگر تا ماه رمضان بعدی خوب نشده باشد قضا ندارد و فقط برای هر یک روز ۷۵۰ گرم گندم به فقیر صدقه بدهد.<sup>۵</sup>

\* احتراماً پدیری دارم که حدود چهار سال است که در اثر سکنه مغزی یک سمت ایشان فلج شده و بر روی صندلی چرخدار نشسته است و همچنین نمی‌تواند روزه بگیرد، تکلیف ایشان چیست؟ آیا باید در ماه رمضان طعام داد یا خیر؟  
- باید برای هر یک روز ۷۵۰ گرم گندم یا آرد به عنوان فدیة به فقیر بدهد.<sup>۶</sup>

## روزه‌خواری و مجازات آن

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۷۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۷۳.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۷۶.

۴. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۶. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.



\* در کفاره افطار روزه ماه رمضان، باید یک بنده آزاد کند، یا دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مُد که تقریباً «۷۵۰» گرم است، طعام - یعنی گندم یا جو یا نان و مانند اینها - بدهد، و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد، باید به قدر امکان تصدّق دهد، و اگر ممکن نیست، استغفار نماید. و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند، کفاره را بدهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که می‌خواهد دو ماه روزه کفاره ماه رمضان بگیرد، باید یک ماه تمام و یک روز از ماه بعد را پی‌درپی بگیرد، و همچنین بقیه ماه بعد را باید بنا بر احتیاط واجب پی‌درپی بیاورد. بلکه اگر مانعی پیش آید که عرفاً عذر شمرده شود می‌تواند آن روز را نگیرد و با ارتفاع عذر دوباره ادامه دهد.<sup>۲</sup>

\* اگر فرد کم‌توان ذهنی از روی کم‌تحملی در ملاً عام روزه‌اش را بخورد تعزیر می‌شود؟  
- خیر.<sup>۳</sup>

\* کفاره‌های روزه چهار قسم است:

۱. کفاره افطار عمدی در ماه مبارک رمضان
۲. فدیة سالانه
۳. کفاره تأخیر
۴. فدیة روزانه<sup>۴</sup>

### کفاره افطار عمدی در ماه مبارک رمضان

\* اگر در بین روزهایی که باید پی‌درپی روزه بگیرد عذری مثل بیماری یا حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور است، برای او پیش آید بعد از برطرف شدن عذر، واجب نیست روزه‌ها را از سر بگیرد، بلکه بقیه را بلافاصله بعد از برطرف شدن عذر به جا می‌آورد ولی اگر خود فرد با اختیار خود عذر را به وجود آورد، مانند زنی که عمدتاً با استفاده از دارو خود را حائض کند، لازم است دو مرتبه روزه‌ها را از سر بگیرد.<sup>۵</sup>

\* اگر کسی روزه ماه رمضان را به خوردن یا آشامیدن یا جماع یا استمناء یا باقی ماندن بر جنابت باطل کند، در صورتی که از روی عمد و اختیار باشد و از روی ناچاری و جبر نباشد، اضافه بر قضا، کفاره هم

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۳۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۳۱.

۳. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث کفاره روزه، ص ۵۷۳.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۵۸.

بر او واجب می‌شود. و احتیاط مستحب آن است که کسی که روزه را به غیر آنچه گفته شد باطل کند، اضافه بر قضا، کفاره هم بدهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که به علت مسافرت یا بیماری روزه نمی‌گیرد، نمی‌تواند زن روزه‌دار خود را اکراه بر جماع کند، ولی اگر او را اکراه نماید، کفاره بر مرد واجب نیست.<sup>۲</sup>

### فدیه سالانه

\* اگر انسان به علت بیماری، روزه ماه رمضان را نگیرد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، به گونه‌ای که در تمامی ایام سال نتواند روزه بگیرد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست؛ ولی پس از فرا رسیدن ماه رمضان سال بعد، باید برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵۰ گرم) طعام یعنی گندم یا جو یا نان و مانند اینها به فقیر بدهد که آن را فدیه سالانه هم می‌نامند و پرداخت آن قبل از فرا رسیدن ماه رمضان سال بعد، صحیح نیست؛ البته کسی که مثلاً سی روز کفاره از ماه رمضان قبل به عهده دارد، می‌تواند روز پانزدهم ماه شعبان کفاره پانزده روز را بپردازد و نیز کسی که کفاره ده روز به عهده اوست، روز بیست و پنجم ماه شعبان می‌تواند کفاره پنج روز را بپردازد و همین‌طور...؛ شایان ذکر است در این مورد و موارد ذکر شده در مسائل بعدی، سیر کردن فقیر کافی نیست و لازم است یک مد طعام را به عنوان اینکه مال و ملک فقیر باشد به وی بپردازد.<sup>۳</sup>

\* اگر بیماری انسان چند سال طول بکشد، بعد از آنکه در بین سال آخر خوب شد، باید قضای ماه رمضان سال آخر را بگیرد و قضای روزه سال‌های قبل که به علت بیماری، نگرفته بر او واجب نیست؛ ولی باید برای هر روز از سال‌های قبل یک مُد طعام به فقیر بدهد.<sup>۴</sup>

\* اگر انسان به علت عذر دیگری غیر از بیماری روزه نگرفته باشد و عذر او تا ماه رمضان بعد باقی بماند، روزه‌هایی را که نگرفته باید قضاء کند و احتیاط واجب آن است که برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۲۸.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۶۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۷۵.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۷۶؛ به عنوان مثال، فردی که به علت بیماری، سه سال بی در بی روزه نگرفته و قبل از فرا رسیدن ماه رمضان سال چهارم، در اول ماه رجب، بیماری او برطرف شده است. در این صورت، قضای روزه‌های سال اول و دوم از او ساقط است و باید برای هر روز از آن دو سال، کفاره (فدیه) پرداخت نماید و اما نسبت به سال سوم، باید قضای روزه‌های آن سال را انجام دهد و در صورتی که قضای روزه‌های سال سوم را تا قبل از فرا رسیدن ماه رمضان سال چهارم به جا آورد، پرداخت کفاره بر او واجب نیست.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۷۷.

\* اگر فرد به علت بیماری، روزه ماه رمضان را نگیرد و بعد از ماه رمضان، بیماری او برطرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا ماه رمضان بعد قضای روزه را بگیرد، باید روزه‌هایی را که نگرفته قضاء نماید و بنا بر احتیاط واجب، برای هر روز یک مُد طعام نیز به فقیر بدهد و همچنین اگر در ماه رمضان به جز بیماری، عذر دیگری داشته باشد و بعد از ماه رمضان آن عذر برطرف شود و تا ماه رمضان سال بعد به علت بیماری نتواند روزه بگیرد، باید روزه‌هایی را که نگرفته قضاء نماید و بنا بر احتیاط واجب، برای هر روز یک مُد طعام نیز به فقیر بدهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که بیمار است و بیماری او دایمی است و هرگز نمی‌تواند روزه بگیرد آیا کفاره بر او تعلق می‌گیرد؟

- باید برای هر روز یک مد (۷۵۰ گرم تقریباً) طعام یعنی گندم یا جو یا نان و مانند اینها به فقیر بدهد.<sup>۲</sup>

### فدیه روزانه

\* پیرمرد و پیرزنی که روزه گرفتن به سبب پیری، برای آنان ممکن نیست یا سختی فوق العاده دارد. که در صورت دوّم (سختی فوق العاده) باید برای هر روز یک مُد طعام (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم یا جو یا نان و مانند اینها به فقیر بدهد که آن را فدیه می‌نامند و در این مورد و مواردی که در مسائل بعد ذکر می‌شود، سیر کردن فقیر کافی نیست و لازم است یک مدّ طعام را به عنوان این که مال و ملک فقیر باشد به او بدهد.<sup>۳</sup>

\* کسی که به سبب پیری روزه نگرفته، چنانچه بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، احتیاط مستحب آن است که قضای روزه‌هایی را که نگرفته، به جا آورد.<sup>۴</sup>

### روزه مسافر

\* مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد - چه روزه واجب باشد و چه روزه مستحب - و از این حکم، موارد زیر استثناء می‌شود:

الف. کسی که از قربانی واجب در حجّ تمتّع ناتوان است، واجب است به جای آن ده روز، روزه بگیرد، که باید سه روز اوّل آن را در بین همان سفر حج روزه بگیرد؛ هر چند مسافر باشد و هفت روز باقیمانده را پس از برگشتن به وطن به جا آورد و توضیح احکام آن در کتاب مناسک حجّ ذکر شده است.

ب. کسی که در مناسک حجّ تمتّع در وقوف عرفات، قبل از غروب آفتاب، از سرزمین عرفات خارج شود و دوباره به عرفات برنگردد، باید یک شتر کفّاره بدهد و اگر نتواند این کفّاره را بدهد باید هیجده

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۷۸.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۸۴.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۸۵.

روز، روزه بگیرد و می‌تواند این هیجده روز را در همان حال سفر در مکه و یا در راه برگشتن و یا بعد از بازگشت به وطن به جا آورد و تفصیل احکام آن در کتاب مناسک حج ذکر شده است.

ج. کسی که روزه مستحبی روز معینی را نذر کرده که آن را در سفر یا آن که چه در سفر باشد یا در سفر نباشد، به جا آورد که توضیح آن در فصل احکام روزه مستحبی ذکر می‌شود.

د. مسافری که می‌خواهد در مدینه منوره برای طلب حاجت سه روز روزه بگیرد که توضیح آن در فصل احکام روزه مستحبی ذکر می‌شود.<sup>۱</sup>

## اقسام روزه

\* روزه چهار قسم می‌باشد:

الف. روزه واجب

ب. روزه مستحب

ج. روزه حرام

د. روزه مکروه.<sup>۲</sup>

\* اکثر روزه‌های حرام از این قرار می‌باشند:

۱. روزه گرفتن در روز عید فطر و عید قربان.
۲. روزی را که انسان نمی‌داند آخر ماه شعبان است یا اول ماه رمضان، به نیت اول ماه مبارک رمضان.
۳. روزه وصال؛ مثل اینکه فرد یک شبانه روز از اذان صبح تا سحر روز بعد به نیت روزه، روزه بگیرد یا دو شبانه روز را بدون اینکه در بین آن افطار کند، روزه بگیرد؛ ولی اگر فرد افطار کردن را تا سحرگاه شب بعد یا تا شب دوّم، بدون نیت روزه به تأخیر بیندازد، اشکال ندارد؛ هر چند احتیاط مستحب آن است که بدون قصد روزه نیز افطار کردن را تا سحرگاه به تأخیر نیندازد.
۴. روزه مستحبی زن چنانچه با حق بهره‌وری جنسی شوهر ناسازگار باشد و همچنین روزه واجب غیر معین، مانند نذر غیر معین که در این مورد (واجب غیر معین)، بنا بر احتیاط واجب، روزه باطل است و برای اداء شدن نذر کافی نمی‌باشد و همچنین است بنا بر احتیاط واجب، اگر شوهر او را از گرفتن روزه مستحبی یا واجب غیر معین نهی نماید، هر چند با حق او ناسازگار نباشد و احتیاط مستحب آن است که زن بدون اجازه شوهر روزه مستحبی نگیرد.
۵. روزه مستحبی فرزند، در صورتی که موجب اذیت پدر و مادر شود و این اذیت، از روی دلسوزی باشد و اگر فرزند بدون اجازه پدر یا مادر، روزه مستحبی بگیرد و در بین روز، پدر یا مادر او را نهی کند، چنانچه مخالفت نمودن فرزند موجب اذیت آنان شود و این اذیت، از روی دلسوزی باشد، مخالفت با آنان حرام است و باید افطار نماید.

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۹۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۱۲۱.

۶. روزه‌ای که برای فرد ضرر دارد و آن ضرر به گونه‌ای است که موجب هلاکت و مرگ یا جنایت بر نفس مثل نقص عضو می‌شود. شایان ذکر است چنانکه قبلاً ذکر شد، اگر انسان یقین یا اطمینان داشته باشد یا احتمال معقول دهد که روزه برایش ضرر قابل توجهی دارد که معمولاً قابل تحمل نیست، روزه‌اش صحیح نمی‌باشد و اگر آن ضرر موجب هلاکت و مرگ یا جنایت بر نفس مثل نقص عضو شود، روزه حرام است. غیر از روزه‌هایی که گفته شد، روزه‌های حرام دیگری هم هست که در سایر کتب به طور مفصل ذکر شده است.<sup>۱</sup>

---

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۱۲۳.



## احکام خمس

\* در چند مورد خمس واجب می‌شود:  
اول: درآمد کسبی و در مواردی هم، درآمد حاصل از غیر کسب.  
دوم: مال حلال مخلوط به حرام.  
سوم: معدن.  
چهارم: گنج.  
پنجم: جواهری که با غواصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می‌آید.  
ششم: غنیمت جنگ.  
هفتم: بنا بر مشهور، زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.<sup>۱</sup>

### منفعت کسب

\* اگر مالی را که فقیر بابت صدقه واجب، مانند کفارات و رد مظالم یا مستحبی گرفته از مخارج سالش زیاد بیاید، یا از مالی که به او داده‌اند منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که به او داده‌اند میوه‌ای به دست آورد و از مخارج سالش زیاد بیاید - بنا بر احتیاط واجب - باید خمس آن را بدهد. ولی اگر مالی را از بابت خمس یا زکات از روی استحقاق به او داده باشند لازم نیست خمس خود آن را بدهد، ولی منافع آن اگر از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.<sup>۲</sup>

\* اگر برای بچه نابالغ یا مجنون (دیوانه)، درآمد و منفعتی به دست آید - هر چند از هدایا باشد - اگر در بین سال تلف نشده باشد و در مؤونه او مصرف نشود، خمس به آن تعلق می‌گیرد و بر ولی بچه نابالغ یا مجنون واجب است که خمس آن را از مال بچه یا دیوانه بدهد و چنانچه ولی، آن را پرداخت نکند، بر بچه نابالغ پس از بلوغ و بر مجنون بعد از هوشیاری و سلامت، واجب است که خود، خمس آن را بدهد ولی اگر بچه نابالغی که ممیز است، از مجتهدی تقلید می‌کند که معتقد است مال بچه نابالغ خمس ندارد ولی او حق پرداخت خمس مال او را از مال وی ندارد.<sup>۳</sup>

\* اگر فرد درآمدش را در انتهای سال محاسبه نموده و خمس آن را پرداخت نماید، سپس متوجه شود که اشتباه محاسبه کرده و اضافه بر آنچه خمس به اموالش تعلق گرفته، خمس پرداخت کرده است،

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۲۹۷.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۷۷۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۳۸۷.

جایز نیست آنچه را اضافه پرداخت نموده، بابت خمسی که در سال آینده بر او واجب می‌شود حساب نماید؛ مگر آنکه به حاکم شرع یا نماینده او برای اصلاح امر مراجعه نماید. همچنین اگر خمس را اشتباه حساب کرده باشد و آن را به فقیر داده باشد، در صورتی که خود آن باقی است، جایز است آن را پس بگیرد، همچنین اگر خود آن تلف شده و فقیر می‌دانسته که او خمسش را اشتباه حساب کرده و اضافه داده است، پس گرفتن آن جایز می‌باشد.<sup>۱</sup>

### مال حلال مخلوط به حرام

\* اگر مال حلال با مال حرام طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن هیچ‌کدام معلوم نباشد و نداند که مقدار حرام کمتر از خمس (یک پنجم آن مال) است یا زیاده‌تر یا مساوی آن، با پرداخت خمس آن، حلال می‌شود و بنا بر احتیاط واجب، باید آن را به کسی که مستحق خمس و ردّ مظالم می‌باشد بدهد. بنابراین، نصف آن را به فقیر سید بدهد و نصف دیگر آن را به فقیر برای تأمین حوائج ضروری‌اش بپردازد، چه سید باشد چه عام و در هر دو صورت، بنا بر احتیاط واجب، این کار با کسب اجازه از مرجع اعلم باشد.<sup>۲</sup>

\* اگر مال حلال با مال حرام طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و فرد اجمالاً بداند که مقدار حرام کمتر از خمس (یک پنجم مال مذکور) می‌باشد ولی نتواند صاحب آن مال حرام را بشناسد:

الف. چنانچه مخلوط شدن مال حرام با حلال به سبب کوتاهی خود فرد نباشد مثل اینکه اشتباهاً آن مال با مال وی مخلوط شده باشد، کافی است مقداری را که یقین دارد حرام است از طرف مالک حقیقی‌اش صدقه بدهد.

ب. چنانچه مخلوط شدن مال حرام با حلال به واسطه کوتاهی خود فرد باشد، علاوه بر مقدار یقینی، بنا بر احتیاط واجب، باید مقدار بیشتری را هم که احتمال می‌دهد حرام باشد، صدقه دهد اما از آنجا که در این صورت ممکن است پرداخت عین مال حرام<sup>۳</sup> به فقیر واجب باشد و از طرفی عین حرام قابل تشخیص نیست، بنابراین تمام مال را به فقیر می‌دهد به این نیت که مقدار واقعی حرام را صدقه داده باشد و فقیر هم به همین نیت دریافت می‌کند سپس فقیر با مصالحه، مقداری که یقیناً حلال بوده و مال خود شخص می‌باشد را از آن مال جدا کرده و برمی‌گرداند و بنا بر احتیاط واجب، پرداخت این صدقه با اجازه حاکم شرع انجام شود.<sup>۴</sup>

### موارد استثناء از پرداخت خمس

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۷۳.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۳۹۰.

۳. خود همان مالی که حرام بوده.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۳۹۱.



\* مالی که از روی استحقاق، به عنوان خمس یا زکات به فقیر داده می‌شود، خمس ندارد ولی منافع حاصل از آن، چنانچه از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس دارد.<sup>۱</sup>

\* مالی را که فقیر بابت صدقه واجب مانند کفارات یا ردّ مظالم یا صدقات مستجبی دریافت کرده و از مخارج سالش زیاد آمده باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید خمس آن را بدهد.<sup>۲</sup>

### مصرف خمس

\* خمس به دو بخش تقسیم می‌شود: یک قسمت آن سهم سادات است و باید به سید فقیر، یا سید یتیم، یا به سیدی که در سفر در مانده شده، بدهند و احتیاط مستحب است سهم سادات را به مجتهد جامع شرایط داده تا به مصرف آن برساند یا با اجازه وی آن را به مصرف سهم سادات برساند و نصف دیگر خمس، سهم امام علیه‌السلام است که در این زمان، باید به مجتهد جامع شرایط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد برسانند و احتیاط لازم آن است که آن مجتهد مرجع اعلم و مطلع بر جهات عامه (نیازهای عمومی مؤمنین) باشد. آنچه در این مسأله ذکر شد در تمام مواردی که خمس در آنها واجب است، جاری می‌باشد به استثنای خمس مال حلال مخلوط به حرام که در این مورد، برای پاک شدن مال از حرام، بنا بر احتیاط واجب، باید خمس را به کسی که مستحق خمس و ردّ مظالم می‌باشد بدهد و بنا بر احتیاط لازم، این کار با کسب اجازه از مرجع اعلم باشد.<sup>۳</sup>

\* کسی که می‌خواهد خمس مالش را به فقیر بدهد لازم نیست به فقیر اطلاع دهد آنچه به او می‌دهد خمس است و همین قدر که در دل قصد پرداخت و اداء خمس داشته باشد کافی است هر چند در ظاهر به عنوان پیشکش و هدیه پرداخت نماید.<sup>۴</sup>

### شرایط استحقاق سهم سادات

\* در مورد مستحقین سهم سادات که می‌توان سهم سادات از خمس را به آنان پرداخت نمود رعایت چند شرط معتبر است:

خمس گیرنده باید سید، شیعه دوازده امامی و فقیر<sup>۵</sup> باشد، خمس را در مسیر حرام مصرف نکند و بنا بر احتیاط واجب پرداخت خمس به او، کمک بر گناه محسوب نشود؛ همین‌طور بنا بر احتیاط واجب

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۳۱۴.

۲. اگر از مالی که به او بابت صدقه داده‌اند، منفعتی ببرد مثلاً درختی که به او صدقه داده‌اند، میوه بدهد، در صورتی که آن منفعت از مخارج سالش زیاد بیاید، بنا بر فتوی خمس دارد؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۳۱۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۳۸؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۸۵۱.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۴۱.

۵. البته در مورد سیدی که در سفر در مانده (ابن سبیل) فقیر بودن در شهری که خمس به او داده می‌شود کافی است.

شراب‌خوار و بی‌نماز نبوده و آشکارا معصیت نکند؛ همچنین بنا بر احتیاط واجب، واجب‌النفقه خمس دهنده نباشد.<sup>۱</sup>

\* فقیر کسی است که مخارج سال خود و خانواده‌اش را در حد شأن ندارد و از تأمین آن ناتوان است و مسکین کسی است که از فقیر سخت‌تر می‌گذراند و وضعیت زندگانی‌اش نامناسب‌تر است مثل اینکه نفقه مورد احتیاج روزانه‌اش را هم ندارد.<sup>۲</sup>

### دیگر احکام

\* کسی که منبع درآمدی دارد مانند اینکه با سرمایه کسب خویش تجارت می‌کند یا ملکی دارد که آن را اجاره می‌دهد یا پولی دارد و آن را به مضاربه داده است یا اشتغال به کشاورزی، دامداری، باغبانی، کار اداری و غیر اداری یا حرفه و صنعت و هنری دارد که می‌تواند مخارج سال خود را از درآمد حاصل از آن بگذراند و تأمین نماید، فقیر نیست و نمی‌توان از وجوهات شرعیه‌ای که در آن فقر معتبر است چیزی به وی پرداخت نمود.<sup>۳</sup>

\* کسی که تنها، منبع درآمدی دارد که درآمد حاصل از آن از مخارج سالش کمتر است و جواب‌گوی مخارج سالش نیست، فقیر محسوب می‌شود و فقط می‌توان به مقدار کسری مخارجش از وجوهات شرعیه‌ای که در آن فقر معتبر است با رعایت شرایط استحقاق آن، به وی پرداخت نمود.<sup>۴</sup>

\* کسی که ملک یا سهام اضافی و مانند آن دارد که می‌تواند آنها را بفروشد و صرف تأمین مخارج زندگی‌اش نماید یا سرمایه و ابزار کار بیشتر از مقدار احتیاج و نیاز دارد و می‌تواند آنها را به سرمایه و ابزار کار کم ارزش‌تر تبدیل کند، به گونه‌ای که سرمایه و ابزار کار کم ارزش‌تر نیز زندگی او را در حد شأن تأمین می‌کند، در این صورت لازم است این کار را بکند و فقیر محسوب نمی‌شود و نمی‌توان برای کسری مخارجش از وجوهات شرعیه‌ای که در آن فقر معتبر است به وی پرداخت نمود.<sup>۵</sup>

\* صنعتگر یا تاجر و مانند آنکه سرمایه کسب یا وسایل و ابزار کاری در اختیار دارد که درآمد حاصل از آنها از مخارج سالش کمتر است و تأمین نیازهای او را نمی‌کند، فقیر محسوب می‌شود و می‌توان تنها برای کسری مخارجش از وجوهات شرعیه - با رعایت شرایط استحقاق آن - به وی پرداخت نمود و لازم

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۴۲.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۴۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۴۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۴۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۴۹.

نیست ابزار کار یا ملک یا سرمایه مورد احتیاج خود را بفروشد و به مصرف مخارجش برساند بلکه می‌تواند آنها را برای ادامه کار و کسب درآمد نگه دارد.<sup>۱</sup>

\* فقیری که می‌تواند کسب کند و مخارج خود و خانواده‌اش را تهیه نماید و از روی تنبلی اقدام نمی‌کند جایز نیست از وجوهات شرعیه چیزی به وی پرداخت شود.<sup>۲</sup>

\* فقیری که یاد گرفتن صنعت یا حرفه و هنری که درآمد حاصل از آن حلال است برای او مشکل نیست، بنا بر احتیاط واجب، نمی‌تواند با دریافت وجوهات شرعیه، زندگی کند ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است می‌توان برای کسری مخارجش از وجوهات شرعیه‌ای که فقر در آن معتبر است با رعایت شرایط استحقاق آن به وی پرداخت نمود.<sup>۳</sup>

\* فردی که تنها می‌تواند مشغول کسب و کاری شود که با شأن او منافات دارد و منبع درآمد دیگری هم ندارد، فقیر محسوب می‌شود همچنین اگر فرد قادر بر صنعت و حرفه است ولی وسایل و ابزار آلات مورد احتیاج آن را ندارد و منبع درآمد دیگری هم ندارد، فقیر است.<sup>۴</sup>

\* کسی که مشغول تحصیل علم است و به سبب اشتغال به تحصیل علم، توانایی تأمین مخارج سال خود و خانواده‌اش را در حد شأن ندارد و اگر تحصیل نکند می‌تواند برای معاش خود کسب کند و مخارج خویش و خانواده‌اش را تأمین نماید، چنانچه تحصیل آن علم، واجب عینی باشد می‌شود از وجوهات شرعیه - با رعایت شرایط استحقاق آن - به وی پرداخت نمود و در غیر این صورت، نمی‌توان از وجوهات شرعیه‌ای که فقر در آن معتبر است به او داد.<sup>۵</sup>

\* کسی که مشغول تحصیل علم است و می‌داند چنانچه تحصیل را هم رها نماید، کسب و کاری که بتواند مخارجش را از آن تأمین کند پیدا نمی‌کند یا باید به شغلی مشغول شود که کسر شأن برای او محسوب می‌شود یا اگر هم کار یافت می‌شود وضعیت بدنی و جسمانی او به گونه‌ای است که کلاً از انجام کار ناتوان است یا اشتغال به آن کار برای او حرجی است یعنی مشقت فوق‌العاده‌ای دارد که قابل تحمل نیست، تا زمانی که این وضعیت باقی است و منبع درآمد دیگری هم ندارد می‌تواند تحصیل علم را ادامه دهد و فقیر محسوب می‌شود و جایز است برای کسری مخارجش از وجوهات

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۰.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۱.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۲.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۳.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۴.

شرعیه‌ای که فقر در آن معتبر است - با رعایت شرایط استحقاق آن - به وی پرداخت نمود، هر چند تحصیل آن علم بر او واجب عینی نباشد.<sup>۱</sup>

\* فقیری که خرج سال خود و خانواده‌اش را ندارد، اگر خانه‌ای دارد که ملک او است و در آن نشسته، یا وسیله سواری دارد، چنانچه در حدّ شأن او بوده و به آنها احتیاج و نیاز داشته باشد - هر چند برای حفظ آبرویش باشد -، لازم نیست آنها را بفروشد و می‌توان برای کسری مخارجش از وجوهات شرعیه‌ای که فقر در آن معتبر است - با رعایت شرایط استحقاق آن - به وی پرداخت نمود. همچنین اثاث خانه، فرش، ظرف، لباس تابستانی و زمستانی و سایر مواردی که به آنها احتیاج دارد نیز همین حکم را دارد و فقیری که اینها را ندارد، اگر به آنها احتیاج داشته باشد می‌توان از وجوهات شرعیه‌ای که فقر در آن معتبر است - با رعایت شرایط استحقاق آن - به وی پرداخت نمود. اما اگر در نزد فرد، این اشیاء، بیشتر از مقدار احتیاج او موجود باشد و مقدار زیادی کافی برای برطرف شدن احتیاجات طول سال او باشد فقیر محسوب نمی‌شود و اگر چنین فردی خانه یا ماشین یا وسیله‌ای که مورد احتیاج است دارد ولی با کم قیمت‌تر از آن نیز نیازش برآورده می‌شود و مقدار ما به التفاوت قیمت مذکور کافی برای مخارج سال او باشد، در صورتی که مقدار ما به التفاوت مذکور به حدّ اسراف رسیده و بیشتر از شأن فرد شمرده می‌شود، فقیر محسوب نمی‌شود.<sup>۲</sup>

\* فردی که مخارج سال خود و خانواده خود را داراست یا با توضیحاتی که در مسائل قبل ذکر شد، می‌تواند آن را تأمین نماید، چنانچه از زمان قبل مقروض و مدیون باشد فقیر محسوب نمی‌شود و نباید از وجوهات شرعیه‌ای که در آن فقر معتبر است چیزی به وی پرداخت شود؛ بنابراین تنها ناتوانی از پرداخت بدهی (دینی) که سررسیدش فرا رسیده، موجب نمی‌شود که آن فرد، شرعاً فقیر محسوب شود (حتی در صورتی که به دلیل فشار طلبکار یا جهت دیگر، پرداخت نکردن بدهی یا تأخیر در آن، برای فرد حرجی یا باعث هتک حیثیتش باشد) پس، به چنین فردی، نمی‌توان از وجوهات شرعیه‌ای که در آن فقر معتبر است، چیزی پرداخت کرد.<sup>۳</sup>

\* فردی که مخارج سال خود و خانواده‌اش را ندارد و با توضیحاتی که گذشت فقیر شرعی محسوب می‌شود و علاوه بر آن بدهی هم دارد، تنها می‌توان به اندازه کسری مخارج سال مربوط به نفقات وی و کسانی که واجب النفقه او محسوب می‌شوند - مثل خانواده‌اش - بدون لحاظ بدهی و قرضش، از وجوهات شرعیه‌ای که در آن فقر معتبر است - با رعایت شرایط استحقاق آن - به وی پرداخت نمود؛ هر چند وی می‌تواند مبلغی را که به اندازه کسری مخارج سال مربوط به نفقات خود و خانواده‌اش بدون لحاظ قرضش دریافت کرده است، برای ادای بدهی و قرضش مصرف نماید سپس چنانچه باز

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۶.

۳. البته با دارا بودن شرایط غارمین (بدهکاران) که خواهد آمد از آنان محسوب می‌گردد و می‌توان از زکات مال به عنوان سهم غارمین با رعایت شرایط مربوط به آن به وی پرداخت نمود؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۷.

هم برای تأمین مخارج و نفقات سال خود و خانواده‌اش محتاج باشد می‌توان تنها به اندازه کسری مخارج سالش بدون لحاظ بدهی و قرضش از وجوهات شرعیه‌ای که در آن فقر معتبر است با دارا بودن سایر شرایط آن به وی پرداخت نمود.<sup>۱</sup>

\* یکی از مصارف سهم سادات سید یتیم است و منظور از یتیم، بچه نابالغی است که پدر ندارد و سهم سید یتیم فقیر، باید به ملکیت وی درآید و ولی شرعی او (مانند پدر بزرگ پدری) یا وصی پدر یا قیّم منصوب از طرف حاکم شرع، آن را قبول و قبض نماید تا آن را صرف وی نماید. شایان ذکر است سید یتیمی که به او خمس می‌دهند، باید فقیر باشد.<sup>۲</sup>

\* سید مسافری که خرجی او تمام شده یا وسیله نقلیه‌اش از کار افتاده، چنانچه سفر او، سفر معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن، یا فروختن چیزی خود را به مقصد برساند، هر چند در وطن خود فقیر نباشد، می‌تواند خمس بگیرد، ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی، مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که به آنجا برسد، می‌تواند خمس بگیرد و بنا بر احتیاط واجب، اگر بتواند با فروش یا اجاره مالی در وطن خود خرج راه را تهیه کند نباید خمس بگیرد.<sup>۳</sup>

\* در مورد سیدی که در سفر درمانده شده، فقیر بودن در شهری که خمس به او داده می‌شود کافی است هر چند در وطنش فقیر نباشد؛ اما نباید بیشتر از آنچه وی را به مقصدش برساند به او بدهند.<sup>۴</sup>

\* کسی که زن دائمی‌اش سیده است، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند نفقات و مخارجی که بر عهده‌اش (شوهر) واجب است را از خمس بپردازد. همچنین در صورتی که شوهر توانایی داشته باشد نفقات توسعه‌ای غیر واجب همسرش را مجاناً از مالش بدهد، بنا بر احتیاط واجب، نباید خمس خود را به همسرش بدهد که در چنین نفقاتی صرف نماید؛ اما اگر مخارج دیگران بر زن واجب باشد ولی بر فرد انفاق کننده (شوهر) واجب نباشد و زن نتواند مخارج آنان را بدهد، جایز است شوهر خمسش را به او بدهد که به مصرف آنان برساند (توضیح آن در بخش نفقات می‌آید). به عنوان مثال چنانچه زن انسان، از شوهر سابقش اولادی داشته باشد و شوهر سابق یا کسی که نفقه اولاد بر او واجب است، مخارج اولاد را ندهد و زن نیز فقیر باشد و نتواند مخارج فرزندان را بدهد، انسان می‌تواند خمس خویش را به همسرش داده تا آن را صرف نفقات اولادی که از شوهر سابقش دارد، بنماید.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۸.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۶۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۶۱.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۶۵.

\* اگر مخارج سید یا سیده‌ای که زن انسان نیست بر انسان واجب باشد مثل نفقه پدر و مادری که فقیرند بر اولاد غنی‌شان یا نفقه اولادی که فقیرند بر پدر و مادر غنی‌شان، بنا بر احتیاط واجب، انسان نمی‌تواند خوراک و پوشاک و سایر نفقات واجب آنها را از خمس بدهد. همچنین در صورتی که فرد توانایی داشته باشد نفقات توسعه‌ای غیر واجب آنان را مجاناً از مالش بدهد، بنا بر احتیاط واجب، نباید خمس خود را به آنان بدهد که در چنین نفقاتی صرف نمایند.<sup>۱</sup>

\* به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است و او نمی‌تواند مخارج آن سید را بدهد یا دارد و نمی‌دهد، می‌توان خمس داد.<sup>۲</sup>

\* احتیاط واجب آن است که بیشتر از مخارج یک سال به یک سید فقیر، خمس یا وجوهات شرعی‌ای که فقر در آن معتبر است ندهند هرچند در یک دفعه باشد بلکه اگر خمس یا وجوهات شرعی‌ای که فقر در آن معتبر است به تدریج به وی بدهند تا به اندازه مخارج یک سال او و خانواده‌اش گردد، بیشتر از آن دیگر نمی‌توان به وی - از خمس یا وجوهات شرعی‌ای که فقر در آن معتبر است - پرداخت نمود. همچنین کسی که مخارج سالش را داشته، اگر مقداری از آن را مصرف کند و بعد شک کند که آنچه باقی مانده به اندازه مخارج یک سال او هست یا نه، نمی‌تواند خمس یا وجوهات شرعی‌ای که فقر در آن معتبر است بگیرد.<sup>۳</sup>

\* سید یتیمی که به او خمس می‌دهند، باید فقیر باشد، ولی به سیدی که در سفر در مانده شده، اگر در وطنش فقیر هم نباشد، می‌شود خمس داد.<sup>۴</sup>

\* احتیاط واجب آن است که بیشتر از مخارج یک سال به یک سید فقیر خمس ندهند.<sup>۵</sup>

\* آیا پرداخت خمس و زکات بر افراد کم‌توان ذهنی و دیگر معلولان واجب است؟ لازم به تذکر است معلولین به چهار دسته نابینا، ناشنوا (کر و لال)، ناتوان در حرکت دست و پا (حرکتی که اصطلاحاً فلج نامیده می‌شوند) و ناتوان ذهنی (اصطلاحاً دیوانه نامیده می‌شوند) طبقه‌بندی شده‌اند. - کسی که ادراک در حد تکلیف دارد باید خمس بدهد و کسی که ندارد ولی او باید خمس اموالش را بدهد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۶۶.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۶۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۸۶۰.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۶۸.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۸۵۲.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۸۶۱.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

---

\* اگر ولی فرد کم‌توان ذهنی (دیوانه و مجنون) خمس یا زکات مال او را نپردازد می‌تواند در آن مال تصرف کند؟  
- جایز نیست.<sup>۱</sup>





# احکام زکات

\* زکات در ده مورد واجب است:

۱. گندم ۲. جو ۳. خرما یا خشک (تَمْر) ۴. انگور (کشمش)، به این چهار مورد، «غلات چهارگانه» گفته می‌شود.
  ۵. طلا ۶. نقره به این دو مورد، «نقدین» گفته می‌شود.
  ۷. شتر ۸. گاو ۹. گوسفند به این سه مورد، «انعام سه گانه» گفته می‌شود.
  ۱۰. مال التجاره (بنا بر احتیاط واجب).
- این موارد ده گانه، «اموال زکوی» نامیده می‌شود.<sup>۱</sup>

## شرایط زکات

### شرایط عمومی واجب شدن زکات

- \* شرایط ثبوت یا وجوب زکات به دو دسته تقسیم می‌شود: الف. شرایط عمومی ثبوت یا وجوب زکات  
ب. شرایط اختصاصی ثبوت یا وجوب زکات.
- شرایط عمومی عبارتند از:
- شرط اول: شیء متعلق زکات، دارای مالک باشد.
  - شرط دوم: مالک آن، شخص حقیقی باشد نه اعیان یا جهات یا عناوین کلی.
  - شرط سوم: مالک آن، آزاد بوده و برده نباشد.
  - شرط چهارم: مال، شخصی باشد نه کلی در ذمه.
  - شرط پنجم: مالک از تصرف در مال زکوی، شرعاً ممنوع نباشد.<sup>۲</sup>

### شرایط اختصاصی تعلق زکات به غلات چهارگانه

- \* شرط اول: غلات مذکور، در زمان تعلق زکات، در ملکیت فرد باشد.
- شرط دوم: غلات مذکور، به حد نصاب معین برسد.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۷۶.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، شرایط عمومی واجب شدن زکات، ص ۷۱۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، زکات گندم، جو، خرما و انگور (کشمش)، ص ۷۱۴.

\* اگر پیش از دادن زکات از انگور و خرما و جو و گندمی که زکات آنها واجب شده، خود و عیالش بخورند، یا مثلاً به فقیر به غیر عنوان زکات بدهد، باید زکات مقداری را که مصرف کرده بدهد.<sup>۱</sup>

\* موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می‌کنند، و موقع خشک شدن خرما و انگور، انسان باید زکات را به فقیر بدهد، یا از مال خود جدا کند. و زکات طلا و نقره و گاو و گوسفند، و شتر را بعد از تمام شدن ماه یازدهم، باید به فقیر بدهد، یا از مال خود جدا نماید.<sup>۲</sup>

### شرایط اختصاصی تعلق زکات به طلا و نقره

\* شرط اول و دوّم: مالک طلا و نقره، بالغ و نیز در تمام سال عاقل باشد.

شرط سوم: طلا یا نقره به حدّ نصاب معین برسد.

شرط چهارم: طلا یا نقره، سکه دار بوده و معامله با آن رایج باشد.

شرط پنجم: فرد یک سال زکاتی - با وجود سایر شرایط عمومی و اختصاصی - مالک طلا یا نقره باشد.

شرط ششم: مالک طلا و نقره بتواند عرفاً در اموال مذکور تصرف نماید.<sup>۳</sup>

\* چنانچه مالک طلا و نقره بچه نابالغ یا فرد دیوانه<sup>۴</sup> باشد، به طلا یا نقره مذکور زکات تعلق نمی‌گیرد و هنگامی که فرد، بالغ یا عاقل شد، در صورت جمع بودن سایر شرایط ثبوت زکات، از آن زمان، سال مربوط به زکات آغاز می‌شود.<sup>۵</sup>

\* اگر صاحب طلا و نقره در تمام سال یا مقداری از آن، مست یا بیهوش شود، زکات از او ساقط نمی‌شود.<sup>۶</sup>

### شرایط اختصاصی تعلق زکات به اُنعام سه گانه

\* شرط اول: مالک بتواند در اموال مذکور عرفاً تصرف داشته باشد

شرط دوم: حیوانات مذکور در تمام سال از چراگاه‌های طبیعی واقع در دشت، بیابان و مانند آن، چرا نمایند

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۸۸۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۷۴.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، زکات طلا و نقره، ص ۷۲۴.

۴. حتی اگر در دوره‌ای از سال دیوانه باشد، زکات بر او واجب نمی‌شود البته اگر تنها برای مدت یک ساعت و مانند آن در طول سال دیوانه شود در صورت جمع بودن سایر شرایط زکات واجب می‌شود.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۳۰.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۳۱.

شرط سوم: فرد یک سال زکاتی - با وجود سایر شرایط عمومی و اختصاصی - مالک حیوانات مذکور باشد.  
شرط چهارم: تعداد حیوانات مذکور، به حد نصاب برسد.<sup>۱</sup>

\* چنانچه مالک شتر، گاو و گوسفند، بچه نابالغ یا فرد مجنون باشد، با وجود سایر شرایط ثبوت زکات، به این اموال زکات تعلق می‌گیرد و بر ولی شرعی بچه نابالغ یا فرد مجنون، واجب است زکات را از مال او پرداخت نماید. همچنین اگر صاحب آن حیوانات در تمام سال یا مقداری از آن، مست یا بیهوش شود، زکات از او ساقط نمی‌شود.<sup>۲</sup>

\* مستحب است زکات گاو و گوسفند و شتر را به فقرا و ابرومند بدهد، و در دادن زکات، خویشان خود را بر دیگران و اهل علم و کمال را بر غیر آنان، و کسانی که اهل سؤال نیستند را بر اهل سؤال مقدم بدارد، ولی ممکن است دادن زکات به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد.<sup>۳</sup>

\* اگر فقیر شتر و گاو و گوسفند، و طلا و نقره را بابت زکات بگیرد، چنانچه شرط‌هایی که برای واجب شدن زکات گفته شد در آنها جمع شود، باید زکات آنها را بدهد.<sup>۴</sup>

### شرایط اختصاصی تعلق زکات به مال التجاره

\* شرط اول و دوم: مالک مال التجاره، بالغ و نیز در تمام سال عاقل باشد.  
شرط سوم: فرد، مال التجاره را به عقد معاوضی مالک شده باشد.  
شرط چهارم: مال التجاره به حد نصاب برسد.  
شرط پنجم: یک سال زکاتی بر آن مال گذشته باشد.  
شرط ششم: در تمام سال، قصد تجارت با مال التجاره باقی باشد.  
شرط هفتم: مال التجاره در تمام سال، به اندازه قیمت اصل آن یا بیشتر، قابل فروش باشد.  
شرط هشتم: مالک بتواند در مال التجاره عرفاً تصرف داشته باشد.<sup>۵</sup>

\* چنانچه مالک مال التجاره، بچه نابالغ یا فرد دیوانه<sup>۱</sup> باشد، به آن زکات تعلق نمی‌گیرد و هنگامی که فرد، بالغ یا عاقل شد، چنانچه سایر شرایط ثبوت زکات وجود داشته باشد سایر شرایط ثبوت زکات، از آن زمان، سال مربوط به زکات آغاز می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، زکات شتر، گاو و گوسفند، ص ۷۲۸.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۷۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۸۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۹۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، زکات مال التجاره، ص ۷۳۴.

## موارد استحباب پرداخت زکات

\* اگر ولی شرعی بچه نابالغ یا فرد مجنون با اموال متعلق به کودک نابالغ یا شخص مجنون، برای آنان تجارت کند، مستحب است زکات مال التجاره آنان را در صورت وجود شرایط تعلق زکات در آن، از مالشان پرداخت نماید.<sup>۳</sup>

## مستحق زکات

\* در مورد مستحقین زکات که می‌توان زکات را به آنان پرداخت نمود علاوه بر شروطی که سابقاً گذشت، چند شرط دیگر معتبر است که در مسائل بعد احکام آن ذکر می‌شود.  
شرط اول: زکات گیرنده باید شیعه دوازده امامی باشد.  
شرط دوم و سوم و چهارم: زکات گیرنده زکات را در مسیر حرام مصرف نکند - بنابر احتیاط واجب پرداخت زکات به او کمک یا تشویق به گناه محسوب نشود - بنابر احتیاط واجب شراب‌خوار و بی‌نماز نبوده و آشکارا معصیت نکند.  
شرط پنجم: زکات گیرنده، واجب النفقه زکات دهنده نباشد.  
شرط ششم: در صورتی که زکات دهنده عام و غیر سید است، زکات گیرنده، هاشمی و سید نباشد.<sup>۴</sup>

\* اگر شیعه فقیر، بچه نابالغ یا دیوانه باشد، انسان می‌تواند به ولی شرعی او زکات بدهد به قصد اینکه آنچه می‌دهد ملک طفل یا دیوانه باشد و می‌تواند خودش یا به وسیله یک نفر امین زکات را به مصرف طفل یا دیوانه برساند؛ ولی نباید این کار با حق حضانت (سرپرستی) کسی که بچه را نگهداری می‌کند یا ولایت فردی که ولی او است منافات داشته باشد و باید موقعی که زکات را به مصرف آنان می‌رساند، نیت زکات کند.<sup>۵</sup>

\* به فقیری که گدایی می‌کند اگر فقر او ثابت باشد، می‌شود زکات داد، ولی به کسی که زکات را در معصیت مصرف می‌کند، نباید زکات داد، بلکه احتیاط واجب آن است به کسی که دادن زکات موجب ترغیب او در معصیت می‌شود هر چند خود آن را در معصیت صرف نمی‌نماید، زکات داده نشود.<sup>۶</sup>

۱. حتی اگر در دوره‌ای از سال دیوانه باشد، زکات بر او واجب نمی‌شود البته اگر تنها برای مدت یک ساعت و مانند آن در طول سال دیوانه شود با وجود سایر شرایط زکات، بنابر احتیاط، واجب می‌شود.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۷۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۸۳.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۰۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۱۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۵۸.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۵۹.

\* پدر می‌تواند از زکات برای پسر فقیرش زن بگیرد، و همچنین است پسر نسبت به پدر.<sup>۱</sup>

\* زنی که صیغه شده اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران می‌توانند به او زکات بدهند، ولی اگر بر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد، یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که مخارج آن زن را بدهد نمی‌شود به آن زن زکات داد.<sup>۲</sup>

\* زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکات بدهد، اگرچه شوهر زکات را صرف مخارج خود آن زن نماید.<sup>۳</sup>

\* انسان نمی‌تواند مخارج و نفقات لازم کسی را که مثل اولاد یا پدر و مادر یا زن دائمی‌اش که نفقه و مخارجش بر او واجب است از زکات بدهد.<sup>۴</sup> البته این حکم در موردی است که پرداخت زکات، به عنوان فقر باشد و اما اگر زکات را به عنوان دیگری به او بدهد، اشکال ندارد؛ مثل اینکه آن فرد، غارم و بدهکار یا ابن السبیل است و از جهت مذکور استحقاق دریافت زکات را داشته باشد. البته چنانچه فرد، عاجز و ناتوان از پرداخت نفقه واجب افراد واجب النفقه‌اش باشد و زکات بر او واجب باشد می‌تواند از زکات، نفقه آنها را بدهد هر چند احتیاط مستحب ترک این کار است.<sup>۵</sup>

\* پرداخت زکات به زن دائمی که فقیر است و شوهرش نفقه او را می‌پردازد، جایز نیست؛ بلکه اگر شوهرش می‌تواند نفقه همسرش را بدهد ولی از پرداخت نفقه امتناع می‌ورزد، چنانچه بتوان او را - بدون سختی غیرقابل تحمل - مجبور به پرداخت نفقه کرد، (هر چند با مراجعه به مراکز دولتی و حکومتی)، نمی‌توان به چنین زنی زکات داد، اما اگر شوهر نمی‌تواند مخارج او را بدهد یا دارد و نمی‌دهد و مجبور کردن او به پرداخت نفقه - بدون سختی غیرقابل تحمل - امکان ندارد، می‌شود به وی زکات داد. همچنین به فقیری که نفقه‌اش بر شخص دیگری واجب است و شخص مذکور توانایی پرداخت نفقه آن فقیر را دارد و در صورت مطالبه از پرداخت آن امتناع نمی‌ورزد و بدون متنی که عادتاً قابل تحمل نیست حاضر به پرداخت آن می‌باشد، در این صورت احتیاط واجب آن است که به فقیر مذکور زکات ندهند؛ اما اگر آن شخص عاجز و ناتوان از پرداخت نفقه است یا اصلاً حاضر به نفقه دادن نیست یا نفقه دادن با متنی همراه است که به طور معمول غیرقابل تحمل است، در چنین مواردی می‌شود به فقیر مذکور زکات داد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۶۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۶۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۶۸.

۴. همچنین بنا بر احتیاط واجب، نباید زکات خود را به فردی که واجب النفقه او محسوب می‌شود، بدهد که در نفقات توسعه‌ای غیر واجبش صرف نماید در صورتی که فرد توانایی داشته باشد آن را از مالش مجاناً بدهد.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۱۲.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۱۴.

## مصرف زکات

\* زکات در هشت مورد صرف می‌شود:

اول: فقیر، و او کسی است که مخارج سال خود و عیالات‌اش را ندارد، ولی کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند مخارج سال خود را بگذارند فقیر نیست.  
 دوّم: مسکین، و او کسی است که از فقیر سخت‌تر می‌گذراند.  
 سوّم: کسی که از طرف امام علیه السلام یا نایب امام مأمور است که زکات را جمع و نگهداری نماید، و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام یا نایب امام یا فقرا برساند.  
 چهارم: کفاری که اگر زکات به آنان بدهند، به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ یا غیر آن به مسلمانان کمک می‌کنند. و همچنین مسلمانانی که ایمان آنان به بعضی از آنچه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم آورده‌اند ضعیف است، ولی چنانچه زکات به آنان داده شود موجب تقویت ایمانشان می‌گردد، یا مسلمانانی که ایمان به ولایت امیر مؤمنان علیه السلام ندارند، ولی اگر به آنان زکات داده شود به ولایت رغبت پیدا می‌کنند و به آن ایمان می‌آورند.  
 پنجم: خریداری بنده‌ها و آزاد کردن آنان، به تفصیلی که در محل خود ذکر شده است.  
 ششم: بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد.  
 هفتم: فی سبیل الله، یعنی کارهایی که نفعش به عموم مسلمین می‌رسد مثل ساختن مسجد، و مدرسه‌ای که علوم دینی در آن خوانده می‌شود، و پاکسازی شهر و آسفالت راه‌ها، و توسعه آنها و مانند اینها.

هشتم: ابن السبیل، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده.

اینها مواردی است که زکات در آنها صرف می‌شود، ولی مالک نمی‌تواند زکات را بدون اذن امام علیه السلام یا نایبش، در دو مورد سوّم و چهارم مصرف نماید، و در مورد هفتم نیز بنا بر - احتیاط لازم - باید از حاکم شرع اذن بگیرد، و احکام این موارد در مسائل آینده گفته خواهد شد.<sup>۱</sup>

\* احتیاط واجب آن است که فقیر، یا مسکین بیشتر از مخارج سال خود و عیالش را از زکات نگیرد، و اگر مقداری پول یا جنس دارد، فقط به اندازه کسری مخارج یک سالش زکات بگیرد.<sup>۲</sup>

\* فقیری که خرج سال خود و عیالش را ندارد، اگر خانه‌ای دارد که ملک او است و در آن نشسته، یا وسیله سواری دارد، چنانچه بدون اینها نتواند زندگی کند اگرچه برای حفظ آبرویش باشد، می‌تواند زکات بگیرد، و همچنین است اثاث خانه، و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۴۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۴۱.

احتیاج دارد، و فقیری که اینها را ندارد، اگر به اینها احتیاج داشته باشد می‌تواند از زکات خریداری نماید.<sup>۱</sup>

\* فقیری که می‌تواند کسب کند و مخارج خود و عیال‌اش را تهیه نماید و از روی تنبلی اقدام نمی‌کند جایز نیست زکات بگیرد، و طلبه فقیری که کسب مانع ادامه تحصیل اوست در هیچ صورتی نمی‌تواند از سهم فقرا زکات بگیرد، مگر اینکه تحصیل بر او واجب عینی باشد، و از سهم سبیل الله در صورتی که تحصیل او منفعت عمومی داشته باشد با اجازه حاکم شرع - بنا بر احتیاط لازم - جایز است، و فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌تواند با گرفتن زکات، زندگی کند، ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است می‌تواند زکات بگیرد.<sup>۲</sup>

\* به کسی که قبلاً فقیر بوده، و می‌گوید فقیرم، اگر چه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند، می‌شود زکات داد، ولی کسی که معلوم نباشد قبلاً فقیر بوده یا نه، نمی‌توان - بنا بر احتیاط - تا وقتی که اطمینان به فقرش حاصل نشود، به او زکات داد.<sup>۳</sup>

\* کسی که می‌گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده، چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود، نمی‌شود به او زکات داد.<sup>۴</sup>

\* کسی که باید زکات بدهد، اگر از فقیری طلبکار باشد، می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.<sup>۵</sup>

\* اگر فقیر بمیرد و مال او به اندازه قرضش نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکات حساب کند، بلکه اگر مال او به اندازه قرضش باشد و ورثه قرض او را ندهند، یا به جهت دیگر انسان نتواند طلب خود را بگیرد، نیز می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.<sup>۶</sup>

\* چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می‌دهد، لازم نیست به او بگوید که زکات است، بلکه اگر فقیر خجالت بکشد مستحب است مال را به قصد زکات به او داده و زکات بودنش را اظهار ننماید.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۴۴.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۴۵.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۴۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۴۷.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۴۸.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۴۹.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۵۰.

✽ اگر به خیال اینکه کسی فقیر است به او زکات بدهد، بعد بفهمد فقیر نبوده، یا از روی ندانستن مسأله به کسی که می‌داند فقیر نیست زکات بدهد کافی نیست. پس چنانچه چیزی را که به او داده باقی باشد بایستی از او بگیرد و به مستحق بدهد، و اگر از بین رفته باشد، پس اگر کسی که آن چیز را گرفته می‌دانسته زکات است، انسان می‌تواند عوض آن را از او بگیرد و به مستحق بدهد، و اگر نمی‌دانسته زکات است، نمی‌تواند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش عوض زکات را به مستحق بدهد، حتی اگر در شناخت فقیر تحقیق کرده یا به حجت شرعی مستند بوده، بنا بر احتیاط واجب.<sup>۱</sup>

✽ اگر به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، زکات بدهد، بعد بفهمد قرض را در معصیت مصرف کرده، چنانچه آن بدهکار فقیر باشد می‌تواند آنچه را که به او داده، بابت سهم فقرا حساب کند.<sup>۲</sup>

✽ کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگرچه فقیر نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.<sup>۳</sup>

✽ مسافری که خرجی او تمام شده یا مرکبش از کار افتاده، چنانچه سفر او سفر معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن، یا فروختن چیزی خود را به مقصد برساند، اگرچه در وطن خود فقیر نباشد، می‌تواند زکات بگیرد، ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که به آنجا برسد، می‌تواند زکات بگیرد - و بنا بر احتیاط واجب - اگر بتواند با فروش یا اجاره مالی در وطن خود خرج راه را تهیه کند نباید زکات بگیرد.<sup>۴</sup>

## نیت

✽ اگر کسی را وکیل کند که زکات مال او را بدهد، موقعی که زکات را به آن وکیل می‌دهد باید نیت کند و احتیاط مستحب این است که نیت او تا زمان رسیدن زکات به فقیر مستمر باشد.<sup>۵</sup>

## مسائل متفرقه

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۵۱.
۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۵۳.
۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۵۴.
۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۵۵.
۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۷۳.



\* بعد از جدا کردن زکات لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد، و اگر برای غرض عقلائی تأخیر بیندازد، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* کسی که می‌تواند زکات را به مستحق برساند، اگر زکات را ندهد و بدون آنکه در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود، چنانچه غرض صحیحی در تأخیر زکات نداشته باید عوض آن را بدهد، بلکه اگر غرض صحیحی داشته مثلاً فقیر معینی را در نظر داشته، یا می‌خواسته تدریجاً به فقرا برساند، - بنا بر احتیاط واجب - ضامن است.<sup>۲</sup>

\* اگر پیش از آنکه زکات بر او واجب شود، چیزی بابت زکات به فقیر بدهد، زکات حساب نمی‌شود، و بعد از آنکه زکات بر او واجب شد، اگر چیزی را که به فقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد، می‌تواند چیزی را که به او داده، بابت زکات حساب کند.<sup>۳</sup>

\* فقیری که می‌داند زکات بر انسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود ضامن است، پس موقعی که زکات بر انسان واجب می‌شود، اگر آن فقیر به فقر خود باقی باشد، می‌تواند عوض چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند.<sup>۴</sup>

\* فقیری که نمی‌داند زکات بر انسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود، ضامن نیست، و انسان نمی‌تواند عوض آن را بابت زکات حساب کند.<sup>۵</sup>

\* فقیر نمی‌تواند پیش از گرفتن زکات آن را به کمتر از مقدار آن صلح کند، یا چیزی را گران‌تر از قیمت آن بابت زکات قبول نماید. و همچنین مالک نمی‌تواند زکات را به مستحق داده و بر او شرط کند که آن را به او برگرداند، ولی اگر مستحق پس از گرفتن زکات راضی شود که آن را به او برگرداند مانعی ندارد، مثلاً کسی که زکات زیادی بدهکار است و فقیر شده و نمی‌تواند زکات را بدهد و حال توبه کرده، اگر فقیر راضی شود زکات او را بگیرد و به او ببخشد، اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۷۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۷۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۸۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۸۴.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۸۵.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۹۳.

\* انسان می‌تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها از سهم سبیل الله زکات بگیرد، اگرچه فقیر نباشد، یا اینکه به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، ولی این در صورتی است که رفتن او به حج یا زیارت و مانند اینها دارای منفعت عامه باشد، - و بنا بر احتیاط - از حاکم شرع برای صرف زکات در آن اذن بگیرد.<sup>۱</sup>

\* اگر مالک، فقری را وکیل کند که زکات مال او را بدهد، چنانچه آن فقیر احتمال بدهد که قصد مالک این بوده که خود آن فقیر از زکات بر ندارد، نمی‌تواند چیزی از آن را برای خودش بردارد، و اگر یقین داشته باشد که قصد مالک این نبوده می‌تواند برای خودش هم بردارد.<sup>۲</sup>

\* کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می‌تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم واجب عینی باشد می‌شود از سهم فقرا به او زکات داد، و اگر تحصیل آن علم دارای مصلحت عامه باشد، زکات دادن به او از سهم سبیل الله و - بنا بر احتیاط - با اجازه حاکم شرع جایز است، در غیر این دو صورت جایز نیست به او زکات بدهند.<sup>۳</sup>

## زکات فطره

\* بر مکلفی که در موقع غروب شب عید فطر، شرایط ذیل را دارا باشد، پرداخت زکات فطره خود و کسانی که عرفاً نان خور او محسوب می‌شوند، واجب است:

۱. بالغ باشد.
۲. عاقل باشد.
۳. بیهوش نباشد.
۴. فقیر نباشد.
۵. بنده و عبد نباشد.<sup>۴</sup>

\* کسی که موقع غروب شب عید فطر، بالغ و عاقل است، و بیهوش و فقیر و برده نیست، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، هر نفری یک صاع که گفته می‌شود تقریباً سه کیلو است از غذاهای معمول در شهرش مانند گندم یا جو یا خرما یا کشمش، یا برنج یا ذرت به مستحق بدهد، و

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۹۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۹۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۰۲.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۴۵.

اگر بجای آن پول هم بدهد، کافی است، و احتیاط لازم آن است که از غذاهایی که در شهرش معمول نیست ندهد هر چند گندم یا جو، یا خرما یا کشمش باشد.<sup>۱</sup>

\* کسی که مخارج سال خود و عیالش را ندارد و کسی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالش را بگذراند، فقیر است و دادن زکات فطره بر او واجب نیست.<sup>۲</sup>

\* اگر کسی موقع غروب شب عید فطر دیوانه باشد، در صورتی که دیوانگی او تا ظهر روز عید فطر باقی باشد، زکات فطره بر او واجب نیست، و الا - بنا بر احتیاط واجب - لازم است فطره را بدهد.<sup>۳</sup>

\* اگر پیش از غروب بچه بالغ شود، یا دیوانه عاقل گردد، یا فقیر غنی شود، در صورتی که شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکات فطره را بدهد.<sup>۴</sup>

\* کسی که فقط به اندازه یک صاع گندم و مانند آن را دارد، مستحب است زکات فطره را بدهد، و چنانچه عیالی داشته باشد و بخواهد فطره آنها را هم بدهد می تواند به قصد فطره، آن یک صاع را به یکی از عیالش بدهد، و او هم به همین قصد به دیگری بدهد، و همچنین تا به نفر آخر برسد، و بهتر است نفر آخر چیزی را که می گیرد به کسی بدهد که از خودشان نباشد، و اگر یکی از آنها صغیر یا دیوانه باشد، ولی او به جای او می گیرد، و احتیاط مستحب آن است که به قصد او نگیرد، بلکه برای خودش بگیرد.<sup>۵</sup>

### مصرف زکات فطره

\* زکات فطره را - بنا بر احتیاط واجب - باید فقط به فقرا داد - و منظور فقرای شیعه است - که دارای شرایط گذشته در مستحقین زکات مال هستند، و چنانچه در شهر از فقرای شیعه کسی نباشد می تواند آن را به فقرای دیگر مسلمانان داد، ولی در هر صورت نباید به ناصبی داده شود.<sup>۶</sup>

\* اگر طفل شیعه ای فقیر باشد، انسان می تواند فطره را به مصرف او برساند، یا به واسطه دادن به ولی او، ملک طفل نماید.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۰۳؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۵۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۰۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۰۹.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۱۰.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۱۳.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۲۳.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۲۴.

\* فقیری که فطره به او می‌دهند، لازم نیست عادل باشد، ولی احتیاط واجب آن است که به شراب‌خوار، و بی‌نماز، و کسی که آشکارا معصیت می‌کند، فطره ندهند.<sup>۱</sup>

\* احتیاط مستحب آن است که به یک فقیر کمتر از یک صاع فطره ندهند، مگر اینکه به فقرایی که جمع شده‌اند نرسد، ولی اگر بیشتر بدهند هیچ اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان و همسایگان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد، و سزاوار است که اهل علم و دین و فضل را به دیگران نیز مقدم دارد.<sup>۳</sup>

\* اگر انسان به خیال اینکه کسی فقیر است به او فطره بدهد و بعد بفهمد فقیر نبوده، چنانچه مالی را که او داده از بین نرفته باشد، باید پس بگیرد و به مستحق بدهد، و اگر نتواند بگیرد، باید از مال خودش عوض فطره را بدهد، و اگر از بین رفته باشد، در صورتی که گیرنده فطره می‌دانسته آنچه را که گرفته فطره است، باید عوض آن را بدهد، و اگر نمی‌دانسته، دادن عوض بر او واجب نیست، و انسان باید عوض فطره را بدهد.<sup>۴</sup>

\* اگر کسی بگوید فقیرم، نمی‌شود به او فطره داد، مگر آنکه از گفته او اطمینان پیدا شود، یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است.<sup>۵</sup>

\* اگر طفل شیعه‌ای فقیر باشد، انسان می‌تواند فطریه را به مصرف او برساند، یا اینکه به ولی او بدهد تا آن را ملک طفل نماید.<sup>۶</sup>

\* فقیری که فطریه به او می‌دهند، لازم نیست عادل باشد، ولی همان‌طور که در زکات مال گفته شد احتیاط واجب آن است که به شراب‌خوار و بی‌نماز و کسی که معصیت را آشکارا به جا می‌آورد و متجاهر به فسق است، فطریه ندهند همچنین به کسی که فطریه را در معصیت مصرف می‌کند، نباید فطریه بدهند.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۲۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۲۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۳۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۳۱؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۷۵.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۳۲.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۶۵.

۷. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۶۶.

\* احتیاط مستحب آن است که به یک فقیر کمتر از یک صاع فطره ندهند، مگر اینکه به فقرایی که جمع شده‌اند نرسد ولی اگر چند صاع به یک فقیر بدهند، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* کسی که سید نیست، نمی‌تواند به سید زکات فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان‌خور او باشد، نمی‌تواند فطره او را به سید دیگری بدهد اما فردی که سید است می‌تواند زکات فطره خویش را به فقیر سید یا غیر سید بپردازد حتی اگر کسانی که نان‌خور او محسوب می‌شوند و زکات فطره آنان بر سید مذکور واجب شده، سید نباشند.<sup>۲</sup>

\* در صورت استحقاق والدین آسیب دیده آلزایمری (بیماری فراموشی) آیا فرزندان آنها می‌توانند فطره، کفاره، زکات یا خمس خود را به آنها بپردازند؟  
- به احتیاط واجب ندهند.<sup>۳</sup>

### مسائل متفرقه زکات فطره

\* اگر پیش از ماه رمضان فطره را بدهد صحیح نیست، و بهتر آن است که در ماه رمضان هم فطره را بدهد، ولی اگر پیش از رمضان به فقیر قرض بدهد و بعد از آنکه فطره بر او واجب شد، طلب خود را بابت فطره حساب کند مانعی ندارد.<sup>۴</sup>

\* اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود، چنانچه دسترسی به فقیر داشته و دادن فطره را تأخیر انداخته، یا در نگهداری آن کوتاهی کرده، باید عوض آن را بدهد، و اگر دسترسی به فقیر نداشته و در نگهداری آن کوتاهی نکرده، ضامن نیست.<sup>۵</sup>

\* اگر فرد پیش از ماه رمضان، زکات فطره را بدهد صحیح نیست ولی بعد از فرا رسیدن ماه رمضان می‌تواند زکات فطره را بدهد هر چند احتیاط مستحب آن است که در ماه رمضان هم فطره را بدهد و پرداخت آن را تا شب عید فطره به تأخیر اندازد، ولی اگر فرد، پیش از ماه رمضان به فقیر قرض بدهد و بعد از آنکه فطره بر او واجب شد، فقیر مذکور هنوز هم استحقاق دریافت زکات فطره را دارا باشد می‌تواند طلب خود را از فقیر بابت زکات فطره حساب کند.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۶۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۶۸.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۱۲؛ مسائل جدید، ج ۵، ص ۳۳-۳۴.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۳۴.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۴۳.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۷۷.

\* اگر به نیت فطره مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید فطر به مستحق ندهد، هر وقت آن را به وی می‌دهد، باید نیت زکات فطره نماید و تأخیر در پرداخت زکات فطره‌های که کنار گذاشته شده، اگر برای غرض عقلایی باشد و سهل انگاری در پرداخت زکات محسوب نشود، اشکال ندارد. بنابراین اگر زکات فطره را برای پرداخت به فقیر معینی کنار بگذارد و دسترسی به آن فقیر فعلاً ممکن نباشد مثل اینکه فقیر مسافرت باشد می‌تواند پرداخت زکات فطره را به تأخیر بیاورد.<sup>۱</sup>

\* پرداخت زکات فطره بر فقیر، واجب نیست؛ اما مستحب است زکات فطره را بپردازد و چنانچه فقط به اندازه یک صاع گندم و مانند آن در نزد فقیر موجود باشد و افرادی هم نان‌خور او باشند - مثل اعضای خانواده‌اش - و بخواهد فطره آنان را هم بدهد، می‌تواند به قصد فطره، آن یک صاع را به یکی از آنان بدهد و او هم به همین قصد به دیگری بدهد و این عمل تکرار شود تا به نفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر، چیزی را که می‌گیرد، به قصد فطره، به کسی بدهد که از خودشان نباشد. و اگر یکی از آنان صغیر یا دیوانه باشد، ولی او به جای وی، آن را می‌گیرد و احتیاط مستحب آن است که به قصد او نگیرد، بلکه ولی، آن را برای خودش بگیرد و آنچه را برای خود گرفته، برای صغیر یا دیوانه، به عنوان زکات فطره به دیگری بپردازد.<sup>۲</sup>

\* مستحب است فرد در پرداخت زکات فطره، خویشان و فامیل و همسایگان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و سزاوار است که اهل علم و دین و فضل را در دادن زکات فطره بر دیگران مقدم دارد.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۷۹.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۸۴.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۸۵.

# احکام

## حج

### شرایط وجوب

\* حج: زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده‌اند در آنجا بجا آورده شود. و در تمام عمر بر کسی که این شرایط را دارا باشد، یک مرتبه واجب می‌شود:  
اول: آنکه بالغ باشد.  
دوم: آنکه عاقل و آزاد باشد.  
سوم: به واسطه رفتن به حج مجبور نشود که کار حرامی را که ترک آن از حج مهم‌تر است انجام دهد، یا عمل واجبی را که از حج مهم‌تر است ترک نماید، ولی اگر در این حال به حج برود گر چه گناه کرده اما حج او صحیح است.  
چهارم: آنکه مستطیع باشد.<sup>۱</sup>

\* پول قربانی بچه غیر ممیز بر ولی او است، و همچنین کفاره شکار او، و اما کفاراتی که با به جا آوردن عمدی موجباتشان واجب می‌شوند، ظاهر این است که با صدور موجباتشان از بچه هر چند ممیز باشد، واجب نمی‌شود، نه بر ولی و نه در مال بچه. پس بر دیوانه هر چند ادواری باشد حج واجب نیست. بلی اگر دیوانگیش ادواری باشد، و زمان سلامتیش کافی برای انجام مناسک حج و تهیه مقدماتش باشد، و مستطیع هم باشد، حج بر او واجب است هر چند در سائر اوقات دیوانه باشد. همچنان که اگر بداند زمان دیوانگیش همیشه مصادف با ایام حج است، واجب است در زمان سلامتیش نائب بگیرد که از طرف حج را در ایام آن انجام دهد.<sup>۲</sup>

\* بر فرد غیر بالغ - هر چند نزدیک به بلوغ باشد - حج، واجب نیست و اگر بچه ممیز نابالغ، حج انجام دهد، حش صحیح می‌باشد، ولی جای حجة الاسلام را نمی‌گیرد.<sup>۳</sup>

### استطاعت

\* مستطیع بودن به چند چیز است:

اول: آنکه توشه راه و همچنین مرکب سواری - در صورت احتیاج به آن - یا مالی که بتواند با آن مال آنها را تهیه کند، داشته باشد.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۴۵.

۲. مناسک حج، م ۱۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۱۶۳.

دوم: سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بدون مشقت زیاد بتواند مکه رود، و حج را بجا آورد. و این شرط در وجوب مباشرت حج معتبر است و کسی که توانایی مالی دارد ولی قدرت بدنی مباشرت ندارد یا مباشرت برای او حرجی است و امید بهبودی ندارد باید نایب بگیرد.

سوم: در راه مانعی از رفتن نباشد، و اگر راه بسته باشد یا انسان بترسد که در راه جان یا عرض او از بین برود یا مال او را ببرند، حج بر او واجب نیست. ولی اگر از راه دیگری بتواند برود اگر چه دورتر باشد، باید از آن راه برود، مگر آنکه آن راه آن قدر دورتر و غیر معمولی باشد که بگویند راه حج بسته است.

چهارم: تمکن از سایر جهات داشته باشد که به قدر بجا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد.

پنجم: مخارج کسانی را که خرجی آنان بر او واجب است مثل زن و بچه، یا ترک انفاق بر آنان برای او حرجی است، داشته باشد.

ششم: بعد از برگشتن، کسب یا زراعت یا عایدی ملک یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد، یعنی این طور نباشد که به واسطه مخارج حج پس از برگشتن مجبور شود به زحمت زندگی کند.<sup>۱</sup>

\* توانایی بدنی که شرط واجب شدن حج می باشد به این معنا است که فرد سلامت مزاج و توانایی بدنی داشته باشد که بتواند بدون مشقت زیادی که عرفاً قابل تحمل نیست (حرج) به مکه برود و حج را به جا آورد. البته کسی که توانایی مالی دارد اما توانایی بدنی ندارد و تا آخر عمر امید بهبودی ندارد، باید با شرایطی که گفته می شود نایب بگیرد.<sup>۲</sup>

\* اگر کسی که مستطیع شده حج نکند، و بعد به واسطه پیری یا مرض و ناتوانی، نتواند حج نماید، یا حرجی باشد و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش حج کند، باید دیگری را از طرف خود بفرستد، و در صورتی که بعداً قدرت پیدا کرد، خودش نیز حج نماید و همچنین است اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده، به واسطه پیری یا مرض یا ناتوانی نتواند حج کند و ناامید از توانایی خود باشد، و در تمام این صور احتیاط مستحب آن است که چنانچه منوب عنه مرد باشد، نایب ضروره باشد، یعنی کسی باشد که برای اولین بار به حج می رود.<sup>۳</sup>

\* زنی که می تواند مکه برود، اگر بعد از برگشتن از خودش مال نداشته باشد و شوهرش هم مثلاً فقیر باشد و خرجی او را ندهد و ناچار شود که به سختی زندگی کند، حج بر او واجب نیست.<sup>۴</sup>

\* شخص مستطیع در صورتی که توانایی حج را داشته باشد، باید شخصاً به حج برود، و حج شخص دیگری از طرف او تبرعاً یا با اجرت کفایت نمی کند.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۴۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۱۷۳.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۵۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۴۷.

۵. مناسک حج، م ۶۲.



\* کسی که حج بر ذمه وی مستقر شده، و شخصاً نتواند به علت بیماری یا پیری یا مانعی دیگر حج را به جا آورد، یا حج نمودن برایش مشقت و حرج داشته، و امید اینکه بعداً بتواند حج نماید بدون مشقت و حرج نیز نداشته باشد، در این صورت واجب است برای خود نایب بگیرد. و همچنین کسی که دارا و ثروتمند است ولی توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد، یا مباشرت موجب حرج و مشقت برای او می‌شود، و وجوب نایب گرفتن فوری است مانند فوریت خود وجوب حج.<sup>۱</sup>

\* در صورتی که نایب از طرف کسی که توانایی نداشت شخصاً به حج برود حج نمود، و شخصی که حج از طرف او انجام شده در حالتی که عذرش باقی بود فوت نمود، حج نایب کفایت می‌کند هر چند حج بر ذمه وی مستقر شده باشد، و اما اگر اتفاقاً قبل از مردن عذر برطرف شد، احوط این است که شخصاً در زمان تمکن حج نماید. و چنانچه بعد از محرم شدن نایب عذرش برطرف شود، بر شخصی که نیابت از طرف او انجام شده واجب است شخصاً حج نماید. اگر چه بنا بر احوط واجب است که نایب نیز عمل حج را تمام نماید.<sup>۲</sup>

\* کسی که شخصاً از حج نمودن معذور است و تمکن نایب گرفتن هم ندارد وجوب (نایب گرفتن) ساقط است، ولی واجب است بعد از فوتش حج از طرف او قضا شود، در صورتی که حج بر او مستقر شده باشد، و اگر مستقر نبوده واجب نیست، و اگر متمکن از نایب گرفتن بوده و نایب نگرفت تا فوت نمود، واجب است از طرف او قضا شود.<sup>۳</sup>

\* اگر نایب گرفتن واجب شد و نایب نگرفت، ولی شخصی تبرعاً از طرف او حج به جا آورد کفایت نمی‌کند، و بنا بر احوط نایب گرفتن بر خودش واجب است.<sup>۴</sup>

\* در نایب گرفتن کفایت می‌کند از میقات نایب بگیرد، و واجب نیست از شهر خود نایب بگیرد.<sup>۵</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد، واجب نیست از وطن نایب بگیرند، بلکه نایب گرفتن از میقات کافی است، اگر چه نزدیک‌ترین میقات‌ها به مکه باشد، بلی احوط این است که از وطن، نایب گرفته شود. و اگر میراث میت وافی به مصارف حج باشد، از هر میقات که نایب گرفته شود کافی است، اگر چه ارزان‌ترین آن‌ها باشد، در صورتی که میراث گنجایش حج از وطن و غیر آن، از

۱. مناسک حج، م ۶۳.

۲. مناسک حج، م ۶۴.

۳. مناسک حج، م ۶۵.

۴. مناسک حج، م ۶۶.

۵. مناسک حج، م ۶۷.

واجباتی که باید ذمه را از آن‌ها فارغ نمود داشته باشد، ولی اجرت بیشتر از میقات نباید از سهم وارثان صغیر کسر گردد بلکه از سهم وارثان بالغ، با رضایت آن‌ها کسر می‌گردد.<sup>۱</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و میراث او وافی به هزینه حج باشد، احوط این است که فوراً برای فارغ شده ذمه او اقدام نمایند، اگرچه با اجیر گرفتن از میراثش باشد، و اگر در همان سال اول استیجار و نایب گرفتن از میقات ممکن نباشد، احوط این است که از وطنش نایب بگیرند و تا سال آینده به تأخیر نیندازند، اگرچه بداند که نایب گرفتن از میقات در سال بعد ممکن است، ولی مقدار زائد بر استیجار از میقات نباید از سهم نابالغان ورثه کسر شود.<sup>۲</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و میراث او وافی به مصارف حج باشد، اگر نایبی پیدا نشود مگر به بیشتر از مقدار معمول، احتیاط این است که نایب گرفته شود، و برای صرفه‌جویی بر ورثه تا سال آینده به تأخیر انداخته نشود، ولی در این صورت زائد بر اجرت معمول از سهم نابالغان ورثه نباید حساب شود.<sup>۳</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد، چنانچه شخصی بدون اجرت به جای او حج نمود کفایت می‌کند و واجب نیست که از میراثش برای او نایب بگیرند، و همچنین اگر وصیت به حج از ثلث خود نماید و شخصی حج را به جای او بدون اجرت به جا آورد، که در این صورت هم واجب نیست از ثلث برایش نایب بگیرند، ولی معادل هزینه حج از ثلث حق ورثه نخواهد بود، بلکه باید در خیراتی مصرف شود که به نظر میت نزدیک‌تر باشد.<sup>۴</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و وصیت نموده که از وطنش نایب گرفته شود واجب است از وطن نایب گرفته شود، ولی مازاد بر اجرت میقات از ثلث خارج می‌شود، و چنانچه فقط وصیت به حج نموده و چیزی تعیین نکند به نایب گرفتن از میقات اکتفا می‌شود. مگر در صورتی که قرینه‌ای باشد که مراد وی استیجار و نایب گرفتن از وطن باشد، مثل اینکه مقداری از مال را تعیین کند که مناسب حج از وطن باشد.<sup>۵</sup>

۱. مناسک حج، م ۷۸.

۲. مناسک حج، م ۷۹.

۳. مناسک حج، م ۸۰.

۴. مناسک حج، م ۸۲.

۵. مناسک حج، م ۸۳.

\* چنانچه وصیت به حج از وطنی غیر وطن خود نماید، مثل اینکه شخصی که اهل مشهد است وصیت کند از نجف - مثلاً - برایش نایب بگیرند، عمل به این وصیت واجب است، و مازاد بر اجرت حج میقاتی از ثلثش اخراج می‌شود.<sup>۱</sup>

\* اگر وصیت کند که برای حجة الاسلام از طرف او نایب گرفته شود و اجرت را نیز تعیین نموده باشد، عمل به این وصیت واجب است، و هزینه‌اش از اصل میراث برداشته می‌شود، در صورتی که بیش از اجرت معمولی عمل وصیت شده نباشد، و اگر بیش از آن بود تفاوتش از ثلث خواهد بود.<sup>۲</sup>

\* در صورتی که نایب گرفتن برای حج از طرف میت به وصیت یا غیر وصیت واجب شده باشد، و کسی که واجب بود نایب بگیرد سهل انگاری و اهمال نموده، و مالی که برای حج در نظر گرفته شده بود تلف شود، این شخص ضامن خواهد بود، و بر او واجب است که از مال خود برایش نایب بگیرد.<sup>۳</sup>

\* هرگاه مکلف عمره تمتع را به نیابت از دیگری انجام دهد، و پیش از انجام حج متوجه شود که هنگام بیرون آمدن از شهرش مستطیع بوده است، آیا بر او واجب است که حج نیابتی را به پایان برساند و یا آن که برای خود حج به جا آورد؟ و اگر واجب است که برای خود حج به جا آورد، برای عمره تمتع از کجا مُحرم شود؟ و اگر پس از انجام دادن عمره نیابتی و پیش از حج مستطیع شود، چه حکمی دارد؟ - در صورت اول، اگر به خود مطمئن باشد که سال آینده می‌تواند برای خود حج به جا آورد، حج نیابتی را به پایان برساند وگرنه آن را رها کند و به یکی از میقات‌ها برود و برای خودش جهت حج مُحرم شود. و در صورت دوم با استطاعتی که تازه به دست آورده حج بر او واجب نمی‌شود گرچه با غیر مال الاجاره باشد.<sup>۴</sup>

\* اگر شخصی مالی که برای حج کافی باشد، به دست آورد، لیکن بیمار باشد، آیا بر او واجب است که خود را درمان کند تا بتواند خودش حج را به جای آورد؟  
- اگر در عرف اکنون مستطیع شمرده نشود، بر او واجب نیست که با درمان خود را مستطیع کند.<sup>۵</sup>

\* شخص مکلفی هزینه حج را به سازمان حج و زیارت پرداخت می‌کند و سال‌ها منتظر نوبت خود می‌ماند و چون نوبتش رسید، بیمار می‌شود و بر اثر آن می‌میرد. در حال بیماری به یکی از پسرانش وصیت می‌کند تا به نیابت از او حج کند. اما این پسر خودش استطاعت مالی دارد، لیکن چون هنوز

۱. مناسک حج، م ۸۵

۲. مناسک حج، م ۸۶

۳. مناسک حج، م ۸۸

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۱.

۵. ملحقات مناسک حج، سؤال ۷.

نوبتش نرسیده است، به او اجازه رفتن به حج داده نمی‌شود. حال تکلیف او چیست؟ آیا به وصیت پدر عمل نماید و به نیابت از او حج کند، یا آن که از حق پدرش استفاده نموده برای خودش حج کند؟  
- وصیت پدرش را اجرا نماید و به نیابت از او حج کند، چون راه بر او بسته است و از این نظر استطاعت رفتن ندارد، تا برای خودش حج کند.<sup>۱</sup>

\* اگر مکلف استطاعت مالی و جسمی برای ادای حج داشته باشد، اما سازمان حج و زیارت به دلیل آن که نوبتش هنوز نرسیده است، به او اجازه رفتن ندهد، در این صورت آیا برای او جایز و یا بر او واجب است که برای ادای حج در همان سال یکی از راه‌های زیر را دنبال کند:  
الف: از کسی که آن سال نوبتش فرا رسیده است بخواهد تا با دریافت مبلغی - گرچه سنگین - نوبتش را به او واگذارد و به نفع او کنار رود؟  
- اگر پرداخت مبلغ خواسته شده برایش سنگین باشد، بر او واجب نیست که آن را بدهد وگرنه واجب است.

ب: به دروغ یا توریه مدعی داشتن پاره‌ای شروط شود که به دارنده آن‌ها بیرون از ضوابط عمومی، به طور استثنایی اجازه خروج برای حج داده می‌شود.  
- اگر سازمان مربوطه عدالت را در فرستادن حجاج رعایت و اجرا می‌کند، تخلف از قوانین آن به شکل مذکور یا مانند آن جایز نیست.

ج: به دنبال شخصی که نوبتش در این سال رسیده است و خود فوت کرده و یا شخصاً از رفتن ناتوان شده است بگردد و به طور صوری نیابت از او را بپذیرد، اما در حقیقت برای خود حج بگذارد.  
- جایز نیست که به این شیوه شخص ناتوان یا ولی مرده را بفریبد.<sup>۲</sup>

\* اگر مکلف در وقت موسم حج استطاعت ادای آن را داشته باشد، آیا پیش از آغاز ماه‌های حج، به جا آوردن عمره مفرد برایش صحیح است؟  
- صحیح است، اما اگر این کارش بعداً به ناتوانی او برای ادای حج بینجامد، برایش جایز نیست.<sup>۳</sup>

### وصیت به حج

\* آیا شخص می‌تواند به ناقص‌العضوی وصیت کند که حجة الاسلام یا غیر آن را به نیابت از او به جای آورد، در صورتی که نقص عضو بر نحوه طبیعی انجام اعمال اثر می‌گذارد؟  
- اگر وصیت کننده از نقص عضو نایب بی‌خبر بود، یا آن که این نقص بعد از وصیت پدید آمد و وصیت کننده بی‌آن که از آن باخبر شود، فوت کرد و یا آن که پس از مرگ وصیت کننده، نقص عضو پیدا شد، بعید نیست که وصیت باطل باشد. اما اگر وصیت کننده با علم به نقص عضو وصیت کرد و یا آن که

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۱۰.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۱۱.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۱۳.

پس از وصیت این نقص پدیدار شد ولی وصیت کننده با آگاهی از آن از وصیت خود عدول نکرد، ظاهراً اجرای وصیت از ثلث میت واجب است. البته اگر مورد وصیت حجة الاسلام بوده باشد، احتیاط واجب آن است که هم وصیت را اجرا کنند و هم کسی را که توانایی ادای عمل اختیاری داشته باشد، از اصل ترکه میت برای حج نایب بگیرند.<sup>۱</sup>

## نیابت در حج

\* فرد مستطیع در صورتی که خود، توانایی انجام حجة الاسلام را داشته باشد، باید شخصاً به حج برود و حج شخص دیگری از طرف او به طور مجانی یا با اجرت کافی نیست.<sup>۲</sup>

\* در نیابت چند چیز معتبر است:

اول: بلوغ، پس حج بچه نابالغ به جای دیگری کفایت نمی‌کند، چه در حجة الاسلام و چه حج‌های واجب دیگر، بلکه بنابر احتیاط اگر بچه ممیز باشد و خوب و بد را تشخیص دهد باز هم حکم همین است. بلی بعید نیست که نیابت وی در حج مستحبی با اذن ولی صحیح باشد.

دوم: عقل، پس نیابت دیوانه از دیگری کافی نخواهد بود، خواه دیوانه همیشگی یا ادواری (گاه به گاه) باشد، اگر عمل در وقت دیوانگی باشد، و اما نایب شدن سفیه عیبی ندارد.

سوم: ایمان، یعنی نایب باید مؤمن (علاوه بر خدا و پیغمبر، دوازده امام را نیز قبول داشته) باشد. پس نیابت غیر مؤمن کافی نیست، و بنابر احتیاط هر چند عمل را بر طبق مذهب ما به جا آورد کفایت نمی‌کند.

چهارم: آنکه ذمه نایب در سال نیابت مشغول به حج واجب بر خودش نباشد در صورتی که وجوب آن منجر بر وی باشد، و اما در صورتی که جاهل به وجوب باشد، یعنی نداند که حج بر خودش واجب است، نیابتش اشکال ندارد، و همچنین اگر اغفال از وجوب باشد، یعنی می‌دانسته که حج بر او واجب است ولی از آن غافل شده است.

و این شرط، شرط صحت اجاره است نه شرط صحت حج نایب، پس هرگاه در حالی که حج بر خودش واجب بود از طرف دیگری به حج رفت ذمه منوب عنه فارغ می‌شود، ولی نایب اجرتی را که قرار داده شده و مستحق نخواهد بود، بلکه مستحق اجرة المثل<sup>۳</sup> خواهد بود.<sup>۴</sup>

\* نیابت شخص بالغ و عاقل از بچه نابالغ ممیز و دیوانه عیبی ندارد، بلکه اگر دیوانه ادواری باشد و بداند که همیشه زمان دیوانگیش مصادف با ایام حج می‌باشد، واجب است که در زمان سلامتش نائب

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۱۹۹.

۳. یعنی اجرت متعارف.

۴. مناسک حج، م ۱۰۳.

بگیرد، همچنان که اگر حج بر ذمه او در زمان سلامتش مستقر شده باشد واجب است برایش اجیر بگیرند، اگرچه در زمان دیوانگیش مرده باشد.<sup>۱</sup>

\* همچنان که نیابت بدون اجرت و با اجازه صحیح است به جعاله و شرط ضمن عقد و مانند اینها نیز صحیح است. (جعاله این است که شخصی بگوید: هر کس بجای من یا فلان کس حج بجا آورد فلان مبلغ را به او می‌دهم، و شرط ضمن عقد این است که در ضمن عقد معامله، مثلاً فروش منزل یا مغازه، شرط کند که از طرف من یا فلان کس حج به جا بیاورد).<sup>۲</sup>

\* اگر عجز و ناتوانی بر نائب عارض شد به طوری که قدرت انجام بعضی از مناسک حج به طور کلی و یا به طوری که شارع مقدس معین نموده است نداشته باشد، ظاهر این است که نائب در این حال مانند کسی است که از طرف خود حج بجا می‌آورد. پس در بعضی موارد حجش صحیح و برای منوب عنه کافی خواهد بود و در بعضی دیگر باطل، مثلاً اگر قدرت بر وقوف اختیاری عرفه پیدا نکرد می‌تواند به وقوف اضطراری اکتفا کند، و حجش صحیح خواهد بود و ذمه منوب عنه فارغ می‌شود، و اما اگر قدرت بر هر دو وقوف پیدا نکرد حجش باطل می‌شود. و در صورتی که از قبل ناتوان بودن شخصی از انجام بعضی از اعمال اختیاری حج - هر عملی که باشد - معلوم شود بنا بر احتیاط جایز نیست او را اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصی تبرعاً و بدون اجرت به نیابت دیگری حج نمود اکتفا کردن به عملش مشکل است.

بلی مانعی ندارد که کسی را اجیر نمود که از قبل معلوم باشد محرمات بر محرم را مرتکب می‌شود، مثل زیر سایه رفتن و مانند آن، خواه معذور باشد خواه نباشد، و همچنین است کسی که از قبل معلوم باشد بعضی واجبات حج را ترک می‌نماید، از واجباتی که ترک آنها اگرچه از روی عمد باشد به صحت حج ضرر نمی‌رساند، مانند طواف نساء و ماندن در منی شب‌های یازدهم و دوازدهم.<sup>۳</sup>

\* آیا نیابت تبرّعی از سوی کسی که از انجام پاره‌ای مناسک حج ناتوان است، صحیح است؟ مثلاً اگر حاجی روز عید قربان و پیش از انجام اعمالش بازداشت شود، آیا کفایت می‌کند که یکی از دوستانش به جایش بی‌آن که او خبر داشته باشد رمی جمره و قربانی کند؟  
- این کار کافی نیست، بلکه نیابت باید به درخواست او بوده باشد.<sup>۴</sup>

\* آیا نیابت در مورد برخی از شوط‌های سعی - همان طور که در مورد کل آن صحیح می‌باشد - صحیح است، یا نه؟

۱. مناسک حج، م ۱۰۶.

۲. مناسک حج، م ۱۱۲.

۳. مناسک حج، م ۱۱۳.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

- دلیلی بر صحت نیابت برخی شوطها در دست نیست، لذا اگر شخصی از انجام مجموع سعی ناتوان است هر چند بر تعدادی از شوطها قادر باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.<sup>۱</sup>

\* کسی که به دلیل پیری یا ضعف و مانند آن جایز است که برای حجة الاسلام نایب بگیرد، آیا شرعاً برایش بهتر است که تا جایی که می‌تواند خود با تحمل سختی و مشقت مناسک حج را به جای آورد و آن چه را که نمی‌تواند خودش به جای آورد مانند سعی و رمی و جز آن به نایب واگذارد و یا آن که برایش ارجح آن است که برای همه مناسک حج نایب بگیرد؟  
- ظاهراً صورت اول ارجح است.<sup>۲</sup>

### موارد وجوب نایب گرفتن

\* در چند مورد نایب گرفتن در حج واجب است:

الف. اگر کسی که مستطیع شده حج بر او مستقر شود و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش بتواند بدون خرج حج به جا آورد، باید دیگری را از طرف خود به عنوان نایب بفرستد، مثل اینکه فردی با وجود استطاعت و فراهم بودن سایر شرایط، در ادای فریضه حج کوتاهی نموده و حج واجب را به جا نیاورد و بعد، به دلیل پیری یا بیماری و ناتوانی و مانند آن، نتواند حج نماید یا انجام حج، سختی فوق‌العاده داشته باشد و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش بتواند بدون سختی فوق‌العاده، حج به جا آورد، در این صورت، لازم است دیگری را از طرف خود به عنوان نایب بفرستد.

ب. اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده و سایر شرایط نیز فراهم است به دلیل پیری یا بیماری یا ناتوانی یا مانند آن نتواند حج کند و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش بتواند بدون سختی فوق‌العاده حج به جا آورد، باید دیگری را از طرف خود به عنوان نایب بفرستد؛ بلکه در این صورت چنانچه مال وی تنها به اندازه هزینه حج میقاتی باشد - نه بلدی - باز هم نایب گرفتن بر وی واجب می‌شود.

ج. فردی که مستطیع بوده ولی حج را به جا نیاورده و حج بر ذمه او مستقر شده سپس فوت نموده است، باید از ماترک او، کسی را برای انجام حج نیابتی اجیر نمایند و فرق ندارد که آن شخص خودش توانایی انجام حج را داشته و باید شخصاً حج را انجام می‌داده و انجام نداده است یا آنکه وظیفه داشته نایب بفرستد، ولی به وظیفه خویش رفتار نکرده است.<sup>۳</sup>

\* آیا نایب شدن زن برای مرد در حج تمتع جایی که احتمال می‌رود به سبب حیض شدن و تبدیل حجش به حج افراد نتواند عمره تمتع را به جا آورد، صحیح است؟ و اگر نایب شد و حیض گشت، آیا عمل نیابتی او مجزی است؟

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۷۳.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱، ۲۲۰۰.

- اگر به ناتوانی او در حج تمتع اطمینان حاصل نشود، اقرب آن است که نایب شدنش جایز و عملش مُجزی است، حتی در صورت تبدیل حج.<sup>۱</sup>

\* کسی که در انجام طواف عمره تمتع و حش و نمازهای دو طواف نایب شده است لازم است در حین ادای آنها مُحرم باشد؟  
- لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* کسی که به دلیل پیری یا ضعف و مانند آن جایز است که برای حجة الاسلام نایب بگیرد، آیا شرعاً برایش بهتر است که تا جایی که می تواند خود با تحمل سختی و مشقت مناسک حج را به جای آورد و آنچه را که نمی تواند خودش به جای آورد مانند سعی و رمی و جز آن به نایب واگذارد و یا آن که برایش ار حج آن است که برای همه مناسک حج نایب بگیرد؟  
- ظاهراً صورت اول ار حج است.<sup>۳</sup>

\* شخصی همه کارهایش را به پسرش می سپارد و او به دلیل ناتوانی پدر از ادای حج، برایش کسی را اجیر می کند تا به نیابت از او حج بگذارد. حال آیا اگر پدر از مسأله نیابت یکسره بی خبر باشد، عمل نایب برایش مُجزی است؟  
و اگر پیش از آن که نایب در میقات مُحرم شود، از مسأله خبردار شد و با آن موافقت کرد، چه حکمی دارد؟

- اگر وکالت پسر عام و شامل نایب گرفتن برای پدر باشد - گرچه پدر نداند که در چه سالی این نیابت صورت خواهد گرفت - عمل نایب برایش مُجزی است وگرنه مُجزی نخواهد بود، مگر آن که با اطلاع و موافقتش باشد، گرچه این اطلاع و موافقت پیش از مُحرم شدن حاصل شود.<sup>۴</sup>

\* آیا واجب است که اعمال نایب در حج بر طبق تقلیدش باشد یا ناچار باید مطابق تقلید منوب عنه باشد؟

- طبق تقلید خودش عمل کند، البته اگر فرض شود که مورد اجاره صریحاً - یا بر اثر انصراف اطلاقش - مقید به عمل صحیح در نظر منوب عنه یا اجیر کننده باشد، در آن صورت وظیفه اش عمل به مقتضای آن است مادام که به فساد عبادت یقین حاصل نشود.<sup>۵</sup>

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۵.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۷.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۹.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۰.

۵. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۳.



\* آیا همان طور که ایمان نایب در انجام حج شرط است، برای ادای پاره‌ای از اعمال حج نیز شرط است؟  
- آری. بنابر احوط - جز در مورد ذبح و نحر - شرط است.<sup>۱</sup>

\* شخصی نایب می‌شود که به نیابت از دیگری حج کند و از شهر خودش برای همین غرض راه می‌افتد و چون به میقات می‌رسد و برای عمره تمتع مُحرم می‌شود، آن را فراموش می‌کند، به‌گونه‌ای که اگر از او بپرسند: «چه می‌کنی؟» خواهد گفت: «برای خودم مُحرم می‌شوم» و نمی‌گوید که به نیابت از فلانی مُحرم می‌شوم و متوجه خطای خود نمی‌شود، مگر پس از آن که خود را در مکه می‌یابد. حال چه کند؟ آیا می‌تواند از احرام خود اعراض کند و برای منوب عنه دوباره مُحرم شود، یا آن که بر او واجب است که حج خودش را به پایان برساند؟  
- جایز نیست از احرام خودش اعراض کند. لیکن اگر اعمال عمره تمتع را به جا آورد و آنگاه از مکه بیرون رفت و در ماهی که عمره را در آن به جا آورده بود، بدان بازنگشت - مانند آن که عمره را در ماه ذی‌قعدة به جای آورد و از شهر بیرون رفت و تا پایان آن برگشت - و در نتیجه عمره‌اش باطل شد، در این صورت اگرچه به سبب باطل کردن عمره‌اش گناهکار است، می‌تواند به نیابت از منوب عنه برای عمره تمتع از یکی از میقات‌ها مُحرم شود.<sup>۲</sup>

\* شخصی به قصد ادای حجة الاسلام، به مدینه می‌رسد و پیش از انجام اعمال فوت می‌کند. حال آیا برای متولیان کارش جایز است که کسی را از اموال به جا گذاشته‌اش اجیر کنند تا به نیابت از او حج کند؟ و آیا با علم به اینکه حج بر او مستقر شده است، نایب گرفتن نیازمند کسب اجازه از ورثه‌اش است یا آن که اجازه حاکم شرعی کفایت می‌کند؟  
- واجب است که از ورثه‌اش اجازه بگیرند و اجازه حاکم شرعی کافی نیست و اینکه زاد و راحله‌اش را باید - طبق روایت - برای حج معین کنند به این معنی نیست که بر این امر غیر از ورثه ولایت دارند.<sup>۳</sup>

\* آیا نایب برای حج، می‌تواند جهت ادای برخی اعمال که نایب گرفتن در آن‌ها جایز است، دیگری را نایب کند؟  
- اگر عذری که مجوز نایب گرفتن است، برایش پیش آید، جایز است و در مورد ذبح مطلقاً جایز است.<sup>۴</sup>

\* آیا جایز است کسی را برای ادای حجة الاسلام اجیر کنند، در صورتی که از پیش معلوم باشد که به یکی از طرق زیر از ادای عمل اختیاری ناتوان است؟  
۱. اگر از وقوف اختیاری در عرفه یا مزدلفه معذور باشد و وقوف اضطراری را انجام دهد.

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۶.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۷.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۸.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۵۰.

- بنابر احوط نیابت او مُجزی نیست.
۲. اگر از ادراک وقوف اختیاری برای همه وقت معذور باشد و تنها به مقدار رکن توقف کند.
- بعید نیست که نیابتش جایز باشد.
۳. اگر شخصاً از انجام طواف عمره تمتع یا حج و یا سعی آن دو معذور باشد و ناچار برای آن‌ها نایب بگیرد.
- بنابر احوط نیابتش مجزی نیست.
۴. اگر لبیک گویش غلط باشد و حتی با تلقین نتواند جملات را درست ادا کند، لذا خود لبیک بگوید و دیگری را هم نایب بگیرد تا لبیک بگوید.
- احوط مُجزی نبودن نیابتش است.
۵. اگر در قرائتش غلطی باشد که با آن نتواند نماز طواف را طبق روش معتبر شرعی به جای آورد، لذا خود نماز بخواند و دیگری را هم برای ادای آن نایب بگیرد.
- احوط مُجزی نبودن نیابتش است.
۶. اگر شخصاً از رمی جمره عقبه در روز عید معذور باشد، لذا دیگری را برای آن نایب بگیرد.
- احوط مُجزی نبودن نیابتش است.
۷. اگر از مبیّت در منی معذور باشد.
- بنابر اظهر نیابتش جایز است.
۸. اگر شخصاً از رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم معذور باشد، لذا دیگری را نایب بگیرد.
- بعید نیست که نیابتش صحیح باشد.
۹. اگر نسبت به ارتکاب پاره‌ای محرّمات احرام، چون در سایه قرار گرفتن و پوشاندن سر و مانند آن‌ها معذور باشد.
- نیابتش جایز است.<sup>۱</sup>

\* اگر حج مستحبی باشد، آیا اجیر گرفتن برایش صحیح است؟

- اگر عمل اجیر درباره خودش صحیح باشد، صحیح است. لیکن بر او لازم است که اجیر کننده را از وضع خود باخبر سازد.<sup>۲</sup>

\* اگر کسی را که قادر به ادای عمل اختیاری در جایی که بنا به فتوا یا احتیاط نایب گرفتن در آن جایز نیست، به سبب جهل به حکم یا موضوع نایب بگیرد و بعد از گذشت وقت علم پیدا کند، آیا جهل او باعث معذوریّتش می‌گردد و می‌تواند به عمل نایب اکتفا کند؟

- خیر.<sup>۳</sup>

۱. ملحقّات مناسک حج، سؤال ۵۸.

۲. ملحقّات مناسک حج، سؤال ۵۹.

۳. ملحقّات مناسک حج، سؤال ۶۰.

\* اگر شخصی ناقص العضو باشد، آیا می‌توان او را برای حجة الاسلام و جز آن نایب گرفت؟  
- اگر نقص عضو او موجب خلل در انجام عمل اختیاری نشود، نیابتش جایز است.<sup>۱</sup>

## میقات احرام

\* در شریعت مقدسه اسلام جاهایی برای بستن احرام تعیین شده، که به آن‌ها میقات گفته می‌شود، و واجب است احرام از یکی از آن جاها بسته شود. و آن‌ها نه جا و مکان می‌باشد:

۱- ذو الحلیفه، و آن در نزدیکی مدینه منوره است، و میقات اهل مدینه و هر کسی است که خواسته باشد از راه مدینه به حج برود، و احوط این است که احرام در مسجد آنکه معروف است به مسجد شجره بسته شود و اینکه احرام بستن در بیرون آن برای غیر زن حائض و هر کس که حکم او را داشته باشد کفایت نمی‌کند، اگر چه محاذی مسجد باشد.

۲- وادی عقیق، و آن میقات اهل عراق و نجد و هر کسی است که از آنجا عبور کند، هر چند اهل عراق و نجد نباشد، و آن میقات دارای سه جزء می‌باشد:

اول: مسلخ، که نام اول آن است.  
دوم: غمره، که نام وسط آن است.  
سوم: ذات عرق، که نام آخر آن است.

و احوط و اولی آن است که مکلف در صورتی که مانعی مانند بیماری یا تقیه نداشته باشد، پیش از رسیدن به ذات عرق احرام ببندد.<sup>۲</sup>

\* کسی که از راه مدینه به حج می‌رود و به ذو الحلیفه می‌رسد و میقات دیگری بنام «جحفه» در میان راه دارد، نمی‌تواند از ذو الحلیفه بدون احرام گذشته و از جحفه احرام ببندد، مگر در موارد ضرورت، مانند بیماری یا ضعف و یا عذر دیگری مانند اینها.<sup>۳</sup>

## کیفیت احرام

\* بر مکلف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گرفته و ادا نمودن آن‌ها را به‌طور صحیح نیز یاد بگیرد، مانند تکبیرة الاحرام در نماز، هر چند این معنی با تلقین دیگری باشد، یعنی دیگری که خوب بلد است بگوید مکلف مانند او بگوید، پس اگر این الفاظ را یاد نگرفت و تلقین هم برایش میسور نبود، در این صورت می‌تواند به اداء غیر صحیح آن‌ها اکتفا نماید، به شرط اینکه آن قدر صحیح نباشد که عرفاً صدق تلبیه بر آن نکنند، پس اگر طوری باشد که عرفاً بر آن صدق نکنند، احوط این است که هم الفاظ و

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۶۲.

۲. مناسک حج، مبحث میقات‌های احرام، ص ۱۱۶.

۳. مناسک حج، م ۱۶۲.

جمله‌های دیگری از زبان عربی که همان معانی را بدهد بگوید و هم ترجمه تلبیه را بگوید و هم نائب جهت اداء تلبیه بگیرد.<sup>۱</sup>

\* شخص گنگ و لال اگر به علت عارضه که برای او پیش آمده چنین شده است، در صورتی که توجه به الفاظ تلبیه برای او حاصل شود و آن‌ها را درک نماید، باید تلبیه را به اندازه‌ای که می‌تواند بگوید، و اگر نتواند اصلاً آن را ادا نماید، باید در وقتی که آن را بر قبل خود می‌گذراند زبان و دو لب خود را مانند کسی که تلبیه می‌گوید به حرکت در آورده، و با انگشت خود به آن اشاره نماید به طوری که الفاظ تلبیه را مجسم کند.

اما کسی که از اول گنگ و لال و کر بوده و هر کسی که مثل او است باید زبان و دو لب خود را مانند کسی که تلبیه می‌گوید به حرکت در آورد، و با انگشت خود نیز به آن اشاره نماید.<sup>۲</sup>

### عمره تمتع

\* اگر مکلف برای عمره تمتع مُحرم گشت و سپس دچار اغما شد، وظیفه ولیّ او چیست؟

- اگر احتمال بدهند که از حالت اغما بیرون آید و حج را درک کند؛ یعنی وقوف اختیاری در مشعر را درک کند یا وقوف اضطراری آن را با وقوف اختیاری عرفه یا دو وقوف اضطراری را درک کند، ولیّ برای او نایی می‌گیرد تا به نیابت از او طواف کند و نماز آن را به جای آورد. سپس مقداری از مویش را کوتاه می‌کند و از احرام عمره‌اش خارج می‌شود. در یوم الترویبه نیز احتیاط آن است که ولیّ به نیابت از او مُحرم شود؛ یعنی به جای او لبیک بگوید و او را از محرمات احرام باز دارد و او را به دو موقف ببرد. اگر در آنجا از اغما بیرون آمد، - اگر نتواند به مکه برود - از همان جا مُحرم شود. پس اگر در حال هوشیاری وقوف اختیاری مشعر را یا وقوف اضطراری مشعر همراه با وقوف اختیاری یا اضطراری عرفه درک کند حج را درک کرده است و باید بقیه مناسکش را به جای آورد. و اگر پیش از انجام بقیه مناسک مجدداً به حالت اغما رفت، ولیّ نایی می‌گیرد تا به نیابت از او آن‌ها را انجام دهد. لیکن اگر از حالت اغما بیرون نیامد تا وقوف‌ها را از دست داد، حجتش باطل است.<sup>۳</sup>

\* اگر کسی در حال انجام طواف عمره تمتع سکنه قلبی کند و او را به شهرش برگردانند، تکلیفش چیست؟

- اگر وضع جسمی‌اش اجازه ماندن در مکه برای تکمیل مناسک عمره‌اش را اگرچه از طریق نایب گرفتن و سپس احرام برای حج و ادراک وقوف‌ها به مقداری که جز به آن حج صحیح نیست، ندهد، اگر بخواهد از احرام بیرون بیاید، باید قربانی یا قیمت آن را با همسفرانش به مکه بفرستد، و با آنها قرارداد کند که قربانی باید در روز عید در منی کشته شود، و آنگاه که آن وقت برسد سر خود را بتراند

۱. مناسک حج، م ۱۷۹.

۲. مناسک حج، م ۱۸۰.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۸۰.

یا کوتاه کند و از احرام بیرون رود. و در صورتی که نتواند قربانی و یا قیمت آن را بفرستد به علت پیدا نکردن کسی که با او بفرستد، جایز است در جای خود قربانی کند و از احرام بیرون رود. بیرون آمدن محصور از احرام در مورد ذکر شده، موجب حلال شدن محرّمات احرام می‌شود، مگر زن‌ها که حلال نمی‌شوند تا پس از اینکه طواف و سعی بین صفا و مروه را در حج و یا عمره بجا آورد. در غیر این صورت اگر بازگشتن به شهرش به خواست و اختیارش بوده باشد، بعید نیست که احرامش باطل گردد، گرچه در این کار گناهکار است.<sup>۱</sup>

### حج تمتع

\* حج تمتع عبارت از دو عبادت است، که نام عبادت اول عمره و نام عبادت دوم حج است، و گاهی حج تمتع را بر عبادت دوم تنها می‌گویند. و واجب است عمره را در حج تمتع پیش از حج به جا آورد.<sup>۲</sup>

\* در عمره تمتع پنج چیز واجب است:

اول: احرام از یکی از میقات‌ها.

دوم: طواف دور خانه خدا.

سوم: خواندن نماز طواف.

چهارم: سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه، که نام دو جای معین در جنب مسجد الحرام است.

پنجم: تقصیر، یعنی گرفتن مقداری از موی سر یا ریش یا شارب.

و هنگامی که شخص تقصیر را انجام دارد از احرام بیرون رفته، و چیزهایی که به جهت احرام بر او حرام شده بود حلال می‌شود.<sup>۳</sup>

\* بر مکلف واجب است با نزدیک شدن روز نهم ذی‌الحجه الحرام خود را برای اعمال حج آماده و مهیا نماید.

و واجبات حج سبزه چیز است، که عبارتند از:

اول: بستن احرام. بهترین وقت بستن احرام ظهر روز هشتم ذی‌الحجه است، و برای اشخاص پیر و مریض که از فشار جمعیت بترسند، جایز است قبل از آن وقت نیز احرام ببندند و قبل از دیگران از مکه خارج شوند، و همچنین جایز است برای کسی که شرعاً می‌تواند طواف حج را قبل از وقوف در عرفات و مشعر انجام دهد، و مانند زنی که ترس از پیش آمدن عادت ماهانه دارد، آن را بر وقت یاد شده تقدیم کند.<sup>۴</sup>

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۸۱؛ اگر بازگشتش بدون اراده و اختیارش باشد، اقرب آن است که حکم مصدود که در مسأله ۴۳۹ مناسک آمده است، بر او جریان یابد.

۲. مناسک حج، م ۱۴۷.

۳. مناسک حج، م ۱۴۸.

۴. مناسک حج، ص ۲۶۳.

دوم: وقوف (بودن) در عرفات در روز نهم ذی‌الحجه الحرام، پس از گذشت مقدار انجام غسل و خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم، از زوال آفتاب تا غروب آن. و عرفات نام جائی است در چهار فرسخی مکه.

سوم: بودن در مزدلفه (مشعر) که بین عرفات و مکه است مقداری از شب عید قربان (دهم ذی‌الحجه) تا اندکی قبل از طلوع آفتاب، و مزدلفه نام مکانی است بین عرفات و مکه.

چهارم: رمی جمره عقبه (زدن سنگریزه) در منی روز عید قربان، و منی تقریباً یک فرسخ تا مکه فاصله دارد.

پنجم: قربانی کردن گاو و گوسفند یا بیشتر در منی روز عید، یا روزهای تشریق که عبارت‌اند از روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم.

ششم: تراشیدن سر، یا گرفتن مقداری از موی سر یا ریش یا شارب در منی، و به این عمل آنچه به سبب احرام بر وی حرام شده بود حلال می‌شود. مگر زن و بوی خوش، و همچنین شکار بنا بر احتیاط.

هفتم: طواف زیارت خانه خدا پس از بازگشت به مکه.

هشتم: به جا آوردن نماز طواف.

نهم: سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه، و با این عمل بوی خوش نیز حلال می‌شود.

دهم: طواف نساء

یازدهم: به جا آوردن نماز طواف نساء، و با این عمل زن نیز حلال می‌شود.

دوازدهم: بیتوته (ماندن شب) در منی شب یازدهم و شب دوازدهم، بلکه و همچنین شب سیزدهم در بعضی از صورت‌ها.

سیزدهم: رمی سه جمره (اولی و وسطی و عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم، بلکه در روز سیزدهم نیز بنا بر اظهار، در صورتی که شب سیزدهم را در منی مانده باشد.<sup>۱</sup>

\* شخصی پس از فراغت از اعمال عمره تمتع، دچار حادثه‌ای می‌شود که به سبب آن به بیمارستانی بیرون از مکه منتقل می‌گردد و پزشک عملاً او را از بازگشت به مکه جهت مُحرم شدن برای حج باز می‌دارد. در صورتی که توانایی وقوف در عرفات و مشعر را داشته باشد، تکلیفش چیست؟  
- از هر جایی که بتواند، مُحرم شود و راهی عرفات گردد.<sup>۲</sup>

## طواف

\* مشهور بین فقهاء این است که طواف باید بین کعبه و مقام حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) باشد، و گفته شده: فاصله مذکور بیست و شش ذراع و نیم است، یعنی در حدود دوازده متر، و از آنجا که حجر

۱. مناسک حج، م ۱۴۹.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۹۴.

اسماعیل (علیه‌السلام) داخل در محدوده طواف است، در طرف حجر تنها شش ذراع و نیم برای طواف باقی می‌ماند. یعنی حدود سه متر. ولی بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم - هر چند که کراهت دارد - طواف جائز باشد، مخصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانائی طواف را ندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می‌شود، و در صورت توانائی رعایت احتیاط اولی است.<sup>۱</sup>

\* اگر حاجی نتواند خودش طواف کند و صاحبان تخت روان مبلغ زیادی که به حالش سنگین است از او می‌خواهند تا او را طواف دهند، آیا برایش جایز است که برای طواف دیگری را نایب خود کند؟ - آری، جایز است.<sup>۲</sup>

\* اگر کسی بتواند تنها پاره‌ای از شوطها را به جای آورد، آیا برای شوطهای باقی مانده نایب بگیرد یا برای همه آنها؟  
- اگر از پیش می‌داند که نمی‌تواند همه شوطها را به جای آورد برای همه آنها نایب بگیرد و همچنین اگر پیش از به پایان بردن شوط چهارم ناتوانی عارض شود، اما اگر پس از کامل کردن شوط چهارم دچار ناتوانی شد، اقرب آن است که می‌تواند برای باقی شوطها نایب بگیرد.<sup>۳</sup>

### شک در عدد شوطها

\* اگر طواف را از روی فراموشی ترک نمود، پس اگر قبل از گذشتن وقت یادش آمد، باید آن را جبران کند، و بنا بر اظهار بعد از آن سعی را نیز اعاده کند. و اگر بعد از گذشتن وقت یادش آمد، مانند آنکه طواف عمره تمتع را فراموش کند تا وقوف در عرفات، و مانند آنکه طواف حج را تا تمام شدن ماه ذی الحجة فراموش کند، واجب است آن را قضا نماید، و بنا بر احوط و اولی سعی را نیز پس از آن اعاده نماید. و اگر در وقتی یادش آمد که خود نمی‌توانست آن را قضا نماید، مانند اینکه پس از برگشتن به وطن یادش بیاید، باید نائب جهت انجام آن بگیرد.<sup>۴</sup>

\* آنچه بر مُحرّم حرام بوده و حلال شدنش متوقف بر انجام دادن طواف بوده، برای کسی که طواف را فراموش کرده جایز نیست، تا اینکه طواف را خودش و یا نائیش انجام دهد.<sup>۵</sup>

\* اگر محرم نتواند خود شخصاً طواف را انجام دهد حتی با کمک دیگری، چه به علت مرض یا شکستگی عضوی از بدن و یا مانند آنها، واجب است او را طواف دهد، اگر چه به وسیله بغل کردن او

۱. مناسک حج، م ۳۰۳.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۰۸.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۳۴.

۴. مناسک حج، م ۳۲۲.

۵. مناسک حج، م ۳۲۵.

بر دوشهائش یا گاری و مانند آن باشد، و احوط اولی آن است که به طوری او را طواف دهد که پاهایش به زمین کشیده شود، و اگر توانائی طواف حتی به این صورت هم نداشته باشد، واجب است که از طرف او طواف نمایند، به اینکه کسی را نائب گرفتن داشته باشد، و اگر نداشته باشد، مانند شخص بیهوش، باید ولی او یا دیگری آن را از طرف او بجا آورد.

و همچنین است نماز طواف، که اگر خود محرم بتواند انجام دهد باید خود بجا آورد، و اگر نتواند باید نائب بگیرد تا آن را از طرفش انجام دهد.

و حکم زنی که در عادت ماهانه است و زنی که هنوز خون پس از زایمان او قطع نشده، قبلاً در شرائط طواف بیان شد.<sup>۱</sup>

### سعی

\* اگر سعی را از روی فراموشی ترک کرد، هرگاه یادش آمد باید آن را بجا آورد، اگر چه از اعمال حج فارغ شده باشد، و اگر نتواند خود آن را انجام دهد و یا اینکه موجب سختی و زحمت زیادی برای او شود باید نائب بگیرد، و حج در هر دو صورت ذکر شده صحیح است.<sup>۲</sup>

\* کسی که نتواند سعی را خود شخصاً - اگر چه با کمک دیگری - در وقت مشخص شده آن، انجام دهد، واجب است از دیگری جهت سعی دادنش کمک بگیرد، اگر چه به وسیله حمل کردن او بر دوش یا گاری یا مانند آن باشد، و اگر این را هم نتواند باید نائب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد، و اگر نتواند نائب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد، و اگر نتواند نائب هم بگیرد، مانند شخصی بیهوش ولی او یا دیگری از طرف او سعی را انجام دهد، و حشش صحیح خواهد بود.<sup>۳</sup>

\* اگر از روی عمد شوطهای سعی را کم کند، با علم به حکم شرعی یا با جهل به آن حکم او حکم کسی است که سعی را به همین صورت ترک کرده باشد، و بیان آن گذشت.

و اما اگر از روی فراموشی باشد، بنابر اظهار باید کمبود آن را هر گاه که یادش بیاید جبران کند، خواه یک شوط یا بیشتر باشد. و چنانچه پس از گذشتن وقت آن یادش بیاید، مانند اینکه کمبود سعی عمره تمتع را در عرفات یادش بیاید، یا کمبود سعی حج را پس از گذشت ماه ذی الحجة یادش بیاید، احوط این است که کمبود آن را جبران و سپس سعی را اعاده نماید، و اگر نتواند شخصاً آن را انجام دهد و یا اینکه موجب مشقت و زحمت زیادی شود، باید نائب بگیرد، و احتیاط این است که نائب کمبود سعی اول را جبران و سپس سعی را اعاده کند.<sup>۴</sup>

۱. مناسک حج، م ۳۲۶.

۲. مناسک حج، م ۳۴۱.

۳. مناسک حج، م ۳۴۲.

۴. مناسک حج، م ۳۴۶.



\* آیا نیابت در مورد برخی از شوط‌های سعی - همان طور که در مورد کل آن صحیح می‌باشد - صحیح است، یا نه؟

- دلیلی بر صحت نیابت برخی شوط‌ها در دست نیست، لذا اگر شخصی از انجام مجموع سعی ناتوان است هر چند بر تعدادی از شوط‌ها قادر باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.<sup>۱</sup>

\* اگر شخصی نتواند خود سعی کند و صاحبان صندلی‌ها از او مبلغ کلانی که برایش سنگین است می‌خواهند تا او را سعی دهند، در این حال آیا می‌تواند دیگری را نایب خود کند؟ - در فرض این مسأله جایز است.<sup>۲</sup>

### وقوف در عرفات

\* از واجبات حج تمتع وقوف در عرفات با قصد قربت و اخلاص است، و مراد از وقوف حضور در عرفات است، خواه سواره و خواه پیاده، و خواه آرام و خواه در حال حرکت.<sup>۳</sup>

\* حدود عرفات عبارت‌اند از دشت‌های (عُرْنَةَ) و (ثَوْبَةَ) و (نَمْرَةَ) تا (ذی المجاز)، از (مأزمین) تا آخرین جای وقوف، و خود اینها حدود عرفات می‌باشند و جزء موقف نیستند.<sup>۴</sup>

\* ظاهر این است که کوه (رحمه) جزء موقف است، ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ آن است.<sup>۵</sup>

\* وقوف باید از روی قصد و اراده باشد، و اگر در اول وقت وقوف مثلاً، آن را قصد کند و بعد از آن بخواهد یا بیهوش شود تا آخر وقت، کفایت می‌کند، و اگر بدون اینکه قصد وقوف کرده باشد در تمام وقت در حال خواب یا بیهوش باشد، وقوف از او حاصل نشده است، و اما اگر قصد وقوف کرده ولی در تمام وقت یا خواب و یا بیهوش باشد، کفایت این وقوف مورد اشکال است.<sup>۶</sup>

\* اگر حاجی در عرفات وقوف کرد و آنگاه بیهوش شد و تا زوال روز عید به هوش نیامد، حکمش چیست؟

۱. ملخصات مناسک حج، سؤال ۲۷۳.

۲. ملخصات مناسک حج، سؤال ۲۷۴.

۳. مناسک حج، ص ۲۶۶.

۴. مناسک حج، م ۳۶۵.

۵. مناسک حج، م ۳۶۶.

۶. مناسک حج، م ۳۶۷.

- حجش باطل است و به عمره مفرده منقلب می‌شود و باید مناسک آن را به جای آورد و از احرام خارج شود.<sup>۱</sup>

### وقوف در مزدلفه

\* در رساله مناسک آمده است که زنان، افراد ناتوان مانند پیران و بیماران و «متولی امور آنان» می‌توانند به وقوف شب عید در مزدلفه اکتفا کنند و پیش از طلوع فجر از آن جا راهی منی شوند. حال آیا مقصود از «متولی امور آنان» همه کسانی هستند که برای انجام کارهایشان آنان را همراهی می‌کنند، یا فقط کسانی هستند که از آنان نمی‌توانند بی‌نیاز شوند و سخت محتاج آنان هستند؟ - مقصود فقط کسانی هستند که نمی‌توانند از آنان بی‌نیاز شوند.<sup>۲</sup>

### واجبات منی

\* واجب است پس از وقوف در مشعر الحرام از آنجا حرکت کرده و به منی برود، و غرض از رفتن به منی انجام عمل واجب است که باید در آنجا به جا آورد، و این اعمال سه چیز است که ذیلاً تفصیل آنها بیان می‌شود:<sup>۳</sup>

### رمی جمره عقبه

\* اگر بر ارتفاع جمره افزوده شود، اکتفا به مقدار تازه بنا شده آن مورد اشکال است، بنابر این احتیاط این است که به همان مقدار سابق ریگ زده شود، و در صورتی که نتواند هم خود به مقدار جدید پرتاب کند و هم نایب بگیرد که به مقدار سابق ریگ بزند، و در حکم ذکر شده فرقی بین کسی که حکم شرعی را می‌دانسته یا نمی‌دانسته و یا فراموش کرده، نمی‌کند.<sup>۴</sup>

\* اگر به علتی مانند فراموشی و یا ندانستن حکم شرعی و یا غیر آن‌ها، در روز عید رمی نکرده هرگاه که رفع مانع شد باید جبران کند، و در صورتی که رفع مانع در شب باشد باید فردای آن شب جبران کند، در صورتی که از کسانی نباشد که رمی در شب برای آن‌ها جایز است، و بیان آن‌ها در مسائل رمی جمرات خواهد آمد.

و ظاهر این است که هرگاه رفع مانع شد باید جبران کند چه در منی و یا در مکه باشد، حتی اگر بعد از روز سیزدهم ماه باشد، اگرچه احوط در این صورت اخیر این است که در سال آینده، خودش آن را دوباره بجا آورد - در صورتی که به حج برود - و اگر نه نایب بگیرد. ولی اگر رفع مانع بعد از بیرون رفتن از

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۹۶.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. مناسک حج، واجبات منی، ص ۲۷۷.

۴. مناسک حج، م ۳۷۹.

مگه باشد، واجب نیست برگردد، بلکه بنابر احوط و اولی خود در سال آینده دوباره آن را بجا آورد - در صورتی که به حج برود - و اگر نه نایب بگیرد.<sup>۱</sup>

### کشتن گاو یا گوسفند یا شتر

\* اگر کسی را نایب خود جهت قربانی کردن قرار دهد، و پس از آن شک کند که آیا از طرف او قربانی کرده یا نه، بنا بر قربانی نکردن بگذارد، و در صورتی که خبر دهد قربانی کرده ولی خبرش مفید اطمینان نباشد، اکتفا به آن اشکال دارد.<sup>۲</sup>

\* واجب نیست خود شخصی که قربانی یا کفاره بر او واجب شده آن را بکشد، بلکه جایز است شخص دیگری را حتی در حال اختیار نایب بگیرد، و باید نیت کشتن از نایب حاصل شود، و واجب نیست شخصی که بر او قربانی یا کفاره واجب شده نیت کند، اگر چه احوط این است که او نیز نیت کند، و باید نایب مسلمان باشد.<sup>۳</sup>

\* آیا صرف قانون حکومتی مبنی بر ممنوعیت ذبح در منی در صورتی که حاجی احتمال عقلایی دهد که ذبح در منی و مخالفت با قانون ضرر مالی و جسمی قابل توجهی برایش در پی دارد، موجب عجز از ذبح در آن و جایز بودن ذبح در وادی محسّر است؟  
- خوف از ضرر در صورت مخالفت با قانون، رافع وجوب ذبح در منی است و این مسأله مُقتضی مُجزی بودن ذبح در جای دیگری به جای منی نیست. ملاک مُجزی بودن ذبح در وادی محسّر - همان طور که در مناسک ذکر کرده ایم - تنگی جا برای دربر گرفتن همه حُجاج است. لیکن اگر به دلیل مذکور در مسأله و مانند آن، - نه بر اثر تنگی جا - ذبح در منی ممکن نبود، احتیاط واجب آن است که هم در وادی محسّر ذبح کند و هم بدل از قربانی روزه بگیرد.<sup>۴</sup>

\* اگر حاجی معتقد شد کسی را که برای ذبح نایب کرده وظیفه اش را انجام داده است. لذا تقصیر کرد و از احرامش خارج شد. سپس متوجه خلاف آن گشت، تکلیفش چیست؟  
- بلافاصله باید لباس های دوختنی را از تن درآورد و از دیگر محرمات احرام بپرهیزد، پس هرگاه قربانی خود را ذبح کرد، از احرامش بیرون می آید و دیگر نیازی به اعاده تقصیر ندارد.<sup>۵</sup>

\* آیا جایز است که مسلمان غیر امامی را برای ذبح نایب سازند، یا نه؟  
- ملاک در ذبح کننده، آن است که مسلمان باشد.<sup>۱</sup>

۱. مناسک حج، م ۳۸۰.

۲. مناسک حج، م ۳۹۷.

۳. مناسک حج، م ۳۹۹.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۱۸.

۵. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۲۸.

\* اگر کسی که در حج نایب دیگری است شخصی را برای ذبح نایب خود کند، این شخص به نیت از چه کسی ذبح کند؟ به نیت از نایب یا منوب عنه؟  
- از طرف نایب ذبح کند، یعنی به نیت آن قربانی که بر او واجب گشته است، ذبح کند، چه آن شخص برای خود حج کند و چه نایب دیگری باشد.<sup>۲</sup>

### تراشیدن موی یا کوتاه نمودن آن

\* واجب است تراشیدن و یا کوتاه کردن در منی باشد، پس اگر در آنجا عمداً و یا از روی ندانستن حکم شرعی، تراشید و نه کوتاه کرد، تا اینکه از آنجا بیرون رفت، واجب است برگردد و تدارک نماید، و بنا بر احتیاط حکم کسی که فراموش کرده نیز چنین است.  
و در صورتی که نتواند برگردد و یا بسیار سخت و مشکل باشد، در همان جایی که هست بتراشد و یا کوتاه کند، و در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد. و کسی که در غیر منی - اگر چه عمداً - سر خود را بتراشد، به همان اکتفا کند، ولی واجب است در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد.<sup>۳</sup>

### طواف حج و نماز آن و سعی

\* بنا بر احتیاط طواف حج و نماز آن و سعی در حج تمتع، قبل از وقوف در عرفات و مشعر بجا آورده نشود، و در صورتی که از روی ندانستن حکم شرعی آن‌ها را بجا آورد، اکتفا به آن‌ها مورد اشکال است، اگر چه خالی از وجه نمی‌باشد، و از حکم ذکر شده موارد ذیل استثناء می‌شود:  
۱- زنی که از ترس از پیش آمدن عادت ماهانه و یا حالت زایمان و خون پس از آن دارد.  
۲- افراد پیر و مریض و علیل، و غیر آن‌ها از کسانی که بازگشت به مکه برای آن‌ها مشکل است، و یا طواف نمودن بعد از بازگشت از منی، به علت ازدحام شدید جمعیت یا غیر آن، برای آن‌ها مشکل است.  
۳- کسی که از چیزی بترسد که با وجود آن به مکه برگردد.  
بنابر این جایز است برای اینها، طواف و نماز آن و سعی را پیش از وقوف در عرفات و مشعر و بعد از بستن احرام حج، انجام دهند، و احوط و اولی این است که آن‌ها را پس از وقوفین و تا آخر ذی‌الحجه در صورت امکان دوباره نیز بجا آورند.<sup>۴</sup>

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۳۲.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۳۹.

۳. مناسک حج، م ۴۰۸.

۴. مناسک حج، م ۴۱۲.

\* کسی که طواف حج را پس از وقوفین بجا می‌آورد، باید آن را از تراشیدن و کوتاه کردن تأخیر اندازد، و اگر آن را با دانستن حکم شرعی و عمداً مقدم بدارد، باید آن را دوباره پس از کوتاه کردن یا تراشیدن بجا آورد، و یک گوسفند کفاره بدهد.<sup>۱</sup>

\* حکم کسی که توانائی اینکه شخصاً طواف حج و نماز آن و سعی حج را به جا آورد ندارد، حکم همان شخص است در عمره تمتع، به این صورت که، اگر محرم نتواند خود شخصاً طواف را انجام دهد حتی با کمک دیگری، چه به علت مرض یا شکستگی عضوی از بدن و یا مانند آنها، واجب است او را طواف دهد، اگر چه به وسیله بغل کردن او بر دوش هایش یا گاری و مانند آن باشد، و احوط اولی آن است که به طوری او را طواف دهد که پاهایش به زمین کشیده شود، و اگر توانایی طواف حتی به این صورت هم نداشته باشد، واجب است که از طرف او طواف نمایند، به اینکه کسی را نایب گرفتن داشته باشد، و اگر نداشته باشد، مانند شخص بیهوش، باید ولیّ او یا دیگری آن را از طرف او به جا آورد. و کسی که نتواند سعی را خود شخصاً - اگر چه با کمک دیگری - در وقت مشخص شده آن، انجام دهد، واجب است از دیگری جهت سعی دادنش کمک بگیرد، اگر چه به وسیله حمل کردن او بر دوش یا گاری یا مانند آن باشد، و اگر این را هم نتواند باید نایب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد، و اگر نتواند نایب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد، و اگر نتواند نایب هم بگیرد، مانند شخصی بیهوش ولیّ او یا دیگری از طرف او سعی را انجام دهد، و حش صحیح خواهد بود... و زنی که عادت ماهانه ببندد یا حالت زایمان و نفاس برای او پیش آید، در صورتی که نتواند صبر کند تا اینکه طاهر شود و پس از آن خود شخصاً طواف را بجا آورد، باید نایب جهت طواف و نماز آن بگیرد، و پس از انجام آن‌ها توسط نایب خود شخصاً سعی را بجا آورد.<sup>۲</sup>

### طواف النساء

\* طواف نساء بر مردها و زن‌ها هر دو واجب است، پس اگر مرد آن را ترک کند زن‌ها بر او حرام می‌شوند، و اگر زن آن را ترک کند مردها بر او حرام می‌شوند، و کسی که در حج نایب از طرف دیگری است، آن را از طرف کسی که نایب او است بجا می‌آورد، و نه از طرف خودش.<sup>۳</sup>

\* حکم کسی که توانائی اینکه شخصاً طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، ندارد، حکم همان شخص است در طواف عمره تمتع، به این صورت که، اگر محرم نتواند خود شخصاً طواف را انجام دهد حتی با کمک دیگری، چه به علت مرض یا شکستگی عضوی از بدن و یا مانند آنها، واجب است او را طواف دهد، اگر چه به وسیله بغل کردن او بر دوش هایش یا گاری و مانند آن باشد، و احوط اولی آن است که به طوری او را طواف دهد که پاهایش به زمین کشیده شود، و اگر توانایی طواف حتی به این صورت

۱. مناسک حج، م ۴۱۳.

۲. مناسک حج، م ۳۲۶ و ۳۴۲ و ۴۱۴.

۳. مناسک حج، م ۴۱۷.

هم نداشته باشد، واجب است که از طرف او طواف نمایند، به اینکه کسی را نائب گرفتن داشته باشد، و اگر نداشته باشد، مانند شخص بیهوش، باید ولی او یا دیگری آن را از طرف او به جا آورد.<sup>۱</sup>

\* کسی که طواف نساء را ترک کند، عمداً باشد - با دانستن حکم شرعی آن یا ندانستن - یا از روی فراموشی، واجب است آن را تدارک نماید، و قبل از تدارک زن‌ها بر او حلال نمی‌شوند. و در صورتی که نتواند خود شخصاً آن را بجا آورد و یا خیلی زحمت و مشکل باشد، جایز است نائب بگیرد، و هرگاه نائب از طرفش بجا آورد زن‌ها بر او حلال می‌شوند. و اگر بمیرد قبل از اینکه آن را تدارک نماید پس اگر ولیش یا غیر او آن را از طرفش قضا نماید، اشکالی نیست، وگرنه احوط این است که از میراثش از سهم وارثان بالغ با رضایت آن‌ها قضا شود.<sup>۲</sup>

\* اگر کسی به نیابت از مستطبعی که شخصاً عاجز از ادای حج بود، حج کرد و طواف النساء را ترک نمود، آیا زن بر منوب عنه حرام می‌گردد یا بر نایب؟  
- بر نایب حرام می‌شود.<sup>۳</sup>

### مبیت در منی

\* روز دوازدهم ذی‌حجه در منی به شدت ازدحام می‌شود، چه برای رمی و چه برای کوچ از آن پس از زوال، حال تکلیف افراد ناتوان، بیماران و زنان نسبت به رمی و کوچ بعد از ظهر روز دوازدهم چیست؟  
- اگر بر اثر شدت ازدحام این کسان خودشان نتوانند رمی کنند، می‌توانند برای آن نایب بگیرند و اگر ازدحام مانع کوچشان پس از زوال روز دوازدهم شود، در صورتی که می‌توانند بدون سختی و حرج آن شب را در منی بمانند، باید چنین کنند وگرنه برایشان جایز است که پیش از زوال از آنجا کوچ کنند.<sup>۴</sup>

\* کسی که رمی در شب دوازدهم برایش جایز است، مانند زن، کودک و شخص ناتوان، اگر رمی کرد و به مکه بازگشت، آیا بر او واجب است که تا پیش از ظهر روز دوازدهم به منی بازگردد تا بعد از ظهر از آن کوچ کند؟

- این سؤال مبنی بر جواز رمی جمرات سه‌گانه در شب برای کسی است که بر اثر شدت ازدحام بر جان خود ترسان است، مانند زن، کودک و شخص ناتوان، لیکن نظر ما آن است که جواز رمی در شب - جز رمی جمره عقبه در شب عید - مختص کسی است که در روز حتی به مقدار رمی کردن نیز نمی‌تواند توقف کند، مانند کسی که می‌ترسد و چوپان و بنده، اما زنان و کودکان و افراد ناتوان و مانند آن‌ها که بر اثر شدت ازدحام و جز آن نمی‌توانند در روز رمی کنند، برای این کار باید نایب بگیرند،

۱. مناسک حج، م ۳۲۶ و ۴۱۹.

۲. مناسک حج، م ۴۲۰.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۴۲.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۷۷.

گرچه احتیاط اولی آن است که میان آن دو جمع کنند و هم شبانه رمی کنند و هم برای رمی در روز نایب بگیرند.

بنابر قول اول، برای کسی که در شب دوازدهم رمی کرده و می‌تواند روز نیز در منی بماند - نه مانند کسی که می‌ترسد و بنده و چوپان - جایز نیست که پس از رمی کوچ کند و اگر از منی به سوی مکه برای طواف و یا کار دیگری خارج شد، بر او واجب است به آنجا بازگردد تا پس از زوال روز دوازدهم و یا بعد از رمی در صبح روز سیزدهم از آنجا کوچ کند.<sup>۱</sup>

\* روز دوازدهم ذی حجه در منی به شدت ازدحام می‌شود، چه برای رمی و چه برای کوچ از آن پس از زوال، حال تکلیف افراد ناتوان، بیماران و زنان نسبت به رمی و کوچ بعد از ظهر روز دوازدهم چیست؟ - اگر بر اثر شدت ازدحام این افراد خودشان نتوانند رمی کنند، می‌توانند برای آن نایب بگیرند و اگر ازدحام مانع کوچشان پس از زوال روز دوازدهم شود، در صورتی که می‌توانند بدون سختی و حرج آن شب را در منی بمانند، باید چنین کنند وگرنه برایشان جایز است که پیش از زوال از آن جا کوچ کنند.<sup>۲</sup>

### رمی جمرات سه گانه

\* واجب است رمی جمرات در روز باشد، و از این حکم چوپانان، و هر کسی که از ماندن روز در منی معذور است به علت ترس یا مرض یا چیز دیگری، استثناء می‌شود، که برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند، و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند.<sup>۳</sup>

\* کسی که معذور است و شخصاً نمی‌تواند رمی نماید، مانند مریض، باید نایب بگیرد، و اولی این است که نزد جمره‌ها در صورت امکان حاضر شود، و نایب در حضور او پرتاب کند، و اگر امید به رفع عذر شخص معذور قبل از گذشتن وقت رمی وجود داشته باشد، ولی نایب بگیرد و از طرفش رمی نماید، و اتفاقاً عذر شخص قبل از گذشتن وقت رفع شود، بنابر احتیاط خود شخصاً نیز رمی نماید، و کسی که قدرت نایب گرفتن ندارد، مانند بیهوش، ولیش یا دیگری از طرف او رمی نماید.<sup>۴</sup>

\* آیا رمی جمرات از طبقه بالای کافی است؟

- احتیاط در رمی جمرات، رمی مقداری است که در دوران پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) موجود بوده و امروزه به دلیل ارتفاع قاعده زمینی‌اش از زمین بالاتر است. حال اگر حاجی نتوانست این مقدار را

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۸۴.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. مناسک حج، م ۴۳۳.

۴. مناسک حج، م ۴۳۶.

رمی کند، احتیاط واجب آن است که هم برای رمی خود نایب بگیرد و هم خودش آن مقدار زاید را رمی کند.<sup>۱</sup>

\* آیا برای زن، بیمار و مانند آن‌ها جایز است که شب یازدهم و دوازدهم، رمی جمرات کنند؟  
- جواز رمی شبانه - به جز رمی جمره عقبه در شب عید - مختص کسانی است که از توقف در روز حتی به مقدار رمی کردن معذور باشند، مانند شخصی که می‌ترسد، چوپان و بنده، اما زنان، افراد ناتوان و کودکان و مانند آن‌ها که به دلیل شدت ازدحام نمی‌توانند در روز رمی کنند، بر آنان لازم است که برای آن نایب بگیرند، گرچه احتیاط اولی آن است که هم خودش شبانه رمی کنند و هم برای رمی در روز نایب بگیرند.<sup>۲</sup>

### مصدود

\* مصدود کسی که است که پس از بستن احرام، دشمن و مانند آن مانع از رسیدن او به اماکن مقدسه جهت انجام مناسک حج یا عمره می‌شود.<sup>۳</sup>

\* مصدود در حج تمتع، اگر از رسیدنش به وقوفین یا مشعر به تنهائی منع شده باشد، احتیاط این است که طواف و سعی نماید، و سر خود را بتراشد، و گوسفندی را قربانی کند، و سپس از احرام بیرون رود. و اگر از طواف و سعی منع شده باشد و نگذارند به جایگاه طواف و سعی برود، در این صورت اگر نتواند نایب بگیرد و بخواهد از احرام بیرون رود، احتیاط این است که قربانی کند و سر خود را بتراشد یا کوتاه کند. و اگر بتواند نایب بگیرد، بعید نیست که نایب گرفتن کفایت کند، بنابر این برای طواف و سعی نایب می‌گیرد، و نماز طواف را خود پس از طواف نایب به جا می‌آورد. و اگر از رسیدنش به منی جهت بجا آوردن اعمال آنجا جلوگیری شود، در این صورت اگر بتواند نایب بگیرد، باید نایب جهت رمی و قربانی کردن بگیرد، و پس از آن سر خود را بتراشد یا کوتاه کند، و موی خود را در صورت امکان نیز به منی بفرستد، و باقی مناسک را بجا آورد. و اگر نتواند نایب بگیرد، واجب نیست قربانی کند، ولی بجای آن روزه بگیرد، همچنان که واجب نیست رمی کند - اگر چه احتیاط این است که خودش شخصاً رمی را در سال آینده بجا آورد، در صورتی که به حج برود، و یا توسط نایبش، در صورتی که به حج نرود - سپس باقی مناسک حج را، از سر تراشیدن یا کوتاه کردن، و اعمال مکه، بجا آورد، و پس از آن همه محرمات احکام بر او حلال می‌شوند حتی زن‌ها، و نیازی به هیچ چیز دیگری نیست.<sup>۴</sup>

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۸۵.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۸۷.

۳. مناسک حج، م ۴۳۸.

۴. مناسک حج، م ۴۴۰.



\* کسی که از حج و یا عمره او جلوگیری شده، اگر با قربانی کردن از احرامش بیرون رفت، کفایت از حج و یا عمره برای او نمی‌کند، پس اگر قصد داشته حجة الاسلام بجا آورد و جلو او را گرفته‌اند، و با قربانی از احرامش بیرون رفته، باید حجت الاسلام را بعداً بجا آورد، در صورتی که استطاعتش باقی بماند یا حج در ذمه او مستقر شده باشد.<sup>۱</sup>

\* در صورتی که از بازگشت شخص به منی جهت شب ماندن و رمی جمرات جلوگیری شود ضرری به صحت حج شخص نمی‌رساند، و حکم مصدود بر او جاری نمی‌شود و بنا بر احوط و اولی برای رمی در همان سال در صورت امکان نائِب بگیرد، و در صورت ناتوانی از نائِب گرفتن، در سال آینده خودش شخصاً قضای آن را بجا آورد، در صورتی که به حج برود، و یا نائِب قضای آن را بجا آورد، در صورتی که به حج نرود.<sup>۲</sup>

### محصور

\* محصور کسی است که مرض یا مانند آن مانع از رسیدن او به اماکن مقدسه، جهت انجام مناسک عمره و یا حج بعد از بستن احرام، می‌شود.<sup>۳</sup>

\* اگر کسی که احرام عمره بسته مریض شود، و قربانی را به مکه بفرستد، و پس از آن مرضش کاهش پیدا کند، به طوری که بتواند به سفر خود ادامه دهد و به مکه قبل از کشته شدن قربانش برسد، واجب است به سفر خود ادامه دهد و به مکه برود، پس اگر عمره اش مفرده باشد، باید آن را تمام کند و چیزی به جز آن بر او واجب نیست. و اگر عمره تمتع باشد، پس اگر بتواند قبل از ظهر روز عرفه اعمال آن را به اتمام برساند، اشکالی نیست، و اگر نتواند ظاهر این است که منقلب به حج افراد می‌شود. و همچنین است - در هر دو صورت - اگر قربانی را نفرستاده باشد، و صبر کرده تا اینکه مرضش کاهش پیدا کرده، و توانائی ادامه دادن سفر به طرف مکه را پیدا کرده است.<sup>۴</sup>

\* اگر کسی که احرام حج بسته مریض شود و قربانی را بفرستد، و بعد از آن مرضش کاهش پیدا کند، پس اگر گمان کند به حج می‌رسد، واجب است حرکت کند تا خود را برساند، و در این حال اگر به هر دو موقوف رسید یا به مشعر به تنهایی رسید - به توضیحی که سابقاً داده شد - حج را درک کرده است، و مناسک را بجا می‌آورد و قربانی را می‌کشد، و اگر به هیچ کدام نرسید پس اگر قبل از رسیدنش از طرف او قربانی نکرده باشند موی خود را بتراشد یا کوتاه کند و از احرام بیرون رود، و همه چیز بر او

۱. مناسک حج، م ۴۴۱.

۲. مناسک حج، م ۴۴۲.

۳. مناسک حج، م ۴۴۵.

۴. مناسک حج، م ۴۴۷.



## احکام

### امر به معروف و نهی از منکر

\* امر به معروف و نهی از منکر از بزرگ‌ترین واجبات دینی است، و خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ باید از شما «أُمَّةً اسلامی» گروهی باشند که به سوی نیکی دعوت کنند، و امر به معروف و نهی از منکر نمایند. و آنان هستند که رستگارند.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: «لا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ، فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ تَزَعَتْ عَنْهُمْ الْبَرَكَاتُ، وَسَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ»؛ «أُمَّةٌ من مادامی که امر به معروف و نهی از منکر نمایند، و یکدیگر را به احسان و نیکی کمک کنند، در خیر و خوبی خواهند بود، و اگر چنین نباشند برکت از آنان برداشته خواهد شد، و بعضی از آنها بر بعضی دیگر - به ظلم - مسلط خواهد گردید، و در زمین و آسمان یار و یاورى نخواهند داشت».

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام همچنین روایت شده است: «لا تتركوا الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر فيؤلى عليكم شراركم، ثم تدعون فلا يستجاب لكم»؛ «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نمایید، وگرنه بدترین افراد بر شما حکومت خواهند کرد، و دعاهای شما هم مستجاب نخواهد شد».<sup>۱</sup>

\* «معروف» یعنی کار نیکی که عقل خوبی آن را درک می‌کند و یا شرع مقدس، ما را به خوب بودن آن راهنمایی کرده است و «منکر» یعنی کار بد و ناپسند که عقل، بد بودن آن را درک می‌کند و یا شرع مقدس ما را از ناپسند بودن آن آگاه نموده است.<sup>۲</sup>

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

\* امر به معروف و نهی از منکر دارای مراتب و مراحل است:

۱. اظهار انزجار درونی و ناراحتی قلبی از ترک معروف یا انجام منکر به کارهایی مثل اخم کردن یا روگرداندن از شخص گناهکار یا سخن نگفتن با وی یا ترک رفت و آمد و معاشرت با او.
۲. تذکر با زبان و گفتار به صورت موعظه و ارشاد و بیان ثواب معروف و عذاب منکر یا به صورت تهدید و ترساندن به گونه‌ای که دروغ محسوب نگردد؛ هرچند با استفاده از کلمات تند و خشن که خالی از گناه باشد.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، ابتدای مبحث امر به معروف.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۲۰۱.

۳. اقدامات عملی از قبیل کتک زدن، در تنگنا قرار دادن، حبس نمودن و مانند آن، ولی نباید به حدی برسد که سبب شکستن یا نقص عضو یا مجروح شدن بدن و مانند آن شود و به تعبیر دیگر اقدامات عملی نباید به گونه‌ای باشد که موجب دیه یا قصاص گردد.<sup>۱</sup>

\* همان‌طور که ذکر شد برای امر به معروف و نهی از منکر و پیشگیری از وقوع جرم یا منکر، جایز نیست عملی را انجام داد که موجب سرخی یا کبودی یا سیاهی بدن یا جراحت یا شکستگی یا قطع یا نقص عضو یا قتل و مانند آن گردد؛ هرچند برای جلوگیری از آن منکر، راه دیگری نباشد و چنانچه فردی اقدام به این موارد نماید ضامن است و اگر این اقدام عمدی بوده، احکام جنایت عمدی بر آن جاری می‌شود و اگر از روی خطا و سهو بوده است، احکام جنایت خطایی بر آن جاری می‌شود؛ مگر آنکه بر جرم و منکری که فرد مرتکب آن می‌شود مفسده‌ای مهم‌تر از سرخی و سیاهی بدن و بقیه موارد ذکر شده وجود داشته باشد که در این صورت، برای فرد یا افرادی که از امام یا نایب ایشان اجازه دارند، جایز است اقدام به این موارد نمایند و در این حال، فرد به میزان اجازه‌ای که دارد ضامن محسوب نمی‌شود.<sup>۲</sup>

\* آیا به فرد کم‌توان ذهنی، ناشنوا، معلول جسمی - حرکتی که نماز را غلط می‌خواند لازم است تذکر دهیم؟

- اگر ممکن باشد باید به مقدار تمکن، به او تفهیم شود.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۲۱۲.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۲۱۴.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۸.

# احکام خرید و فروش

## شرایط فروشنده و خریدار

\* برای فروشنده و خریدار نشش چیز شرط است:

اول: آنکه بالغ باشند.

دوم: آنکه عاقل باشند.

سوم: آنکه سفیه نباشند، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

چهارم: آنکه قصد خرید و فروش داشته باشند، پس اگر مثلاً به شوخی بگویند مال خود را فروختم، معامله باطل است.

پنجم: آنکه کسی آنها را مجبور نکرده باشد.

ششم: آنکه جنس و عوضی را که میدهند مالک باشند.

و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.<sup>۱</sup>

\* کسی که مال ندارد و مخارجی بر او واجب است، مثل خرج زن و بچه، باید کسب کند، و برای

کارهای مستحب مانند وسعت دادن به عیال و دستگیری از فقرا، کسب کردن مستحب است.<sup>۲</sup>

\* معامله با بچه نابالغ که مستقل در معامله باشد باطل است، مگر در چیزهای کم‌قیمتی که معامله با

بچه ممیز نابالغ در آنها معمول باشد، و اما اگر معامله با ولی او باشد و بچه نابالغ ممیز فقط صیغه

معامله را جاری سازد، معامله در هر صورت صحیح است، بلکه اگر جنس یا پول مال دیگری باشد، و

آن بچه وکالتاً از صاحبش آن مال را بفروشد، و یا با آن پول چیزی بخرد، ظاهر این است که معامله

صحیح است اگرچه بچه ممیز مستقل در تصرف باشد. و همچنین است اگر طفل وسیله باشد که پول

را به فروشنده برساند اگرچه ممیز نباشد معامله صحیح است، چون واقعاً دو نفر بالغ با یکدیگر معامله

کرده‌اند.<sup>۳</sup>

\* اگر از بچه نابالغ در صورتی که معامله با آن صحیح نیست، چیزی بخرد یا چیزی به او بفروشد، باید

جنس یا پولی را که از او گرفته در صورتی که مال خود بچه باشد به ولی او، و اگر مال دیگری بوده به

صاحب آن بدهد، یا از صاحبش رضایت بخواهد، و اگر صاحب آن را نمی‌شناسد و برای شناختن او هم

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۹۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۶۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۹۲.

وسیله‌ای ندارد، باید چیزی را که از بچه گرفته، از طرف صاحب آن بابت ردّ مظالم به فقیر بدهد، و احتیاط لازم آن است که در این کار از حاکم شرع اذن بگیرد.<sup>۱</sup>

\* اگر کسی با بچه ممیز در صورتی که معامله با آن صحیح نیست، معامله کند، و بچه جنس یا پولی را که به او داده است از بین ببرد، می‌تواند از بچه بعد از بلوغش، یا از ولی او مطالبه نماید، و اگر بچه ممیز نباشد، یا ممیز باشد ولی خودش مال را تلف نکرده باشد، بلکه نزد او تلف شده باشد هرچند در اثر اهمال، یا تفریط او باشد، ضامن نیست.<sup>۲</sup>

\* پدر و جدّ پدری طفل، و نیز وصی پدر و وصی جدّ پدری بر طفل می‌توانند مال طفل را بفروشند، و در صورت نبودن همه آنها مجتهد عادل هم در صورتی که مصلحت اقتضا کند می‌تواند مال دیوانه، یا طفل یتیم، یا مال کسی را که غائب است بفروشد.<sup>۳</sup>

## دیگر احکام

\* چند چیز در خرید و فروش مستحب شمرده شده است:

اول: آنکه در قیمت جنس بین مشتری‌ها فرق نگذارد، مگر به لحاظ فقر و مانند آن.  
دوم: آنکه در ابتدای نشستن برای تجارت، شهادتین را بگوید، و هنگام معامله تکبیر بگوید.  
سوم: آنکه چیزی را که می‌فروشد زیادتر بدهد، و آنچه را که می‌خرد کمتر بگیرد.  
چهارم: آنکه کسی که با او معامله کرده، اگر پشیمان شود و از او تقاضای به هم زدن معامله را بنماید، بپذیرد.<sup>۴</sup>

\* آیا با نام امام علی(ع) و دیگر معصومین(ع) یا آیات قرآنی می‌توان شکل پرنده یا شکل شیر رسم کرد؟ از قدیم نوعی نقاشی (سبک نقاشی طبیعت‌گرا) متداول بوده که مرغ حق یا شیر شجاع به عنوان نماد و سمبل حضرت علی(ع) را با آیات قرآنی یا احادیث ترسیم می‌کردند. حکم کشیدن نقاشی، خرید و فروش و نگهداری اینگونه سازه‌ها و تابلو چیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* آیا داد و ستد سگ‌هایی که در مغرب زمین تعلیم دیده می‌شوند و نابینایان را در خیابان‌ها و راه‌ها، همراهی می‌کنند، جایز است؟

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۹۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۹۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۹۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، مبحث خرید و فروش، ص ۳۷۶.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

- خرید و فروش سگ جایز نیست لیکن آن کس که چنان سگی را دارد حق اختصاص پیدا کرده است در این صورت مانعی نیست که او در برابر دریافت مبلغی از آن حق صرف نظر کند و پرداخت کننده وجه، صاحب آن حق شناخته می شود و سگ به او اختصاص پیدا می کند همچنانکه اگر سگ دارای منافع حلال باشد که حراست و نگهداری از آن جمله است، اجاره دادن آن مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

---

۱. قفه برای غرب نشینان، م ۲۷۱.





# احکام شراکت

\* اگر دو نفر باهم اتفاق ببندند که با مال مشترک خود تجارت کنند و آنچه منفعت می‌برند میان خود تقسیم نمایند، و به عربی یا به زبان دیگر صیغه شرکت را بخوانند، یا کاری کنند که معلوم باشد می‌خواهند با یکدیگر شریک باشند، شرکت آنان صحیح است.<sup>۱</sup>

\* کسانی که به واسطه عقد شرکت با هم شریک می‌شوند، باید بالغ و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار شرکت کنند، و نیز باید بتوانند در مال خود تصرف نمایند، پس سفیه - کسی که مال خود را در کارهای بیهوده صرف می‌کند - چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید، اگر شرکت کند صحیح نیست.<sup>۲</sup>

\* اگر یکی از شریک‌ها در شرکت اذنی بمیرد یا دیوانه، یا بیهوش شود، شریک‌های دیگر نمی‌توانند در مال شرکت تصرف کنند، و همچنین است اگر یکی از آنان سفیه شود، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نماید.<sup>۳</sup>

---

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۱۵۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۱۵۵.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۱۶۷.



## احکام صلح

\* صلح آن است که انسان با دیگری سازش کند که مقداری از مال، یا منفعت مال خود را ملک او کند، یا از طلب یا حقّ خود بگذرد، که او هم در عوض، مقداری از مال یا منفعت مال خود را به او واگذار نماید، یا از طلب یا حقّی که دارد بگذرد، بلکه اگر بدون آنکه عوض بگیرد با کسی سازش کند که مقداری از مال، یا منفعت مال خود را به او واگذار کند، یا از طلب یا حقّ خود بگذرد، باز هم صلح صحیح است.<sup>۱</sup>

\* کسی که مالش را با دیگری صلح می‌کند، باید بالغ و عاقل و قصد صلح داشته و کسی او را مجبور نکرده باشد، و باید سفیه و ممنوع از تصرف در آن مال به واسطه ورشکستگی هم نباشد.<sup>۲</sup>

---

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۱۷۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۱۷۱.



## احکام اجاره

\* اجاره دهنده و کسی که چیزی را اجاره می‌کند باید بالغ و عاقل باشند، و به اختیار خودشان اجاره را انجام دهند، و نیز باید در مال خود حق تصرف داشته باشند، پس سفیه چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید نمی‌تواند چیزی را اجاره کند یا اجاره دهد. و همچنین مفلس نمی‌تواند چیزی از اموالی را که حق تصرف در آنها را ندارد، اجاره بدهد یا با آن چیزی را اجاره کند، ولی می‌تواند خودش را اجاره دهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که نمی‌تواند حرف بزند، اگر با اشاره بفهماند که ملک را اجاره داده یا اجاره کرده، صحیح است.<sup>۲</sup>

\* آیا واجب است که اعمال نایب در حج بر طبق تقلیدش باشد یا ناچار باید مطابق تقلید منوب عنه باشد؟

- طبق تقلید خودش عمل کند، البته اگر فرض شود که مورد اجاره صریحاً - یا بر اثر انصراف اطلاقش - مقید به عمل صحیح در نظر منوب عنه یا اجیر کننده باشد، در آن صورت وظیفه‌اش عمل به مقتضای آن است مادام که به فساد عبادت یقین حاصل نشود.<sup>۳</sup>

### نیابت حج

\* همچنان که نیابت بدون اجرت و با اجاره صحیح است به جعله و شرط ضمن عقد و مانند اینها نیز صحیح است. (جعله این است که شخصی بگوید: هر کس بجای من یا فلان کس حج بجا آورد فلان مبلغ را به او می‌دهم، و شرط ضمن عقد این است که در ضمن عقد معامله، مثلاً فروش منزل یا مغازه، شرط کند که از طرف من یا فلان کس حج به جا بیاورد).<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۱۸۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۱۸۹.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۳.

۴. مناسک حج، م ۱۱۲.



## احکام مضاربه

\* مضاربه قراردادی است بین دو نفر، که یکی از آنها مالک است و مالی را به دیگری که آن را عامل می‌نامیم می‌دهد، که با آن تجارت کند و سود میان آنها تقسیم شود. و این معامله مشروط به امور زیر است:

۱- ایجاب و قبول. و در انشا آنها هر لفظ، یا فعلی که بر این مضمون دلالت کند کافی است.  
۲- بلوغ شرعی، و عقل، و رشد، و اختیار در هر دو طرف قرارداد، و در مالک بخصوص شرط است که از طرف حاکم شرع به دلیل افلاس محجورعلیه نباشد، ولی در عامل این شرط نیست، مگر در صورتی که قرارداد مقتضی تصرف او در اموال مورد حجر خودش نیز باشد.  
۳- سهم هرکدام آنها از سود باید با کسر معین باشد، که ثلث است یا نصف است یا هر کسری دیگر. و می‌شود از این شرط مستغنی شد در صورتی که سهم هرکدام در عرف بازار معین باشد، به طوری که عرفاً نیازی به ذکر این شرط احساس نشود. و تعیین سهم هرکدام با ذکر مبلغی از مال مانند صد هزار تومان مثلاً، کافی نیست. ولی می‌تواند یکی از آنها پس از ظهور سود، سهم خود را با مبلغی از مال مصالحه نماید.

۴- سود باید فقط برای مالک و عامل باشد، و اگر شرط شود که مقداری از سود به دیگری داده شود مضاربه باطل است، مگر اینکه در مقابل کاری مربوط به تجارت یاد شده باشد.

۵- عامل باید قادر بر تجارت باشد در صورتی که مباشرت او در عمل تجارت به صورت قید در قرارداد ذکر شده باشد، مثلاً گفته باشد «این پول را به تو می‌دهم که شخصاً با آن مباشرت به تجارت کنی» و در صورت عجز با این فرض، قرارداد باطل است. و اگر مباشرت به صورت شرط در متن قرارداد ذکر شود، مثلاً گفته شود «این پول را به تو می‌دهم که با آن تجارت کنی به شرط اینکه خودت مباشرت نمایی» در این فرض، اگر عامل عاجز باشد معامله باطل نیست، ولی مالک در صورت تخلف از مباشرت اختیار فسخ دارد.

و اما اگر نه قید شود و نه شرط، ولی عامل عاجز باشد از تجارت حتی با واداشتن دیگری، قرارداد باطل است. و اگر از ابتدا قادر باشد و سپس عاجز شود، از وقتی که عاجز شده است، قرارداد باطل می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۲۸.





## احکام جعاله

\* جعاله آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می‌دهند مالی بدهد، مثلاً بگوید هر کس گمشده مرا پیدا کند ده تومان به او می‌دهم. و به کسی که این قرار را می‌گذارد «جاعل» و به کسی که کار را انجام می‌دهد «عامل» می‌گویند. و میان جعاله و اجاره از جهاتی فرق است، از آن جمله این است که در اجاره بعد از قرارداد، اجیر باید عمل را انجام دهد، و کسی هم که او را اجیر کرده اجرت را به او بدهکار می‌شود، ولی در جعاله اگر چه عامل شخص معین باشد می‌تواند مشغول عمل نشود، و تا عمل را انجام ندهد، جاعل بدهکار نمی‌شود.<sup>۱</sup>

\* جاعل باید بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار قرارداد کند و شرعاً بتواند در مال خود تصرف نماید، بنابراین جعاله آدم سفیه - کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند - صحیح نیست. و همچنین جعاله مفلس در آن قسم از اموالش که حق تصرف در آنها را ندارد، صحیح نمی‌باشد.<sup>۲</sup>

\* مالی را که قرار می‌گذارند لازم نیست با ذکر تمام خصوصیات معین شود، بلکه اگر به طوری نزد عامل معلوم باشد که اقدام او برای انجام آن کار سفاهت محسوب نشود کافی است، مثلاً اگر جاعل بگوید این مال را هر مقداری بیش از ده تومان فروختی زیادی آن برای تو باشد، جعاله صحیح است و همچنین اگر بگوید هر کس اسب مرا پیدا کند نصف او را به او می‌دهم، یا ده من گندم به او می‌دهم، جعاله نیز صحیح است.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۳۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۳۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۳۹.



## احکام مزارعه

\* مزارعه آن است که مالک با زارع اتفاق ببندند زمین را در اختیار او بگذارد تا زراعت کند، و مقداری از حاصل آن را به مالک بدهد.<sup>۱</sup>

\* مزارعه چند شرط دارد:

اول: آنکه عقد و قراردادی میان آن دو باشد، مثلاً صاحب زمین به زارع بگوید زمین را برای زراعت به تو واگذار کردم، و زارع هم بگوید قبول کردم، یا بدون اینکه حرفی بزنند، مالک زمین را به زارع به قصد زراعت واگذار کند، و زارع قبول نماید.

دوم: صاحب زمین و زارع هر دو بالغ و عاقل باشند، و با قصد و اختیار خود مزارعه را انجام دهند، و سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند و همچنین باید مالک مفلس نباشد، ولی اگر زارع مفلس باشد در صورتی که مزارعه مستلزم تصرف او در اموالی که از تصرف در آنها منع شده است نباشد، اشکال ندارد.

سوم: هرکدام از مالک و زارع سهمی از حاصل زمین ببرند، نصف یا ثلث و مانند اینها، پس اگر برای هیچ کدام سهمی قرار ندهند یا آنکه مثلاً مالک بگوید در این زمین زراعت کن و هر چه می خواهی به من بده، صحیح نیست، و همچنین است اگر مقدار معینی از حاصل، مثلاً ده من فقط برای زارع یا مالک قرار دهند.

چهارم: مدتی را که باید زمین در اختیار زارع باشد معین کنند، و باید مدت به قدری باشد که در آن مدت بدست آمدن حاصل ممکن باشد، و اگر اول مدت را روز معینی و آخر مدت را رسیدن حاصل قرار دهند، کافی است.

پنجم: زمین قابل زراعت باشد، و اگر زراعت در آن فعلاً ممکن نباشد اما بتواند کاری کنند که زراعت ممکن شود، مزارعه صحیح است.

ششم: چیزی را که زارع باید بکارد معین کنند، مثلاً معین کنند که برنج است یا گندم، و اگر برنج است کدام قسم از آن است ولی اگر زراعت معینی را در نظر ندارند، تعیین لازم نیست، و همچنین اگر زراعتی را که در نظر دارند معلوم است، لازم نیست به آن تصریح نمایند.

هفتم: مالک، زمین را معین کند، در صورتی که چند قطعه زمین داشته باشد که با هم در کار کشاورزی تفاوت داشته باشند، ولی اگر تفاوت نداشته باشند، تعیین لازم نیست، پس اگر به زارع بگوید: در یکی از این زمین ها زراعت کن، و آن را معین نکند، مزارعه صحیح است، و بعد از عقد تعیین بدست مالک است.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۴۶.

هشتم: خرجی را که هرکدام از آنان باید بکنند از قبیل بذر، کود و لوازم کشاورزی و مانند آن معین نمایند، ولی اگر خرجی را که هرکدام باید بکنند به طور معمول معلوم باشد، لازم نیست به آن تصریح نمایند.<sup>۱</sup>

\* مالک و کسی که تربیت درختها را به عهده می‌گیرد، باید بالغ و عاقل باشند، و کسی آنها را مجبور نکرده باشد، و نیز باید سفیه نباشند، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند. و همچنین مالک نباید مفلس باشد، ولی اگر باغبان مفلس باشد در صورتی که مساقات مستلزم تصرف او در اموالی که از تصرف در آنها منع شده نباشد، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۴۷.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۵۹.

## احكام مُساقيات و مُغارسه

\* اگر انسان با کسی به این قسم اتفاق ببندد که مثلاً درخت‌های میوه‌ای را که میوه آن مال خود اوست، یا اختیار میوه‌های آن با اوست تا مدت معینی به آن کس واگذار کند که تربیت نماید، و آب دهد و به مقداری که قرار می‌گذارند از میوه آن بردارد، این معامله را «مساقيات» می‌گویند.<sup>۱</sup>

---

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۵۶.



## احکام حجر

\* بچه‌ای که بالغ نشده است شرعاً نمی‌تواند در ذمه، یا در مال خود تصرف کند، هرچند در کمال تمییز و رشد باشد، و اذن سابق ولی در این باب فایده‌ای ندارد، و اجازه بعدی او هم مورد اشکال است، ولی در مواردی تصرف بچه صحیح است، از آن جمله خرید و فروش چیزهای کم‌قیمت،<sup>۱</sup> و همچنین وصیت او برای ارحام و نزدیکانش، شرایطی دارد.<sup>۲</sup> و نشانه بلوغ در دختر، تمام شدن نه سال قمری است، و در پسر یکی از سه چیز است:  
اول: روئیدن موی درشت در زیر شکم بالای عورت.  
دوم: بیرون آمدن منی.  
سوم: تمام شدن پانزده سال قمری.<sup>۳</sup>

\* بعید نیست که روئیدن موی درشت در صورت و پشت لب، علامت بلوغ باشد، ولی روئیدن مو در سینه و زیر بغل، و درشت شدن صدا و مانند اینها نشانه بالغ شدن، نیست.<sup>۴</sup>

### تصرف در اموال

\* دیوانه نمی‌تواند در مال خود تصرف کند، و همچنین مفلس یعنی کسی که از جهت مطالبه طلبکاران از طرف حاکم شرع از تصرف در مال خود ممنوع است، بدون اجازه طلبکاران نمی‌تواند در آن تصرف کند، و همچنین سفیه یعنی کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، بدون اجازه ولی نمی‌تواند در مال خود تصرف نماید.<sup>۵</sup>

\* کسی که گاهی عاقل، و گاهی دیوانه است، تصرفی که در موقع دیوانگی در مال خود می‌کند، صحیح نیست.<sup>۶</sup>

۱. این نکته در مسأله ۲۰۹۲ از کتاب توضیح المسائل آیت الله سیستانی هم بیان شده است.

۲. این شرایط در مسأله ۲۷۱۴ از کتاب توضیح المسائل آیت الله سیستانی آمده است.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۷۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۷۱.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۷۲.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۷۳.

\* حکم حجر شخصی از طریق دادگاه و گواهی کمیسیون روان‌پزشکی صادر شده، سپس به این رأی اعتراض می‌شود. محجور بار دیگر به کمیسیون روان‌پزشکی معرفی شده، و کمیسیون نظر می‌دهد که وی سابقه جنون دارد، اما به واسطه مصرف دارو الآن در حال بهبودی است، ولی اگر دارو قطع شود، تمکن اداره امور خود را ندارد. از نظر شرع مقدس اسلام تکلیف چنین شخصی و قییم وی چیست؟ آیا در حال بهبودی به وسیله مصرف دارو احتیاج به قییم دارد، یا می‌تواند در اموال ممنوع خود تصرف کند؟

- در حال بهبودی می‌تواند تصرف کند و قییم ندارد.<sup>۱</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



## احکام وکالت

\* وکالت آن است که انسان معامله‌ای را - از عقود یا ایقاعات - یا چیزی از شئون آنها را مانند تحویل دادن، و تحویل گرفتن که حق دارد خود انجام بدهد، به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد، مثلاً کسی را وکیل کند که خانه او را بفروشد، یا زنی را برای او عقد نماید، پس آدم سفیه چون حق ندارد در مال خود تصرف کند، نمی‌تواند برای فروش آن کسی را وکیل نماید.<sup>۱</sup>

\* شخصی همه کارهایش را به پسرش می‌سپارد و او به دلیل ناتوانی پدر از ادای حج، برایش کسی را اجیر می‌کند تا به نیابت از او حج بگذارد. حال آیا اگر پدر از مسأله نیابت یکسره بی‌خبر باشد، عمل نایب برایش مجزی است؟  
و اگر پیش از آن که نایب در میقات مُحرم شود، از مسأله خبردار شد و با آن موافقت کرد، چه حکمی دارد؟

- اگر وکالت پسر عام و شامل نایب گرفتن برای پدر باشد - گرچه پدر نداند که در چه سالی این نیابت صورت خواهد گرفت - عمل نایب برایش مجزی است وگرنه مجزی نخواهد بود، مگر آن که با اطلاع و موافقتش باشد، گرچه این اطلاع و موافقت پیش از مُحرم شدن حاصل شود.<sup>۲</sup>

\* اگر کسی را که قادر به ادای عمل اختیاری در جایی که بنا به فتوا یا احتیاط نایب گرفتن در آن جایز نیست، به سبب جهل به حکم یا موضوع نایب بگیرد و بعد از گذشت وقت علم پیدا کند، آیا جهل او باعث معذوریتش می‌گردد و می‌تواند به عمل نایب اکتفا کند؟  
- خیر.<sup>۳</sup>

### بطلان و فسخ

\* اگر وکیل یا موکل بمیرد، وکالت باطل می‌شود، و نیز اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است از بین برود، مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده بمیرد، وکالت باطل می‌شود. و همچنین اگر یکی از آنها برای همیشه دیوانه یا بیهوش شود، وکالت باطل می‌شود، ولی اگر گاه‌گاهی

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، مبحث وکالت، ص ۴۲۹.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۰.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۶۰.

دیوانه، یا بیهوش می‌شود، بطلان وکالت در زمان دیوانگی، یا بیهوشی چه رسد به زمان برطرف شدن آن، محل اشکال است.<sup>۱</sup>

\* اگر در ضمن عقد لازمی (همچون نکاح) به زوج وکالت دهیم که هرگاه عارضه‌ای پیش آمد، خود را مطلقه سازد. سپس زوج مجنون شود، آیا زن می‌تواند با استفاده از این وکالت، خود را مطلقه سازد، در حالی که علما می‌فرمایند: وکالت، عقدی جایز است، و با جنون باطل می‌شود؟  
- وکالتی که به صورت شرط ضمن عقد است باطل نمی‌شود.<sup>۲</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۸۶.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

## احکام قرض

\* قرض دادن به مؤمنین بخصوص به محتاجان آنان از کارهای مستحب است، که در اخبار راجع به آن زیاد سفارش شده است؛ از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که: هر کس به برادر مؤمن خود قرض بدهد و او را تا زمان تمکن مهلت دهد، مال او زیاد می‌شود، و ملائکه بر او رحمت می‌فرستند تا زمانی که پول خود را پس بگیرد. و از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: هر مؤمنی به مؤمن دیگر به قصد قربت قرض دهد، خداوند اجر صدقه برای او ثبت می‌کند، تا وقتی که مال خود را پس بگیرد.<sup>۱</sup>

\* در قرض لازم نیست صیغه بخوانند، بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد، و او هم به همین قصد بگیرد، صحیح است.<sup>۲</sup>

\* هر وقت بدهکار بدهی خود را بدهد، طلبکار باید قبول نماید، مگر آنکه برای پرداخت آن به درخواست طلبکار، یا به درخواست هر دو مدتی قرار داده باشند، که در این صورت طلبکار می‌تواند پیش از تمام شدن مدت از دریافت طلب خود، امتناع کند.<sup>۳</sup>

\* اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، چنانچه تعیین مدت به درخواست بدهکار، یا به درخواست هر دو طرف باشد، طلبکار نمی‌تواند پیش از تمام شدن آن مدت طلب خود را مطالبه کند، ولی اگر تعیین مدت به درخواست طلبکار بوده، یا اصلاً برای پرداخت بدهی، مدتی تعیین نشده است، طلبکار می‌تواند هر وقت بخواهد طلب خود را مطالبه نماید.<sup>۴</sup>

\* اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند و وقت نداشته باشد، یا وقت آن رسیده باشد، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد فوراً آن را بپردازد، و اگر تأخیر بیندازد گناهکار است.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، احکام قرض، ص ۴۳۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹۱.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹۲.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹۳.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹۴.

\* اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن نشسته است، و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها با ملاحظه شأن و موقعیت اجتماعی او احتیاج دارد و بدون آنها در زحمت می‌افتد، چیزی نداشته باشد، طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه نماید، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر کاسبی برای او آسان باشد، یا کارش کاسبی باشد، واجب است کسب کند و بدهی خود را بپردازد، بلکه در غیر این صورت نیز اگر بتواند کسبی کند که لایق شأنش باشد، احتیاط واجب آن است که کسب کند و بدهی را بپردازد.<sup>۲</sup>

\* کسی که دسترسی به طلبکار خود ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که در آینده او، یا وارثش را پیدا کند، باید طلب او را از طرف صاحبش به فقیر بدهد، و بنا بر - احتیاط واجب - از حاکم شرع در این کار اجازه بگیرد، ولی اگر امید داشته باشد که او، یا وارثش را پیدا کند باید منتظر بماند و از او جستجو کند، و چنانچه او را پیدا ننماید وصیت کند که اگر او مُرد، و طلبکار، یا وارثش پیدا شد طلب او را از مالش بپردازد.<sup>۳</sup>

\* اگر مال میت بیشتر از خرج واجب کفن، و دفن و بدهی او نباشد، باید مالش را به همین مصرفها برسانند، و به وارث او چیزی نمی‌رسد.<sup>۴</sup>

\* اگر کسی مقداری پول، یا گندم، یا جو و مانند اینها که مثلی هستند، قرض کند و قیمت آن کم یا زیاد شود، همان مقدار را که گرفته با همان اوصاف و خصوصیاتی که در مرغوبیت آن مال دخالت دارد، باید پس بدهد و کافی است، ولی اگر بدهکار و طلبکار به غیر آن راضی شوند، اشکال ندارد. و اگر آنچه را قرض کرده است قیمی باشد، مانند گوسفند، باید قیمت روزی که قرض گرفته است پس بدهد.<sup>۵</sup>

\* اگر مالی را که قرض کرده است از بین نرفته باشد و صاحب مال، آن را مطالبه کند، واجب نیست بدهکار آن را بدهد، و اگر بدهکار بخواهد آن را بدهد طلبکار می‌تواند نپذیرد.<sup>۶</sup>

\* اگر کسی که قرض می‌دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می‌دهد بگیرد، مثلاً یک من گندم بدهد و شرط کند که یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد، ربا و حرام است، بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد، یا چیزی را که قرض کرده است با مقداری

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹۶.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹۷.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۹۹.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۰.

جنس دیگر پس دهد، مثلاً شرط کند، یک تومانی را که قرض کرده است با یک کبریت پس دهد، ربا و حرام است. و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می‌گیرد به طور مخصوصی پس دهد، مثلاً مقداری طلائی نساخته به او بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد، باز هم ربا و حرام می‌باشد؛ ولی اگر بدون اینکه شرط کند، خود بدهکار زیاده‌تر از آنچه قرض کرده است پس بدهد، اشکال ندارد، بلکه مستحب است.<sup>۱</sup>

\* ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است، ولی خود قرض صحیح است، و کسی که قرض ربایی گرفته است، مالک می‌شود، ولی قرض دهنده مالک زیادتی که می‌گیرد نمی‌شود، و تصرف او در آن حرام است، و اگر با عین آن چیزی را بخرد مالک آن چیز نمی‌شود، و چنانچه طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نگذاشته بودند، قرض گیرنده راضی بود که قرض دهنده در آن پول تصرف کند، تصرف او جایز است. و همچنین اگر از روی ندانستن مسأله ربا بگیرد، و پس از اطلاع توبه کند که در این صورت آنچه را در زمان جهل گرفته، برای او حلال است.<sup>۲</sup>

\* اگر گندم یا چیزی مانند آن را به طور قرض ربایی بگیرد، و با آن زراعت کند، حاصل را مالک می‌شود.<sup>۳</sup>

\* اگر لباسی را بخرد و بعداً از پول ربا، یا از پول حلالی که مخلوط با آن پول است به صاحب لباس بدهد، لباس را مالک می‌شود، و پوشیدن و نماز خواندن با آن اشکال ندارد، ولی اگر به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می‌خرم، لباس را مالک نمی‌شود، و پوشیدن آن حرام است.<sup>۴</sup>

\* اگر انسان مقداری پول به کسی بدهد که در شهر دیگر از طرف او کمتر بگیرد، اشکال ندارد، و این را «صرف برات» می‌گویند.<sup>۵</sup>

\* اگر چیزی را به کسی بدهد که در شهر دیگر زیاده‌تر بگیرد، در صورتی که آن چیز طلا، یا نقره، یا گندم، یا جو که کشیدنی، یا پیمان‌های هستند، باشد، ربا و حرام است؛ ولی اگر کسی که زیادی را می‌گیرد، در مقابل زیادی چیزی بدهد، یا عملی انجام دهد اشکال ندارد. و اما در اسکناس اگر قرض بدهد، زیاده‌تر گرفتن جایز نیست، و اگر بفروشد و نقد باشد یا نسیه ولی پول او دو جنس باشد، مثلاً

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۴.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۵.

یکی تومان باشد و دیگری دینار، زیادتی اشکال ندارد، ولی اگر نسیه و از یک جنس باشند، زیادتی، محل اشکال است.<sup>۱</sup>

\* اگر کسی از دیگری طلبی دارد که کشیدنی و پیمانهای نیست، می تواند آن را به شخص بدهکار، یا دیگری به کمتر فروخته و وجه آن را نقداً بگیرد، بنابراین در زمان حاضر چک یا سفته‌هایی که طلبکار از بدهکار گرفته است، می تواند آنها را به بانک، یا به شخص دیگر به کمتر از طلب خود - که در عرف آن را نزول کردن گویند - بفروشد و باقی وجه را نقداً بگیرد.<sup>۲</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۷.

## احکام حواله

\* اگر انسان طلبکار خود را حواله بدهد که طلب خود را از دیگری بگیرد، و طلبکار قبول نماید، بعد از آنکه حواله با شرایطی که بعداً گفته می‌شود درست شد، کسی که به او حواله شده است بدهکار می‌شود، و دیگر طلبکار نمی‌تواند طلبی را که دارد از بدهکار اولی مطالبه نماید.<sup>۱</sup>

\* بدهکار و طلبکار و کسی که بر او حواله می‌شود باید بالغ، و عاقل باشند، و کسی آنها را مجبور نکرده باشد، و نیز باید سفیه نباشند، یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند، و نیز معتبر است بدهکار و طلبکار مفلس نباشند، مگر در حواله بر کسی که بدهکار حواله دهنده نیست، که در این صورت اگر حواله دهنده مفلس باشد، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* بعد از آنکه حواله واقع شد، حواله دهنده و کسی که به او حواله شده است نمی‌توانند حواله را به هم بزنند، و اگر کسی که به او حواله شده است در موقع حواله فقیر نباشد اگرچه بعداً فقیر شود، طلبکار هم نمی‌تواند حواله را به هم بزند، و همچنین است اگر موقع حواله فقیر باشد و طلبکار بداند که فقیر است، ولی اگر نداند که فقیر است و بعد بفهمد، اگر در آن وقت متمکن نشده باشد طلبکار می‌تواند حواله را به هم بزند، و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد، ولی اگر متمکن شده باشد داشتن حق فسخ، محل اشکال است.<sup>۳</sup>

---

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۸.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۰۹.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۱۶.





# احکام

## رهن

\* رهن آن است که انسان مالی را نزد دیگری گرو طلب، یا مالی که ضامن او می باشد قرار دهد، که اگر آن طلب یا مال را نپرداخت، بتواند عوض آن را از آن مال بدست آورد.<sup>۱</sup>

\* گرو دهنده و کسی که مال را گرو می گیرد، باید بالغ، و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد، و نیز باید گرو دهنده مفلس، و سفیه نباشد،<sup>۲</sup> ولی اگر مفلس مالی را که گرو می گذارد مال او نباشد، یا از اموالی نباشد که از تصرف در آنها منع شده است، اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

---

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۱۹.

۲. معنای مفلس و سفیه در مسأله ۲۲۷۲ در کتاب توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی آمده است.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۲۱.



# احکام

## ضمانت

\* ضامن و طلبکار باید بالغ و عاقل باشند، و کسی هم آنها را مجبور نکرده باشد، و نیز باید سفیه نباشند، و همچنین طلبکار باید مفلس نباشد، ولی این شرطها در بدهکار نیست، مثلاً اگر کسی ضامن شود که بدهی بچه، یا دیوانه، یا سفیه را بدهد صحیح است.<sup>۱</sup>

\* هرگاه انسان در موقع ضمانت بتواند طلب طلبکار را بدهد اگرچه بعد از آن فقیر شود، طلبکار نمی‌تواند ضمانت او را فسخ کند و طلب خود را از بدهکار اول مطالبه نماید، و همچنین است اگر در آن موقع نتواند طلب او را بدهد، ولی طلبکار بداند و به ضامن شدن او راضی شود.<sup>۲</sup>

---

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۳۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۳۹.



## احكام كفالت

\* كفالت آن است كه انسان متعهد شود كه هر وقت طلبكار بدهكار را خواست، او را حاضر نمايد، و به كسى كه اين طور متعهد مى شود «كفيل» مى گويند.<sup>۱</sup>

\* كفيل بايد بالغ، و عاقل باشد، و او را در كفالت مجبور نكرده باشند و بتواند كسى را كه كفيل او شده است حاضر نمايد، و همچنين بايد سفيه، يا مفلس نباشد در صورتى كه حاضر كردن بدهكار مستلزم تصرف در مالش باشد.<sup>۲</sup>

---

۱. توضيح المسائل آيت الله العظمى سيستانى، م ۲۳۴۱.

۲. توضيح المسائل آيت الله العظمى سيستانى، م ۲۳۴۳.



## احکام ودیعه (امانت)

\* اگر انسان مالی را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد، و او هم قبول کند، یا بدون اینکه حرفی بزند به صاحب مال بفهماند که مال را برای نگهداری به او می‌دهد، و او هم به نحوی که معلوم باشد ملتزم به نگهداری آن شده است بپذیرد، باید به احکام و دیعه و امانت‌داری که بعداً گفته می‌شود، عمل نماید.<sup>۱</sup>

\* امانت‌دار، و کسی که مال را امانت می‌گذارد باید هر دو بالغ و عاقل باشند، و کسی آنها را مجبور نکرده باشد، پس اگر انسان مالی را پیش دیوانه، یا بچه امانت بگذارد، یا دیوانه، یا بچه مالی را پیش کسی امانت بگذارد، صحیح نیست، ولی جایز است بچه ممیز مال دیگری را با اجازه او نزد کسی امانت بگذارد، و همچنین باید کسی که امانت می‌گذارد سفیه، یا مفلس نباشد، ولی اگر مفلس مالی را که امانت گذاشته از جمله اموالی نباشد که از تصرف در آنها منع شده است، اشکال ندارد. و نیز باید امانت‌دار سفیه یا مفلس نباشد، در صورتی که حفظ و نگهداری امانت مستلزم تصرفی در مال خودش باشد که موجب انتقال مال از ملکیت او باشد، یا موجب از بین رفتن مال باشد.<sup>۲</sup>

\* اگر از بچه‌ای چیزی را بدون اذن صاحبش به طور امانت قبول کند، باید آن را به صاحبش بدهد، و اگر آن چیز مال خود بچه است، لازم است آن مال را به ولی او برساند، و چنانچه پیش از رساندن مال به آنان تلف شود، باید عوض آن را بدهد، ولی اگر مال در معرض تلف باشد و گرفتن مال از بچه برای حفظ و رساندن آن به ولی باشد، اگر در نگهداری، یا رساندن آن کوتاهی نکند، و تصرف غیرمجاز نیز نکند، ضامن نیست، و همچنین اگر امانت‌گذار دیوانه باشد.<sup>۳</sup>

\* اگر صاحب مال برای همیشه دیوانه، یا بیهوش شود، و دیعه باطل می‌شود و امانت‌دار باید فوراً امانت را به ولی او برساند، یا او را از امانت آگاه سازد، در غیر این صورت اگر مال تلف شود باید عوض آن را بدهد، و اگر دیوانگی، یا بیهوشی صاحب مال گاه‌گاهی است احتیاط واجب این است که همین کار را بکند.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۴۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۴۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۴۸.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۵۷.

\* اگر امانت‌دار بمیرد، یا برای همیشه دیوانه، یا بیهوش شود، ودیعه باطل می‌شود و وارث یا ولی او باید هر چه زودتر به صاحب مال اطلاع دهند، یا امانت را به او برسانند، و اگر دیوانگی یا بیهوشی او گاهگاهی است - بنا بر احتیاط واجب - همین کار را بکنند.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۶۰.



## احکام عاریه

\* عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند، و در عوض چیزی هم از او نگیرد.<sup>۱</sup>

\* اگر دیوانه، و بچه، و مفلس، و سفیه مال خود را عاریه بدهند، صحیح نیست، اما اگر ولی مصلحت بداند و مال کسی را که بر او ولایت دارد عاریه دهد، اشکال ندارد، و همچنین واسطه شدن بچه در رسانیدن مال به کسی که عاریه می کند بی اشکال است.<sup>۲</sup>

\* اگر چیزی را که عاریه گرفته است، با اجازه صاحب آن به دیگری عاریه دهد، چنانچه کسی که اول آن چیز را عاریه گرفته است بمیرد، یا دیوانه، شود، عاریه دومی باطل، نمی شود.<sup>۳</sup>

---

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۶۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۶۷.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۷۸.



## احکام نکاح (ازدواج)

\* به واسطه عقد ازدواج، زن به مرد، و مرد به زن حلال می‌شود، و آن بر دو قسم است: دائم، و غیر دائم (ازدواج موقت). عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود و همیشگی باشد، و زنی را که به این قسم عقد می‌کنند دائمه گویند. و عقد غیر دائم، آن است که مدت زناشویی در آن معین شود، مثلاً زن را به مدت یک ساعت، یا یک روز، یا یک ماه، یا یک سال، یا بیشتر عقد نمایند، ولی باید مدت ازدواج از مقدار عمر زن و شوهر یا یکی از آنها زیادتر نباشد که در این صورت عقد باطل خواهد بود، و زنی را که به این قسم عقد کنند؛ «متعّه» یا «صیغه» می‌نامند.<sup>۱</sup>

### عقد

\* پدر و جدّ پدری می‌توانند، برای فرزند پسر، یا دختر نابالغ، یا دیوانه خود که با حال دیوانگی بالغ شده است را به ازدواج دیگری درآورند، و بعد از آنکه طفل بالغ شد، یا دیوانه عاقل گردید، اگر ازدواجی که برای او کرده‌اند مفسده‌ای داشته، می‌تواند آن را امضا، یا رد نماید، و اگر مفسده‌ای نداشته، چنانچه پسر یا دختر نابالغ عقد ازدواج خود را به هم بزنند - بنا بر احتیاط واجب - یا باید طلاق دهند، یا عقد را دوباره بخوانند.<sup>۲</sup>

\* اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این شش عیب را که ذکر می‌شود در حال عقد داشته است، می‌تواند به واسطه آن عیب، عقد را به هم بزند:

اول: دیوانگی، هر چند گاه‌گاهی باشد.

دوم: مرض خوره.

سوم: مرض برص.

چهارم: کوری.

پنجم: فلج بودن، هر چند به حد زمین‌گیری نباشد.

ششم: آنکه گوشت، یا استخوانی در رحم او باشد، خواه مانع نزدیکی یا آبستن شدن او شود، یا نه. و اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن در حال عقد افشاء شده بوده است، یعنی راه بول و حیض، و یا راه حیض و غائط او، یا هر سه یکی شده است، در اینکه بتواند عقد را به هم بزند اشکال است، و احتیاط لازم آن است که چنانچه عقد را به هم بزند طلاق نیز بدهد.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، میث احکام نکاح (ازدواج)، ص ۴۵۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۹۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۳۹۹.

\* اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او آلت مردی نداشته، یا بعد از عقد پیش از نزدیکی، یا پس از آن آلت او بریده شود، یا مرضی دارد که نمی‌تواند نزدیکی نماید، هر چند آن مرض بعد از عقد و پیش از نزدیکی، یا پس از آن عارض شده باشد. در تمام این موارد، بی‌طلاق می‌تواند عقد را به هم بزند. و اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهرش پیش از عقد دیوانه بوده است، یا اینکه پس از عقد - خواه بعد از نزدیکی، یا قبل از آن - دیوانه شود، یا اینکه بفهمد که او در هنگام عقد تخم‌هایش کشیده، یا کوبیده شده بوده است، یا اینکه در آن هنگام مرض خوره، یا برص، یا کوری داشته است، در تمام این موارد احتیاط واجب آن است که زن عقد را به هم نزند، و اگر چنین کرد احتیاط واجب آن است که اگر بخواهند به زندگی زناشویی ادامه دهند دوباره عقد کنند، و اگر بخواهند جدا شوند طلاق داده شود. و در صورتی که شوهر نمی‌تواند نزدیکی نماید و زن بخواهد عقد را به هم بزند، لازم است که اول رجوع به حاکم شرع، یا وکیل او نماید، و حاکم شوهر را یک سال مهلت می‌دهد، و چنانچه شوهر نتوانست با آن زن، یا زنی دیگر نزدیکی کند، پس از آن زن می‌تواند عقد را به هم بزند.<sup>۱</sup>

### فسخ عقد

\* اگر دختر یا پسر به هنگام خواستگاری دارای مشکلی از نظر جسمی باشد، و آن مشکل آشکار نباشد، آیا واجب است آن را به طرف مقابل بگوید؟  
- اگر سؤال نشود واجب نیست ولی نباید در برابر خواستگار به عنوان سالم معرفی شود.<sup>۲</sup>

\* دختر خانمی ازدواج نموده، و پس از آن طبق نظر متخصصان و اقرار خانواده و خود دختر، معلوم شده که قبل از ازدواج دارای مرتبه‌ای از جنون بوده، و اکنون ادامه زندگی با ایشان غیرممکن است. آیا شوهر حق فسخ دارد؟

و در صورت فسخ، آیا زوجه مستحق مهرالمثل است، یا مهرالمسمی؟  
- اگر اکنون جنون به معنای عرفی آن نداشته باشد حق فسخ ندارد.<sup>۳</sup>

\* زنی به صورت مزمن مبتلا به جنون دائم یا ادواری بوده، و سوابق جنون و بستری شدن در بیمارستان روانی را از شوهر مخفی نگاه داشته، و حتی پس از طرح دعوا از طرف مرد، نیز موضوع را انکار نموده است. مرد پس از ازدواج و دخول و گذشت چند سال، از نوع بیماری و سوابق بستری شدن قبلی زوجه در بیمارستان آگاهی نسبی یافته، و بلافاصله پس از اطلاع، ضمن مشورت با حقوقدان‌ها، اقدام به فسخ نکاح می‌نماید. حال اگر بیماری فوق سابقه اختلال روانی و واجد علائم جنون حداقل از سال ۱۳۶۷ (شش سال قبل از ازدواج) بوده، و در حال حاضر نیز دچار عوارض مزمن بیماری است، در فرض مسئله آیا مرد حق فسخ دارد، و به زن مهریه‌ای تعلق می‌گیرد؟

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۴۰۰.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- در صورتی که عقد ازدواج مبتنی بر عدم سابقه بیماری بوده است طبق ادعای زوجه مرد می‌تواند به دلیل تدلیس فسخ کند و با فرض این که تدلیس از خود زوجه بوده است مستحق مهر نیست.<sup>۱</sup>

### عیوب فسخ کننده

\* چنانچه پزشکی قانونی بر اساس وضعیت کروموزمی شخص، خنثی را خنثای مذکر یا مؤنث معرفی کند، آیا برای طرفی که با او ازدواج نموده، جزء عیوب محسوب و حق فسخ دارد؟  
- از عیوب مستلزم فسخ نیست اگر تدلیس نباشد و معیار در تعیین زن و مرد داشتن تخمدان و بیضتین است و اگر بر این اساس از جنس مخالف نباشد ازدواج باطل است.<sup>۲</sup>

### شروط ضمن عقد

\* اگر در ضمن عقد لازمی (همچون نکاح) به زوجه وکالت دهیم که هرگاه عارضه‌ای پیش آمد، خود را مطلقه سازد. سپس زوج مجنون شود، آیا زن می‌تواند با استفاده از این وکالت، خود را مطلقه سازد، در حالی که علما می‌فرمایند: وکالت، عقدی جایز است، و با جنون باطل می‌شود؟  
- وکالتی که به صورت شرط ضمن عقد است باطل نمی‌شود.<sup>۳</sup>

### وجوب اجازه ولی

\* اصل ازدواج معلول ذهنی چه حکمی دارد؟ آیا جنسیت در حکم تأثیر دارد یا خیر؟  
- با اجازه ولی او انجام می‌شود چه مرد باشد چه زن.<sup>۴</sup>

### نفقه

\* اگر طبق نظر پزشک، زوجه دائمی به مرضی مبتلا باشد که بایستی برای مدتی، یا برای همیشه آمیزش جنسی را ترک نماید، یا این که زوجه دائمی به علت ابتلای به جنون ادواری، یا دائم، در تیمارستان، یا در منزل بستری و تحت درمان باشد، و به هیچ وجه حاضر به نزدیکی با شوهر خود نباشد، آیا چنین زنی در دو صورت مذکور حق نفقه دارد؟  
- با فرض معذوریت مستحق نفقه است.<sup>۵</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

### مهریه

\* دختر خانمی ازدواج نموده، و پس از آن طبق نظر متخصصان و اقرار خانواده و خود دختر، معلوم شده که قبل از ازدواج دارای مرتبه‌ای از جنون بوده، و اکنون ادامه زندگی با ایشان غیرممکن است. آیا شوهر حق فسخ دارد؟

و در صورت فسخ، آیا زوجه مستحق مهرالمثل است، یا مهرالمسمی؟  
- اگر اکنون جنون به معنای عرفی آن نداشته باشد حق فسخ ندارد.<sup>۱</sup>

\* زنی به صورت مزمن مبتلا به جنون دائم یا ادواری بوده، و سوابق جنون و بستری شدن در بیمارستان روانی را از شوهر مخفی نگاه داشته، و حتی پس از طرح دعوا از طرف مرد، نیز موضوع را انکار نموده است. مرد پس از ازدواج و دخول و گذشت چند سال، از نوع بیماری و سوابق بستری شدن قبلی زوجه در بیمارستان آگاهی نسبی یافته، و بلافاصله پس از اطلاع، ضمن مشورت با حقوقدان‌ها، اقدام به فسخ نکاح می‌نماید. حال اگر بیماری فوق سابقه اختلال روانی و واجد علائم جنون حداقل از سال ۱۳۶۷ (شش سال قبل از ازدواج) بوده، و در حال حاضر نیز دچار عوارض مزمن بیماری است، در فرض مسئله آیا مرد حق فسخ دارد، و به زن مهریه‌ای تعلق می‌گیرد؟  
- در صورتی که عقد ازدواج مبتنی بر عدم سابقه بیماری بوده است طبق ادعای زوجه مرد می‌تواند به دلیل تدلیس فسخ کند و با فرض این که تدلیس از خود زوجه بوده است مستحق مهر نیست.<sup>۲</sup>

### بارداری

\* ازدواج دو معلول ذهنی که منجر به بارداری گردد و طبق آزمایشات جنین سالم باشد؛ ولی پدر و مادر صلاحیت نگهداری از فرزند را نداشته باشند و قییم نیز توان نگهداری از این فرزندان را نداشته باشد و با توجه به اینکه این فرزندان ممکن است در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار بگیرند. سقط جنین قبل از دمیدن روح در جنین و بعد از آن (چهارماهگی) چه حکمی دارد؟ آیا نظر قییم قانونی در این مورد ملاک قرار می‌گیرد یا خیر؟  
- جایز نیست.<sup>۳</sup>

\* ازدواج دو معلول ذهنی، باردار شدن زوجه و مشکل داشتن جنین پس از آزمایشات، در این شرایط آیا سقط جنین قبل از دمیدن روح و بعد از آن (چهارماهگی) جایز است؟ آیا نظر قییم قانونی در این مورد شرط است؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- اگر ماندن جنین برای مادر موجب حرج و مشقت زیاد باشد قبل از اتمام چهار ماه سقط جایز است ولی بر مباشر اسقاط - دیه لازم است.<sup>۱</sup>

\* گاهی پزشکان، چنان تشخیص می‌دهند که جنین بیماری خطرناکی دارد و اگر زاده شود او ناقص الخلقه خواهد بود و یا پس از اندک زمانی، خواهد مرد و پزشکان، ترجیح می‌دهند که جنین را اسقاط کنند آیا چنان حقی را دارند؟ و آیا مادر می‌تواند خود را در اختیار پزشکان قرار دهد تا جنین او را درآورند؟ و سرانجام دیه او به عهده کیست؟  
- تنها بدین جهت که جنین ناقص الخلقه و یا پس از تولد، فقط مدت کوتاهی زنده خواهد بود، مجوز سقط جنین نمی‌شود پس مادر نمی‌تواند اجازه چنین کاری را به پزشکان بدهد و آنان نیز نمی‌توانند جنین را خارج کنند و دیه بر عهده کسی است که عملاً به چنان کاری دست زده است.<sup>۲</sup>

\* از نظر شرع سقط کردن کودکی که در شکم مادر است و مشخص شده که معلول است در صورت اینکه زیر ۴ ماه باشد چگونه است؟ اگر از ۴ ماه بگذرد چگونه است؟  
- بعد از ولوج روح مطلقاً جایز نیست و قبل از آن اگر حفظ جنین برای مادر ضرری یا حرجی باشد سقط آن مانعی ندارد.<sup>۳</sup>

\* حکم اسقاط جنین معلول عقب مانده ذهنی یا ناقص الخلقه چیست؟  
- در هیچ حالی جایز نیست مگر این که بقای آن در شکم مادر برای او موجب ضرر و یا حرج فوق تحمل باشد و روح در او دمیده نشده باشد.<sup>۴</sup>

\* آیا می‌شود جنین ناقص الخلقه در هنگام حمل با علم به آن به وسیله دستگاه‌های پزشکی اسقاط نمود یا نابود کرد؟  
- جایز نیست.<sup>۵</sup>

## دیگر احکام

\* پدر و جدّ پدری دیوانه دائمی، می‌توانند زن او را در صورتی که به صلاح او باشد طلاق بدهند.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۵۹.

\* چنانچه پس از عقد و نزدیکی مشخص گردد که یکی از طرفین خنثای مشکل است، عقد چه حکمی دارد؟ آیا بهتر است طلاق داده شود، یا این که از اول باطل بوده، یا طرف حق فسخ دارد؟  
- عقد باطل است.<sup>۱</sup>

\* با توجه به این که کشور ما، در حال حاضر، در مرحله حذف بیماری جذام است، آیا می‌توان جایگزین‌های دیگری، مثل بیماری ایدز، یا سایر بیماری‌های پوستی که مخلاً روابط زناشویی است، برای آن در نظر گرفت؟  
- نمی‌شود.<sup>۲</sup>

\* با توجه به اینکه بعضی از معلولین ذهنی قادر به تفکرات نیستند، آموزش مسائل جنسی بعد از ازدواج به معلولان ذهنی به صورت شیوه‌های خاص از جمله آموزش‌های تصویری چه حکمی دارد؟  
- اگر عکس واقعی نباشد اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

\* با توجه به اینکه بخشی از معلولیت‌ها از طریق وراثت و ژنتیک منتقل می‌شود و فرزندان زوجه یا زوج معلول خواهند شد، تکلیف آنان چیست؟ آیا جهت جلوگیری از فرزنددار شدن، این معلولین می‌توانند اقدامی داشته باشند؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



# احکام حجاب

\* با توجه به اینکه معلولین ذهنی درجات مختلفی دارند، و اکثر آنها نسبت به جنس مخالف هیچ گونه تحریکی ندارند، آیا باید در مقابل آنها حجاب داشت؟  
- اگر ممیز نباشد واجب نیست.<sup>۱</sup>

\* رعایت حجاب در برابر معلولین با توجه به مشکلات حجاب برای معلولین فلج و مشلول یا معلولینی که قدرت نگهداری دست‌های آنها ضعیف است چه حکمی دارد؟  
- باید تا حد مقدور رعایت شود.<sup>۲</sup>

---

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



## احکام غصب

\* غصب آن است که انسان از روی ظلم، بر مال یا حق کسی مسلط شود، و این چیزی است که به حکم عقل و قرآن و روایات حرام است، و از حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است، که هر کس یک وجب زمین از دیگری غصب کند، در قیامت آن زمین را از هفت طبقه آن مثل طوق به گردن او می اندازند.<sup>۱</sup>

\* اگر از بچه یا دیوانه چیزی را که مال اوست غصب کند، باید آن را به ولی او بدهد، و اگر از بین رفته باید عوض آن را بدهد.<sup>۲</sup>

### رضایت مالک آب وضو

\* وضو گرفتن از نهرهای کوچک یا بزرگ که بنای عقلاء بر جواز تصرف و استفاده از آنهاست، بدون اجازه مالک، هر چند انسان نداند که صاحب آنها راضی است، اشکال ندارد بلکه اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند یا اینکه انسان بداند که مالک راضی نیست یا اینکه مالک، صغیر یا دیوانه باشد، باز هم تصرف جایز است.<sup>۳</sup>

\* وضو با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است چه حکمی دارد؟  
- حرام و باطل است.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، مبحث غصب، ص ۴۸۹.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۶۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۹۵.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۵۶-۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۶۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۲۶۶.



## احکام مال پیدا شده

\* مال گم شده اگر حیوان نباشد، و انسان آن را پیدا کند و نشانه‌ای نداشته باشد که به واسطه آن صاحبش معلوم شود، چه قیمت آن کمتر از یک درهم (۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار) باشد چه نباشد، می‌تواند آن را برای خود بردارد، ولی احتیاط مستحب آن است که آن را از طرف صاحبش به فقراء صدقه بدهد، و از این قبیل است پولی که علامت ندارد، ولی اگر مقدار و خصوصیت زمان و مکان علامتی برای پول باشد باید آن را اعلان کند همچنان که در مسأله بعدی خواهد آمد.<sup>۱</sup>

\* هرگاه چیزی را که پیدا کرده نشانه‌ای دارد که به واسطه آن می‌تواند صاحبش را پیدا کند، اگرچه بداند صاحب آن کافری است که اموالش محترم است، در صورتی که قیمت آن چیز به مقدار یک درهم برسد، باید از روزی که آن را پیدا کرده تا یک سال در محل اجتماع مردم اعلان کند، و اگر قیمت آن از یک درهم کمتر باشد احتیاط واجب آن است که آن را از طرف صاحبش صدقه بدهد، و هر وقت صاحبش پیدا شد، چنانچه به صدقه دادن راضی نشود، عوض آن را به او بدهد.<sup>۲</sup>

\* اگر انسان خودش نخواهد اعلان کند، می‌تواند به کسی که اطمینان دارد بگوید، که از طرف او اعلان نماید.<sup>۳</sup>

\* اگر تا یک سال اعلان کند و صاحب مال پیدا نشود، در صورتی که آن مال را در غیر حرم مکه پیدا کرده باشد می‌تواند آن را برای صاحبش نگهداری کند که هر وقت پیدا شد به او بدهد، و در این مدت استفاده از آن با حفظ عین آن اشکال ندارد، و می‌تواند آن را از طرف صاحبش به فقراء صدقه بدهد، و احتیاط واجب آن است که آن را برای خود بر ندارد، و اگر آن مال را در حرم پیدا کرده باشد احتیاط واجب آن است که آن را به فقراء صدقه بدهد.<sup>۴</sup>

\* اگر بعد از آنکه یک سال اعلان کرد و صاحب مال پیدا نشد، مال را برای صاحبش نگهداری کرد و از بین رفت، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و تعدی یعنی زیاده‌روی هم ننموده، ضامن نیست،

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۸۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۸۳.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۸۴.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۸۵.

ولی اگر از طرف صاحبش صدقه داده باشد، صاحبش مخیر است بین آنکه به صدقه راضی شود، یا عوض مالش را مطالبه کند، و ثواب صدقه برای تصدق کننده باشد.<sup>۱</sup>

\* کسی که مالی را پیدا کرده، اگر عمداً به دستوری که گفته شد اعلان نکند، گذشته از اینکه معصیت کرده است، چنانچه احتمال دهد که اعلان مفید باشد باز هم واجب است اعلان کند.<sup>۲</sup>

\* اگر دیوانه، یا بچه نابالغ چیزی را پیدا کند که نشانه‌دار باشد و قیمت آن به مقدار یک درهم برسد، ولی او می‌تواند اعلان نماید - بلکه واجب است که اعلان نماید اگر آن چیز را از بچه یا دیوانه گرفته باشد<sup>۳</sup> - و اگر یک سال اعلان کرد و صاحب مال پیدا نشد به چهارمین مسأله این فصل مراجعه شود.<sup>۴</sup>

\* اگر انسان در بین سالی که اعلان می‌کند، از پیدا شدن صاحب مال ناامید شود باید - با اذن حاکم شرع بنا بر احتیاط واجب - آن را صدقه بدهد.<sup>۵</sup>

\* اگر در بین سالی که اعلان می‌کند، مال از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده، یا در آن تصرف کرده است، عوض آن را برای صاحبش ضامن است و باید اعلان را ادامه دهد، و اگر کوتاهی نکرده و تصرف هم ننموده است، چیزی بر او واجب نیست.<sup>۶</sup>

\* اگر مالی را که نشانه دارد و قیمت آن به یک درهم می‌رسد در جایی پیدا کند که معلوم است به واسطه اعلان، صاحب آن پیدا نمی‌شود، باید از روز اول آن را از طرف صاحبش به فقراء - با اذن حاکم شرع بنا بر احتیاط واجب - صدقه بدهد، و نباید صبر نماید تا سال تمام شود.<sup>۷</sup>

\* اگر چیزی را پیدا کند و به خیال اینکه مال خود اوست بردارد، بعد بفهمد مال خودش نبوده، احکامی که در مسائل گذشته گفته شد بر آن جاری است.<sup>۸</sup>

\* چیزی را که پیدا کرده باید به‌طوری اعلان کند که اگر صاحب آن بشنود احتمال دهد که آن چیز مال اوست، و این امر به حسب اختلاف موارد فرق می‌کند، مثلاً گاهی همین قدر کافی است که

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۸۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۸۷.

۳. این مطلب در مسأله ۲۵۸۵ کتاب توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی آمده است.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۸۸.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۸۹.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۰.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۱.

۸. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۲.

بگوید: چیزی پیدا کرده‌ام، ولی در بعضی موارد باید جنس آن را نیز تعیین کند مثلاً بگوید: قطعه‌ای طلا پیدا کرده‌ام، و در بعضی موارد باید بعضی از خصوصیات را اضافه کند مثلاً بگوید: گوشواره‌ای طلا پیدا کرده‌ام، ولی در هر صورت باید تمام خصوصیات را نگوید تا متعین نشود، و باید در جایی اعلان کند که احتمال بدهد خبر به صاحبش می‌رسد.<sup>۱</sup>

\* اگر کسی چیزی را پیدا کند و دیگری بگوید مال من است و نشانه‌های آن را بگوید، در صورتی باید به او بدهد که اطمینان داشته باشد مال اوست، و لازم نیست نشانه‌هایی را که بیشتر اوقات صاحب مال هم ملتفت آنها نیست بگوید.<sup>۲</sup>

\* اگر قیمت چیزی که پیدا کرده است به یک درهم برسد، چنانچه اعلان نکند و در مسجد یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین برود، یا دیگری آن را بردارد، کسی که آن را پیدا کرده ضامن است.<sup>۳</sup>

\* هرگاه چیزی را پیدا کند که تا یک سال نمی‌ماند، باید تا آخرین زمانی که باقی می‌ماند - البته با حفظ تمام خصوصیات که در قیمتش دخالت دارند - آن را حفظ کند، و احتیاط واجب آن است که در طی این مدت او را اعلان کند، و چنانچه صاحبش پیدا نشد می‌تواند قیمت آن را معین کند و برای خود بردارد، و می‌تواند بفروشد و پولش را نگهدارد، و در هر دو صورت باید اعلان را ادامه دهد، و اگر صاحبش پیدا شد قیمت آن را به او بدهد، و اگر تا یک سال صاحبش پیدا نشد.<sup>۴</sup>

\* اگر چیزی را که پیدا کرده، موقع وضو گرفتن و نماز خواندن همراه او باشد، وضو و نمازش باطل نمی‌شود، حتی اگر نخواهد آن را به صاحبش تحویل دهد.<sup>۵</sup>

\* اگر کفش او را ببرند و کفش دیگری بجای آن بگذارند، چنانچه بدانند کفشی که مانده مال کسی است که کفش او را برده و راضی است که کفشش را عوض کفشی که برده است بردارد، می‌تواند بجای کفش خودش بردارد، و همچنین است اگر بدانند که کفش او را به طور ناحق و ظلم برده است، ولی در این فرض باید قیمت آن از کفش خودش بیشتر نباشد، و الا حکم مجهول‌المالک نسبت به زیادی قیمت جاری است، و در غیر این دو صورت حکم مجهول‌المالک بر آن کفش جاری خواهد بود.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۴.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۶.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۷.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۸.

\* اگر مالی که در دست انسان است مجهول‌المالک باشد - یعنی صاحب آن معلوم نباشد - و گمشده بر آن مال صدق نکند، در صورتی که اطمینان داشته باشد که مالک آن راضی به تصرف او در آن می‌باشد، جایز است به هر طوری که می‌داند او راضی است در آن تصرف کند، وگرنه لازم است از صاحب آن تا زمانی که احتمال یافتنش را می‌دهد، جستجو نماید، و پس از یأس از پیدا شدن صاحبش باید آن مال را به فقیر صدقه بدهد، و احتیاط واجب آن است که با اجازه حاکم شرع باشد، و همچنین می‌تواند با اجازه او قیمتش را صدقه بدهد، و اگر بعداً صاحبش پیدا شود، چنانچه راضی به صدقه دادن نشود، - بنا بر احتیاط واجب - باید عوض آن را به او بدهد.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۵۹۹.



## احکام نذر و عهد

\* نذر آن است که انسان برای خدا بر خود واجب کند که کار خیری را بجا آورد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است ترک نماید.<sup>۱</sup>

\* در نذر باید صیغه خوانده شود، و لازم نیست آن را به عربی بخواند، پس اگر بگوید چنانچه مریض من خوب شود برای خدا بر من است که ده تومان به فقیر بدهم، نذر او صحیح است، و اگر بگوید برای خدا نذر کردم چنین کنم، - بنا بر احتیاط واجب - باید عمل کند، ولی اگر نام خدا را نبرد و فقط بگوید نذر کردم، یا نام یکی از اولیای خدا را ببرد نذر صحیح نیست. و نذر اگر صحیح بود و مکلف به نذر خود عمداً عمل نکرد گناه کرده است، و باید کفاره بدهد، و کفاره وفا نکردن به نذر مانند کفاره مخالفت قسم است، که بعداً خواهد آمد.<sup>۲</sup>

\* شخص سفیه - کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند - اگر مثلاً نذر کند چیزی به فقیر بدهد صحیح نیست، و همچنین شخص مفلس اگر نذر کند که مثلاً چیزی از اموالی که از تصرف در آنها منع شده به فقیر بدهد، صحیح نیست.<sup>۳</sup>

\* اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی تواند آن را به فقیر دیگر بدهد، و اگر آن فقیر بمیرد، لازم نیست آن را به ورثه او بدهد.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۶۵۷.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۶۵۸.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۶۶۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۶۷۶.



## احکام قسم

\* اگر قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا ترک کند، مثلاً قسم بخورد که روزه بگیرد، یا دود استعمال نکند، چنانچه عمداً مخالفت کند گناه کرده است باید کفاره بدهد، یعنی: یک بنده آزاد کند، یا ده فقیر را سیر کند یا آنان را بپوشاند، و اگر اینها را نتواند انجام دهد، باید سه روز پی در پی روزه بگیرد.<sup>۱</sup>

\* قسم چند شرط دارد:

اول: کسی که قسم می خورد باید بالغ و عاقل باشد، و از روی قصد و اختیار قسم بخورد، پس قسم خوردن بچه و دیوانه و مست و کسی که مجبورش کرده اند درست نیست، و همچنین است اگر در حال عصبانی بودن بی قصد یا بی اختیار قسم بخورد.

دوم: کاری را که برای آن قسم می خورد باید حرام یا مکروه نباشد، و کاری را که قسم می خورد ترک کند، باید واجب یا مستحب نباشد، و اگر قسم بخورد کار مباحی را بجا آورد یا ترک کند، چنانچه آن فعل یا ترک از نظر عقلاً رجحان داشته باشد، یا برای شخص او مصلحتی دنیوی داشته باشد، قسمش صحیح است.

سوم: به یکی از اسم‌های خداوند عالم قسم بخورد که به غیر ذات مقدس او گفته نمی شود، مانند خدا، و الله، یا خدا را به صفات و افعالی یاد کند که مخصوص اوست مثلاً بگوید: قسم به آن کسی که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و نیز اگر به اسمی قسم بخورد که به غیر خدا هم می گویند، ولی به قدری به خدا گفته می شود که هر وقت کسی آن اسم را بگوید، ذات مقدس حق در نظر می آید، مثل آنکه به خالق و رازق قسم بخورد، صحیح است، بلکه اگر به اسمی قسم بخورد که فقط در مقام قسم خوردن ذات حق از آن به نظر می آید، مثل سمیع و بصیر باز هم قسمش صحیح است.

چهارم: قسم را به زبان بیاورد، ولی آدم لال اگر با اشاره قسم بخورد صحیح است، و کسی که قادر بر تکلم نیست، اگر بنویسد و آن را در قلبش قصد کند کافی است، بلکه قادر بر تکلم نیز اگر بنویسد - بنا بر احتیاط واجب - باید به آن عمل کند.

پنجم: عمل کردن به قسم برای او ممکن باشد، و اگر موقعی که قسم می خورد ممکن نباشد و بعداً ممکن شود، کافی است، و اگر موقعی که قسم می خورد ممکن باشد و بعداً از عمل به آن عاجز شود، از وقتی که عاجز می شود قسم او به هم می خورد، و همچنین است اگر به قدری مشقت پیدا کند که نشود آن را تحمل کرد، و این عجز اگر به اختیار او باشد، یا بدون اختیار ولی او در تأخیر از زمان قدرت عذری نداشته باشد، گناه کرده و کفاره واجب است.<sup>۲</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۶۸۷.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۶۸۸.



## احکام وقف

\* اگر کسی چیزی را وقف کند، از ملک او خارج می‌شود و خود او و دیگران نمی‌توانند آن را ببخشند یا بفروشند، و کسی هم از آن ملک ارث نمی‌برد، در بعضی از موارد فروختن اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* وقف کننده باید بالغ و عاقل باشد، و با قصد و اختیار وقف کند و شرعاً بتواند در مال خود تصرف نماید، بنابراین سفیه - یعنی: کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند - چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید، اگر چیزی را وقف کند صحیح نیست.<sup>۲</sup>

\* اگر چیزی را بر خودش وقف کند، مثل آنکه مغازه‌ای را وقف کند که درآمد آن را بعد از مرگ او خرج پرداخت دیون، یا استیجار برای عبادات او نمایند، صحیح نیست، ولی اگر مثلاً منزلی را برای اسکان فقرا وقف کند و خودش فقیر شود، می‌تواند در آن ساکن شود، و اما اگر به نحوی وقف کند که اجاره آن را میان فقرا توزیع کنند و خودش فقیر شود، گرفتن او از آن مال محل اشکال است.<sup>۳</sup>

\* اگر ملکی را مثلاً بر فقرا یا سادات وقف کند، یا وقف کند که منافع آن به مصرف خیرات برسد، در صورتی که برای آن ملک متولی معین نکرده باشد، اختیار آن با حاکم شرع است.<sup>۴</sup>

---

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۶۹۳.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۶۹۹.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۰۱.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۰۳.



## احکام وصیت

\* وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند، یا بگوید: بعد از مرگش چیزی از مال او ملک کسی باشد، یا اینکه چیزی از مال او را به کسی تملیک، یا صرف در خیرات و مبرات کنند، یا برای اولاد خود و کسانی که اختیار آنان با اوست، قیم و سرپرست معین کند. و کسی را که به او وصیت می‌کنند «وصی» می‌گویند.<sup>۱</sup>

\* کسی که نمی‌تواند حرف بزند، اگر با اشاره مقصود خود را بفهماند، برای هر کاری می‌تواند وصیت کند، بلکه کسی هم که می‌تواند حرف بزند، اگر با اشاره‌ای که مقصودش را بفهماند وصیت کند، صحیح است.<sup>۲</sup>

\* کسی که وصیت می‌کند باید بالغ و عاقل باشد، و سفیه نباشد، و از روی اختیار وصیت کند، پس وصیت بچه نابالغ صحیح نیست مگر آنکه ده سال داشته باشد، و وصیت برای ارحامش، یا صرف در خیرات عامه نموده باشد که وصیت او در این دو مورد صحیح است. و اما اگر برای غیر ارحامش وصیت کند، یا آنکه بچه هفت ساله وصیت کند در مورد چیز مختصری از اموالش، صحت وصیت محل اشکال است، پس باید رعایت احتیاط بشود، و اگر شخصی سفیه باشد، وصیت او در اموالش نافذ نیست، ولی در غیر آن نافذ است، مانند امور مربوط به تجهیز او.<sup>۳</sup>

\* اگر کسی در مرضی که به آن مرض می‌میرد مقداری از مالش را به کسی ببخشد و وصیت کند که بعد از مردن او هم مقداری به کس دیگر بدهند، چنانچه ثلث او برای هر دو مال کافی نباشد و ورثه هم حاضر به اجازه دادن زائد بر ثلث نباشند، باید ابتدا مالی را که بخشیده از ثلث خارج کنند و سپس باقیمانده آن را در مورد وصیت صرف نمایند.<sup>۴</sup>

\* اگر در مرضی که به آن مرض می‌میرد، بگوید: مقداری به کسی بدهکار است، چنانچه متهم باشد که برای ضرر زدن به ورثه گفته است، باید مقداری را که معین کرده از ثلث او بدهند و اگر متهم نباشد اقرار او نافذ است، و باید از اصل مالش بدهند.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۱۱.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۱۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۱۴.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۲۶.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۲۸.

\* اگر انسان بفهمد کسی او را وصی قرار داده است، چنانچه به اطلاع وصیت کننده برساند که برای انجام وصیت او حاضر نیست، لازم نیست بعد از مردن او به وصیت عمل کند، ولی اگر پیش از مردن او نفهمد که او را وصی کرده، یا بفهمد و به او اطلاع ندهد که برای عمل کردن به وصیت حاضر نیست، در صورتی که مشقت نداشته باشد، باید وصیت او را انجام دهد. و نیز اگر وصی پیش از مرگ موصی، موقعی ملتفت شود که موصی به واسطه شدت مرض، یا مانع دیگر نتواند به دیگری وصیت کند - بنا بر احتیاط واجب - باید وصیت را قبول نماید.<sup>۱</sup>

\* اگر کسی دو نفر را با هم وصی کند، چنانچه یکی از آن دو بمیرد، یا دیوانه یا کافر شود، اگر از عبارت وصیت فهمیده شود که در چنین صورتی آن دیگری مستقلاً وصی است باید به همین نحو عمل شود، وگرنه حاکم شرع یک نفر دیگر را بجای او معین می کند، و اگر هر دو بمیرند، یا دیوانه یا کافر شوند، حاکم شرع دو نفر دیگر را معین می کند، ولی اگر یک نفر بتواند وصیت را عملی کند، معین کردن دو نفر لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* اگر مقداری از مال میت در دست وصی تلف شود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده، و یا تعدی نموده، مثلاً میت وصیت کرده است که فلان مقدار به فقرای فلان شهر بدهد و او مال را به شهر دیگر برده و در راه از بین رفته، ضامن است، و اگر کوتاهی نکرده و تعدی هم ننموده، ضامن نیست.<sup>۳</sup>

\* اگر وصیت کند که از ثلث او خمس و زکات یا بدهی دیگر او را بدهند و برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، و کار مستحبی هم مثل اطعام به فقرا انجام دهند، باید اول بدهی او را از ثلث بدهند، و اگر چیزی زیاد آمد برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، و اگر از آن هم زیاد آمد به مصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند، و چنانچه ثلث مال او فقط به اندازه بدهی او باشد، و ورثه هم اجازه ندهند که بیشتر از ثلث مال مصرف شود، وصیت برای نماز و روزه و کارهای مستحبی باطل است.<sup>۴</sup>

\* هدیه کردن کلیه مثلاً از آدمی زنده برای زنده دیگر و یا با وصیت مرده ای برای زنده اعم از مسلمان برای کافر و یا به عکس، جایز است؟ و آیا فرقی میان اعضاء هدیه شده وجود دارد؟  
- برداشتن عضوی از شخص زنده برای شخص زنده دیگر و پیوند آن به بدن دیگری اگر او را با خطر جدی روبرو نکند مانعی ندارد مانند آنکه شخصی که کلیه دیگرش سالم است و کار می کند کلیه دومش را به بیمار کلیوی اهدا کند، و همچنین بریدن عضوی از اندام شخص مرده با وصیت او و پیوند دادن آن به شخص دیگر هرگاه میت، مسلمان و یا در حکم مسلمان نباشد باز مانعی ندارد، زیرا نجات

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۲۰.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۳۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۳۴.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۲۰.



یک انسان مسلمان موقوف به آن است، واما در غیر این دو صورت در نفوذ وصیت و در صحت آن و در جواز قطع عضوی از وی، اشکال است اما به هر حال اگر طبق وصیت عضوی از مرده مسلمان بریده شد برای قطع کننده آن، دیه واجب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

\* آیا اهدا قلب و یا کلیه و دیگر اعضاء اشکال شرعی دارد؟

- اگر وصیت کرده باشد که قلب یا کلیه‌اش را بعد از فوت به دیگری بدهند در صورتی که حفظ حیات مسلمانی بر آن متوقف نباشد نفوذ وصیت و جواز قطع محل اشکال است.<sup>۲</sup>

\* ۱- اهدای عضو از شخص زنده به شخص زنده دیگری چه حکمی دارد؟ ۲- اهدای اعضای افراد مرگ مغزی چه حکمی دارد؟ ۳- اگر خود شخص وصیت کرده باشند که بعد از مرگ چنین کاری انجام شود چی؟

۱- برداشتن بخشی از بدن انسان زنده برای پیوند زدن در صورتی که قطع آن زیان مهمی داشته باشد مانند چشم و دست و امثال آنها جایز نیست، ولی اگر زیان مهمی نداشته باشد مانند قطعه‌ای از پوست یا نخاع یا یک کلیه در صورت سالم بودن کلیه دیگر با فرض رضایت صاحبش جایز است اگر کودک یا دیوانه نباشد و گرنه به هیچ وجه جایز نیست و هرگاه قطع آن جایز بود گرفتن پولی به ازای آن نیز جایز است. و قطع عضو مسلمان مرده، مانند چشم و دستش برای پیوند زدن به بدن زنده جایز نیست، و اگر کسی چنین کند، بر او دیه لازم می‌آید. و دفن آن عضو قطع شده واجب است، ولی اگر پیوند زده شد و عضو جزو بدن زنده شد، قطع آن واجب نیست.

۲- اگر کسی که از نظر مغزی مرده است در حالی که قلب وریه او هر چند به کمک دستگاه وظیفه خود را انجام می‌دهند شرعاً مرده شمرده نمی‌شود و قطع اعضای او برای الحاق به افراد زنده به هیچ وجه جایز نیست.

۳- نفوذ وصیت به اهدای عضو بعد از مرگ مشکل است.<sup>۳</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.



# احكام

## بيمه

\* در طرفين قرارداد بيمه، بلوغ، عقل، قصد، اختيار و عدم محجوريت - بر اثر سفه يا ورشكستگي - شرط است، و در صورتي كه طرفين يا يكي از آنها نابالغ، ديوانه، مجبور و يا محجور عليه، باشند، يا قصد جدی نداشته باشند، قرارداد صحيح نيست.<sup>۱</sup>

---

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۳۱.



# احکام هنر

## نقاشی متون مقدس

\* آیا با نام امام علی (ع) و دیگر معصومین (ع) یا آیات قرآنی می‌توان شکل پرنده یا شکل شیر رسم کرد؟ از قدیم نوعی نقاشی (سبک نقاشی طبیعت‌گرا) متداول بوده که مرغ حق یا شیر شجاع به عنوان نماد و سمبل حضرت علی (ع) را با آیات قرآنی یا احادیث ترسیم می‌کردند. حکم کشیدن نقاشی، خرید و فروش و نگهداری اینگونه سازه‌ها و تابلو چیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

## لمس سکه و تمبر

\* وظیفه مردم در لمس سکه‌ها یا تمبرها یا پرچم‌ها منقوش به بسمله یا لا اله الا الله و دیگر کلمات و جملات مقدس چیست؟ آیا حتماً باید وضو داشته باشند؟  
- اگر قرآن است ولی در هم است و به صورت واضح نیست نباید بدون وضو لمس شود.<sup>۲</sup>

## لمس نمادها و سمبل‌ها

\* وظیفه مؤمنین در لمس نمادها و سمبل‌هایی که ظاهر آن کلمه مقدس یا عبارات قرآنی و مقدس نیست ولی با تأمل و دقت معلوم می‌شود کلام مقدس است، چیست؟ آیا باید وضو داشت؟  
- لمس اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

---

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

### موسیقی

✳ استفاده از موسیقی به عنوان شیوه درمانی تخلیه هیجان و مهار غریزه جنسی در معلولین ذهنی به علت عدم پاسخگویی برخی از آنها به دارو چه حکمی دارد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

---

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

# احکام

## صدقه

\* صدقه چیزی است که انسان آن را به قصد قربت از مالش خارج می‌کند مثل زکات، ولی در اصل صدقه در امر مستحب و زکات در امر واجب گفته می‌شود.<sup>۱</sup>

### انواع صدقه

\* صدقات دو دسته‌اند: واجب، مستحب.

صدقه واجب: یعنی بخشی از اموال شخصی که با شرایطی خاص به افرادی مخصوصی داده می‌شود؛ از جمله زکات، خمس و فطریه.  
صدقه مستحب: اندازه خاصی ندارد و انسان می‌تواند هر مقدار از مالش را که بخواهد در راه خدا به فقرا و نیازمندان ببخشد.<sup>۲</sup>

\* اگر مالی را که فقیر بابت صدقه واجب، مانند کفارات و رد مظالم یا مستحبی گرفته از مخارج سالش زیاد بیاید، یا از مالی که به او داده‌اند منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که به او داده‌اند میوه‌ای به دست آورد و از مخارج سالش زیاد بیاید - بنا بر احتیاط واجب - باید خمس آن را بدهد. ولی اگر مالی را از بابت خمس یا زکات از روی استحقاق به او داده باشند لازم نیست خمس خود آن را بدهد، ولی منافع آن اگر از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.<sup>۳</sup>

### کمک‌های مردمی

\* مدارس استثنایی اداره آموزش و پرورش، بیشتر توسط کمک خیرین اداره می‌گردد، چون سرانه دریافتی دولتی جوابگوی مخارج نیست. نیز با توجه به این که این مدارس در ایام نوروز و تعطیلات، در لیست اسکان معلمان و مسافران نوروزی توسط ادارات آموزش و پرورش قرار می‌گیرند و این باعث تحمیل هزینه‌های گزاف قبوض آب، برق و گاز بر آنان می‌شود. از سوی دیگر اداره معلولین در این مدارس هزینه‌های فراوان طلب می‌کند.  
سؤال مشخص این است که معمولاً مردم کمک‌هایی به منظور کمک به دانش‌آموزان استثنایی به این مدارس می‌دهند؛ حال قبوضی که برای اسکان مسافران مضاعف شده، آیا می‌توان با آن کمک‌ها پرداخت کرد؟

۱. مفردات راغب، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲. طباطبائی، سید محمد حسین؛ تفسیر المیزان، مرکز نشر و توزیع کتاب، قم، ج ۲، ص ۴۰.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۷۷۶.

- جايز نيست.<sup>۱</sup>



# احکام کفارہ

\* کفارہ، طبق قوانین فقه برای جبران یک خطا یا گناه پرداخت می‌شود. در اصطلاح شرع، آنچه بدان گناه پنهان شود و سبک گردد از صدقه و روزه و مانند آنها، و از آن کفارہ نامیده شده است که گناه را پنهان می‌کند و می‌پوشاند.<sup>۱</sup>

## انواع کفارہ

\* کفارہ در روزه؛ کفارہ در حج؛ کفارہ در قتل.<sup>۲</sup>

## کفارہ در روزه

\* اگر کسی روزه ماه رمضان را به خوردن یا آشامیدن یا جماع یا استمناء یا باقی ماندن بر جنابت باطل کند، در صورتی که از روی عمد و اختیار باشد و از روی ناچاری و جبر نباشد، اضافه بر قضا، کفارہ هم بر او واجب می‌شود. و احتیاط مستحب آن است که کسی که روزه را به غیر آنچه گفته شد باطل کند، اضافه بر قضا، کفارہ هم بدهد.<sup>۳</sup>

\* در کفارہ افطار روزه ماه رمضان، باید یک بنده آزاد کند، یا به دستوری که در مسأله بعد گفته می‌شود دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مُد که تقریباً «۷۵۰» گرم است، طعام - یعنی گندم یا جو یا نان و مانند اینها - بدهد، و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد، باید به قدر امکان تصدق دهد، و اگر ممکن نیست، استغفار نماید. و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند، کفارہ را بدهد.<sup>۴</sup>

## دیگر احکام

\* اگر مالی را که فقیر بابت صدقه واجب، مانند کفارات و رد مظالم یا مستحبی گرفته از مخارج سالش زیاد بیاید، یا از مالی که به او داده‌اند منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که به او داده‌اند میوه‌ای به دست

۱. ویکی پدیا.

۲. ویکی پدیا.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۲۸.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۳۰.

آورد و از مخارج سالش زیاد بیاید - بنا بر احتیاط واجب - باید خمس آن را بدهد. ولی اگر مالی را از بابت خمس یا زکات از روی استحقاق به او داده باشند لازم نیست خمس خود آن را بدهد، ولی منافع آن اگر از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.<sup>۱</sup>

✽ نابینا به دلیل ندیدن بدون تعمد و بدون آگاهی در برخی مواقع، قرآن یا اسماء مقدس را لمس و مس می‌کند؛ اگر این لمس از روی خطا باشد آیا مرتکب گناه شده؟ و آیا باید کفاره یا ردّ ظلم یا تکلیف دیگری بر ذمه و عهده این شخص است؟  
- گناه نیست.<sup>۲</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۷۷۶.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

## احکام سقط جنین

\* حکم اسقاط جنین معلول عقب مانده ذهنی یا ناقص الخلقه چیست؟  
- در هیچ حالی جایز نیست مگر این که بقای آن در شکم مادر برای او موجب ضرر و یا حرج فوق تحمل باشد و روح در او دمیده نشده باشد.<sup>۱</sup>

\* از نظر شرع سقط کردن کودکی که در شکم مادر است و مشخص شده که معلول است در صورت اینکه زیر ۴ ماه باشد چگونه است؟ اگر از ۴ ماه بگذرد چگونه است؟  
- بعد از ولوج روح مطلقاً جایز نیست و قبل از آن اگر حفظ جنین برای مادر ضرری یا حرجی باشد سقط آن مانعی ندارد.<sup>۲</sup>

\* ازدواج دو معلول ذهنی، باردار شدن زوجه و مشکل داشتن جنین پس از آزمایشات، در این شرایط آیا سقط جنین قبل از دمیدن روح و بعد از آن (چهار ماهگی) جایز است؟ آیا نظر قییم قانونی در این مورد شرط است؟  
- اگر ماندن جنین برای مادر موجب حرج و مشقت زیاد باشد قبل از اتمام چهار ماه سقط جایز است ولی بر مباشر اسقاط - دیه لازم است.<sup>۳</sup>

\* ازدواج دو معلول ذهنی که منجر به بارداری گردد و طبق آزمایشات جنین سالم باشد؛ ولی پدر و مادر صلاحیت نگهداری از فرزند را نداشته باشند و قییم نیز توان نگهداری از این فرزندان را نداشته باشد و با توجه به اینکه این فرزندان ممکن است در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار بگیرند. سقط جنین قبل از دمیدن روح در جنین و بعد از آن (چهار ماهگی) چه حکمی دارد؟ آیا نظر قییم قانونی در این مورد ملاک قرار می‌گیرد یا خیر؟  
- جایز نیست.<sup>۴</sup>

\* خانمی به مدت شش هفته از حاملگی ایشان گذشته اوبه علت بیماری و دستور پزشک جنین را سقط نموده‌اند آیا این کار دیه دارد و اگر دارد بر عهده چه کسی است؟  
- دیه بر عهده کسی است که مباشر در اسقاط بوده است.<sup>۱</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* زنی که ۲ هفته حامله است و ۲ فرزند دارد و می‌خواهد سقط جنین کند چه حکمی دارد؟ (می‌ترسد که چون دارو استعمال کرده فرزند ناقص باشد)؟

- سقط جنین جایز نیست مگر اینکه نگه داشتن آن برای مادر ضرری باشد یا مشقت زیاد داشته باشد که در این صورت سقط آن مادامی که ولوج روح نشده باشد مانعی ندارد.<sup>۲</sup>

\* آیا می‌شود جنین ناقص الخلقه در هنگام حمل با علم به آن به وسیله دستگاه‌های پزشکی اسقاط نمود یا نابود کرد؟  
- جایز نیست.<sup>۳</sup>

\* آیا سقط جنین چهار ماهه که طبق نظر دکتر پس از تولد زنده نمی‌ماند و فلج مطلق خواهد بود صحیح است؟  
- جایز نیست.<sup>۴</sup>

\* خانمی در ماه‌های آخر حاملگی (ماه هشتم یا نهم) پس از سونوگرافی به تشخیص پزشکان جنین او ناقص الخلقه است و قطع نخاع و از نظر بیماری‌های مغزی دارای مشکل بسیار زیاد می‌باشد که معلوم نیست در حال زایمان و پس از زایمان بمیرد یا زنده بماند از طرفی مادرش با شنیدن این خبر تعادل خود را از دست داده و به شدت روحش در عذاب است آیا سقط جنین جایز است؟ زیرا نگهداری چنین فرزندی برای خانواده‌اش قابل تحمل نیست؟  
- حرام است.<sup>۵</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

## احکام رد مظالم

\* رد مظالم: اتفاق بر فقراء به نیابت از سوی کسی که او بر اتفاق کننده حق مالی داشته است اما شناسایی او و دفع مال به وی، ممکن نمی‌باشد و حتی به کسان و وارثان شرعی او هم دسترسی ندارد.<sup>۱</sup>

\* اگر مالی را که فقیر بابت صدقه واجب، مانند کفارات و رد مظالم یا مستحبی گرفته از مخارج سالش زیاد بیاید، یا از مالی که به او داده‌اند منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که به او داده‌اند میوه‌ای به دست آورد و از مخارج سالش زیاد بیاید - بنا بر احتیاط واجب - باید خمس آن را بدهد. ولی اگر مالی را از بابت خمس یا زکات از روی استحقاق به او داده باشند لازم نیست خمس خود آن را بدهد، ولی منافع آن اگر از مخارج سال زیاد بیاید خمس دارد.<sup>۲</sup>

\* نابینا به دلیل ندیدن بدون تعمد و بدون آگاهی در برخی مواقع، قرآن یا اسماء مقدس را لمس و مس می‌کند؛ اگر این لمس از روی خطا باشد آیا مرتکب گناه شده؟ و آیا باید کفاره یا ردّ ظلم یا تکلیف دیگری بر ذمه و عهده این شخص است؟  
- گناه نیست.<sup>۳</sup>

---

۱. فقه برای غرب نشینان، ص ۴۲.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۷۷۶.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.



# احكام

## قضاوت

\* «قضاوت» که عبارت از داوری کردن برای رفع نزاع و کشمکش در میان مردم است، یکی از منصب‌های بزرگی است که از جانب خداوند متعال برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و از جانب آنان برای فقیه جامع‌الشرایط تعیین شده است.<sup>۱</sup>

### شهادت

\* آیا در مواردی که بر دیدن مورد یا حادثه یا شخص تأکید شده؛ مثلاً در دعاوی، شهادت شخص نابینا (اعمی) مقبول است؟  
- مقبول نیست.<sup>۲</sup>

---

۱. تحریر الوسیلة، ج ۲، ص ۴۰۴.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.





# احكام

## ارث

\* محروم کردن افراد کم توان ذهنی از ارث جایز است؟  
- خیر، جایز نیست.<sup>۱</sup>

---

۱. احكام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۲۴۴.



## احکام

### آشامیدنی‌ها و خوردنی‌ها

\* آیا خوردن و آشامیدن متنجس (نوشیدنی‌ها یا خوردنی‌هایی که نجس شده) جایز است؟  
- حرام است.<sup>۱</sup>

\* دادن نوشیدنی‌ها یا خوردنی‌هایی که نجس شده (متنجس) به اطفال، و افراد کم‌توان ذهنی چه حکمی دارد؟

- خوردن و آشامیدن چیز متنجس حرام است، و همچنین است خوردن آن به دیگری، ولی خوردن آن به طفل یا دیوانه، جایز است. و اگر خود طفل یا دیوانه غذای نجس را بخورد، یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد، لازم نیست از او جلوگیری کنند.<sup>۲</sup>

\* خوردن بعضی از مواد، میوه‌ها و غذاها برای برخی از بیماران ضرر دارد مصرف آنها چه حکمی دارد؟

- چنانچه ضرر مهمی برای آنها داشته باشد جایز نیست.<sup>۳</sup>

---

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۴۱؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۳۵.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۳؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۳۵.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۳۸؛ مسائل جدید، ج ۲، ص ۱۳۳-۱۳۴.



## احکام ولایت و حضانت

\* در مواردی که دستگاه قضایی مسئولیت حضانت و سرپرستی معلولین را به سازمان بهزیستی محول می‌نماید، آیا فرمان‌های این مثل دستورهای ولی شرعی است؟  
- خیر.<sup>۱</sup>

\* تأدیب و زدن فرزندان (آسیب دیده) توسط والدین تا چه مقدار جایز است؟  
- اگر مانع نباشد آهسته اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* ازدواج دو معلول ذهنی که منجر به بارداری گردد و طبق آزمایشات جنین سالم باشد؛ ولی پدر و مادر صلاحیت نگهداری از فرزند را نداشته باشند و قیم نیز توان نگهداری از این فرزندان را نداشته باشد و با توجه به اینکه این فرزندان ممکن است در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار بگیرند. سقط جنین قبل از دمیدن روح در جنین و بعد از آن (چهارماهگی) چه حکمی دارد؟ آیا نظر قیم قانونی در این مورد ملاک قرار می‌گیرد یا خیر؟  
- جایز نیست.<sup>۳</sup>

\* آیا می‌توان به خانواده‌هایی که فرزند ندارند، فرزندی بدون سرپرست (مانند کودکان سر راهی) تحویل داد و در مقابل پولی از آنها گرفت؟ اگر مبلغ اخذ شده بر اساس جنس طفل، یا ویژگی‌های ظاهری او، متفاوت باشد، چه حکمی دارد؟  
- فرزند خواندگی در اسلام حرام است ولی می‌توانند متکفل نگهداری طفل بی‌سرپرست شوند و می‌تواند به طرف هدیه مشروط بدهد البته جهتی که کودک یاد شده را تحویل می‌دهد باید شرعاً مأذون به چنین کاری باشد.<sup>۴</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۴۲؛ مسائل جدید، ج ۵، ص ۵۷-۵۸.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

# احکام مجازات

## سقط جنین

\* حکم اسقاط جنین معلول عقب مانده ذهنی یا ناقص الخلقه چیست؟  
- در هیچ حالی جایز نیست مگر این که بقای آن در شکم مادر برای او موجب ضرر و یا حرج فوق تحمل باشد و روح در او دمیده نشده باشد.<sup>۱</sup>

\* از نظر شرع سقط کردن کودکی که در شکم مادر است و مشخص شده که معلول است در صورت اینکه زیر ۴ ماه باشد چگونه است؟ اگر از ۴ ماه بگذرد چگونه است؟  
- بعد از ولوج روح مطلقاً جایز نیست و قبل از آن اگر حفظ جنین برای مادر ضرری یا حرجی باشد سقط آن مانعی ندارد.<sup>۲</sup>

\* ازدواج دو معلول ذهنی، باردار شدن زوجه و مشکل داشتن جنین پس از آزمایشات، در این شرایط آیا سقط جنین قبل از دمیدن روح و بعد از آن (چهار ماهگی) جایز است؟ آیا نظر قییم قانونی در این مورد شرط است؟  
- اگر ماندن جنین برای مادر موجب حرج و مشقت زیاد باشد قبل از اتمام چهار ماه سقط جایز است ولی بر مابشر اسقاط - دیه لازم است.<sup>۳</sup>

\* خانمی به مدت شش هفته از حاملگی ایشان گذشته اوبه علت بیماری و دستور پزشک جنین را سقط نموده اند آیا این کار دیه دارد و اگر دارد بر عهده چه کسی است؟  
- دیه بر عهده کسی است که مابشر در اسقاط بوده است.<sup>۴</sup>

\* گاهی پزشکان، چنان تشخیص می دهند که جنین بیماری خطرناکی دارد و اگر زاده شود او ناقص الخلقه خواهد بود و یا پس از اندک زمانی، خواهد مرد و پزشکان، ترجیح می دهند که جنین را ساقط کنند آیا چنان حقی را دارند؟ و آیا مادر می تواند خود را در اختیار پزشکان قرار دهد تا جنین او را درآورند؟ و سرانجام دیه او به عهده کیست؟

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

- تنها بدین جهت که جنین ناقص الخلقه و یا پس از تولد، فقط مدت کوتاهی زنده خواهد بود، مجوز سقط جنین نمی‌شود پس مادر نمی‌تواند اجازه چنین کاری را به پزشکان بدهد و آنان نیز نمی‌توانند جنین را خارج کنند و دیه بر عهده کسی است که عملاً به چنان کاری دست زده است.<sup>۱</sup>

\* آیا می‌شود جنین ناقص الخلقه در هنگام حمل با علم به آن به وسیله دستگاه‌های پزشکی اسقاط نمود یا نابود کرد؟  
- جایز نیست.<sup>۲</sup>

### عقیم سازی

\* آیا به پزشکی که مرد یا زن را عقیم کند دیه واجب می‌شود؟  
- اگر با تمایل خود آنها باشد دیه ندارد.<sup>۳</sup>

### جریمه اتانازی

\* اتانازی (قتل از روی ترحم و بیمار کشی با ترحم و به منظور کوتاه کردن مدت درد و رنج بیماران لاعلاج که بر اساس علم پزشکی هیچ امیدی به شفا و بهبودیش نیست) به سه قسم است:  
الف: نوع فعال (با تجویز داروی کشنده از طرف پزشک به زندگی بیمار خاتمه داده می‌شود).  
ب: نوع انفعالی (به صورت خودداری از ادامه مداوا و زنده نگه داشتن بیمار محتضر)  
ج: نوع غیر مستقیم (با قرار دادن داروها به مقدار زیاد در دسترس بیمار تا بیمار شخصاً به زندگی پر رنج خود پایان دهد) استفاده از کدامیک بلا اشکال است؟  
- حرام است و قتل عمد به حساب می‌آید.<sup>۴</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ مسائل جدید، ج ۳، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۳۹؛ مسائل جدید، ج ۵، ص ۸۹-۹۰.





## احکام

### اعتیاد

\* کشیدن سیگار برای فردی که تازه به سیگار رو آورده اگر موجب ضرر و زیان قابل توجه و مهمی مثل نقص عضو - هرچند در آینده -، باشد حرام است، اعمّ از اینکه آن ضرر معلوم و یقینی باشد یا گمان به ضرر دارد یا احتمال ضرر وجود داشته باشد به حدی که عقلاء بر سلامت آن شخص بیمناک باشند. اما اگر ایمن از ضرر و زیان شدید باشد، هرچند بدین جهت که کمتر می کشد، حرام نیست. اما نسبت به فردی که به سیگار کشیدن عادت نموده، اگر ادامه دادن بر استعمال سیگار، موجب ضرر قابل توجه و مهمی است باید از آن دست بردارد و سیگار کشیدن را ترک نماید؛ مگر آنکه ترک سیگار موجب ضرر دیگری شود - مثل ضرر حاصل از سیگار کشیدن یا شدیدتر از آن - یا آنکه ترک سیگار برای او بسیار سخت باشد، به حدی که به طور معمول قابل تحمل نیست.<sup>۱</sup>



## احکام مددیاری<sup>۱</sup>

\* استحمام و تعویض البسه و تشک معلولین ذهنی مرد توسط مددیاری زن و بالعکس چه حکمی دارد؟  
- با بودن مرد جایز نیست.<sup>۲</sup>

\* آیا کار کردن با انسان‌هایی که معلول هستند هم از لحاظ فیزیولوژی و روحی اشکالی دارد؟ البته اگر از جنس مخالف باشد؟ مثلاً حمام دادنشان، لباس به تن دادنشان، توالی بردنشان؟ آیا فرقی هم بین پیر و جوان بودنشان دارد؟  
- نگاه کردن و یا لمس عورت شخص دیگر حرام است.<sup>۳</sup>

### وضو

\* کسی که نمی‌تواند خود وضو بگیرد، باید از دیگری کمک بگیرد، هر چند شستن و مسح کشیدن با مشارکت هر دو باشد. - و چنانچه مزد هم بخواهد در صورتی که بتواند و مضر به حالش نباشد باید بدهد. ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر مشارکت خود شخص ممکن نباشد، باید از شخص دیگر بخواهد که او را وضو بدهد، و در این صورت احتیاط واجب آن است که هر دو نیت وضو نمایند، و اگر ممکن باشد باید نائیش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نائیب از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند.<sup>۴</sup>

\* کمک گرفتن برای انجام مقدمات وضو مثل آب آوردن، گرم کردن آب و ریختن آب در کف دست وضو گیرنده، اشکال ندارد هر چند مورد آخر، مکروه است.<sup>۵</sup>

\* معلولی هستیم که بر اثر جراحت وارده هر دو دستانش هیچ‌گونه حس و حرکتی ندارد تکلیف او در وضو چیست؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۱</sup>

۱. مددیاری معنا و کاربرد وسیعی دارد و شامل فعالیت‌های گوناگون می‌گردد. اما در رساله‌های عملیه فصلی به نام مددیاری نیست و احکام

مرتبط با کمک و مساعدت افراد در ابواب اجاره و وکالت یا جاهای دیگر آمده است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۱۷.

\* معلولی که دو دستش قطع شده آیا جایز است فرد دیگری آب بریزد و او وضو بگیرد؟  
- جایز است.<sup>۲</sup>

\* کسی که قادر بر وضو گرفتن نیست کس دیگر را نایب گرفته و خودش نیت وضو را نموده با دست خودش مسح می کند و اگر قادر به مسح نباشد نایب دست وی را گرفته و با آن مسح می کند و اگر از آن هم ناتوان باشد نایب با گرفتن رطوبت از دست او عمل مسح را انجام می دهد اگر این شخص دست نداشته باشد چه حکمی دارد؟  
- هر مقدار از دست او باقی باشد از رطوبت آن بگیرد و اگر از آرنج قطع باشد به احتیاط واجب از محاسن او و اگر ممکن نباشد از صورت او بگیرد.<sup>۳</sup>

\* فرد قطع نخاع که اگر نایب بخواهد آن را وضو دهد احتمال می رود که طول بکشد و اعضاء وضو خشک شود آیا در این صورت خللی به وضو وارد می شود؟  
- اشکالی ندارد.<sup>۴</sup>

\* فردی که از کمر قطع نخاع شده باشد در وضو گرفتن بعضی از اعمال را شخصاً می تواند انجام دهد آیا برای قسمتی از اعمال که انجام دادنش مشقت دارد می تواند از کسی کمک بگیرد؟  
- می تواند.<sup>۵</sup>

\* بعضی از افراد قطع نخاع لازم است برای وضو گرفتن نایب بگیرند آیا نایب می تواند غیربالغ باشد؟  
بچه غیرممیز چطور؟ در هر دو صورت نیت وضو کردن به عهده کیست؟  
- اگر با دست معلول است اشکال ندارد و نیت با خود او است.<sup>۶</sup>

\* فردی هستم قطع نخاع از گردن که برای وضو گرفتن نایب می گیرم نایب مرد در دسترس نیست و زن نامحرم حاضر است تکلیف چیست؟  
- اگر مستلزم دست زدن بدون دستکش باشد جایز نیست.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* آیا لازم است که در هنگام وضو نایب (وضو دهنده) را راضی کرد و این در حالی است که او حقوق خود را جهت پرستاری از این معلول دریافت می‌کند و لیکن برای وضو دادن هنوز اکراه دارد دستمزد بیشتری می‌خواهد؟  
- در این فرض لازم نیست راضی باشد.<sup>۱</sup>

\* معلول قطع نخاع از گردن خودش نمی‌تواند وضو بگیرد و باید نایب داشته باشد آیا می‌تواند برای راضی کردن نایب به او دستمزد بدهد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* نایب هنگام وضو دادن فرد قطع نخاع که دست‌هایش بی‌حس است و حرکت نمی‌کند از دست‌های خودش کمک می‌گیرد آیا برای شستن صورت فرد قطع نخاع کافی است که نایب به اندازه فاصله انگشت شصت و انگشت وسطی دست خودش صورت آن فرد را وضو دهد؟ یا مقدار بیشتری از صورت او را باید بشوید؟  
- اگر دست او و صورت معلول معمولی باشد کافی است.<sup>۳</sup>

\* فردی که دست‌هایش دچار لرزه و رعشه مداوم است، و بی‌اختیار تکان می‌خورد، تکلیف او به هنگام وضو چیست؟  
- اگر نمی‌تواند با دست خود وضو بگیرد از کسی کمک بخواهد.<sup>۴</sup>

\* شخصی که هر دو دست او فاقد حس و حرکت است، به طوری که نمی‌تواند هنگام وضو دست‌ها و صورت را آب بکشد، و قادر بر مسح سر و پاها نیز نمی‌باشد، برای وضو چگونه باید عمل کند؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۵</sup>

\* معلولی که بر اثر جراحت وارده، دستانش هیچ‌گونه حس و حرکتی ندارد، تکلیف او برای وضو چه می‌باشد؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* وضو گرفتن برای افرادی که از کمر قطع نخاع می‌باشند، ولی دست‌هایشان را می‌توانند حرکت دهند، چگونه است؟  
- آن چه می‌توانند باید خود انجام دهند.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاع از گردن که به پشت بر تخت خوابیده توسط شخص دیگر وضو داده می‌شود، آیا لازم است هنگام وضو دادن سر شخص را کمی بلند کند تا جریان آب از بالا به پایین که در وضو شرط است بر او صدق کند؟  
- لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* در فرد قطع نخاع از گردن که بر پشت خوابیده و توسط شخص دیگر وضو داده می‌شود مسح پا چگونه باید کشیده شود و این در حالی است که از پشت خوابیده و دست او به پایین نمی‌رسد آیا خود وضو دهنده می‌تواند از آب دست این فرد بگیرد و مسح پاهای او را بکشد؟  
- همین کار را باید انجام دهد.<sup>۳</sup>

\* فردی که از گردن قطع نخاع شده باشد و خود قادر به انجام اعمال وضو نباشد چگونه باید وضو بگیرد؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۴</sup>

\* فردی هستم قطع نخاع از گردن که برای وضو نایب می‌گیرد و نایب کمک می‌کند تا با دست‌های خود صورتش را بشوید اما قسمتی از صورتش را با دست‌هایش نمی‌تواند بشوید تکلیف چیست؟  
- نایب با دست خود بشوید.<sup>۵</sup>

\* فردی که قطع نخاع از گردن می‌باشد و در هنگام وضو نایب می‌گیرد که برای شستن صورت یک طرف صورتش را با یک دست و طرف دیگر صورت با دست دیگرش شسته می‌شود و امکان ندارد که همه صورتش را با یک دست بشوید آیا صحیح است؟  
- اشکال ندارد.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فردی که قطع نخاع می‌باشد و باز و بسته کردن شیر و ریختن آب روی صورت برایش مشکل است آیا می‌تواند در آب ریختن از دیگری کمک بگیرد یعنی یک نفر آب روی صورتش بریزد و او با دست آن را بشوید؟  
- می‌تواند.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاع از گردن که برای وضو ساختن نایب می‌گیرد در هنگام شستن صورت که نایب با دست‌های خودش این کار را برای او انجام می‌دهد، چه مقدار از صورت باید شسته شود؟  
- همان مقدار که دیگران می‌شویند.<sup>۲</sup>

\* آیا لازم است نایب برای وضو دادن حتماً از دست‌های خود فرد قطع نخاع برای شستن اعضاء کمک بگیرد در غیر این صورت آیا جایز است که نایب با دست‌های خود دست و صورت فرد قطع نخاع را بشوید و او را مسح سر و پا کند؟  
- اگر معلول نمی‌تواند حتی با کمک دیگری خود مباشرت شستن کند لازم نیست نایب با دستان معلول صورت و دستان او را بشوید بلکه می‌تواند با دست‌های خود بشوید ولی در مسح سر و پا باید در صورت امکان از دست او استفاده کند.<sup>۳</sup>

\* معلولی که به هنگام وضو گرفتن به طور سهوی دستش طوری قرار می‌گیرد که آب وضو به طرف بالا سرازیر می‌شود آیا اشکال در وضو ایجاد می‌شود یا خیر؟  
- اشکال ندارد کافی است که قصد شستن وقتی باشد که از بالا به پایین آب می‌رسد.<sup>۴</sup>

\* در افرادی که معلولیت جسمی دارند در هنگام وضو ساختن یا مسح کشیدن آیا حرکات غیرارادی اعضاء وضو را دچار اشکال می‌کند؟  
- اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* آیا فرد قطع نخاع از گردن که خود قادر به گرفتن وضو نیست ولی می‌تواند نایب بگیرد جایز است بدون وضو نماز بخواند؟  
- صحیح نیست.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاع که اگر در منزل بماند با وسایلی که دارد و یا با کمک نایب به راحتی می‌تواند وضو بگیرد اما برای کار و یا تحصیل مجبور است از خانه بیرون برود و در هنگام نماز نمی‌تواند در خارج از منزل وضو بگیرد و یا وضویی که می‌گیرد ناقص است آیا لازم است دائم در خانه بماند و کار و تحصیل را رها نماید؟  
- باید برای نماز به خانه یا هر جایی که نایب می‌تواند بیاید بازگردد.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاعی که به تنهایی نمی‌تواند تیمم کند و به دلیل در دسترس نبودن نایب محرم می‌تواند از نامحرم استفاده بکند؟  
- نمی‌تواند.<sup>۲</sup>

\* فرد قطع نخاعی که اگر برای وضو نایب بگیرد، وضو به شکل صحیح انجام می‌شود؛ اما اگر خودش وضو بگیرد، در بعضی از اعضا به جای آنکه آب از بالا به پایین ریخته شود، عضو از پایین به بالا شسته می‌شود. نایب بگیرد بهتر است، یا خودش انجام دهد؟  
- در شستن دست‌ها باید نایب بگیرد و در شستن صورت باید دو بار بشوید به دو نحو.<sup>۳</sup>

\* آیا می‌تواند در کارهای وضو کمک بگیرد؟  
- هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد نباید در آن کمک بگیرد.<sup>۴</sup>

\* در صورتی که نتواند وضو بگیرد و وظیفه‌اش نایب گرفتن است، چه کسی باید نیت کند؟  
- احتیاط واجب آن است که خود او و نایب هر دو نیت وضو کنند.<sup>۵</sup>

\* کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد وظیفه‌اش چیست؟  
- باید از دیگری کمک بگیرد هر چند شستن و مسح کشیدن با مشارکت هر دو باشد.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۶.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.



\* کسی نمی‌تواند وضو بگیرد و باید نایب بگیرد که او را وضو دهد چنانچه نایب مزد بخواند، وظیفه‌اش چیست؟  
- در صورتی که بتواند و مضر به حالش نباشد باید بدهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد و اگر بخواهد نایب بگیرد که او را وضو دهد چگونه باید او را وضو دهد؟

- باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر مشارکت خود شخص ممکن نباشد، باید از شخص دیگر بخواهد که او را وضو بدهد، و در این صورت احتیاط واجب آن است که هر دو نیت وضو نمایند، و اگر ممکن باشد باید نائیش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نایب از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند.<sup>۲</sup>

\* در صورتی که نتواند وضو بگیرد و نایبی که او را وضو می‌دهد نتواند با دست معلول مسح کند باید از کدام یک از اعضا وضوی او رطوبت بگیرد و او را مسح دهد؟  
- از دست رطوبت بگیرد و سر و پای او را مسح کند.<sup>۳</sup>

\* فردی که دو دستش قطع شده، و بجای آن از دست مصنوعی استفاده می‌کند، و به هنگام وضو در آوردن دست‌های مصنوعی برایش مشکل است چه کند؟  
- از کسی کمک بخواهد و اگر ممکن نشد تیمم کند و وضوی جبره نیز بگیرد.<sup>۴</sup>

\* کسی که قطع نخاع می‌باشد و در وضو گرفتن نایب دارد و خودش دست‌ها و صورتش را می‌شوید اما مسح را نمی‌تواند و نایب برایش انجام می‌دهد آیا نایب برای مسح کشیدن باید از رطوبت دست و صورت او استفاده کند و یا رطوبتی که از وضو دادن او در دست‌هایش باقی مانده برای این کار کافی است؟  
- فقط از رطوبت دست باید استفاده شود.<sup>۵</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* آیا به همان ترتیبی که وضو گیرنده باید وضو بگیرد وضو دهنده هم باید آن را رعایت بکند مثلاً با دست راست دست چپ را بشوید نایب نیز باید همین کار را بکند یا همه کارها با یک دست می‌تواند انجام دهد؟

- اساساً لازم نیست دست راست با دست چپ شسته شود و بر عکس بلکه می‌تواند فقط زیرآب بگیرد و نایب هم می‌تواند این کار را بکند یا به هر وسیله بشوید.<sup>۱</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن برای وضو گرفتن نایب می‌گیرند آیا هر دو آنها باید نیت قصد قربت داشته باشند یا فقط فرد قطع نخاع؟ و یا فقط نایب؟ کدامیک؟

- اگر معلول خود می‌شوید ولی از نایب کمک می‌گیرد خودش نیت می‌کند و اگر نایب دست و صورت او را می‌شوید و با دستان او یا خودش مسح می‌کند به احتیاط واجب باید هر دو نیت کنند.<sup>۲</sup>

\* در وضو گرفتن افراد قطع نخاع از گردن حصول یقین در شسته شدن دست‌ها، صورت و مسح سر و پاها به طور کامل و به مقدار واجب بر عهده کیست؟ وضو دهنده و یا فرد وضو داده شده؟  
- فرد معلول باید یقین کند هر چند از جهت اطمینان به دقت نایب.<sup>۳</sup>

\* اگر بین نایب و فرد قطع نخاعی که وضو داده شده اختلاف نظر باشد یکی بگوید وضو دارم و دیگری بگوید وضو نداری حرف کدام مقدم است و چه باید کرد؟  
- معیار اطمینان شخص معلول است.<sup>۴</sup>

\* اگر بین نایب و فرد قطع نخاعی که وضو داده شده شک در صحت وضو ایجاد شود و یکی می‌گوید وضو صحیح بود و دیگری می‌گوید صحیح نبود. حرف کدام مقبول است و تکلیف چیست؟  
- مانند مورد قبل است.<sup>۵</sup>

\* اگر فرد قطع نخاعی که نایب او را وضو می‌دهد در اعضاء وضو پس از وضو نجاست ببیند و یا مانع رسیدن آن به عضو وضو داده شده را ملاحظه کند تکلیف چیست اگر نایب بگوید در هنگام وضو نجاست و یا مانع نبوده آیا حرف او را بپذیرد؟  
- احتمال کافی است حتی اگر نایب نگوید.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* یکی از شرایط وضو پاک بودن محل وضو است حال اگر فرد قطع نخاع از گردن امکان شستن و تطهیر آن را نداشته باشد وظیفه اش در گرفتن وضو چیست؟ و این در صورتی است که نایب هم در دسترس نیست؟  
- وظیفه تیمم است.<sup>۱</sup>

\* افرادی که قطع نخاع می‌باشند و در هنگام خم شدن برای کشیدن مسح پا، دستشان به نوک انگشتان پا نمی‌رسد چگونه مسح را انجام دهند؟  
- از کسی کمک بگیرند.<sup>۲</sup>

\* فرد قطع نخاع که برای وضو گرفتن اگر نایب بگیرد وضو به شکل صحیح گرفته می‌شود و اما اگر خودش بخواهد وضو بگیرد در بعضی از اعضاء به جای آنکه آب از بالا به پایین ریخته و عضو شسته شود از پایین به بالا عضو شسته می‌شود حال اگر نایب بگیرد بهتر است یا خود انجام دهد؟  
- باید نایب بگیرد.<sup>۳</sup>

\* معلولین و افرادی که قطع نخاع شده‌اند و قدرت بر نگهداری بول را ندارند آیا برای ایشان جایز است شرکت در نماز جمعه و استماع خطبه و ادای نماز جمعه و عصر یا وضوی کسی که نمی‌تواند بولش را نگهدارد؟  
- جایز است.<sup>۴</sup>

\* نایب هنگام وضو دادن فرد قطع نخاع، که دست‌هایش بی‌حس است و حرکتی ندارد، از دست‌های خود کمک می‌گیرد. آیا برای شستن صورت فرد قطع نخاع کافی است که نایب به اندازه فاصله انگشت شصت و انگشت وسط دست خود، صورت آن فرد را وضو دهد؟ یا باید مقدار بیشتری از صورت او را بشوید؟  
- اگر دست او و صورت معلول معمولی است کافی است.<sup>۵</sup>

\* کسی که قادر بر وضو نیست، نایب گرفته، و خودش نیت وضو نموده، و با دست خود مسح می‌کند، و اگر قادر بر مسح نباشد نایب دست وی را گرفته و با آن مسح می‌کند، و اگر از آن هم ناتوان باشد نایب با گرفتن رطوبت از دست او عمل مسح را انجام می‌دهد. اگر این شخص دست نداشته باشد، چه حکمی دارد؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- نایب از محاسن او و اگر نباشد از صورت او رطوبت می‌گیرد و مسح می‌کند.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاعی که در هنگام وضو گرفتن آب روی پاهایش می‌چکد، آیا برای مسح پا باید نایب بگیرد تا روی پا را خشک کند؟ اگر نایب وجود نداشته باشد تکلیف چیست؟ این در حالی است که خشک کردن روی پا برایش مشقت دارد.  
- مسح بر مقدار باریکی به عرض یک انگشت بلکه کمتر هم کافی است و اگر همه روی پا خیس بود و نتوانست از کسی کمک بخواهد به همان حالت مسح کند.<sup>۲</sup>

\* اگر نایب بخواهد فرد وضو گیرنده را وضو دهد، احتمال آن می‌رود که طول بکشد و اعضای وضو خشک شود، آیا در این صورت خللی به وضو وارد می‌شود؟  
- همین که فاصله نباشد کافی است.<sup>۳</sup>

\* آیا جایز است که معلولی در هنگام وضو بعضی از اعضا را وضو دهد، و برای بعضی دیگر (مثلاً مسح پا یا سر) مسافتی را طی نموده، آنگاه وضو را ادامه دهد؟  
- اگر فاصله زمانی به حدی باشد که وحدت عمل از بین برود جایز نیست.<sup>۴</sup>

\* بعضی از افراد قطع نخاع باید برای وضو گرفتن کمک بگیرند. آیا نایب می‌تواند غیربالغ باشد؟ بچه غیرممیز چگونه؟ در هر دو صورت نیت وضو بر عهده کیست؟  
- اگر شستن و مسح با دست معلول باشد نیت را او می‌کند و در این صورت کمک ممکن است از کودک غیر ممیز هم باشد و اگر با دست کمک کار است باید احتیاطاً هر دو نیت کنند و باید کمک کار بالغ باشد و غیر بالغ کافی نیست حتی اگر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب.<sup>۵</sup>

\* معلولی به خاطر فلج شدن هر دو پا، به مساعدت کفش طئی و عصا راه می‌رود. از آن جا که بیرون آوردن کفش طئی در موقع وضو به هیچ وجه امکان ندارد، تکلیف شرعی او در ارتباط با مسح پاها چیست؟  
- باید تیمم کند و بهتر است وضو نیز بدون مسح پا انجام دهد.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاعی از گردن به هنگام تلاوت قرآن و موقع ورق زدن، ناچار است از لب و دهان کمک بگیرد، و کمک گرفتن از دیگری برایش مشکل است، وضو گرفتن نیز برایش مشقت دارد. آیا می‌تواند بدون وضو این کار را انجام دهد؟  
- بدون وضو نمی‌تواند دست به خط قرآن بزند.<sup>۱</sup>

\* معلولی که خودش می‌تواند وضو بگیرد، اما برای کشیدن مسح پا در آوردن کفش یا جوراب برایش مشقت دارد، و کمک گرفتن از دیگران برایش سخت است. آیا می‌تواند از روی کفش مسح بکشد؟ از روی جوراب چطور؟  
- باید از کسی کمک بگیرد و اگر نبود و کندن آن ممکن نبود باید تیمم کند.<sup>۲</sup>

### تیمم

\* لازم است فرد کارهای تیمم را در حال اختیار خودش انجام دهد و اگر بدون عذر، دیگری او را تیمم دهد یا در مسح اعضای تیمم به او کمک نماید، تیمم باطل است.<sup>۳</sup>

\* اگر وظیفه فرد تیمم است و نمی‌تواند به تنهایی، به طور معمول تیمم کند:

۱. باید از دیگری کمک بگیرد تا دست‌های او را بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و سپس آنها را بر پیشانی و دست‌های او بگذارد تا خود او در صورت امکان کف دو دست را بر پیشانی و بر پشت دست‌ها بکشد.
۲. اگر روش اول ممکن نباشد، باید نایب، او را با دست خود او (منوب عنه) تیمم دهد.
۳. اگر روش دوم نیز ممکن نباشد چنانچه خود فرد بتواند پیشانی یا پشت دست‌هایش را بر خاک بکشد واجب است همین‌گونه تیمم نماید و در این صورت نوبت به نایب گرفتن نمی‌رسد.
۴. اگر روش سوم هم ممکن نباشد باید نایب، دست خود را به چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌های او (منوب عنه) بکشد و در صورت دوم و چهارم، بنا بر احتیاط لازم هر دو نیت تیمم نمایند ولی در صورت اول و سوم، نیت خود مکلف کافی است.<sup>۴</sup>

\* فردی که می‌خواهد تیمم نماید هر کدام از کارهای تیمم را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن از دیگری کمک بگیرد به عنوان مثال:  
الف. کسی که دست راست او شکسته و به هیچ صورت نمی‌تواند آن را به هیچ صورت حرکت دهد، مسح پیشانی را با کمک دست چپ انجام می‌دهد سپس با دست چپ پشت دست راست را مسح

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۴

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۵

می‌کند و بعد از آن پشت دست چپش را بر خاک می‌کشد و در این صورت نوبت به اینکه نایب بگیرد و نایب مسح را انجام دهد نمی‌رسد.

ب. کسی که دست چپ او شکسته و به هیچ صورت نمی‌تواند آن را حرکت دهد، مسح پیشانی را با کمک دست راست انجام می‌دهد سپس پشت دست راستش را بر خاک می‌کشد و بعد از آن با دست راست پشت دست چپش را مسح می‌کند و در این صورت نوبت به نایب گرفتن نمی‌رسد.

ج. کسی که هر دو دست او شکسته و به هیچ صورت نمی‌تواند آنها را حرکت دهد ولی می‌تواند پیشانی خویش را بر خاک بکشد، همین کار را انجام می‌دهد و نوبت به نایب گرفتن برای مسح پیشانی نمی‌رسد سپس چون دست‌ها را به هیچ صورت نمی‌تواند حرکت داده و جا به جا کند، نایب پشت دست‌های او را تیمم می‌دهد به این گونه که نایب به نیت تیمم دادن منوب عنه دو دست خود را بر خاک زده، سپس پشت دو دست منوب عنه را مسح نماید و بنا بر احتیاط واجب مسح پشت دست راست را بر مسح پشت دست چپ مقدم نماید؛ همچنین بنا بر احتیاط واجب مسح را از بالا به پایین، از میچ دست به طرف سر انگشتان انجام دهد.

شایان ذکر است در مورد (ج) بنا بر احتیاط واجب در صورت امکان فرد باید پیشانی و دو طرف آن را به مقداری که مسح آن لازم است، در یک دفعه بر خاک بکشد هر چند به اینکه خاک را فرو رفته و گود کرده سپس پیشانی و دو طرف آن را بر روی خاک گود شده قرار داده و آنها را بر خاک بکشد به گونه‌ای که پیشانی و دو طرف آن از محل روییدن مو به طرف ابروها، از بالا به طرف پایین بر خاک کشیده شود؛ همچنین احتیاط واجب آن است که در صورت امکان نایب مسح پشت دست راست منوب عنه را، با کمک دست چپ خویش (نایب) انجام دهد و همچنین مسح پشت دست چپ منوب عنه را با کمک دست راست خویش (نایب) انجام دهد.<sup>۱</sup>

\* اگر وظیفه او تیمم است و نمی‌تواند به تنهایی تیمم کند، باید از دیگری کمک بگیرد تا دست‌های او را بر چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند، و سپس آنها را بر پیشانی و دست‌های او بگذارد تا خود او در صورت امکان کف دو دست را بر پیشانی و بر پشت دست‌ها بکشد. و اگر این ممکن نبود باید نایب او را با دست خود او تیمم دهد. و اگر ممکن نباشد باید نایب، دست خود را به چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌های او بکشد، و در این دو صورت - بنا بر احتیاط لازم - باید هر دو نیت تیمم را نمایند، ولی در صورت اول نیت خود مکلف کافی است.<sup>۲</sup>

### حج

\* اگر نایب گرفتن واجب شد و نایب نگرفت، ولی شخصی تبرعاً از طرف او حج به جا آورد کفایت نمی‌کند، و بنا بر احوط نایب گرفتن بر خودش واجب است.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۶

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۰۰

۳. مناسک حج، م ۶۶

\* در نایب گرفتن کفایت می کند از میقات نایب بگیرد، و واجب نیست از شهر خود نایب بگیرد.<sup>۱</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و وصیت نموده که از وطنش نایب گرفته شود واجب است از وطن نایب گرفته شود، ولی مازاد بر اجرت میقات از ثلث خارج می شود، و چنانچه فقط وصیت به حج نموده و چیزی تعیین نکند به نایب گرفتن از میقات اکتفا می شود. مگر در صورتی که قرینه ای باشد که مراد وی استیجار و نایب گرفتن از وطن باشد، مثل اینکه مقداری از مال را تعیین کند که مناسب حج از وطن باشد.<sup>۲</sup>

\* در صورتی که نایب گرفتن برای حج از طرف میت به وصیت یا غیر وصیت واجب شده باشد، و کسی که واجب بود نایب بگیرد سهل انگاری و اهمال نموده، و مالی که برای حج در نظر گرفته شده بود تلف شود، این شخص ضامن خواهد بود، و بر او واجب است که از مال خود برایش نایب بگیرد.<sup>۳</sup>

\* اگر حج در فرض های سؤال قبل، حج مستحبی باشد، آیا اجیر گرفتن برایش صحیح است؟  
- اگر عمل اجیر درباره خودش صحیح باشد، صحیح است. لیکن بر او لازم است که اجیر کننده را از وضع خود باخبر سازد.<sup>۴</sup>

\* اگر کسی در حال انجام طواف عمره تمتع سکنه قلبی کند و او را به شهرش برگردانند، تکلیفش چیست؟

- اگر وضع جسمی اش اجازه ماندن در مکه برای تکمیل مناسک عمره اش را اگرچه از طریق نایب گرفتن و سپس احرام برای حج و ادراک وقوفها به مقداری که جز به آن حج صحیح نیست، ندهد، اگر بخواهد از احرام بیرون بیاید، باید قربانی یا قیمت آن را با همسفرانش به مکه بفرستد، و با آنها قرارداد کند که قربانی باید در روز عید در منی کشته شود، و آنگاه که آن وقت برسد سر خود را بتراند یا کوتاه کند و از احرام بیرون رود. و در صورتی که نتواند قربانی و یا قیمت آن را بفرستد به علت پیدا نکردن کسی که با او بفرستد، جایز است در جای خود قربانی کند و از احرام بیرون رود. بیرون آمدن محصور از احرام در مورد ذکر شده، موجب حلال شدن محرمات احرام می شود، مگر زن ها که حلال نمی شوند تا پس از اینکه طواف و سعی بین صفا و مروه را در حج و با عمره بجا آورد. در غیر این صورت

۱. مناسک حج، م ۶۷.

۲. مناسک حج، م ۸۳.

۳. مناسک حج، م ۸۸.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۵۹.

اگر بازگشتن به شهرش به خواست و اختیارش بوده باشد، بعید نیست که احرامش باطل گردد، گرچه در این کار گناهکار است.<sup>۱</sup>

\* اگر کسی که مستطیع شده حج نکند، و بعد به واسطه پیری یا مرض و ناتوانی، نتواند حج نماید، یا حرجی باشد و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش حج کند، باید دیگری را از طرف خود بفرستد، و در صورتی که بعداً قدرت پیدا کرد، خودش نیز حج نماید و همچنین است اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده، به واسطه پیری یا مرض یا ناتوانی نتواند حج کند و ناامید از توانایی خود باشد، و در تمام این صور احتیاط مستحب آن است که چنانچه منوب‌عنه مرد باشد، نایب سروره باشد، یعنی کسی باشد که برای اولین بار به حج می‌رود.<sup>۲</sup>

\* شخص مستطیع در صورتی که توانایی حج را داشته باشد، باید شخصاً به حج برود، و حج شخص دیگری از طرف او تبرعاً یا با اجرت کفایت نمی‌کند.<sup>۳</sup>

\* کسی که حج بر ذمه وی مستقر شده، و شخصاً نتواند به علت بیماری یا پیری یا مانعی دیگر حج را به جا آورد، یا حج نمودن برایش مشقت و حرج داشته، و امید اینکه بعداً بتواند حج نماید بدون مشقت و حرج نیز نداشته باشد، در این صورت واجب است برای خود نایب بگیرد. و همچنین کسی که دارا و ثروتمند است ولی توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد، یا مباشرت موجب حرج و مشقت برای او می‌شود، و وجوب نایب گرفتن فوری است مانند فوریت خود وجوب حج.<sup>۴</sup>

\* در صورتی که نایب از طرف کسی که توانایی نداشت شخصاً به حج برود حج نمود، و شخصی که حج از طرف او انجام شده در حالتی که عذرش باقی بود فوت نمود، حج نایب کفایت می‌کند هر چند حج بر ذمه وی مستقر شده باشد، و اما اگر اتفاقاً قبل از مردن عذر برطرف شد، احوط این است که شخصاً در زمان تمکن حج نماید. و چنانچه بعد از محرم شدن نایب عذرش برطرف شود، بر شخصی که نیابت از طرف او انجام شده واجب است شخصاً حج نماید. اگر چه بنا بر احوط واجب است که نایب نیز عمل حج را تمام نماید.<sup>۵</sup>

\* کسی که شخصاً از حج نمودن معذور است و تمکن نایب گرفتن هم ندارد وجوب (نایب گرفتن) ساقط است، ولی واجب است بعد از فوتش حج از طرف او قضا شود، در صورتی که حج بر او مستقر

۱. ملخصات مناسک حج، سؤال ۸۱؛ اگر بازگشتش بدون اراده و اختیارش باشد، اقرب آن است که حکم مصدود که در مسأله ۴۳۹ مناسک آمده است، بر او جریان یابد.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۵۶.

۳. مناسک حج، م ۶۲.

۴. مناسک حج، م ۶۳.

۵. مناسک حج، م ۶۴.



شده باشد، و اگر مستقر نبوده واجب نیست، و اگر متمکن از نایب گرفتن بوده و نایب نگرفت تا فوت نمود، واجب است از طرف او قضا شود.<sup>۱</sup>

\* اگر نایب گرفتن واجب شد و نایب نگرفت، ولی شخصی تبرعاً از طرف او حج به جا آورد کفایت نمی‌کند، و بنا بر احوط نایب گرفتن بر خودش واجب است.<sup>۲</sup>

\* در نایب گرفتن کفایت می‌کند از میقات نایب بگیرد، و واجب نیست از شهر خود نایب بگیرد.<sup>۳</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد، واجب نیست از وطن نایب بگیرند، بلکه نایب گرفتن از میقات کافی است، اگر چه نزدیکترین میقات‌ها به مکه باشد، بلی احوط این است که از وطن، نایب گرفته شود. و اگر میراث میت وافی به مصارف حج باشد، از هر میقات که نایب گرفته شود کافی است، اگر چه ارزان‌ترین آن‌ها باشد، در صورتی که میراث گنجایش حج از وطن و غیر آن، از واجباتی که باید ذمه را از آن‌ها فارغ نمود داشته باشد، ولی اجرت بیشتر از میقات نباید از سهم وارثان صغیر کسر گردد بلکه از سهم وارثان بالغ، با رضایت آن‌ها کسر می‌گردد.<sup>۴</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و میراث او وافی به هزینه حج باشد، احوط این است که فوراً برای فارغ شده ذمه او اقدام نمایند، اگر چه با اجیر گرفتن از میراثش باشد، و اگر در همان سال اول استیجار و نایب گرفتن از میقات ممکن نباشد، احوط این است که از وطنش نایب بگیرند و تا سال آینده به تأخیر نیندازند، اگر چه بداند که نایب گرفتن از میقات در سال بعد ممکن است، ولی مقدار زائد بر استیجار از میقات نباید از سهم نابالغان ورثه کسر شود.<sup>۵</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و میراث او وافی به مصارف حج باشد، اگر نایبی پیدا نشود مگر به بیشتر از مقدار معمول، احتیاط این است که نایب گرفته شود، و برای صرفه‌جویی بر ورثه تا سال آینده به تأخیر انداخته نشود، ولی در این صورت زائد بر اجرت معمول از سهم نابالغان ورثه نباید حساب شود.<sup>۶</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد، چنانچه شخصی بدون اجرت به جای او حج نمود کفایت می‌کند و واجب نیست که از میراثش برای او نایب بگیرند، و همچنین اگر وصیت به حج از ثلث

۱. مناسک حج، م ۶۵.

۲. مناسک حج، م ۶۶.

۳. مناسک حج، م ۶۷.

۴. مناسک حج، م ۷۸.

۵. مناسک حج، م ۷۹.

۶. مناسک حج، م ۸۰.

خود نماید و شخصی حج را به جای او بدون اجرت به جا آورد، که در این صورت هم واجب نیست از ثلث برایش نایب بگیرند، ولی معادل هزینه حج از ثلث حق ورثه نخواهد بود، بلکه باید در خیراتی مصرف شود که به نظر میت نزدیک‌تر باشد.<sup>۱</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و وصیت نموده که از وطنش نایب گرفته شود واجب است از وطن نایب گرفته شود، ولی مازاد بر اجرت میقات از ثلث خارج می‌شود، و چنانچه فقط وصیت به حج نموده و چیزی تعیین نکند به نایب گرفتن از میقات اکتفا می‌شود. مگر در صورتی که قرینه‌ای باشد که مراد وی استیجار و نایب گرفتن از وطن باشد، مثل اینکه مقداری از مال را تعیین کند که مناسب حج از وطن باشد.<sup>۲</sup>

\* چنانچه وصیت به حج از وطنی غیر وطن خود نماید، مثل اینکه شخصی که اهل مشهد است وصیت کند از نجف - مثلاً - برایش نایب بگیرند، عمل به این وصیت واجب است، و مازاد بر اجرت حج میقاتی از ثلثش اخراج می‌شود.<sup>۳</sup>

\* اگر وصیت کند که برای حجة الاسلام از طرف او نایب گرفته شود و اجرت را نیز تعیین نموده باشد، عمل به این وصیت واجب است، و هزینه‌اش از اصل میراث برداشته می‌شود، در صورتی که بیش از اجرت معمولی عمل وصیت شده نباشد، و اگر بیش از آن بود تفاوتش از ثلث خواهد بود.<sup>۴</sup>

\* در صورتی که نایب گرفتن برای حج از طرف میت به وصیت یا غیر وصیت واجب شده باشد، و کسی که واجب بود نایب بگیرد سهل انگاری و اهمال نموده، و مالی که برای حج در نظر گرفته شده بود تلف شود، این شخص ضامن خواهد بود، و بر او واجب است که از مال خود برایش نایب بگیرد.<sup>۵</sup>

\* فرد مستطیع در صورتی که خود، توانایی انجام حجة الاسلام را داشته باشد، باید شخصاً به حج برود و حج شخص دیگری از طرف او به طور مجانی یا با اجرت کافی نیست.<sup>۶</sup>

\* در چند مورد نایب گرفتن در حج واجب است:

الف. اگر کسی که مستطیع شده حج بر او مستنقر شود و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش بتواند بدون خرج حج به جا آورد، باید دیگری را از طرف خود به عنوان نایب بفرستد، مثل اینکه فردی با وجود

۱. مناسک حج، م ۸۲

۲. مناسک حج، م ۸۳

۳. مناسک حج، م ۸۵

۴. مناسک حج، م ۸۶

۵. مناسک حج، م ۸۸

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۱۹۹.

استطاعت و فراهم بودن سایر شرایط، در ادای فریضه حج کوتاهی نموده و حج واجب را به جا نیاورد و بعد، به دلیل پیری یا بیماری و ناتوانی و مانند آن، نتواند حج نماید یا انجام حج، سختی فوق العاده داشته باشد و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش بتواند بدون سختی فوق العاده، حج به جا آورد، در این صورت، لازم است دیگری را از طرف خود به عنوان نایب بفرستد.

ب. اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده و سایر شرایط نیز فراهم است به دلیل پیری یا بیماری یا ناتوانی یا مانند آن نتواند حج کند و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش بتواند بدون سختی فوق العاده حج به جا آورد، باید دیگری را از طرف خود به عنوان نایب بفرستد؛ بلکه در این صورت چنانچه مال وی تنها به اندازه هزینه حج میقاتی باشد - نه بلدی - باز هم نایب گرفتن بر وی واجب می شود.

ج. فردی که مستطیع بوده ولی حج را به جا نیاورده و حج بر ذمه او مستقر شده سپس فوت نموده است، باید از ماترک او، کسی را برای انجام حج نیابتی اجیر نمایند و فرق ندارد که آن شخص خودش توانایی انجام حج را داشته و باید شخصاً حج را انجام می داده و انجام نداده است یا آنکه وظیفه داشته نایب بفرستد، ولی به وظیفه خویش رفتار نکرده است.<sup>۱</sup>

\* اگر عجز و ناتوانی بر نایب عارض شد به طوری که قدرت انجام بعضی از مناسک حج به طور کلی و یا به طوری که شارع مقدس معین نموده است نداشته باشد، ظاهر این است که نایب در این حال مانند کسی است که از طرف خود حج بجا می آورد. پس در بعضی موارد حجت صحیح و برای منوب عنه کافی خواهد بود و در بعضی دیگر باطل، مثلاً اگر قدرت بر وقوف اختیاری عرفه پیدا نکرد می تواند به وقوف اضطراری اکتفا کند، و حجت صحیح خواهد بود و ذمه منوب عنه فارغ می شود، و اما اگر قدرت بر هر دو وقوف پیدا نکرد حجت باطل می شود. و در صورتی که از قبل ناتوان بودن شخصی از انجام بعضی از اعمال اختیاری حج - هر عملی که باشد - معلوم شود بنا بر احتیاط جایز نیست او را اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصی تبرعاً و بدون اجرت به نیابت دیگری حج نمود اکتفا کردن به عملش مشکل است.

بلی مانعی ندارد که کسی را اجیر نمود که از قبل معلوم باشد محرمات بر محرم را مرتکب می شود، مثل زیر سایه رفتن و مانند آن، خواه معذور باشد خواه نباشد، و همچنین است کسی که از قبل معلوم باشد بعضی واجبات حج را ترک می نماید، از واجباتی که ترک آن ها اگر چه از روی عمد باشد به صحت حج ضرر نمی رساند، مانند طواف نساء و ماندن در منی شب های یازدهم و دوازدهم.<sup>۲</sup>

\* آیا نایب شدن زن برای مرد در حج تمتع جایی که احتمال می رود به سبب حیض شدن و تبدیل حجتش به حج افراد نتواند عمره تمتع را به جا آورد، صحیح است؟ و اگر نایب شد و حیض گشت، آیا عمل نیابتی او مجزی است؟

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۲۰۰.

۲. مناسک حج، م ۱۱۳.

- اگر به ناتوانی او در حج تمتع اطمینان حاصل نشود، اقرب آن است که نایب شدنش جایز و عملش مُجزی است، حتی در صورت تبدیل حج.<sup>۱</sup>

\* کسی که در انجام طواف عمره تمتع و حجش و نمازهای دو طواف نایب شده است لازم است در حین ادای آنها مُحرم باشد؟  
- لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* کسی که به دلیل پیری یا ضعف و مانند آن جایز است که برای حجة الاسلام نایب بگیرد، آیا شرعاً برایش بهتر است که تا جایی که می تواند خود با تحمل سختی و مشقت مناسک حج را به جای آورد و آنچه را که نمی تواند خودش به جای آورد مانند سعی و رمی و جز آن به نایب واگذارد و یا آن که برایش ار جح آن است که برای همه مناسک حج نایب بگیرد؟  
- ظاهراً صورت اول ار جح است.<sup>۳</sup>

\* آیا واجب است که اعمال نایب در حج بر طبق تقلیدش باشد یا ناچار باید مطابق تقلید منوب عنه باشد؟

- طبق تقلید خودش عمل کند، البته اگر فرض شود که مورد اجاره صریحاً - یا بر اثر انصراف اطلاقش - مقید به عمل صحیح در نظر منوب عنه یا اجیر کننده باشد، در آن صورت وظیفه اش عمل به مقتضای آن است مادام که به فساد عبادت یقین حاصل نشود.<sup>۴</sup>

\* آیا همان طور که ایمان نایب در انجام حج شرط است، برای ادای پاره ای از اعمال حج نیز شرط است؟  
- آری. بنابر احوط - جز در مورد ذبح و نحر - شرط است.<sup>۵</sup>

\* شخصی نایب می شود که به نیابت از دیگری حج کند و از شهر خودش برای همین غرض راه می افتد و چون به میقات می رسد و برای عمره تمتع مُحرم می شود، آن را فراموش می کند، به گونه ای که اگر از او بپرسند: «چه می کنی؟» خواهد گفت: «برای خودم مُحرم می شوم» و نمی گوید که به نیابت از فلانی مُحرم می شوم و متوجه خطای خود نمی شود، مگر پس از آن که خود را در مکه می یابد. حال چه کند؟ آیا می تواند از احرام خود اعراض کند و برای منوب عنه دوباره مُحرم شود، یا آن که بر او واجب است که حج خودش را به پایان برساند؟

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۵.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۷.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۹.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۳.

۵. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۶.

- جایز نیست از احرام خودش اعراض کند. لیکن اگر اعمال عمره تمتع را به جا آورد و آنگاه از مکه بیرون رفت و در ماهی که عمره را در آن به جا آورده بود، بدان بازنگشت - مانند آن که عمره را در ماه ذی قعدة به جای آورد و از شهر بیرون رفت و تا پایان آن برنگشت - و در نتیجه عمره اش باطل شد، در این صورت اگر چه به سبب باطل کردن عمره اش گناهکار است، می تواند به نیابت از منوب عنه برای عمره تمتع از یکی از میقات ها مُحرم شود.<sup>۱</sup>

\* شخصی به قصد ادای حجة الاسلام، به مدینه می رسد و پیش از انجام اعمال فوت می کند. حال آیا برای متولیان کارش جایز است که کسی را از اموال به جا گذاشته اش اجیر کنند تا به نیابت از او حج کند؟ و آیا با علم به اینکه حج بر او مستقر شده است، نایب گرفتن نیازمند کسب اجازه از ورثه اش است یا آن که اجازه حاکم شرعی کفایت می کند؟  
- واجب است که از ورثه اش اجازه بگیرند و اجازه حاکم شرعی کافی نیست و اینکه زاد و راحله اش را باید - طبق روایت - برای حج معین کنند به این معنی نیست که بر این امر غیر از ورثه ولایت دارند.<sup>۲</sup>

\* آیا نایب برای حج، می تواند جهت ادای برخی اعمال که نایب گرفتن در آن ها جایز است، دیگری را نایب کند؟

- اگر عذری که مجوز نایب گرفتن است، برایش پیش آید، جایز است و در مورد ذبح مطلقاً جایز است.<sup>۳</sup>

\* آیا جایز است کسی را برای ادای حجة الاسلام اجیر کنند، در صورتی که از پیش معلوم باشد که به یکی از طرق زیر از ادای عمل اختیاری ناتوان است؟

۱. اگر از وقوف اختیاری در عرفه یا مزدلفه معذور باشد و وقوف اضطراری را انجام دهد.

- بنا بر احوط نیابت او مُجزی نیست.

۲. اگر از ادراک وقوف اختیاری برای همه وقت معذور باشد و تنها به مقدار رکن توقف کند.

- بعید نیست که نیابتش جایز باشد.

۳. اگر شخصاً از انجام طواف عمره تمتع یا حج و یا سعی آن دو معذور باشد و ناچار برای آن ها نایب بگیرد.

- بنا بر احوط نیابتش مجزی نیست.

۴. اگر لبیک گوئی اش غلط باشد و حتی با تلقین نتواند جملات را درست ادا کند، لذا خود لبیک بگوید و دیگری را هم نایب بگیرد تا لبیک بگوید.

- احوط مُجزی نبودن نیابتش است.

۵. اگر در قرائتش غلطی باشد که با آن نتواند نماز طواف را طبق روش معتبر شرعی به جای آورد، لذا خود نماز بخواند و دیگری را هم برای ادای آن نایب بگیرد.

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۷.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۸.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۵۰.

- احوط مُجْزِی نبودن نیابتش است.
۶. اگر شخصاً از رمی جمره عقبه در روز عید معذور باشد، لذا دیگری را برای آن نایب بگیرد.
- احوط مُجْزِی نبودن نیابتش است.
۷. اگر از مبیّت در منی معذور باشد.
- بنا بر اظهر نیابتش جایز است.
۸. اگر شخصاً از رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم معذور باشد، لذا دیگری را نایب بگیرد.
- بعید نیست که نیابتش صحیح باشد.
۹. اگر نسبت به ارتکاب پاره‌ای محرّمات احرام، چون در سایه قرار گرفتن و پوشاندن سر و مانند آن‌ها معذور باشد.
- نیابتش جایز است.<sup>۱</sup>

\* اگر حج در فرض‌های سؤال قبل، حج مستحبی باشد، آیا اجیر گرفتن برایش صحیح است؟  
- اگر عمل اجیر درباره خودش صحیح باشد، صحیح است. لیکن بر او لازم است که اجیر کننده را از وضع خود باخبر سازد.<sup>۲</sup>

\* اگر شخصی ناقص‌العضو باشد، آیا می‌توان او را برای حجة الاسلام و جز آن نایب گرفت؟  
- اگر نقص عضو او موجب خلل در انجام عمل اختیاری نشود، نیابتش جایز است.<sup>۳</sup>

\* آیا نیابت تبرّعی از سوی کسی که از انجام پاره‌ای مناسک حج ناتوان است، صحیح است؟ مثلاً اگر حاجی روز عید قربان و پیش از انجام اعمالش بازداشت شود، آیا کفایت می‌کند که یکی از دوستانش به جایش بی‌آن که او خبر داشته باشد رمی جمره و قربانی کند؟  
- این کار کافی نیست، بلکه نیابت باید به درخواست او بوده باشد.<sup>۴</sup>

۱. ملحقّات مناسک حج، سؤال ۵۸.

۲. ملحقّات مناسک حج، سؤال ۵۹.

۳. ملحقّات مناسک حج، سؤال ۶۲.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

## احکام اطاعت از والدین

\* وظیفه واجب فرزند در مقابل پدر و مادر نسبت به کارهایی که مربوط به خود آنها می‌شود دو امر است:

۱. احسان به آنها: منظور از آن کمک مالی و تأمین نیازهای زندگی‌شان در صورت فقر و نیاز و نیز برآوردن خواسته‌های آنها به اندازه معمول به مقداری که طبع بشری آن را اقتضا می‌کند و ترک آن مقدار، ناسپاسی نسبت به رفتارهای خوب پدر و مادر با او به حساب می‌آید، می‌باشد و این احسان با توجه به مختلف بودن حال پدر و مادر از نظر وضعیت مالی و جسمی، فقیر بودن یا فقیر نبودن، قوت و ضعف بدنی و مانند آن فرق می‌کند.
۲. برخورد نیک با آنان و بی‌ادبی نکردن نسبت به آنان، چه از نظر گفتار و چه از جهت رفتار، هرچند والدین به او ظلم کرده باشند، همچنان که در روایت نقل شده است: اگر تو را زدند آنها را مران بلکه بگو خداوند متعال شما را بیامرزد.<sup>۱</sup>

---

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۲۹۰.





## احکام حقوق زن

\* اگر طبق نظر پزشک، زوجه دائمی به مرضی مبتلا باشد که بایستی برای مدتی، یا برای همیشه آمیزش جنسی را ترک نماید، یا این که زوجه دائمی به علت ابتلای به جنون ادواری، یا دائم، در تیمارستان، یا در منزل بستری و تحت درمان باشد، و به هیچ وجه حاضر به نزدیکی با شوهر خود نباشد. آیا چنین زنی در دو صورت مذکور حق نفقه دارد؟  
- با فرض معذوریت مستحق نفقه است.<sup>۱</sup>

---

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



## احکام حقوق کودکان

### تکلیف

\* کودکان ناشنوا به دلیل تأخیر در رشد اجتماعی (به واسطه کمبود گنجینه لغات) آیا دیرتر از افراد سالم به سن تکلیف می‌رسند یا خیر؟  
- اگر درک داشته باشند مکلف‌اند.<sup>۱</sup>

### نایب شدن

\* بعضی از افراد قطع نخاع باید برای وضو گرفتن کمک بگیرند. آیا نایب می‌تواند غیربالغ باشد؟ بچه غیرممیز چگونه؟ در هر دو صورت نیت وضو بر عهده کیست؟  
- اگر شستن و مسح با دست معلول باشد نیت را او می‌کند و در این صورت کمک ممکن است از کودک غیر ممیز هم باشد و اگر با دست کمک کار است باید احتیاطاً هر دو نیت کنند و باید کمک کار بالغ باشد و غیر بالغ کافی نیست حتی اگر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب.<sup>۲</sup>

### حضانة و ولایت شرعی

\* در مواردی که دستگاه قضایی مسئولیت حضانة و سرپرستی معلولین را به سازمان بهزیستی محول می‌نماید، آیا فرمان‌های این مثل دستورهای ولی شرعی است؟  
- خیر.<sup>۳</sup>

\* ازدواج دو معلول ذهنی که منجر به بارداری گردد و طبق آزمایشات جنین سالم باشد؛ ولی پدر و مادر صلاحیت نگهداری از فرزند را نداشته باشند و قیم نیز توان نگهداری از این فرزندان را نداشته باشد و با توجه به اینکه این فرزندان ممکن است در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار بگیرند. سقط جنین قبل از دمیدن روح در جنین و بعد از آن (چهارماهگی) چه حکمی دارد؟ آیا نظر قیم قانونی در این مورد ملاک قرار می‌گیرد یا خیر؟  
- جایز نیست.<sup>۱</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی،

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* آیا می‌توان به خانواده‌هایی که فرزند ندارند، فرزندى بدون سرپرست (مانند کودکان سر راهی) تحویل داد و در مقابل پولی از آنها گرفت؟ اگر مبلغ اخذ شده بر اساس جنس طفل، یا ویژگی‌های ظاهری او، متفاوت باشد، چه حکمی دارد؟

- فرزند خواندگی در اسلام حرام است ولی می‌توانند متکفل نگهداری طفل بی‌سرپرست شوند و می‌تواند به طرف هدیه مشروط بدهد البته جهتی که کودک یاد شده را تحویل می‌دهد باید شرعاً مأذون به چنین کاری باشد.<sup>۲</sup>

### سقط جنین

\* گاهی پزشکان، چنان تشخیص می‌دهند که جنین بیماری خطرناکی دارد و اگر زاده شود او ناقص الخلقه خواهد بود و یا پس از اندک زمانی، خواهد مرد و پزشکان، ترجیح می‌دهند که جنین را ساقط کنند آیا چنان حقی را دارند؟ و آیا مادر می‌تواند خود را در اختیار پزشکان قرار دهد تا جنین او را درآورند؟ و سرانجام دیه او به عهده کیست؟

- تنها بدین جهت که جنین ناقص الخلقه و یا پس از تولد، فقط مدت کوتاهی زنده خواهد بود، مجوز سقط جنین نمی‌شود پس مادر نمی‌تواند اجازه چنین کاری را به پزشکان بدهد و آنان نیز نمی‌توانند جنین را خارج کنند و دیه بر عهده کسی است که عملاً به چنان کاری دست زده است.<sup>۳</sup>

\* حکم اسقاط جنین معلول عقب مانده ذهنی یا ناقص الخلقه چیست؟

- در هیچ حالی جایز نیست مگر این که بقای آن در شکم مادر برای او موجب ضرر و یا حرج فوق تحمل باشد و روح در او دمیده نشده باشد.<sup>۴</sup>

\* از نظر شرع سقط کردن کودکی که در شکم مادر است و مشخص شده که معلول است در صورت اینکه زیر ۴ ماه باشد چگونه است؟ اگر از ۴ ماه بگذرد چگونه است؟

- بعد از ولوج روح مطلقاً جایز نیست و قبل از آن اگر حفظ جنین برای مادر ضرری یا حرجی باشد سقط آن مانعی ندارد.<sup>۵</sup>

\* آیا می‌شود جنین ناقص الخلقه در هنگام حمل با علم به آن به وسیله دستگاه‌های پزشکی اسقاط نمود یا نابود کرد؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

- جايز نيست.<sup>۱</sup>



# احکام نابینایان

## مس قرآن و حدیث

\* آیا نابینایان که به نام روشندان (یا در عربی مکفوف و اعمی و ضریر) هم نامیده شده‌اند، در مس کتابت قرآن و اسماء خداوند و معصومین (ع) باید با طهارت و وضو باشند؟  
- اگر خط را لمس کنند حکم بینا را دارند.<sup>۱</sup>

\* نابینا به دلیل ندیدن بدون تعمد و بدون آگاهی در برخی مواقع، قرآن یا اسماء مقدس را لمس و مس می‌کند؛ اگر این لمس از روی خطا باشد آیا مرتکب گناه شده؟ و آیا باید کفاره یا ردّ ظلم یا تکلیف دیگری بر ذمه و عهده این شخص است؟  
- گناه نیست.<sup>۲</sup>

\* نابینایان که از خط بریل (نقاط برجسته) استفاده می‌کنند و با حس لامسه، قرآن را از روی قرآن بریل تلاوت و قرائت می‌کنند، آیا هنگام لمس این نقاط باید با وضو باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۳</sup>

\* آیا بر افراد نابینا نیز لازم است که هرگاه بر روی آیات قرآن دست می‌کشند وضو داشته باشند، یا نیازی نیست؟  
- لازم است.<sup>۴</sup>

\* اگر نابینایان بدون توجه دست خود را روی اسم جلاله خداوند که در جایی نوشته شده بکشند، مرتکب گناهی شده‌اند؟  
گناه نیست.<sup>۵</sup>

۱. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۶۷.

۲. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۱.

۳. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۶۷.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* آیا بر نابینایان لازم است قبل از دست گذاشتن بر نوشته‌ای مطمئن شوند اسامی مقدسه یا متن قرآن نیست؟ آیا لازم است تحقیق کنند؟  
- در مورد قرآن لازم است و در مورد نام خداوند احتیاطاً لازم است و در نام معصومین (ع) بهتر است و واجب نیست.<sup>۱</sup>

\* آیا بر نابینایان لازم است قبل از دست گذاشتن بر نوشته‌ای، مطمئن شوند اسمی مقدسه بر روی آن نوشته نشده است؟  
- لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* نابینایی که با انگشت مصنوعی خط بریل (نگارش برجسته) مس و لمس کرده و از این طریق قرآن و احادیث را یاد می‌گیرد، آیا وضو گرفتن برایش قبل از لمس واجب است؟  
- واجب نیست.<sup>۳</sup>

\* نابینایان برای خواندن از خط برجسته‌ای به نام «بریل» که با لمس انگشتان خوانده می‌شود، استمداد می‌گیرند. می‌دانیم که این خط از نقاط شش‌گانه تشکیل شده است. با توجه به مطلب فوق، آیا بر نابینایان لازم است در موقع فراگیری قرائت قرآن، و در وقت لمس اسامی مقدسه که با خط برجسته نوشته شده، وضو داشته باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۴</sup>

\* ترجمه نهج البلاغه و صحیفه سجادیه که با خط بریل (نقطه‌های برجسته) باشد آیا وضو لازم است؟  
- همه آنها خط است و حکم نوشته‌های معمولی را دارد مگر با وجود حائل.<sup>۵</sup>

\* نابینایی که با انگشت مصنوعی خط بریل (نگارش برجسته) مس و لمس کرده و از این طریق قرآن و احادیث را یاد می‌گیرد، آیا وضو گرفتن برایش قبل از لمس واجب است؟  
- واجب نیست.<sup>۶</sup>

## خط بریل

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷-۶۸.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۸.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷-۶۸.



\* اگر خطوط بریل قرآنی (آیاتی که با بریل نوشته شده است) در محل‌های کثیف مثل چاه فاضلاب افتاده باشد، وظیفه مؤمنین چیست؟  
- باید آن را خارج سازند و اگر ممکن نبود تا از بین نرفته است استفاده نکنند.<sup>۱</sup>

\* خط بریل که نشان‌دهنده ترجمه قرآن باشد (یعنی با شش نقطه و حالت‌های مختلف آنها، حروف و کلمات فارسی که ترجمه قرآن باشد) آیا نیاز به وضو دارد؟  
- لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* نابینایان که از خط بریل (نقاط برجسته) استفاده می‌کنند و با حس لامسه، قرآن را از روی قرآن بریل تلاوت و قرائت می‌کنند، آیا هنگام لمس این نقاط باید با وضو باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۳</sup>

\* نابینایی که با انگشت مصنوعی خط بریل (نگارش برجسته) مس و لمس کرده و از این طریق قرآن و احادیث را یاد می‌گیرد، آیا وضو گرفتن برایش قبل از لمس واجب است؟  
- واجب نیست.<sup>۴</sup>

\* ترجمه نهج البلاغه و صحیفه سجادیه که با خط بریل (نقطه‌های برجسته) باشد آیا وضو لازم است؟  
- همه آنها خط است و حکم نوشته‌های معمولی را دارد مگر با وجود حائل.<sup>۵</sup>

## فراگیری احکام دینی

\* نابینایان از دو طریق حس لامسه و حس شنوایی می‌توانند قرآن و احکام و مسائل دینی را یاد بگیرند، یا ناشنوایان از طریق زبان اشاره مسائل دینی را یاد می‌گیرند، آیا وظایف این دو گروه در فراگیری مسائل شرعی مثل افراد عادی و سالم است؟  
- به مقداری که متمکن‌اند تکلیف دارند.<sup>۶</sup>

## وقت نماز

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۸.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷-۶۸.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۸.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

\* اگر به علت مانع شخصی مانند نابینایی یا در زندان بودن نتواند در اول وقت نماز به فرا رسیدن وقت یقین کند، باید نماز را به تأخیر بیندازد تا یقین یا اطمینان کند که وقت فرا رسیده است و همچنین است بنا بر احتیاط لازم، اگر مانع از یقین به فرارسیدن وقت از موانع عمومی از قبیل ابر و غبار و مانند اینها باشد.<sup>۱</sup>

\* یکی از شرایط وضو آن است که مکلف وقت کافی برای گرفتن وضو و نماز خواندن داشته باشد حال اگر فردی نابینا باشد و نداند که وقت کافی برای گرفتن وضو و نماز دارد یا آنکه باید تیمم کند تکلیف او در این حالت چیست؟  
- وضو بگیرد.<sup>۲</sup>

\* آیا فحص و سؤال از اوقات نماز بر شخص نابینا واجب است یا می‌تواند به حدس و گمان خود در رابطه با دخول وقت نماز عمل کند؟  
- باید نماز را به تأخیر بیندازد تا یقین یا اطمینان کند که وقت داخل شده است.<sup>۳</sup>

## قبله

\* آیا بر افراد نابینا که برای تشخیص قبله نیاز به دید دارند فحص و سؤال و یقین به قبله لازم است یا به هر طرفی که ظن و گمان دارند می‌توانند نماز بخوانند؟  
- کسی که می‌خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید تا یقین، یا چیزی که در حکم یقین است - مثل شهادت دو عادل اگر مستند به حس و مانند آن باشد - پیدا کند که قبله کدام طرف است، و اگر نتواند باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان، یا قبرهای مؤمنین، یا از راه‌های دیگر پیدا می‌شود عمل نماید، حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می‌شناسد گمان به قبله پیدا کند کافی است.<sup>۴</sup>

\* فرد نابینایی که در حین نماز ناخواسته مقداری از قبله برگشته، اگر در حین نماز یا بعد از آن متوجه شده وظیفه‌اش چیست؟

- اگر برگشتن از قبله به جهت عذر باشد مثل فراموشی، یا به سبب امر قهری - مانند باد شدیدی که او را از قبله برگرداند - چنانچه به طرف راست یا چپ نرسد، نماز او صحیح است، ولی لازم است که بعد از برطرف شدن عذر فوراً به طرف قبله برگردد. و اما اگر به طرف راست و یا چپ برسد یا پشت به قبله

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۹۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۳۰.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۴۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۴۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۳۰.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۴۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۸۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۶۹.

شود، اگر فراموش کرده باشد، یا غافل باشد، یا در تشخیص قبله اشتباه کرده باشد، و وقتی متذکر یا متوجه شود که اگر نماز را قطع کند می‌تواند دوباره آن را رو به قبله بخواند - هر چند یک رکعت از آن در وقت واقع شود - باید نماز را از سر بگیرد وگرنه به همان نماز اکتفا می‌کند، و قضا بر او لازم نیست. و همچنین است اگر برگشت او از قبله به واسطه امر قهری باشد، پس چنانچه بتواند که بدون برگشتن از قبله نماز را دوباره در وقت بخواند - هر چند یک رکعت از آن در وقت واقع شود - باید نماز را از سر بگیرد، وگرنه باید همان نماز را تمام کند و اعاده و قضا بر او لازم نیست.<sup>۱</sup>

## روزه

\* فرد آسیب دیده بینایی که دید چشم او ضعیف است و می‌ترسد که روزه برای بقیه دید او ضرر داشته باشد تکلیفش چیست؟  
- روزه بر او واجب نیست ولی باید با رسیدن رمضان سال بعد فدیة بدهد.<sup>۲</sup>

## حدّ ترخص

\* اگر بینایی فرد، غیر معمولی باشد، در محلی باید نماز را شکسته بخواند که افراد معمولی، اهل آخر شهر را نبینند و ملاک دیدن با چشم است نه با دوربین و ابزار.<sup>۳</sup>

## تشخیص طهارت و نجاست

\* اگر بدن یا لباس یا شیء دیگری مانند ظرف و فرش که در اختیار مسلمان بالغ - یا نابالغ ممیزی که طهارت و نجاست را تشخیص می‌دهد - است، نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، مثلاً بدنش نجس شده و از خانه بیرون رفته باشد، چنانچه انسان احتمال معقول دهد که او آن شیء را آب کشیده باشد، آن شیء پاک محسوب می‌شود؛ بنابراین اگر انسان بعداً با آن مسلمان یا چیزهایی که او با تری سرایت کننده بعد از غایب شدن با آنها برخورد کرده است، سر و کار داشته باشد، وی و آن اشیاء پاک به حساب می‌آیند؛ بلکه این حکم در مورد بچه نابالغی که ممیز نیست هم جاری می‌شود زیرا رسیدگی به امور این طفل مربوط به متولی امر اوست. و در حکم غایب شدن تاریکی و کوری است. بنابراین اگر بدن یا لباس مسلمان، نجس شود و فرد تطهیر آن را به جهت کوری یا تاریکی نبیند، چنانچه احتمال عقلایی دهد که او آن چیز را آب کشیده است حکم به پاکی آن شیء می‌شود.<sup>۴</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۵۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۷۸۵. مبطلات نماز؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، ص ۲۱۳. قسمت پنجم از مبطلات نماز.

۲. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۵۹۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۱۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۲.

\* نابینایان به دلیل ندیدن، در بسیار مواقع، قدرت تشخیص نجاسات را ندارند، مثلاً دستشویی که می‌روند نمی‌دانند شیرآلات یا دمپایی و غیره پاک است یا نجس، تکلیف آن‌ها چیست؟  
- تا یقین به نجاست نباشد همه چیز محکوم به طهارت است.<sup>۱</sup>

### وضو

\* کسی که به بیماری چشمی مبتلا شده و چشم او ورم کرده و ملتهب شده اگر استعمال آب به طور کلی برای صورت ضرر دارد، باید تیمم نماید ولی چنانچه شستن اطراف چشم ممکن است و ضرر برای چشم ندارد، در صورتی که روی چشم با دوا و مرهم پوشیده شده باشد وضوی جبیره کافی است و اگر روی چشم با دوا و مرهم پوشیده نشده باشد، احتیاط واجب آن است که هم وضوی جبیره بگیرد و هم تیمم نماید.<sup>۲</sup>

\* یکی از شرایط وضو آن است که مکلف وقت کافی برای گرفتن وضو و نماز خواندن داشته باشد حال اگر فردی نابینا باشد و نداند که وقت کافی برای گرفتن وضو و نماز دارد یا آنکه باید تیمم کند تکلیف او در این حالت چیست؟  
- وضو بگیرد.<sup>۳</sup>

### شرایط

\* یکی از شرایط وضو آن است که مکلف وقت کافی برای گرفتن وضو و خواندن نماز داشته باشد. حال اگر فردی نابینا باشد، و نداند که وقت کافی برای کارهای مذکور دارد یا نه، تکلیف او چیست؟  
- چنین شرطی وجود ندارد.<sup>۴</sup>

### مسح سر و پا

\* نابینایان به هنگام وضو بدون اینکه اراده کنند دستشان زیر شیر آب می‌رود، مثلاً بعد از شستن دست‌ها و صورت و قبل از مسح کشیدن، چون شیر را نمی‌بینند دستشان زیر شیر آب می‌رود. تکلیف چیست؟  
- با سایر مواضع دست تا آرنج و همچنین با دست دیگر سر و پاها را می‌توانند مسح کنند.<sup>۵</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۸۴.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

### مبطلات

\* اگر نابینایان پس از وضو متوجه شوند که در قسمتی از بدنشان، غیر از اعضای وضو، خون یا نجاستی وجود دارد، که به هنگام وضو متوجه آن نبوده‌اند. وضو و نمازهایی که با آن خوانده‌اند چه حکمی دارد؟  
- وضو باطل نیست.<sup>۱</sup>

### موارد ضروری

\* آیا بر افراد نابینا نیز لازم است که هرگاه بر روی آیات قرآن دست می‌کشند وضو داشته باشند، یا نیازی نیست؟  
- لازم است.<sup>۲</sup>

### نماز جمعه

\* صحیح بودن نماز جمعه چند شرط دارد:

اول: جماعت بودن، پس فردای صحیح نیست، و هرگاه مأموم قبل از رکوع رکعت دوم نماز جمعه به امام برسد اقتدا می‌کند و یک رکعت دیگر را فردای می‌خواند و نماز جمعه‌اش صحیح است. و اگر در رکوع رکعت دوم امام را درک کند - بنا بر احتیاط واجب - نمی‌تواند به این نماز جمعه اکتفا کند و باید نماز ظهر را بجا آورد.

دوم: خواندن امام دو خطبه پیش از نماز، که در خطبه اول حمد و ثنای الهی را گفته و توصیه به تقوا و پرهیزگاری شود و یک سوره کوتاه از قرآن بخواند، و در خطبه دوم باز هم حمد و ثنای الهی را بجا آورده و بر پیغمبر اکرم و ائمه مسلمین صلوات فرستاده و احتیاط مستحب آن است که برای مؤمنین و مؤمنات استغفار (طلب آمرزش) کند. و لازم است خطبه پیش از نماز باشد، پس اگر نماز را پیش از دو خطبه شروع کرد صحیح نخواهد بود، و خواندن خطبه پیش از ظهر اشکال دارد. و لازم است کسی که خطبه را می‌خواند هنگام خطبه ایستاده باشد، پس هرگاه خطبه را نشسته بخواند صحیح نخواهد بود. و نیز لازم است بین دو خطبه قدری بنشیند، و لازم است نشستن مختصر و خفیف باشد. و لازم است امام جماعت خودش خطبه را بخواند، و حمد و ثنای الهی و صلوات بر پیغمبر اکرم و ائمه مسلمین - بنا بر احتیاط - باید به عربی باشد، و در مازاد بر آن عربیت معتبر نیست، بلکه اگر بیشتر حاضرین زبان عربی را ندانند احتیاط لازم آن است که توصیه به تقوا به زبان حاضرین باشد.

سوم: آنکه مسافت بین دو نماز جمعه کمتر از یک فرسخ نباشد، بنابراین اگر نماز جمعه دیگری در مسافت کمتر از یک فرسخ برپا شود چنانچه با هم شروع شوند هر دو باطل می‌شوند، و اگر یکی زودتر از دیگری شروع شود هر چند به تکبیرة الاحرام باشد صحیح، و دومی باطل خواهد بود. ولی هرگاه پس

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

از برگزاری نماز جمعه معلوم شود که نماز جمعه دیگری همزمان یا مقدم بر آن در مسافت کمتر از یک فرسخ برپا شده بوده، بجا آوردن نماز ظهر واجب نخواهد بود. و برپا نمودن نماز جمعه در صورتی مانع از نماز جمعه دیگر در مسافت مزبور می‌شود که خود صحیح و جامع شرایط باشد و در غیر این صورت مانع نخواهد بود.<sup>۱</sup>

\* هرگاه نماز جمعه‌ای که دارای شرایط است برپا شود اگر برپاکننده اش امام علیه السلام یا نماینده خاص او باشد، حضورش واجب است، و در غیر این صورت واجب نیست. و در صورت اول نیز بر چند گروه واجب نیست:

اول: زنان

دوم: بردگان

سوم: مسافران، هر چند مسافری که وظیفه اش تمام باشد، مثل مسافری که قصد اقامت نموده باشد. چهارم: بیماران، نابینایان، و افراد پیر.

پنجم: افرادی که فاصله آنان تا محل نماز جمعه بیش از دو فرسخ شرعی باشد. ششم: افرادی که حضور آنان در نماز جمعه به علت باران یا سرمای شدید و مانند آن سخت و دشوار باشد.<sup>۲</sup>

## سگ راهنما

\* آیا داد و ستد سگانی که در مغرب زمین تعلیم دیده می‌شوند و نابینایان را در خیابان‌ها و راه‌ها، همراهی می‌کنند، جایز است؟

- خرید و فروش سگ جایز نیست لیکن آن کس که چنان سگی را دارد حق اختصاص پیدا کرده است در این صورت مانعی نیست که او در برابر دریافت مبلغی از آن حق صرف نظر کند و پرداخت کننده وجه، صاحب آن حق شناخته می‌شود و سگ به او اختصاص پیدا می‌کند هم چنانکه اگر سگ دارای منافع حلال باشد که حراست و نگهداری از آن جمله است، اجاره دادن آن مانعی ندارد.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۱۹.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۲۰؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۷۹۷.

۳. قفه برای غرب نشینان، م ۲۷۱.

# احکام

## معلولین ذهنی

### سن بلوغ و تکلیف

\* شرط اول تکلیف، عقل و توان فکری مکلف است و فردی که مجنون و دیوانه است و از نظر فکری دارای توان لازم نیست، از نظر اسلام تکلیفی ندارد و تا چراغ عقل در درون انسان روشن نشده و قدرت تشخیص ایمان و کفر، حق و باطل، واجب و حرام را ندارد، تکلیفی به عهده او نیست. عقل و توان فکری انسان مبنای تکلیف و معیار محاسبه و مؤاخذه الهی است. و روایت شده که امام باقر می‌فرمایند: در روز قیامت خداوند به اندازه عقلی که در دنیا به بندگان داده است. در رسیدگی به حساب آنان دقت به خرج می‌دهد.<sup>۱</sup>

\* اگر دختر کم توان ذهنی دارای رشد سریع جسمی، و به تعبیر دیگر بلوغ جسمی زودرس باشد. قبل از رسیدن به سن ۹ سالگی به سن بلوغ شرعی می‌رسد یا خیر؟  
- سن بلوغ شرعی دختر تمام شدن ۹ سال قمری است.<sup>۲</sup>

\* افراد عقب مانده ذهنی علی‌رغم سن‌های بالا از نظر درک و عقل، گاه درحد، کودکان ۱۲ ساله و یا پایین‌تر می‌باشند آیا تکلیف شرعی از گردن آنها ساقط می‌شود یا خیر؟  
- اگر دیوانه نباشند و درک داشته باشند مکلف‌اند.<sup>۳</sup>

### قرآن کریم

\* جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی‌احترامی به قرآن باشد باید از آنان جلوگیری کنند.<sup>۴</sup>

\* مس قرآن توسط دانش‌آموزان کم توان ذهنی که وضویشان کامل و صحیح نیست چه حکمی دارد؟  
وظیفه مربی آنها چیست؟

۱. اصول الکافی، ج ۱، ص ۱۱، ح ۷. کتاب العقل و الجهل.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۲۵۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۲۷۰.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۷.

- جلوگیری بچه و دیوانه از مس قرآن واجب نیست، ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد باید از آنان جلوگیری کنند.<sup>۱</sup>

\* نجس کردن خط و ورق قرآن توسط فرد کم توان ذهنی چه حکمی دارد؟  
- نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.<sup>۲</sup>

### تشخیص طهارت و نجاست

\* اگر بدن یا لباس یا شیء دیگری مانند ظرف و فرش که در اختیار مسلمان بالغ - یا نابالغ ممیزی که طهارت و نجاست را تشخیص می دهد - است، نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، مثلاً بدنش نجس شده و از خانه بیرون رفته باشد، چنانچه انسان احتمال معقول دهد که او آن شیء را آب کشیده باشد، آن شیء پاک محسوب می شود؛ بنابراین اگر انسان بعداً با آن مسلمان یا چیزهایی که او با تری سرایت کننده بعد از غایب شدن با آنها برخورد کرده است، سر و کار داشته باشد، وی و آن اشیاء پاک به حساب می آیند؛ بلکه این حکم در مورد بچه نابالغی که ممیز نیست هم جاری می شود زیرا رسیدگی به امور این طفل مربوط به متولی امر اوست. و در حکم غایب شدن تاریکی و کوری است. بنابراین اگر بدن یا لباس مسلمان، نجس شود و فرد تطهیر آن را به جهت کوری یا تاریکی نبیند، چنانچه احتمال عقلایی دهد که او آن چیز را آب کشیده است حکم به پاکی آن شیء می شود.<sup>۳</sup>

### تخلی

\* از چه کسانی باید در هنگام تخلی عورت را پوشاند؟  
- واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفاند، اگرچه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند، و همچنین از دیوانه و بچه اگر ممیز باشند یعنی خوب و بد را می فهمند، بیوشاند، ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بیوشانند.<sup>۴</sup>

\* چنانچه فرد کم توان ذهنی پسر قدرت بر استبراء داشته باشد ولی استبراء نکند رطوبتی از او خارج شود پاک است یا نجس؟  
- نجس است.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۷۷-۷۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۱۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۳۱۷.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۵۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۲۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۱۲۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۲.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۳۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۵۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۵۳.



## وضو

\* وضو گرفتن از نهرهای کوچک یا بزرگ که بنای عقلاء بر جواز تصرف و استفاده از آنهاست، بدون اجازه مالک، هر چند انسان نداند که صاحب آنها راضی است، اشکال ندارد بلکه اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند یا اینکه انسان بداند که مالک راضی نیست یا اینکه مالک، صغیر یا دیوانه باشد، باز هم تصرف جایز است.<sup>۲</sup>

## بطلان وضو

\* هشت چیز، وضو را باطل می‌کند:

اول: ادرار و همچنین رطوبت مشکوکی که از انسان بعد از ادرار کردن و قبل از استبراء نمودن خارج می‌شود و در حکم ادرار است.  
دوم: مدفوع.

سوم: باد معده و روده که از مخرج مدفوع خارج شود.

چهارم: خوابی که به سبب آن چشم نبیند و گوش نشنود ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود، وضو باطل نمی‌شود.

پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می‌برد مانند دیوانگی، مستی و بیهوشی.

ششم: استحاضه زنان خواه استحاضه قلیله باشد یا استحاضه متوسطه یا کثیره باشد و تفصیل آن در فصل احکام استحاضه بیان می‌شود.

هفتم: جنابت.

هشتم: حیض.<sup>۳</sup>

\* نیت در وضو چگونه است؟ آیا باید به زبان بگوید یا از قلب بگذراند در این صورت افراد کم توان ذهنی یا افرادی که مشکل گفتاری دارند چگونه نیت کنند؟  
- لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب بگذراند، بلکه اگر تمام افعال وضو به داعی امر خداوند بجا آورده شود کفایت می‌کند.<sup>۴</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۷۱.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۹۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۰.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۷۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۱.

\* اگر یکی از افراد کم توان ذهنی یا معلولان جسمی - حرکتی، کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد، ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شود، وضو چه حکمی دارد؟  
- وضوی او صحیح است.<sup>۱</sup>

### تیمم

\* در ضرر داشتن آب برای بدن در وضو و غسل باید یقین به ضرر پیدا کند یا احتمال ضرر کافی است؟  
- لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد باید تیمم کند.<sup>۲</sup>

\* اگر معلول می ترسد که به واسطه استعمال آب برای وضو یا غسل مریض شود، آیا می تواند تیمم کند؟  
- اگر بترسد که به واسطه استعمال آب مریض می شود باید تیمم کند.<sup>۳</sup>

### غسل

\* اگر دیوانه یا بچه نابالغی، میت را مس کند، بعد از آنکه آن دیوانه، عاقل یا بچه، بالغ شد باید غسل مس میت نماید و اگر بچه نابالغ، ممیز باشد و غسل مس میت انجام دهد، غسل او صحیح است.<sup>۴</sup>

\* برای کسی که بعد از مس میت، غسل نکرده است، توقف در مسجد و نزدیکی با زن و خواندن آیه‌هایی که سجده واجب دارد، مانعی ندارد ولی برای نماز و مس آیات قرآن و مانند آن باید غسل کند.<sup>۵</sup>

\* اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده و غسلش نداده‌اند مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میت نماید، چه در خواب مس کند چه در بیداری، با اختیار مس کند

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۷۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۳.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۲۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۵۹.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۲۸-۱۲۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۶۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۵۸.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۵۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۵۵.

یا بی اختیار، حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان میت برسد باید غسل کند، ولی اگر حیوان مرده‌ای را مس کند غسل بر او واجب نیست.<sup>۱</sup>

\* اگر در بین غسل حدث اصغر (چیزی که موجب باطل شدن وضو است) از فرد کم توان ذهنی یا معلول اتفاق افتد، غسل او چه حکمی دارد؟  
- لازم نیست غسل را رها کرده و غسل دیگری بنماید، بلکه می‌تواند غسل خود را تمام نماید و بنا بر احتیاط لازم باید وضو هم بگیرد.<sup>۲</sup>

\* اگر فرد معلول بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته اما نداند کجای بدن است وظیفه چیست؟  
- باید دوباره غسل کند.<sup>۳</sup>

\* دختری دارم ۱۱ ساله که مشکل ذهنی دارد او در اوایل آبان ماه تکلیف شده و دوران پیروی او شروع گردید. سؤال من این است که پس از اتمام هر دوره پیروی با توجه به اینکه او مشکل ذهنی دارد آیا من می‌توانم هنگام استحمام ایشان نیت غسل نمایم و ایشان را غسل بدهم یا خیر و یا اگر راه دیگری وجود دارد لطفاً بفرمائید؟  
- اگر مسائل را درک نمی‌کند تکلیفی بر او نیست و لازم نیست غسل کند و اگر متوجه می‌شود باید به او بگوید که باید غسل حیض کند و همین کافی است و نیت چیزی نیست که به زبان بیاورد و یا از قلب بگذراند.<sup>۴</sup>

## نماز

\* آیا به فرد کم توان ذهنی، ناشنوا، معلول جسمی - حرکتی که نماز را غلط می‌خواند لازم است تذکر دهیم؟  
- اگر ممکن باشد باید به مقدار تمکن، به او تفهیم شود.<sup>۵</sup>

\* بیدار کردن افراد کم‌توان ذهنی بالغ، برای نماز صبح توسط والدین و مربیان لازم است یا نه؟  
- لازم نیست.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵۱۰.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۸۴.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۲۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۶۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۶۸.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۸.

### حدّ ترخص

\* کسی که نماز یومیّه خود را در وقت آن نخوانده یا آن را خوانده ولی شرعاً باطل بوده است، باید قضای آن را در خارج وقت به جا آورد؛ مگر نماز جمعه که اگر وقت آن بگذرد،<sup>۲</sup> مکلف باید نماز ظهر بخواند و چنانچه نماز ظهر را در وقتش نخواند، قضای آن را به جا آورد و همین طور قضای هر نماز واجب دیگری که مکلف آن را در وقتش نخواند - حتّی بنا بر احتیاط واجب نمازی که در وقت معینی به نذر بر او واجب شده است - را باید بخواند. البته نماز عید فطر و قربان قضاء ندارند و احکام قضای نماز آیات بعداً خواهد آمد و در این حکم فرقی بین عمد و فراموشی و غفلت و ندانستن نیست. از این حکم افرادی استثناء می‌شوند، از جمله: کسی که در تمام وقت نماز نابالغ یا دیوانه بوده یا به سبب عامل غیر اختیاری بیهوش<sup>۳</sup> بوده است و نیز زنی که در تمام وقت نماز در حال حیض یا نفاس بوده است. اما فردی که در تمام وقت نماز، خواب مانده یا به دلیل مستی نماز نخوانده باشد، واجب است قضای آن را انجام دهد.<sup>۴</sup>

### وجوب نماز

\* آیا خواندن نماز بر فرد کم‌توان ذهنی که به بلوغ شرعی رسیده واجب است؟  
- بلی واجب است مگر کند ذهنی او به حدی برسد که نفهمد نماز چیست.<sup>۵</sup>

\* تا چه حد از بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی باعث ساقط شدن تکلیف نماز و روزه می‌شود؟  
تشخیص آن به عهده چه کسی است؟  
- اگر بیماری به حدی باشد که هوشیاری و یا عقل او زایل شود، تکلیف به نماز و روزه ساقط است. البته روزه در صورتی که ترس ضرر نیز باشد ساقط می‌شود.<sup>۶</sup>

### مکان نمازگزار

\* اگر بعضی از ورثه میت صغیر یا دیوانه یا غائب باشند، تصرّف در ملک او بدون اجازه ولی آنها حرام است و نماز در آن جایز نیست، ولی تصرفات معمولی که مقدمه تجهیز میت است اشکال ندارد.<sup>۷</sup>

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰.

۲. وقت نماز جمعه اول عرفی ظهر روز جمعه می‌باشد.

۳. اگر بیهوشی به اختیار خود شخص باشد مثل اینکه برای عمل جراحی خود را در اختیار پزشک قرار داده، چنانچه بیهوشی در تمام وقت نماز بوده است، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن نماز را بجا آورد و اگر در قسمتی از وقت بیهوش بوده طوری که می‌توانسته نمازش را در وقت به طور صحیح، هر چند با کتفاء به واجبات بخواند و نخوانده باید قضای آن را انجام دهد.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۶۴۹.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰.

۶. توان‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰-۲۲۱.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۶۳.

\* نماز خواندن در زمین‌های بسیار وسیع جایز است هر چند که مالک آنها صغیر و یا دیوانه باشد و یا آنکه مالک آنها راضی به نماز خواندن در آنها نباشد و همچنین در باغ‌ها و زمین‌هایی که در و دیوار ندارند، می‌توان در آنها بی‌اجازه مالک نماز خواند ولی در این صورت، اگر بداند مالک راضی نیست نباید تصرف کند و همچنین اگر مالک صغیر یا دیوانه باشد یا آنکه گمان به راضی نبودن او داشته باشند، احتیاط لازم آن است که در آنها تصرف نکنند و در آنجا نماز نخوانند.<sup>۱</sup>

### رکوع

\* شخص آسیب دیده یا مریضی که نشسته رکوع می‌کند کیفیت رکوع او در این حال چگونه است؟  
- باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورت مقابل جای سجده برسد.<sup>۲</sup>

\* اگر شخص آسیب دیده بتواند به رکوع برود ولی به مقدار ذکر نمی‌تواند در رکوع بماند وظیفه‌اش چیست؟

- اگر نتواند به مقدار ذکر ولو یک «سبحان الله» در حال رکوع بماند هر چند بدون آرامش واجب نیست بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که ذکر را بگوید هر چند بقیه آن را در حال برخاستن و قصد قربت مطلقه بگوید یا قبل از آن شروع کند.<sup>۳</sup>

\* اگر فرد آسیب دیده ذهنی یا معلول جسمی - حرکتی یا مریض در رکوع آرام نمی‌گیرد نمازش چه حکمی دارد؟

- نمازش صحیح است ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود ذکر واجب یعنی «سبحان الله ربی العظیم و بحمده» یا سه مرتبه «سبحان الله» را بگوید.<sup>۴</sup>

\* چنانچه آسیب دیده جسمی - حرکتی یا کم توان ذهنی که نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند، نتواند به اندازه رکوع خم شود تکلیف او در رابطه با رکوع چیست؟

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۳۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۶۵.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۲۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۳.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۰.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۱.

- باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند، و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به اندازه‌ای که عرفاً به آن رکوع گفته شود خم شود، و اگر به این مقدار نیز نتواند خم شود، باید برای رکوع با سر اشاره نماید.<sup>۱</sup>

\* اگر شخص آسیب دیده جسمی - حرکتی اصلاً ولو با تکیه دادن نتواند هم شود تکلیف او درباره رکوع نمازش چیست؟  
- باید برای رکوع با سر اشاره کند.<sup>۲</sup>

\* اگر شخص معلول یا مریضی که نماز را نشسته می‌خواند، اگر بعد از خواند حمد و سوره نتواند رکوع را ایستاده به جا آورد، وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر نتواند، باید رکوع را هم نشسته به جا آورد.<sup>۳</sup>

\* چنانچه مریض یا معلول در بین نماز از ایستادن یا نشستن عاجز می‌شود تکلیفش چیست؟  
- اگر از ایستادن عاجز شود باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود باید بخوابد ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از ذکرهای واجب را نگوید.<sup>۴</sup>

\* کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خمی شود به زانو می‌رسد یا زانوی او پایین‌تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد وظیفه‌اش در رابطه با رکوع چیست؟  
- باید به اندازه معمول خم شود.<sup>۵</sup>

### سجده

\* اگر شخص خواب یا دیوانه یا بچه‌ای که قرآن را تشخیص نمی‌دهد، آیه سجده‌دار را بخواند و فرد آن را گوش دهد، سجده واجب است؛ ولی اگر از ضبط صوت یا لوح‌های فشرده (CD یا DVD) و مانند آن، آیه سجده‌دار را گوش کند، سجده واجب نیست و در پخش رادیویی یا تلویزیونی نیز اگر صدای

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۲.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۲.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۲؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۹۵۸.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۶۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۹۵۵.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۲.

قرآن قبلاً ضبط شده و پخش می‌شود، همین حکم را دارد؛ ولی اگر شخصی در ایستگاه رادیو یا تلویزیون آیه سجده‌دار را بخواند و به طور مستقیم پخش شود و فرد آن را گوش دهد، سجده، واجب است.<sup>۱</sup>

### نماز قضاء

\* اگر پسر بزرگ‌تر موقع مرگ پدر، نابالغ یا دیوانه باشد، وقتی که بالغ شد یا عاقل گردید، بر او واجب نیست نماز پدر را قضاء نماید.<sup>۲</sup>

### مسجد

\* راه دادن دیوانه به مسجد مکروه است و همچنین است راه دادن بچه نابالغی که مراعات حرمت مسجد را نمی‌کند و موجب مزاحمت برای نمازگزاران می‌شود یا اینکه احتمال می‌رود مسجد را نجس کند و در غیر این حالات، راه دادن بچه به مسجد مانعی ندارد؛ بلکه گاهی، اولویت داشته و کار پسندیده‌ای است مثل موردی که آمدن بچه‌ها به مسجد باعث علاقه‌مندی آنان به نماز و مسجد می‌گردد و کسی که پیاز و سیر و مانند اینها خورده که بوی دهانش مردم را اذیت می‌کند، مکروه است به مسجد برود.<sup>۳</sup>

### روزه

\* روزه بر فردی واجب است که بالغ و عاقل باشد و اگر بچه نابالغ قبل از اذان صبح ماه رمضان، بالغ شود، باید روزه بگیرد و اگر بعد از اذان صبح بالغ شود، روزه آن روز بر او واجب نیست؛ ولی اگر قصد روزه ماه رمضان کرده باشد، احتیاط مستحب این است که آن را تمام کند.<sup>۴</sup>

\* اگر فرد بیهوش شود و به این دلیل نتواند نیت معتبر در روزه را داشته باشد، روزه بر او واجب نیست. به عنوان مثال فردی که قبل از اذان صبح نیت روزه نداشته، سپس بیهوش شده و بعد از اذان مغرب به هوش آمده است، روزه آن روز بر وی واجب نبوده و بعداً نیز لازم نیست قضای آن را انجام دهد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۹۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۸۲.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۶۶۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۷۷.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۸۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۰۱.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۱.

\* اگر فرد پیش از اذان صبح نیت روزه کند، سپس بدون اختیار بیهوش شود و در بین روز به هوش آید، بنابر احتیاط لازم، باید روزه آن روز را تمام نماید و اگر تمام نکرد، قضای آن را به جا آورد؛ اما در مورد بیهوشی که مقدمات آن اختیاری بوده (مثل فردی که برای عمل جراحی، خود را در اختیار دکتر بیهوشی قرار می‌دهد) احتیاط واجب آن است که روزه را تمام نموده و قضای آن را هم بجا آورد.<sup>۱</sup>

\* روزه از فرد دیوانه یا مست یا بیهوش در صورتی که این امور باعث شود نیت معتبر در روزه به درستی از وی انجام نگیرد، صحیح نمی‌باشد؛ ولی اگر فرد، پیش از اذان صبح نیت روزه کند سپس مست شود و در بین روز به هوش آید، احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را تمام کند و قضای آن را هم به جا آورد.<sup>۲</sup>

\* در موارد زیر لازم نیست مکلف قضای روزه را انجام دهد:

۱. اگر دیوانه عاقل شود، واجب نیست روزه‌های وقتی را که دیوانه بوده قضاء نماید.<sup>۳</sup>
۲. هنگامی که فرد بالغ گردید، واجب نیست قضای روزه‌هایی را که در ایام قبل از بلوغ نگرفته است به جا آورد.
۳. اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست روزه‌های وقتی را که کافر بوده قضاء نماید.
۴. اگر فرد بیهوش یا شخصی که در گُما است هوشیار گردد و از حالت بیهوشی یا گُما بیرون آید روزه‌های روزهایی را که بیهوش بوده یا در گُما به سر می‌برده و نیت روزه نداشته، لازم نیست قضا نماید.<sup>۴</sup>

\* اگر فرد کم‌توان ذهنی از روی کم‌تحملی در ملاً عام روزه اش را بخورد تعزیر می‌شود؟  
- خیر.<sup>۵</sup>

### عدم وجوب

\* اگر دکتر، مریض یا آسیب دیده ذهنی یا دیگر آسیب دیدگان را از گرفتن روزه منع کند ولی خود شخص می‌داند که روزه ضرر ندارد، چه باید بکند؟  
- باید روزه بگیرد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۲.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۲۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۶۶۳.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۲۰۳۳.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ مسائل جدید، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۴۰.



\* اگر از دختر کم توان ذهنی بعد از ادرار کردن، رطوبتی خارج شود چه حکمی دارد و اگر وضو داشته، آیا باطل می‌شود یا خیر؟  
- برای زن استبراء از ادرار نیست و اگر رطوبتی ببیند و شک کند که بول است یا نه پاک می‌باشد، وضو و غسل او را هم باطل نمی‌کند.<sup>۱</sup>

### حج

\* بر دیوانه هر چند ادواری باشد حج واجب نیست. بلی اگر دیوانگیش ادواری باشد، و زمان سلامتییش کافی برای انجام مناسک حج و تهیه مقدماتش باشد، و مستطیع هم باشد، حج بر او واجب است هر چند در سائر اوقات دیوانه باشد. همچنان که اگر بداند زمان دیوانگیش همیشه مصادف با ایام حج است، واجب است در زمان سلامتییش نائب بگیرد که از طرف حج را در ایام آن انجام دهد.<sup>۲</sup>

### وقوف در عرفات

\* از واجبات حج تمتع وقوف در عرفات با قصد قربت و اخلاص است، و مراد از وقوف حضور در عرفات است، خواه سواره و خواه پیاده، و خواه آرام و خواه در حال حرکت.<sup>۳</sup>

\* حدود عرفات عبارت‌اند از دشت‌های (عُرْنَة) و (ثَوْبَة) و (نَمْرَة) تا (ذی المجاز)، از (مأزمین) تا آخرین جای وقوف، و خود اینها حدود عرفات می‌باشند و جزء موقف نیستند.<sup>۴</sup>

\* ظاهر این است که کوه (رحمه) جزء موقف است، ولی افضل ایستادن در دامنه کوه از طرف چپ آن است.<sup>۵</sup>

\* وقوف باید از روی قصد و اراده باشد، و اگر در اوّل وقت وقوف مثلاً، آن را قصد کند و بعد از آن بخواهد یا بیهوش شود تا آخر وقت، کفایت می‌کند، و اگر بدون اینکه قصد وقوف کرده باشد در تمام وقت در حال خواب یا بیهوش باشد، وقوف از او حاصل نشده است، و اما اگر قصد وقوف کرده ولی در تمام وقت یا خواب و یا بیهوش باشد، کفایت این وقوف مورد اشکال است.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۳۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۷؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی

سیستانی، م ۷۴.

۲. مناسک حج، ص ۱۴.

۳. مناسک حج، ص ۲۶۶.

۴. مناسک حج، م ۳۶۵.

۵. مناسک حج، م ۳۶۶.

۶. مناسک حج، م ۳۶۷.

### خمس

\* اگر برای بچه نابالغ یا مجنون (دیوانه)، درآمد و منافی به دست آید - هر چند از هدایا باشد - اگر در بین سال تلف نشده باشد و در مؤونه او مصرف نشود، خمس به آن تعلق می‌گیرد و بر ولی بچه نابالغ یا مجنون واجب است که خمس آن را از مال بچه یا دیوانه بدهد و چنانچه ولی، آن را پرداخت نکند، بر بچه نابالغ پس از بلوغ و بر مجنون بعد از هوشیاری و سلامت، واجب است که خود، خمس آن را بدهد ولی اگر بچه نابالغی که ممیز است، از مجتهدی تقلید می‌کند که معتقد است مال بچه نابالغ خمس ندارد ولی او حق پرداخت خمس مال او را از مال وی ندارد.<sup>۱</sup>

\* آیا در منافع اموال صغیر و سفیه خمس واجب است؟  
- بله خمس دارد و وظیفه ولی اوست که باید خمس آنها را بدهد.<sup>۲</sup>

### زکات

\* چنانچه مالک طلا و نقره بچه نابالغ یا فرد دیوانه<sup>۳</sup> باشد، به طلا یا نقره مذکور زکات تعلق نمی‌گیرد و هنگامی که فرد، بالغ یا عاقل شد، در صورت جمع بودن سایر شرایط ثبوت زکات، از آن زمان، سال مربوط به زکات آغاز می‌شود.<sup>۴</sup>

\* اگر صاحب طلا و نقره در تمام سال یا مقداری از آن، مست یا بیهوش شود، زکات از او ساقط نمی‌شود.<sup>۵</sup>

\* چنانچه مالک شتر، گاو و گوسفند، بچه نابالغ یا فرد مجنون باشد، با وجود سایر شرایط ثبوت زکات، به این اموال زکات تعلق می‌گیرد و بر ولی شرعی بچه نابالغ یا فرد مجنون، واجب است زکات را از مال او پرداخت نماید. همچنین اگر صاحب آن حیوانات در تمام سال یا مقداری از آن، مست یا بیهوش شود، زکات از او ساقط نمی‌شود.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۳۸۷.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. حتی اگر در دوره‌ای از سال دیوانه باشد، زکات بر او واجب نمی‌شود البته اگر تنها برای مدت یک ساعت و مانند آن در طول سال دیوانه شود در صورت جمع بودن سایر شرایط زکات واجب می‌شود.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۳۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۳۱.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۷۱.

\* چنانچه مالک مال التجاره، بچه نابالغ یا فرد دیوانه<sup>۱</sup> باشد، به آن زکات تعلق نمی‌گیرد و هنگامی که فرد، بالغ یا عاقل شد، چنانچه سایر شرایط ثبوت زکات وجود داشته باشد سایر شرایط ثبوت زکات، از آن زمان، سال مربوط به زکات آغاز می‌شود.<sup>۲</sup>

\* اگر ولی شرعی بچه نابالغ یا فرد مجنون با اموال متعلق به کودک نابالغ یا شخص مجنون، برای آنان تجارت کند، مستحب است زکات مال التجاره آنان را در صورت وجود شرایط تعلق زکات در آن، از مالشان پرداخت نماید.<sup>۳</sup>

\* اگر شیعه فقیر، بچه نابالغ یا دیوانه باشد، انسان می‌تواند به ولی شرعی او زکات بدهد به قصد اینکه آنچه می‌دهد ملک طفل یا دیوانه باشد و می‌تواند خودش یا به وسیله یک نفر امین زکات را به مصرف طفل یا دیوانه برساند؛ ولی نباید این کار با حق حضانت (سرپرستی) کسی که بچه را نگهداری می‌کند یا ولایت فردی که ولی او است منافات داشته باشد و باید موقعی که زکات را به مصرف آنان می‌رساند، نیت زکات کند.<sup>۴</sup>

### زکات فطره

\* بر مکلفی که در موقع غروب شب عید فطر، شرایط ذیل را دارا باشد، پرداخت زکات فطره خود و کسانی که عرفاً نان خور او محسوب می‌شوند، واجب است:

۱. بالغ باشد.
۲. عاقل باشد.
۳. بیهوش نباشد.
۴. فقیر نباشد.
۵. بنده و عبد نباشد.<sup>۵</sup>

\* اگر پیش از غروب شب عید فطر شرایط وجوب برای فرد فراهم شود، مثل آنکه بچه بالغ شود یا دیوانه عاقل گردد یا فقیر، غنی شود، در صورتی که سایر شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکات فطره را بپردازد و همین‌طور بنا بر احتیاط واجب اگر این شرایط در فاصله بین غروب شب عید

۱. حتی اگر در دوره‌ای از سال دیوانه باشد، زکات بر او واجب نمی‌شود البته اگر تنها برای مدت یک ساعت و مانند آن در طول سال دیوانه شود با وجود سایر شرایط زکات، بنا بر احتیاط، واجب می‌شود.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۷۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۵۸۳.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۱۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۹۵۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۴۵.

فطر تا ظهر روز عید حاصل شود؛ اما اگر این شرایط بعد از ظهر روز عید پدید آید، پرداخت زکات فطره بر او واجب نیست.<sup>۱</sup>

\* کسی که فقیر است، پرداخت زکات فطره بر او واجب نیست. بنابراین، شخصی که مخارج سال خود و خانواده اش را ندارد و شغلی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و خانواده اش را از آن تأمین نماید، پرداخت زکات فطره بر او واجب نیست.<sup>۲</sup>

\* کسی که شخص دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد، ولی اگر آن شخص فطره وی را ندهد، چنانچه شرایط واجب شدن زکات فطره وجود داشته باشد، بر خود انسان، بنا بر احتیاط، واجب می شود فطره خویش را بپردازد و همچنین اگر فرد غنی، نان خور شخصی که فقیر است باشد، بر فقیر مذکور پرداخت زکات فطره واجب نیست و چنانچه فرد غنی دارای شرایط وجوب زکات فطره باشد، بر خود او، پرداخت زکات فطره لازم می شود.<sup>۳</sup>

\* اگر فرد پیش از ماه رمضان، زکات فطره را بدهد صحیح نیست ولی بعد از فرا رسیدن ماه رمضان می تواند زکات فطره را بدهد هر چند احتیاط مستحب آن است که در ماه رمضان هم فطره را ندهد و پرداخت آن را تا شب عید فطره به تأخیر اندازد، ولی اگر فرد، پیش از ماه رمضان به فقیر قرض بدهد و بعد از آنکه فطره بر او واجب شد، فقیر مذکور هنوز هم استحقاق دریافت زکات فطره را دارا باشد می تواند طلب خود را از فقیر بابت زکات فطره حساب کند.<sup>۴</sup>

\* اگر به نیت فطره مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید فطره به مستحق ندهد، هر وقت آن را به وی می دهد، باید نیت زکات فطره نماید و تأخیر در پرداخت زکات فطره های که کنار گذاشته شده، اگر برای غرض عقلایی باشد و سهل انگاری در پرداخت زکات محسوب نشود، اشکال ندارد. بنابراین اگر زکات فطره را برای پرداخت به فقیر معینی کنار بگذارد و دسترسی به آن فقیر فعلاً ممکن نباشد مثل اینکه فقیر مسافرت باشد می تواند پرداخت زکات فطره را به تأخیر بیندازد.<sup>۵</sup>

\* پرداخت زکات فطره بر فقیر، واجب نیست؛ اما مستحب است زکات فطره را بپردازد و چنانچه فقط به اندازه یک صاع گندم و مانند آن در نزد فقیر موجود باشد و افرادی هم نان خور او باشند - مثل اعضای خانواده اش - و بخواهد فطره آنان را هم بدهد، می تواند به قصد فطره، آن یک صاع را به یکی از آنان بدهد و او هم به همین قصد به دیگری بدهد و این عمل تکرار شود تا به نفر آخر برسد و بهتر

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۴۶.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۴۷.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۴۸.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۷۷.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۷۹.

است نفر آخر، چیزی را که می‌گیرد، به قصد فطریه، به کسی بدهد که از خودشان نباشد. و اگر یکی از آنان صغیر یا دیوانه باشد، ولی او به جای وی، آن را می‌گیرد و احتیاط مستحب آن است که به قصد او نگیرد، بلکه ولی، آن را برای خودش بگیرد و آنچه را برای خود گرفته، برای صغیر یا دیوانه، به عنوان زکات فطره به دیگری بپردازد.<sup>۱</sup>

\* مستحب است فرد در پرداخت زکات فطره، خویشان و فامیل و همسایگان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و سزاوار است که اهل علم و دین و فضل را در دادن زکات فطره بر دیگران مقدم دارد.<sup>۲</sup>

## خوردن

\* دادن نوشیدنی‌ها یا خوردنی‌هایی که نجس شده (متنجس) به اطفال، و افراد کم توان ذهنی چه حکمی دارد؟

- خوردن و آشامیدن چیز متنجس حرام است، و همچنین است خوردن آن به دیگری، ولی خوردن آن به طفل یا دیوانه، جایز است. و اگر خود طفل یا دیوانه غذای نجس را بخورد، یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد، لازم نیست از او جلوگیری کنند.<sup>۳</sup>

## تصرف در اموال

\* وضو گرفتن از نهرهایی که بنای عقلاء بر جواز تصرف در آنهاست بدون اجازه مالک - چه بزرگ باشد چه کوچک - اگرچه انسان نداند که صاحب آنها راضی است، اشکال ندارد. بلکه اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند، یا اینکه انسان بداند که مالک راضی نیست، یا اینکه مالک صغیر یا مجنون باشد، باز هم تصرف جایز است.<sup>۴</sup>

## ارث

\* محروم کردن افراد کم توان ذهنی از ارث جایز است؟  
- خیر، جایز نیست.<sup>۵</sup>

## ازدواج

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۸۴.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۸۵.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۳۵.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۰.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۴۴.

\* اصل ازدواج معلول ذهنی چه حکمی دارد؟ آیا جنسیت در حکم تأثیر دارد یا خیر؟  
- با اجازه ولی او انجام می‌شود چه مرد باشد چه زن.<sup>۱</sup>

\* ازدواج دو معلول ذهنی، باردار شدن زوجه و مشکل داشتن جنین پس از آزمایشات، در این شرایط آیا سقط جنین قبل از دمیدن روح و بعد از آن (چهار ماهگی) جایز است؟ آیا نظر قیّم قانونی در این مورد شرط است؟  
- اگر ماندن جنین برای مادر موجب حرج و مشقت زیاد باشد قبل از اتمام چهار ماه سقط جایز است ولی بر مباشر اسقاط - دیه لازم است.<sup>۲</sup>

\* دختر خانمی ازدواج نموده، و پس از آن طبق نظر متخصصان و اقرار خانواده و خود دختر، معلوم شده که قبل از ازدواج دارای مرتبه‌ای از جنون بوده، و اکنون ادامه زندگی با ایشان غیرممکن است.  
آیا شوهر حق فسخ دارد؟  
و در صورت فسخ، آیا زوجه مستحق مهرالمثل است، یا مهرالمسمی؟  
- اگر اکنون جنون به معنای عرفی آن نداشته باشد حق فسخ ندارد.<sup>۳</sup>

\* زنی به صورت مزمن مبتلا به جنون دائم یا ادواری بوده، و سوابق جنون و بستری شدن در بیمارستان روانی را از شوهر مخفی نگاه داشته، و حتی پس از طرح دعوا از طرف مرد، نیز موضوع را انکار نموده است. مرد پس از ازدواج و دخول و گذشت چند سال، از نوع بیماری و سوابق بستری شدن قبلی زوجه در بیمارستان آگاهی نسبی یافته، و بلافاصله پس از اطلاع، ضمن مشورت با حقوقدانان، اقدام به فسخ نکاح می‌نماید. حال اگر بیماری فوق سابقه اختلال روانی و واجد علائم جنون حداقل از سال ۱۳۶۷ (شش سال قبل از ازدواج) بوده، و در حال حاضر نیز دچار عوارض مزمن بیماری است، در فرض مسئله آیا مرد حق فسخ دارد، و به زن مهریه‌ای تعلق می‌گیرد؟  
- در صورتی که عقد ازدواج مبتنی بر عدم سابقه بیماری بوده است طبق ادعای زوجه مرد می‌تواند به دلیل تدلیس فسخ کند و با فرض این که تدلیس از خود زوجه بوده است مستحق مهر نیست.<sup>۴</sup>

### سقط جنین

\* خانمی در ماه‌های آخر حاملگی (ماه هشتم یا نهم) پس از سونوگرافی به تشخیص پزشکان جنین او ناقص الخلقه است و قطع نخاع و از نظر بیماری‌های مغزی دارای مشکل بسیار زیاد می‌باشد که معلوم نیست در حال زایمان و پس از زایمان بمیرد یا زنده بماند از طرفی مادرش با شنیدن این خبر

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

تبادل خود را از دست داده و به شدت روحش در عذاب است آیا سقط جنین جایز است؟ زیرا نگهداری چنین فرزندی برای خانواده اش قابل تحمل نیست؟  
- حرام است.<sup>۱</sup>

### مددیاری

\* استحمام و تعویض البسه و تشک معلولین ذهنی مرد توسط مددیاری زن و بالعکس چه حکمی دارد؟  
- با بودن مرد جایز نیست.<sup>۲</sup>

### آموزش و مهارت آموزی

#### رؤیت عکس

\* با توجه به اینکه بعضی از معلولین ذهنی قادر به تفکرات نیستند، آموزش مسائل جنسی بعد از ازدواج به معلولان ذهنی به صورت شیوه‌های خاص از جمله آموزش‌های تصویری چه حکمی دارد؟  
- اگر عکس واقعی نباشد اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

#### استفاده از موسیقی

\* استفاده از موسیقی به عنوان شیوه درمانی تخلیه هیجان و مهار غریزه جنسی در معلولین ذهنی به علت عدم پاسخگویی برخی از آنها به دارو چه حکمی دارد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

### محتضر و میت

\* رو به قبله کردن شیعه دوازده امامی که محتضر است یعنی در حال جان دادن می‌باشد، مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، بر هر مسلمانی، بنا بر احتیاط واجب، لازم است یعنی در صورت امکان، بنا بر احتیاط، باید او را به پشت بخوابانند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد و چنانچه بدانند خود محتضر راضی است و محتضر، از کسانی که قاصر هستند مثل بچه نابالغ یا دیوانه نباشد، لازم

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

نیست برای این کار، از ولی او اجازه بگیرند و در غیر این صورت، اجازه گرفتن از ولی او بنا بر احتیاط، لازم است.<sup>۱</sup>

### تجهیز میت

\* ولی زن، شوهر اوست و در غیر این مورد، وارث، به ترتیبی که در طبقات ارث خواهد آمد ولی میت است و در هر طبقه، مردان بر زنان مقدم هستند. به این معنا که مثلاً اگر در طبق اول مادر و پسر (با وجود شرایطی که بعداً ذکر می‌شود) هستند، ولایت با پسر است اما اگر پسر دارای شرایط نداشته باشد، مادر، ولی میت است و نوبت به طبقه بعد نمی‌رسد و چنانچه میت هیچ‌کدام از فامیل و بستگانش موجود نباشند یا اگر کسی هم موجود است صلاحیت شرعی ولایت را دارا نباشد مثل اینکه دیوانه باشد و نوبت به حاکم شرع یا مؤمنین عادل برسد، ولایت شرعی برای حاکم شرع یا مؤمنین عادل در مورد تجهیز میت ثابت نیست و چنین میتی بدون ولی شرعی محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

\* افرادی که در تجهیز میت ولایت ندارند عبارت‌اند از: فرد نابالغ، فرد دیوانه و نیز فرد غایبی که نمی‌تواند شخصاً یا با مأمور کردن فرد دیگری امور تجهیز میت را به عهده بگیرد.<sup>۳</sup>

\* در موارد زیر اجازه ولی ساقط است و تجهیز میت بر بقیه مکلفین واجب کفایی می‌باشد:

الف. ولی شرعی از انجام کارهای مربوط به تجهیز میت شخصاً یا با مأمور کردن فرد دیگر امتناع ورزد.  
ب. ولی، غایب گردد به گونه‌ای که دسترسی به او ممکن نباشد و در مراتب بعد هم ولی شرعی برای میت نباشد.

ج. ولی، دیوانه شود و در مراتب بعد هم ولی شرعی برای میت نباشد.

د. میت، ولی شرعی نداشته باشد.<sup>۴</sup>

\* غسل و کفن و حنوط و دفن بچه مسلمان، هرچند از زنا باشد، واجب است و کسی که از کودکی، دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده، چنانچه پدر یا مادر او مسلمان باشند، احکام مسلمانان را دارد و غسل و کفن و دفن او همانند سایر مسلمانان است.<sup>۵</sup>

### کفن میت

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۵۶.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۶۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵۳۵.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۷۱.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۸۰.



\* کفن زن بر عهده شوهر است هر چند زن صغیره یا دیوانه باشد یا با او دخول نشده باشد یا غنی بوده و از خود مال داشته باشد و همچنین است اگر زن عقد موقت بوده یا ناشزه و نافرمان بوده و از شوهرش اطاعت نمی کرده است و اگر زن را به شرحی که در احکام طلاق گفته می شود، طلاق رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عده بمیرد، شوهرش باید کفن او را بدهد و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد ولی شوهر باید از مال او، کفن همسرش را بدهد.<sup>۱</sup>

\* کفن زن بر شوهر است، اگر چه زن از خود مال داشته باشد. و همچنین اگر زن را به شرحی که در احکام طلاق گفته می شود، طلاق رجعی بدهند پیش از تمام شدن عده بمیرد، شوهرش باید کفن او را بدهد. و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد، ولی شوهر باید از مال او کفن زن را بدهد.<sup>۲</sup>

### نماز میت

\* کسی که بر میت نماز می خواند باید عاقل باشد (دیوانه نباشد) و بنا بر مشهور شیعه دوازده امامی باشد. ولی اگر غیر دوازده امامی بر بدن میتی که غیر دوازده امامی است نماز خوانده باشد، لازم نیست شیعه دوازده امامی آن را دوباره بخواند مگر آنکه ولی میت باشد.<sup>۳</sup>

### نیش قبر

\* نیش قبر مسلمان، یعنی شکافتن قبر او هر چند طفل یا دیوانه باشد حرام است، ولی اگر بدنش از بین رفته و تمام گوشت و استخوان هایش خاک شده باشد، نیش قبر او اشکال ندارد مگر آنکه نیش قبر موجب هتک حرمت میت یا تصرف در ملک دیگری بدون رضایت او یا عنوان حرام دیگری باشد که در این صورت جایز نیست.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۷۱۸.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۵۶۳.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۷۴۲.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۷۸۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۳۰.



## احکام معلولین حرکتی

### قرآن و حدیث

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۱</sup>

\* افراد قطع نخاع که روی تختخواب قضای حاجت را در کیسه و ظرف مخصوص انجام می‌دهند تختخواب برای آن‌ها حکم مکان تخلی را دارد و بردن قرآن و نام خداوند در آن حرام است؟  
- حرام نیست.<sup>۲</sup>

### طهارت

\* کسی که با دست و زانو راه می‌رود، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود، بنا بر احتیاط واجب با راه رفتن پاک نمی‌شود و همچنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهار پایان و چرخ موتور، ماشین و مانند اینها.<sup>۳</sup>

\* من معلولی هستم که هر دو سه ماه یکبار حمام می‌کنم. باتوجه به شرایطم آیا با این وجود نماز قبول است، همچنین دستشویی را چکار کنم؟  
- نماز خواندن با بدن نجس در مفروض سوال اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* فرد قطع نخاعی که ادرار و مدفوع بی اختیار از او خارج می‌شود، و بسیاری از اوقات بدنش نجس است. آیا می‌تواند قرآن همراه خودش داشته باشد، یا حمل قرآن برای او مجاز نیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

۱. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۱.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۸۲.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

## مسجد

\* اگر فرد نتواند مسجد را تطهیر نماید، تطهیر مسجد بر او واجب نیست ولی اگر باقی گذاشتن نجاست موجب هتک حرمت باشد، چنانچه بداند یا بنا بر احتیاط واجب احتمال معقول بدهد که اگر به دیگری اطلاع دهد این کار انجام می‌گیرد باید به او اطلاع دهد.<sup>۲</sup>

\* بردن عین نجس و متنجس به مسجد، اگر بی‌احترامی به مسجد باشد، حرام است بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی‌احترامی هم نباشد، عین نجس را به مسجد نبرند مگر آنچه که از توابع انسانی که وارد می‌شود، شمرده شود مانند خون زخم یا جراحی که در بدن یا لباس او است.<sup>۳</sup>

## ته عصا و پای مصنوعی

\* اگر ته عصا، پای مصنوعی و لاستیک چرخ ویلچر نجس باشند، آیا به وسیله زمین پاک می‌شوند؟  
- به احتیاط واجب پاک نمی‌شود.<sup>۴</sup>

## بول و غائط

\* معلولینی که قطع نخاع دارند و قادر به جلوگیری بول نیستند آیا برای آنها جایز است که بین وضو و نمازشان فاصله واقع شود تا بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند؟  
- جایز است.<sup>۵</sup>

## وضو

\* انسان تا می‌تواند، در کارهای وضو نباید از دیگری کمک بگیرد مثلاً اگر کسی عذری دارد و دست راست او شکسته و نمی‌تواند آن را حرکت دهد برای شستن صورت از دست چپ کمک بگیرد یا صورت را به نیت وضو زیر شیر آب یا داخل حوض به کیفیتی که قبلاً بیان شد، بشوید و بعد از وضو دادن دست راست، دست چپ را به نیت وضو با مراعات ترتیب، زیر شیر آب یا داخل حوض بشوید، سپس مسح سر و پاها را با دست چپ می‌کشد.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۶۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۷۲.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۲-۵۳؛ مسائل جدید، ج ۵، ص ۸۵-۸۶.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۱۴.

\* کسی که نمی‌تواند به تنهایی وضو بگیرد، باید از دیگری کمک بگیرد و در صورت امکان، مسح کشیدن با مشارکت هر دو باشد ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید و اگر مشارکت خود شخص ممکن نباشد، باید از شخص دیگر بخواهد که او را وضو بدهد و در این صورت، احتیاط واجب آن است که هر دو نیت وضو نمایند و اگر ممکن باشد باید نایب دست او را بگیرد و به محل مسح وی بکشد و چنانچه این کار هم ممکن نباشد، باید نایب از دست او رطوبت و تری بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند و اگر نایب مزد بخواهد در صورتی که بتواند و از نظر مالی به حالش ضرر نداشته باشد، باید بپردازد.<sup>۱</sup>

\* هر کدام از کارهای وضو را که فرد می‌تواند انجام دهد نباید در آن از دیگری کمک بگیرد.<sup>۲</sup>

\* کمک گرفتن برای انجام مقدمات وضو مثل آب آوردن، گرم کردن آب و ریختن آب در کف دست وضو گیرنده، اشکال ندارد هر چند مورد آخر، مکروه است.<sup>۳</sup>

\* وضو گرفتن برای افرادی که از کمر قطع نخاع می‌باشند، ولی دست‌هایشان را می‌توانند حرکت دهند، چگونه است؟  
- آن چه می‌توانند باید خود انجام دهند.<sup>۴</sup>

\* فردی که دو دست او از مچ قطع شده، برای وضو هنگام شستن پهنای صورت گفته شده است که باید مقداری که بین انگشت وسط و شصت قرار می‌گیرد شسته شود حکم او چیست و چه مقداری از صورت را باید بشوید؟  
- مقدار آن با ملاحظه بقیه افراد مشخص است.<sup>۵</sup>

\* معلولی است که به دلیل قطع دو دست هنگام وضو مجبور است برای شستن صورت آن را زیر شیر آب بگیرد و سپس تمامی صورت را دست می‌کشد تا آب به آن برسد آیا این مقدار کفایت می‌کند؟  
- دست کشیدن لازم نیست.<sup>۶</sup>

\* در هنگام وضو به علت قطع دو دست گاهی اوقات به ناچار صورت از پایین به بالا شسته می‌شود آیا خللی بر وضو وارد می‌شود؟ و در این صورت تکلیف نمازهای قبلی که خوانده شده است چیست؟

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۷.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- مقداری به عکس شود با اینکه قصد شستن در آن حال ندارد وان جا را قبلاً یا بعداً از بالا نشسته یا می‌شوید اشکالی ندارد.<sup>۱</sup>

\* برادر معلولی که دستانش از آرنج قطع شده و نمی‌تواند با باقیمانده دست‌ها هر دو طرف صورت را بشوید آیا مجاز است، طرف چپ صورت را با بازوی دست چپ و طرف راست صورت را با بازوی دست راست بشویم؟  
- اساساً دست مالیدن لازم نیست کافی است که آب برسد.<sup>۲</sup>

\* اگر یک دست قطع گردیده و به خاطر حساسیت مقداری از دست خود را باندپیچی کرده است باید چگونه وضو بگیرد؟  
- باید تیمم کند.<sup>۳</sup>

\* معلولی هستم که بر اثر جراحت وارده هر دو دستانش هیچ‌گونه حس و حرکتی ندارد تکلیف او در وضو چیست؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۴</sup>

\* معلولی که دو دستش قطع شده و با باقی مانده دست‌هایش هنگام وضو مسح سر و پا می‌کند ولی به دلیل کوتاهی دست آب وضویی که بر روی دست‌ها مانده به قدری نمی‌باشد که مسح سر و پا را با آن بتوان کاملاً انجام داد تکلیف چیست؟  
- برای هر کدام به مقدار عرض یک انگشت کافی است و برای مسح سر کافی است که آن را بر جای مسح تکانی بدهد.<sup>۵</sup>

\* فردی که دو دستش قطع شده و دست مصنوعی به جای آن می‌بندد و برای وضو در آوردن دست‌های مصنوعی برایش مشکل است چه تکلیفی دارد؟  
- اگر حرج غیر قابل تحملی است و با کمک دیگران هم میسر نیست تیمم کند.<sup>۶</sup>

\* کسی که دست‌هایش قطع شده و به هنگام وضو گرفتن ناخودآگاه چندین بار دستش خیس می‌شود آیا این وضو صحیح است؟

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- باید اجتناب کند.<sup>۱</sup>

\* آیا معلولی که دو دستش از آرنج قطع شده است برای او شستن صورت در هنگام وضو لازم است؟  
- لازم است.<sup>۲</sup>

\* آیا شستن دست‌ها برای معلولی که دو دستش از آرنج قطع شده در وقت وضو گرفتن لازم است؟  
- اگر از استخوان آرنج چیزی باقی مانده باید شسته شود وگرنه لازم نیست.<sup>۳</sup>

\* معلولی که دو دستش قطع شده آیا جایز است فرد دیگری آب بریزد و او وضو بگیرد؟  
- جایز است.<sup>۴</sup>

\* هنگام وضو گرفتن به دلیل اینکه دو دستش قطع می‌باشد زمان زیادی طول می‌کشد تا تک تک اعضا را وضو بدهد آیا وضو باطل است؟  
- باطل نیست.<sup>۵</sup>

\* نحوه وضو گرفتن در صورت نداشتن دست چپ به چه صورت است؟  
- دست راست را زیر شیر آب بشوید و با همان سر و پاها را مسح کند.<sup>۶</sup>

\* معلولی که یک دست آن قطع شده و به خاطر حساسیت مقداری از دست خود را باندپیچی کرده باشد، چگونه باید وضو بگیرد؟  
- اگر نتواند باز کند تیمم کند و وضوی جبیره نیز بگیرد.<sup>۷</sup>

\* آیا برای معلولی که دو دستش از آرنج قطع شده، شستن صورت لازم است؟  
- زیر شیر آب از بالا به پایین بشوید.<sup>۸</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۸. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* آیا شستن باقیمانده دست‌ها برای جانمایی که دو دستش از آرنج قطع شده در وقت وضو لازم است؟  
- لازم نیست.<sup>۱</sup>

\* آیا برای هر وضو باید سند و کاندوم را به علت نجس بودن از مجرای ادرار جدا کرد و سپس وضو گرفت، با توجه به اینکه تعویض و تهیه آن برای فرد قطع نخاع مشقت دارد؟  
- در صورت مشقت لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* آیا فرد قطع نخاع در هنگام وضو علاوه بر اعضای وضو که می‌باید پاک باشد دیگر قسمت‌ها مانند اطراف مخرج بول یا غائط نیز باید عاری از نجاست باشد این در حالی است که دفع ادرار و مدفوع در اختیار ایشان نمی‌باشد و خود به خود بدن نجس می‌شود؟  
- طهارت سایر مواضع شرط صحت وضو نیست.<sup>۳</sup>

\* نجس بودن کاندوم و کیسه ادرار آیا برای وضو گرفتن اشکال دارد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن معمولاً همراه خود کیسه‌های ادرار دارند و اکثر مواقع بول آنها در حال ریزش است و داریم که در هنگام وضو محل بول و غائط باید پاک باشد و حدث باعث بطلان وضو می‌شود، تکلیف این گونه افراد در وضو چیست؟  
- جواب روشن شد.<sup>۵</sup>

\* افراد قطع نخاع که ادرار از آنها به طور دائم خارج می‌شود برای وضو و انجام فریضه نماز چه باید بکنند؟  
- با یک وضو هر مقدار نماز بخواند می‌تواند بخواند و فقط با مبطلات دیگر وضوی او باطل می‌شود.<sup>۶</sup>

\* وضو گرفتن با کیسه ادرار که درون آن ادرار است چه حکمی دارد؟  
- صحیح است.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



\* انگشتان دست بعضی از افراد قطع نخاع در موقع وضو باز نمی‌شود و به قسمتی از انگشتان ایشان آب وضو نمی‌رسد در این حالت وضو چه حکمی دارد؟ وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر با کمک دیگران هم نتواند آب برساند باید تیمم کند و اگر تیمم هم به طور کامل ممکن نیست باید به همین نحو که ممکن است هم تیمم کند هم وضو بگیرد.<sup>۱</sup>

\* معلولی که به هنگام وضو گرفتن به طور سهوی دستش طوری قرار می‌گیرد که آب وضو به طرف بالا سرازیر می‌شود آیا اشکال در وضو ایجاد می‌شود یا خیر؟  
- اشکال ندارد کافی است که قصد شستن وقتی باشد که از بالا به پایین آب می‌رسد.<sup>۲</sup>

\* در افرادی که معلولیت جسمی دارند در هنگام وضو ساختن یا مسح کشیدن آیا حرکات غیرارادی اعضاء وضو را دچار اشکال می‌کند؟  
- اشکال ندارد.<sup>۳</sup>

\* آیا فرد قطع نخاع از گردن که خود قادر به گرفتن وضو نیست ولی می‌تواند نایب بگیرد جایز است بدون وضو نماز بخواند؟  
- صحیح نیست.<sup>۴</sup>

\* فرد قطع نخاع که اگر در منزل بماند با وسایلی که دارد و یا با کمک نایب به راحتی می‌تواند وضو بگیرد اما برای کار و یا تحصیل مجبور است از خانه بیرون برود و در هنگام نماز نمی‌تواند در خارج از منزل وضو بگیرد و یا وضویی که می‌گیرد ناقص است آیا لازم است دائم در خانه بماند و کار و تحصیل را رها نماید؟  
- باید برای نماز به خانه یا هر جایی که نایب می‌تواند بیاید بازگردد.<sup>۵</sup>

\* افرادی که بر اثر مجروحیت دائماً آمپول می‌زنند و چسبی که روی محل سوزن زده می‌شود را نمی‌توانند جدا نمایند و وضو بگیرد تکلیف آن‌ها چیست؟ حکم اثر باقیمانده چسب زخم روی دست چیست؟  
- باید برطرف شود.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* افراد قطع نخاع که بول و غائط از آن‌ها خارج می‌شود و در هنگامی که وضو می‌گیرند باید سریعاً نماز بخوانند تا وضویشان باطل نشود آیا اگر احتمال بدهند که با طولانی شدن نماز وضویشان باطل می‌شود جایز است که مستحبات مانند اذان و اقامه را بگویند؟  
- نباید بگویند.<sup>۱</sup>

\* افراد قطع نخاع که خودشان می‌توانند وضو بگیرند ولی برای درآوردن کفش یا جوراب از پا مشقت دارند و از دیگران هم نمی‌توانند کمک بگیرند می‌توانند از روی کفش یا جوراب مسح بکشند؟  
- مجزی نیست و باید تیمم کنند.<sup>۲</sup>

\* وضو گرفتن در افرادی که قطع نخاع از کمر می‌باشند ولی دست‌هایشان می‌تواند حرکت کند چگونه است؟  
- وضوی معمولی باید بگیرند.<sup>۳</sup>

\* افراد معلول و قطع نخاع آیا جایز هستند که در هنگام وضو بعضی از اعضاء را وضو بدهند و برای بعضی دیگر مثلاً مسح پا یا سر مسافتی را طی بکنند و آنگاه ادامه وضو را بجا آورند؟  
- اگر به مقداری نباشد که موالات فوت شود اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* افراد قطع نخاع که دائم الوضو هستند آیا می‌توانند به جای وضو گرفتن از تیمم استفاده کنند؟ در این صورت آیا ثواب وضوی مستحبی را دارند و با این تیمم می‌توان نماز خواند؟  
- به احتیاط واجب تیمم به جای وضو در این صورت صحیح نیست ولی به قصد رجا اشکال ندارد اما نماز با آن محل اشکال است.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاع از گردن که هنگام قرآن خواندن برای ورق زدن قرآن از لب و دهان کمک می‌گیرد در صورت مشقت برای وضو گرفتن و نبودن کمک دیگران بدون وضو می‌تواند این کار را انجام دهد؟  
- جایز نیست.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* دو دست فردی در جنگ تحمیلی از مچ قطع شده است. هنگام شستن پهنای صورت، که باید مقدار بین انگشت وسط و شصت شسته شود، وظیفه او چیست؟ چه مقداری از صورت را باید بشوید؟  
- معیار حدودی است که با دست معمولی و بر صورت‌های معمولی محدود می‌شود.<sup>۱</sup>

\* معلولی که به دلیل قطع دو دست، مجبور است برای شستن صورت آن را زیر شیر آب بگیرد، و سپس صورت را دست می‌کشد تا آب به آن برسد، آیا این مقدار کفایت می‌کند؟  
- کفایت می‌کند و اگر دست نکشد هم کافی است.<sup>۲</sup>

\* در هنگام وضو به علت قطع دو دست، گاه از پایین به بالا شسته می‌شود. آیا خللی بر وضو وارد می‌شود؟ تکلیف نمازهای قبلی چیست؟  
- با فرض اینکه قصد او در وضو شستن است که از بالا است اشکالی ندارد.<sup>۳</sup>

\* معلولی که دستانش از آرنج قطع شده، و نمی‌تواند با باقیمانده دست‌ها هر دو طرف صورت را بشوید. آیا مجاز است طرف چپ صورت را با بازوی دست چپ، و طرف راست صورت را با بازوی دست راست بشوید؟  
- مجاز است و دست کشیدن اصلاً لازم نیست.<sup>۴</sup>

\* فردی قطع نخاع که با دست‌هایش به سختی می‌تواند مسح بکشد، اما هنگام مسح کشیدن آب شربه می‌کند، و از روی موها به صورتش می‌ریزد. آیا وضوی این شخص صحیح است؟ اگر صحیح نیست، تکلیف چیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* معلولی به خاطر فلج شدن هر دو پا، به مساعدت کفش طَبّی و عصا راه می‌رود. از آن جا که بیرون آوردن کفش طَبّی در موقع وضو به هیچ وجه امکان ندارد، تکلیف شرعی او در ارتباط با مسح پاها چیست؟  
- باید تیمم کند و بهتر است وضو نیز بدون مسح پا انجام دهد.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* آیا حرکات غیر ارادی اعضای وضو در افرادی که معلولیت جسمی دارند، به هنگام وضو یا مسح کشیدن، وضو را دچار اشکال می‌کند؟  
- اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاعی که عادت کرده دائماً با وضو باشد، گاهی از اوقات کسالت جسمی، اجازه وضوی مستحبی به او نمی‌دهد، آیا می‌تواند تیمم کند؟ در این صورت، آیا ثواب وضوی مستحبی را می‌برد؟ آیا با این تیمم می‌تواند نماز مستحبی بخواند؟  
- در این فرض تیمم مشروعیت ندارد و می‌تواند به قصد رجا انجام دهد ولی با آن نمی‌تواند کاری که متوقف بر طهارت است انجام دهد.<sup>۲</sup>

\* اگر یکی از افراد کم توان ذهنی یا معلولان جسمی - حرکتی، کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد، ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شود، وضو چه حکمی دارد؟  
- وضوی او صحیح است.<sup>۳</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن که همیشه نایب برای آنها وضو می‌گیرد اگر نایب از منزل بیرون برود تا پایان وقت برنگردد تکلیف چیست؟ آیا وضو از من ساقط می‌شود؟  
- اگر کسی دیگر نیست و نمی‌توانید تیمم کنید نماز ساقط است و بنا بر احتیاط قضا لازم است.<sup>۴</sup>

### نایب گرفتن

\* کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد وظیفه‌اش چیست؟  
- باید از دیگری کمک بگیرد هر چند شستن و مسح کشیدن با مشارکت هر دو باشد.<sup>۵</sup>

\* کسی نمی‌تواند وضو بگیرد و باید نایب بگیرد که او را وضو دهد چنانچه نایب مزد بخواهد، وظیفه‌اش چیست؟  
- در صورتی که بتواند و مضر به حالش نباشد باید بدهد.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۷۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۳.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

\* کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد و اگر بخواهد نایب بگیرد که او را وضو دهد چگونه باید او را وضو دهد؟

- باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر مشارکت خود شخص ممکن نباشد، باید از شخص دیگر بخواهد که او را وضو بدهد، و در این صورت احتیاط واجب آن است که هر دو نیت وضو نمایند، و اگر ممکن باشد باید نائیش دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد، و اگر این هم ممکن نباشد باید نایب از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند.<sup>۱</sup>

\* در صورتی که نتواند وضو بگیرد و وظیفه‌اش نایب گرفتن است، چه کسی باید نیت کند؟  
- احتیاط واجب آن است که خود او و نایب هر دو نیت وضو کنند.<sup>۲</sup>

\* آیا می‌تواند در کارهای وضو کمک بگیرد؟

- هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد نباید در آن کمک بگیرد.<sup>۳</sup>

\* در صورتی که نتواند وضو بگیرد و نایبی که او را وضو می‌دهد نتواند با دست معلول مسح کند باید از کدام یک از اعضا وضوی او رطوبت بگیرد و او را مسح دهد؟  
- از دست رطوبت بگیرد و سر و پای او را مسح کند.<sup>۴</sup>

\* فردی که دو دستش قطع شده، و بجای آن از دست مصنوعی استفاده می‌کند، و به هنگام وضو در آوردن دست‌های مصنوعی برایش مشکل است چه کند؟  
- از کسی کمک بخواهد و اگر ممکن نشد تیمم کند و وضوی جبیره نیز بگیرد.<sup>۵</sup>

\* فردی که از گردن قطع نخاع شده باشد و خود قادر به انجام اعمال وضو نباشد چگونه باید وضو بگیرد؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۷؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۶.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۸۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵.

۵. استفتاء از دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاع از گردن که به پشت بر تخت خوابیده توسط شخص دیگر وضو داده می‌شود، آیا لازم است هنگام وضو دادن سر شخص را کمی بلند کند تا جریان آب از بالا به پایین که در وضو شرط است بر او صدق کند؟  
- لازم نیست.<sup>۱</sup>

\* در فرد قطع نخاع از گردن که بر پشت خوابیده و توسط شخص دیگر وضو داده می‌شود مسح پا چگونه باید کشیده شود و این در حالی است که از پشت خوابیده و دست او به پایین نمی‌رسد آیا خود وضو دهنده می‌تواند از آب دست این فرد بگیرد و مسح پاها را بکشد؟  
- همین کار را باید انجام دهد.<sup>۲</sup>

\* فردی هستم قطع نخاع از گردن که برای وضو نایب می‌گیرد و نایب کمک می‌کند تا با دست‌های خود صورتش را بشوید اما قسمتی از صورتش را با دست‌هایش نمی‌تواند بشوید تکلیف چیست؟  
- نایب با دست خود بشوید.<sup>۳</sup>

\* فردی که قطع نخاع از گردن می‌باشد و در هنگام وضو نایب می‌گیرد که برای شستن صورت یک طرف صورتش را با یک دست و طرف دیگر صورت با دست دیگرش شسته می‌شود و امکان ندارد که همه صورتش را با یک دست بشوید آیا صحیح است؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* فردی که قطع نخاع می‌باشد و باز و بسته کردن شیر و ریختن آب روی صورت برایش مشکل است آیا می‌تواند در آب ریختن از دیگری کمک بگیرد یعنی یک نفر آب روی صورتش بریزد و او با دست آن را بشوید؟  
- می‌تواند.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاع از گردن که برای وضو ساختن نایب می‌گیرد در هنگام شستن صورت که نایب با دست‌های خودش این کار را برای او انجام می‌دهد، چه مقدار از صورت باید شسته شود؟  
- همان مقدار که دیگران می‌شویند.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* آیا لازم است نایب برای وضو دادن حتماً از دست‌های خود فرد قطع نخاع برای شستن اعضاء کمک بگیرد در غیر این صورت آیا جایز است که نایب با دست‌های خود دست و صورت فرد قطع نخاع را بشوید و او را مسح سر و پا کند؟  
- اگر معلول نمی‌تواند حتی با کمک دیگری خود مباشرت شستن کند لازم نیست نایب با دستان معلول صورت و دستان او را بشوید بلکه می‌تواند با دست‌های خود بشوید ولی در مسح سر و پا باید در صورت امکان از دست او استفاده کند.<sup>۱</sup>

\* کسی که قطع نخاع می‌باشد و در وضو گرفتن نایب دارد و خودش دست‌ها و صورتش را می‌شوید اما مسح را نمی‌تواند و نایب برایش انجام می‌دهد آیا نایب برای مسح کشیدن باید از رطوبت دست و صورت او استفاده کند و یا رطوبتی که از وضو دادن او در دست‌هایش باقی مانده برای این کار کافی است؟  
- فقط از رطوبت دست باید استفاده شود.<sup>۲</sup>

\* آیا به همان ترتیبی که وضو گیرنده باید وضو بگیرد وضو دهنده هم باید آن را رعایت بکند مثلاً با دست راست دست چپ را بشوید نایب نیز باید همین کار را بکند یا همه کارها با یک دست می‌تواند انجام دهد؟  
- اساساً لازم نیست دست راست با دست چپ شسته شود و بر عکس بلکه می‌تواند فقط زیرآب بگیرد و نایب هم می‌تواند این کار را بکند یا به هر وسیله بشوید.<sup>۳</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن برای وضو گرفتن نایب می‌گیرند آیا هر دو آنها باید نیت قصد قربت داشته باشند یا فقط فرد قطع نخاع؟ و یا فقط نایب؟ کدامیک؟  
- اگر معلول خود می‌شوید ولی از نایب کمک می‌گیرد خودش نیت می‌کند و اگر نایب دست و صورت او را می‌شوید و با دستان او یا خودش مسح می‌کند به احتیاط واجب باید هر دو نیت کنند.<sup>۴</sup>

\* در وضو گرفتن افراد قطع نخاع از گردن حصول یقین در شسته شدن دست‌ها، صورت و مسح سر و پاها به طور کامل و به مقدار واجب بر عهده کیست؟ وضو دهنده و یا فرد داده شده؟  
- فرد معلول باید یقین کند هر چند از جهت اطمینان به دقت نایب.<sup>۵</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* اگر بین نایب و فرد قطع نخاعی که وضو داده شده اختلاف نظر باشد یکی بگوید وضو دارم و دیگری بگوید وضو نداری حرف کدام مقدم است و چه باید کرد؟  
- معیار اطمینان شخص معلول است.<sup>۱</sup>

\* اگر بین نایب و فرد قطع نخاعی که وضو داده شده شک در صحت وضو ایجاد شود و یکی می گوید وضو صحیح بود و دیگری می گوید صحیح نبود، حرف کدام مقبول است و تکلیف چیست؟  
- مانند مورد قبل است.<sup>۲</sup>

\* اگر فرد قطع نخاعی که نایب او را وضو می دهد در اعضاء وضو پس از وضو نجاست ببیند و یا مانع رسیدن آن به عضو وضو داده شده را ملاحظه کند تکلیف چیست اگر نایب بگوید در هنگام وضو نجاست و یا مانع نبوده آیا حرف او را بپذیرد؟  
- احتمال کافی است حتی اگر نایب نگوید.<sup>۳</sup>

\* یکی از شرایط وضو پاک بودن محل وضو است حال اگر فرد قطع نخاع از گردن امکان شستن و تطهیر آن را نداشته باشد وظیفه اش در گرفتن وضو چیست؟ و این در صورتی است که نایب هم در دسترس نیست؟  
- وظیفه تیمم است.<sup>۴</sup>

\* افرادی که قطع نخاع می باشند و در هنگام خم شدن برای کشیدن مسح پا، دستشان به نوک انگشتان پا نمی رسد چگونه مسح را انجام دهند؟  
- از کسی کمک بگیرند.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاع که برای وضو گرفتن اگر نایب بگیرد وضو به شکل صحیح گرفته می شود و اما اگر خودش بخواهد وضو بگیرد در بعضی از اعضاء به جای آنکه آب از بالا به پایین ریخته و عضو شسته شود از پایین به بالا عضو شسته می شود حال اگر نایب بگیرد بهتر است یا خود انجام دهد؟  
- باید نایب بگیرد.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



\* فرد قطع نخاع که اگر نایب بخواهد آن را وضو دهد احتمال می‌رود که طول بکشد و اعضاء وضو خشک شود آیا در این صورت خللی به وضو وارد می‌شود؟  
- اشکالی ندارد.<sup>۱</sup>

\* فردی هستم قطع نخاع از گردن که برای وضو گرفتن نایب می‌گیرم نایب مرد در دسترس نیست و زن نامحرم حاضر است تکلیف چیست؟  
- اگر مستلزم دست زدن بدون دستکش باشد جایز نیست.<sup>۲</sup>

\* آیا لازم است که در هنگام وضو نایب (وضو دهنده) را راضی کرد و این در حالی است که او حقوق خود را جهت پرستاری از این معلول دریافت می‌کند و لیکن برای وضو دادن هنوز اکراه دارد دستمزد بیشتری می‌خواهد؟  
- در این فرض لازم نیست راضی باشد.<sup>۳</sup>

\* معلول قطع نخاع از گردن خودش نمی‌تواند وضو بگیرد و باید نایب داشته باشد آیا می‌تواند برای راضی کردن نایب به او دستمزد بدهد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* نایب هنگام وضو دادن فرد قطع نخاع که دست‌هایش بی‌حس است و حرکت نمی‌کند از دست‌های خودش کمک می‌گیرد آیا برای شستن صورت فرد قطع نخاع کافی است که نایب به اندازه فاصله انگشت شصت و انگشت وسطی دست خودش صورت آن فرد را وضو دهد؟ یا مقدار بیشتری از صورت او را باید بشوید؟  
- اگر دست او و صورت معلول معمولی باشد کافی است.<sup>۵</sup>

\* معلولین و افرادی که قطع نخاع شده‌اند و قدرت بر نگهداری بول را ندارند آیا برای ایشان جایز است شرکت در نماز جمعه و استماع خطبه و ادای نماز جمعه و عصر یا وضوی کسی که نمی‌تواند بولش را نگهدارد؟  
- جایز است.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* نایب هنگام وضو دادن فرد قطع نخاع، که دست‌هایش بی‌حس است و حرکتی ندارد، از دست‌های خود کمک می‌گیرد. آیا برای شستن صورت فرد قطع نخاع کافی است که نایب به اندازه فاصله انگشت شصت و انگشت وسط دست خود، صورت آن فرد را وضو دهد؟ یا باید مقدار بیشتری از صورت او را بشوید؟  
- اگر دست او و صورت معلول معمولی است کافی است.<sup>۱</sup>

\* معلولی که بر اثر جراحت وارده، دستانش هیچ‌گونه حس و حرکتی ندارد، تکلیف او برای وضو چه می‌باشد؟  
- از کسی کمک بخواهد.<sup>۲</sup>

\* کسی که قادر بر وضو نیست، نایب گرفته، و خودش نیت وضو نموده، و با دست خود مسح می‌کند، و اگر قادر بر مسح نباشد نایب دست وی را گرفته و با آن مسح می‌کند، و اگر از آن هم ناتوان باشد نایب با گرفتن رطوبت از دست او عمل مسح را انجام می‌دهد. اگر این شخص دست نداشته باشد، چه حکمی دارد؟  
- نایب از محاسن او و اگر نباشد از صورت او رطوبت می‌گیرد و مسح می‌کند.<sup>۳</sup>

\* فرد قطع نخاعی که در هنگام وضو گرفتن آب روی پاهایش می‌چکد. آیا برای مسح پا باید نایب بگیرد تا روی پا را خشک کند؟ اگر نایب وجود نداشته باشد تکلیف چیست؟ این در حالی است که خشک کردن روی پا برایش مشقت دارد.  
- مسح بر مقدار باریکی به عرض یک انگشت بلکه کمتر هم کافی است و اگر همه روی پا خیس بود و نتوانست از کسی کمک بخواهد به همان حالت مسح کند.<sup>۴</sup>

\* اگر نایب بخواهد فرد وضو گیرنده را وضو دهد، احتمال آن می‌رود که طول بکشد و اعضای وضو خشک شود، آیا در این صورت خللی به وضو وارد می‌شود؟  
- همین که فاصله نباشد کافی است.<sup>۵</sup>

\* آیا جایز است که معلولی در هنگام وضو بعضی از اعضا را وضو دهد، و برای بعضی دیگر (مثلاً مسح پا یا سر) مسافتی را طی نموده، آنگاه وضو را ادامه دهد؟  
- اگر فاصله زمانی به حدی باشد که وحدت عمل از بین برود جایز نیست.<sup>۱</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* بعضی از افراد قطع نخاع باید برای وضو گرفتن کمک بگیرند. آیا نایب می‌تواند غیربالغ باشد؟ بچه غیرممیز چگونه؟ در هر دو صورت نیت وضو بر عهده کیست؟

- اگر شستن و مسح با دست معلول باشد نیت را او می‌کند و در این صورت کمک ممکن است از کودک غیر ممیز هم باشد و اگر با دست کمک کار است باید احتیاطاً هر دو نیت کنند و باید کمک کار بالغ باشد و غیر بالغ کافی نیست حتی اگر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب.<sup>۲</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن که همیشه نایب برای آنها وضو می‌گیرد اگر نایب از منزل بیرون برود تا پایان وقت برنگردد تکلیف چیست؟ آیا وضو از من ساقط می‌شود؟  
- اگر کسی دیگر نیست و نمی‌توانید تیمم کنید نماز ساقط است و بنا بر احتیاط قضا لازم است.<sup>۳</sup>

### جبیره

\* آیا دست مصنوعی در حکم جبیره است و در هنگام وضو باید دست مرطوب را بر آن کشید؟  
- خیر.<sup>۴</sup>

### مسح

\* معلولی که دو دست او از بازو قطع شده، برای مسح سر و پا نیاز به نایب دارد یا مسح از او ساقط است؟

- در صورت امکان باید از کسی برای مسح کمک بگیرد و اگر ممکن نشد احتیاطاً هم صورت را بشوید هم تیمم کند به این نحو - که پیشانی و دو طرف آن را بر خاک از بالا به پایین بکشد.<sup>۵</sup>

\* کسی که دو دستش قطع شده آیا مسح سر لازم می‌باشد؟ و این در صورتی است که به هیچ وجه نمی‌تواند مسح بکشد.  
- مانند مورد قبل است.<sup>۶</sup>

\* فردی که دو دستش قطع شده آیا می‌تواند با باقی مانده دست روی باریکی از پا مسح بکشد؟  
- جواب آن گذشت.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* کسی که دو دستش قطع شده، به هنگام مسح، ناخودآگاه بقیه دستش به قسمت‌های بالاتری پا که هنوز مسح نشده است برخورد کرده و آن را خیس می‌کند آیا وضوی او در این حالت صحیح است؟  
- قسمت‌هایی که خیس نشده است را مسح کند هر چند کم باشد.<sup>۱</sup>

\* به دلیل اینکه دست‌هایم قطع است در آوردن و سپس پا کردن جوراب برایم سخت است آیا می‌توانم از روی جوراب مسح بکشم؟  
- از کسی کمک بخواهید مسح بر جوراب کافی نیست.<sup>۲</sup>

\* اگر دست راست کسی از کتف قطع شده باشد آیا مسح پای راست از او ساقط می‌گردد؟  
- با دست چپ مسح کند.<sup>۳</sup>

\* فردی که در جنگ پایش قطع شده است برای کشیدن مسح پا چه باید بکند؟  
- پایی که قطع شده است مسح ندارد.<sup>۴</sup>

\* کسی که قادر بر وضو گرفتن نیست کس دیگر را نایب گرفته و خودش نیت وضو را نموده با دست خودش مسح می‌کند و اگر قادر به مسح نباشد نایب دست وی را گرفته و با آن مسح می‌کند و اگر از آن هم ناتوان باشد نایب با گرفتن رطوبت از دست او عمل مسح را انجام می‌دهد اگر این شخص دست نداشته باشد چه حکمی دارد؟  
- هر مقدار از دست او باقی باشد از رطوبت آن بگیرد و اگر از آرنج قطع باشد به احتیاط واجب از محاسن او و اگر ممکن نباشد از صورت او بگیرد.<sup>۵</sup>

\* کسی که دست راست او از بالای مرفق قطع شده، آیا مسح پای راست از او ساقط است؟  
- با دست دیگر مسح کند.<sup>۶</sup>

\* فردی که قطع نخاع می‌باشد و انگشتان دستش بسته است و تنها یک انگشت آن تحرک دارد آیا با نوک همان یک انگشت می‌تواند مسح سر و پا را انجام دهد؟  
- با هر جای دست مسح صحیح است.<sup>۱</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* افراد قطع نخاع که انگشتان پایشان جمع شده و امکان ندارد که مسح پاها از نوک انگشتان بکشند تکلیف چیست؟

- اگر فرض شود که مسح از سر انگشت بدون حرج و ضرر حتی با کمک دیگران میسر نیست باید تیمم کنند.<sup>۲</sup>

\* فرد قطع نخاع که انگشتان دستش بسته شده و باز نمی‌شود برای مسح سر و پا آیا از انگشتان که جمع شده یا قسمتی از کف دست می‌تواند مسح بکشد؟  
مسح حتی در حال اختیار با هر جای دست کافی است.<sup>۳</sup>

\* فرد قطع نخاع که در هنگام وضو آب روی پاهایش می‌چکد آیا برای مسح پا باید نایب بگیرد تا روی پا را خشک کند؟ اگر نایب وجود نداشته باشد چگونه؟ این در حالی است که خشک کردن روی پا برای خود مشقت دارد.  
- بر موضعی که آب نرسیده است مسح کند به مقدار عرض یک انگشت بلکه کمتر نیز کافی است.<sup>۴</sup>

\* فرد قطع نخاع که با دست‌هایش به سختی می‌تواند مسح بکشد اما هنگام مسح کشیدن آب شره می‌کند و از روی سرش به صورت می‌رسد آیا وضوی او صحیح است؟ در غیر این صورت تکلیفش چیست؟  
اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* آیا فردی که دست راستش قطع از مچ یا آرنج است می‌تواند مسح سر را با رطوبت دست چپ (همانند دست راست) انجام داد؟ و آیا مسح سر از پایین به بالا جایز است؟  
- اختیاراً هم می‌شود با دست چپ مسح کرد و به هر سو می‌توان مسح کرد.<sup>۶</sup>

\* معلول قطع نخاعی که دست‌هایش بی‌اراده نکان می‌خورد. هنگام مسح سر، یا پا، قبل از آن که بخواهد مسح کند دستش بی‌اختیار به سر، یا پاییم کشیده می‌شود؛ آیا می‌توانم روی همان خیسی سر یا پا مسح نمایم، یا باید محل مسح را خشک کنم؟  
- موضع دیگر را مسح کند.<sup>۱</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* معلولی که دو دستش قطع شده، و با باقیمانده دست‌هایش سر و پایش را مسح می‌کند، ولی به دلیل کوتاهی دست، آب وضویی که بر روی دست‌ها مانده به قدری نیست که بتوان مسح سر و پا را کاملاً انجام داد، تکلیف چیست؟

- مسح به عرض یک انگشت بلکه کمتر هم کافی است و در مسح سر کافی است تکان بدهد و به هر حال اگر آب بر دست نماند می‌تواند از محاسن و اگر نبود از سایر مواضع صورت بگیرد.<sup>۲</sup>

\* پاهای فردی به گونه‌ای دچار آسیب شده که دائماً باید کفش‌های طبی به پا داشته باشد، و بیرون آوردن کفش‌ها برای مسح پا، بالاخص خارج از منزل، بسیار مشقت دارد. وظیفه این شخص چیست؟  
- اگر با کمک کسی بتواند بدون حرج و مشقت زیاد بر خود پا مسح کند لازم است و اگر میسر نبود مسح پا ساقط است.<sup>۳</sup>

\* معلولی که پاهایش قطع شده، و لذا از پای مصنوعی استفاده می‌کند. آیا به هنگام مسح پا لازم است روی پای مصنوعی را مسح بکشد، یا نیازی نیست؟  
- نیازی نیست.<sup>۴</sup>

\* فردی که انگشت شصت پا، و چند انگشت دیگرش قطع شده است. برای کشیدن مسح پا چه باید بکند؟  
- بر آن چه باقی مانده مسح کند و از نظر عرض بر یک انگشت کافی است.<sup>۵</sup>

\* فردی که در دوران دفاع مقدس پایش قطع شده است، چگونه باید مسح بکشد؟  
- مسح پا ساقط است.<sup>۶</sup>

\* پای فردی که از مچ به پایین قطع شده، و فقط بخش کوچکی از روی پا باقی مانده است. آیا برای مسح پا لازم است روی این قسمت را مسح کند، یا نیازی نیست؟  
- اگر پایین‌تر از مچ پا است لازم است.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فردی که پای راستش قطع شده است. آیا در هنگام وضو، برای کشیدن مسح، فقط مسح پای چپ کافی است. یا کار دیگری باید انجام بدهد؟  
- فقط پای چپ را مسح کند.<sup>۱</sup>

\* آیا برای فردی که دو دستش قطع شده، جایز است که با باقیمانده دست، روی قسمت باریکی از پا مسح بکشد؟  
- کافی است.<sup>۲</sup>

\* گاه به هنگام مسح پا، به دلیل این که دو دستم قطع شده، ناخودآگاه بقیه دستم به قسمت‌های بالاتر از پا که هنوز مسح نشده برخورد کرده، و آن را خیس می‌کند. آیا وضوی بنده در این حالت صحیح است؟  
- اگر قسمتی که خیس نشده است نیز مسح می‌شود هر چند مختصر باشد کفایت می‌کند.<sup>۳</sup>

\* اگر دست راست کسی از کتف قطع شده باشد، آیا مسح پای راست، از او ساقط می‌گردد؟  
- هر دو پا را با یک دست می‌توان مسح نمود حتی در حال اختیار.<sup>۴</sup>

\* فرد قطع نخاعی که برای مسح پا تنها می‌تواند با پشت انگشتان دست مسح بکشد. آیا این کار صحیح است؟  
- اختیاراً هم کافی است.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاعی که اگر بخواهد خودش مسح می‌کند، از بالا به پایین و به طرف نوک انگشتان مسح کشیده می‌شود. آیا کافی است، یا باید نایب بگیرد؟  
- اختیاراً نیز کافی است.<sup>۶</sup>

\* معلولی که خودش می‌تواند وضو بگیرد، اما برای کشیدن مسح پا در آوردن کفش یا جوراب برایش مشقت دارد، و کمک گرفتن از دیگران برایش سخت است. آیا می‌تواند از روی کفش مسح بکشد؟ از روی جوراب چطور؟  
- باید از کسی کمک بگیرد و اگر نبود و کندن آن ممکن نبود باید تیمم کند.<sup>۱</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

**کمک در مسح**

\* آیا برای کسی که دو دستش قطع شده، و به هیچ وجه نمی‌تواند مسح بکشد، مسح سر لازم است؟  
مسح پا چطور؟  
- از کسی کمک بخواهد و او از محاسن و اگر نبود از صورت آب بگیرد.<sup>۲</sup>

**تجدید**

\* افراد قطع نخاع که قدرت حفظ و کنترل وضو ندارند و متوجه باطل نشدن وضو نمی‌شوند آیا برای هر نماز باید وضوی جداگانه بگیرند و یا مثلاً برای نماز ظهر و عصر یک وضو کفایت می‌کند؟  
- تا یقین به بطلان ندارند تجدید وضو لازم نیست.<sup>۳</sup>

**تیمم**

\* اگر به واسطه پیری یا ناتوانی، یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها، یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند.<sup>۴</sup>

\* آیا دست مصنوعی در حکم و مثل دست طبیعی است و در جبیره به هنگام وضو باید دست مرطوب بر آن کشیده شود؟  
- خیر لازم نیست شسته شود.<sup>۵</sup>

\* اگر به واسطه پیری یا ناتوانی، یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها، یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند.<sup>۶</sup>

\* اگر یک دست قطع گردیده و به خاطر حساسیت مقداری از دست خود را باندپیچی کرده است باید چگونه وضو بگیرد؟  
- باید تیمم کند.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۵۳؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۰۳.

۵. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۵۳؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۰۳.

۷. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



\* افراد قطع نخاع که انگشتان پایشان جمع شده و امکان ندارد که مسح پاها از نوک انگشتان بکشند تکلیف چیست؟

- اگر فرض شود که مسح از سر انگشت بدون حرج و ضرر حتی با کمک دیگران میسر نیست باید تیمم کنند.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاعی که به تنهایی نمی تواند تیمم کند و به دلیل در دسترس نبودن نایب محرم می تواند از نامحرم استفاده بکند؟  
- نمی تواند.<sup>۲</sup>

\* معلولی که دستانش قطع است، از آنجا که در آوردن و سپس پوشیدن جوراب برایش سخت است. آیا می تواند بر روی جوراب مسح بکشد؟  
- باید از کسی کمک بگیرد و اگر نبود و کندن آن ممکن نبود باید تیمم کند.<sup>۳</sup>

\* اگر آسیب دیده جسمی - حرکتی یا دیگر معلولان، احتمال دهد که به واسطه غسل یا وضو مرضش طولانی شود یا شدت پیدا می کند، یا معالجه اش سخت می شود، در این صورت وظیفه شرعی او چیست؟  
- باید تیمم کند.<sup>۴</sup>

## نماز

\* کسی که باید خوابیده نماز بخواند، لازم نیست ملافه یا لحافی که روی خود می کشد، دارای شرایط لباس نمازگزار باشد مگر طوری باشد که بر آن پوشیدن صدق کند، مثل آنکه آن را بر خود بپوشد.<sup>۵</sup>

## مکان نمازگزار

\* مکان نمازگزار هفت شرط دارد:

۱. بنا بر احتیاط واجب، غصبی نباشد.
۲. استقرار داشته باشد.
۳. در جایی نماز بخواند که احتمال بدهد نماز را تمام می کند.

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنائی، ص ۱۲۹-۱۳۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۶۶۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۶۵۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۱۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۸۳۳.

۴. توانایی انجام واجبات را در آن محل داشته باشد.
۵. اگر مکان نمازگزار نجس است، موجب نجاست لباس و بدن او نشود.
۶. زن جلوتر یا مساوی مرد نماز نخواند (بنا بر احتیاط واجب).
۷. مکان نمازگزار مسطح باشد.<sup>۱</sup>

\* مکان نمازگزار در نمازهای واجب باید طوری نباشد که از شدت حرکت، مانع از ایستادن نمازگزار و انجام رکوع و سجود اختیاری شود، بلکه بنا بر احتیاط لازم، نباید مانع از آرامش و سکون بدن او باشد و اگر به دلیل کمی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد، در چنین جایی - مانند بعضی از انواع اتومبیل، کشتی و قطار - نماز بخواند، باید به قدری که ممکن است استقرار و قبله را رعایت نماید و اگر آن وسایل نقلیه از قبله به طرف دیگر حرکت کنند، فرد مکلف است به طرف قبله برگردد و در هنگام حرکت و برگشتن به سمت قبله، قرائت و اذکار واجب نماز را نخواند و اگر رعایت استقبال قبله دقیقاً ممکن نباشد سعی کند که اختلاف کمتر از (۹۰) درجه باشد و اگر این هم ممکن نباشد فقط در تکبیره الاحرام قبله را رعایت کند و اگر این هم امکان نداشته باشد، رعایت قبله لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* اگر فرد ناچار شود در جایی نماز بخواند که به طور کلی قادر به ایستاده نماز خواندن نباشد، لازم است نشسته نماز بخواند و اگر توانایی رکوع و سجود را نیز ندارد، آنها را با اشاره سر، انجام دهد.<sup>۳</sup>

\* کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند، اگر موقعی که حمد یا تسبیحات می خواند شک کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از آنکه مشغول حمد یا تسبیحات شود شک کند که سجده، یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید به جا آورد.<sup>۴</sup>

\* کسی که نشسته نماز می خواند، اگر شکی کند که باید برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده، یا دو رکعت نشسته بخواند، باید یک رکعت نشسته به جا آورد و اگر شکی کند که باید برای آن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، باید دو رکعت نشسته به جا آورد.<sup>۵</sup>

\* کسی که وظیفه اش خواندن نماز نشسته است، اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد، باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می خواند، عمل کند.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۲۲.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۲۷.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۰۴۴.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۴۳۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۴۷۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۹۸.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۴۷۵.

\* کسی که ایستاده نماز می‌خواند، اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن ناتوان شود، باید مثل کسی که نماز را نشسته می‌خواند نماز احتیاط را به جا آورد.<sup>۱</sup>

\* اگر فردی که از انجام بعضی از شرایط و کارهای اختیاری نماز ناتوان است، حتی به صورت مجانی و بدون اجرت، به نیابت از دیگری عمل را به جا آورد، باز هم بنا بر احتیاط واجب نمی‌توان به عمل او اکتفاء کرد؛ بنابراین به طور مثال نیابت کسی که به علت عذری، با تیمم یا نشسته یا با بدن یا لباس نجس نماز می‌خواند یا توانایی اصلاح حمد و سوره‌اش را ندارد، بنا بر احتیاط واجب کافی نیست؛ ولی نیابت و اجیر گرفتن کسی که وظیفه او وضو یا غسل جبیره‌ای است و با چنین وضو یا غسلی نماز می‌خواند، اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* اگر راننده اتوبوس به مسافر فرصت کافی برای خواندن خارج از اتوبوس ندهد، آیا مسافر جایز است که نماز واجبش را در حالی که در اتوبوس بر جای خود نشسته است به جای آورد؟  
- آری، لیکن خواندن نماز در حالت ایستاده بر آن مقدم است. در هر دو صورت اگر ممکن گردد باید در همه حالات نماز رو به قبله باشد و الا در صورت تمکن در حالت تکبیرة الاحرام رو به قبله باشد وگرنه شرط رو به قبله بودن ساقط می‌شود. همچنین اگر بتواند رکوع و سجود اختیاری به جای آورد - مانند آن که از راهرو میان اتوبوس استفاده کند - واجب است که چنین کند و اگر نتوانست آنها را به جای آورد، در صورتی که می‌تواند به مقداری که عنوان رکوع و سجود صدق کند خم شود، باید چنین کند. در سجود نیز گذاشتن پیشانی بر سجده گاه را رعایت کند، گرچه با بالا آوردن سجده گاه باشد و اگر به این مقدار نیز نتوانست خم شود، بدل از آنها اشاره کند.<sup>۳</sup>

### قبله

\* کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلو طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و تا وقتی که ممکن است به پهلو راست بخوابد، بنا بر احتیاط لازم، نباید به پهلو چپ بخوابد و اگر این دو ممکن نباشد، باید به پشت بخوابد طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.<sup>۴</sup>

### لباس نمازگزار

\* حکم نماز آسیب‌دیدگان جسمی - حرکتی که همواره می‌بایست از کفش‌های طبی استفاده کنند چیست؟  
- با همان کفش نماز بخوانند.<sup>۱</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۴۷۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۱۹۹.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۰۱.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۲۰.

## تکبيرة الاحرام

\* موقع گفتن تکبيرة الاحرام در نماز واجب بايد بدن استقرار داشته و آرام باشد و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد، تکبيرة الاحرام را بگويد، نماز باطل است.<sup>۲</sup>

## قيام

\* ايستادن و قيام در چهار قسمت نماز در صورت امکان واجب است:

۱. قيام در موقع گفتن تکبيرة الاحرام
  ۲. قيام پيش از رکوع که آن را قيام متصل به رکوع می گویند.
  ۳. قيام در موقع قرائت (خواندن حمد و سوره و تسبیحات اربعه)
  ۴. قيام بعد از رکوع.
- قيام در مورد اول و دوم علاوه بر اینکه واجب است رکن نماز نیز می باشد و اما قيام در مورد سوم و چهارم هر چند واجب است اما رکن نماز نمی باشد و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحيح است.<sup>۳</sup>

\* موقعی که برای قيام واجب ايستاده (همه چهار نوع قيام) بايد راه نرود و جابجا نشود و نیز صاف بایستند و به طرفی خم نشود و همین طور بنا بر احتیاط واجب به جایی تکیه نکنند. همچنین بنا بر احتیاط واجب آرامش خود را حفظ نمایند. ولی اگر این موارد از روی ناچاری و اضطرار باشد، اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* نمازگزار بايد بنا بر احتیاط واجب در هنگام قيام هر دو پا را روی زمین بگذارد؛ مثلاً در حال خواندن حمد بنا بر احتیاط واجب نمی تواند پای خود را از زمین - هر چند برای لحظه ای - بردارد ولی در حالی که مشغول قرائت نیست و ساکت می باشد از این جهت مانعی ندارد. همچنین لازم نیست سنگینی بدن نمازگزار روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد، اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

\* تا انسان می تواند ايستاده نماز بخواند، نباید بنشیند، مثلاً کسی که در موقع ايستادن، بدنش حرکت می کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد یا بدنش را کمی کج کند یا پاهایش را بیشتر از معمول باز بگذارد، به گونه ای که در این موارد ايستادن صدق می کند، بايد هر طور که می تواند

۱. توازن نامه، ش ۴-۶ ص ۲۱۹.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۳۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۴۴.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۴۶.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۴۷.

ایستاده نماز بخواند ولی اگر به هیچ صورت نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند. بنابراین نماز خواندن ایستاده با قیام اضطراری (مثل موارد ذکر شده)، مقدّم بر نماز خواندن نشسته است.<sup>۱</sup>

\* تا انسان می‌تواند بنشیند، نباید خوابیده نماز بخواند و اگر نتواند راست بنشیند باید هر طور که می‌تواند، بنشیند و اگر به هیچ صورت نمی‌تواند بنشیند، باید به گونه‌ای که در احکام قبله گفته شد به پهلو بخوابد طوری که جلوی بدنش رو به قبله باشد و تا وقتی که ممکن است به پهلو راست بخوابد بنا بر احتیاط لازم، نباید به پهلو چپ بخوابد و اگر این دو ممکن نباشد، باید به پشت بخوابد طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.<sup>۲</sup>

\* کسی که می‌تواند بایستد، اگر بترسد که به علت ایستادن - هر چند با تکیه دادن به دیوار یا عصا و مانند آن باشد - مریض شود یا ضرری قابل توجهی به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند و چنانچه از نشستن هم بترسد، می‌تواند خوابیده نماز بخواند.<sup>۳</sup>

\* اگر نمازگزار در بین نماز از ایستادن ناتوان شود، در صورتی که از برطرف شدن ناتوانی خویش تا آخر وقت نماز ناامید باشد، باید بنشیند و ادامه نماز را نشسته بخواند و اگر نمازگزار از نشستن هم ناتوان شود، باید بخوابد و ادامه نماز را خوابیده با رعایت جهت قبله به جا آورد ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از ذکرهای واجب را نگوید. اما چنانچه فرد می‌داند یا اطمینان دارد که ناتوانیش تا آخر وقت نماز باقی نمی‌ماند و قبل از سپری شدن وقت می‌تواند نماز را مثلاً در حال ایستاده بخواند، در این صورت نماز را قطع کرده و بعداً باید نماز را در حال توانایی در داخل وقت ایستاده بخواند. همچنین اگر ناامید نبوده و احتمال معقول بدهد که ناتوانیش تا آخر وقت نماز برطرف می‌شود، می‌تواند رجاء آن را به کیفیتی که بیان شد به پایان برساند و چنانچه عذرش تا آخر وقت باقی ماند نمازی که خوانده کافی است و اگر عذرش برطرف شد باید آن را دوباره بخواند.<sup>۴</sup>

\* کسی که طبق وظیفه‌اش نشسته نماز می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده به جا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود و اگر نتواند باید رکوع را هم نشسته به جا آورد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۰.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۷.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۲.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۳.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۴.

\* کسی که طبق وظیفه‌اش نشسته نماز می‌خواند اگر در بین نماز بتواند بایستد، باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند ولی تا بدنش آرام نگرفته، باید چیزی از ذکرهای واجب را نخواند اما اگر بداند مقدار کمی می‌تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که طبق وظیفه‌اش خوابیده نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند باید مقداری را که می‌تواند، نشسته بخواند و نیز اگر می‌تواند بایستد باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از اذکار واجب را نخواند اما اگر بداند مقدار کمی می‌تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد.<sup>۲</sup>

\* اگر انسان ناامید نباشد که در آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند، چنانچه اول وقت، نماز را بخواند و در آخر وقت قدرت و توانایی بر ایستادن پیدا کند، باید نماز را دوباره به جا آورد ولی اگر ناامید از آن باشد که بتواند نماز را ایستاده بخواند و در اول وقت، نماز را بخواند و سپس قدرت بر ایستادن پیدا کند، لازم نیست نماز را دوباره بخواند.<sup>۳</sup>

\* اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود، باید بنشیند، و اگر از نشستن هم عاجز شود، باید بخوابد، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از ذکرهای واجب را نگوید.<sup>۴</sup>

\* تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند، مثلاً کسی که در موقع ایستادن، بدنش حرکت می‌کند، یا مجبور است به چیزی تکیه دهد، یا بدنش را مختصری کج کند، باید به هر طور که می‌تواند ایستاده نماز بخواند، ولی اگر به هیچ قسم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.<sup>۵</sup>

\* تا انسان می‌تواند بنشیند، نباید خوابیده نماز بخواند، و اگر نتواند راست بنشیند باید هر طور که می‌تواند، بنشیند؛ و اگر به هیچ قسم نمی‌تواند بنشیند، باید به طوری که در احکام قبله گفته شد به پهلو بخوابد به طوری که جلوی بدنش رو به قبله باشد، و تا وقتی که ممکن است به پهلو راست بخوابد نباید بنا بر احتیاط لازم - به پهلو چپ بخوابد، و اگر این دو ممکن نباشد، باید به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۵۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۲.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۵.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۶.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۷.

\* کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده بجا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود، و اگر نتواند باید رکوع را هم نشسته بجا آورد.<sup>۱</sup>

\* کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند باید مقداری را که می‌تواند، نشسته بخواند. و نیز اگر می‌تواند بایستد باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از اذکار واجب را نخواند. اما اگر بداند مقدار کمی می‌تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد.<sup>۲</sup>

\* کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر در بین نماز بتواند بایستد، باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته، باید چیزی از ذکرهای واجب را نخواند. اما اگر بداند مقدار کمی می‌تواند بایستد باید آن را به قیام متصل به رکوع اختصاص دهد.<sup>۳</sup>

\* کسی که می‌تواند بایستد، اگر بترسد که به واسطه ایستادن، مریض شود یا ضرری به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند، و اگر از نشستن هم بترسد، می‌تواند خوابیده نماز بخواند.<sup>۴</sup>

\* اگر انسان مأیوس نباشد که در آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند، چنانچه اول وقت نماز را بخواند و در آخر وقت قدرت بر ایستادن حاصل نماید باید نماز را دوباره بجا آورد. ولی اگر مأیوس از آن باشد که بتواند نماز را ایستاده بخواند، اگر در اول وقت نماز را بخواند و سپس قدرت بر ایستادن پیدا کند، لازم نیست نماز را اعاده کند.<sup>۵</sup>

\* کسی که پای مصنوعی دارد و به وسیله آن می‌تواند نماز را ایستاده بخواند گاهی به علت خستگی پا یا احتمال زخم شدن آن پای مصنوعی را در آورده و نشسته نماز می‌خواند آیا واجب است همیشه با پای مصنوعی به طور ایستاده نماز بخواند یا می‌تواند نشسته هم بخواند؟  
- تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند نباید بنشیند ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.<sup>۶</sup>

\* اگر فردی بخواهد تمام نماز را با پای مصنوعی و به صورت ایستاده بخواند موجب ضرر یا عسر و حرج می‌شود آیا می‌تواند بعضی رکعات نماز را نشسته بخواند؟

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۸.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۹.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۰.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۱.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۶۲.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۵۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۹۵۶.

- اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود باید بنشیند.<sup>۱</sup>

\* آیا ایستادن بر یک پا در حالی که پای دیگر حالت استراحت دارد در حال نماز صحیح است؟  
- لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* کسی که قادر به ایستادن در حال نماز نباشد یا برایش مشقت داشته باشد می‌تواند نمازش را نشسته بخواند؟  
- اگر به هیچ قسم نتواند بایستد باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.<sup>۳</sup>

\* فرد معلولی که می‌تواند نشسته همراه با تکیه دادن نماز بخواند آیا می‌تواند خوابیده نماز بخواند؟  
- خیر<sup>۴</sup>

\* معلولی که خوابیده نماز می‌خواند اگر در بین نماز بتواند بنشیند وظیفه‌اش چیست؟  
- باید مقداری را که می‌تواند، نشسته بخواند.<sup>۵</sup>

## رکوع

\* نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت باید رکوع کند؛ یعنی طوری که در ادامه ذکر می‌شود، خم شود.<sup>۶</sup>

\* واجبات رکوع عبارت است از:

۱. خم شدن
۲. قیام قبل از رکوع (متصل به رکوع)
۳. ذکر رکوع
۴. استقرار و آرامش بدن
۵. قیام بعد از رکوع.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۶۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۵.  
۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۶۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۶۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۴۹.  
۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۶.  
۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۶۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۱؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۷.  
۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۶۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۹.  
۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۱۱.



## خم شدن

\* کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد، و بهتر است به قدری خم شود که صورت مقابل جای سجده برسد.<sup>۲</sup>

\* کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد؛ مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می‌رسد، یا زانوی او پایین‌تر از مردم دیگر است که باید زیاد خم شود تا دستش به زانو برسد، باید به اندازه معمول خم شود.<sup>۳</sup>

\* کسی که نشسته رکوع می‌کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و احتیاط مستحب است به قدری خم شود که صورت مقابل جای سجده برسد.<sup>۴</sup>

\* هر گاه نتواند به اندازه رکوع خم شود، باید به چیزی تکیه دهد و از حال ایستاده رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به اندازه‌ای که عرفاً به آن رکوع گفته می‌شود، خم شود و اگر به این مقدار نیز نتواند خم شود، باید برای رکوع در حال ایستاده با سر اشاره نماید و اگر به طور کلی از ایستادن در نماز عاجز باشد، باید رکوع را نشسته انجام دهد.<sup>۵</sup>

\* کسی که نمی‌تواند ایستاده رکوع کند ولی برای رکوع می‌تواند در حالی که نشسته است خم شود، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و برای رکوع خم شود.<sup>۶</sup>

\* کسی که برای رکوع باید با سر اشاره کند، اگر نتواند با سر اشاره کند، باید به نیت رکوع چشم‌ها را بر هم بگذارد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع، چشم‌ها را باز کند و اگر از این هم ناتوان است، باید در قلب خود نیت رکوع کند و بنا بر احتیاط واجب، با دست خود یا مانند آن برای رکوع اشاره کند و ذکر آن را بگوید و در این صورت آخر، اگر نمازگزار می‌تواند در حال نشسته رکوع را با اشاره با سر انجام دهد، باید بنا بر احتیاط واجب، نماز را هم ایستاده (که رکوع آن با نیت در قلب و همراه با اشاره دست و امثال آن باشد) بخواند و هم نشسته (که رکوع آن با اشاره به سر انجام شود) بجا آورد.<sup>۷</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث رکوع، ص ۳۵۶.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۳.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۱۶.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۱۷.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۲۸.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۲۹.

۷. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۳۰.

### استقرار و آرامش بدن

\* اگر به سبب بیماری و مانند آن، نتواند در رکوع آرام بگیرد، نمازش صحیح است؛ ولی باید پیش از آنکه از حد رکوع خارج شود، ذکر واجب را بگوید و چنانچه نتواند به مقدار ذکر واجب - هر چند یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» و هر چند بدون آرامش - در حد رکوع بماند، واجب نیست ذکر را بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که ذکر را بگوید، هر چند بقیه آن را در حال برخاستن به قصد قربت مطلقه بگوید (یعنی خصوص ذکر واجب نماز را نیت نکند بلکه به این قصد که این ذکر به طور کلی مطلوب و دارای ثواب است بگوید) و یا اینکه قبل از رسیدن به حد رکوع به قصد قربت مطلقه شروع کند.<sup>۱</sup>

\* شخص آسیب دیده یا مریضی که نشسته رکوع می کند کیفیت رکوع او در این حال چگونه است؟ - باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوهای برسد و بهتر است به قدری خم شود که صورت مقابل جای سجده برسد.<sup>۲</sup>

\* اگر شخص آسیب دیده بتواند به رکوع برود ولی به مقدار ذکر نمی تواند در رکوع بماند وظیفه اش چیست؟

- اگر نتواند به مقدار ذکر ولو یک «سبحان الله» در حال رکوع بماند هر چند بدون آرامش واجب نیست بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که ذکر را بگوید هر چند بقیه آن را در حال برخاستن و قصد قربت مطلقه بگوید یا قبل از آن شروع کند.<sup>۳</sup>

\* اگر فرد آسیب دیده ذهنی یا معلول جسمی - حرکتی یا مریض در رکوع آرام نمی گیرد نمازش چه حکمی دارد؟

- نمازش صحیح است ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود ذکر واجب یعنی «سبحان الله ربی العظیم و بحمده» یا سه مرتبه «سبحان الله» را بگوید.<sup>۴</sup>

\* چنانچه آسیب دیده جسمی - حرکتی یا کم توان ذهنی که نمی تواند تعادل خود را حفظ کند، نتواند به اندازه رکوع خم شود تکلیف او در رابطه با رکوع چیست؟

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۲۶.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۷۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۲۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۳.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۷۱-۱۷۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۰.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی، ص ۱۷۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۱.

- باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند، و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به اندازه‌ای که عرفاً به آن رکوع گفته شود خم شود، و اگر به این مقدار نیز نتواند خم شود، باید برای رکوع با سر اشاره نماید.<sup>۱</sup>

\* اگر شخص آسیب دیده جسمی - حرکتی اصلاً ولو با تکیه دادن نتواند هم شود تکلیف او درباره رکوع نمازش چیست؟  
- باید برای رکوع با سر اشاره کند.<sup>۲</sup>

\* اگر شخص معلول یا مریضی که نماز را نشسته می‌خواند، اگر بعد از خواند حمد و سوره نتواند رکوع را ایستاده به جا آورد، وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر نتواند، باید رکوع را هم نشسته به جا آورد.<sup>۳</sup>

\* چنانچه مریض یا معلول در بین نماز از ایستادن یا نشستن عاجز می‌شود تکلیفش چیست؟  
- اگر از ایستادن عاجز شود باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود باید بخوابد ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از ذکرهای واجب را نگوید.<sup>۴</sup>

\* کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خمی شود به زانو می‌رسد یا زانوی او پایین‌تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد وظیفه‌اش در رابطه با رکوع چیست؟  
- باید به اندازه معمول خم شود.<sup>۵</sup>

## سجود

### واجبات سجده

۱. قرار دادن قسمت‌های هفت‌گانه بر زمین

۲. ذکر سجده

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۲.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۲.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۲؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۹۵۸.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۶۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۹۵۵.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۷۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۳۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۱۲.

- ۳ و ۴. نشستن بین دو سجده و بنا بر احتیاط واجب نشستن بعد از سجده دوم  
 ۵. استقرار و آرامش بدن  
 ۶. هم سطح بودن پیشانی نسبت به انگشتان شست و دوزانو  
 ۷. گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است.<sup>۱</sup>

\* در سجده باید دو کف دست (که شامل انگشتان هم می شود) را بر زمین بگذارد و بنا بر احتیاط واجب، در صورت امکان همه کف دست را بر زمین بگذارد ولی در حال ناچاری و اضطرار پشت دست هم مانعی ندارد و اگر پشت دست هم ممکن نباشد، بنا بر احتیاط واجب، باید میچ دست را بر زمین بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند، تا آرنج هر جا را که می تواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست، گذاشتن بازو کافی است.<sup>۲</sup>

\* کسی که مقداری از انگشت شست پایش قطع شده است، باید بقیه آن را بر زمین بگذارد و اگر چیزی از آن نمانده، یا اگر مانده خیلی کوتاه است که نمی توان آن را به هیچ وجه بر زمین یا چیز دیگری گذاشت، بنا بر احتیاط واجب، باید بقیه انگشتان را بگذارد و اگر هیچ انگشتی در پاهایش وجود ندارد، هر مقداری که از پا باقی مانده بر زمین بگذارد، کافی است.<sup>۳</sup>

\* بدن نمازگزار در حال سجود باید آرام باشد و نباید بدن خود را، به اختیار طوری حرکت دهد که از حال آرام بودن خارج شود؛ حتی بنا بر احتیاط واجب زمانی که مشغول ذکر واجب نیست.<sup>۴</sup>

\* اگر در پیشانی دمل یا زخم و مانند آن باشد که نتواند آن را، هر چند بدون فشار، بر زمین بگذارد، چنانچه آن دمل مثلاً همه پیشانی را فرا نگرفته باشد، باید با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر برای سجده کردن با جای سالم پیشانی لازم باشد زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد بر زمین بگذارد، باید این کار را انجام دهد.<sup>۵</sup>

\* اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را فرا گرفته باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید بقیه پیشانی (دو طرف باقیمانده از پیشانی یا یکی از دو طرف آن) را هر طور که می تواند بر زمین بگذارد و اگر نتواند قسمت باقیمانده پیشانی را بر زمین بگذارد، احتیاط لازم آن است که در صورت امکان، به چانه سجده کند و اگر نمی تواند به چانه سجده کند، به یکی از دو طرف پیشانی که آن را جبین یا شقیقه می نامند، سجده نماید و اگر این کار را هم نتواند انجام دهد، به یک قسمت از اجزای دیگر صورت سجده کند و

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث سجده، ص ۳۶۱.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۳۷.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۴۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۴۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۸۳؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۲.

اگر سجده کردن با صورت، به هیچ وجه - هر چند با معالجه - ممکن نباشد، باید برای سجده با سر یا چشمش اشاره کند.<sup>۱</sup>

\* کسی که می‌تواند بنشیند ولی نمی‌تواند پیشانی را بر زمین برساند، اگر بتواند به قدری خم شود که عرفاً سجده بر آن صدق کند، باید به آن مقدار خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است، روی مکان بلندی گذاشته و پیشانی را بر آن بگذارد؛ ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را در صورت امکان به طور معمول بر زمین بگذارد و اگر در این صورت، مکان بلندی نباشد که مهر یا شیء دیگری که سجده بر آن صحیح است را روی آن قرار دهد و کسی هم نباشد که مثلاً مهر را بلند کند و بگیرد تا آن شخص بر آن سجده نماید، باید مهر یا شیء دیگر را با دست بلند کرده و بر آن سجده نماید.<sup>۲</sup>

\* کسی که به هیچ وجه نمی‌تواند سجده نماید، یا آنکه می‌تواند مقداری خم شود، ولی بر آن مقدار، عرفاً سجده صدق نکند، باید برای سجده با سر اشاره کند و اگر نتواند، باید با چشم‌ها اشاره نماید و اگر با چشم‌ها هم نمی‌تواند اشاره کند، باید در قلب نیت سجده کند و بنا بر احتیاط لازم، با دست و مانند آن برای سجده اشاره کند و ذکر واجب را بگوید.<sup>۳</sup>

\* عدم تماس هفت موضع هنگام سجده برای معلولین چه حکمی دارد؟  
- ضرورت ندارد.<sup>۴</sup>

\* کسی که یکی از انگشتان دستش کج می‌باشد و مثل بقیه انگشتان به راحتی روی زمین قرار نمی‌گیرد و وظیفه‌اش چیست؟  
- لازم نیست بر زمین بگذارد.<sup>۵</sup>

\* افرادی که کف دستشان عادی نیست چگونه باید کف دست را به زمین بگذارند آیا لازم است جای متناسب با کف دست درست کنند؟  
- اگر ممکن است طوری دست را بر زمین بگذارند که همه کف دست تقریباً به زمین برسد و اگر ممکن نشد به همان نحو که ممکن است اکتفا کند.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۸۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۳.  
 ۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۸۵؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۴ و ۱۰۵۵.  
 ۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۸۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۶.  
 ۴. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.  
 ۵. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.  
 ۶. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

\* کسی که یکی از انگشتان شصت پایش کج است و مثل بقیه انگشتها به راحتی روی زمین قرار نمی‌گیرد وظیفه‌اش چیست؟

- هر قسمتی از انگشت شصت بر زمین باشد کافی است و اگر ممکن نیست ساقط است.<sup>۱</sup>

\* معلولینی که دست و پای آن مصنوعی است هنگام سجده و قرار گرفتن مواضع سجده بر زمین چه تکلیفی دارند؟

- واجب نیست دست یا پای مصنوعی را بر زمین بگذارند.<sup>۲</sup>

\* کسی که مقداری از شصت پایش بریده است برای سجده وظیفه‌اش چیست؟

- باید بقیه آن را به زمین بگذارد.<sup>۳</sup>

\* اگر شخصی که شصت پایش بریده است چیزی از آن باقی نمانده یا اگر باقی مانده خیلی کوتاه است یا نمی‌تواند به زمین بگذارد برای سجده چه کند؟

- بنا بر احتیاط واجب باید بقیه انگشتان را بگذارد.<sup>۴</sup>

\* اگر شخصی اصلاً انگشت پا ندارد چگونه باید سجده کند؟

- باید هر مقداری که از پا باقی مانده به زمین بگذارد.<sup>۵</sup>

\* کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند برای سجده وظیفه‌اش چیست؟

- کسی که می‌تواند بنشیند ولی نمی‌تواند پیشانی را بر زمین برساند، اگر بتواند به قدری خم شود که عرفاً سجده بر آن صدق کند باید به آن مقدار خم شود، و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است، روی چیز بلندی گذاشته و پیشانی را بر آن بگذارد، ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را در صورت امکان به طور معمول بر زمین بگذارد.<sup>۶</sup>

۱. ترازنامه، ش ۴-۶ ص ۲۱۹.

۲. ترازنامه، ش ۴-۶ ص ۲۱۹.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۳؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۴۹.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۰-۱۸۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۳؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۴۹.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۳؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۴۹.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۸؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۴.

\* اگر چیز بلندی نباشد که مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است بر آن بگذارد چگونه باید سجده کند؟

- اگر چیز بلندی نباشد که مهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است بگذارد، و کسی هم نباشد که مثلاً مهر را بلند کند و بگیرد تا آن شخص بر آن سجده کند، باید مهر یا چیز دیگر را با دست بلند کرده و بر آن سجده نماید.<sup>۱</sup>

\* آسیب دیده جسمی - حرکتی که اصلاً نمی‌تواند برای سجده خم شود، وظیفه‌اش در رابطه با سجده نماز چیست؟

- باید برای سجده با سر اشاره کند، و اگر نتواند باید با چشم‌ها اشاره نماید، و اگر با چشم‌ها هم نمی‌تواند اشاره کند باید در قلب نیت سجده کند - و بنا بر احتیاط لازم - با دست و مانند آن برای سجده اشاره کند، و ذکر واجب را بگوید.<sup>۲</sup>

### نماز قضاء

\* اگر پدر نمی‌توانسته قضای نماز را - هرچند با عمل به وظیفه نماز اضطراری مثل نماز نشسته یا خوابیده برای کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند - انجام دهد و در همان حال ناتوانی فوت شده است، قضای آن بر پسر بزرگ‌تر واجب نیست.<sup>۳</sup>

### نماز مستحبی

\* نمازهای مستحبی را در حال اضطرار و عدم توانایی، می‌توان خوابیده به پهلو راست یا چپ یا خوابیده به پشت (طبق وظیفه فرد) به جا آورد و در این حال رکوع و سجده با اشاره سرانجام می‌شود و اما در حال اختیار، جواز آن محل اشکال است؛ ولی انجامش به عنوان رجاء اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبی را با تیمم (طبق وظیفه‌اش) بخواند.<sup>۵</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۸؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۵.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۶۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۱۰۵۶.

۳. مثل اینکه نماز صبح خواب مانده و بعد از طلوع آفتاب در همان حالت خواب از دنیا رفته است؛ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۶۶۵.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۸۴۹.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۸۵۵.

## کمک در اقامه نماز

\* اگر معلولی به کمک فرد دیگری بتواند بایستد آیا نماز را ایستاده بخواند یا اینکه از کمک دیگری استفاده نکند و نماز را نشسته بخواند؟  
- تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند، مثلاً کسی که در موقع ایستادن، بدنش حرکت می‌کند، یا مجبور است به چیزی تکیه دهد، یا بدنش را مختصری کج کند، باید به هر طور که می‌تواند ایستاده نماز بخواند، ولی اگر به هیچ قسم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.<sup>۱</sup>

## روزه

\* پیرمرد و پیرزنی که روزه گرفتن به سبب پیری، برای آنان ممکن نیست یا سختی فوق العاده دارد. که در صورت دوّم (سختی فوق العاده) باید برای هر روز یک مدّ طعام (تقریباً ۷۵۰ گرم) گندم یا جو یا نان و مانند اینها به فقیر بدهد که آن را فدیّه می‌نامند و در این مورد و مواردی که در مسائل بعد ذکر می‌شود، سیر کردن فقیر کافی نیست و لازم است یک مدّ طعام را به عنوان این که مال و ملک فقیر باشد به او بدهد.<sup>۲</sup>

\* کسی که به سبب پیری روزه نگرفته، چنانچه بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، احتیاط مستحب آن است که قضای روزه‌هایی را که نگرفته، به جا آورد.<sup>۳</sup>

\* مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد - چه روزه واجب باشد و چه روزه مستحب - و از این حکم، موارد زیر استثناء می‌شود:  
الف. کسی که از قربانی واجب در حجّ تمتّع ناتوان است، واجب است به جای آن ده روز، روزه بگیرد، که باید سه روز اوّل آن را در بین همان سفر حج روزه بگیرد؛ هر چند مسافر باشد و هفت روز باقیمانده را پس از برگشتن به وطن به جا آورد.  
ب. کسی که در مناسک حجّ تمتّع در وقوف عرفات، قبل از غروب آفتاب، از سرزمین عرفات خارج شود و دوباره به عرفات برنگردد، باید یک شتر کفّاره بدهد و اگر نتواند این کفّاره را بدهد باید هیجده روز، روزه بگیرد و می‌تواند این هیجده روز را در همان حال سفر در مکه و یا در راه برگشتن و یا بعد از بازگشت به وطن به جا آورد.  
ج. کسی که روزه مستحبی روز معینی را نذر کرده که آن را در سفر یا آن که چه در سفر باشد یا در سفر نباشد، به جا آورد.  
د. مسافری که می‌خواهد در مدینه منوره برای طلب حاجت سه روز روزه بگیرد.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۵۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۶.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۸۴.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۸۵.



### عدم وجوب روزه

\* اگر دکتر، مریض یا آسیب دیده ذهنی یا دیگر آسیب دیدگان را از گرفتن روزه منع کند ولی خود شخص می‌داند که روزه ضرر ندارد، چه باید بکند؟  
- باید روزه بگیرد.<sup>۲</sup>

### حج

#### شرایط وجوب

\* حج: زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده‌اند در آنجا بجا آورده شود. و در تمام عمر بر کسی که این شرایط را دارا باشد، یک مرتبه واجب می‌شود:  
اول: آنکه بالغ باشد.  
دوم: آنکه عاقل و آزاد باشد.  
سوم: به واسطه رفتن به حج مجبور نشود که کار حرامی را که ترک آن از حج مهم‌تر است انجام دهد، یا عمل واجبی را که از حج مهم‌تر است ترک نماید، ولی اگر در این حال به حج برود گر چه گناه کرده اما حج او صحیح است.  
چهارم: آنکه مستطیع باشد.<sup>۳</sup>

\* پول قربانی بچه غیر ممیز بر ولی او است، و همچنین کفاره شکار او، و اما کفاراتی که با به جا آوردن عمدی موجباتشان واجب می‌شوند، ظاهر این است که با صدور موجباتشان از بچه هر چند ممیز باشد، واجب نمی‌شود، نه بر ولی و نه در مال بچه. پس بر دیوانه هر چند ادواری باشد حج واجب نیست. بلی اگر دیوانگیش ادواری باشد، و زمان سلامتیش کافی برای انجام مناسک حج و تهیه مقدماتش باشد، و مستطیع هم باشد، حج بر او واجب است هر چند در سائر اوقات دیوانه باشد. همچنان که اگر بداند زمان دیوانگیش همیشه مصادف با ایام حج است، واجب است در زمان سلامتیش نایب بگیرد که از طرف حج را در ایام آن انجام دهد.<sup>۴</sup>

\* بر فرد غیر بالغ - هر چند نزدیک به بلوغ باشد - حج، واجب نیست و اگر بچه ممیز نابالغ، حج انجام دهد، حش صحیح می‌باشد، ولی جای حجة الاسلام را نمی‌گیرد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۹۷.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۰۸-۲۰۹؛ مسائل جدید، ج ۲، ص ۱۳۹-۱۴۰.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۴۵.

۴. مناسک حج، م ۱۲.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، شرایط وجوب حج.

## استطاعت

\* مستطیع بودن به چند چیز است:

اول: آنکه توشه راه و همچنین مرکب سواری - در صورت احتیاج به آن - یا مالی که بتواند با آن مال آنها را تهیه کند، داشته باشد.

دوم: سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بدون مشقت زیاد بتواند مکه رود، و حج را بجا آورد. و این شرط در وجوب مباشرت حج معتبر است و کسی که توانایی مالی دارد ولی قدرت بدنی مباشرت ندارد یا مباشرت برای او حرجی است و امید بهبودی ندارد باید نایب بگیرد.

سوم: در راه مانعی از رفتن نباشد، و اگر راه بسته باشد یا انسان بترسد که در راه جان یا عرض او از بین برود یا مال او را ببرند، حج بر او واجب نیست. ولی اگر از راه دیگری بتواند برود اگرچه دورتر باشد، باید از آن راه برود، مگر آنکه آن راه آن قدر دورتر و غیر معمولی باشد که بگویند راه حج بسته است.

چهارم: تمکن از سایر جهات داشته باشد که به قدر بجا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد.

پنجم: مخارج کسانی را که حرجی آنان بر او واجب است مثل زن و بچه، یا ترک انفاق بر آنان برای او حرجی است، داشته باشد.

ششم: بعد از برگشتن، کسب یا زراعت یا عایدی ملک یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد، یعنی این طور نباشد که به واسطه مخارج حج پس از برگشتن مجبور شود به زحمت زندگی کند.<sup>۱</sup>

\* اگر کسی که مستطیع شده حج نکند، و بعد به واسطه پیری یا مرض و ناتوانی، نتواند حج نماید، یا حرجی باشد و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش حج کند، باید دیگری را از طرف خود بفرستد، و در صورتی که بعداً قدرت پیدا کرد، خودش نیز حج نماید و همچنین است اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده، به واسطه پیری یا مرض یا ناتوانی نتواند حج کند و ناامید از توانایی خود باشد، و در تمام این صور احتیاط مستحب آن است که چنانچه منوب‌عنه مرد باشد، نایب صروره باشد، یعنی کسی باشد که برای اولین بار به حج می‌رود.<sup>۲</sup>

\* زنی که می‌تواند مکه برود، اگر بعد از برگشتن از خودش مال نداشته باشد و شوهرش هم مثلاً فقیر باشد و حرجی او را ندهد و ناچار شود که به سختی زندگی کند، حج بر او واجب نیست.<sup>۳</sup>

\* شخص مستطیع در صورتی که توانایی حج را داشته باشد، باید شخصاً به حج برود، و حج شخص دیگری از طرف او تبرعاً یا با اجرت کفایت نمی‌کند.<sup>۴</sup>

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۴۵.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۵۶.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۰۴۷.

۴. مناسک حج، م ۶۲.

\* کسی که حج بر ذمه وی مستقر شده، و شخصاً نتواند به علت بیماری یا پیری یا مانعی دیگر حج را به جا آورد، یا حج نمودن برایش مشقت و حرج داشته، و امید اینکه بعداً بتواند حج نماید بدون مشقت و حرج نیز نداشته باشد، در این صورت واجب است برای خود نایب بگیرد. و همچنین کسی که دارا و ثروتمند است ولی توانایی مباشرت اعمال حج را ندارد، یا مباشرت موجب حرج و مشقت برای او می‌شود، و وجوب نایب گرفتن فوری است مانند فوریت خود وجوب حج.<sup>۱</sup>

\* در صورتی که نایب از طرف کسی که توانایی نداشت شخصاً به حج برود حج نمود، و شخصی که حج از طرف او انجام شده در حالتی که عذرش باقی بود فوت نمود، حج نایب کفایت می‌کند هر چند حج بر ذمه وی مستقر شده باشد، و اما اگر اتفاقاً قبل از مردن عذر برطرف شد، احوط این است که شخصاً در زمان تمکن حج نماید. و چنانچه بعد از محرم شدن نایب عذرش برطرف شود، بر شخصی که نیابت از طرف او انجام شده واجب است شخصاً حج نماید. اگر چه بنابر احوط واجب است که نایب نیز عمل حج را تمام نماید.<sup>۲</sup>

\* کسی که شخصاً از حج نمودن معذور است و تمکن نایب گرفتن هم ندارد وجوب (نایب گرفتن) ساقط است، ولی واجب است بعد از فوتش حج از طرف او قضا شود، در صورتی که حج بر او مستقر شده باشد، و اگر مستقر نبوده واجب نیست، و اگر متمکن از نایب گرفتن بوده و نایب نگرفت تا فوت نمود، واجب است از طرف او قضا شود.<sup>۳</sup>

\* اگر نایب گرفتن واجب شد و نایب نگرفت، ولی شخصی تبرعاً از طرف او حج به جا آورد کفایت نمی‌کند، و بنابر احوط نایب گرفتن بر خودش واجب است.<sup>۴</sup>

\* در نایب گرفتن کفایت می‌کند از میقات نایب بگیرد، و واجب نیست از شهر خود نایب بگیرد.<sup>۵</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد، واجب نیست از وطن نایب بگیرند، بلکه نایب گرفتن از میقات کافی است، اگر چه نزدیک‌ترین میقات‌ها به مکه باشد، بلی احوط این است که از وطن، نایب گرفته شود. و اگر میراث میت وافی به مصارف حج باشد، از هر میقات که نایب گرفته شود کافی است، اگر چه ارزان‌ترین آن‌ها باشد، در صورتی که میراث گنجایش حج از وطن و غیر آن، از

۱. مناسک حج، م ۶۳.

۲. مناسک حج، م ۶۴.

۳. مناسک حج، م ۶۵.

۴. مناسک حج، م ۶۶.

۵. مناسک حج، م ۶۷.

واجباتی که باید ذمه را از آن‌ها فارغ نمود داشته باشد، ولی اجرت بیشتر از میقات نباید از سهم وارثان صغیر کسر گردد بلکه از سهم وارثان بالغ، با رضایت آن‌ها کسر می‌گردد.<sup>۱</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و میراث او وافی به هزینه حج باشد، احوط این است که فوراً برای فارغ شده ذمه او اقدام نمایند، اگرچه با اجیر گرفتن از میراثش باشد، و اگر در همان سال اول استیجار و نایب گرفتن از میقات ممکن نباشد، احوط این است که از وطنش نایب بگیرند و تا سال آینده به تأخیر نیندازند، اگرچه بداند که نایب گرفتن از میقات در سال بعد ممکن است، ولی مقدار زائد بر استیجار از میقات نباید از سهم نابالغان ورثه کسر شود.<sup>۲</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و میراث او وافی به مصارف حج باشد، اگر نایبی پیدا نشود مگر به بیشتر از مقدار معمول، احتیاط این است که نایب گرفته شود، و برای صرفه‌جویی بر ورثه تا سال آینده به تأخیر انداخته نشود، ولی در این صورت زائد بر اجرت معمول از سهم نابالغان ورثه نباید حساب شود.<sup>۳</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد، چنانچه شخصی بدون اجرت به جای او حج نمود کفایت می‌کند و واجب نیست که از میراثش برای او نایب بگیرند، و همچنین اگر وصیت به حج از ثلث خود نماید و شخصی حج را به جای او بدون اجرت به جا آورد، که در این صورت هم واجب نیست از ثلث برایش نایب بگیرند، ولی معادل هزینه حج از ثلث حق ورثه نخواهد بود، بلکه باید در خیراتی مصرف شود که به نظر میت نزدیک‌تر باشد.<sup>۴</sup>

\* کسی که بمیرد و حجة الاسلام بر ذمه وی باشد و وصیت نموده که از وطنش نایب گرفته شود واجب است از وطن نایب گرفته شود، ولی مازاد بر اجرت میقات از ثلث خارج می‌شود، و چنانچه فقط وصیت به حج نموده و چیزی تعیین نکند به نایب گرفتن از میقات اکتفا می‌شود. مگر در صورتی که قرینه‌ای باشد که مراد وی استیجار و نایب گرفتن از وطن باشد، مثل اینکه مقداری از مال را تعیین کند که مناسب حج از وطن باشد.<sup>۵</sup>

\* چنانچه وصیت به حج از وطنی غیر وطن خود نماید، مثل اینکه شخصی که اهل مشهد است وصیت کند از نجف - مثلاً - برایش نایب بگیرند، عمل به این وصیت واجب است، و مازاد بر اجرت حج میقاتی از ثلثش اخراج می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. مناسک حج، م ۷۸.

۲. مناسک حج، م ۷۹.

۳. مناسک حج، م ۸۰.

۴. مناسک حج، م ۸۲.

۵. مناسک حج، م ۸۳.

\* اگر وصیت کند که برای حجة الاسلام از طرف او نایب گرفته شود و اجرت را نیز تعیین نموده باشد، عمل به این وصیت واجب است، و هزینه اش از اصل میراث برداشته می شود، در صورتی که بیش از اجرت معمولی عمل وصیت شده نباشد، و اگر بیش از آن بود تفاوتش از ثلث خواهد بود.<sup>۲</sup>

\* در صورتی که نایب گرفتن برای حج از طرف میت به وصیت یا غیر وصیت واجب شده باشد، و کسی که واجب بود نایب بگیرد سهل انگاری و اهمال نموده، و مالی که برای حج در نظر گرفته شده بود تلف شود، این شخص ضامن خواهد بود، و بر او واجب است که از مال خود برایش نایب بگیرد.<sup>۳</sup>

### وصیت به حج

\* آیا شخص می تواند به ناقص العضوی وصیت کند که حجة الاسلام یا غیر آن را به نیابت از او به جای آورد، در صورتی که نقص عضو بر نحوه طبیعی انجام اعمال اثر می گذارد؟  
- اگر وصیت کننده از نقص عضو نایب بی خبر بود، یا آن که این نقص بعد از وصیت پدید آمد و وصیت کننده بی آن که از آن باخبر شود، فوت کرد و یا آن که پس از مرگ وصیت کننده، نقص عضو پیدا شد، بعید نیست که وصیت باطل باشد. اما اگر وصیت کننده با علم به نقص عضو وصیت کرد و یا آن که پس از وصیت این نقص پدیدار شد ولی وصیت کننده با آگاهی از آن از وصیت خود عدول نکرد، ظاهراً اجرای وصیت از ثلث میت واجب است. البته اگر مورد وصیت حجة الاسلام بوده باشد، احتیاط واجب آن است که هم وصیت را اجرا کنند و هم کسی را که توانایی ادای عمل اختیاری داشته باشد، از اصل ترکه میت برای حج نایب بگیرند.<sup>۴</sup>

### میقات احرام

\* در شریعت مقدسه اسلام جاهایی برای بستن احرام تعیین شده، که به آن ها میقات گفته می شود، و واجب است احرام از یکی از آن جاها بسته شود. و آن ها نه جا و مکان می باشد:  
۱- ذو الحلیفه، و آن در نزدیکی مدینه منوره است، و میقات اهل مدینه و هر کسی است که خواسته باشد از راه مدینه به حج برود، و احوط این است که احرام در مسجد آنکه معروف است به مسجد شجره بسته شود و اینکه احرام بستن در بیرون آن برای غیر زن حائض و هر کس که حکم او را داشته باشد کفایت نمی کند، اگر چه محاذی مسجد باشد.  
۲- وادی عقیق، و آن میقات اهل عراق و نجد و هر کسی است که از آنجا عبور کند، هر چند اهل عراق و نجد نباشد، و آن میقات دارای سه جزء می باشد:

۱. مناسک حج، م ۸۵

۲. مناسک حج، م ۸۶

۳. مناسک حج، م ۸۸

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۷.

اول: مسلخ، که نام اول آن است.  
دوم: غمره، که نام وسط آن است.  
سوم: ذات عرق، که نام آخر آن است.  
و احوط و اولی آن است که مکلف در صورتی که مانعی مانند بیماری یا تقیه نداشته باشد، پیش از رسیدن به ذات عرق احرام ببندد.<sup>۱</sup>

\* کسی که از راه مدینه به حج می‌رود و به ذو الحلیفه می‌رسد و میقات دیگری بنام «جحفه» در میان راه دارد، نمی‌تواند از ذو الحلیفه بدون احرام گذشته و از جحفه احرام ببندد، مگر در موارد ضرورت، مانند بیماری یا ضعف و یا عذر دیگری مانند اینها.<sup>۲</sup>

### طواف و نماز آن و سعی

\* بنا بر احتیاط طواف حج و نماز آن و سعی در حج تمتع، قبل از وقوف در عرفات و مشعر بجا آورده نشود، و در صورتی که از روی ندانستن حکم شرعی آن‌ها را بجا آورد، اکتفا به آن‌ها مورد اشکال است، اگر چه خالی از وجه نمی‌باشد، و از حکم ذکر شده موارد ذیل استثناء می‌شود:

۱- زنی که از ترس از پیش آمدن عادت ماهانه و یا حالت زایمان و خون پس از آن دارد.  
۲- افراد پیر و مریض و علیل، و غیر آن‌ها از کسانی که بازگشت به مکه برای آن‌ها مشکل است، و یا طواف نمودن بعد از بازگشت از منی، به علت ازدحام شدید جمعیت یا غیر آن، برای آن‌ها مشکل است.

۳- کسی که از چیزی بترسد که با وجود آن به مکه برگردد.  
بنابر این جایز است برای اینها، طواف و نماز آن و سعی را پیش از وقوف در عرفات و مشعر و بعد از بستن احرام حج، انجام دهند، و احوط و اولی این است که آن‌ها را پس از وقوفین و تا آخر ذی‌الحجه در صورت امکان دوباره نیز بجا آورند.<sup>۳</sup>

\* کسی که طواف حج را پس از وقوفین بجا می‌آورد، باید آن را از تراشیدن و کوتاه کردن تأخیر اندازد، و اگر آن را با دانستن حکم شرعی و عمدتاً مقدم بدارد، باید آن را دوباره پس از کوتاه کردن یا تراشیدن بجا آورد، و یک گوسفند کفاره بدهد.<sup>۴</sup>

\* حکم کسی که توانائی اینکه شخصاً طواف حج و نماز آن و سعی حج را به جا آورد ندارد، حکم همان شخص است در عمره تمتع، به این صورت که، اگر محرم نتواند خود شخصاً طواف را انجام دهد حتی با کمک دیگری، چه به علت مرض یا شکستگی عضوی از بدن و یا مانند آنها، واجب است او را طواف

۱. مناسک حج، ص ۱۱۶.

۲. مناسک حج، م ۱۶۲.

۳. مناسک حج، م ۴۱۲.

۴. مناسک حج، م ۴۱۳.

دهد، اگر چه به وسیله بغل کردن او بر دوش هایش یا گاری و مانند آن باشد، و احوط اولی آن است که به طوری او را طواف دهد که پاهایش به زمین کشیده شود، و اگر توانایی طواف حتی به این صورت هم نداشته باشد، واجب است که از طرف او طواف نمایند، به اینکه کسی را نائب گرفتن داشته باشد، و اگر نداشته باشد، مانند شخص بیهوش، باید ولی او یا دیگری آن را از طرف او به جا آورد. و کسی که نتواند سعی را خود شخصاً - اگر چه با کمک دیگری - در وقت مشخص شده آن، انجام دهد، واجب است از دیگری جهت سعی دادنش کمک بگیرد، اگر چه به وسیله حمل کردن او بر دوش یا گاری یا مانند آن باشد، و اگر این را هم نتواند باید نائب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد، و اگر نتواند نائب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد، و اگر نتواند نائب بگیرد، مانند شخصی بیهوش ولی او یا دیگری از طرف او سعی را انجام دهد، و حش صحیح خواهد بود... و زنی که عادت ماهانه بیند یا حالت زایمان و نفاس برای او پیش آید، در صورتی که نتواند صبر کند تا اینکه طاهر شود و پس از آن خود شخصاً طواف را بجا آورد، باید نائب جهت طواف و نماز آن بگیرد، و پس از انجام آن‌ها توسط نائب خود شخصاً سعی را بجا آورد.<sup>۱</sup>

\* مشهور بین فقهاء این است که طواف باید بین کعبه و مقام حضرت ابراهیم (علیه السلام) باشد، و گفته شده: فاصله مذکور بیست و شش ذراع و نیم است، یعنی در حدود دوازده متر، و از آنجا که حجر اسماعیل (علیه السلام) داخل در محدوده طواف است، در طرف حجر تنها شش ذراع و نیم برای طواف باقی می ماند. یعنی حدود سه متر.

ولی بعید نیست که در بیش از مقدار ذکر شده هم - هر چند که کراهت دارد - طواف جائز باشد، مخصوصاً برای کسی که در فاصله ذکر شده توانایی طواف را ندارد یا موجب حرج و مشقت زیاد برای او می شود، و در صورت توانایی رعایت احتیاط اولی است.<sup>۲</sup>

\* اگر حاجی نتواند خودش طواف کند و صاحبان تخت روان مبلغ زیادی که به حالش سنگین است از او می خواهند تا او را طواف دهند، آیا برایش جایز است که برای طواف دیگری را نایب خود کند؟ - آری، جایز است.<sup>۳</sup>

\* اگر کسی بتواند تنها پاره ای از شوطها را به جای آورد، آیا برای شوطهای باقی مانده نایب بگیرد یا برای همه آن‌ها؟

- اگر از پیش می داند که نمی تواند همه شوطها را به جای آورد برای همه آنها نایب بگیرد و همچنین اگر پیش از به پایان بردن شوط چهارم ناتوانی عارض شود، اما اگر پس از کامل کردن شوط چهارم دچار ناتوانی شد، اقرب آن است که می تواند برای باقی شوطها نایب بگیرد.<sup>۴</sup>

۱. مناسک حج، م ۳۲۶ و ۳۴۲ و ۴۱۴.

۲. مناسک حج، م ۳۰۳.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۰۸.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۳۴.

### شک در عدد شوطها

\* اگر طواف را از روی فراموشی ترک نمود، پس اگر قبل از گذشتن وقت یادش آمد، باید آن را جبران کند، و بنابر اظهار بعد از آن سعی را نیز اعاده کند. و اگر بعد از گذشتن وقت یادش آمد، مانند آنکه طواف عمره تمتع را فراموش کند تا وقوف در عرفات، و مانند آنکه طواف حج را تا تمام شدن ماه ذی الحجة فراموش کند، واجب است آن را قضا نماید، و بنابر احوط و اولی سعی را نیز پس از آن اعاده نماید. و اگر در وقتی یادش آمد که خود نمی‌توانست آن را قضا نماید، مانند اینکه پس از برگشتن به وطن یادش بیاید، باید نائب جهت انجام آن بگیرد.<sup>۱</sup>

\* آنچه بر محرم حرام بوده و حلال شدنش متوقف بر انجام دادن طواف بوده، برای کسی که طواف را فراموش کرده جایز نیست، تا اینکه طواف را خودش و یا نائبش انجام دهد.<sup>۲</sup>

\* اگر محرم نتواند خود شخصاً طواف را انجام دهد حتی با کمک دیگری، چه به علت مرض یا شکستگی عضوی از بدن و یا مانند آنها، واجب است او را طواف دهد، اگر چه به وسیله بغل کردن او بر دوشهایش یا گاری و مانند آن باشد، و احوط اولی آن است که به طوری او را طواف دهد که پاهایش به زمین کشیده شود، و اگر توانائی طواف حتی به این صورت هم نداشته باشد، واجب است که از طرف او طواف نمایند، به اینکه کسی را نائب گرفتن داشته باشد، و اگر نداشته باشد، مانند شخص بیهوش، باید ولی او یا دیگری آن را از طرف او بجا آورد. و همچنین است نماز طواف، که اگر خود محرم بتواند انجام دهد باید خود بجا آورد، و اگر نتواند باید نائب بگیرد تا آن را از طرفش انجام دهد. و حکم زنی که در عادت ماهانه است و زنی که هنوز خون پس از زایمان او قطع نشده، قبلاً در شرایط طواف بیان شد.<sup>۳</sup>

### طواف النساء

\* طواف نساء بر مردها و زن‌ها هر دو واجب است، پس اگر مرد آن را ترک کند زن‌ها بر او حرام می‌شوند، و اگر زن آن را ترک کند مردها بر او حرام می‌شوند، و کسی که در حج نائب از طرف دیگری است، آن را از طرف کسی که نائب او است بجا می‌آورد، و نه از طرف خودش.<sup>۴</sup>

\* حکم کسی که توانائی اینکه شخصاً طواف نساء و نماز آن را بجا آورد، ندارد، حکم همان شخص است در طواف عمره تمتع، به این صورت که، اگر محرم نتواند خود شخصاً طواف را انجام دهد حتی

۱. مناسک حج، م ۳۲۲.

۲. مناسک حج، م ۳۲۵.

۳. مناسک حج، م ۳۲۶.

۴. مناسک حج، م ۴۱۷.



با کمک دیگری، چه به علت مرض یا شکستگی عضوی از بدن و یا مانند آنها، واجب است او را طواف دهد، اگر چه به وسیله بغل کردن او بر دوش هایش یا گاری و مانند آن باشد، و احوط اولی آن است که به طوری او را طواف دهد که پاهایش به زمین کشیده شود، و اگر توانایی طواف حتی به این صورت هم نداشته باشد، واجب است که از طرف او طواف نمایند، به اینکه کسی را نائب گرفتن داشته باشد، و اگر نداشته باشد، مانند شخص بیهوش، باید ولی او یا دیگری آن را از طرف او به جا آورد.<sup>۱</sup>

\* کسی که طواف نساء را ترک کند، عمداً باشد - با دانستن حکم شرعی آن یا ندانستن - یا از روی فراموشی، واجب است آن را تدارک نماید، و قبل از تدارک زن‌ها بر او حلال نمی‌شوند. و در صورتی که نتواند خود شخصاً آن را بجا آورد و یا خیلی زحمت و مشکل باشد، جایز است نائب بگیرد، و هرگاه نائب از طرفش بجا آورد زن‌ها بر او حلال می‌شوند. و اگر بمیرد قبل از اینکه آن را تدارک نماید پس اگر ولیش یا غیر او آن را از طرفش قضا نماید، اشکالی نیست، وگرنه احوط این است که از میراثش از سهم وارثان بالغ با رضایت آن‌ها قضا شود.<sup>۲</sup>

\* اگر کسی به نیابت از مستطبعی که شخصاً عاجز از ادای حج بود، حج کرد و طواف النساء را ترک نمود، آیا زن بر منوب عنه حرام می‌گردد یا بر نایب؟  
- بر نایب حرام می‌شود.<sup>۳</sup>

### سعی

\* اگر سعی را از روی فراموشی ترک کرد، هر گاه یادش آمد باید آن را بجا آورد، اگر چه از اعمال حج فارغ شده باشد، و اگر نتواند خود آن را انجام دهد و یا اینکه موجب سختی و زحمت زیادی برای او شود باید نائب بگیرد، و حج در هر دو صورت ذکر شده صحیح است.<sup>۴</sup>

\* کسی که نتواند سعی را خود شخصاً - اگر چه با کمک دیگری - در وقت مشخص شده آن، انجام دهد، واجب است از دیگری جهت سعی دادنش کمک بگیرد، اگر چه به وسیله حمل کردن او بر دوش یا گاری یا مانند آن باشد، و اگر این را هم نتواند باید نائب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد، و اگر نتواند نائب بگیرد تا از طرف او سعی را انجام دهد، و اگر نتواند نائب هم بگیرد، مانند شخصی بیهوش ولی او یا دیگری از طرف او سعی را انجام دهد، و حش صحیح خواهد بود.<sup>۵</sup>

۱. مناسک حج، م ۳۲۶ و ۴۱۹.

۲. مناسک حج، م ۴۲۰.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۶۲.

۴. مناسک حج، م ۳۴۱.

۵. مناسک حج، م ۳۴۲.

\* اگر از روی عمد شوط‌های سعی را کم کند، با علم به حکم شرعی یا با جهل به آن حکم او حکم کسی است که سعی را به همین صورت ترک کرده باشد، و بیان آن گذشت.  
و اما اگر از روی فراموشی باشد، بنابر اظهر باید کمبود آن را هر گاه که یادش بیاید جبران کند، خواه یک شوط یا بیشتر باشد. و چنانچه پس از گذشتن وقت آن یادش بیاید، مانند اینکه کمبود سعی عمره تمتع را در عرفات یادش بیاید، یا کمبود سعی حج را پس از گذشت ماه ذی الحجة یادش بیاید، احوط این است که کمبود آن را جبران و سپس سعی را اعاده نماید، و اگر نتواند شخصاً آن را انجام دهد و یا اینکه موجب مشقت و زحمت زیادی شود، باید نایب بگیرد، و احتیاط این است که نایب کمبود سعی اول را جبران و سپس سعی را اعاده کند.<sup>۱</sup>

\* آیا نیابت در مورد برخی از شوط‌های سعی - همانطور که در مورد کل آن صحیح می‌باشد - صحیح است، یا نه؟  
- دلیلی بر صحت نیابت برخی شوط‌ها در دست نیست، لذا اگر شخصی از انجام مجموع سعی ناتوان است هر چند بر تعدادی از شوط‌ها قادر باشد باید برای همه آن نایب بگیرد.<sup>۲</sup>

\* اگر شخصی نتواند خود سعی کند و صاحبان صندلی‌ها از او مبلغ کلانی که برایش سنگین است می‌خواهند تا او را سعی دهند، در این حال آیا می‌تواند دیگری را نایب خود کند؟  
- در فرض این مسأله جایز است.<sup>۳</sup>

### وقوف در مشعر الحرام

\* از وجوب وقوف مقداری از شب عید تا صبح در مشعر الحرام بلکه بنابر احتیاط تا طلوع آفتاب، عده‌ای استثناء می‌شوند، و آن‌ها عبارت‌اند از: کسی که ترس دارد و بچه و زن‌ها و افراد ضعیف و ناتوان - مانند پیران و مریض‌ها - و کسانی که سرپرستی امور اینها را دارند، بنابر این برای اینها جایز است، به توقف شب عید در آنجا و حرکت کردن قبل از طلوع فجر به طرف منی اکتفا کنند.<sup>۴</sup>

### وقوف در عرفات

\* اگر حاجی در عرفات وقوف کرد و آنگاه بیهوش شد و تا زوال روز عید به هوش نیامد، حکمش چیست؟

۱. مناسک حج، م ۳۴۶.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۷۳.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۷۴.

۴. مناسک حج، م ۳۷۴.

- حجش باطل است و به عمره مفرده منقلب می‌شود و باید مناسک آن را به جای آورد و از احرام خارج شود.<sup>۱</sup>

### مبیت در منی

\* روز دوازدهم ذی‌حجه در منی به شدت ازدحام می‌شود، چه برای رمی و چه برای کوچ از آن پس از زوال، حال تکلیف افراد ناتوان، بیماران و زنان نسبت به رمی و کوچ بعد از ظهر روز دوازدهم چیست؟ - اگر بر اثر شدت ازدحام این کسان خودشان نتوانند رمی کنند، می‌توانند برای آن نایب بگیرند و اگر ازدحام مانع کوچشان پس از زوال روز دوازدهم شود، در صورتی که می‌توانند بدون سختی و حرج آن شب را در منی بمانند، باید چنین کنند و گرنه برایشان جایز است که پیش از زوال از آنجا کوچ کنند.<sup>۲</sup>

\* کسی که رمی در شب دوازدهم برایش جایز است، مانند زن، کودک و شخص ناتوان، اگر رمی کرد و به مکه بازگشت، آیا بر او واجب است که تا پیش از ظهر روز دوازدهم به منی بازگردد تا بعد از ظهر از آن کوچ کند؟

- این سؤال مبنی بر جواز رمی جمرات سه گانه در شب برای کسی است که بر اثر شدت ازدحام بر جان خود ترسان است، مانند زن، کودک و شخص ناتوان، لیکن نظر ما آن است که جواز رمی در شب - جز رمی جمره عقبه در شب عید - مختص کسی است که در روز حتی به مقدار رمی کردن نیز نمی‌تواند توقف کند، مانند کسی که می‌ترسد و چوپان و بنده، اما زنان و کودکان و افراد ناتوان و مانند آنها که بر اثر شدت ازدحام و جز آن نمی‌توانند در روز رمی کنند، برای این کار باید نایب بگیرند، گرچه احتیاط اولی آن است که میان آن دو جمع کنند و هم شبانه رمی کنند و هم برای رمی در روز نایب بگیرند.

بنابر قول اول، برای کسی که در شب دوازدهم رمی کرده و می‌تواند روز نیز در منی بماند - نه مانند کسی که می‌ترسد و بنده و چوپان - جایز نیست که پس از رمی کوچ کند و اگر از منی به سوی مکه برای طواف و یا کار دیگری خارج شد، بر او واجب است به آنجا بازگردد تا پس از زوال روز دوازدهم و یا بعد از رمی در صبح روز سیزدهم از آنجا کوچ کند.<sup>۳</sup>

### واجبات منی

\* واجب است پس از وقوف در مشعر الحرام از آنجا حرکت کرده و به منی برود، و غرض از رفتن به منی انجام عمل واجب است که باید در آنجا به جا آورد، و این اعمال سه چیز است که ذیلاً تفصیل آنها بیان می‌شود:<sup>۴</sup>

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۲۹۶.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۷۷.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۸۴.

۴. مناسک حج، م ۳۷۹.

**۱- رمی جمره عقبه**

\* اگر بر ارتفاع جمره افزوده شود، اکتفا به مقدار تازه بنا شده آن مورد اشکال است، بنابر این احتیاط این است که به همان مقدار سابق ریگ زده شود، و در صورتی که نتواند هم خود به مقدار جدید پرتاب کند و هم نایب بگیرد که به مقدار سابق ریگ بزند، و در حکم ذکر شده فرقی بین کسی که حکم شرعی را می‌دانسته یا نمی‌دانسته و یا فراموش کرده، نمی‌کند.<sup>۱</sup>

\* اگر به علتی مانند فراموشی و یا ندانستن حکم شرعی و یا غیر آن‌ها، در روز عید رمی نکرده هرگاه که رفع مانع شد باید جبران کند، و در صورتی که رفع مانع در شب باشد باید فردای آن شب جبران کند، در صورتی که از کسانی نباشد که رمی در شب برای آن‌ها جایز است، و بیان آن‌ها در مسائل رمی جمرات خواهد آمد.

و ظاهر این است که هرگاه رفع مانع شد باید جبران کند چه در منی و یا در مکه باشد، حتی اگر بعد از روز سیزدهم ماه باشد، اگرچه احوط در این صورت اخیر این است که در سال آینده، خودش آن را دوباره بجا آورد. در صورتی که به حج برود - و اگر نه نایب بگیرد. ولی اگر رفع مانع بعد از بیرون رفتن از مکه باشد، واجب نیست برگردد، بلکه بنابر احوط و اولی خود در سال آینده دوباره آن را بجا آورد. در صورتی که به حج برود - و اگر نه نایب بگیرد.<sup>۲</sup>

**۲- کشتن گاو یا گوسفند یا شتر**

\* اگر کسی را نایب خود جهت قربانی کردن قرار دهد، و پس از آن شک کند که آیا از طرف او قربانی کرده یا نه، بنا را بر قربانی نکردن بگذارد، و در صورتی که خبر دهد قربانی کرده ولی خبرش مفید اطمینان نباشد، اکتفا به آن اشکال دارد.<sup>۳</sup>

\* واجب نیست خود شخصی که قربانی یا کفاره بر او واجب شده آن را بکشد، بلکه جایز است شخص دیگری را حتی در حال اختیار نایب بگیرد، و باید نیت کشتن از نایب حاصل شود، و واجب نیست شخصی که بر او قربانی یا کفاره واجب شده نیت کند، اگر چه احوط این است که او نیز نیت کند، و باید نایب مسلمان باشد.<sup>۴</sup>

\* آیا صرف قانون حکومتی مبنی بر ممنوعیت ذبح در منی در صورتی که حاجی احتمال عقلانی دهد که ذبح در منی و مخالفت با قانون ضرر مالی و جسمی قابل توجهی برایش در پی دارد، موجب عجز از ذبح در آن و جایز بودن ذبح در وادی محسّر است؟

۱. مناسک حج، م ۳۷۹.

۲. مناسک حج، م ۳۸۰.

۳. مناسک حج، م ۳۹۷.

۴. مناسک حج، م ۳۹۹.

- خوف از ضرر در صورت مخالفت با قانون، رافع وجوب ذبح در منی است و این مسأله مُقتضی مُجزی بودن ذبح در جای دیگری به جای منی نیست. ملاک مُجزی بودن ذبح در وادی محسّر - همان طور که در مناسک ذکر کرده ایم - تنگی جا برای دربر گرفتن همه حُجاج است. لیکن اگر به دلیل مذکور در مسأله و مانند آن، - نه بر اثر تنگی جا - ذبح در منی ممکن نبود، احتیاط واجب آن است که هم در وادی محسّر ذبح کند و هم بدل از قربانی روزه بگیرد.<sup>۱</sup>

\* اگر حاجی معتقد شد کسی را که برای ذبح نایب کرده وظیفه‌اش را انجام داده است. لذا تقصیر کرد و از احرامش خارج شد. سپس متوجه خلاف آن گشت، تکلیفش چیست؟  
- بلافاصله باید لباس‌های دوختنی را از تن درآورد و از دیگر محرمات احرام بپرهیزد، پس هرگاه قربانی خود را ذبح کرد، از احرامش بیرون می‌آید و دیگر نیازی به اعاده تقصیر ندارد.<sup>۲</sup>

\* آیا جایز است که مسلمان غیر امامی را برای ذبح نایب سازند، یا نه؟  
- ملاک در ذبح کننده، آن است که مسلمان باشد.<sup>۳</sup>

\* اگر کسی که در حج نایب دیگری است شخصی را برای ذبح نایب خود کند، این شخص به نیت از چه کسی ذبح کند؟ به نیت از نایب یا منوب عنه؟  
- از طرف نایب ذبح کند، یعنی به نیت آن قربانی که بر او واجب گشته است، ذبح کند، چه آن شخص برای خود حج کند و چه نایب دیگری باشد.<sup>۴</sup>

### ۳- تراشیدن موی یا کوتاه نمودن آن

\* واجب است تراشیدن و یا کوتاه کردن در منی باشد، پس اگر در آنجا عمداً و یا از روی ندانستن حکم شرعی، تراشید و نه کوتاه کرد، تا اینکه از آنجا بیرون رفت، واجب است برگردد و تدارک نماید، و بنا بر احتیاط حکم کسی که فراموش کرده نیز چنین است.  
و در صورتی که نتواند برگردد و یا بسیار سخت و مشکل باشد، در همان جائی که هست بتراشد و یا کوتاه کند، و در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد. و کسی که در غیر منی - اگر چه عمداً - سر خود را بتراشد، به همان اکتفا کند، ولی واجب است در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد.<sup>۵</sup>

### رمی جمرات سه گانه

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۱۸.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۲۸.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۳۲.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۳۹.

۵. مناسک حج، م ۴۰۸.

\* واجب است رمی جمرات در روز باشد، و از این حکم چوپانان، و هر کسی که از ماندن روز در منی معذور است به علت ترس یا مرض یا چیز دیگری، استثناء می‌شود، که برای آنان جایز است رمی هر روزی را در شب آن روز انجام دهند، و اگر این را هم نتوانند، جایز است رمی همه روزها را در یک شب جمع کنند.<sup>۱</sup>

\* کسی که معذور است و شخصاً نمی‌تواند رمی نماید، مانند مریض، باید نائِب بگیرد، و اولی این است که نزد جمره‌ها در صورت امکان حاضر شود، و نائِب در حضور او پرتاب کند، و اگر امید به رفع عذر شخص معذور قبل از گذشتن وقت رمی وجود داشته باشد، ولی نائِب بگیرد و از طرفش رمی نماید، و اتفاقاً عذر شخص قبل از گذشتن وقت رفع شود، بنابر احتیاط خود شخصاً نیز رمی نماید، و کسی که قدرت نائِب گرفتن ندارد، مانند بیهوش، ولیش یا دیگری از طرف او رمی نماید.<sup>۲</sup>

\* آیا رمی جمرات از طبقه بالایی کافی است؟

- احتیاط در رمی جمرات، رمی مقداری است که در دوران پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) موجود بوده و امروزه به دلیل ارتفاع قاعده زمینی‌اش از زمین بالاتر است. حال اگر حاجی نتوانست این مقدار را رمی کند، احتیاط واجب آن است که هم برای رمی خود نایب بگیرد و هم خودش آن مقدار زاید را رمی کند.<sup>۳</sup>

\* آیا برای زن، بیمار و مانند آن‌ها جایز است که شب یازدهم و دوازدهم، رمی جمرات کنند؟  
- جواز رمی شبانه - به جز رمی جمره عقبه در شب عید - مختص کسانی است که از توقف در روز حتی به مقدار رمی کردن معذور باشند، مانند شخصی که می‌ترسد، چوپان و بنده، اما زنان، افراد ناتوان و کودکان و مانند آن‌ها که به دلیل شدت ازدحام نمی‌توانند در روز رمی کنند، بر آنان لازم است که برای آن نایب بگیرند، گرچه احتیاط اولی آن است که هم خودشان شبانه رمی کنند و هم برای رمی در روز نایب بگیرند.<sup>۴</sup>

### عمره تمتع

\* اگر مکلف برای عمره تمتع مُحرم گشت و سپس دچار اغما شد، وظیفه ولیّ او چیست؟  
- اگر احتمال بدهند که از حالت اغما بیرون آید و حج را درک کند؛ یعنی وقوف اختیاری در مشعر را درک کند یا وقوف اضطراری آن را با وقوف اختیاری عرفه یا دو وقوف اضطراری را درک کند، ولیّ برای او نایبی می‌گیرد تا به نیابت از او طواف کند و نماز آن را به جای آورد. سپس مقداری از مویش را کوتاه می‌کند و از احرام عمره‌اش خارج می‌شود. در یوم الترویبه نیز احتیاط آن است که ولیّ به نیابت از او

۱. مناسک حج، م ۴۳۳.

۲. مناسک حج، م ۴۳۶.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۸۵.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۸۷.

مُحرم شود؛ یعنی به جای او لبیک بگویند و او را از محرمات احرام باز دارد و او را به دو موقف ببرد. اگر در آنجا از اغما بیرون آمد، - اگر نتواند به مکه برود - از همان جا مُحرم شود. پس اگر در حال هوشیاری وقوف اختیاری مشعر را یا وقوف اضطراری مشعر همراه با وقوف اختیاری یا اضطراری عرفه درک کند حج را درک کرده است و باید بقیه مناسکش را به جای آورد. و اگر پیش از انجام بقیه مناسک مجدداً به حالت اغما رفت، ولی نایی می گیرد تا به نیابت از او آن‌ها را انجام دهد. لیکن اگر از حالت اغما بیرون نیامد تا وقوف‌ها را از دست داد، حجش باطل است.<sup>۱</sup>

\* اگر کسی در حال انجام طواف عمره تمتع سکنه قلبی کند و او را به شهرش برگردانند، تکلیفش چیست؟

- اگر وضع جسمی اش اجازه ماندن در مکه برای تکمیل مناسک عمره اش را اگرچه از طریق نایب گرفتن و سپس احرام برای حج و ادراک وقوف‌ها به مقداری که جز به آن حج صحیح نیست، ندهد، اگر بخواهد از احرام بیرون بیاید، باید قربانی یا قیمت آن را با همسفرانش به مکه بفرستد، و با آنها قرارداد کند که قربانی باید در روز عید در منی کشته شود، و آنگاه که آن وقت برسد سر خود را بتراند یا کوتاه کند و از احرام بیرون رود. و در صورتی که نتواند قربانی و یا قیمت آن را بفرستد به علت پیدا نکردن کسی که با او بفرستد، جایز است در جای خود قربانی کند و از احرام بیرون رود. بیرون آمدن محصور از احرام در مورد ذکر شده، موجب حلال شدن محرمات احرام می‌شود، مگر زن‌ها که حلال نمی‌شوند تا پس از اینکه طواف و سعی بین صفا و مروه را در حج و یا عمره بجا آورد. در غیر این صورت اگر بازگشتن به شهرش به خواست و اختیارش بوده باشد، بعید نیست که احرامش باطل گردد، گرچه در این کار گناهکار است.<sup>۲</sup>

### حج تمتع

\* حج تمتع عبارت از دو عبادت است، که نام عبادت اول عمره و نام عبادت دوم حج است، و گاهی حج تمتع را بر عبادت دوم تنها می‌گویند. و واجب است عمره را در حج تمتع پیش از حج به جا آورد.<sup>۳</sup>

\* در عمره تمتع پنج چیز واجب است:

اول: احرام از یکی از میقات‌ها.

دوم: طواف دور خانه خدا.

سوم: خواندن نماز طواف.

چهارم: سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه، که نام دو جای معین در جنب مسجد الحرام است.

پنجم: تقصیر، یعنی گرفتن مقداری از موی سر یا ریش یا شارب.

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۸۰.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۸۱؛ اگر بازگشتش بدون اراده و اختیارش باشد، اقرب آن است که حکم مصدود که در مسأله ۴۳۹ مناسک

آمده است، بر او جریان یابد.

۳. مناسک حج، م ۱۴۷.

و هنگامی که شخص تقصیر را انجام دارد از احرام بیرون رفته، و چیزهایی که به جهت احرام بر او حرام شده بود حلال می شود.<sup>۱</sup>

\* بر مکلف واجب است با نزدیک شدن روز نهم ذی الحجة الحرام خود را برای اعمال حج آماده و مهیا نماید.

و واجبات حج سیزده چیز است، که عبارتند از:

اول: بستن احرام. بهترین وقت بستن احرام ظهر روز هشتم ذی الحجة است، و برای اشخاص پیر و مریض که از فشار جمعیت بترسند، جایز است قبل از آن وقت نیز احرام ببندند و قبل از دیگران از مکه خارج شوند، و همچنین جایز است برای کسی که شرعاً می تواند طواف حج را قبل از وقوف در عرفات و مشعر انجام دهد، و مانند زنی که ترس از پیش آمدن عادت ماهانه دارد، آن را بر وقت یاد شده تقدیم کند.<sup>۲</sup>

دوم: وقوف (بودن) در عرفات در روز نهم ذی الحجة الحرام، پس از گذشت مقدار انجام غسل و خواندن نماز ظهر و عصر پشت سر هم، از زوال آفتاب تا غروب آن.

و عرفات نام جایی است در چهار فرسخی مکه.

سوم: بودن در مزدلفه (مشعر) که بین عرفات و مکه است مقداری از شب عید قربان (دهم ذی الحجة) تا اندکی قبل از طلوع آفتاب، و مزدلفه نام مکانی است بین عرفات و مکه.

چهارم: رمی جمره عقبه (زدن سنگریزه) در منی روز عید قربان، و منی تقریباً یک فرسخ تا مکه فاصله دارد.

پنجم: قربانی کردن گاو و گوسفند یا بیشتر در منی روز عید، یا روزهای تشریق که عبارتند از روزهای یازدهم و دوازدهم و سیزدهم.

ششم: تراشیدن سر، یا گرفتن مقداری از موی سر یا ریش یا شارب در منی، و به این عمل آنچه به سبب احرام بر وی حرام شده بود حلال می شود. مگر زن و بوی خوش، و همچنین شکار بنا بر احتیاط.

هفتم: طواف زیارت خانه خدا پس از بازگشت به مکه.

هشتم: به جا آوردن نماز طواف.

نهم: سعی (رفت و آمد) بین صفا و مروه، و با این عمل بوی خوش نیز حلال می شود.

دهم: طواف نساء

یازدهم: به جا آوردن نماز طواف نساء، و با این عمل زن نیز حلال می شود.

دوازدهم: بیتوته (ماندن شب) در منی شب یازدهم و شب دوازدهم، بلکه و همچنین شب سیزدهم در بعضی از صورتها.

سیزدهم: رمی سه جمره (اولی و وسطی و عقبه) در روز یازدهم و دوازدهم، بلکه در روز سیزدهم نیز بنا بر اظهار، در صورتی که شب سیزدهم را در منی مانده باشد.<sup>۳</sup>

۱. مناسک حج، م ۱۴۸.

۲. مناسک حج، ص ۲۶۳.

۳. مناسک حج، م ۱۴۹.



\* شخصی پس از فراغت از اعمال عمره تمتع، دچار حادثه‌ای می‌شود که به سبب آن به بیمارستانی بیرون از مکه منتقل می‌گردد و پزشک عملاً او را از بازگشت به مکه جهت مُحرم شدن برای حج باز می‌دارد. در صورتی که توانایی وقوف در عرفات و مشعر را داشته باشد، تکلیفش چیست؟  
- از هر جایی که بتواند، مُحرم شود و راهی عرفات گردد.<sup>۱</sup>

### نیابت در حج

\* فرد مستطیع در صورتی که خود، توانایی انجام حجة الاسلام را داشته باشد، باید شخصاً به حج برود و حج شخص دیگری از طرف او به طور مَجّانی یا با اجرت کافی نیست.<sup>۲</sup>

\* در چند مورد نایب گرفتن در حج واجب است:

الف. اگر کسی که مستطیع شده حج بر او مستقرّ شود و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش بتواند بدون خرج حج به جا آورد، باید دیگری را از طرف خود به عنوان نایب بفرستد، مثل اینکه فردی با وجود استطاعت و فراهم بودن سایر شرایط، در ادای فریضه حج کوتاهی نموده و حج واجب را به جا نیاورد و بعد، به دلیل پیری یا بیماری و ناتوانی و مانند آن، نتواند حج نماید یا انجام حج، سختی فوق العاده داشته باشد و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش بتواند بدون سختی فوق العاده، حج به جا آورد، در این صورت، لازم است دیگری را از طرف خود به عنوان نایب بفرستد.

ب. اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده و سایر شرایط نیز فراهم است به دلیل پیری یا بیماری یا ناتوانی یا مانند آن نتواند حج کند و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش بتواند بدون سختی فوق العاده حج به جا آورد، باید دیگری را از طرف خود به عنوان نایب بفرستد؛ بلکه در این صورت چنانچه مال وی تنها به اندازه هزینه حج میقاتی باشد - نه بلدی - باز هم نایب گرفتن بر وی واجب می‌شود.

ج. فردی که مستطیع بوده ولی حج را به جا نیاورده و حج بر ذمه او مستقرّ شده سپس فوت نموده است، باید از ماترک او، کسی را برای انجام حج نیابتی اجیر نمایند و فرق ندارد که آن شخص خودش توانایی انجام حج را داشته و باید شخصاً حج را انجام می‌داده و انجام نداده است یا آنکه وظیفه داشته نایب بفرستد، ولی به وظیفه خویش رفتار نکرده است.<sup>۳</sup>

\* اگر عجز و ناتوانی بر نائب عارض شد به طوری که قدرت انجام بعضی از مناسک حج به طور کلی و یا به طوری که شارع مقدس معین نموده است نداشته باشد، ظاهر این است که نائب در این حال مانند کسی است که از طرف خود حج بجا می‌آورد. پس در بعضی موارد حجش صحیح و برای منوب عنه کافی خواهد بود و در بعضی دیگر باطل، مثلاً اگر قدرت بر وقوف اختیاری عرفه پیدا نکرد

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۹۴.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۱۹۹.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۲۰۰.

می‌تواند به وقوف اضطراری اکتفا کند، و حشش صحیح خواهد بود و ذمه منوب عنه فارغ می‌شود، و اما اگر قدرت بر هر دو وقوف پیدا نکرد حشش باطل می‌شود. و در صورتی که از قبل ناتوان بودن شخصی از انجام بعضی از اعمال اختیاری حج - هر عملی که باشد - معلوم شود بنا بر احتیاط جایز نیست او را اجیر نمود، بلکه اگر چنین شخصی تبرعاً و بدون اجرت به نیابت دیگری حج نمود اکتفا کردن به عملش مشکل است.

بلی مانعی ندارد که کسی را اجیر نمود که از قبل معلوم باشد محرمات بر محرم را مرتکب می‌شود، مثل زیر سایه رفتن و مانند آن، خواه معذور باشد خواه نباشد، و همچنین است کسی که از قبل معلوم باشد بعضی واجبات حج را ترک می‌نماید، از واجباتی که ترک آن‌ها اگر چه از روی عمد باشد به صحت حج ضرر نمی‌رساند، مانند طواف نساء و ماندن در منی شب‌های یازدهم و دوازدهم.<sup>۱</sup>

\* آیا نایب شدن زن برای مرد در حج تمتع جایی که احتمال می‌رود به سبب حیض شدن و تبدیل حشش به حج افراد نتواند عمره تمتع را به جا آورد، صحیح است؟ و اگر نایب شد و حیض گشت، آیا عمل نیابتی او مُجزی است؟  
- اگر به ناتوانی او در حج تمتع اطمینان حاصل نشود، اقرب آن است که نایب شدنش جایز و عملش مُجزی است، حتی در صورت تبدیل حج.<sup>۲</sup>

\* کسی که در انجام طواف عمره تمتع و حشش و نمازهای دو طواف نایب شده است لازم است در حین ادای آنها مُحرم باشد؟  
- لازم نیست.<sup>۳</sup>

\* کسی که به دلیل پیری یا ضعف و مانند آن جایز است که برای حجة الاسلام نایب بگیرد، آیا شرعاً برایش بهتر است که تا جایی که می‌تواند خود با تحمل سختی و مشقت مناسک حج را به جای آورد و آنچه را که نمی‌تواند خودش به جای آورد مانند سعی و رمی و جز آن به نایب واگذارد و یا آن که برایش ار جح آن است که برای همه مناسک حج نایب بگیرد؟  
- ظاهراً صورت اول ار جح است.<sup>۴</sup>

\* شخصی همه کارهایش را به پسرش می‌سپارد و او به دلیل ناتوانی پدر از ادای حج، برایش کسی را اجیر می‌کند تا به نیابت از او حج بگذارد. حال آیا اگر پدر از مسأله نیابت یکسره بی‌خبر باشد، عمل نایب برایش مُجزی است؟

۱. مناسک حج، م ۱۱۳.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۵.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۷.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۳۹.

و اگر پیش از آن که نایب در میقات مُحرم شود، از مسأله خبردار شد و با آن موافقت کرد، چه حکمی دارد؟

- اگر وکالت پسر عام و شامل نایب گرفتن برای پدر باشد - گرچه پدر نداند که در چه سالی این نیابت صورت خواهد گرفت - عمل نایب برایش مُجزی است وگرنه مُجزی نخواهد بود، مگر آن که با اطلاع و موافقتش باشد، گرچه این اطلاع و موافقت پیش از مُحرم شدن حاصل شود.<sup>۱</sup>

\* آیا واجب است که اعمال نایب در حج بر طبق تقلیدش باشد یا ناچار باید مطابق تقلید منوب عنه باشد؟

- طبق تقلید خودش عمل کند، البته اگر فرض شود که مورد اجاره صریحاً - یا بر اثر انصراف اطلاقش - مقید به عمل صحیح در نظر منوب عنه یا اجیر کننده باشد، در آن صورت وظیفه‌اش عمل به مقتضای آن است مادام که به فساد عبادت یقین حاصل نشود.<sup>۲</sup>

\* آیا همان طور که ایمان نایب در انجام حج شرط است، برای ادای پاره‌ای از اعمال حج نیز شرط است؟

- آری. بنابر احوط - جز در مورد ذبح و نحر - شرط است.<sup>۳</sup>

\* شخصی نایب می‌شود که به نیابت از دیگری حج کند و از شهر خودش برای همین غرض راه می‌افتد و چون به میقات می‌رسد و برای عمره تمتع مُحرم می‌شود، آن را فراموش می‌کند، به گونه‌ای که اگر از او بپرسند: «چه می‌کنی؟» خواهد گفت: «برای خودم مُحرم می‌شوم» و نمی‌گوید که به نیابت از فلانی مُحرم می‌شوم و متوجه خطای خود نمی‌شود، مگر پس از آن که خود را در مکه می‌یابد. حال چه کند؟ آیا می‌تواند از احرام خود اعراض کند و برای منوب عنه دوباره مُحرم شود، یا آن که بر او واجب است که حج خودش را به پایان برساند؟

- جایز نیست از احرام خودش اعراض کند. لیکن اگر اعمال عمره تمتع را به جا آورد و آنگاه از مکه بیرون رفت و در ماهی که عمره را در آن به جا آورده بود، بدان بازنگشت - مانند آن که عمره را در ماه ذی‌قعدة به جای آورد و از شهر بیرون رفت و تا پایان آن برنگشت - و در نتیجه عمره‌اش باطل شد، در این صورت اگرچه به سبب باطل کردن عمره‌اش گناهکار است، می‌تواند به نیابت از منوب عنه برای عمره تمتع از یکی از میقات‌ها مُحرم شود.<sup>۴</sup>

\* شخصی به قصد ادای حجة الاسلام، به مدینه می‌رسد و پیش از انجام اعمال فوت می‌کند. حال آیا برای متولیان کارش جایز است که کسی را از اموال به جا گذاشته‌اش اجیر کنند تا به نیابت از او حج

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۰.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۳.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۶.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۷.

کند؟ و آیا با علم به اینکه حج بر او مستقر شده است، نایب گرفتن نیازمند کسب اجازه از ورثه‌اش است یا آن که اجازه حاکم شرعی کفایت می‌کند؟  
- واجب است که از ورثه‌اش اجازه بگیرند و اجازه حاکم شرعی کافی نیست و اینکه زاد و راحله‌اش را باید - طبق روایت - برای حج معین کنند به این معنی نیست که بر این امر غیر از ورثه ولایت دارند.<sup>۱</sup>

\* آیا نایب برای حج، می‌تواند جهت ادای برخی اعمال که نایب گرفتن در آن‌ها جایز است، دیگری را نایب کند؟

- اگر عذری که مجوز نایب گرفتن است، برایش پیش آید، جایز است و در مورد ذبح مطلقاً جایز است.<sup>۲</sup>

\* آیا جایز است کسی را برای ادای حجة الاسلام اجیر کنند، در صورتی که از پیش معلوم باشد که به یکی از طرق زیر از ادای عمل اختیاری ناتوان است؟

۱. اگر از وقوف اختیاری در عرفه یا مزدلفه معذور باشد و وقوف اضطراری را انجام دهد.

- بنا بر احوط نیابت او مجزی نیست.

۲. اگر از ادراک وقوف اختیاری برای همه وقت معذور باشد و تنها به مقدار رکن توقف کند.

- بعید نیست که نیابتش جایز باشد.

۳. اگر شخصاً از انجام طواف عمره تمتع یا حج و یا سعی آن دو معذور باشد و ناچار برای آن‌ها نایب بگیرد.

- بنا بر احوط نیابتش مجزی نیست.

۴. اگر لبیک گویی اش غلط باشد و حتی با تلقین نتواند جملات را درست ادا کند، لذا خود لبیک بگوید و دیگری را هم نایب بگیرد تا لبیک بگوید.

- احوط مجزی نبودن نیابتش است.

۵. اگر در قرائتش غلطی باشد که با آن نتواند نماز طواف را طبق روش معتبر شرعی به جای آورد، لذا خود نماز بخواند و دیگری را هم برای ادای آن نایب بگیرد.

- احوط مجزی نبودن نیابتش است.

۶. اگر شخصاً از رمی جمره عقبه در روز عید معذور باشد، لذا دیگری را برای آن نایب بگیرد.

- احوط مجزی نبودن نیابتش است.

۷. اگر از مبییت در منی معذور باشد.

- بنا بر اظهر نیابتش جایز است.

۸. اگر شخصاً از رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم معذور باشد، لذا دیگری را نایب بگیرد.

- بعید نیست که نیابتش صحیح باشد.

۹. اگر نسبت به ارتکاب پاره‌ای محرمات احرام، چون در سایه قرار گرفتن و پوشاندن سر و مانند آن‌ها معذور باشد.

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۴۸.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۵۰.

- نیابتش جایز است.<sup>۱</sup>

\* اگر حج در فرض‌های سؤال قبل، حج مستحبی باشد، آیا اجیر گرفتن برایش صحیح است؟  
- اگر عمل اجیر درباره خودش صحیح باشد، صحیح است. لیکن بر او لازم است که اجیرکننده را از وضع خود باخبر سازد.<sup>۲</sup>

\* اگر کسی را که قادر به ادای عمل اختیاری در جایی که بنا به فتوا یا احتیاط نایب گرفتن در آن جایز نیست، به سبب جهل به حکم یا موضوع نایب بگیرد و بعد از گذشت وقت علم پیدا کند، آیا جهل او باعث معذوریتهش می‌گردد و می‌تواند به عمل نایب اکتفا کند؟  
- خیر.<sup>۳</sup>

\* اگر شخصی ناقص‌العضو باشد، آیا می‌توان او را برای حجة الاسلام و جز آن نایب گرفت؟  
- اگر نقص عضو او موجب خلل در انجام عمل اختیاری نشود، نیابتش جایز است.<sup>۴</sup>

### مصدود

\* مصدود کسی که است که پس از بستن احرام، دشمن و مانند آن مانع از رسیدن او به اماکن مقدسه جهت انجام مناسک حج یا عمره می‌شود.<sup>۵</sup>

\* مصدود در حج تمتع، اگر از رسیدنش به وقوفین یا مشعر به تنهائی منع شده باشد، احتیاط این است که طواف و سعی نماید، و سر خود را بتراشد، و گوسفندی را قربانی کند، و سپس از احرام بیرون رود. و اگر از طواف و سعی منع شده باشد و نگذارند به جایگاه طواف و سعی برود، در این صورت اگر نتواند نایب بگیرد و بخواهد از احرام بیرون رود، احتیاط این است که قربانی کند و سر خود را بتراشد یا کوتاه کند. و اگر بتواند نایب بگیرد، بعید نیست که نایب گرفتن کفایت کند، بنابر این برای طواف و سعی نایب می‌گیرد، و نماز طواف را خود پس از طواف نایب به جا می‌آورد.  
و اگر از رسیدنش به منی جهت بجا آوردن اعمال آنجا جلوگیری شود، در این صورت اگر بتواند نایب بگیرد، باید نایب جهت رمی و قربانی کردن بگیرد، و پس از آن سر خود را بتراشد یا کوتاه کند، و موی خود را در صورت امکان نیز به منی بفرستد، و باقی مناسک را بجا آورد. و اگر نتواند نایب بگیرد، واجب نیست قربانی کند، ولی بجای آن روزه بگیرد، همچنان که واجب نیست رمی کند. اگر چه احتیاط این است که خودش شخصاً رمی را در سال آینده بجا آورد، در صورتی که به حج برود، و یا توسط نایبش،

۱. ملحقات مناسک حج، سؤال ۵۸.

۲. ملحقات مناسک حج، سؤال ۵۹.

۳. ملحقات مناسک حج، سؤال ۶۰.

۴. ملحقات مناسک حج، سؤال ۶۲.

۵. مناسک حج، م ۴۳۸.

در صورتی که به حج نرود - سپس باقی مناسک حج را، از سر تراشیدن یا کوتاه کردن، و اعمال مکه، بجا آورد، و پس از آن همه محرمات احکام بر او حلال می‌شوند حتی زن‌ها، و نیازی به هیچ چیز دیگری نیست.<sup>۱</sup>

\* کسی که از حج و یا عمره او جلوگیری شده، اگر با قربانی کردن از احرامش بیرون رفت، کفایت از حج و یا عمره برای او نمی‌کند، پس اگر قصد داشته حجة الاسلام بجا آورد و جلو او را گرفته‌اند، و با قربانی از احرامش بیرون رفته، باید حجت الاسلام را بعداً بجا آورد، در صورتی که استطاعتش باقی بماند یا حج در ذمه او مستقر شده باشد.<sup>۲</sup>

\* در صورتی که از بازگشت شخص به منی جهت شب ماندن و رمی جمرات جلوگیری شود ضرری به صحت حج شخص نمی‌رساند، و حکم مصدود بر او جاری نمی‌شود و بنا بر احوط و اولی برای رمی در همان سال در صورت امکان نایب بگیرد، و در صورت ناتوانی از نایب گرفتن، در سال آینده خودش شخصاً قضای آن را بجا آورد، در صورتی که به حج برود، و یا نایب قضای آن را بجا آورد، در صورتی که به حج نرود.<sup>۳</sup>

### محصور

\* محصور کسی است که مرض یا مانند آن مانع از رسیدن او به اماکن مقدسه، جهت انجام مناسک عمره و یا حج بعد از بستن احرام، می‌شود.<sup>۴</sup>

\* اگر کسی که احرام عمره بسته مریض شود، و قربانی را به مکه نفرستد، و پس از آن مرضش کاهش پیدا کند، به طوری که بتواند به سفر خود ادامه دهد و به مکه قبل از کشته شدن قربانش برسد، واجب است به سفر خود ادامه دهد و به مکه برود، پس اگر عمره‌اش مفرده باشد، باید آن را تمام کند و چیزی به جز آن بر او واجب نیست. و اگر عمره تمتع باشد، پس اگر بتواند قبل از ظهر روز عرفه اعمال آن را به اتمام برساند، اشکالی نیست، و اگر نتواند ظاهر این است که منقلب به حج افراد می‌شود. و همچنین است - در هر دو صورت - اگر قربانی را نفرستاده باشد، و صبر کرده تا اینکه مرضش کاهش پیدا کرده، و توانائی ادامه دادن سفر به طرف مکه را پیدا کرده است.<sup>۵</sup>

\* اگر کسی که احرام حج بسته مریض شود و قربانی را نفرستد، و بعد از آن مرضش کاهش پیدا کند، پس اگر گمان کند به حج می‌رسد، واجب است حرکت کند تا خود را برساند، و در این حال اگر به هر

۱. مناسک حج، م ۴۴۰.

۲. مناسک حج، م ۴۴۱.

۳. مناسک حج، م ۴۴۲.

۴. مناسک حج، م ۴۴۵.

۵. مناسک حج، م ۴۴۷.

دو موقف رسید یا به مشعر به تنهایی رسید - به توضیحی که سابقاً داده شد - حج را درک کرده است، و مناسک را بجا می‌آورد و قربانی را می‌کشد، و اگر به هیچ کدام نرسید پس اگر قبل از رسیدنش از طرف او قربانی نکرده باشند موی خود را بترشد یا کوتاه کند و از احرام بیرون رود، و همه چیز بر او حلال می‌شود، به جز زن‌ها، تا اینکه طواف و سعی را در حج و یا عمره بجا آورد، و آنگاه آن‌ها نیز بر او حلال می‌شوند.<sup>۱</sup>

\* اگر محصور از طواف و سعی شد، مثل اینکه مرضی یا مانند آن مانع از رسیدنش به جایگاه طواف و سعی شد، جایز است نایب جهت انجام طواف و سعی شد، جایز است نایب جهت انجام طواف و سعی بگیرد، و نماز طواف را خود شخصاً پس از طواف نایب بجا آورد. و اگر محصور از رفتن به منی و انجام مناسک آن شد، باید جهت رمی و قربانی کردن نایب بگیرد، و پس از انجام آن‌ها توسط نایب، سر خود را بترشد یا کوتاه کند، و در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد، و باقی مناسک حج را بجا آورد تا اینکه حجش به اتمام برسد.<sup>۲</sup>

\* کسی که محصور شده، اگر نتوانست نه قربانی و نه قیمت آن را تهیه کند، ده روز روزه بجای آن بگیرد.<sup>۳</sup>

\* اگر محرم نتوانست به حرکت خود به طرف اماکن مقدسه جهت انجام مناسک عمره یا حج، به علتی غیر از مصدود و محصور شدن، ادامه دهد، پس اگر احرام عمره مفرده بسته است، جایز است در جای خود قربانی کند، و بنابر احتیاط سر تراشیدن یا کوتاه کردن را به آن ضمیمه کند، و از احرام خود بیرون رود. و همچنین است اگر احرام عمره تمتع بسته است و نتواند حج را نیز درک کند، وگرنه ظاهر این است که عمره اش منقلب به حج افراد می‌شود.

و اگر احرام حج بسته است و نتواند به وقوفین یا وقوف در مشعر به تنهایی برسد، باید با عمره مفرده از احرام بیرون رود. و اگر نتواند به جایگاه طواف و سعی جهت انجام آن‌ها برسد، و یا نتواند به منی جهت انجام مناسک آنجا برود، حکم این دو به این صورت است که اگر محصور از طواف و سعی شد، مثل اینکه مرضی یا مانند آن مانع از رسیدنش به جایگاه طواف و سعی شد، جایز است نایب جهت انجام طواف و سعی شد، جایز است نایب جهت انجام طواف و سعی بگیرد، و نماز طواف را خود شخصاً پس از طواف نایب بجا آورد. و اگر محصور از رفتن به منی و انجام مناسک آن شد، باید جهت رمی و قربانی کردن نایب بگیرد، و پس از انجام آنها توسط نایب، سر خود را بترشد یا کوتاه کند، و در صورت امکان موی خود را به منی بفرستد، و باقی مناسک حج را به جا آورد تا اینکه حجش به اتمام برسد.<sup>۴</sup>

۱. مناسک حج، م ۴۴۸.

۲. مناسک حج، م ۴۴۹.

۳. مناسک حج، م ۴۵۲.

۴. مناسک حج، م ۴۴۹ و ۴۵۳.

### خمس

\* کسی که مشغول تحصیل علم است و می‌داند چنانچه تحصیل را هم رها نماید، کسب و کاری که بتواند مخارجش را از آن تأمین کند پیدا نمی‌کند یا باید به شغلی مشغول شود که کسر شأن برای او محسوب می‌شود یا اگر هم کار یافت می‌شود وضعیت بدنی و جسمانی او به گونه‌ای است که کلاً از انجام کار ناتوان است یا اشتغال به آن کار برای او حرجی است یعنی مشقت فوق‌العاده‌ای دارد که قابل تحمل نیست، تا زمانی که این وضعیت باقی است و منبع درآمد دیگری هم ندارد می‌تواند تحصیل علم را ادامه دهد و فقیر محسوب می‌شود و جایز است برای کسری مخارجش از وجوهات شرعی‌های که فقر در آن معتبر است - با رعایت شرایط استحقاق آن - به وی پرداخت نمود، هر چند تحصیل آن علم بر او واجب عینی نباشد.<sup>۱</sup>

### زکات

\* انسان نمی‌تواند مخارج و نفقات لازم کسی را که مثل اولاد یا پدر و مادر یا زن دائمی‌اش که نفقه و مخارجش بر او واجب است از زکات بدهد.<sup>۲</sup> البته این حکم در موردی است که پرداخت زکات، به عنوان فقر باشد و اما اگر زکات را به عنوان دیگری به او بدهد، اشکال ندارد؛ مثل اینکه آن فرد، غارم و بدهکار یا ابن السبیل است و از جهت مذکور استحقاق دریافت زکات را داشته باشد. البته چنانچه فرد، عاجز و ناتوان از پرداخت نفقه واجب افراد واجب النفقه‌اش باشد و زکات بر او واجب باشد می‌تواند از زکات، نفقه آنها را بدهد هر چند احتیاط مستحب ترک این کار است.<sup>۳</sup>

\* پرداخت زکات به زن دائمی که فقیر است و شوهرش نفقه او را می‌پردازد، جایز نیست؛ بلکه اگر شوهرش می‌تواند نفقه همسرش را بدهد ولی از پرداخت نفقه امتناع می‌ورزد، چنانچه بتوان او را - بدون سختی غیرقابل تحمل - مجبور به پرداخت نفقه کرد، (هر چند با مراجعه به مراکز دولتی و حکومتی)، نمی‌توان به چنین زنی زکات داد، اما اگر شوهر نمی‌تواند مخارج او را بدهد یا دارد و نمی‌دهد و مجبور کردن او به پرداخت نفقه - بدون سختی غیرقابل تحمل - امکان ندارد، می‌شود به وی زکات داد. همچنین به فقیری که نفقه‌اش بر شخص دیگری واجب است و شخص مذکور توانایی پرداخت نفقه آن فقیر را دارد و در صورت مطالبه از پرداخت آن امتناع نمی‌ورزد و بدون ممتی که عادتاً قابل تحمل نیست حاضر به پرداخت آن می‌باشد، در این صورت احتیاط واجب آن است که به فقیر مذکور زکات ندهند؛ اما اگر آن شخص عاجز و ناتوان از پرداخت نفقه است یا اصلاً حاضر به نفقه دادن

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۵۵.

۲. همچنین بنا بر احتیاط واجب، نباید زکات خود را به فردی که واجب النفقه او محسوب می‌شود، بدهد که در نفقات توسعه‌ای غیر واجبش صرف نماید در صورتی که فرد توانایی داشته باشد آن را از مالش مجاناً بدهد.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۱۲.



نیست یا نفقه دادن با ممتنی همراه است که به طور معمول غیرقابل تحمّل است، در چنین مواردی می‌شود به فقیر مذکور زکات داد.<sup>۱</sup>

## مسائل اجتماعی

### جلوگیری از فرزند دار شدن

\* با توجه به اینکه بخشی از معلولیت‌ها از طریق وراثت و ژنتیک منتقل می‌شود و فرزندان زوجه یا زوج معلول خواهند شد، تکلیف آنان چیست؟ آیا جهت جلوگیری از فرزنددار شدن، این معلولین می‌توانند اقدامی داشته باشند؟  
- اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* برای جلوگیری از بارداری عمل جراحی انجام می‌گیرد حکم شرعی آن را بیان فرمایید؟  
- فی حد ذاته، اشکال ندارد مگر این که عضوی را قطع یا فلج نمایند.<sup>۳</sup>

### سقط جنین

\* آیا می‌شود جنین ناقص الخلقه در هنگام حمل با علم به آن به وسیله دستگاه‌های پزشکی اسقاط نمود یا نابود کرد؟  
- جایز نیست.<sup>۴</sup>

\* آیا سقط جنین چهار ماهه که طبق نظر دکتر پس از تولد زنده نمی‌ماند و فلج مطلق خواهد بود صحیح است؟  
- جایز نیست.<sup>۵</sup>

\* حکم اسقاط جنین معلول عقب مانده ذهنی یا ناقص الخلقه چیست؟  
- در هیچ حالی جایز نیست مگر این که بقای آن در شکم مادر برای او موجب ضرر و یا حرج فوق تحمّل باشد و روح در او دمیده نشده باشد.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۶۱۴.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۳۷؛ مسائل جدید، ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۶. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

\* از نظر شرع سقط کردن کودکی که در شکم مادر است و مشخص شده که معلول است در صورت اینکه زیر ۴ ماه باشد چگونه است؟ اگر از ۴ ماه بگذرد چگونه است؟  
- بعد از ولوج روح مطلقاً جایز نیست و قبل از آن اگر حفظ جنین برای مادر ضرری یا حرجی باشد سقط آن مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

### حضانة

\* تأدیب و زدن فرزندان (آسیب دیده) توسط والدین تا چه مقدار جایز است؟  
- اگر مانع نباشد آهسته اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

### پوشش

\* رعایت حجاب در برابر معلولین با توجه به مشکلات حجاب برای معلولین فلج و مشلول یا معلولینی که قدرت نگهداری دست‌های آن‌ها ضعیف است چه حکمی دارد؟  
- باید تا حد مقدور رعایت شود.<sup>۳</sup>

### مصرف دارو

\* مددجویان و معلولینی که درد فراوان می‌کشند مثلاً تصادف کرده و بر اثر عوارض تصادف درد دارند آیا استفاده از داروهای مسکن مثل تریاک جایز است؟ اگر مشروط به نظر پزشک باشد چطور؟  
- طبق نظر پزشک باید عمل شود.<sup>۴</sup>

### وظیفه شاق

\* فردی که از کمر قطع نخاع شده، فقط بعضی از اعمال را شخصاً می‌تواند انجام دهد. آیا برای قسمتی از اعمال که انجام دادنش مشقت دارد، می‌تواند از کسی کمک بگیرد؟  
- می‌تواند.<sup>۵</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۴۲؛ مسائل جدید، ج ۵، ص ۵۷-۵۸.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

# احکام ناشنوایان

## تکلیف

\* کودکان ناشنوا به دلیل تأخیر در رشد اجتماعی (به واسطه کمبود گنجینه لغات) آیا دیرتر از افراد سالم به سن تکلیف می‌رسند یا خیر؟  
- اگر درک داشته باشند مکلف‌اند.<sup>۱</sup>

## وضو

\* ناشنوایان که با زبان اشاره (حرکات دست و سر) به تفهیم و تفهم مطالب قرآنی می‌پردازند آیا باید وضو و طهارت داشته باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۲</sup>

## نماز

### تکبیرة الاحرام

\* نمازگزار باید تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را طوری بخواند که خودش حداقل همه خود را بشنود بنابراین لب‌خوانی آنها بدون رعایت این شرط صحیح نیست و اگر به علت سنگینی یا کری گوش یا سر و صدای زیاد نمی‌شنود، باید طوری بگوید که چنانچه مانعی نباشد بشنود.<sup>۳</sup>

\* کسی که به علت پیشامدی لال شده، یا زبان او مرضی پیدا کرده که نمی‌تواند «الله أكبر» را بگوید، باید هر طوری که می‌تواند بگوید و اگر اصلاً نمی‌تواند بگوید باید تکبیر را در قلب خود بگذراند و برای آن طوری که مناسب گفتن الله اکبر باشد با انگشتش اشاره کند و اگر می‌تواند، زبان و لبش را هم حرکت دهد و اما کسی که لال مادرزاد است باید زبان و لبش را به طوری که شبیه کسی است که تکبیر را می‌گوید، حرکت دهد و در آن حال با انگشتش نیز اشاره نماید و این حکم در مورد قرائت نماز و سایر ذکرهای آن نیز جاری می‌باشد.<sup>۴</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. توازن نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۳۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۳۸.

\* با توجه به این که افراد ناشنوا بخصوص ناشنوای مطلق که اصلاً تکلم ندارند یا تکلم بسیار نامفهومی دارند در خواندن نماز مشکل دارند و برای آنها اداء کلمات نماز مشکل است اگر از دل بگذرانند کافی است یا باید در حد امکان ادا نمایند؟

- اگر ناشنوای مطلق است و لفظ کبیر را اصلاً نمی‌داند زبان و لب‌ها را به همان نحو که در تکبیر حرکت داده می‌شود حرکت دهد و با انگشت به نحوی اشاره کند که این معنی را برساند اگر ممکن باشد و اگر ممکن نیست به هر نحو که می‌تواند اشاره کند و اگر ناشنوایی عارض شده و لفظ کبیر را به یاد دارد به مقدار ممکن لفظ را ادا کند و اگر اصلاً ممکن نیست مانند ناشنوای مطلق عمل کند ولی لفظ تکبیر را به قلب بگذرانند.<sup>۱</sup>

\* جهر و اخفات در نماز به هنگام قرائت حمد و سوره برای افراد لال چه حکمی دارد؟ آیا تکلیف از آنها ساقط است؟

- قرائت ساقط است و با اشاره نماز بخواند.<sup>۲</sup>

### تکبیر و قرائت

\* انسان باید قرائت نماز را صحیح بخواند و کسی که به هیچ صورت نمی‌تواند همه سوره حمد را صحیح بخواند، باید به همان صورت که می‌تواند، بخواند به شرط آنکه مقداری را که صحیح می‌خواند قابل توجه باشد ولی اگر آن مقدار ناچیز باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید مقداری از بقیه قرآن را که می‌تواند صحیح بخواند به آن ضمیمه کند و اگر نمی‌تواند باید تسبیح (سُبْحَانَ اللَّهِ) را به آن ضمیمه کند و اما کسی که نمی‌تواند به کلی سوره بعد از حمد را صحیح بخواند، لازم نیست چیزی به جای آن بخواند و در هر صورت، احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.<sup>۳</sup>

\* تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش لااقل همه خود را بشنود، و اگر به واسطه سنگینی یا کری گوش، یا سر و صدای زیاد نمیشنود، باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود.<sup>۴</sup>

\* کسی که به واسطه عارضه‌ای لال شده، یا زبان او مرضی پیدا کرده که نمی‌تواند «الله اکبر» را بگوید، باید به هر طوری که می‌تواند بگوید، و اگر هیچ نمی‌تواند بگوید باید تکبیر را در قلب خود بگذرانند، و برای او به طوری که مناسب حکایت لفظش باشد با انگشتش اشاره کند، و زبان و لبش را

۱. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۱۸.

۲. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۱۷۹.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۳۸.

هم اگر می‌تواند حرکت دهد. و اما کسی که لال مادرزاد است باید زبان و لبش را به طوری که شبیه کسی است که تلفظ به تکبیر می‌کند حرکت دهد، و در آن حال با انگشتش نیز اشاره نماید.<sup>۱</sup>

### اذکار نماز

\* هرگاه نتواند به اندازه رکوع خم شود، باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند، و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به اندازه‌ای که عرفاً به آن رکوع گفته شود خم شود، و اگر به این مقدار نیز نتواند خم شود، باید برای رکوع با سر اشاره نماید.<sup>۲</sup>

\* کسی که برای رکوع باید با سر اشاره کند اگر نتواند با سر اشاره کند، باید به نیت رکوع چشم‌ها را بر هم بگذارد و ذکر آن را بگوید، و به نیت برخاستن از رکوع چشم‌ها را باز کند، و اگر از این هم عاجز است باید در قلب خود نیت رکوع کند - و بنا بر احتیاط واجب - با دست خود برای رکوع اشاره کند و ذکر آن را بگوید و در این صورت اگر ممکن است - بنا بر احتیاط واجب - جمع کند بین این عمل و اشاره به رکوع در حال نشستن.<sup>۳</sup>

\* کسی که نمی‌تواند ایستاده رکوع کند ولی برای رکوع می‌تواند در حالی که نشسته است خم شود، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید، و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند، و موقع رکوع آن بنشیند و برای رکوع خم شود.<sup>۴</sup>

### سلام در نماز

\* فرد باید جواب سلام را چه در نماز و چه در غیر نماز، طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده ناشنوا باشد یا سلام کننده سلام داده و سریع رد شود، چنانچه ممکن باشد که جواب سلام را با اشاره یا مانند آن به او بفهماند، جواب دادن لازم است و اگر فهماندن جواب سلام به سلام کننده ممکن نباشد، جواب دادن در نماز جایز نیست و در غیر نماز نیز لازم نمی‌باشد.<sup>۵</sup>

### واجبات نماز

\* کسی که لال است یا زبان او مرضی دارد که نمی‌تواند تکبیره الاحرام (الله اکبر) را صحیح بگوید وظیفه‌اش چیست؟

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۳۹.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۲.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۳.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۲۴.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۳۶۶.

- باید به هر طوری که می‌تواند بگوید، و اگر هیچ نمی‌تواند بگوید باید تکبیر را در قلب خود بگذراند، و برای او به طوری که مناسب حکایت لفظش باشد با انگشتش اشاره کند، و زبان و لبش را هم اگر می‌تواند حرکت دهد. و اما کسی که لال مادرزاد است باید زبان و لبش را به طوری که شبیه کسی است که تلفظ به تکبیر می‌کند حرکت دهد، و در آن حال با انگشتش نیز اشاره نماید.<sup>۱</sup>

## نماز جماعت

\* در نماز جماعت آیا اقتدا به آسیب‌دیده گویایی جایز است؟  
- جایز نیست.<sup>۲</sup>

\* آیا شخص آسیب‌دیده گویایی (اخرس) می‌تواند به آسیب‌دیده گویایی دیگر (اخرس دیگر) اقتدا کند؟  
- به احتیاط واجب نمی‌تواند.<sup>۳</sup>

## زبان اشاره

\* ناشنویان که با زبان اشاره (حرکات دست و سر) به تفهیم و تفهم مطالب قرآنی می‌پردازند آیا باید وضو و طهارت داشته باشند؟  
- لازم نیست.<sup>۴</sup>

\* عکس ناشنوایی (یا به عبارت بهتر تصویرهای بیان کننده نام خداوند) را که با زبان اشاره یعنی حرکات دست و سر نام خداوند را بیان می‌کند، آیا می‌توان لمس کرد؟  
- اگر آیات قرآن باشد و همین کلمات نوشته شده باشد به هر خطی باشد نباید بدون وضو لمس شود مگر این که زیر شیشه باشد.<sup>۵</sup>

## حج

### کیفیت احرام

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۵۶-۱۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۵۳؛ توضیح المسائل آیت الله

الظمی سیستانی، م ۹۳۹.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۳. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷.

\* بر مکلف لازم است الفاظ تلبیه را یاد گرفته و ادا نمودن آن‌ها را به‌طور صحیح نیز یاد بگیرد، مانند تکبیره الاحرام در نماز، هر چند این معنی با تلقین دیگری باشد، یعنی دیگری که خوب بلد است بگوید مکلف مانند او بگوید، پس اگر این الفاظ را یاد نگرفت و تلقین هم برایش میسور نبود، در این صورت می‌تواند به اداء غیر صحیح آن‌ها اکتفا نماید، به شرط اینکه آن قدر صحیح نباشد که عرفاً صدق تلبیه بر آن نکند، پس اگر طوری باشد که عرفاً بر آن صدق نکند، احوط این است که هم الفاظ و جمله‌های دیگری از زبان عربی که همان معانی را بدهد بگوید و هم ترجمه تلبیه را بگوید و هم نائب جهت اداء تلبیه بگیرد.<sup>۱</sup>

\* شخص گنگ و لال اگر به علت عارضه که برای او پیش آمده چنین شده است، در صورتی که توجه به الفاظ تلبیه برای او حاصل شود و آن‌ها را درک نماید، باید تلبیه را به اندازه‌ای که می‌تواند بگوید، و اگر نتواند اصلاً آن را ادا نماید، باید در وقتی که آن را بر قبل خود می‌گذرانند زبان و دلب خود را مانند کسی که تلبیه می‌گوید به حرکت در آورده، و با انگشت خود به آن اشاره نماید به طوری که الفاظ تلبیه را مجسم کند.

اما کسی که از اول گنگ و لال و کر بوده و هر کسی که مثل او است باید زبان و دلب خود را مانند کسی که تلبیه می‌گوید به حرکت در آورد، و با انگشت خود نیز به آن اشاره نماید.<sup>۲</sup>

۱. مناسک حج، م ۱۷۹.

۲. مناسک حج، م ۱۸۰.

# احکام پزشکی

## طهارت و نجاست

\* زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود پاک است یا نجس؟  
- اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است پاک می‌باشد.<sup>۱</sup>

\* اخلاط بینی با گلو اگر همراه با خون باشد، چه حکمی دارد؟  
- اخلاط غلیظی که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد، جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است.<sup>۲</sup>

## بول و غائط

### قوه ماسکه

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۳</sup>

\* اگر کسی مرضی دارد که نمی‌تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی‌توانند از بیرون آمدن بول یا غائط خودداری کنند عمل نماید.<sup>۴</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۱۰۱.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۴-۴۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۳۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۱۲۶.

۳. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۱.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۴.



\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۱</sup>

### کنترل و حفظ بول

\* افراد قطع نخاع که قدرت حفظ و کنترل وضو ندارند و متوجه باطل نشدن وضو نمی‌شوند آیا برای هر نماز باید وضوی جداگانه بگیرند و یا مثلاً برای نماز ظهر و عصر یک وضو کفایت می‌کند؟  
- تا یقین به بطلان ندارند تجدید وضو لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* کسانی که قطع نخاع شده، و قدرت بر نگهداری بول ندارند، می‌توانند با یک وضو در نماز جمعه شرکت کرده، و به استماع خطبه و ادای نماز جمعه و عصر بپردازند؟  
- می‌توانند.<sup>۳</sup>

\* فردی که قطع نخاع است، بدین جهت بول و غائط بی‌اختیار از او خارج می‌شود. آیا برای هر نماز باید وضو بگیرد؟ برای سجده سهو و نماز احتیاط چطور؟  
- اگر فرصتی در طول مدت وقت ادا دارد که بول یا غائط خارج نمی‌شود نماز را در آن وقت بخواند و اگر چنین فرصتی نیست با یک وضو هر مقدار بخواهد می‌تواند نماز بخواند و وضوی او فقط با موجبی دیگر مانند خواب باطل می‌شود.<sup>۴</sup>

\* فرد قطع نخاعی که بول و غائط بی‌اختیار از او خارج می‌شود. و هنگامی که وضو می‌گیرد باید سریعاً نماز بخواند تا وضویش باطل نشود، اگر احتمال بدهد که با طولانی شدن نماز وضویش باطل می‌شود، آیا جایز است مستحبات نماز، مانند اذان و اقامه را بجا آورد؟  
- جایز نیست.<sup>۵</sup>

\* آیا کسانی که قطع نخاع هستند، و قادر بر جلوگیری از خروج بول نمی‌باشند، جایز است که بین وضو و نمازشان فاصله بیندازند، تا بتوانند در نماز جماعت شرکت کنند؟

۱. ترازنامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۱.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

- اگر در تمام وقت نماز فرصتی نداشته باشند که تمام نماز را بدون خروج بول بخوانند تأخیر جایز است.<sup>۱</sup>

\* کسی که بول او پی در پی خارج می‌شود، اگر در وسط نماز اول بول خارج شود، ولی بین دو نماز بولی خارج نشود، آیا می‌تواند با یک وضو هر دو نماز را بخواند؟  
- با شرطی که گفته شد اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می‌ریزد یا نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه یقین دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می‌کند بخواند، و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد، فقط کارهای واجب نماز را بجا آورد و کارهای مستحب مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.<sup>۳</sup>

\* کسی که بول او قطره قطره می‌ریزد، باید برای نماز به وسیله کیسه‌ای که در آن پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند خود را حفظ نماید، و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد. و نیز کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری نماید. و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد.<sup>۴</sup>

\* فرد قطع نخاعی که ادرار و مدفوع بی اختیار از او خارج می‌شود، و بسیاری از اوقات بدنش نجس است. آیا می‌تواند قرآن همراه خودش داشته باشد، یا حمل قرآن برای او مجاز نیست؟  
- اشکال ندارد.<sup>۵</sup>

### معالجه ریزش بول و غائط

\* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول یا غائط خودداری کند، در صورتی که ممکن باشد به مقدار نماز از خارج شدن بول یا غائط جلوگیری نماید، و بهتر آن است که جلوگیری نماید، اگرچه خرج داشته باشد. بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، بهتر آن است که خود را معالجه نماید.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۰۶.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۱.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۱۲.

### ضرر آب

\* کسی که می‌ترسد که اگر وضو بگیرد مریض شود، یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، وظیفه ندارد که وضو بگیرد. و اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد، اگر واقعاً ضرر داشته وضوی او باطل است.<sup>۱</sup>

### وضو و تیمم

\* اگر در صورت یا دست‌ها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید بعد از شستن اجزای سالم آن عضو، با رعایت ترتیب، به نیت وضو، موضع زخم یا بریدگی را در آب کر یا جاری فرو برد یا زیر شیر آب کر بگیرد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید و انگشت خود را روی زخم یا بریدگی در زیر آب از بالا به پایین بکشد تا آب بر آن جاری شود و سپس قسمت‌های پایین‌تر از آن را بشوید و با انجام این روش وضو صحیح صورت گرفته است.<sup>۲</sup>

\* اگر جایی از اعضای وضو را رگ زده است و نمی‌تواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد تکلیف چیست؟  
- در صورتی که نمی‌تواند آن را آب بکشد باید تیمم کند و اگر آب برای آن ضرر دارد باید به دستور جبیره عمل کند.<sup>۳</sup>

\* کسانی که از گردن به پایین قطع نخاع هستند و قدرت انجام وضو و تیمم و گرفتن نایب را ندارند، تکالیف‌شان برای نماز چیست؟  
- نماز ساقط است و به احتیاط واجب در وقت تمکن قضا کنند.<sup>۴</sup>

### وضوی جبیره

\* در وضوی جبیره رعایت شرایطی لازم است که در مسائل بعد به ذکر آن پرداخته می‌شود:  
شرط اول: در اعضای وضو، زخم یا دمل یا شکستگی یا مرهم وجود داشته باشد.  
شرط دوم: آب برای موضع آسیب دیده ضرر داشته یا باز کردن جبیره، ضرری یا فوق‌العاده سخت باشد.  
شرط سوم و چهارم: روی جبیره مسح شود و هنگام مسح، عضو جبیره دار ثابت باشد.  
شرط پنجم: جبیره در اعضای مسحی خشک باشد.

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۰۴.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۶.

۴. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

شرط ششم و هفتم: جبیره پاک و غیر غصبی باشد.  
شرط هشتم: جبیره به مقدار معمول باشد.  
شرط نهم: ترتیب رعایت گردد.<sup>۱</sup>

شرط اول: در اعضای وضو، زخم یا دمل یا شکستگی یا مرهم وجود داشته باشد.  
\* وضوی جبیره‌ای وقتی انجام می‌شود که در اعضای وضو، زخم یا جراحت یا دمل یا شکستگی یا مرهم وجود داشته باشد.<sup>۲</sup>

\* سوختگی که موجب پیدایش زخم و آبله و تاول در سطح پوست شده در احکام جبیره مانند زخم و جراحت است. همچنین دوا و مرهمی که برای معالجه به علت درد یا ورم یا رگ به رگ شدن و مانند آن روی عضو قرار می‌دهند، احکام جبیره را دارد هر چند آن عضو زخم یا دمل یا شکستگی نداشته باشد. اما اینکه از بند در رفتگی حکم شکستگی را داشته باشد محل اشکال است پس بنا بر احتیاط واجب باید طوری عمل شود که مقتضای احتیاط رعایت گردد؛ مگر آنکه در محل از بند رفتگی به جهت بهبودی و درمان، مرهم و دوا قرار داده باشند که در این صورت، حکم جبیره را دارد.<sup>۳</sup>

\* اگر در اعضای وضو، زخم یا جراحت یا شکستگی و دوا و مرهم وجود ندارد ولی به جهت دیگری آب برای آن ضرر دارد، مثل بعضی از بیماری‌های پوستی یا ورم اعضای وضو و مانند آن باید تیمم کند.<sup>۴</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در مکان دیگری غیر از قسمت‌های مربوط به وضو باشد اما طوری است که استعمال آب در مواضع وضو برای موضع صدمه دیده که خارج از اعضای وضو است ضرر دارد، در این صورت باید تیمم نماید و همین‌طور اگر زخم یا دمل یا شکستگی در قسمتی از مواضع وضو باشد ولی طوری است که شستن جزء دیگر برای قسمت صدمه دیده اتفاقاً ضرر دارد - نه اینکه معمولاً این‌طور باشد - مثل اینکه زخم در انگشت دست باشد ولی با شستن قسمت بالای ساعد به زخم انگشت آسیب برسد، در مثل این مورد فقط تیمم کافی است.<sup>۵</sup>

\* هرگاه در اعضای وضو، چیزی چسبیده باشد مانند رنگ، قیر، چسب و... که برداشتن آن ممکن نیست یا سختی فوق‌العاده دارد، وظیفه مکلف تیمم است مگر آنکه آن چیز در مواضع تیمم باشد که در این صورت، باید هم وضو بگیرد و هم تیمم نماید و در هنگام وضو در صورت امکان، بنا بر احتیاط واجب مانند وضوی جبیره، بر مانع مسح نماید ولی اگر مانع تنها در قسمتی از کف دست یا باطن

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث وضوی جبیره، ص ۱۲۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۹.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۱.

انگشتان باشد و در پشت دست‌ها و پیشانی مانع نباشد طوری که با قسمت باقیمانده بدون مانع بتواند مسح را انجام دهد، تیمم کافی است. همچنین آنژیوکت<sup>۱</sup> که به علت ضرورت به بدن بیمار متصل می‌شود در حالی که در محل، زخم یا دمل یا شکستگی نیست، حکم مانع را دارد.<sup>۲</sup>

شرط دوم: آب برای موضع آسیب دیده ضرر داشته یا باز کردن جبیره، ضرری یا فوق‌العاده سخت باشد.

\* وضوی جبیره در مواردی انجام می‌شود که آب برای قسمت آسیب دیده ضرر داشته یا باز کردن جبیره‌ای که بر قسمت صدمه دیده گذاشته شده، مضر بوده یا همراه با سختی فوق‌العاده باشد، هرچند آب برای محل، ضرر نداشته باشد مثل شکستگی که روی آن گچ گرفته شده و آب برای آن ضرر ندارد ولی رساندن آب به زیر آن بدون برداشتن گچ ممکن نیست و از طرفی باز کردن گچ برای قسمت آسیب دیده مضر بوده یا برداشتن آن با سختی زیادی همراه است که معمولاً قابل تحمل نیست.<sup>۳</sup>

\* در مورد ضرری که سبب وضوی جبیره‌ای می‌شود فرقی بین این نیست که آب به مقدار شستن وضویی، برای آن ضرر داشته باشد یا اینکه ضرر، به علت تطهیر نجاست قسمت صدمه دیده باشد مثل وقتی که در اعضای وضو زخم یا دمل یا شکستگی است که آب به مقدار شستن وضویی برای آن ضرر ندارد ولی موضع آسیب دیده نجس و آلوده به خون است و برای برطرف کردن خون از آن، نیاز به ریختن آب فراوان است و ریختن آب زیاد برای موضع صدمه دیده ضرر دارد.<sup>۴</sup>

\* تا وقتی که ترس ضرر باقی است، حکم جبیره جاری می‌شود هرچند فرد احتمال بهبودی موضع صدمه دیده را بدهد و اگر ترس ضرر برطرف شود، در صورت امکان، برداشتن جبیره برای وضو لازم است.<sup>۵</sup>

\* هرگاه در یکی از اعضای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی قسمت آسیب دیده، باز بوده و آب برای آن، ضرر نداشته باشد یا روی آن، بسته باشد ولی باز کردن آن، بدون سختی فوق‌العاده امکان‌پذیر بوده و آب هم برای آن، بی‌ضرر باشد، باید به طور معمول وضو بگیرد. همین‌طور اگر بتواند زیر جبیره را با فرو بردن جبیره در آب، به صورت ارتماسی بشوید، همین کار را انجام می‌دهد و در صورتی که این روش را انجام دهد، لازم نیست عضو را از بالا به پایین بشوید. بنابراین در هیچ یک از صورت‌های این مسأله وضوی جبیره‌ای انجام نمی‌شود.<sup>۶</sup>

۱. آنژیوکت، قطعه‌ای پلاستیکی است که به بدن بیمار متصل می‌گردد تا وصل سرم یا تزریق آمپول به بدن از طریق آن صورت گیرد.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۳.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۴.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۵.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۶.

\* اگر آب برای عضو، ضرر دارد ولی به وسیله گرم کردن آب یا کم آب ریختن (طوری که شستن بر آن صدق کند)، ضرر برطرف می‌شود باید این کار را انجام دهد و وضو بگیرد.<sup>۱</sup>

\* اگر آب برای عضو ضرر ندارد، خواه عضو سالم باشد یا آنکه زخم یا شکستگی داشته باشد، اما نجس بوده و تطهیر آن ممکن نباشد، هر چند عدم امکان تطهیر، به علت تنگی وقت یا کمی آب باشد یا اینکه تطهیر آن ممکن است ولی سختی فوق العاده دارد، در تمام این موارد باید تیمم کند.<sup>۲</sup>

شرط سوم و چهارم: روی جبیره مسح شود و هنگام مسح، عضو جبیره دار ثابت باشد.  
\* روی جبیره را فقط باید مسح کرد و شستن روی جبیره کافی نیست و نیز عضوی که جبیره دارد هنگام مسح کشیدن - حتی بنا بر احتیاط واجب اعضاء شستنی (صورت و دست‌ها) - باید ثابت باشد.<sup>۳</sup>

\* مسح کردن روی جبیره در اعضای شستنی (صورت و دست‌ها) لازم نیست با دست انجام شود و با هر چیزی کافی است و استفاده مکرر از آب برای مسح صورت و دست‌ها به نیت وضوی جبیره، مانعی ندارد و این حکم در غسل جبیره نیز جاری است.<sup>۴</sup>

\* اگر جبیره در اعضای مسحی (سر و پاها) باشد، باید با تری باقی‌مانده در دست، روی جبیره را مسح نمود و نمی‌توان از آب دیگری برای مسح استفاده نمود.<sup>۵</sup>

شرط پنجم: جبیره در اعضای مسحی خشک باشد.

\* جبیره در اعضای مسحی (روی سر و پاها) باید خشک باشد یا رطوبت آن به قدری ناچیز باشد که آب مسح بر آن غلبه کند و آن رطوبت عرفاً از بین رفته به حساب آید. اما جبیره‌ای که در اعضای شستنی (صورت و دست‌ها) است، خشک بودن روی آن هنگام مسح بر آن لازم نیست.<sup>۶</sup>

شرط ششم و هفتم: جبیره پاک و غیر غصبی باشد.

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۶۹.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۱.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۲.

\* جبیره باید پاک باشد و اگر نجس باشد باید آن را شسته یا عوض نمود یا اینکه چیز پاکى مانند پارچه یا پلاستیک روی جبیره نجس بست به گونه‌ای که کاملاً به جبیره چسبیده و عرفاً جزء آن حساب آید و اگر روی جبیره، پاک بوده و لایه‌های زیرین جبیره، نجس باشد، اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

\* جبیره نباید غصبی باشد و اگر انسان بر جبیره غصبی مسح نماید معصیت کرده و وضوی او، بنا بر احتیاط واجب، باطل است.<sup>۲</sup>

\* در جبیره شرط نیست از چیزهایی باشد که نماز در آن صحیح است، بنابراین اگر جبیره از جنس ابریشم یا طلا یا از اجزای پاک حیوان حرام گوشت باشد، به وضوی او ضرر نمی‌زند و از مواردی که به صحت وضوی جبیره ضرر وارد می‌نماید، نجاست ظاهر جبیره یا غصبی بودن آن است، که حکم آن، بیان شد.<sup>۳</sup>

شرط هشتم: جبیره به مقدار معمول باشد.

\* جبیره باید به مقدار معمول باشد و اگر بیشتر از مقدار معمول بوده و برداشتن مقدار اضافه بدون سختی فوق العاده، ممکن باشد باید مقدار اضافی را بردارد و اگر برداشتن مقدار اضافی ممکن نبوده یا سختی فوق العاده دارد یا برای قسمت سالم، ضرر داشته باشد، چنانچه جبیره خارج از مواضع تیمم (پیشانی و دست‌ها) باشد، باید تیمم نماید و اگر جبیره در اعضای تیمم باشد، بنا بر احتیاط واجب، هم وضوی جبیره‌ای بگیرد و هم تیمم نماید ولی اگر برداشتن مقدار اضافی، ضرر برای خود قسمت آسیب دیده دارد، وضوی جبیره کافی است هر چند جبیره در موضع تیمم باشد.<sup>۴</sup>

\* اگر جبیره‌ای که روی جراحی قرار دارد، به صورت معمول باشد، سبک کردن آن لازم نیست، همان‌طور که گذاشتن شیء دیگری روی جبیره در صورت عدم نیاز، جایز نیست مگر اینکه بعد از گذاشتن، جزء جبیره به حساب آید.<sup>۵</sup>

شرط نهم: ترتیب رعایت گردد.

\* همچنان که در وضوی معمولی، دست و همین‌طور بنا بر احتیاط واجب صورت از بالا به پایین شسته می‌شود، در وضوی جبیره‌ای هم باید روی جبیره‌ای که روی این اعضاء می‌باشد را از بالا به پایین با رعایت ترتیب مسح نمود، بنابراین کسی که مچ دست او جبیره دارد و قسمت بالا و پایین آن باز

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۳.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۴.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۵.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۶.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۷.

است ابتدا قسمت بالا را که باز است می‌شوید و بعد روی مچ را که جبیره دارد با مراعات ترتیب مسح می‌کند و سپس قسمت پایین مچ را که باز است، می‌شوید.<sup>۱</sup>

\* اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست یا به قدری مشقت دارد که نمی‌شود تحمل کرد وظیفه چیست؟  
- وظیفه‌اش تیمم است مگر آن که آن چیز در مواضع تیمم باشد که در این صورت لازم است بین وضو و تیمم جمع کند و اگر آن چیزی که چسبیده دوا باشد حکم جبیره را دارد.<sup>۲</sup>

\* اگر دست تا آرنج در گچ باشد جهت وضو حکم آن چیست؟ و اگر شخص غسل جنابت بر او واجب شود حکم آن چیست؟  
- وضو و غسل جبیره‌ای واجب است، یعنی با دست تر روی گچ بکشد.<sup>۳</sup>

\* آیا با وضوی جبیره‌ای (مسح یا جبیره‌ای) می‌توان به عنوان امام جماعت اقامه نماز جماعت کرد؟  
- بلی می‌شود و اشکالی ندارد.<sup>۴</sup>

### تیمم

\* اگر در پیشانی یا پشت دست‌ها مانعی باشد مثل اینکه آن محل زخم بوده و جبیره داشته باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد و اگر جبیره یا مانع، در باطن کف دست باشد و نتواند آن را برطرف کند، در صورتی که تمام باطن کف را فرا نگرفته باشد مسح را با باقیمانده کف که مانعی ندارد و سالم است انجام دهد و چنانچه تمام باطن کف را فرا گرفته باشد مسح با آن کافی است.<sup>۵</sup>

\* کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل، تیمم نماید و کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو، تیمم نماید.<sup>۶</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۷۸.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۲-۱۱۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۸؛ توضیح المسائل آیت الله

العظمی سیستانی، م ۳۳۷.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۶۴.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۶۹.



\* اگر پیشانی یا پشت دست‌ها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را بر آن بسته و نمی‌توان باز کرد وظیفه چیست؟

- باید دست را روی آن بکشد، و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکشد. ولی اگر قسمتی از آن باز باشد زدن آن مقدار و مسح با آن کافی است.<sup>۱</sup>

### ضرر داشتن استعمال آب

\* اگر استعمال آب موجب مرگ او باشد، یا از استعمال آن بیماری یا عیبی در او پدید آید، یا بیماری‌اش طول بکشد یا شدت پیدا کند، یا به سختی معالجه شود، باید تیمم نماید. ولی اگر بتواند ضرر آب را به طوری برطرف کند، مثل اینکه آب را گرم کند، باید این کار را بکند و وضو بگیرد و در مواردی که غسل لازم است، غسل کند.<sup>۲</sup>

\* لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا (عقلایی) باشد، باید تیمم کند.<sup>۳</sup>

\* اگر با یقین یا احتمال ضرر، تیمم کند و قبل از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از نماز بفهمد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند، مگر در صورتی که وضو یا غسل در حالت یقین یا احتمال ضرر موجب نگرانی روحی بوده که تحملش فوق‌العاده سخت باشد که این مورد داخل در مورد چهارم از موارد تیمم می‌شود که حکم آن خواهد آمد.<sup>۴</sup>

\* کسی که یقین داشته آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او باطل است و نماز واجبی را که با آن وضو یا غسل خوانده، باید در وقت دوباره و بعد از وقت قضاء نماید.<sup>۵</sup>

### سختی استفاده از آب

\* اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن برای او سختی فوق‌العاده داشته باشد که معمولاً تحمل نمی‌شود، می‌تواند تیمم کند ولی اگر تحمل کند و وضو بگیرد و یا غسل کند، وضو و غسل او صحیح است.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۳۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۷۰۸؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۶۹۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۰۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۰۹.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۱۰.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۱۱.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۱۲.

### اجرای تیمم توسط خود فرد

\* لازم است فرد کارهای تیمم را در حال اختیار خودش انجام دهد و اگر بدون عذر، دیگری او را تیمم دهد یا در مسح اعضای تیمم به او کمک نماید، تیمم باطل است.<sup>۱</sup>

\* اگر وظیفه فرد تیمم است و نمی‌تواند به تنهایی، به طور معمول تیمم کند:

۱. باید از دیگری کمک بگیرد تا دست‌های او را بر چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و سپس آنها را بر پیشانی و دست‌های او بگذارد تا خود او در صورت امکان کف دو دست را بر پیشانی و بر پشت دست‌ها بکشد.

۲. اگر روش اول ممکن نباشد، باید نایب، او را با دست خود او (منوب عنه) تیمم دهد.

۳. اگر روش دوم نیز ممکن نباشد چنانچه خود فرد بتواند پیشانی یا پشت دست‌هایش را بر خاک بکشد واجب است همین‌گونه تیمم نماید و در این صورت نوبت به نایب گرفتن نمی‌رسد.

۴. اگر روش سوم هم ممکن نباشد باید نایب، دست خود را به چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌های او (منوب عنه) بکشد و در صورت دوم و چهارم، بنا بر احتیاط لازم هر دو نیت تیمم نمایند ولی در صورت اول و سوم، نیت خود مکلف کافی است.<sup>۲</sup>

\* فردی که می‌خواهد تیمم نماید هر کدام از کارهای تیمم را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن از دیگری کمک بگیرد به عنوان مثال:

الف. کسی که دست راست او شکسته و به هیچ صورت نمی‌تواند آن را به هیچ صورت حرکت دهد، مسح پیشانی را با کمک دست چپ انجام می‌دهد سپس با دست چپ پشت دست راست را مسح می‌کند و بعد از آن پشت دست چپش را بر خاک می‌کشد و در این صورت نوبت به اینکه نایب بگیرد و نایب مسح را انجام دهد نمی‌رسد.

ب. کسی که دست چپ او شکسته و به هیچ صورت نمی‌تواند آن را حرکت دهد، مسح پیشانی را با کمک دست راست انجام می‌دهد سپس پشت دست راستش را بر خاک می‌کشد و بعد از آن با دست راست پشت دست چپش را مسح می‌کند و در این صورت نوبت به نایب گرفتن نمی‌رسد.

ج. کسی که هر دو دست او شکسته و به هیچ صورت نمی‌تواند آنها را حرکت دهد ولی می‌تواند پیشانی خویش را بر خاک بکشد، همین کار را انجام می‌دهد و نوبت به نایب گرفتن برای مسح پیشانی نمی‌رسد سپس چون دست‌ها را به هیچ صورت نمی‌تواند حرکت داده و جا به جا کند، نایب پشت دست‌های او را تیمم می‌دهد به این‌گونه که نایب به نیت تیمم دادن منوب عنه دو دست خود را بر خاک زده، سپس پشت دو دست منوب عنه را مسح نماید و بنا بر احتیاط واجب مسح پشت دست راست را بر مسح پشت دست چپ مقدم نماید؛ همچنین بنا بر احتیاط واجب مسح را از بالا به پایین، از میچ دست به طرف سر انگشتان انجام دهد.

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۴

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۵

شایان ذکر است در مورد (ج) بنا بر احتیاط واجب در صورت امکان فرد باید پیشانی و دو طرف آن را به مقداری که مسح آن لازم است، در یک دفعه بر خاک بکشد هر چند به اینکه خاک را فرو رفته و گود کرده سپس پیشانی و دو طرف آن را بر روی خاک گود شده قرار داده و آنها را بر خاک بکشد به گونه‌ای که پیشانی و دو طرف آن از محل رویدن مو به طرف ابروها، از بالا به طرف پایین بر خاک کشیده شود؛ همچنین احتیاط واجب آن است که در صورت امکان نایب مسح پشت دست راست منوب عنه را، با کمک دست چپ خویشت (نایب) انجام دهد و همچنین مسح پشت دست چپ منوب عنه را با کمک دست راست خویشت (نایب) انجام دهد.<sup>۱</sup>

### فقدان مانع در اعضای تیمم

\* اگر در پیشانی یا پشت دست‌ها مانعی باشد، مثلاً چسب، رنگ، لاک، قیر به آنها چسبیده باشد، باید آن را برطرف نماید و اگر مانع در کف دست‌ها باشد در صورتی که با قسمت بدون مانع، عرفاً مسح با کف دست صدق کند، همان کافی بوده و لازم نیست کل عضو مسح کننده بدون مانع باشد و به طور کلی در تیمم لازم نیست کل عضو مسح کننده، کل عضو مسح شده را مسح نماید بلکه اگر مسح کل عضو با بعض عضو مسح کننده انجام شود چنانچه عرفاً صدق کند، مسح با کف انجام شده کافی است. بنابراین اگر پیشانی با دو کف دست بدون مسح با انگشتان مسح گردد کافی است ولی در هر صورت لازم است کل پیشانی و پشت دست‌ها مسح شود.<sup>۲</sup>

### مبطل وضو یا غسل

\* اگر در بین نماز عمدتاً یا سهواً، یا از روی ناچاری، عملی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلاً ادرار از او بیرون آید یا باد از او خارج شود یا بخوابد، نمازش باطل می‌شود؛ هر چند بتواند در بین نماز بدون از بین رفتن موالات یا به هم خوردن صورت نماز، مثلاً وضو بگیرد و همه واجبات نماز را با طهارت به جا آورد.

البته این حکم در یک صورت بنا بر احتیاط واجب است و آن صورتی است که باطل شدن وضو یا غسل، پس از تمام شدن سجده آخر نماز از روی سهو یا ناچاری باشد. و کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، اگر در بین نماز ادرار یا مدفوع از او خارج شود، چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد رفتار نماید، نمازش باطل نمی‌شود و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است.<sup>۳</sup>

\* اینجانب از باد شکم رنج می‌برم و به همین خاطر نمازهایم تحت تأثیر قرار می‌گیرد چه کنم؟

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۶

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸۵۷

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۳۴۴.

- شما حکم کسی را دارید که دچار سلس بول شده است می‌توانید بعد از گرفتن وضو نماز بخوانید در اُتْنا به آنچه مبتلا هستید از شما بیرون بیاید.<sup>۱</sup>

### خون

\* اگر بعد از آمپول زدن کمی خون بیاید و به وسیله پنبه خشک پاک شود ولی آب کشیدن آن جا را فراموش کند نماز با این حالت چه حکمی دارد؟  
- صحیح است.<sup>۲</sup>

\* آیا محل خون که کاملاً پاک شده و هیچ علامت و رنگ خون باقی نمانده، پاک است؟  
- نجس است.<sup>۳</sup>

### خون کمتر از درهم

\* اگر بدن یا لباس نمازگزار به مقدار کمتر از درهم به خون آلوده باشد، فرد می‌تواند با شرایط زیر نماز بخواند:

- الف. بنا بر احتیاط واجب، درهم به اندازه بند سر انگشت شست حساب شود نه بیشتر.
  - ب. خالص باشد، بنابراین اگر خون کمتر از درهم باشد ولی با چرک یا زردابه یا آب و مانند آن مخلوط شده باشد، نماز با آن صحیح نیست.
  - ج. از خون‌های ممنوع مثل خون حیض نباشد.
- شایان ذکر است خون کمتر از درهم که شرایط سه‌گانه فوق را دارا می‌باشد، چنانچه عین آن برطرف شود، باز هم حکمش باقی است و نماز با آن صحیح می‌باشد. همچنین این نکته قابل توجه است که خون کمتر از درهم، نجس است و صحیح بودن نماز با آن به معنای پاک بودن آن نیست.<sup>۴</sup>

\* کسی که بدنش زخم است، اگر در بدن یا لباس خود خونی که به اندازه درهم یا بیشتر از درهم است ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.<sup>۵</sup>

\* اگر چند زخم در بدن باشد و طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده‌اند نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰.

۳. توازن‌نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۴۶.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۶۱.

زخم حساب شود، هر کدام که خوب شد، فرد باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد مگر آنکه کمتر از درهم باشد و شرایط خون کمتر از درهم را نیز دارا باشد که آب کشیدن آن لازم نیست.<sup>۱</sup>

### خون زخم و دمل

\* اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم و جراحت یا دمل باشد، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده می‌تواند با شرایط زیر نماز بخواند هر چند آن خون بیشتر از درهم باشد:  
الف. زخم و جراحت قابل توجه بوده و ثبات و استقرار داشته باشد و عرفاً از زخم‌های جزئی به حساب نیاید.

ب. خون از زخم یا دمل و اطراف آن - که عرفاً تابع زخم یا دمل به حساب می‌آید - به جای دیگر سرایت نکرده باشد.

برخی از فقها رضوان الله تعالی علیهم این شرط را هم ذکر کرده‌اند که تطهیر بدن یا عوض کردن لباس آلوده به خون به گونه‌ای باشد که در نظر عرف سختی فوق‌العاده داشته باشد، اما این شرط، ثابت نیست و رعایت آن، لازم نمی‌باشد هر چند مطابق با احتیاط مستحب است و نیز لازم نیست چنین خونی، خالص باشد بلکه اگر با چرک یا زردابه یا عرق یا دوا و مرهمی که روی آن گذاشته‌اند یا مواد ضد عفونی کننده مخلوط شده، باز هم می‌توان با آن نماز خواند.<sup>۲</sup>

\* اگر از بواسیر یا زخمی که داخل دهان و بینی و مانند اینها است، خونی به بدن یا لباس برسد، با تحقق شرایط که در مسأله قبل ذکر شد، می‌تواند با آن نماز بخواند و فرقی نیست که دانه بواسیر بیرون باشد یا اندرون باشد.<sup>۳</sup>

\* اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است (جراحت‌های جزئی)، در بدن یا لباس نمازگزار باشد و به اندازه درهم یا بیشتر باشد، نماز او باطل است.<sup>۴</sup>

### نماز

\* مریضی که سکنه کرده و مدتی بستری بوده و فاقد حس و حرکت و شعور است آیا نماز از او ساقط است یا خیر؟ و بعد از او ورثه باید نمازهای او را قضا کنند یا ضرورتی ندارد؟  
- ساقط است و قضا ندارد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۶۲.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۵۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۵۹؛ این شرایط در مسأله ۹۵۶ جلد اول کتاب توضیح المسائل جامع آمده است.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۵۷.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

\* اگر بعد از آمپول زدن کمی خون بیاید و به وسیله پنبه خشک پاک شود ولی آب کشیدن آن جا را فراموش کند نماز با این حالت چه حکمی دارد؟  
- صحیح است.<sup>۱</sup>

\* آیا نجس بودن دست یا پای مصنوعی باعث بطلان نماز می شود؟  
- باعث بطلان نیست.<sup>۲</sup>

\* اگر شخصی بتواند قیام و رکوع نمازش را ایستاده به جا آورد ولی نتواند در حالت ایستاده به سجده برود وظیفه اش چیست؟  
- اگر مشکل نشست و برخاست باشد می تواند با خم کردن سر در حال ایستادن سجود کند.<sup>۳</sup>

\* آیا با داشتن مرض و عذر موجه می توانیم در خواندن نماز به حالت نیمه خیز نماز خواند؟ حکم نماز خواندن بر روی میز چیست؟  
- می توانید و اگر از نماز خواندن در حال نشستن با رکوع و سجود عاجز باشید می توانید روی میز با ایماء برای رکوع و سجود نماز بخوانید.<sup>۴</sup>

### پاک بودن بدن و لباس نمازگزار

\* اگر یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست خون نجسی است که نماز با آن صحیح است مثلاً یقین کند خون زخم و دمل است، چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، نمازش صحیح می باشد.<sup>۵</sup>

\* در پنج صورت، اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است که شرح موارد آن در مسائل بعد ذکر می شود:

۱. خون کمتر از درهم
۲. خون زخم و دمل
۳. لباس های کوچک نمازگزار
۴. محمول نجس (لباس یا شیء دیگر همراه)
۵. حالت اضطرار و ناچاری.<sup>۶</sup>

۱. توان نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰.

۲. توان نامه، ش ۴-۶ ص ۲۲۰.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۴۰.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۹۴۵.

## روزه

\* روزه گرفتن، ضرر یا سختی فوق العاده یا منع شرعی دیگری نداشته باشد.

افرادی که این شرطها شامل آنها می شود، چند دسته هستند:

الف. فردی که روزه برای خودش ضرر، یا سختی فوق العاده ای دارد که معمولاً قابل تحمل نیست.

ب. پیرمرد و پیرزنی که روزه گرفتن به علت پیری، برای آنان ممکن نیست یا سختی فوق العاده دارد.

ج. کسی که به بیماری عطش مبتلا است یعنی زیاد تشنه می شود و نمی تواند تشنگی را تحمل کند یا برای او سختی فوق العاده دارد.

د. زن حامله ای که به خاطر حمل، روزه گرفتن برای خودش یا بچه اش ضرر دارد.

ه. زن شیردهی که به علت شیر دادن، روزه گرفتن برای خودش یا نوزاد شیرخوار ضرر دارد.<sup>۱</sup>

\* اگر انسان یقین یا اطمینان داشته باشد که روزه برایش ضرر قابل توجهی دارد (ضرری که معمولاً تحمل نمی شود) یا اینکه چنین ضرری را احتمال بدهد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود، چنانچه احتمال او در نظر افراد عاقل بجا باشد، واجب نیست روزه بگیرد؛ بلکه اگر آن ضرر موجب هلاکت و مرگ یا جنایت بر نفس - مثل نقص عضو - شود، روزه گرفتن برای او حرام است و در واجب نبودن روزه فرقی نیست که روزه موجب پیدایش بیماری و ضرر قابل توجه گردد یا موجب شدیدتر شدن آن یا طولانی شدن دوره درمان آن گردد. شایان ذکر است دخترانی که تازه به سن بلوغ رسیده اند و نیز افراد دیگر، چنانچه روزه گرفتن در ماه مبارک رمضان برای آنان ضرر قابل توجه دارد و موجب مریض شدن آنان می شود یا می ترسند مریض شوند، احکام مریض در مورد آنان جاری می شود؛ اما اگر روزه گرفتن برای آنان ضرر ندارد، ولی مثلاً به علت طولانی بودن روز یا شدت گرما، تمام کردن روزه برای آنان سختی فوق العاده ای دارد که معمولاً چنین سختی قابل تحمل نیست، باید به قصد قربت مطلقه<sup>۲</sup> روزه بگیرند و هنگامی که به علت ضعف شدید یا احساس تشنگی زیاد، ادامه روزه ماه مبارک رمضان بر آنان فوق العاده سخت شد، می توانند آب بیاشامند یا غذا بخورند؛ ولی بنا بر احتیاط واجب در خوردن و آشامیدن، تنها به مقدار ضرورت اکتفاء نمایند و در بقیه روز از انجام کاری که روزه را باطل می کند پرهیز نمایند؛ هر چند در هر صورت، با خوردن یا آشامیدن، روزه آنان، باطل می شود. و اگر آنان می توانند با استفاده از راه های معمول برای تقویت، مثل سحری مقوی خوردن یا کاهش فعالیت بدنی در طی روز یا استراحت بیشتر بدون داشتن ضرر و سختی فوق العاده روزه ماه مبارک رمضان را بگیرند، این کار لازم است.<sup>۳</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، ص ۵۴۱.

۲. یعنی خصوص روزه واجب را نیت نکند؛ بلکه از مبطلات روزه پرهیز کند و قصدش از این کار به طور کلی قربت الی الله باشد.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، مبحث روزه، ص ۵۳۹.

\* کسی که می‌داند یا اطمینان دارد روزه برای او ضرر قابل توجهی ندارد، هر چند پزشک بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد و کسی که یقین یا گمان دارد یا احتمال معقول می‌دهد که روزه برایش ضرر قابل توجهی دارد، هر چند پزشک بگوید ضرر ندارد، واجب نیست روزه بگیرد و جایز است افطار نماید؛ بلکه اگر ضرر مورد احتمال یا مورد اطمینان در حد حرام باشد، واجب است روزه نگرفته و افطار نماید و در غیر صورت ضرر حرام، فرد می‌تواند رجاء روزه بگیرد و چنانچه بعد معلوم شود که روزه برای او ضرر قابل توجه نداشته، روزه اش صحیح است.<sup>۱</sup>

\* اگر فرد بیمار در بین روز ماه رمضان قبل از اذان ظهر، خوب شود و تا آن وقت، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از اذان ظهر، خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست و باید آن را قضاء کند.<sup>۲</sup>

\* ضررهای خفیف و مختصر، باعث نمی‌شود افطار روزه جایز شود و با وجود این‌گونه ضررها روزه بر فرد واجب است؛ بنابراین اگر روزه باعث می‌شود مختصری تغییر در مزاج فرد ایجاد شود یا اندکی دمای بدنش افزایش یابد یا احساس ضعف و سستی در بدنش نماید یا باعث کاهش نور چشم به مقدار معمول گردد، به گونه‌ای که یکی دو ساعت بعد از افطار این موارد به کلی برطرف گردد و نیز سایر ضررهای خفیف مانند این‌ها، که افراد عاقل از آن پرهیز نمی‌کنند و عرف مردم معمولاً آن را تحمل می‌نمایند، چنین مواردی عذر شرعی محسوب نشده و روزه بر این افراد واجب است.<sup>۳</sup>

\* اگر روزه، بر جان فردی که می‌خواهد روزه بگیرد ضرری ندارد، اما وی می‌ترسد ضرر قابل توجهی به آبرو یا مالش برسد و برای پیشگیری از آن، راه معقولی جز ترک روزه و افطار آن نداشته باشد، روزه بر او واجب نیست.<sup>۴</sup>

### کفاره افطار عمدی در ماه مبارک رمضان

\* اگر در بین روزهایی که باید پی در پی روزه بگیرد عذری مثل بیماری یا حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور است، برای او پیش آید بعد از برطرف شدن عذر، واجب نیست روزه‌ها را از سر بگیرد، بلکه بقیه را بلافاصله بعد از برطرف شدن عذر به جا می‌آورد ولی اگر خود فرد با اختیار خود عذر را به وجود آورد، مانند زنی که عمدتاً با استفاده از دارو خود را حائض کند، لازم است دو مرتبه روزه‌ها را از سر بگیرد.<sup>۵</sup>

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۵.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۶.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۷.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۱۸.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۵۸.



\* کسی که به علت مسافرت یا بیماری روزه نمی‌گیرد، نمی‌تواند زن روزه‌دار خود را اکراه بر جماع کند، ولی اگر او را اکراه نماید، کفاره بر مرد واجب نیست.<sup>۱</sup>

### فدیه سالانه

\* اگر انسان به علت بیماری، روزه ماه رمضان را نگیرد و بیماری او تا ماه رمضان سال بعد طول بکشد، به گونه‌ای که در تمامی ایام سال نتواند روزه بگیرد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست؛ ولی پس از فرا رسیدن ماه رمضان سال بعد، باید برای هر روز یک مُد (تقریباً ۷۵۰ گرم) طعام یعنی گندم یا جو یا نان و مانند اینها به فقیر بدهد که آن را فدیه سالانه هم می‌نامند و پرداخت آن قبل از فرا رسیدن ماه رمضان سال بعد، صحیح نیست؛ البته کسی که مثلاً سی روز کفاره از ماه رمضان قبل به عهده دارد، می‌تواند روز پانزدهم ماه شعبان کفاره پانزده روز را بپردازد و نیز کسی که کفاره ده روز به عهده اوست، روز بیست و پنجم ماه شعبان می‌تواند کفاره پنج روز را بپردازد و همین‌طور...؛ شایان ذکر است در این مورد و موارد ذکر شده در مسائل بعدی، سیر کردن فقیر کافی نیست و لازم است یک مد طعام را به عنوان اینکه مال و ملک فقیر باشد به وی بپردازد.<sup>۲</sup>

\* اگر بیماری انسان چند سال طول بکشد، بعد از آنکه در بین سال آخر خوب شد، باید قضای ماه رمضان سال آخر را بگیرد و قضای روزه سال‌های قبل که به علت بیماری، نگرفته بر او واجب نیست؛ ولی باید برای هر روز از سال‌های قبل یک مُد طعام به فقیر بدهد.<sup>۳</sup>

\* اگر انسان به علت عذر دیگری غیر از بیماری روزه نگرفته باشد و عذر او تا ماه رمضان بعد باقی بماند، روزه‌هایی را که نگرفته باید قضاء کند و احتیاط واجب آن است که برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.<sup>۴</sup>

\* اگر فرد به علت بیماری، روزه ماه رمضان را نگیرد و بعد از ماه رمضان، بیماری او برطرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا ماه رمضان بعد قضای روزه را بگیرد، باید روزه‌هایی را که نگرفته قضاء نماید و بنا بر احتیاط واجب، برای هر روز یک مُد طعام نیز به فقیر بدهد و همچنین اگر در ماه رمضان به جز بیماری، عذر دیگری داشته باشد و بعد از ماه رمضان آن عذر برطرف شود و تا ماه رمضان سال

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۶۸.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۷۵.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۷۶؛ به عنوان مثال، فردی که به علت بیماری، سه سال بی‌در پی روزه نگرفته و قبل از فرا رسیدن ماه رمضان سال چهارم، در اول ماه رجب، بیماری او برطرف شده است. در این صورت، قضای روزه‌های سال اول و دوم از او ساقط است و باید برای هر روز از آن دو سال، کفاره (فدیه) پرداخت نماید و اما نسبت به سال سوم، باید قضای روزه‌های آن سال را انجام دهد و در صورتی که قضای روزه‌های سال سوم را تا قبل از فرا رسیدن ماه رمضان سال چهارم به جا آورد، پرداخت کفاره بر او واجب نیست.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۷۷.

بعد به علت بیماری نتواند روزه بگیرد، باید روزه‌هایی را که نگرفته قضا نماید و بنا بر احتیاط واجب، برای هر روز یک مُد طعام نیز به فقیر بدهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که بیمار است و بیماری او دایمی است و هرگز نمی‌تواند روزه بگیرد آیا کفاره بر او تعلق می‌گیرد؟

- باید برای هر روز یک مد (۷۵۰ گرم تقریباً) طعام یعنی گندم یا جو یا نان و مانند اینها به فقیر بدهد.<sup>۲</sup>

\* جوانی هستم ۱۷ ساله که درجه چشمانم روی هم بالای ۱۱ است. آیا روزه گرفتن بر من واجب است؟

- اگر ترس ضرر یا شدت مرض باشد واجب نیست.<sup>۳</sup>

\* حکم استفاده از اسپری آسم برای فرد روزه‌دار چیست؟ (استفاده طبق دستور پزشک است)  
- اگر گازی باشد که وارد ریه می‌شود مبطل نیست و اگر موادی از آن وارد معده می‌شود مبطل روزه است.<sup>۴</sup>

\* هر کسی که مریض باشد و چند سال پی در پی نتواند روزه را بگیرد در صورتی که خوب شود چه حکمی دارد؟

- اگر تا ماه رمضان بعدی خوب نشده باشد قضا ندارد و فقط برای هر یک روز ۷۵۰ گرم گندم به فقیر صدقه بدهد.<sup>۵</sup>

\* کسی در ماه رمضان توانایی روزه ندارد و ضعف بر او غالب می‌شود آیا می‌تواند روزه نگیرد؟  
- ضعف به تنهایی مجوز روزه خواری نیست هر چند شدید باشد، مگر این که موجب مشقت (سختی زیاد که عادتاً قابل تحمل نیست) باشد که در این صورت خوردن یا آشامیدن (فقط) به مقدار ضرورت جایز است ولی به احتیاط واجب بقیه روز را امساک نماید و باید بعد از ماه مبارک رمضان قضا نماید و کفاره بر او واجب نیست.<sup>۶</sup>

\* آیا تنفس مصنوعی روزه را باطل می‌کند؟

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۰۷۸.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۶. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

- وارد شدن فقط هوا روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۱</sup>

\* حکم استفاده کردن از اسپری برای تنگی نفس در ماه رمضان چیست؟

- اسپری که برای تنگی نفس استعمال می‌شود اگر دارو را فقط وارد ریه کند روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۲</sup>

\* سرم و یا آمپول خوراکی که از رگ تزریق می‌شود روزه را باطل می‌کند؟ اعم از این که مریض ناچار باشد و یا نباشد؟

- در هر دو صورت روزه را باطل نمی‌کند.<sup>۳</sup>

## بیماری‌ها

### حساسیت پوستی

\* دو دست یک جانباز بر اثر انفجار از مچ قطع شده، و باقیمانده دست‌ها دائماً دچار حساسیت پوستی می‌شود، تا آنجا که مجبور است بسیاری از اوقات دست‌ها را به وسیله پماد یا کرم چرب نماید. و مصلحت نیست که برای وضو چربی را پاک کند. تکلیف ایشان برای ادای فریضه وضو چیست؟  
- اگر فقط چربی باشد مانع نیست ولی اگر عینی باشد که مانع رسیدن آب است و ازاله آن موجب حرج مشقت است باید احتیاطاً هم تیمم کند هم وضو بگیرد.<sup>۴</sup>

\* بیماران پوستی که پوست دست یا پای آنها می‌ریزد آیا خود پوست جدا شده نجس است؟ موضعی که پوست از آنجا جدا شده چه حکمی دارد؟  
- پاک است.<sup>۵</sup>

### دائم الحدث

\* اگر انسان مرضی دارد که ادرار او قطره قطره می‌ریزد که به وی مَسْلُوس گفته می‌شود یا نمی‌تواند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کند که به وی مَبْطُون گفته می‌شود یا مرضی دارد که نمی‌تواند از خارج شدن باد، جلوگیری کند، باید به احکام دائم الحدث عمل نماید و به طور اجمال این فرد نسبت به اینکه از اول وقت نماز تا آخر وقت به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و خواندن نماز مهلت پیدا می‌کند یا نه، چهار حالت دارد:  
الف. یقین یا اطمینان به مهلت پیدا کردن برای کل نماز دارد.

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۰.

- ب. یقین یا اطمینان به مهلت پیدا کردن برای قسمتی از نماز دارد.  
 ج. احتمال مهلت پیدا کردن برای همه یا قسمتی از نماز می‌دهد.  
 د. و یا یقین یا اطمینان دارد حتی برای قسمتی از نماز مهلت پیدا نمی‌کند.  
 حکم هر کدام از موارد در مسائل بعد ذکر می‌شود.<sup>۱</sup>

\* دائم الحدیث چنانچه یقین یا اطمینان دارد که از اوّل وقت نماز تا آخر آن به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و خواندن تمام نماز مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در آن مهلت بخواند، چه آن مهلت، اوّل وقت باشد یا وسط وقت یا آخر وقت و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را به جا آورد و کارهای مستحب مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.<sup>۲</sup>

\* اگر یقین یا اطمینان دارد که از اوّل وقت نماز تا آخر آن به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و خواندن قسمتی از نماز مهلت پیدا می‌کند و پس از آن در بین نماز یک دفعه یا چند دفعه، ادرار یا مدفوع یا باد از او خارج می‌شود، احتیاط لازم آن است که در مهلتی که دارد وضو یا غسل یا تیمم را بجا آورده و نماز بخواند ولی در میان نماز یا بعد از نماز لازم نیست به سبب ادرار یا مدفوع یا باد خارج شده، دوباره وضو یا غسل یا تیمم را انجام دهد؛ بلکه حتی یک وضو برای چندین نمازش کافی است، خواه، نماز مستحبی باشد خواه واجب؛ مگر آنکه باطل کننده‌ای غیر از آنچه مبتلا به آن است از او سرزند مثل آنکه بخوابد یا همان باطل کننده‌ای که به آن مبتلا است در حالی که مربوط به آن مریضی نیست از او سرزند مثل اینکه ادرار یا مدفوع به طور طبیعی از او خارج شود که در این دو صورت باید وضو یا غسل یا تیمم را دوباره انجام دهد.<sup>۳</sup>

\* دائم الحدیث، چنانچه احتمال می‌دهد از اوّل وقت نماز تا آخر آن به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و خواندن تمام نماز یا قسمتی از آن مهلت پیدا می‌کند، احتیاط مستحب آن است که صبر نماید هر چند می‌تواند در اوّل وقت نماز را بخواند. اما اگر بعد از نماز مهلتی پیش آید که حدیث از او سر نمی‌زند و آن مهلت به اندازه انجام طهارت و خواندن تمام یا قسمتی از نماز است، بنا بر احتیاط واجب، لازم است نماز را دوباره بخواند و همین حکم در مورد کسی که به اعتقاد آنکه مهلت پیدا نمی‌کند نماز را در اول وقت خوانده جاری است.<sup>۴</sup>

\* کسی که ادرار یا مدفوع یا باد به گونه‌ای پی در پی از او خارج می‌شود که به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم هر کدام وظیفه اوست) و قسمتی از نماز مهلت پیدا نمی‌کند، وضو یا غسل یا

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۷.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۴۹.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۰.

تیمم (هرکدام وظیفه اوست) را انجام دهد و نماز بخواند و به ادرار یا مدفوع یا باد خارج شده قبل از نماز یا میان نماز یا بعد از نماز اعتناء نکند و لازم نیست وضو، غسل یا تیمم را دوباره انجام دهد؛ بلکه حتی یک وضو برای چندین نمازش کافی است، خواه، نماز مستحبی باشد خواه، واجب و احتیاط مستحب آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد ولی برای سجده و تشهد قضا شده و نماز احتیاط، وضوی دیگری لازم نیست و این فرد بر وضو یا غسل یا تیمم خود باقی است مگر آنکه باطل کننده‌ای غیر از آنچه مبتلا به آن است، از او سر بزند مثل آنکه بخوابد یا همان باطل کننده‌ای که به آن مبتلا است در حالی که مربوط به آن مریضی نیست، از او سر زند مثل اینکه ادرار یا مدفوع یا باد به طور طبیعی از او خارج شود که در این دو صورت، باید دوباره وضو یا غسل یا تیمم را انجام دهد.<sup>۱</sup>

\* کسی که ادرار یا مدفوع یا باد، پی در پی از او خارج می‌شود، لازم نیست بعد از وضو فوراً نماز بخواند، هر چند احتیاط مستحب است که چنین کند.<sup>۲</sup>

\* کسی که ادرار یا مدفوع، پی در پی از او خارج می‌شود، بعد از وضو گرفتن جایز است نوشته قرآن را لمس نماید هر چند در غیر حال نماز باشد.<sup>۳</sup>

\* کسی که ادرار یا مدفوع یا باد پی در پی از او بیرون می‌آید باید در صورت امکان از رسیدن نجاست به جاهای دیگر جلوگیری نماید (مثل آنکه با کیسه‌ای که در آن پنبه یا چیز دیگری وجود دارد از رسیدن ادرار به جاهای دیگر جلوگیری کند و یا در مورد مدفوع به صورتی از سرایت نجاست جلوگیری کند) و احتیاط واجب آن است که اگر سختی فوق‌العاده ندارد قبل از هر نماز مخرج را تطهیر نماید.<sup>۴</sup>

\* کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع یا باد خودداری کند، اگر مرض او به آسانی معالجه شود احتیاط مستحب آن است که خود را معالجه نماید.<sup>۵</sup>

\* دائم الحدث، بعد از آنکه مرض او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض طبق وظیفه‌اش خوانده، قضا نماید ولی اگر در بین وقت نماز مریضی‌اش خوب شود، بنا بر احتیاط لازم، نمازی را که در آن وقت خوانده، دوباره بخواند.<sup>۶</sup>

## زخم و دمل و شکستگی

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۱.

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۲.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۳.

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۴.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۵.

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۵۶.

\* اگر در جای وضو زخمی باشد که خون بند نمی‌آید ولی آب برای آن ضرر ندارد، برای وضو چه باید کرد؟

- باید بعد از شستن اجزاء صحیحه آن عضو با رعایت ترتیب، موضع زخم یا بریدگی را در آب کر یا جاری فرو برد، و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، و انگشت خود را روی زخم یا بریدگی در زیر آب از بالا به پائین بکشد تا آب بر آن جاری شود و سپس مواضع پائین تر از آن را بشوید وضو صحیح است.<sup>۱</sup>

\* اگر در یکی از اعضای وضو، زخم یا دمل یا شکستگی است و روی آن باز باشد و آب برای آن ضرر نداشته باشد چگونه باید وضو گرفت؟  
- باید به طور معمول وضو گرفت.<sup>۲</sup>

\* اگر در صورت یا دست‌ها زخم یا دمل یا شکستگی است که ریختن آب ضرر دارد ولی دست تر کشیدن روی آن ضرر ندارد وظیفه نسبت به وضو چیست؟  
- باید اطراف زخم یا دمل را از بالا به پایین بشوید، و در شکستگی لازم است تیمم نماید.<sup>۳</sup>

\* اگر آب ریختن یا دست تر کشیدن روی زخم یا دملی که باز است و در صورت یا دست‌ها ضرر دارد و یا امکان ندارد وظیفه چیست؟  
- باید اطراف آن را از بالا به پایین بشوید.<sup>۴</sup>

\* اگر روی زخم باز و نجس است و نمی‌توان آب کشید وظیفه چیست؟  
- باید اطراف زخم را از بالا به پایین بشوید و بنا بر احتیاط مستحب پارچه پاکی روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد.<sup>۵</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در محل مسح یعنی در جلوی سر یا روی پاهاست و روی آن باز باشد چنانچه نتواند آن را مسح کند (به این معنی که زخم مثلاً تمام محل مسح را گرفته باشد و یا اینکه مسح جاهای سالم نیز امکان ندارد) تکلیف شرعی برای وضو گرفتن چیست؟

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۵۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲۷۹؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۲۷۸.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۴؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۳.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۲؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۵؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۴.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۵؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۴.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۵؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۲۴.

- در این صورت باید تیمم کند و بنا بر احتیاط وضو نیز بگیرد و پارچه پاکی روی آن گذاشته و با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند.<sup>۱</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پا باشد و روی آن باز ولی نتواند مسح کند و گذاشتن پارچه هم ممکن نباشد در این صورت وظیفه نسبت به وضو چیست؟  
- باید به جای وضو تیمم کند و بهتر است یک وضوی بدون مسح هم بگیرد.<sup>۲</sup>

\* اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد و باز کردن آن ممکن باشد و آب هم برای زخم ضرر نداشته باشد، وظیفه برای وضو چیست؟  
- باید روی زخم را باز کند و وضو بگیرد.<sup>۳</sup>

\* اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دست‌ها باشد که روی آن بسته است و بشود روی آن را باز کرد و شستن آن ضرر دارد ولی کشیدن دست تر ضرر ندارد وظیفه چیست؟  
- باز کردن لازم نیست و باید مقداری از اطراف زخم را که می‌تواند بشوید و بنا بر احتیاط واجب روی جبیره را مسح نماید.<sup>۴</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته شده پاک است و رسانیدن آب به زخم هم ممکن است و ضرر و مشقت ندارد، وظیفه‌اش چیست؟  
- باید آب را به روی زخم برساند و وضویش صحیح است.<sup>۵</sup>

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد ولی زخم یا چیزی که روی آن گذاشته شده نجس است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و مشقت ندارد، وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر آب کشیدن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد باید آب را به روی زخم برساند و وضویش صحیح است.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۵.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۶؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۵.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۷؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۶.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۸؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۷.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

\* اگر روی زخم بسته است و نمی‌شود آن را باز کرد یا می‌شود آن را باز کرد ولی آب برای زخم ضرر دارد یا رساندن آب به روی زخم ممکن نیست یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید وظیفه برای وضو چیست؟  
- باید تیمم کند.<sup>۲</sup>

\* در صورت قبل اگر قرار دادن پارچه پاک روی زخم بسته ممکن نباشد یا نتواند دست تر روی آن بکشد وظیفه چیست؟  
- تیمم نماید.<sup>۳</sup>

\* اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها را فرا گرفته باشد تکلیف شرعی چیست؟  
- وضوی جبیره‌ای کافی است.<sup>۴</sup>

\* اگر جبیره بیشتر از اعضای وضو را گرفته باشد وظیفه چیست؟  
- بنابر احتیاط باید تیمم کند و وضوی جبیره‌ای بگیرد.<sup>۵</sup>

\* اگر جبیره از حریر یا اجزاء حیوانی که خوردن گوشت آن جایز نیست، باشد مسح بر آن جایز است؟  
- بله، مسح بر آن جایز است.<sup>۶</sup>

\* کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است آیا می‌تواند سر و پاها را با همان رطوبت مسح کند یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد؟  
- سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.<sup>۷</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۵-۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۶؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۸.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۹.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۹.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۰.

۷. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۳۱.



\* اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته باشد وظیفه چیست؟  
- اگر مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است باید جاهایی که باز است روی پا را، و جایی که جبیره است روی جبیره را مسح کند.<sup>۱</sup>

\* اگر در صورت یا دست‌ها چند جبیره باشد تکلیف چیست؟  
- باید بین آن‌ها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد باید بین آن‌ها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است باید به دستور جبیره عمل نماید.<sup>۲</sup>

\* اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن بدون مشقت ممکن نیست چه باید کرد؟  
- باید تیمم کند مگر این که جبیره در مواضع تیمم باشد که در این صورت لازم است بین وضو و تیمم جمع نماید.<sup>۳</sup>

\* اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای همه دست و صورت ضرر دارد وظیفه شرعی چیست؟  
- باید تیمم کند.<sup>۴</sup>

\* کسی که وظیفه او تیمم است اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چگونه تیمم کند؟  
- باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره‌ای نماید.<sup>۵</sup>

\* اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد تکلیف چیست؟  
- اگر جبیره تمام بعضی از اعضای وضو را فرا گرفته باشد، وضوی جبیره‌ای کافی است، ولی اگر تمام اعضای وضو را یا بیشتر آن گرفته باشد بنا بر احتیاط باید تیمم نماید و وضوی جبیره نیز بگیرد.<sup>۱</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۳؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۳۲.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۸؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۴؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۳۳.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۸-۱۰۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۵؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۳۴.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۶؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۳۵.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۴۴؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۰؛ توضیح المسائل آیت‌الله العظمی سیستانی، م ۳۳۹.

### شستن زخم

\* اگر در صورت یا دست‌ها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید بعد از شستن اجزاء صحیحه آن عضو با رعایت ترتیب، موضع زخم یا بریدگی را در آب کر یا جاری فرو برد، و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، و انگشت خود را روی زخم یا بریدگی در زیر آب از بالا به پائین بکشد تا آب بر آن جاری شود و سپس مواضع پائین تر از آن را بشوید وضو صحیح است.<sup>۲</sup>

### فلج پا

\* معلولی به خاطر فلج شدن هر دو پا، به مساعدت کفش طَبّی و عصا راه می‌رود. از آن جا که بیرون آوردن کفش طبی در موقع وضو به هیچ وجه امکان ندارد، تکلیف شرعی او در ارتباط با مسح پاها چیست؟  
- باید تیمم کند و بهتر است وضو نیز بدون مسح پا انجام دهد.<sup>۳</sup>

### قطع دست

\* آیا برای فردی که دو دستش قطع شده، جایز است که با باقیمانده دست، روی قسمت باریکی از پا مسح بکشد؟  
- کافی است.<sup>۴</sup>

\* گاه به هنگام مسح پا، به دلیل این که دو دستم قطع شده، ناخودآگاه بقیه دستم به قسمت‌های بالاتر از پا که هنوز مسح نشده برخورد کرده، و آن را خیس می‌کند. آیا وضوی بنده در این حالت صحیح است؟  
- اگر قسمتی که خیس نشده است نیز مسح می‌شود هر چند مختصر باشد کفایت می‌کند.<sup>۵</sup>

\* معلولی که دستانش قطع است، از آنجا که در آوردن و سپس پوشیدن جوراب برایش سخت است. آیا می‌تواند بر روی جوراب مسح بکشد؟  
- باید از کسی کمک بگیرد و اگر نبود و کندن آن ممکن نبود باید تیمم کند.<sup>۶</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۰۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۳۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۳۲۹.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۷۸.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* اگر دست راست کسی از کتف قطع شده باشد، آیا مسح پای راست، از او ساقط می‌گردد؟  
- هر دو پا را با یک دست می‌توان مسح نمود حتی در حال اختیار.<sup>۱</sup>

\* معلولی که دو دستش قطع است، زمان زیادی طول می‌کشد تا تک‌تک اعضا را وضو بدهد. آیا وضویش باطل است؟  
- باطل نیست.<sup>۲</sup>

### قطع نخاع

\* فرد قطع نخاعی که برای مسح پا تنها می‌تواند با پشت انگشتان دست مسح بکشد، آیا این کار صحیح است؟  
- اختیاراً هم کافی است.<sup>۳</sup>

\* فرد قطع نخاعی که اگر بخواهد خودش مسح می‌کند، از بالا به پایین و به طرف نوک انگشتان مسح کشیده می‌شود. آیا کافی است، یا باید نایب بگیرد؟  
- اختیاراً نیز کافی است.<sup>۴</sup>

\* معلولی که خودش می‌تواند وضو بگیرد، اما برای کشیدن مسح پا در آوردن کفش یا جوراب برایش مشقت دارد، و کمک گرفتن از دیگران برایش سخت است. آیا می‌تواند از روی کفش مسح بکشد؟ از روی جوراب چطور؟  
- باید از کسی کمک بگیرد و اگر نبود و کندن آن ممکن نبود باید تیمم کند.<sup>۵</sup>

\* بعضی از افراد قطع نخاع باید برای وضو گرفتن کمک بگیرند. آیا نایب می‌تواند غیربالغ باشد؟ بچه غیرممیز چطور؟ در هر دو صورت نیت وضو بر عهده کیست؟  
- اگر شستن و مسح با دست معلول باشد نیت را او می‌کند و در این صورت کمک ممکن است از کودک غیر ممیز هم باشد و اگر با دست کمک کار است باید احتیاطاً هر دو نیت کنند و باید کمک کار بالغ باشد و غیر بالغ کافی نیست حتی اگر ممیز باشد بنا بر احتیاط واجب.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاعی که اگر برای وضو نایب بگیرد، وضو به شکل صحیح انجام می‌شود؛ اما اگر خودش وضو بگیرد، در بعضی از اعضا به جای آنکه آب از بالا به پایین ریخته شود، عضو از پایین به بالا شسته می‌شود. نایب بگیرد بهتر است، یا خودش انجام دهد؟  
- در شستن دست‌ها باید نایب بگیرد و در شستن صورت باید دو بار بشوید به دو نحو.<sup>۱</sup>

\* معلول قطع نخاع از گردن، خودش نمی‌تواند وضو بگیرد، و باید نایب داشته باشد. آیا می‌تواند برای راضی کردن نایب به او دست‌مزد بدهد؟  
- در صورت لزوم باید دست‌مزد بدهد.<sup>۲</sup>

\* آیا فردی که از گردن قطع نخاع است، و خود قادر بر انجام وضو نیست، ولی می‌تواند نایب بگیرد، جایز است بدون وضو نماز بخواند؟  
- جایز نیست.<sup>۳</sup>

\* فرد قطع نخاعی از گردن که همیشه نایب برای او وضو می‌گیرد. اگر نایب از منزل بیرون رود، و تا پایان وقت برنگردد، تکلیفش چیست؟ آیا وضو از او ساقط می‌شود؟  
- اگر نتواند بدون نایب تیمم کند نماز از او ساقط است و به احتیاط واجب قضا کند.<sup>۴</sup>

\* دو دست یک جانباز بر اثر انفجار از مچ قطع شده، و باقیمانده دست‌ها دائماً دچار حساسیت پوستی می‌شود، تا آنجا که مجبور است بسیاری از اوقات دست‌ها را به وسیله پماد یا کرم چرب نماید. و مصلحت نیست که برای وضو چربی را پاک کند. تکلیف ایشان برای ادای فریضه وضو چیست؟  
- اگر فقط چربی باشد مانع نیست ولی اگر عینی باشد که مانع رسیدن آب است و ازاله آن موجب حرج مشقت است باید احتیاطاً هم تیمم کند هم وضو بگیرد.<sup>۵</sup>

\* فرد قطع نخاعی از گردن به هنگام تلاوت قرآن و موقع ورق زدن، ناچار است از لب و دهان کمک بگیرد، و کمک گرفتن از دیگری برایش مشکل است، وضو گرفتن نیز برایش مشقت دارد. آیا می‌تواند بدون وضو این کار را انجام دهد؟  
- بدون وضو نمی‌تواند دست به خط قرآن بزند.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.  
۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* فرد قطع نخاعی که اگر در منزل بماند با وسایلی که دارد یا با کمک نایب می‌تواند به راحتی وضو بگیرد، اما مجبور است برای کار یا تحصیل از خانه خارج شده، و به هنگام نماز نمی‌تواند در خارج از منزل وضو بگیرد، یا وضویی که می‌گیرد ناقص است. آیا لازم است دائم در خانه بماند، و کار و تحصیل را رها سازد؟  
- لازم نیست و اگر نتوانست با کمک کسی وضو بگیرد و وقت تنگ بود تیمم کند.<sup>۱</sup>

\* فرد قطع نخاعی که عادت کرده دائماً با وضو باشد، گاهی از اوقات کسالت جسمی، اجازه وضوی مستحبی به او نمی‌دهد، آیا می‌تواند تیمم کند؟ در این صورت، آیا ثواب وضوی مستحبی را می‌برد؟ آیا با این تیمم می‌تواند نماز مستحبی بخواند؟  
- در این فرض تیمم مشروعیت ندارد و می‌تواند به قصد رجا انجام دهد ولی با آن نمی‌تواند کاری که متوقف بر طهارت است انجام دهد.<sup>۲</sup>

\* افراد دارای قطع نخاع که قوه ماسکه ندارند یا ضعیف است و دائم از آنان بول و غائط بیرون می‌آید و از کیسه (کاندوم و سُنْد) استفاده می‌کنند، تکلیف آنان به هنگام قرائت قرآن و لمس قرآن و اسماء جلاله و معصومین (ع) چیست؟  
- با یک وضو می‌توانند نماز بخوانند و همه آن اعمال را انجام دهند تا وقتی که با حدث دیگری غیر از آن چه محل ابتلا است، وضو باطل شود مانند خواب.<sup>۳</sup>

### جذام و ایدز

\* با توجه به این که کشور ما، در حال حاضر، در مرحله حذف بیماری جذام است، آیا می‌توان جایگزین‌های دیگری، مثل بیماری ایدز، یا سایر بیماری‌های پوستی که مخّل روابط زناشویی است، برای آن در نظر گرفت؟  
- نمی‌شود.<sup>۴</sup>

### الزایمر

\* در صورت استحقاق والدین آسیب دیده آلزایمری (بیماری فراموشی) آیا فرزندان آنها می‌توانند فطره، کفاره، زکات یا خمس خود را به آنها بپردازند؟  
- به احتیاط واجب ندهند.<sup>۵</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۱۲؛ مسائل جدید، ج ۵، ص ۳۳-۳۴.

### بیماری چشم

\* اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست موی چشم خود را بچسباند به طوری که آب به تمام ظاهر پوست و موها نرسد، وظیفه اش وضو و غسل جبیره‌ای است یا تیمم؟  
- باید تیمم نماید.<sup>۱</sup>

\* بیماری که مبتلا به مرض چشم است روزه اش چه حکمی دارد؟ آیا مریض می‌تواند روزه بگیرد؟  
- روزه بیمار هر چند بیماری چشم باشد در صورتی که ضرر داشته باشد صحیح نیست، چه به این دلیل که بیماری را زیاد کند یا علاج را طولانی کند یا درد را تشدید نماید. البته در همه آنها باید ضرر به مقدار معتدله‌ای باشد که معمولاً تحمل نمی‌شود. و فرقی نیست بین اینکه یقین به ضرر داشته باشد یا گمان بلکه حتی اگر احتمال بدهد ولی به نحوی باشد که موجب خوف بشود و این خوف مستند به موجبات عقلایی باشد. و همچنین صحیح نیست روزه از انسان سالمی که خوف بروز بیماری از آن داشته باشد چه رسد به اینکه بیماری قطعی باشد. و اما بیماری که روزه برای او ضرر ندارد باید روزه بگیرد و روزه اش صحیح است. و اگر بیماری تا رمضان سال بعد ادامه داشت قضا از او ساقط است و باید برای هر روز ۷۵۰ گرم گندم یا نان و امثال آن به یک فقیر فدیة بدهد.<sup>۲</sup>

### تشخیص خنثی

\* چنانچه پزشکی قانونی بر اساس وضعیت کروموزومی شخص، خنثی را خنثای مذکر یا مؤنث معرفی کند، آیا برای طرفی که با او ازدواج نموده، جزء عیوب محسوب و حق فسخ دارد؟  
- از عیوب مستلزم فسخ نیست اگر تدلیس نباشد و معیار در تعیین زن و مرد داشتن تخمدان و بیضتین است و اگر بر این اساس از جنس مخالف نباشد ازدواج باطل است.<sup>۳</sup>

### دارو و درمان

\* داروهای خارجی مایع و مواد غذایی و غیر غذایی که از خارج کشور (کشورهای غیراسلامی) می‌آورند اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد چه حکمی دارد؟  
- پاک است.<sup>۴</sup>

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۱۳؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۲۴۱.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۴؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی

سیستانی، م ۹۱.

### موسیقی

\* استفاده از موسیقی به عنوان شیوه درمانی تخلیه هیجان و مهار غریزه جنسی در معلولین ذهنی به علت عدم پاسخگویی برخی از آنها به دارو چه حکمی دارد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

### کاندوم و سند

\* آیا برای هر وضو باید سند و کاندوم را به علت نجس بودن از مجرای ادرار جدا کرد و سپس وضو گرفت، با توجه به اینکه تعویض و تهیه آن برای فرد قطع نخاع مشقت دارد؟  
- در صورت مشقت لازم نیست.<sup>۲</sup>

\* آیا فرد قطع نخاع در هنگام وضو علاوه بر اعضای وضو که می‌باید پاک باشد دیگر قسمت‌ها مانند اطراف مخرج بول یا غائط نیز باید عاری از نجاست باشد این در حالی است که دفع ادرار و مدفوع در اختیار ایشان نمی‌باشد و خود به خود بدن نجس می‌شود؟  
- طهارت سایر مواضع شرط صحت وضو نیست.<sup>۳</sup>

\* نجس بودن کاندوم و کیسه ادرار آیا برای وضو گرفتن اشکال دارد؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

\* افراد قطع نخاع از گردن معمولاً همراه خود کیسه‌های ادرار دارند و اکثر مواقع بول آنها در حال ریزش است و داریم که در هنگام وضو محل بول و غائط باید پاک باشد و حدث باعث بطلان وضو می‌شود، تکلیف این گونه افراد در وضو چیست؟  
- جواب روشن شد.<sup>۵</sup>

\* افراد قطع نخاع که ادرار از آنها به طور دائم خارج می‌شود برای وضو و انجام فریضه نماز چه باید بکنند؟

- با یک وضو هر مقدار نماز بخواند می‌تواند بخواند و فقط با مبطلات دیگر وضوی او باطل می‌شود.<sup>۶</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

\* وضو گرفتن با کیسه ادرار که درون آن ادرار است چه حکمی دارد؟  
- صحیح است.<sup>۱</sup>

\* انگشتان دست بعضی از افراد قطع نخاع در موقع وضو باز نمی‌شود و به قسمتی از انگشتان ایشان آب وضو نمی‌رسد در این حالت وضو چه حکمی دارد؟ وظیفه‌اش چیست؟  
- اگر با کمک دیگران هم نتواند آب برساند باید تیمم کند و اگر تیمم هم به طور کامل ممکن نیست باید به همین نحو که ممکن است هم تیمم کند هم وضو بگیرد.<sup>۲</sup>

\* فرد قطع نخاعی که بول و غائط بی‌اختیار از او خارج می‌شود از کیسه ادرار استفاده می‌کند (سند و کاندوم) به همین جهت دائماً ادرار او جریان دارد، و داخل کیسه می‌ریزد. به چه شکلی می‌تواند قرآن بخواند، و دست به آیات قرآن بزند؟  
- وضوی او با ادرار باطل نمی‌شود.<sup>۳</sup>

### کیسه ادرار

\* افرادی از کیسه ادرار استفاده می‌کنند و دائماً ادرار داخل کیسه جریان دارد. چطور می‌توانند قرآن بخوانند و دست به آیات قرآن بزنند؟  
- وضوی آنها با این ادرار باطل نمی‌شود.<sup>۴</sup>

### داروی مسکن

\* مددجویان و معلولینی که درد فراوان می‌کشند مثلاً تصادف کرده و بر اثر عوارض تصادف درد دارند آیا استفاده از داروهای مسکن مثل تریاک جایز است؟ اگر مشروط به نظر پزشک باشد چطور؟  
- طبق نظر پزشک باید عمل شود.<sup>۵</sup>

### داروی روانی

\* حکم حجر شخصی از طریق دادگاه و گواهی کمیسیون روان‌پزشکی صادر شده، سپس به این رأی اعتراض می‌شود. محجور بار دیگر به کمیسیون روان‌پزشکی معرفی شده، و کمیسیون نظر می‌دهد که وی سابقه جنون دارد، اما به واسطه مصرف دارو الآن در حال بهبودی است، ولی اگر دارو قطع شود،

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.



تمکن اداره امور خود را ندارد. از نظر شرع مقدس اسلام تکلیف چنین شخصی و قییم وی چیست؟ آیا در حال بهبودی به وسیله مصرف دارو احتیاج به قییم دارد، یا می‌تواند در اموال ممنوع خود تصرف کند؟  
- در حال بهبودی می‌تواند تصرف کند و قییم ندارد.<sup>۱</sup>

### اتانازی

\* اتانازی (قتل از روی ترحم و بیمار کشی با ترحم و به منظور کوتاه کردن مدت درد و رنج بیماران لاعلاج که بر اساس علم پزشکی هیچ امیدی به شفا و بهبودیش نیست) به سه قسم است:  
الف: نوع فعال (با تجویز داروی کشنده از طرف پزشک به زندگی بیمار خاتمه داده می‌شود).  
ب: نوع انفعالی (به صورت خودداری از ادامه مداوا و زنده نگه داشتن بیمار محض)  
ج: نوع غیر مستقیم (با قرار دادن داروها به مقدار زیاد در دسترس بیمار تا بیمار شخصاً به زندگی پر رنج خود پایان دهد) استفاده از کدامیک بلا اشکال است؟  
- حرام است و قتل عمد به حساب می‌آید.<sup>۲</sup>

### الکل

\* الکل صنعتی و طبی پاک است یا نجس؟  
- الکل چه صنعتی، چه طبی به تمام اقسامش پاک است.<sup>۳</sup>

### جراحی

\* شخصی عمل جراحی انجام داده است، و فعلاً کیسه‌ای بسته است که ادرار او قطره قطره در آن کیسه می‌ریزد، لیکن نه از مجرای ادرار بلکه از موضع جراحی که در پهلو قرار داده‌اند آیا این شخص حکم مسلوس را دارد؟  
- حکم مسلوس را دارد.<sup>۴</sup>

### کاشت تخمک

\* برخی بیماری‌های ارثی هستند که از پدران به فرزندان انتقال می‌یابد و زندگانی آنها را به مخاطره می‌اندازد. علم جدید راه نجات برخی از مرض‌ها را یافته است بدین ترتیب که تخمک زن را در لوله

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۳۹؛ مسائل جدید، ج ۵، ص ۸۹-۹۰.

۳. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۴۷؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۱۲؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۱۰۹.

۴. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۹۶-۹۷.

خارجی کشت می‌کنند و جنین‌های به وجود آمده را کنترل می‌کنند و سالم را از بین آنها انتخاب و در رحم مادر کشت می‌کنند، بقیه را از میان می‌برند آیا چنین عملی شرعاً جایز است؟  
- مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

### سقط جنین

\* زنی که ۲ هفته حامله است و ۲ فرزند دارد و می‌خواهد سقط جنین کند چه حکمی دارد؟  
(می‌ترسد که چون دارو استعمال کرده فرزند ناقص باشد)؟  
- سقط جنین جایز نیست مگر اینکه نگره داشتن آن برای مادر ضرری باشد یا مشقت زیاد داشته باشد که در این صورت سقط آن مادامی که ولوج روح نشده باشد مانعی ندارد.<sup>۲</sup>

\* آیا می‌شود جنین ناقص الخلقه در هنگام حمل با علم به آن به وسیله دستگاه‌های پزشکی اسقاط نمود یا نابود کرد؟  
- جایز نیست.<sup>۳</sup>

\* آیا سقط جنین چهار ماهه که طبق نظر دکتر پس از تولد زنده نمی‌ماند و فلج مطلق خواهد بود صحیح است؟  
- جایز نیست.<sup>۴</sup>

\* خانمی در ماه‌های آخر حاملگی (ماه هشتم یا نهم) پس از سونوگرافی به تشخیص پزشکان جنین او ناقص الخلقه است و قطع نخاع و از نظر بیماری‌های مغزی دارای مشکل بسیار زیاد می‌باشد که معلوم نیست در حال زایمان و پس از زایمان بمیرد یا زنده بماند از طرفی مادرش با شنیدن این خبر تعادل خود را از دست داده و به شدت روحش در عذاب است آیا سقط جنین جایز است؟ زیرا نگهداری چنین فرزندی برای خانواده‌اش قابل تحمل نیست؟  
- حرام است.<sup>۵</sup>

## اعضاء و جوارح بدن

### دست و انگشت مصنوعی

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی
۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.
۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.
۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.
۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

\* نابینایی که با انگشت مصنوعی خط بریل (نگارش برجسته) مس و لمس کرده و از این طریق قرآن و احادیث را یاد می‌گیرد، آیا وضو گرفتن برایش قبل از لمس واجب است؟  
- واجب نیست.<sup>۱</sup>

\* آیا دست مصنوعی در حکم و مثل دست طبیعی است و در جبیره به هنگام وضو باید دست مرطوب بر آن کشیده شود؟  
- خیر لازم نیست شسته شود.<sup>۲</sup>

\* آیا فردی که دستش از مچ قطع شده، می‌تواند با دست مصنوعی مسح کند؟  
- نمی‌شود.<sup>۳</sup>

\* آیا دست مصنوعی در حکم جبیره است و در هنگام وضو باید دست مرطوب را بر آن کشید؟  
- خیر.<sup>۴</sup>

### پای مصنوعی

\* معلولی که پاهایش قطع شده، و لذا از پای مصنوعی استفاده می‌کند، آیا به هنگام مسح پا لازم است روی پای مصنوعی را مسح بکشد، یا نیازی نیست؟  
- نیازی نیست.<sup>۵</sup>

\* کسی که پای مصنوعی دارد و به وسیله آن می‌تواند نماز را ایستاده بخواند گاهی به علت خستگی پا یا احتمال زخم شدن آن پای مصنوعی را در آورده و نشسته نماز می‌خواند آیا واجب است همیشه با پای مصنوعی به طور ایستاده نماز بخواند یا می‌تواند نشسته هم بخواند؟  
- تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند نباید بنشیند ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.<sup>۶</sup>

\* اگر فردی بخواهد تمام نماز را با پای مصنوعی و به صورت ایستاده بخواند موجب ضرر یا عسر و حرج می‌شود آیا می‌تواند بعضی رکعات نماز را نشسته بخواند؟

۱. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۶۷-۶۸.

۲. توان‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۱۹.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۶. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۵۹؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۷۰؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۶.

- اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود باید بنشیند.<sup>۱</sup>

### کفش طبی

\* پاهای فردی به گونه‌ای دچار آسیب شده که دائماً باید کفش‌های طبی به پا داشته باشد، و بیرون آوردن کفش‌ها برای مسح پا، بالاخص خارج از منزل، بسیار مشقت دارد. وظیفه این شخص چیست؟  
- اگر با کمک کسی بتواند بدون حرج و مشقت زیاد بر خود پا مسح کند لازم است و اگر میسر نبود مسح پا ساقط است.<sup>۲</sup>

\* معلولی به خاطر فلج شدن هر دو پا، به مساعدت کفش طبی و عصا راه می‌رود. از آن جا که بیرون آوردن کفش طبی در موقع وضو به هیچ وجه امکان ندارد، تکلیف شرعی او در ارتباط با مسح پاها چیست؟  
- باید تیمم کند و بهتر است وضو نیز بدون مسح پا انجام دهد.<sup>۳</sup>

### حرکات غیر ارادی

\* آیا حرکات غیر ارادی اعضای وضو در افرادی که معلولیت جسمی دارند، به هنگام وضو یا مسح کشیدن، وضو را دچار اشکال می‌کند؟  
- اشکال ندارد.<sup>۴</sup>

### عقیم سازی

\* آیا به پزشکی که مرد یا زن را عقیم کند دیه واجب می‌شود؟  
- اگر با تمایل خود آنها باشد دیه ندارد.<sup>۵</sup>

### جلوگیری از فرزند دار شدن

\* با توجه به اینکه بخشی از معلولیت‌ها از طریق وراثت و ژنتیک منتقل می‌شود و فرزندان زوجه یا زوج معلول خواهند شد، تکلیف آنان چیست؟ آیا جهت جلوگیری از فرزنددار شدن، این معلولین می‌توانند اقدامی داشته باشند؟

۱. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۱۵۹-۱۶۰؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۶۹؛ توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۹۵۵.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۳. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۴. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۵. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۳۷-۲۳۸؛ مسائل جدید، ج ۳، ص ۱۴۳-۱۴۴.

- اشکال ندارد.<sup>۱</sup>

### قطع یا فلج عضو

\* برای جلوگیری از بارداری عمل جراحی انجام می‌گیرد حکم شرعی آن را بیان فرمایید؟  
- فی حد ذاته، اشکال ندارد مگر این که عضوی را قطع یا فلج نمایند.<sup>۲</sup>

### پیوند اعضا

\* قطع عضو مسلمان مرده، مانند چشم و دستش برای پیوند زدن به بدن زنده جایز نیست، و اگر کسی چنین کند، بر او دیه لازم می‌آید. و دفن آن عضو قطع شده واجب است، ولی اگر پیوند زد و عضو زنده‌ای از بدن شد، قطع آن واجب نیست.<sup>۳</sup>

\* اگر حفظ زندگی مسلمانی، بر قطع عضوی از اعضای بدن مسلمان مرده متوقف باشد، قطع آن جایز است. لکن بر قطع کننده دیه لازم می‌آید و هرگاه این عضو به بدن زنده پیوند زده شود، جزو آن به شمار می‌رود و احکام بدن زنده بر آن جاری می‌شود.<sup>۴</sup>

\* مراد از میت در مسائل یاد شده کسی است که ریه‌ها و قلب او کاملاً متوقف باشند و بازگشتی نداشته باشد. و اما کسی از نظر مغزی مرده است در حالی که قلب و ریه او هر چند به کمک دستگاه وظیفه خود را انجام می‌دهند میت شمرده نمی‌شود و قطع اعضای او برای الحاق به زنده به هیچ وجه جایز نیست.<sup>۵</sup>

\* برداشتن بخشی از بدن انسان زنده برای پیوند زدن در صورتی که قطع آن زیان مهمی داشته باشد مانند چشم و دست و امثال آنها جایز نیست، ولی اگر زیان مهمی نداشته باشد مانند قطعه‌ای از پوست یا نخاع یا یک کلیه در صورت سالم بودن کلیه دیگر با فرض رضایت صاحبش جایز است اگر کودک یا دیوانه نباشد وگرنه به هیچ وجه جایز نیست و هرگاه قطع آن جایز بود گرفتن پولی به ازای آن نیز جایز است.<sup>۶</sup>

\* اهدای خون به بیماران نیازمند به آن، و همچنین گرفتن پولی به ازای آن جایز است.<sup>۷</sup>

۱. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

۲. احکام شرعی ویژه کودکان و دانش‌آموزان استثنایی، ص ۲۳۷؛ مسائل جدید، ج ۲، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۳. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵۴.

۴. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵۵.

۵. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵۶.

۶. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵۷.

۷. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵۸.

\* بریدن عضوی از بدن کافر مرده‌ای که خورش محترم نیست و یا مشکوک‌الحال است، برای پیوند زدن به بدن مسلمان جایز است، و پس از آن احکام بدن مسلمان بر آن جاری می‌شود؛ زیرا جزئی از بدن او به شمار می‌رود. همچنین پیوند زدن عضوی از اعضای بدن حیوان نجس‌العین مانند سگ به بدن مسلمان اشکالی ندارد، و احکام بدن مسلمان بر آن جاری می‌گردد، و به دلیل آنکه جزئی از بدن شخص زنده به شمار می‌رود و زندگی در آن جریان یافته است، احکام بدن مسلمان بر آن مترتب می‌شود.<sup>۱</sup>

\* با پیشرفت‌های پزشکی هم اکنون قرنیه چشم و حلزون گوش برای نابینایان و ناشنوایان پیوند زده و بینایی و شنوایی آنها را برمی‌گردانند. برای این عمل از قرنیه چشم و حلزون گوش فردی که تازه فوت کرده استفاده می‌نمایند، حکم این مسأله چیست؟  
- قطع عضو میت مسلمان در چنین موردی جایز نیست ولی اگر خود او وصیت کرده باشد دیه لازم نیست اما از غیر مسلمان اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

\* هدیه کردن کلیه مثلاً از آدمی زنده برای زنده دیگر و یا با وصیت مرده‌ای برای زنده اعم از مسلمان برای کافر و یا به عکس، جایز است؟ و آیا فرقی میان اعضاء هدیه شده وجود دارد؟  
- برداشتن عضوی از شخص زنده برای شخص زنده دیگر و پیوند آن به بدن دیگری اگر او را با خطر جدی روبرو نکند مانعی ندارد مانند آنکه شخصی که کلیه دیگرش سالم است و کار می‌کند کلیه دومش را به بیمار کلیوی اهدا کند، و همچنین بریدن عضوی از اندام شخص مرده با وصیت او و پیوند دادن آن به شخص دیگر هرگاه میت، مسلمان و یا در حکم مسلمان نباشد باز مانعی ندارد، زیرا نجات یک انسان مسلمان موقوف به آن است، و اما در غیر این دو صورت در نفوذ وصیت و در صحت آن و در جواز قطع عضوی از وی، اشکال است اما به هر حال اگر طبق وصیت عضوی از مرده مسلمان بریده شد برای قطع کننده آن، دیه واجب نمی‌شود.<sup>۳</sup>

\* آیا اهدا قلب و یا کلیه و دیگر اعضاء اشکال شرعی دارد؟  
- اگر وصیت کرده باشد که قلب یا کلیه‌اش را بعد از فوت به دیگری بدهند در صورتی که حفظ حیات مسلمانی بر آن متوقف نباشد نفوذ وصیت و جواز قطع محل اشکال است.<sup>۴</sup>

### جنین ناقص

۱. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵۹.

۲. توازن‌نامه، ش ۴-۶، ص ۲۲۱.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

\* گاهی پزشکان، چنان تشخیص می‌دهند که جنین بیماری خطرناکی دارد و اگر زاده شود او ناقص الخلقه خواهد بود و یا پس از اندک زمانی، خواهد مرد و پزشکان، ترجیح می‌دهند که جنین را ساقط کنند آیا چنان حقی را دارند؟ و آیا مادر می‌تواند خود را در اختیار پزشکان قرار دهد تا جنین او را درآورند؟ و سرانجام دیه او به عهده کیست؟

- تنها بدین جهت که جنین ناقص الخلقه و یا پس از تولد، فقط مدت کوتاهی زنده خواهد بود، مجوز سقط جنین نمی‌شود پس مادر نمی‌تواند اجازه چنین کاری را به پزشکان بدهد و آنان نیز نمی‌توانند جنین را خارج کنند و دیه بر عهده کسی است که عملاً به چنان کاری دست زده است.<sup>۱</sup>

\* از نظر شرع سقط کردن کودکی که در شکم مادر است و مشخص شده که معلول است در صورت اینکه زیر ۴ ماه باشد چگونه است؟ اگر از ۴ ماه بگذرد چگونه است؟  
- بعد از ولوج روح مطلقاً جایز نیست و قبل از آن اگر حفظ جنین برای مادر ضرری یا حرجی باشد سقط آن مانعی ندارد.<sup>۲</sup>

\* حکم اسقاط جنین معلول عقب مانده ذهنی یا ناقص الخلقه چیست؟  
- در هیچ حالی جایز نیست مگر این که بقای آن در شکم مادر برای او موجب ضرر و یا حرج فوق تحمل باشد و روح در او دمیده نشده باشد.<sup>۳</sup>

\* خانمی به مدت شش هفته از حاملگی ایشان گذشته اوبه علت بیماری و دستور پزشک جنین را سقط نموده اند آیا این کار دیه دارد و اگر دارد بر عهده چه کسی است؟  
- دیه بر عهده کسی است که مباشر در اسقاط بوده است.<sup>۴</sup>

\* زنی که ۲ هفته حامله است و ۲ فرزند دارد و می‌خواهد سقط جنین کند چه حکمی دارد؟  
(می‌ترسد که چون دارو استعمال کرده فرزند ناقص باشد؟)  
- سقط جنین جایز نیست مگر اینکه نگه داشتن آن برای مادر ضرری باشد یا مشقت زیاد داشته باشد که در این صورت سقط آن مادامی که ولوج روح نشده باشد مانعی ندارد.<sup>۵</sup>

\* آیا می‌شود جنین ناقص الخلقه در هنگام حمل با علم به آن به وسیله دستگاه‌های پزشکی اسقاط نمود یا نابود کرد؟  
- جایز نیست.<sup>۱</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۴. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۵. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

\* آیا سقط جنین چهار ماهه که طبق نظر دکتر پس از تولد زنده نمی ماند و فلج مطلق خواهد بود صحیح است؟  
- جایز نیست.<sup>۲</sup>

\* خانمی در ماه های آخر حاملگی (ماه هشتم یا نهم) پس از سونوگرافی به تشخیص پزشکان جنین او ناقص الخلقه است و قطع نخاع و از نظر بیماری های مغزی دارای مشکل بسیار زیاد می باشد که معلوم نیست در حال زایمان و پس از زایمان بمیرد یا زنده بماند از طرفی مادرش با شنیدن این خبر تعادل خود را از دست داده و به شدت روحش در عذاب است آیا سقط جنین جایز است؟ زیرا نگهداری چنین فرزندی برای خانواده اش قابل تحمل نیست؟  
- حرام است.<sup>۳</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۳. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.



## احکام ژنتیک

\* برخی بیماری‌های ارثی هستند که از پدران به فرزندان انتقال می‌یابد و زندگانی آنها را به مخاطره می‌اندازد. علم جدید راه نجات برخی از مرض‌ها را یافته است بدین ترتیب که تخمک زن را در لوله خارجی کشت می‌کنند و جنین‌های به وجود آمده را کنترل می‌کنند و سالم را از بین آنها انتخاب و در رحم مادر کشت می‌کنند، بقیه را از میان می‌برند آیا چنین عملی شرعاً جایز است؟  
- مانعی ندارد.<sup>۱</sup>

\* با توجه به اینکه بخشی از معلولیت‌ها از طریق وراثت و ژنتیک منتقل می‌شود و فرزندان زوجه یا زوج معلول خواهند شد، تکلیف آنان چیست؟ آیا جهت جلوگیری از فرزنددار شدن، این معلولین می‌توانند اقدامی داشته باشند؟  
- اشکال ندارد.<sup>۲</sup>

---

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. استفتاء از دفتر آیت الله العظمی سیستانی، ۱۳۹۴. سند استفتاء در دفتر فرهنگ معلولین موجود است.

## احکام

### هبه

\* ۱- اهدای عضو از شخص زنده به شخص زنده دیگری چه حکمی دارد؟ ۲- اهدای اعضای افراد مرگ مغزی چه حکمی دارد؟ ۳- اگر خود شخص وصیت کرده باشند که بعد از مرگ چنین کاری انجام شود چی؟

۱- برداشتن بخشی از بدن انسان زنده برای پیوند زدن در صورتی که قطع آن زیان مهمی داشته باشد مانند چشم و دست و امثال آنها جایز نیست، ولی اگر زیان مهمی نداشته باشد مانند قطعه‌ای از پوست یا نخاع یا یک کلیه در صورت سالم بودن کلیه دیگر با فرض رضایت صاحبش جایز است اگر کودک یا دیوانه نباشد و گرنه به هیچ وجه جایز نیست و هرگاه قطع آن جایز بود گرفتن پولی به ازای آن نیز جایز است. و قطع عضو مسلمان مرده، مانند چشم و دستش برای پیوند زدن به بدن زنده جایز نیست، و اگر کسی چنین کند، بر او دیه لازم می‌آید. و دفن آن عضو قطع شده واجب است، ولی اگر پیوند زده شد و عضو جزو بدن زنده شد، قطع آن واجب نیست.

۲- اگر کسی که از نظر مغزی مرده است در حالی که قلب و ریه او هر چند به کمک دستگاه وظیفه خود را انجام می‌دهند شرعاً مرده شمرده نمی‌شود و قطع اعضای او برای الحاق به افراد زنده به هیچ وجه جایز نیست.

۳- نفوذ وصیت به اهدای عضو بعد از مرگ مشکل است.<sup>۱</sup>

\* آیا اهدا قلب و یا کلیه و دیگر اعضاء اشکال شرعی دارد؟

- اگر وصیت کرده باشد که قلب یا کلیه‌اش را بعد از فوت به دیگری بدهند در صورتی که حفظ حیات مسلمانی بر آن متوقف نباشد نفوذ وصیت و جواز قطع محل اشکال است.<sup>۲</sup>

\* هدیه کردن کلیه مثلاً از آدمی زنده برای زنده دیگر و یا با وصیت مرده‌ای برای زنده اعم از مسلمان

برای کافر و یا به عکس، جایز است؟ و آیا فرقی میان اعضاء هدیه شده وجود دارد؟

- برداشتن عضوی از شخص زنده برای شخص زنده دیگر و پیوند آن به بدن دیگری اگر او را با خطر جدی روبرو نکند مانعی ندارد مانند آنکه شخصی که کلیه دیگری را سالم است و کار می‌کند کلیه دومش را به بیمار کلیوی اهدا کند، و همچنین بریدن عضوی از اندام شخص مرده با وصیت او و پیوند دادن آن به شخص دیگر هرگاه میت، مسلمان و یا در حکم مسلمان نباشد باز مانعی ندارد، زیرا نجات یک انسان مسلمان موقوف به آن است، و اما در غیر این دو صورت در نفوذ وصیت و در صحت آن و در

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

جواز قطع عضو از وی، اشکال است اما به هر حال اگر طبق وصیت عضوی از مرده مسلمان بریده شد برای قطع کننده آن، دیه واجب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

\* اهدای خون به بیماران نیازمند به آن، و همچنین گرفتن پولی به ازای آن جایز است.<sup>۲</sup>

\* کسی که می‌خواهد خمس مالش را به فقیر بدهد لازم نیست به فقیر اطلاع دهد آنچه به او می‌دهد خمس است و همین قدر که در دل قصد پرداخت و اداء خمس داشته باشد کافی است هرچند در ظاهر به عنوان پیشکش و هدیه پرداخت نماید.<sup>۳</sup>

۱. وب سایت آیت الله العظمی سیستانی.

۲. توضیح المسائل آیت الله العظمی سیستانی، م ۲۸۵۸.

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۴۴۱.



## منابع و مأخذ

احکام شرعی (ویژه کودکان و دانش آموزان استثنایی)، تهیه شده در سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور و مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، سازمان آموزش و پرورش استثنایی، چاپ اول، ۱۳۸۷.

توضیح المسائل با تجدید نظر و اضافات و اصلاحات، مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی مدظله، دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی، قم، چاپ سی و یکم، ۱۴۳۵ق.

توضیح المسائل جامع، حضرت آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی مدظله، جلد ۱، مشهد، ۱۳۹۴.

توضیح المسائل مراجع، مطابق با فتاوی شانزده نفر از مراجع معظّم تقلید، سید محمد حسن بنی هاشمی خمینی، با همکاری حجة الاسلام اصولی و دیگران، جلد اول و دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۳.

فقه برای غرب نشینان، مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی سیستانی، عبدالهادی محمدتقی حکیم، ترجمه سید ابراهیم سید علوی، دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی مدظله، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

مجله توان نامه، ش ۴-۶، دفتر فرهنگ معلولین، قم، فروردین - شهریور ۱۳۹۳.

مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، به کوشش سید محسن محمودی، جلد دوم، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج)، ورامین، چاپ دوازدهم، زمستان ۱۳۹۱. جلد چهارم، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج)، ورامین، چاپ پنجم، بهار ۱۳۸۸. جلد پنجم، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان (عج)، ورامین، چاپ دوم، زمستان ۱۳۹۰.

مناسک حج، مطابق با فتاوی حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید علی حسینی سیستانی مدظله، دفتر حضرت آیت الله العظمی سیستانی مدظله، قم، چاپ هفدهم، ۱۴۳۲ق.

ملحقات مناسک حج، برگرفته از وب سایت آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی.

وب سایت آیت الله العظمی سید علی حسینی سیستانی ([www.sistani.org](http://www.sistani.org)).

وب سایت بانک جامع اطلاعات معلولان ([www.datadisability.com](http://www.datadisability.com)).

وب سایت دفتر فرهنگ معلولین ([www.handicapcenter.com](http://www.handicapcenter.com)).

وب سایت سازمان بهزیستی کل کشور ([www.behzisti.ir](http://www.behzisti.ir)).



دفتر فرهنگ معلولین  
دار الثقافة للمعوقين  
Handicap Cultural Center

# رساله عملیه معلولان

فتاویٰ آیت اللہ العظمیٰ سید علی حسینی سیستانی حفظہ اللہ

